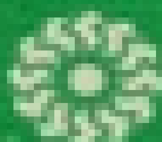
۹۱

ترجمه

بحار الأنوار

الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار

از محدث کبیر شیعه علامه محمد باقر مجلسی ره



ترجمه بحار الأنوار

مشخصات کتاب

سرشناسه : مجلسی، محمد باقربن محمدتقی، 1037 - 1111ق.

عنوان قراردادی : بحار الانوار .فارسی .برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : ترجمه بحارالانوار/ مترجم گروه مترجمان؛ [برای] نهاد کتابخانه های عمومی کشور.

مشخصات نشر : تهران: نهاد کتابخانه های عمومی کشور، موسسه انتشارات کتاب نشر، 1392 -

مشخصات ظاهری : ج.

شابک : دوره : 978-600-7150-66-5 ؛ ج.1 : 978-600-7150-67-2 ؛ ج.2 : 978-600-7150-68-9 ؛ ج.3 : 978-600-7150-69-6 ؛ ج.4 : 978-600-715070-2 ؛ ج.5 : 978-600-7150-71-9 ؛ ج.6 : 978-600-7150-72-6 ؛ ج.7 : 978-600-7150-73-3 ؛ ج.8 : 978-600-7150-74-0 ؛ ج.10 : 978-600-7150-76-4 ؛ ج.11 : 978-600-7150-83-2 ؛ ج.12 : 978-600-7150-66-5 ؛ ج.13 : 978-600-7150-85-6 ؛ ج.14 : 978-600-7150-86-3 ؛ ج.15 : 978-600-7150-87-0 ؛ ج.16: 978-600-7150-88-7 ؛ ج.17: 978-600-7150-89-4 ؛ ج.18: 978-600-7150-90-0 ؛ ج.19: 978-600-7150-91-7 ؛ ج.20: 978-600-7150-92-4 ؛ ج.21: 978-600-7150-93-1 ؛ ج.22: 978-600-7150-94-8 ؛ ج.23: 978-600-7150-95-5

مندرجات : ج.1. کتاب عقل و علم و جهل.- ج.2. کتاب توحید.- ج.3. کتاب عدل و معاد.- ج.4. کتاب احتجاج و مناظره.- ج. 5. تاریخ پیامبران.- ج.6. تاریخ حضرت محمد صلی الله علیه وآله.- ج.7. کتاب امامت.- ج.8. تاریخ امیرالمومنین.- ج.9. تاریخ حضرت زهرا و امامان والامقام حسن و حسین و سجاد و باقر علیهم السلام.- ج.10. تاریخ امامان والامقام حضرات صادق، کاظم، رضا، جواد، هادی و عسکری علیهم السلام.- ج.11. تاریخ امام مهدی علیه السلام.- ج.12. کتاب آسمان و جهان - 1.- ج.13. آسمان و جهان - 2.- ج.14. کتاب ایمان و کفر.- ج.15. کتاب معاشرت، آداب و سنت ها و معاصی و کبائر.- ج.16. کتاب مواعظ و حکم.- ج.17. کتاب قرآن، ذکر، دعا و زیارت.- ج.18. کتاب ادعیه.- ج.19. کتاب طهارت و نماز و روزه.- ج.20.

کتاب خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، عقود و معاملات و قضاوت

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

یادداشت : ج.2 - 8 و 10 - 16 (چاپ اول: 1392) (فیپا).

موضوع : احادیث شیعه -- قرن 11ق.

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور، مجری پژوهش

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور. موسسه انتشارات کتاب نشر

رده بندی کنگره : BP135/م3ب3042167 1392

رده بندی دیویی : 297/212

شماره کتابشناسی ملی : 3348985

ص: 1

اشاره

ترجمه

بحار الانوار

جلد 91

کتاب ذکر و دعا - 2

ترجمه: گروه مترجمان

ص: 3

نام کتاب: ترجمه بحارالانوار،جلد 91

مولف: علامه محمد باقر مجلسی

مترجم: گروه مترجمان

ناشر: نهاد کتابخانه های عمومی کشور

آدرس نهاد: تهران - بلوارکشاورز - خیابان فلسطین - کوچه شهید ذاکری

ص: 4

فهرست

{ادامه بابها از جلد قبل }

{ادامه بابها از جلد قبل }

باب بیست و هشتم : شفیع قرار دادن محمد و آل محمد در دعا؛ و نیز دعاهایی در باب روی آوردن به پیشگاه آن بزرگواران؛ و صلوات بر ایشان و توسل به آن حضرات علیهم السلام

روایات:

الخصال(1)

و امالی: امام باقر علیه السلام فرمود: همانا بنده ای هفتاد خریف - که هر خریف معادل هفتاد سال است - در جهنم میماند. سپس او از خداوند چنین درخواست می کند: خداوندا به حق محمد و آل محمد به من رحم کن. خداوند جل جلاله به جبرئیل وحی می کند که به نزد بنده ام رفته و او را از آن جا بیرون آور. جبرئیل می گوید: خداوندا، من چگونه می توانم در آتش فرود آیم. خداوند به او می فرماید: من به آتش دستور دادم که برای تو سرد و امن باشد. جبرئیل باز می پرسد: خداوندا، من چگونه مکان او را پیدا کنم؟ خداوند می فرماید: او در چاهی از جهنم است. جبرئیل به درون آتش فرود آمده و او را در حالی که در قید و زنجیر و به صورت افتاده است، یافته و از آن جا خارج می کند. آن گاه خداوند عزوجل می فرماید: ای بنده من، چه مدتی در آتش مرا سوگند می دادی؟ او جواب می دهد: مدت آن را نمی دانم. خداوند میفرماید: بدان، به عزتم سوگند که اگر مرا به حق محمد و آل محمد سوگند نمیدادی،

بیشتر از این تو را در آتش خوار و ذلیل نگه می داشتم. اما من برخودم واجب نموده ام که هر بنده ای که مرا به حق محمد و آل

1- . الخصال 2 : 140[1]

1. محمد صلوات الله علیهم سوگند دهد، هر آن چه را که میان من و او باشد، میبخشم. و امروز من تو را بخشیدم.(1).

معانی الاخبار: همانند این حدیث نقل شده است.(2).

ثواب الاعمال: با سندی متفاوت، همانند این حدیث نقل شده است.(3).

مجالس المفید: امام باقر علیه السلام از پدرش از جدش روایت نموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون روز قیامت فرا رسد و بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ روند، بندهای هفتاد خریف در جهنم میماند. سپس ادامه حدیث را ذکر نموده و در آخر آن این عبارت را افزوده است: سپس امر می کند که او را به بهشت ببرند.(4).

2. امالی: همانند این حدیث را آورده تا آن جا که می فرماید: آن بنده هفتاد خریف و هفتاد خریف در آتش خداوند را سوگند می دهد و خریف هم عبارت است از هفتاد سال و هفتاد سال و هفتاد سال. و بعد ادامه حدیث را آورده تا آن جا که می فرماید: او در چاهی از جهنم است. و جبرئیل به سوی او فرود می آید در حالی که او در بند و به صورت افتاده است. گفتم: چه مدتی در آتش ماندی؟ گفت: نمی دانم که چقدر در آن جا بدنم سوخت و پوستی تازه بر بدنم رویید. سپس جبرئیل او را از آن جا خارج نموده و به پیشگاه خداوند می برد و خداوند به او می فرماید: ای بنده من... و بعد ادامه حدیث را ذکر می کند.(5).

3. امالی: هرکس خداوند را به واسطه ما بخواند، رستگار می گردد و هرکس به واسطهای غیر از ما بخواند، هلاک گشته و به هلاکت می کشاند.(6).

احتجاج: محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری روایت نموده که بعد از پرسشهای زیادی که مطرح شد، توقیعی از ناحیه مقدس امام زمان (عج) صادر شد

1- . امالی الصدوق: 398

2- . معانی الاخبار : 226

3- . ثواب الاعمال : 139
4- . مجالس المفيد : 136
5- . امالى 2 : 288
6- . امالى 1 : 175

1. که چنین است: بسم الله الرحمن الرحیم... شما نه درباره دستورات خداوند تفکر می کنید و نه این که از اولیای خداوند سخنی را می پذیرید. این حکمت رسایی است و بیم و انذار انسان های بی ایمان را سودی نمی بخشد. سلام و درود بر ما و بر بندگان شایسته خداوند. هرگاه خواستید که به واسطه ما به درگاه خداوند و به پیشگاه ما روی آورید، این دعا را بخوانید چنان که خداوند عزوجل فرموده است:

سلام بر آل یاسین؛ سلام بر تو ای دعوت کننده الهی و عارف (دانای بزرگ) به آیات او. سلام بر تو ای واسطه خداوند و حاکم و قاضی (داور) دین او. سلام بر تو ای جانشین خدا و یاری کننده حق او. سلام بر تو ای حجّت خدا و راهنمای اراده او. سلام بر تو ای تلاوت گر و تفسیر کننده آیات او. سلام بر تو در تمام لحظه های شبانه ات و سرتاسر (ساعت های) روزت . سلام بر تو ای به جای مانده از طرف خداوند در زمین او. سلام بر تو ای پیمان محکم خداوند از بندگانش گرفته و استوارش کرده است. سلام بر تو ای وعده خدا که خود تضمینش کرده. سلام بر تو ای پرچم برافراشته ودانش ریزان وفریادرس (درماندگان)، و ای رحمت گسترده وآن وعده ای که دروغ نشود. سلام بر تو هنگامی که بپا می ایستی. سلام بر تو هنگامی که می نشینی. سلام بر تو هنگامی که قرائت (قرآن) می کنی و بیان (تفسیر) می کنی. سلام بر تو هنگامی که نماز می گزاری و قنوت می خوانی. سلام بر تو هنگامی که رکوع وسجده بجای آوری. سلام بر تو؛ هنگامی که خدا را ستایش می کنی و از او آمرزش می خواهی. سلام بر تو آن گاه که الله اکبر و لا اله الا الله می گویی. سلام بر تو هنگامی که بامداد کنی و شام کنی. سلام بر تو در شب آن گاه که (تاریکی اش گیتی را) فرو پوشد و در روز آن گاه که روشنایی اش آشکار گردد. سلام بر تو؛ ای امام امین (امان یافته). سلام بر تو؛ ای مقدم (بر همه خلق و) مورد آرزو(ی آنان) . سلام بر تو؛ همه ی سلام های جامع و فراگیر.

من تو را گواه می گیرم ای مولا و سرور من به این که من شهادت می دهم که معبودی جز خداوند یگانه و بی همتا نیست و این که (حضرت) محمد بنده و فرستاده اوست و محبوبی جز او وخاندانش نیست و گواه می گیرم تو را ای مولای من که علی أمیر

المؤمنین حجت خدا است و حسن حجّت اوست و حسین حجّت اوست و علیّ بن الحسین حجّت اوست و محمّد بن علی حجّت اوست و جعفربن محمّد حجّت اوست و موسی بن جعفر حجّت اوست و علیّ بن موسی حجّت اوست و محمّد بن علی حجّت اوست و علی بن محمّدحجّت اوست و حسن بن علی حجّت اوست وشهادت می دهم که تو حجّت خدایی. آغاز و انجام شمایید و مسلما بازگشت شما حق است که شکی در آن نیست، روزی که ایمان آوردن سودی ندارد اگر از قبل ایمان نیاورده باشند یا در حال ایمان خود کار نیک نکرده باشند . و این که مرگ حقّ است و ناکر و نکیر (دو فرشته سؤال قبر) حقّ است، و شهادت می دهم که زنده شدن پس از مرگ و برانگیخته شدن حق است، و (پل) صراط حق است، و ترازوی (سنجش اعمال) حساب رسی کردارها حق است، و بهشت و جهنم حق است، و نوید وهشدار به آن دو حق است. ای مولای من، آن کسی که با شما به مخالفت برخاست تیره بخت است و آن که شما را اطاعت کرد سعادتمند است. بر آن چه که تو را گواه و شاهد گرفتم، شاهد و گواه باش که من دوستدار تو هستم و از دشمنت بیزار. آن چه مورد رضایت شما باشد، حق است و آن چه موجب خشم و نارضایتی شما باشد، باطل است. و کار نیک همان است که شما بدان دستور فرموده اید، و منکر (و کار زشت) نیز همان است که شما از آن نهی نموده اید، پس دل من به خداوند یکتا و بی همتا ایمان دارد و به رسول او و به امیرالمؤمنان و به شما ای مولای من از اول تا آخرتان (ایمان دارد) و برای یاری شما آماده هستم و دوستی من فقط برای شماست. آمین آمین.

دعایی که در تعقیب این کلام آمده این است:

بسم الله الرحمن الرحیم: خداوندا، از تو درخواست می کنم که بر محمد؛ پیامبر رحمت و کلمه نور خود درود فرستی، و جان و دلم را از نور یقین آکنده سازی، و سینه ام را به نور ایمان، و فکر واندیشه ام را به نور نیت ها(ی خیر)، و عزم و اراده ام را به نور علم، و نیرویم را به نور عمل، و زبانم را به نور راستگویی و دین و عقیده ام را از جانب خود به نور بصیرت ها (آگاهی ها) منور سازی، و دیدگانم را به نور روشنایی، و گوشم را به نور حکمت، و دوستیم را (سرشار از) نور دوستی و محبت

برای محمد و آل آن حضرت نمایی، تا در حالی به ملاقات تو بشتابم که به عهدت و پیمانی که با تو داشتم، وفا نموده باشم پس رحمت تو مرا فراگیرد. ای صاحب اختیار، ای ستایش شده.

خداوندا درود فرست بر محمد حجت تو در روی زمینت، جانشین تو در شهرهایت، و دعوت کننده به سوی راهت و قیام کننده به عدل ودادت . و انقلاب کننده به دستور تو، دوست مؤمنان و نابودی کافران . بر طرف کننده تاریکی و روشن کننده حق و گویای به حکمت و راستی و آن کلمه (دستور و فرمان) کاملت در روی زمین که در حال انتظار و هراس به سر برد و آن سرپرست خیرخواه و کشتی نجات و پرچم هدایت و روشنی دیدگان مردم و بهترین کسی که جامه بر تن نموده و رداء بر دوش انداخته و زداینده گمراهی آن کس که پرکند زمین را از عدل و داد چنان چه پرشده باشد از ستم و بیدادگری که به راستی تو برهر چیز توانائی..

خداوندا، بر ولی و فرزند اولیایت درود فرست؛ آنان که فرض کردی فرمانبرداریشان را و واجب گرداندی حقشان را و هر گونه پلیدی را از آنان دور ساخته و آنان را پاک و پاگیزه گردانیدی. خداوندا، او را یاری کن و دینت را به وسیله او یاری نما. خداوندا، به وسیله او دوستداران خود و دوستداران او و پیروان و شیعیانش را یاری نما و ما را از جمله آنان قرار بده.

خداوندا پناه ده او را از شرّ هر ستمگر و سرکشی و از شرّ تمام آفریدگانت، و نگاهش دار از پیش رو و از پشت سرش و از سمت راست و از سمت چپش و نگهداریش کن ، نگاهش دار از این که پیش آمد بدی (آسیبی) برایش رخ دهد ، و در وجود او، پیامبر و آل پیامبرت را حفظ فرما، و آشکار کن به وسیله او عدل و داد را و تأییدش کن به یاری (و پیروزی) خود، و یارانش را یاری نما و کسانی را که از یاری او دست بردارند، خوار و ذلیل بدار. به واسطه او زورگویان کافر را نابود کن و نابود بگردان به وسیله او کفار و منافقین و تمام بی دینان را در هر جایی که باشند؛ چه در شرق های زمین و چه در غرب های آن و چه در خشکی و چه در دریا ، و به وسیله او زمین را پر از عدل و داد نموده، و دین پیامبرت صلی الله علیه و آله را آشکار گردان. خدایا مرا از یاران و کمک کاران و پیروان و شیعیانش قرار ده و به

من بنمایان در مورد خاندان محمد (علیهم السلام) آن چه را که آنان امید دارند، و در دشمنانشان آن چه را که از آن بیم دارند، نشانم ده. ای معبود حق، اجابت فرما، ای صاحب شکوه و بزرگواری، ای مهربان ترین مهربانان(1).

5. قصص الانبیاء: سلمان فارسی گوید: روزی از روزها خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودم که ناگهان یک عرب بادیه نشین سوار بر شتر آمد. او سلام کرد و پرسید: کدام یک از شما محمد هستید؟ حاضران به رسول خدا صلی الله علیه و آله اشاره کردند. آن بادیه نشین، گفت: ای محمد، بگو که در شکم شتر من چیست؛ تا من دریابم که دینی که تو آورده ای حق است و به خدای تو ایمان آورده و از تو پیروی کنم. پیامبر به او رو نمود و فرمود: حبیب من علی تو را راهنمایی می کند. آن گاه حضرت علی از افسار شتر گرفته و بر سینه آن دست کشید سپس رو به آسمان نمود و گفت: خداوندا، من به حق محمد و خاندان محمد و به نام های نیکت و به کلمات تامه ات از تو درخواست می کنم که این شتر را به سخن درآوری تا خودش در باره آن چه که در شکم دارد ما را آگاه سازد. ناگهان آن شتر به علی (درود بر او باد) رو نمود و گفت: ای علی، روزی از روزها این مرد بر من سوار شد تا به دیدار پسر عموی خود برود. و با من آمیزش کرد و اکنون من از او باردار هستم. آن عرب بادیه نشین گفت: وای بر شما، این پیامبر است یا آن یکی ؟ گفتند: پیامبر این است و آن یکی برادر و پسر عمویش هست. آن گاه آن عرب بادیه نشین گفت: گواهی می دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست و تو فرستاده خداوند هستی.

6. خرائج: عثمان بن جنید گوید: مردی نابینا نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از کور شدن خود شکایت نمود. حضرت به او فرمود که آفتابه را بیاور و وضو بگیر و دو رکعت نماز بخوان سپس این دعا را بخوان: خداوندا، من از تو درخواست می کنم و محمد را که پیامبر رحمت است واسطه قرار می دهم. ای محمد، من به واسطه تو به درگاه پروردگارت روی می آورم تا باشد که چشمانم را نور و جلا دهد. خداوندا شفاعت محمد را در مورد من بپذیر و خواسته خودم درباره

1- . الاحتجاج: 275-277

خودم را اجابت نما. ابن جنید گوید: ما سرگرم صحبت بودیم و طولی نکشید که آن مرد وارد مجلس شد گویی که هرگز نابینا نبوده است(1).

7. تفسیر عیاشی: امام رضا علیه السلام فرمود: هر گاه برای شما سختی و مشکلی پیش آمد از ما استعانت جسته و بوسیله ما از خداوند رفع مشکلات خود را بخواهید. و این است معنای سخن خداوند که فرمود: «خداوند نام های نیک دارد پس او را با آن نام ها بخوانید»(2).

آن گاه حضرت فرمود که امام صادق علیه السلام فرموده است: به خدا سوگند که مقصود از نام های نیک الهی ما هستیم که عمل هیچ کسی بدون معرفت ما مورد قبول خداوند قرار نمی گیرد. فرمود: پس خداوند را با همان نام ها بخوانید(3).

8. تفسیر امام حسن عسکری: امام علیه السلام فرمود: وقتی موسی به دریا رسید، خداوند به او وحی نمود: به بنی اسرائیل بگو که توحید مرا تجدید نموده و به قلب های خود ذکر محمّد صلی الله علیه و آله سید و سرور بندگان و کنیزان مرا مرور دهید و جان هایتان را بر ولایت علی برادر و وصی محمّد و اهل بیت پاک او عادت دهید و بگویید: خداوندا، تو را به جاه و مقام ایشان سوگند می دهیم که ما را از این آب عبور دهی، آن وقت این دریا برای شما همچون سطح زمین خواهد شد. موسی این مطلب را به آنان ابلاغ کرد. آنان گفتند: تو می خواهی ما را به کاری واداری که ما از آن کراهت داریم؟ مگر نه این است که ما از بیم مرگ از چنگ فرعون گریختیم و اکنون تو می خواهی با این کلمات ما را به سختی به عمق این آب بفرستی؟ ما نمیدانیم که با این کار، چه بر سر ما میآید. کالب بن یوحنا در حالی که سوار بر چهارپایی بود و آن خلیج چهار فرسخ بود، به موسی عرض کرد: ای پیامبر خدا، آیا خداوند تو را به این امر فرمان داده که ما این کلمات را بگوییم و وارد آب شویم؟ موسی فرمود: آری، او پرسید: اکنون تو به من همین دستور را می دهی؟ فرمود: آری. پس ایستاد و توحید خداوند و نبوت محمد صلی الله علیه و آله و

1- . این حدیث در کتاب مختار الخرائج و الخرائج یافت نشد.
2- . اعراف / 180
3- . تفسیر عیاشی : 2 / 42

ولایت علی علیه السلام و فرزندان طاهرینش را بر خود تجدید کرد و گفت: خداوندا به جاه و منزلت این افراد مرا از روی این آب به سلامت بگذران. سپس اسب خود را به درون دریا راند و اسب بر روی دریا دوید و ناگهان آب در زیر پای اسب همچون زمین نرم شد. او سوار بر اسب خود تا آخر خلیج رفت و با سرعت بازگشت. و به بنی اسرائیل گفت: ای بنی اسرائیل از موسی پیروی کنید که این دعا کلید درهای بهشت و قفل درهای جهنم و سبب نزول نعمت های الهی و موجب رضایت خداوند مراقب بسیار آفریننده است. اما بنی اسرائیل نپذیرفتند و گفتند ما فقط بر روی زمین راه میرویم. خداوند به موسی وحی نمود که با عصایت به دریا بزن و بگو: خداوندا، تو را به جاه و منزلت محمد و خاندان پاکش سوگند می دهم که این دریا را بشکافی. موسی هم چنین کرد و دریا شکافته شد. و تا آن سوی خلیج زمین پیدا بود. موسی گفت: اکنون وارد شوید. گفتند: زمین گل آلود است و می ترسیم که در گل فرو رویم. خداوند به موسی فرمود ای موسی بگو: خداوندا به مقام و منزلت محمد و خاندان پاکش زمین را خشک گردان. موسی چنین کرد و خداوند باد صبا را فرستاد و زمین کف دریا را خشک نمود. موسی به بنی اسرائیل گفت اکنون وارد شوید. گفتند: ای پیامبر خدا، ما دوازده قبیله از نسل دوازده پدر هستیم. اگر همگی وارد شویم، افراد هر قبیله تلاش می کنند که از قبیله ای دیگر جلو بزنند و ممکن است که شری برخیزد و اگر برای هر قبیله ای یک راه جداگانه باشد، از این مسئله در امان خواهیم ماند. خداوند به موسی دستور داد که به تعداد قبائل یعنی در دوازده نقطه از دریا در نزدیک آن جا با عصایش زده و بگوید: خداوندا به مقام و منزلت محمد و آل محمد، زمین کف دریا را برای ما آشکار ساخته و این گرفتاری را از ما دور ساز. این چنین بود که دوازده راه در دریا گشوده شد و زمینش هم با باد صبا خشک شد. موسی به قوم خود گفت: اکنون وارد شوید. گفتند: اگر هر گروهی از ما در راهی روان شود، از سرنوشت گروه های دیگر بی خبر می ماند. خداوند عزوجل به موسی فرمود: با عصای خود به کوه های بزرگ (آب) که میان این راه ها فاصله انداخته بزن. موسی با عصای خود بر آن زده و گفت: خداوندا، به مقام و منزلت محمد و خاندان پاک او قسمت می دهم که این آب ها را به صورت طبقه های پهناوری قرار دهی به گونه ای

که همدیگر را از میان آنها ببینند. آب به صورت طبقه های پهناوری درآمد و مردم می توانستند همدیگر را از این طبقه ها ببینند. و مردم وارد شدند وقتی که به آن سوی دریا رسیدند، فرعون و سپاهیانش وارد شدند و زمانی که اولین پیشاهنگ ها در شرف خارج شدن از دریا بودند آخرین سپاهیان فرعون وارد دریا شدند، خداوند به دریا دستور داد پس آنان را فرا گرفت و غرق ساخت. و یاران موسی غرق شدن فرعونیان را نظاره می کردند و این است معنای سخن خداوند که فرمود: ما فرعونیان را غرق نمودیم درحالی که شما به آنان می نگریستید.

خداوند خطاب به بنی اسرائیلی که در زمان حضرت محمد صلی الله علیه و آله بودند، فرمود: وقتی خداوند به خاطر کرامت و بزرگواری محمد صلی الله علیه و آله این همه را با نیاکان شما انجام داد و موسی به واسطه آنان به درگاه خداوند دعا نموده و تقرب جست،

آیا اکنون که شما محمد را دیده و دریافته اید، فکر نمی کنید که باید به او و خاندانش ایمان آورید(1)؟

9. تفسیر امام حسن عسکری: در داستان توبه بنی اسرائیل از پرستش گوساله چنین آمده است: خداوند به دوازده هزار نفر از بنی اسرائیل فرمان داد که شمشیر به دست گرفته گوساله پرستان را بکشند. و منادی ندا داد: نفرین خداوند بر کسی که با دست و پا از آنان حمایت کند و نفرین خداوند بر کسی که در هنگام حمله به گوساله پرستان برای شناختن آنان دقت کند که ممکن است او را دوست و یا خویشاوند خود یافته و در نیتجه او را رها ساخته و به فرد ناشناسی دیگری حمله ور شود. پس آنان که باید کشته می شدند سالم بمانند (کشته نشوند) . کسانی که مأمور کشتن گوساله پرستان شده بودند، گفتند: مصیبت ما از آنان سخت تر است زیرا ما با دستان خودمان، پدران و مادران و برادران و نزدیکان خود را میکشیم. در حالی که ما اصلا گوساله پرستی نکردیم اما خداوند ما و آنان را به مصیبتی همسان مبتلا ساخته است. آن گاه خداوند تعالی به موسی وحی نمود: من به این خاطر آنان را به این محنت دچار ساختم که آنان وقتی دیدند که عدهای به گوساله پرستی روی

1- . تفسیر امام حسن عسکری: 117-118

آوردهاند، از آنان دوری نجسته و با آن کارشان مخالفتی نکردند. به آنان بگو که هرکس به واسطه محمد و آل طاهرینش از خداوند بخواهد که کشتن کسانی را که به جهت گناهانشان سزوار کشتن هستند، برایش آسان سازد، موسی این مطلب را به قوم خود ابلاغ کرد. و آنان نیز همین گونه دعا کردند و خداوند این کار را برایشان آسان نمود. بگونهای که دیگر از کشتن گوساله پرستان، رنجشی احساس نمی کردند. کشتار در میان آنان ادامه یافت و آنان ششصد هزار نفر بودند و فقط دوازده هزار نفر از آنان گوساله نپرستیده بودند. خداوند به یکی از آنانی که هنوز کشتن به آنان نرسیده بود (از کشتن در امان مانده بودند)، توفیق نمود. او به یاران خود گفت: مگر نه این است که خداوند توسل به محمد و خاندان او را وسیله ای قرار داده است که هر کس با توسل به آنان از خداوند چیزی بخواهد هرگز نا امید نشده و خواسته اش رد نخواهد شد و پیامبران و فرستادگان الهی به آن بزرگواران توسل جستند، پس چرا ما توسل نجوییم. آنان جمع شدند و با گریه و زاری به درگاه پروردگار گفتند: پروردگارا، به مقام و منزلت محمد که گرامی است و به مقام علی که برترین و بزرگترین است و به مقام فاطمه که صاحب فضل و عصمت است و به مقام حسن و حسین که نوادگان سرور رسولان و سرور تمام جوانان اهل بهشت هستند و به مقام خاندان پاک آل طه و یس قسم می دهیم که از گناهان ما در گذر و از لغزش ما گذشت نموده و این کشتار را از میان ما بردار. در این هنگام از آسمان به موسی ندا رسید که: از کشتن دست بردار؛ چرا که برخی از آنان از من درخواستی نموده و مرا به چیزی سوگند داده که اگر این گوساله پرستان مرا چنین سوگند میدادند و برخی از آنان از من میخواستند که آنان را در مقابل گوساله پرستی معصوم بدارم، من آنان را توفیق داده و معصومشان می کردم. و اگر شیطان مرا چنین قسم می داد، او را هدایت می کردم و اگر نمرود و فرعون مرا چنین قسم می دادند، نجاتشان می دادم. این گونه بود که با این دعا، تکلیف کشتن از آنان برداشته شد و آنان با یکدیگر گفتند: ای افسوس و حسرت، چرا زود تر از این، با توسل به محمد و آل طاهرینش

به درگاه خداوند دعا نکردیم که خداوند ما را از شر این فتنه بدور داشته و ما را به بهترین وجه از گناهان به دور می داشت(1).

10. تفسیر امام حسن عسکری: خداوند می فرماید: {و زمانی که موسی برای قوم خویش، آب طلبید }(2)

یعنی بنی اسرائیل را به یاد آورید همان زمانی که موسی برای قومش آب طلبید. و آن زمانی بود که آنان در سرگردانی بودند و تشنگی امان از آنان بریده بود تا این که با گریه وزاری به سوی موسی آمده و گفتند: از تشنگی هلاک شدیم. موسی چنین دعا کرد: خداوندا، به حق محمد سرور پیامبران و به حق علی سرور امامان و به حق فاطمه بزرگ بانوی زنان، و به حق حسن سرور اولیاء و به حق حسین برترین شهداء و به حق عترت و جانشینان آنان سرور پاکان ، تو را سوگند می دهم که این بندگانت را آب بدهی. خداوند تعالی به موسی وحی نمود: با عصایت به سنگ بزن. موسی هم چنین کرد و از آن دوازده چشمه جوشید. و هر قبیله که از اولاد پدری از اولاد یعقوب بودند آبشخورش معلوم گردید که مزاحمتی در آبشخور دیگری ایجاد نشود. خداوند فرمود: از رزقی که خداوند به شما ارزانی داشته بخورید و بیاشامید و در زمین فساد نکنید. یعنی در زمین برای فساد و معصیت تلاش نکنید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس بر محبت ما اهل بیت پایدار بماند، خداوند تعالی جامی از محبتش به آن ها می نوشاند که هرگز آن را با چیزی عوض نکرده و چیزی را غیر از آن به عنوان کفایتکننده و محافظت کننده و یاریکننده نخواهند خواست، و هرکس در راه ولایت ما سختی ها را به جان بخرد، خداوند مقام و منزلت او را در روز قیامت چنان قرار می دهد که تمام افراد حاضر در صحرای محشر، چشمانشان از دیدن درجات او ناتوان باشد. و هر کدام از این دسته محبین ما، به درجات خود واقف میگردد همان طور که در دنیا به آن چه که پیش پای خود می بیند، واقف میگردد.

1- . تفسیر امام حسن عسکری : 120 و 121
2- . بقره / 60

سپس به او گفته می شود: تو در راه ولایت و محبت محمد و خاندان پاک او، مشکلات زیادی را به جان خریدی خداوند هم این اختیار را داده است که هر کسی از گرفتاران عرصه محشر را خواسته باشی، نجات دهی. او به عرصه محشر نگاهی انداخته و هر کسی را که در دنیا، با گفتار و رفتار یا نپذیرفتن غیبت (در مورد او) یا در حضورش به او نیکی نموده، انتخاب می کند. او این افراد را از میان انبوه مردم چنان انتخاب می کند که گویی درهم سالم را از ناسالم جدا میکند. سپس به او گفته می شود: اینان را در هر جایی از بهشت که خواسته باشی، جای بده. و او هم آن ها را به بهشت پروردگار می برد.

سپس به او گفته می شود: ما این اختیار را به تو دادهایم که هر کس از گرفتاران در جهنم را که خواسته باشی، ملاقات کنی و او هم نگاهی به جهنمیان می اندازد و همچون کسی که دینار را از براده های فلز جدا می کند، افرادی را از میان آنان جدا می کند. سپس به او گفته می شود: آنان را به هر جایی از جهنم که خواسته باشی، می توانی انتقال دهی. و او، آنان را به جایی از تنگناه های جهنم که خواسته باشد می برد.

خداوند تعالی به بازماندگان بنی اسرائیل که در زمان حضرت محمد صلی الله علیه و آله بودند،

فرمود: حال که، گذشتگان شما به محبت و ولایت محمد و خاندان او دعوت شده اند، و شما اکنون این محمد و آل محمد را می بینید و به هدف و خواسته و مقصود و مراد برتر که همان محبت وولایت محمد وخاندانش است رسیده اید، اینک شما نیز با تقرب به این بزرگواران، به خداوند تقرب بجویید و به خشم او نزدیک نشوید و با روی گرداندن از ما موجب دوری از رحمت خداوند نشوید(1).

می گویم: در باب قربانی کردن گاو و دیگر ابوابی که به داستان های انبیاء پرداخته بود،

روایات زیادی را در این باره نقل نمودیم.

1- . تفسیر امام حسن عسکری: 123

11. تفسیر امام حسن عسکری: خداوند میفرماید: {و هنگامی که از جانب خداوند کتابی که مؤید آن چه نزد آنان است برایشان آمد و از دیرباز [در انتظارش] بر کسانی که کافر شده بودند پیروزی می جستند ولی همین که آن چه [که اوصافش] را می شناختند برایشان آمد انکارش کردند پس لعنت خدا بر کافران باد}(1).

امام علیه السلام فرمود: خداوند در این آیه یهود را سرزنش نموده و فرموده: «ولما جائهم» یعنی همین یهودیانی که ذکر آنان آمد و برادران یهودی آنان «کتاب من عند الله» یعنی قرآن «مصدق» که کتاب آن ها یعنی تورات را تصدیق می کند و در تورات بیان شده است که محمد امّی - درس نخوانده - از فرزندان اسماعیل خواهد بود به وسیله بهترین بندگان خداوند بعد از او، علی ولی خداوند تأیید و یاری خواهد شد. «و کانوا» آن یهودیان «من قبل» قبل از این که محمد به پیامبری مبعوث گردد، «یستفتحون» از خداوند همواره، طلب پیروزی می کردند. «علی الذین کفروا» در مقابل کفار و دشمنانشان و خداوند نیز آنان را یاری نموده و پیروزشان می گردانید. این جاست که خداوند می فرماید: «فلما جاءهم» یعنی وقتی قرآن برای یهودیان فرستاده شد، «ما عرفوا» و آنان صفات و خصوصیات محمد را شناختند، «کفروا به» از روی حسادت و نافرمانی، نبوت او را انکار کردند. در نتیجه خداوند هم فرمود: پس لعنت خداوند بر کافران باد.

امام علی علیه السلام فرمود: خداوند به پیامبرش صلی الله علیه و آله خبر داد که یهود قبل از این که او به پیامبری مبعوث گردد، به او ایمان داشته و با نام او و اهدای درود بر او و خاندانش، بر دشمنانشان پیروزی می خواستند. امام علیه السلام فرمود: خداوند در زمان موسی و دوران بعد از او، به یهودیان دستور داده بود که هرگاه گرفتاری و مصیبتی برایشان پیش آمد، خداوند عزوجل را به حق محمد و خاندان پاکش خوانده و به واسطه آنان از خداوند پیروزی بخواهند. و آنان نیز همین کار را می کردند حتی یهود مدینه ده سال پیش از ظهور محمد صلی الله علیه و آله هرگاه که از سوی قبیله اسد و غطفان و گروهی از مشرکین مورد دشمنی و آزار و اذیت قرار

1- . بقره / 89

می گرفتند، با واسطه قرار دادن محمد و آل محمد، از خداوند می خواستند که شر مشرکین را از آنان کوتاه کند. زمانی، اسد و غطفان با سه هزار نیروی جنگی به جنگ با یهودی که در اطراف مدینه ساکن بودند، برخاستند. یهودیان که سیصد سوارکار جنگی بیش نداشتند، محمد و آل محمد را به درگاه خداوند واسطه قرار داده و از خداوند یاری خواستند و توانستند دشمنانشان را شکست داده و تار و مار نمایند.

اسد و غطفان به همدیگر گفتند: باید در جنگ با آنان، از سایر قبائل دیگر نیز کمک بگیریم. و با جمع آوری نیروهای جنگی از دیگر قبائل، نیروهایشان به سی هزار نفر رسید که به جنگ با آن سیصد نفر رفتند. یهودیان به درون خانه هایشان پناه بردند و مشرکان هم، آب و غذا را بر آنان بستند. یهودیان امان خواستند ولی آن ها امان نداده و گفتند: هیچ راهی نیست مگر این که مردانتان را بکشیم و زنان و فرزندان را اسیر نموده و اموالتان را غارت نماییم. یهود به یکدیگر گفتند: چه کار کنیم؟ بزرگ و خردمند آنان گفت: مگر نه این است که موسی علیه السلام به پدران شما و کسانی که بعد از آنان هستند دستور داده که به واسطه محمد و آل او، از خداوند یاری بخواهند. مگر نه این است که به شما دستور داده که در هنگام گرفتاری ها، به واسطه محمد و آل محمد، به درگاه خداوند دعا و زاری کنید؟ گفتند: بله، چنین است. گفت: پس دستور مورد نظر را انجام دهید. آنان هم به درگاه خداوند دعا نموده و گفتند: خداوندا، تو را به مقام و منزلت محمد و خاندان او، سوگند می دهیم که به ما آب برسانی چرا که ستم کاران آب را بر ما بستهاند و اکنون جوانان ما سست گشته و فرزندانمان بیرمق گشته و همگی در آستانه مرگ قرار داریم. خداوند باران سیل آسایی بر آن ها فرستاد که حوض ها و چاه ها و رودخانه ها و ظرف هایشان پر آب شدند پس گفتند: - هذه احدی الحسنیین - این یکی از دو نیکی است.

سپس آنان از بالای بام خانه هایشان وضعیت لشکریان دشمن را که اطراف خانه های آنان اردو زده بود بررسی کردند ، دیدند که باران خسارت های زیادی به آن ها وارد نموده و مواد غذایی آنان را فاسد نموده و جنگ افزارهای و اموالشان را هم خراب کرده است و عده ای از آن ها آن جا را ترک گفته بودند. چرا که این باران

در اوج گرما که معمولا از باران خبری نبوده،

باریدن گرفته بود. آن عده از نیروی باقیمانده دشمن به یهودیان گفتند: بر فرض که مشکل آب شما حل شده باشد، با مشکل غذا چه می کنید؟ اگر عده ای از ما این جا را ترک کردند، ما شما را رها نمیکنیم مگر این که بر شما پیروز شده و زن و فرزند و اموالتان را در اختیار گرفته و دلمان را خنک کنیم. یهودیان گفتند: همان خدایی که به خاطر دعا و شفیع قرار دادن محمد و آل محمد، ما را از تشنگی نجات داد، همان خداوند هم قادر است که ما را از گرسنگی نجات دهد. و همان خدایی که شر عده ای را از ما کم کرد، همو قادر است که شر بقیه را نیز از سر ما کم کند.

آن گاه، به مقام و منزلت محمد و آل محمد، از خداوند خواستند که به آنان غذا برساند. در این هنگام بود که یک قافله بزرگی که دو هزار شتر و استر و الاغ بار گندم و آرد با خود داشت، بدون این که متوجه سربازان شود، به سوی قریه آمدند و سربازان هم در خواب بودند و خداوند خواب آنان را سنگین قرار داده بود. و قافله بدون این که با مانعی روبرو شوند وارد قریه یهود شده و بارهای خود را افکنده و به مردم آن جا فروختند و از آن جا دور شدند در حالی که سربازانی که روستا را در محاصره داشتند، همچنان در خواب بودند. وقتی که آن کاروان از آن جا دور شدند، لشکریان نیز از خواب بیدار شده و جنگ با یهودیان را از سر گرفتند. لشکریان به همدیگر می گفتند: زود باشید عجله کنید که گرسنگی بر آنان فشار آورده است. و در برابر ما شکست خواهند خورد. یهود گفتند: هیهات، بلکه خداوند برای ما غذا فرستاد و شما خواب بودید. و آذوقه های چنین و چنان برای ما آمد. اگر می خواستیم می توانستیم شما را در خوابتان بکشیم. اما ما نخواستیم چنین کنیم. اکنون از این جا بروید واگر از خداوند می خواهیم که به حق محمد و آل او، همان طور که به ما آب و غذا داد، اکنون ما را بر شما پیروز و شما را خوار و ذلیل نماید. اما لشکریان نپذیرفتند. و یهود هم محمد و آل او را به درگاه خداوند شفیع قرار داده و از خداوند خواستند که به آبروی این بزرگواران، پیروزی نصیب شان کند. آنگاه آن سیصد نیروی جنگی یهود بر آن لشکر سی هزار نفری تاختند و برخی را کشتند و برخی را هم اسیر کردند و بقیه را تار و مار کردند. و با اسیرانی که گرفتند، سلامت و

آسایش اسرای خود را که در دست یهودیان گرفتار آمده بودند، تضمین کردند.(یعنی مشرکان از بیم این که مبادا یهودیان اسرای آن ها را بیازارد، از آزار و اذیت اسرای یهود امتناع می کردند.) چون محمد صلی الله علیه و آله از قوم عرب به پیامبری مبعوث شد، یهودیان، از روی حسادت او را تکذیب کردند. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند به واسطه توسل به محمد و آل او، این گونه یهودیان را بر مشرکان پیروز گردانید. هان، ای امت محمد صلی الله علیه و آله، در هنگام سختی ها و گرفتاری ها محمد و آل او را یاد کنید تا خداوند فرشتگان شما را بر شیاطینی که شما را هدف گرفته یاری کند. هرکدام از شما دو فرشته به همراه خود دارید. یکی در سمت راست شماست که کارهای خوبتان را می نویسد و دیگری در سمت چپ شماست که کارهای بدتان را ثبت و ضبط می کند و برای هر کدام از شما دو شیطان از جانب ابلیس فرستاده شده تا شما را گمراه سازد. پس هرگاه کسی، در دل خود وسوسهای احساس کرد خدا را یاد کند و بگوید: لاحول ولا قوه الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد و آله الطیبین. وقتی این ذکر را بگوید آن دو شیطان از او دور شده و به ابلیس شکایت می کنند و میگویند از عهده او بر نیامدیم و چاره ای جز این نیست که شیاطین سرکش را به کمک ما بفرستی. ابلیس هم نیروهای کمکی برای آن دو می فرستد. تا این که هزار نیرو به آن ها می دهد. هرگاه که شیاطین قصد فریب آن انسان مؤمن را داشته باشد و او خدا و محمد و آل پاکش را یاد کند، شیاطین هیچ راه نفوذی بر او نمی یابند. و به ابلیس می گویند: چاره ای جز این نیست که خودت با سپاهیانت به سراغ او رفته و او را وسوسه نموده و فریب دهی. ابلیس با سپاهیان خود، به سراغ او می رود و خداوند تعالی به ملائکه می فرماید: این ابلیس است که به سراغ فلان بنده من می رود. با او مقابله کنید. پس درمقابل هر شیطانی صد هزار فرشته به کمک آن بنده مؤمن می شتابند. فرشتگان سوار بر اسب آتشین، شمشیرها و نیزه ها و کمان ها و کاردهای آتشین و دیگر سلاح های آتشین با خود دارند و همچنان با سپاهیان ابلیس مبارزه می کنند و آنان را نابود می سازند وقتی ابلیس را دستگیرکرده و با سلاح های خود او را هدف می گیرند، شیطان می گوید: پروردگارا تو وعده ای به من داده ای و مرا تا زمان مشخص مهلت دادهای.

ص: 24

خداوند متعال به فرشتگان می فرماید: من به او وعده دادهام که جانش را نگیرم. اما وعده ندادهام که سلاح و عذاب و درد را بر او مسلط نکنم. با اسلحه هایتان او را بزنید و دلتان را خنک سازید. من جان او را نمی گیرم.

فرشتگان ابلیس را می زنند و به شدت مجروح می کنند و سپس رهایش می کنند. ابلیس همچنان به خاطر ضربه های به او وارد شده وکشته شدن اولاد و افرادش، اندوهگین است. و زخم های او التیام نمی یابد مگر این که صدای مشرکین را بشنود که کفر می گویند.

اگر این بنده مؤمن همچنان بر بندگی و اطاعت خداوند ویاد محمد و آل محمد باقی بماند، آن زخم ها نیز بر ابلیس باقی می ماند. ولی اگر بنده مومن راه خود را تغییر داد و به نافرمانی خداوند پرداخت، زخم های ابلیس التیام می یابد و کم کم ابلیس برآن بنده چیره می شود تا این که او را لگام زده و زین بر اومی نهد و بر پشتش سوار می شود. وقتی ازپشت او پیاده شد می گوید: اکنون دیگر پشت او مال ما شده است هر وقت که بخواهیم سوارش می شویم.

آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر می خواهید کاری کنید که اندوه و زخم ابلیس همچنان باقی بماند، همواره به یاد خداوند بوده و طاعت و بندگی او را بجای آورید و بر محمد و آل او درود بفرستید. ولی اگر راهی غیر از این برگزینید، به اسارت ابلیس در می آیید و برخی سپاهیان او بر پشت شما سوار می شوند.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: در زمان های قدیم معروف بود که برای حاجت گرفتن و قبولی دعاها، خداوند را به محمد و علی و خاندان این دو بزرگوار سوگند می دادند و اگر کسی دیرزمانی گرفتار بلا و مصیبت میماند، میگفتند چون او فراموش کرده که خدا را به محمد و آل پاکش سوگند دهد، همچنان گرفتار بلا مانده است.

یکی از نمونه های شگفت انگیز گشایش گرفتاری به خاطر شفیع قرار دادن آن بزرگواران دردعا، سرگذشت سه نفری است که در بیابان به سوی منطقه ای کوهستانی راه می پیمودند که ناگهان باران گرفت و آن ها به غاری که می شناختند،

پناه بردند تا از باران درامان باشند. بالای این غار سنگ بزرگی بود که روی کلوخ قرار داشت. کلوخ زیر سنگ گل شد و سنگ غلتید و بر دهانه غار قرارگرفت و راه غار را مسدود کرد و فضای غار تاریک گشت. آنان به همدیگر گفتند: هیچ رد پا و خبری از ما باقی نماند. خانواده های ما هیچ اطلاعی از سرنوشت ما ندارند و حتی اگر هم اطلاع یابند کاری از دست آن ها ساخته نیست. چون در توان هیچ آدمی زادی نیست که این سنگ بزرگ را از جا تکان دهد. به خدا قسم که این جا قبر ما خواهد شد. در همین مکان می میریم و از همین جا محشور می شویم.

آن گاه یکی از آن ها به بقیه گفت: آیا مگر نه این است که حضرت موسی علیه السلام و پیامبران بعد از او، به ما سفارش نموده اند که هرگاه گرفتار مصیبت و بلایی شدیم، دعا کنیم و خداوند را به محمد و آل پاکش علیهم السلام سوگند دهیم ؟ گفتند: درست است. گفت: چه مصیبتی بزرگتر از این. گفتند: دعا می کنیم و در دعایمان محمد و آل پاک او را واسطه قرار می دهیم و هر کدام از ما کار نیکی را که فقط برای رضای خدا انجام داده است به یاد آرد تا شاید خداوند ما را از این گرفتاری نجات دهد.

یکی گفت: خدایا اگر تو می دانی که من ثروتمند بودم و روزگار خوبی داشتم کاخ ها و خانه ها می ساختم. کارگران زیادی داشتم در بین آن ها مردی بود که به اندازه دو نفر کار می کرد. وقتی غروب می شد به او مزد یک نفر را می دادم ولی او گفت من کار دو نفر را انجام دادم و به اندازه مزد دو نفر حقوق می خواهم. و من به اوگفتم: قرار ما این بوده که به اندازه یک نفر کار کنی و خودت خواسته ای که بیشتر کار کنی بنابراین مزدی به خاطر کار بیشتر به تو نمی دهم. آن کارگر هم قهر کرد و بدون این که مزدش را بگیرد رفت. من با آن مبلغ بذر گندم خریدم و آن را کشت کردم محصول خوبی داد. بار دیگر کشت کردم و هر بار محصول خوبی می داد تا این که توانستم از محل درآمد آن، زمین و خانه و گله های شتر و گوسفند وگاو و بز و دیگرچهارپایان خریداری کنم. و توانستم از محل درآمد آن اثاث و برده و کنیز و فرش ها و اسباب و اثاثیه های فاخر خریداری نموده و درهم و دینار زیادی اندوختم. سال ها گذشت و آن کارگر در حالی که ضعیف و ناتوان و فقیر شده بود و

بینایی چشم ضعیف شده بود، نزد من آمد و گفت: ای بنده خدا آیا مرا می شناسی ؟ من همان کارگری هستم که آن روز به خاطر مزد یک روز قهر کردم و چون نیازی هم به آن نداشتم مزد یک روزم را هم نگرفتم. اما امروز تنگدستم و به مقدار دستمزد یک نفر راضی هستم. آن را به من بده. به او گفت: این زمین ها، و کشت زارها و خانه ها و قصر ها و گله های شتر و گوسفند و گاو و این برده ها و کنیزکان و این فرش ها و اسباب و اثاثیه های فاخر و این درهم و دینار مال تو، مبارکت باشد.مال توست.

او گریست و گفت: ای بنده خدا، این همه وقت مزد من پیش تو بوده واکنون مرا به مسخره گرفتی ؟ گفتم: من مسخره ات نمی کنم و آن چه می گویم از روی شوخی نیست بلکه جدی می گویم، این ها که نام بردم همه حاصل آن دستمزد توست بوسیله آن دستمزد تو، من این همه را بدست آوردم. اصل سرمایه از تو بوده است پس این ها همه تابع همان اصل سرمایه است. همه این ها برای توست پس همه آنها را به او تحویل دادم. خدایا اگر تو می دانی که من چنین کاری را فقط به امید پاداش تو و ترس از عقاب تو انجام داده ام،

خدایا تو را به محمد سوگند می دهم او که برترین و گرامی ترین بنده ات و سرور تمام بندگانت است و تو بوسیله خاندانش که از همه خاندان پیامبران برتر است، و به وسیله اصحابش که از یاران همه پیامبران گرامیتر هستند ، و امتش که از همه امت ها برتر هستند، به او شرافت و بزرگی بخشیده ای. امام علیه السلام فرمود: دراین هنگام یک سوم سنگ از جلوی غار کنار رفت و نور به درون غار راه یافت.

دیگری گفت: خدایا اگر تو می دانی که من گاوی داشتم آن را می دوشیدم و شیرش را برای مادرم می بردم تا اول او بنوشد و ته مانده آن را برای خانواده و فرزندانم می بردم. در یکی از شب ها باز دارنده ای پیش آمد (دیرتر نزد مادرم رفتم) و او را در خواب دیدم. من هم دربالین او ماندم تا این که بیدار شود و نخواستم که او را از خواب خوش بیدار کنم واین در حالی بود که خانواده وفرزندانم از شدت گرسنگی و تشنگی ناله می کردند. من بدون توجه به خانواده وفرزندانم بر بالین مادر ایستادم تا این که خودش بیدار شد. شیر را به او دادم که تناول کند تا

سیراب شد و بقیه را برای خانواده وفرزندانم بردم. خدایا اگر تو می دانی که من در این کار،

فقط رضایت تو و ثواب تو و ترس از عقاب تو را مد نظر داشتم. خدایا به حق محمد او که سرور تمام بندگانت هست و تو او را به واسطه خاندانش که برترین خاندان پیامبران است و به وسیله اصحابش که از یاران همه پیامبران گرامیتر هستند و به واسطه امتش که بهترین امت هاست شرف و برتری داده ای. امام علیه السلام فرمود: یک سوم دیگر سنگ نیز از دهانه غار کنار رفت و امید آن ها به نجات بیشتر شد.

سومی گفت: خدایا اگر تو می دانی که من عاشق زنی از بنی اسرائیل بودم. قصد او را کردم ولی او راضی نشد مگر این که صد دینار به او بدهم من هم که چیزی نداشتم، به خشکی و دریا و بیابان و کوهستان زدم و برای تهیه آن مبلغ چهار سال خطرها را به جان خریدم و بیابان ها و صحراها را پیمودم و در معرض خطرهای جانی قرار گرفتم تا این که بالاخره موفق شدم آن مبلغ را تهیه نموده و به او بدهم. او نیز خود را در اختیار من قرار داد. وقتی که در کنار او در بستر قرار گرفتم دیدم که بدن او می لرزد و به من میگوید: ای بنده خدا، من باکره هستم، مهری که خداوند نهاده جز با فرمان او زائل نکن. نیازمندی و گرفتاری سبب شد که خود را در اختیار تو قرار دهم. من که صد دینار را به او داده بودم از جا برخاسته و او را تنها گذاشتم. خدایا اگر تو میدانی که من این کار را فقط به امید ثواب تو و ترس از عذاب تو انجام دادم. خدایا به حق محمد ما را از این گرفتاری نجات بده. خدایا به حق محمد که برترین تمام بندگان توست و تو او را به واسطه خاندانش که برترین خاندان پیامبران است و به وسیله اصحابش که از یاران همه پیامبران گرامیتر هستند و به واسطه امتش که بهترین امت هاست شرف و برتری داده ای.

امام علیه السلام فرمود: دراین هنگام تمام صخره سنگ از دهانه غار کنار رفت و درحالی که می غلتید، با زبانی فصیح و رسا می گفت: به خاطر حسن نیتتان نجات یافتید. به واسطه محمد که برترین و گرامی ترین و سرور تمام بندگان

است و خاندان او از خاندان همه پیامبران برتر هستند و امت او بهترین امت هاست خوشبخت شدید و به درجات والایی دست یافتید(1).

12. تفسیر امام حسن عسکری: آیه «وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمانِكُمْ كُفَّاراً» (2)بیشتر

اهل کتاب بوسیله شبهه هائی که برای شما ایجاد می کنند، می خواهند شما را از دین برگردانند «حَسَداً مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ» به واسطه حسادتی که با شما دارند که به واسطه حضرت محمد صلی الله علیه و آله خدا شما را گرامی داشته «مِنْ بَعْدِ ما تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ» پس از این که معجزات را مشاهده کردند که گواه بر درستی گفتار حضرت محمد صلی الله علیه و آله و فضل علی علیه السلام بود. «فَاعْفُوا وَ اصْفَحُوا» چشم پوشی کنید از نادانی آن ها و با دلائلی که خدا داده با آن ها به مقابله بپردازید و یاوه سرایی های آن ها را باطل کنید. «حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ» تا خداوند نظر خود را در باره آن ها اجرا نماید کشتن در روز فتح مکه در آن موقع، آن ها را از شهر مکه و جزیره العرب اخراج می کنید و در آن جا کافری را نخواهید گذاشت «إِنَّ اللَّهَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» چون خداوند بر هر چیز قدرت دارد، آن چه به صلاح شما بوده انتخاب کرده که تنها خداوند را پرستش کنید و با آن مردم اهل کتاب، مدارا کنید و با جدال احسن و استدلال صحیح با آن ها روبرو شوید.

امام علیه السلام فرمود: ماجرا از این قرار بود که وقتی مسلمانان در جنگ احد، دچار شکست و خسارت شدند، چند روز بعد از آن، عده ای از یهودیان نزد عمار بن یاسر و حذیفه بن یمان آمده و به آن دو گفتند: آیا دیدید که در جنگ احد چه بر سر شما آمد؟ محمد همچون یک دنیا طلب میجنگد، گاهی پیروز می شود و گاهی هم شکست می خورد. از دین او برگردید. حذیفه به آن ها گفت: خداوند شما را لعنت کند. من از کنار شما می روم و به حرف های شما هم گوش نخواهم داد. من نگران دین و جان خود هستم و از کنار شما میروم. آن گاه او برخاست و به سرعت از آن ها دور شد. اما عمار از کنار آنان نرفت. بلکه به آنان

1- . تفسیر امام حسن عسکری: 178-182
2- . بقره/ 109

گفت: ای جماعت یهود، محمد صلی الله علیه و آله در جنگ بدر به یارانش وعده داد که اگر استقامت کنند، پیروز خواهند شد. آن ها استقامت کردند و پیروز هم شدند. و به آن ها وعده داد که اگر در جنگ احد هم استقامت کنند، پیروز می شوند، اما آن ها از دستور آن حضرت سرپیچی کردند و در نتیجه شکست خوردندد. ولی اگر یاران محمد از دستور او اطاعت کرده و استقامت می کردند، البته که پیروز می شدند.

یهودیان به او گفتند: ای عمار، با این پاهای نحیفی که داری، اگر از محمد اطاعت کنی، او حتما بر بزرگان قریش پیروز خواهد شد. عمار گفت: بله، قسم به خدایی که جز او خدایی نیست و او محمد را به پیامبری فرستاده است، محمد چنان فضل و حکمتی به من وعده داده است که نسبت به نبوت او آگاه گشته و فضل برادر و وصی او که بهترین بندگان بعد از اوست را دریافته ام و در برابر خاندان پاک او سر تسلیم فرود آورده ام. او به من دستور داده که در گرفتاری ها و امورات مهم دعا نموده و آنان را شفیع قرار دهم. و او به من وعده داده که هر گاه فرمان او را با دل و جان بپذیرم، بر انجام آن توانا گردم حتی اگر به من امر کند که آسمان را به زمین آورم و یا این که زمین ها را به آسمان برافرازم، خداوند بدنم را با این دو ساق نحیفم برای انجام دستور پیامبرش، توانا می گرداند.

یهودیان گفتند: ای عمار، به خدا سوگند که نه محمد در نزد خداوند چنین مقامی دارد و نه تو در نزد خداوند و محمد چنین جایگاهی داری. در میان آن ها چهل تن از منافقان نیز بودند. عمار از کنار آنان برخاست گفت: من حجت پروردگارم را به شما ابلاغ نموده و شما را نصیحت نمودم اما شما از نصیحت بیزارید. آن گاه عمار نزد رسول خدا رفت. رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: ای عمار، گزارش آن ماجرا بصورت کامل برایم آمد. اما، حذیفه دین خود را از شیطان و یاران شیطان نجات داد پس او از بندگان صالح خداوند است. اما تو، از دین خداوند دفاع نمودی، و برای محمد خیر خواهی کردی. پس تو از مجاهدان شایسته در راه خداوند هستی.

پیامبر صلی الله علیه و آله و عمار سرگرم صحبت بودند که یهودیانی که با عمارصحبت کرده بودند، پیدا شدند و گفتند: ای محمد، این یار تو ادعا می کند

که اگر تو به او امر کنی که آسمان را به زیر آورد یا این که زمین بر آسمان بلند کند و او هم از دل و جان آماده اجرای دستور تو باشد، خداوند او را بر آن کار توانا می سازد. ما به کاری آسان تر از آن بسنده می کنیم. اگر تو واقعا پیامبر هستی، میخواهیم که عمار با دو پای نحیف خود این صخره کوه را از جا بلند کند. و آن کوهی بود در داخل شهر مدینه که دویست نفر تلاش کردند تا آن را تکان بدهند و نتوانستند و به پیامبر گفتند: ای محمد اگرعمار بخواهد آنرا از جا بلند کند، اصلا نمی تواند آن را از جایش تکان دهد. و اگرهم چنین کاری را انجام دهد هر دو ساق پایش شکسته و اندام های بدنش درهم می شکند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پاهای او را دست کم نگیرید چرا که آن دو پا،

در ترازوی اعمال نیکش از کوه های ثور و ثبیر و حرا و ابوقبیس و بلکه از تمام زمین و آن چه بر روی زمین جای دارد، سنگین تر است. و خداوند به واسطه درود بر محمد و خاندان پاکش، چیزی که این سنگ سنگین تر باشد را نیز بر او سبک می سازد عرش خداوند را که انبوه فرشتگان تاب نگهداری آن را نداشته اند، خداوند برای هشت فرشته سبک قرار داده است. آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای عمار فرمان مرا از جان و دل پذیرا باش و بگو خدایا به مقام و منزلت محمد و خاندان پاکش سوگندت می دهم که به من قدرت و توانایی عطا نمایی. تا خداوند انجام آن چه که من به تو دستور می دهم را آسان سازد. همان طور که کالب بن یوحنا خداوند را به حق ما اهل بیت سوگند داد، و خداوند عبور از دریا را برایش آسان نمود و او با اسب خود بر روی دریا به سرعت راه می رفت.

عمار دل قوی داشت و آن کلمات را گفت و بعد هم آن صخره بزرگ را روی سربلند نمود و گفت: ای رسول خدا، پدر و مادرم فدایت باد. قسم به خدایی که تو را به حق، به پیامبری برگزیده است، این صخره در دستان من از چوب خلالی که در دست می گیرم هم سبک ترا ست. رسول خدا صلی الله علیه و آله با دست به کوهی که در فاصله یک فرسخی قرار داشت، اشاره نمود و فرمود: آن را پرتاب کن تا به قله آن کوه برسد. عمار نیز آن صخره را پرتاب کرد و آن صخره بر قله آن کوه افتاد. آن گاه رسول خدا به یهودیان فرمود: آیا دیدید؟ گفتند: آری. رسول خدا صلی

الله علیه و آله به عمار فرمود: ای عمار به قله آن کوه برو در آن جا صخرهای چندین برابر آن صخره پیشین است. آن صخره بزرگتر را بردار و این جا بیاور. عمار گام برداشت و طی الارض نمود. و درگام دوم قدم به قله آن کوه نهاد. آن صخره ای که چندین برابر بزرگتر بود را برداشت وبا گام سوم خود را خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسانید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: آن را با ضربه محکم به زمین بکوب . یهودیان از ترس پا به فرار گذاشتند. عمار آن صخره را بر زمین کوبید و آن صخره همچون غبار متلاشی و پراکنده شد. رسول خدا فرمود: ای یهودیان اینک که نشانه الهی را دیدید، ایمان بیاورید. برخی از آن ها ایمان آوردند اما برخی دیگر همچنان در سیطره نگون بختی ماندند.

آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای جماعت مسلمانان آیا می دانید این صخره به چه می ماند ؟ گفتند: نه، یا رسول الله، فرمود: قسم به خدایی که به حق مرا به پیامبری برگزید، هر کسی از پیروان ما که گناهانش بزرگتر از کوه های زمین و بلکه چندین برابر آسمان و زمین باشد، به محض این که توبه نموده و بار دیگر ولایت ما اهل بیت را در دل جای دهد. چنان گناهان خود را بر زمین کوبد که بسی محکم تر از این است که عمار صخره را بر زمین کوبید.

و اگر هم کسی که عبادت هایش به اندازه آسمان هاو زمین و کوه ها و دریاها باشد، به محض این که ولایت ما اهل بیت را رد کند. گویی که عبادت های خود را چنان بر زمین کوبیده باشد که بسی محکم تر از آن چه که عمار صخره را بر زمین کوبید. و اعمال او متلاشی و پراکنده میشود همان طور که این صخره متلاشی شده و پراکنده گشت. بنابراین در روز قیامت هیچ حسنهای در کارنامه اعمال خود نمییابد. در حالی که گناهانش چندین مرتبه بزرگ تر از آسمان هاو زمین و کوه هاست، درآن روز با دقت مورد حسابرسی قرار گرفته و به عذاب طولانی مدتی گرفتار می گردد.

وقتی عمار دید که چه نیرویی به او وارد شده که توانست صخره را آن گونه بر زمین زده و آن صخره هم متلاشی شود، احساس غرور و قدرت بیشتری

نمود و گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله آیا اجازه می دهید که با این توانی که به من داده شده است با یهودیان به مجادله برخاسته و همه آن ها را نابود کنم ؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای عمار خداوند میفرماید :از آن ها درگذرید و چشم پوشی کنید تا این که خداوند امر خود درباره آن ها را بفرستد. یعنی امرخود درباره عذاب آن ها و درباره فتح مکه و دیگر وعدههایی که داده است. شبهه هایی که یهود و منافقین برای مسلمانان ایجاد میکردند، موجب ناراحتی مسلمانان میشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیا می خواهید به شما چیزی بیاموزم که هرگاه آن دشمنان شما را وسوسه کردند، دلتنگی و ناراحتی شما برطرف گردد ؟ گفتند: آری ای رسول خدا. فرمود: آن زمانی که قریش رسول خدا صلی الله علیه و آله و مسلمانان را به دره ای بنام شعب ابی طالب تبعید کرده بودند، مسلمانان سخت دلگیر و ناراحت شده بودند و لباس هایشان چرکین شده بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنان فرمود: به لباس هایتان بدمید و در حالی که بر محمد و خاندانش صلوات می فرستید، بر لباس هایتان که به تن دارید دست بکشید. لباس هایتان پاک و پاکیزه و سفید می گردند ودلتنگی شما هم برطرف می شود. آنان به دستور پیامبر عمل کردند و نتیجه همان شد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده بود. آنگاه پرسیدند: چه عجب ؟ ای رسول خدا چگونه به واسطه صلوات بر تو و خاندانت، لباس هایمان پاکیزه شد ؟ رسول خدا فرمود: اثر پاک کنند گی صلوات بر محمد و آل او، بر دل هایتان از هرگونه کینه و دلتنگی و فریب کاری و نیز اثر پاک کنندگی آن بر جان هایتان از گناهان بسی بیشتر از اثر پاک کنندگی آن بر لباس هایتان است. وصلوات گناهان را از کارنامه اعمالتان چنان می شوید که از شستن لباس هایتان بهتراست و صلوات چنان کارنامه اعمال تان را نورانی ساخته و برای نوشتن چند برابری کارهای نیک آماده می سازد که از این سفیدی ودرخشندگی لباس هایتان بسی بهتر است (1).

ص: 33

1- . تفسیر امام حسن عسکری: 236 - 238

13. تفسیر عیاشی: امام صادق علیه السلام فرمود: جبرئیل نزد یوسف آمد و گفت: ای یوسف پرودگارت به تو سلام می رساند و میفرماید: چه کسی تو را زیباترین بندگان قرار داد؟ یوسف فریادی زد و صورت برزمین گذاشت و گفت: تو ای پروردگارم. آن گاه جبرئیل گفت: خداوند می فرماید: چه کسی تو را ازمیان همه برادرانت دردل پدرت جای داد ؟ یوسف فریاد زد و سر بر زمین نهاد و گفت: تو ای پروردگارم. گفت: خدایت می فرماید: چه کسی تو را ازچاه بیرون آورد درحالی که خودت مطمئن شده بودی که هلاک می گردی ؟ یوسف فریادی زد و گونه اش را روی زمین نهاد و گفت: تو، ای پروردگارم. جبرئیل گفت: پس به خاطر این که تو از کسی غیر از خداوند کمک و یاری خواستی. خداوند تو را کیفر میکند و تو چند سال دیگر باید در زندان بمانی. امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی آن مهلت سپری شد، خداوند به او اذن داد که برای آزاد شدنش دعا کند. آن گاه یوسف گونه اش را برزمین نهاد وبه خدا عرض کرد: خداوندا، اگر گناهان من، مرا در نزد تو بی آبرو ساخته است من به واسطه آبروی پدران صالح خود،

ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب به درگاه تو روی می آورم. امام صادق علیه السلام فرمود: آن گاه خداوند در کار او گشایش نمود و او را از زندان آزاد کرد. شعیب عرقوقی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: فدایت گردم، ما نیز همان گونه دعا کنیم ؟ حضرت فرمود: دعایی که شما می توانید بخوانید هم وزن و همانند این دعاست و آن این است: خدایا اگر گناهانم برای من نزد تو آبرویی نگذاشته است، من به واسطه آبروی پیامبرت که پیامبر رحمت است و به واسطه آبروی علی و فاطمه و حسن وحسین و سایر ائمه علیه السلام به درگاه تو روی می آورم (1).

14. الفضائل: روایت شده است که امام صادق علیه السلام درحرم الهی و درکنار مقام ابراهیم نشسته بود که مردی کهنسال که عمر خود را در معصیت سپری کرده بود، وارد شد نگاهی به امام صادق علیه السلام کرد و گفت: چه خوب شفاعت

1- . تفسیر عیاشی 2 : 178

کننده ای برای گنهکاران هستی. و آن گاه پرده های کعبه را گرفت و ابیاتی با این مضمون سرود :

ای سرورم، به حق جد این مرد، به حق هاشمی ابطحی

به حق قرآنی که به او وحی می شد وبه حق وصی او همو که قهرمان و پهلوان بود

به حق دو فرزند پاک علی و به حق مادرشان که دختر انسان نیکوکار و پاکیزه است.

به حق امامانی که همگی به راه و روش جدشان پیامبر صلی الله علیه و آله عمل کردند.

به حق حضرت مهدی قائم آل محمد صلی الله علیه و آله تو را همواره سوگند که از گناهان این بنده خطاکار درگذری.

راوی گوید: آن گاه او صدای هاتفی را شنید که میگفت: ای پیرمرد، گناهان تو بس زیاد بودند اما، ما به احترام کسانی که که شفیع قرار دادی همه گناهانت را آمرزیدیم. و اگر به واسطه این بزرگواران، از ما می خواسته که گناهان تمام اهل زمین را بیامرزیم. خواسته ات را قبول می کردیم به جز درمورد کسی که ناقه صالح را پی نمود و به جز در مورد قاتلان پیامبران و امامان پاک.

15. کشف الغمه: ابن عباس گوید: از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم: آن کلماتی که آدم از پروردگارش یاد گرفت و به واسطه آن ها توبه کرد و خداوند هم توبه اش را پذیرفت، آن کلمات چه بود؟ حضرت فرمود: آدم به خداوند عرض کرد: خداوندا، من به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین از تو می خواهم که توبه ام را بپذیری. و خداوند هم توبه او را پذیرفت.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: زنی از جنیان بنام عفراء هر از چندگاهی نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله آمده و سخن او را می شنید و به نزد نیکان جنیان می رفت و آن ها به دست او مسلمان می شدند، و پیامبر صلی الله علیه و آله چند روزی او را نیافت و از جبرئیل درباره او سؤال

کرد، گفت به دیدار یکی از خواهران دینی خود رفته که برای خدا او را دوست دارد.

ص: 35

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خوشا بحال کسانی که برای خدا همدیگر را دوست دارند، به راستی که خداوند تبارک و تعالی در بهشت ستونی از یک دانه یاقوت سرخ آفریده که بر آن 70 هزار کاخ است و در هر کاخی 70 هزار اتاق و آن را خدا برای کسانی آفریده است که همدیگر را به خاطر خداوند دوست می دارند و به خاطر خداوند به دیدار یکدیگر می روند.

سپس عفراء نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و حضرت به او فرمود: ای عفراء کجا بودی؟ گفت: به زیارت خواهرم رفته بودم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خوشا به حال کسانی که برای خدا همدیگر را دوست دارند، وبه دیدار یکدیگر می روند.

سپس فرمود: ای عفراء چه دیدی؟ گفت: عجائب بسیار، فرمود: عجیب ترین چیزی که دیدی چه بود؟ گفت ابلیس را در دریای اخضر روی سنگی سفید دیدم که دست به آسمان برآورده و میگوید: معبودا، چون به سوگند خود وفا کردی و مرا به دوزخ بردی من از تو خواهش دارم به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین که مرا از آن رها کنی و با آنان محشور کنی. من گفتم: ای ابا حارث، این نام ها که به واسطه آن ها دعا می کنی چیست؟ گفت من آن ها را هفت هزار سال پیش از آفرینش آدم بر ساق عرش دیدم و دانستم آن ها در پیشگاه خداوند عزوجل ارجمندترین آفریده هایند و من از خدا به حق آن ها خواهش می کنم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بخدا سوگند، اگر همه اهل زمین خدا را بدین نام ها بخوانند، مسلما خداوند دعای آن ها را هم اجابت خواهد کرد.

من می گویم: خداوندا، به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین، از تو می خواهم که گناهانم را بیامرزی و از خطاهایم درگذری و خودت کارهایم در دنیا و آخرت را سامان دهی. و در دنیا و آخرت نیکی را نصیب من سازی و در دنیا و آخرت بدی را از من دور سازی و همه مؤمنین و مسلمانانی که در جای جای این

جهان زندگی می کنند، را نیز شامل این الطاف خود قرار دهی. و هرکس بر این دعایم آمین بگوید، ان شاء الله خداوند او را مورد رحمت قرار دهد(1).

16. الاختصاص: امام محمد باقر علیه السلام از جابر انصاری روایت نموده که او گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم: نظر شما در باره علی بن ابی طالب چیست؟ فرمود: او جان من است. گفتم: در مورد حسن و حسین چه نظری دارید؟ فرمود: آن دو روح من هستند. و فاطمه مادرشان دختر من است. هر کس او را بیازارد، مرا آزرده است و هرکس او را شادمان سازد مرا شادمان ساخته است. خدا را شاهد می گیرم که من با دشمنان آن ها، دشمن هستم و با دوستان آن ها، دوست هستم. ای جابر، اگر میخواهی که خداوند دعایت را اجابت کند، خداوند را با نام های آن ها بخوان چرا که خداوند عزوجل نام های آن ها را از همه نام ها بیشتر دوست دارد(2).

17. اختصاص: امام رضا علیه السلام فرمود: هرگاه سختی بر شما رو کرد، به واسطه ما به درگاه خداوند دعا و نیایش کنید. و این است مراد از آیه ای که می فرماید: و خداوند نام های زیبا دارد پس خدا را با آن نام ها بخوانید(3).

18. من می گویم: سید بن طاوس در کشف المحجه باسناد خود از کتاب رسائل کلینی به نقل از کسی که نام برده این روایت را آورده است که او گفت: من نامه ای برای امام هادی علیه السلام نوشتم شخص دوست دارد حاجتی را از امامش بخواهد همان گونه که از پروردگارش می خواهد. امام علیه السلام در جواب نوشتند: هرگاه حاجتی داشتی، کافی است که لب بجنبانی، حاجتت بر آورده می شود.

19. دعوات الراوندی: این دعا از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است: خداوندا، من به واسطه محمد و آل محمد به درگاه تو روی می آورم. و به واسطه آن ها به تو تقرب می جویم. و برای حاجت گرفتن، آن بزرگواران را شفیع

1- . کشف الغمه 2 : 21 و 22

2- . الاختصاص: 223
3- . الاختصاص: 252 ، سوره اعراف /180

قرار میدهم. خداوندا، من از دشمنان آل محمد بیزاری جسته و با لعنت کردن آنان به تو تقرب میجویم.

در دعای معصومین علیه السلام آمده است: خداوندا، اگر گناهانم برای من در نزد تو آبرویی نگذاشته و مانع رسیدن دعای من به درگاه تو شده است، پس ای پروردگار بر محمد و آل محمد درود و رحمت بفرست و به واسطه آنان دعایم را اجابت نما.

امام رضا علیه السلام فرمود: هرگاه خواستی حاجتی از خداوند طلب کنی، بگو: خداوندا، من به حق محمد و علی از تو درخواست می کنم. چرا که آن دو بزرگوار در نزد تو منزلت و مقامی دارند. خدایا به حق آن منزلت و به حق آن مقامی که آن ها در نزد تو دارند، از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستاده و حاجتم را روا کنی. در روز قیامت هیچ ملک مقرب و هیچ نبی مرسل و هیچ مؤمنی که مورد آزمایش قرار گرفته است، باقی نمی ماند مگر این که در آن روز، به شفاعت آن دو بزرگوار محتاج هستند.

20. عده الداعی: سلمان فارسی گوید: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: ای بندگان من، آیا اتفاق نیفتاده که فردی از شما حاجت های بزرگی بخواهد که شما آن حوایج را نمی دهید مگر این که محبوب ترین خلق نزد شما را حاضر کند و شما به احترام آن شفیع محبوب و دوست داشتنی درخواست های او را بدهید؟

آگاه باشید و بدانید که با کرامت ترین و برترین خلق نزد من، محمد و برادرش علی و پس از آن ائمه هستند، آنانی که وسیله تقرب به من می باشند. آگاه باشید که هر کس حاجت مهمی دارد و می خواهد نفعی به او برسد یا مشکلی برایش پدید آمده و خواهان دفع ضرر آن است، اگر مرا به محمد و آل پاکش بخواند، آن چنان حاجتش را برآورده می سازم که بهتر و برتر باشد از برآورده ساختن کسی که محبوب ترین خلق را نزد او شفیع قرار می دهند». سخنان سلمان که به این جا رسید، عده ای از مشرکین و منافقین در حالی که او را مسخره می کردند گفتند: ای سلمان، چرا خدا را به اینها قسم نمی دهی تا تو را بی نیازترین و پولدارترین فرد مدینه قرار دهد؟

سلمان پاسخ داد: من خدا را خواندم و از او خواستم که چیزی به من بدهد که از حکومت بر کل دنیا برتر و با منفعت تر باشد. من از خدا خواستم و او را به این بزرگواران قسم دادم که به من زبانی ذاکر بدهد که او را حمد و ثنا کند، قلبی بدهد که شاکر نعمت های او باشد،

بدنی بدهد که در برابر سختی ها صبر نماید و آن خدای عزوجل این التماس های مرا اجابت فرمود. این چیزهایی که من از خدا خواستم از حکومت بر تمام دنیا و هر چه در آن است،

هزار هزار برابر برتر و بالاتر است (1).

21. قبس المصباح: ابوالعباس روایت میکرد که به همراه ابوالهیجاء در ضمن اسرای هبیر بوده است. در این سفر ابوطاهر سلیمان بن حسن ابوالهیجاء را بسیار گرامی میداشته است و از آراء و نظرات او استقبال میکرده و او را به سفره خود دعوت میکرده و ابوالهیجاء نیز در خوردن غذا او را همراهی میکرده است و همچنین از او دعوت میکرده است که با هم سخن بگویند. شبی از شبها از ابوالهیجاء خواستم که سفارش مرا به سلیمان بن حسن نموده و از او بخواهد که مرا آزاد کند. او خواسته مرا پذیرفت و طبق معمول، شبهنگام به نزد ابو طاهر رفت اما هنگامی که از نزد او برگشت به دیدار من نیامد در حالی که از جمله عادات او این بود که هرگاه از نزد ابوطاهر بازمیگشت، سری به من و دوستم یعنی خال می زد و به ما آرامش می داد و از اخبار و احوال دنیا برایمان میگفت. اما در آن شب که این خواسته را از او داشتم، به نزد ما بازنگشت. از این ماجرا دچار وحشت و اضطراب شدم و به سوی منزلگاه ابوالهیجاء به راه افتادم. ابوالهیجاء مردی بود بسیار متدین و دیندار و در عشق به اهل بیت خالص و مخلص بود و برادران و دوستان خود را بسیار اکرام میکرد. وقتی چشم او به من افتاد، با صدای بلند گریست و گفت: ای ااالعباس، کاش من یک سال تمام بیمار می شدم و سفارشت را به ابوطاهر نمی کردم. گفتم: چرا؟ گفت: زیرا آن شب وقتی تو را در نزد او یاد کردم، به شدت عصبانی شد و به کسی که همگان به آن قسم میخورند،

قسم یاد کرد که صبح فردا هم زمان با طلوع

1- . عده الداعی: 116 ، تفسیر امام حسن عسکری: 32

خورشید گردن تو را خواهد زد. به خدا سوگند که من با تمام وجود و به هر طریقی تلاش کردم که او را از این کار منصرف کنم و برای این منظور، هر حیله ای را که بلد بودم، بکار بستم اما او همچنان بر تصمیم خود مصر بود و سوگند خود را دوباره تکرار کرد.

ابوالعباس میگوید که ابوالهیجاء پس از آن سعی کرد که مرا دلداری دهد و به من گفت: ای برادرم اگر گمان نمیکردم که وصیت یا سخن ناگفتهای داری که باید گفته شود، این مساله را از تو پنهان میکردم. پس به خداوند عزوجل ایمان داشته باش و آن چه را که در این حال سخت دچار آن شدهای به او واگذار کن. خداوند تبارک و تعالی، بی پناهان را پناه می دهد، و خود، نیازی به پناه دادن ندارد. پس به واسطه محمد و آل او علیهم السلام؛ که توشه و ذخیرهای برای سختی ها و گرفتاری ها هستند، به درگاه خداوند، رو نما و دعا کن.

ابوالعباس میگوید: به سمت منزل خود که در آن جا سکونت داشتم به راه افتادم و از شدت نومیدی و احساس نابودی که به من دست داده بود، حال نامساعدی داشتم. وقتی به منزل رسیدم،

غسل کردم و کفن خود را به تن کرده و رو به قبله نشستم و مشغول راز و نیاز با خدای خود و زاری به درگاه او شدم و به گناهان خود اعتراف کرده و از تکتک آن ها به درگاه خداوند متعال توبه کردم. سپس با توسل به محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علیبنحسین و محمدبنعلی و جعفربنمحمد و موسی بن جعفر و علیبنموسی و محمدبنعلی و علیبنمحمد و حسنبنعلی و حجت خداوند بر روی زمین و کسی که امید است دین خدا را بر روی زمین زنده کند، به دعا و نیایش به درگاه خدا پرداختم. همین طور مضطرب و درمانده بودم و امیر المؤمنین علی علیه السلام توسل جستم و گفتم: ای امیرمؤمنان،

با توسل به تو، رو به سوی خدای خود و خدای تو میکنم تا مصیبتی که بر من وارد شده و بر من سایه افکنده است، برطرف گردد.

پیوسته این سخنان و مشابه آن را میگفتم تا این که نیمهشب فرا رسید و وقت نماز صبح شد برخاستم و نماز خود را ادا کردم و به دعا و نیایش و تضرع و زاری پرداختم. در این حال بودم که نماز خود را به پایان رساندم و مشغول استغاثه به

درگاه خداوند متعال و توسل جستن به علی علیه السلام شدم که به یکباره خواب بر من چیره گشت و در خواب علی علیه السلام را دیدم که به من فرمود: ای پسر کشمرد، جواب دادم: بله ای مولای من. امام علیه السلام فرمود: تو را چه شده است؟ گفتم ای مولای من، ای امیر مؤمنان، آیا برای کسی که صبح فردا، در شهری غریب، به دور از خانه و خانواده و بدون این که حتی کسی را داشته باشد که وصیت خود را به او بسپارد کشته میشود، طبیعی نیست که چنین حالی داشته باشد و چنین اضطراب و ناراحتی به او دست دهد؟

حضرت فرمود: کفایت خداوند و دفاع او، میان تو و کسی که تو را تهدید نموده و از قدرت خود ترسانده است قرار خواهد گرفت و مانع خواهد شد. اکنون بنویس: بسم الله الرحمن الرحیم، فاتحه الکتاب، آیه الکرسی و عرش را بنویس و بنویس از بنده ذلیل؛ فلانبنفلان، به مولای بزرگ که هیچ کسی جز او نیست و اوست زنده برپا دارنده. سلام بر آل یاسین،

محمد و علی و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حجت بر حق تو بر بندگانت. پروردگارا تو را گواه میگیرم بر این که من گواهی دادم که تو خدای من هستی و پرودگار اولین و آخرینی. هیچ خدایی جز تو نیست به حق این اسمهایی که گفتم رو به سوی تو میکنم. به حق اسمهایی که وقتی به واسطه آن ها خوانده میشوی،

دعای بندهات را اجابت میکنی و هنگامی که به واسطه این نامها از تو چیزی خواسته شود، آن را به دعاکننده میدهی، از تو می خواهم که بر آن بزرگواران درود فرستی و جان دادنم را بر من آسان سازی. و قبل از مردنم، در مقابل هر کسی که قصد زورگویی و ستم بر من داشته باشد، تو پناه من باشی. سپس این رقعه را در درون تکه گلی قرار بده و سوره یس را بخوان و آن را در دریا بینداز. گفتم: ای امیرمؤمنان، فاصله من تا دریا زیاد است من زندانی هستم و اجازه انجام هرکاری را ندارم. حضرت فرمود: آن را در چاه یا در منبع آبی که نزدیک به توست بینداز.

ابن کشمرد گوید: در آن لحظه از خواب بیدار شدم. برخاستم و آن چه را که حضرت امر کرده بود انجام دادم اما نگران و مضطرب بودم و بزرگی این گرفتاری از یک سو و ضعف یقین آدمی از سویی دیگر، سبب شده بود که دلم آرام و قرار

نداشته باشد. صبح هنگام وقت طلوع خورشید مرا فرا خواندند و من شک نداشتم که وعده قتل من عملی میشود. با کسی که در پی من آمده بود به راه افتادم و از زندگی نا امید بودم. به نزد ابوطاهر برده شدم و او در مجلس مجللی بر روی صندلی نشسته بود و در سمت راست او دو مرد بر روی صندلی نشسته بودند و در سمت چپ او ابوالهیجاء بر صندلی نشسته بود و در کنار ابوالهیجاء صندلی خالی دیگری نیز قرار داشت.

وقتی چشم ابوطاهر به من افتاد، مرا خواند و من به سمت صندلی رفتم. او به من دستور داد که بر روی صندلی بنشینم. نشستم و با خود گفتم: قطعا در این امر خیری وجود دارد. او به طرف من آمد و گفت تصمیم داشتیم در مورد تو همان کاری را که خبرش را داشتی انجام دهیم اما پس از آن به این نتیجه رسیدیم که تو را آزاد گردانیم و به تو حق انتخاب بدهیم که یا به ما خدمت کنی که در این صورت پاداش خود را خواهی گرفت و یا این که از این جا بروی و با خانواده خود زندگی کنی که در آن صورت نیز به نیکی با این تصمیم تو برخورد خواهیم کرد. به او پاسخ دادم: اگر نزد شما بمانم، این باعث منفعت بردن و شرفیابی من است و اگر از این جا بروم و به نزد خانواده و مادر پیر خود برگردم، ثواب بسیاری نصیب من میشود. ابوطاهر به من گفت: هر کاری را که خودت میخواهی انجام بده که این امر به نظر تو بستگی دارد. از نزد او خارج شدم او دوباره مرا صدا زد و از من پرسید: تو چه نسبتی با علیبنابیطالب داری؟ پاسخ دادم: هیچ نسبتی بین ما نیست اما من ولایت او را قبول دارم. ابوطاهر به من گفت: پس هم چنان به ولایت او متمسک باش که او به ما دستور داده تو را آزاد سازیم، ما نیز قدرت مخالفت با دستور او را نداشتیم. سپس به من اجازه خروج داد و من نیز آماده گشتم و فردی را همراه من فرستاد که مرا با اکرام و احترام به خانه ام رساند. شیخ ابوالمفضل رحمه الله چنین گوید که من در سال سیصد و بیست و دو این حدیث را در مجلس ابووائل داودبنحمدان در نصیبین ذکر کردم و درآن روز مردی از اهالی نصیبین به نام ابوعثمانسعیدبنبندقی شاعر که از جمله بزرگان شهر بود نیز در آن مجلس حاضر بود. ابوعثمان به من گفت: آن چه را که در مورد ابوالعباسبنکشمرد گفتی، خودم روایت کردم. من در سال هبیر یعنی

همان سالی که ابن کشمرد، خال و فلفل خادم و دیگر بزرگان همراه با أبوالهیجاء به اسارت گرفته شدند به حج رفته بودم. و همراه با آن حاجیان اسیر شدم. مدت اسارت ما در محبس احساء طولانی شد و من شعر میگفتم و در قصیدهای سید ابوطاهر را مدح کردم. ابوالهیجاء این قصیده مرا به دست ابوطاهر رساند و به واسطه همین قصیده ابوطاهر مرا از زندان آزاد کرد. من گهگاهی به نزد ابوالعباسبنکشمرد میرفتم. ما با هم انس و الفت داشتیم و همصحبت یکدیگر بودیم. روزی سحرهنگام قبل از طلوع خورشید، شخصی را به نزد من فرستاد و به من گفت که این نامه را بگیر و نامه در تکه گلی قرار داشت. او گفت نامه را به فلان جا ببر که در آن جا آبی روان است. سپس سوره یس را بخوان و نامه را در آب بینداز. نامه را گرفتم و به سمت آب رفتم. اما دوست داشتم که بدانم در آن نامه چه چیزی نوشته شده است. نامه را از درون گل درآوردم و آن را باز کردم و خواندم. سپس تکه چوب نازکی برداشتم و آن را در آب خیس کردم و آن چه را که در نامه نوشته شده بود بر کف دست خود نوشتم و نام خود و پدر و مادرم را نیز آن جا نوشتم و دوباره نامه را در تکهای گل پیچیدم و سوره یس را از جانب خودم خواندم و دستم را در آب شستم. سپس سوره یس را به نیابت از ابوالعباسبنکشمرد خواندم و نامه را در آب انداختم و بعد از طلوع خورشید به همان مجلس بازگشتم. پس از گذشت یک ساعت فرستادهای از جانب سید آمد و مرا به نزد او احضار کرد من نیز به نزد او رفتم و وقتی چشم او به من افتاد، گفت: مهر تو در دل من افتاده است و دوست دارم که تو را آزاد کنم. دوست داری که چگونه به نزد خانواده خود برگردی؟ از راه آبی یا خشکی؟ من بیم آن داشتم که اگر از راه خشکی بازگردم، دوباره تصمیم او عوض شود و کسی را به دنبال من بفرستد و مرا بازگرداند. به همین خاطر راه آبی را انتخاب کردم. او دستور داد که وسایل مورد نیاز و توشه سفر و خرما را به من بدهند ومن از راه دریا رهسپار بصره شدم. سه روز بعد از این که به بصره رسیدم. روزی در نزد اصحاب کتاب ها نشسته بودم که دیدم ابوالعباسبنکشمرد همراه با عده ای به بصره می آیند و امرای دیگر همه از پشت سر او روان بودند. امیر بصره با سربازانی که در جلو و پشت سر او بودند به استقبال او آمد و سپاهیان گرد او حلقه زده بودند.

او و امیر بصره با هم به راه افتادند. وقتی که او را دیدم به سمت او رفتم هنگامی که چشم او به من افتاد از مرکب خود پایین آمد و در نزد من ایستاد و به من گفت: ای جوان چه کاری کردی تا توانستی آزاد شوی؟ من نیز کارهایی را که انجام داده بودم برای او تعریف کردم و به او گفتم که چیزهایی را که در نامه نوشته شده بود با آب بر کف دست خود نوشتم وقبل از آن که آن نامه را در آب بیندازم دستم را با آب شستم.

به من گفت که من و تو از آزادشدگان امیرمؤمنان هستیم. به او پاسخ دادم: بله، و او رفت تا به خانه ای رسید که آن را برای او مهیا شده بود و امیر بصره برایش هدایا و لباس و ابزار و وسایل و مرکب و فرش و چیزهایی از این قبیل فرستاد. وقتی که او در منزل خود مستقر شد، کسی را به سراغم فرستاد، من هم به نزد او رفتم و چند روز را با او ماندم. او نیز مرا اکرام کرد و با عزت و احترام مرا به شهر خودم فرستاد.

ابووائل از این مساله تعجب کرد و گفت: ای ابوالمفضل، تو انسان صادق و راستگویی هستی و آن چه را که امام علیه السلام به تو وعده داده بود برای تو اتفاق افتاد. این رقعه در بین یاران و دوستان ما بسیار مشهور است و در هنگام سختیها و شدائد به آن تکیه میکنند و نظر راویان حدیث در مورد آن مختلف است و من آن روایتی را که در بغداد شنیدم برای شما بازگو کردم و شیخ ابوجعفر طوسی رحمهالله در کتاب مصباح و مختصرالمصباح ذکر کرده است که این رقعه را بعد از نوشتن باید پیچیده شود و سپس نامه بعدی خطاب به امام زمان علیه السلام نوشته شد. و نامه کشمردی در لابلای نامه امام گذاشته شده و در گل پیچیده شود و در آب دریا یا آب چاه انداخته شود. و آن چه در نام نوشته م شود، چنین است:

بسم الله الرحمن الرحیم، منزه است خدای یکتا و پاک و مقدس است نامهای او. اوست پروردگار همه و در هم شکننده ستمکاران پرقدرت. اوست دانای همه امور غیبی و برطرف کننده همه بلایا. اوست کسی که علم و دانشش گذشته و آینده را در بر میگیرد. این نامه از جانب بنده مسکین و ذلیل خداوند است که به هیچجا دستاویزی نداشته و به رنج طولانی گرفتار گشته و اهل و خانواده از او دوری

گزیده‌اند و حتی دوستان صمیمی اش نیز او را ترک گفتند. او در گرو گناهان خود اسیر است و جرم و گناهش او را به نابودی کشانده است. در طلب نجات بر آمد اما هیچ پناهگاهی نیافت. و هیچ پناهگاهی جز خداوند قادر نیست تنها اوست که بر حل تمام مشکلات قادر است او که برای همیشه بوده و خواهد بود. پس به او پناه برده و بر او توکل می کنم که هیچ پناه و تکیه‌گاهی جز او نیست. خداوندا از تو میخواهم که به حق علمت که هیچ اشتباهی در آن راه ندارد. و به حق نور عظیم خود و روی نیکوی خود و حجت و برهان برحق خود، بر محمد و آل محمد درود و سلام فرستی و دست مرا بگیری و مرا در زمره کسانی قرار دهی که دعای آنان را میپذیری و از لغزشهای آنان در میگذری و غم و رنج آنان را برطرف میسازی و در کارهای آنان گشایشی قرار میدهی و قدرت و خشم این ظالم ستمگر و دیگر مردم را از من دور میسازی. ای پروردگار فرشتگان و همه مردم، تو برای من کافی هستی و کسی که تو برایش کافی هستی به هیچ چیز دیگری محتاج نیست. ای گشاینده کارهای سخت و دشوار، هیچ نیرو و قدرتی مگر از جانب تو وجود ندارد. نامه دیگری با این مضمون به امام زمان علیه السلام نوشته میشود:

بسم الله الرحمن الرحیم، توسل میجویم به حجت خداوند جانشین صالح، محمدبنحسنبنعلیبنمحمدبنعلیبنموسیبنجعفربنمحمدبنعلیبنحسینبنعلیبنابیطالب که همان نبأ عظیم است و صراط مستقیم و حبل المتین و پناهگاهی که حافظ همه است. اوست تقسیم کننده بهشت ودوزخ. توسل میجویم به تو به حق پدران درستکار و نیکوکار و پاک و نجیبت و مادران پاکدامنت که خداوند متعال از آن ها در کتاب خود یاد کرده است خدای متعال فرمود: آن ها باقیات صالحاتاند و توسل می جویم به جد تو رسولالله و دوست و حبیب او که از میان تمام بندگان برای جانشینی اش برگزید. از تو میخواهم که واسطه بین من و خدای من باشی و غم و غصههای مرا برطرف سازی و گره از کارم بگشایی و غم و اندوه و حسرتم را از من بگیری و مصیبتم را چاره کنی و مرا از این غم برهانی. به حق کهیعص و به حق یس و القرآن الحکیم و به حق کلمه طیبه و مجاری نزول قرآن و جایگاه استقرار رحمتت و عالم جبروت عظیمت و لوح محفوظ و حقیقت ایمان و ادله و براهین

محکم، و به حق نور النور و معدن نور وروشنایی و پرده پوشیده وناپیدا و خانه آباد و سوره فاتحه و قرآن کریم و احکام واجب و به حق کسی که به زبان عبری سخن میگفت، به یونانی ترجمه میکرد و کسی که به زبان سریانی مناجات میکرد و به حق علم مخزون تو از آن چه که در ذهنها میگذرد و آن چه که به وهم کسی هم خطور نمی کند. و به حق سر محفوظت و به حق تورات و انجیل و زبور، ای صاحب جلال و جبروت و ای کریم، بر محمد و آل او سلام و درود فرست و دست مرا بگیر و با نور وقسم هایت و کلمات بالغهات کار مرا گشایش ده که تو بخشنده و کریم هستی و تنها خدا برای ما کافی است و او بهترین نگهدارنده است و هیچ نیرو و قدرتی جز خداوند نیست و سلام او محمد و فرزندان او باد؛ همان ها که بندگان برگزیده او و از بین مخلوقاتش هستند.

سپس دو نامه را معطر میکنی و نامهای را که خطاب به خداوند است در ضمن نامه امام قرار میدهی و پس از آن که آن را در گل خالص قرار دادی، هر دو نامه را در یک رود جاری یا چاه آبی میاندازی و دو رکعت نماز میخوانی و با توسل به محمد و اهل بیت او به درگاه خداند متعال روی میآوری و این دو نامه را در شب جمعه در آب بینداز و به اجابت دعایت ایمان داشته باش، چرا که تجربه آن را ثابت کرده است و این دعا را فقط در هنگام سختی و امور مشکل بخوان. این نامهها را هرگز برای نا اهل ننویس زیرا هیچ سودی به حالش ندارد این نامهها امانتی است که به تو سپرده میشود و تو در مقابل آن مسئولی.

هنگامی که آن را در آب انداختی این دعا را بخوان: خداوندا به حق قدرتی که با آن به دریای خروشان نگاه کردی و دریا خروشید و کف برآورد و سهمگین و مواج گشت و به خاطر اطاعت از فرمان تو و ترس از خشم تو همچون شب تیره هولناک شد و سپس آب شور دریا از هم شکافته شد و راهی در میان آن باز شد و جزایر آن تسبیح تو را گفتند و سنگهای قیمتیاش تو را تقدیس کردند. ماهیهای آن هر یک با زبان خود با تو نجوا کرده و گفتند: خداوندا و مولای ما، این چیست که بر ما نازل شده و چه اتفاقی برای دریای ما افتاده است؟ و تو به آن ماهیها گفتی: آرام باشید. به زودی به تو نیز آرامش عطا خواهم کرد و بنده پاکدامنی

ص: 46

را همنشین تو خواهم نمود. پس او آرام گرفت و سبحانالله گفت و خداوند او را به عطایای پنهانی وعده داد. پس هنگامی که پسر متی به دلیل شکهایی که داشت وارد دهان ماهی شد، در درون ماهی خدا را تسبیح گفت و کوهها از دلسوزی بر او گریستند و حتی دل زمین هم برای او سوخت. یونس در دهان ماهی همچون موسی در تابوت خود مطیع امر تو بود و برای تو سجده می کرد و در مقابل تو خاشع بود، پس هنگامی که دوست داشتی که او را حفظ کنی او را مثل یک تکه گوشت بیجان در ساحل دریا انداختی بطوری که نه چشمان او جایی را میدید و نه دستانش توان انجام کاری را داشت و نه پاهای او قادر به راه رفتن بود و تو بر او منت نهادی و بر کنارش بوته کدویی رویاندی و رودی از آب گوارا و جاری برایش روان ساختی. پس هنگامی که استغفار کرد و به درگاه خدا توبه کرد، دری از بهشت بر وی گشودی چرا که تو همان بخشنده هستی و سپس نام همه ائمه را یک به یک ببر.

یک نسخه از نامه خطاب به امام علیه السلام: هرگاه نیازی به درگاه خداوند عزوجل داشتی، نامهای بنویس و اگر خواستی آن را بر قبر یکی از ائمه بینداز یا این که آن را محکم ببند و مهروموم کن و گل تمیزی بردار و آن را در گل قرار بده و سپس نامه را در آب جاری یا در چاه عمیق یا برکه آبی بینداز که این نامه به سید و مولای تو میرسد و او شخصا برآوردن نیاز تو را به عهده خواهد داشت و خداوند با کرم خود هیچ گاه امید تو را ناامید نخواهد کرد.

بسم الله الرحمن الرحیم ای مولای من، به سوی تو نامه مینویسم و درود خداوند بر تو باد. از تو یاری میطلبم و از آن چه بر من وارد شده است به تو شکایت میکنم و اول به خداوند عزوجل و پس از او به تو پناه میبرم، از شر مصیبتی که بر من نازل گشته و فکر و ذهن مرا به خود مشغول ساخته و قسمتی از عقل و خرد مرا ضایع کرده است و اهمیت نعمات خداوند را در نظرم عوض کرده است. دوستان من وقتی که به آن ها امید داشتم تنهایم گذاشتند و یارانم هنگامی که تصور میکردم که به یاریم میآیند رهایم کردند و نتوانستند مشکلم را چاره کنند صبر و طاقت من در تحمل این مشکل، دیگر مرا یاری نمی کند. پس در حل این مشکل به تو پناه میبرم و به خداوند عزوجل تکیه میکنم و می دانم که تو در پیشگاه

خداوند از جایگاهی برخورداری. خداوند مدبر همه امور و صاحب اختیار آن است و من اطمینان دارم که شفاعت مرا در نزد خداوند خواهی کرد. و یقین دارم که خداوند تبارک و تعالی دعای تو را مستجاب خواهد کرد و خواسته مرا برآورده میکند و تو ای سرور من، شایسته هستی که این شک مرا به یقین بدل کنی و آرزوی مرا در فلان امر برآورده سازی چرا که من دیگر تاب تحمل این امر را ندارم و صبر من به سر رسیده است. و اگر با همه کارهای زشت من و کمکاریهایی که در عباداتم داشتهام، باز هم شایستگی آن را دارم که این دعا در حق من مستجاب شود، پس ای مولای من وقتی که سوز و گداز میکنم، فریادرس من باش و قبل از آن که وقت از دست برود و مورد شماتت دشمنانم قرار بگیرم، مشکل مرا برای خداوند بازگو کن. ای خداوند بزرگ، این تو بودی که نعمت خود را بر من گستردی و من از خداوند بلند مرتبه میخواهم که به زودی زود مرا یاری رساند و گشایشی را برایم رقم بزند که به خواستههای خود برسم که شروع کارهای من خیر باشد و پایان آن نیز خیر باشد. و از همه هراسها در همه احوال ایمن باشم خداوند بزرگ و بلند مرتبه بر انجام هرکاری تواناست و او برای من بس است و او بهترین تکیه گاه من در شروع کارها و سرانجام آن هاست.

سپس به سمت یک رود یا برکه برو و در این کار به یکی از یاران خاص امام علیه السلام تکیه کن. عثمان بن سعید عمری، یا پسرش محمد بن عثمان یا حسین بن روح یا علی بن محمد سمری که یاران خاص امام علیه السلام بودند. یکی از آن ها را صدا بزن و بگو سلام بر تو ای فلان بن فلان. سلام بر تو، شهادت میدهم که مرگ تو در راه رضای خدا بوده است و اکنون تو زنده هستی و در نزد خداوند روزی میخوری و من در زندگی ای که اکنون تو در نزد خداوند داری تو را مخاطب قرار میدهم و این نامه من است و نیاز من است به درگاه مولای ما علیه السلام. پس تو این نامه را به دست او برسان که تو فرد مطمئن و امانت داری هستی. سپس آن را در رود بینداز و این گونه تصور کن که نامه را به دست خود او رساندهای. پس اگر خدا بخواهد نامه به دست او میرسد و نیاز تو برآورده میشود.

استغاثهای دیگر: امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه به درگاه خداوند متعال نیازی داشتی و از برنیامدن آن به تنگ آمدی، دو رکعت نماز به جا بیاور و وقتی که نمازت را به پایان رساندی، خداوند را سه مرتبه تکبیر بگو و تسبیحات حضرت فاطمه زهرا را بخوان سپس به سجده بیفت و صد مرتبه بگو: یا مولاتی یا فاطمه اغیثینی. سپس طرف راست صورتت را بر زمین بگذار و دوباره همین ذکر را تکرار کن و بعد دوباره به سجده بیفت و همین ذکر را صد و ده مرتبه بگو و حاجتت را یاد کن که خداوند آن را برآورده خواهد ساخت.

استغاثهای دیگر به امام زمان علیه السلام: از ابوجعفرمحمدبنعلیبنبابویه نقل است که یکی از استادان من که از اهالی قم بود، گفت که امری بر من دشوار آمد که از آن به تنگ آمدم و بازگو کردن آن بر خانواده یا دوستان برایم بسیار دشوار بود. من که بسیار ناراحت و غمگین بودم، خوابیدم و در خواب مردی خوش سیما و خوش لباسی را دیدم که بوی خوشی از او به مشام می رسید. گمان کردم که او یکی از بزرگان قم است که من در محضر او درس می خوانم با خود گفتم: تا کی با این غصه سر کنم و به هیچ یک از برادران خود درباره آن چیزی نگویم. این مرد، یکی از شیوخ عالم ماست این مشکل را با او در میان می گذارم شاید که فرجی در کار من حاصل شد.

قبل از آن که شروع به سخن گفتن کنم او خود سر صحبت را باز کرد و به من گفت: برآوردن حاجتت را به خداوند متعال واگذار و در این کار از امام زمان علیه السلام کمک بخواه و او را دادرس خود قرار ده که بهترین یاوران است و او دستاویز یاران مؤمن خود است. سپس دست راست مرا گرفت و دست راست خود را بر آن کشید و گفت: زیارتنامه او را بخوان و بر او درود فرست و از او بخواه که برای برآوردن حاجتت تو را در نزد خداوند متعال شفاعت کند به او گفتم: به من یاد بده که چگونه سخن بگویم چرا که مشغله فکری و مشکلات من سبب شده متن همه دعاها و زیارات را فراموش کنم. او آهی کشید و گفت: هیچ نیرو و توانی مگر به خداوند متعال نیست و سینه مرا با دستش لمس کرد و گفت: خداوند برای تو کافی است و تو

نگران نباش. خود را تطهیر کن و دو رکعت نماز به جا بیاور سپس برخیز و زیر آسمان رو به قبله بایست و بگو:

سلام کامل و تمام و شامل و عام خداوند و درود مدام و برکات ثابت او بر حجت خداوند و ولی او بر روی زمین و کل سرزمینهایش باد. بر جانشین او برای بندگانش که از نسل پیامبر است و بازمانده عترت و اهل بیت و بهترین مردمان است. اوست صاحب این زمان و آشکار کننده ایمان و اعلام کننده دستورات و احکام قرآن، اوست پاک کننده زمین و گستراننده عدل و داد در سرتاسر پهنه زمین. او حجت برپا دارنده حق، مهدی است و امامی که همه منتظر آمدنش هستند و خداوند از او راضی و خشنود و او مطهر و پاک است و فرزند امامان پاک است. وصی و فرزند اوصیایی است که مورد قبول خداوندند. او رهنما و معصوم است و فرزند رهنمایان معصومین است.

سلام بر تو ای پیشوای مسلمانان و مؤمنان. سلام بر تو ای وارث علم انبیا و ای خزانه حکمت اوصیاء. سلام بر تو ای دستاویز دین، سلام بر تو ای یاری کننده مؤمنین و مستضعفین. سلام بر تو ای خوار کننده کفار متکبر ستمگر. سلام بر تو ای سرور من ای صاحبالزمان. ای فرزند امیرمؤمنان و ای پسر فاطمه سرور زنان جهان، سلام بر تو باد ای فرزند امامانی که حجتهای خداوند بر همه آفریدگان هستند. سلام بر تو ای سرور من سلامی که آکنده از مهر خالص است. من گواهی میدهم که تو امام هدایتشده در گفتار و کردار هستی و تو همان کسی هستی که زمین را از عدل و داد پر میکنی و دعا میکنم که خداوند فرج تو را نزدیک گرداند و آمدن تو را آسان کند و زمان ظهور تو را از ما دور نکند و یاران تو را بیشمار گرداند و وعدهای را که به تو داده محقق سازد و او راستگفتارترین گویندگان است که گفته: و میخواهیم که بر مستضعفین زمین منت نهیم و آن ها را پیشوایان گردانیم و وارث خود قرار دهیم. ای مولای من، چنین و چنان حاجتی دارم. پس برآورده شدن آن برای من شفاعت کن. و سپس هر آن چه را که میخواهی از خدا بخواه. در این لحظه من از خواب بیدار شدم در حالیکه به روح و به امر فرج یقین داشتم و هنوز وقت زیادی از شب نگذشته بود. برخاستم و آن چه را که حضرت به من آموخته بود نوشتم تا

مبادا آن را فراموش کنم سپس طهارت گرفتم و به زیر آسمان رفتم و دو رکعت نماز خواندم. همان طور که به من گفته شده بود، در رکعت اول پس از حمد إِنَّا فَتَحْنَا لَکَ فَتْحاً مُبِیناً را خواندم و در رکعت دوم پس از حمد إِذَا جَاءَ نَصْرُ اَللَّهِ وَ اَلْفَتْحُ را خواندم و نماز خود را با آداب کامل به جا آوردم وقتی نماز من به پایان رسید، برخاستم و رو به قبله کردم و زیارتنامه را خواندم. سپس حاجت خود را یاد کردم و از مولای خود صاحبالزمان که درود خدا بر او باد یاری خواستم. سپس سجده شکر به جا آوردم و دعایم را در سجده طولانی کردم تا این که بیم آن رسید که وقت نماز شب بگذرد. سپس برخاستم و نماز خواندم و پس از نافله صبح، فریضه صبح را نیز به جا آوردم و در محراب خود نشستم و مشغول خواندن دعا شدم. به خدا سوگند که به محض طلوع خورشید کار من گشایش یافت و تا پایان عمر دیگر نظیر آن مشکل برایم پیش نیامد و تا به امروز هیچ کسی هم ندانست که مشکل من چه بوده است و این منتی بود که خداوند بر سر من نهاد و شکر و سپاس فراوان برای اوست.

22. قبس المصباح: ابوالوفای شیرازی روایت میکند که ابوعلیالیاس صاحب کرمان او را دستگیر کرد. او میگوید که ابوعلی مرا بست و چند نفری که نگهبان من بودند به من گفتند که ابو علی در مورد تو، نیت خوبی ندارد من از این مسأله مضطرب شدم و با واسطه قرار دادن ائمه اطهار علیه السلام شروع به نجوای با خدای خود کردم. در شب جمعه وقتی نماز خود را به پایان رساندم، به خواب رفتم و در خواب پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدم که میگفت: برای برآورده شدن حوایج دنیوی و مادی به من و فرزندانم توسل مجوی بلکه تنها مسائلی را با ما بازگو کن که مربوط به عبادت خداوند و رضای اوست. و اما برادر من ابوالحسن انتقام تو را از کسانی که به تو ظلم کردهاند میگیرد.

او میگوید که من گفتم ای رسول خدا، چگونه انتقام مرا از ظالمان من خواهد گرفت در حالی که خود او با طناب بسته شد اما ساکت ماند و حقش غصب گردید و باز هم سکوت کرد. آن حضرت صلی الله علیه و آله با تعجب به من نگاه کرد و فرمود: آن پیمانی بود که من با او بستهبودم و دستوری بود که به او دادهبودم و او باید که آن را انجام می داد و حق این موضوع را هم ادا کرد. اما وای بر کسی که به ولی

خدا تعرضی کند و به کارهای او اعتراضی داشته باشد و اما علیبنحسین برای نجات از ظلم حکام و جادوی شیاطین است و محمدبنعلی و جعفربنمحمد برای امور اخروی و مسائل مربوط به عبادت خداوند هستند و موسی بنجعفر برای درخواست سلامتی از خداوند متعال است وعلیبنموسی برای سلامتی در بیابان ها و دریاها است و محمدبنعلی برای درخواست روزی از خداوند متعال است و علیبنمحمد برای کارهای مستحبی و نیکی به دوستان و آشنایان و عبادت خداست و حسن بنعلی برای امور اخروی و صاحبالزمان برای وقتهایی است که شمشیر در مقابل گلویت برسد -، در این لحظات از او یاری بخواه که او به تو کمک خواهد کرد. حضرت این را گفت و دست خود را بر روی حلقش گذاشت. ابوالوفاء گوید: من در خواب امام زمان را صدا زدم و گفتم: ای مولای من ای صاحبالزمان، مرا دریاب که دیگر کاری از دست خودم ساخته نیست. ابوالوفاء میگوید: از خواب بیدار شدم و دیدم که نگهبانان من غل و زنجیر را از من باز کردهاند.

شیخ ابوالحسن احمد بنمحمدبنموسیبنجندی از ابوعلی محمدبنهمام نقل میکند که حسن بن محمد بن جمهور عمی میگوید که در سال دویست و نود و شش - یعنی همان سالی که در آن علی بن موسی فرات به وزارت مقتدر رسید- احمد بن ربیعه انباری کاتب را دیدم که دستش دچار نوعی بیماری شد و وضع آن وخیم و وخیم تر شد تا این که آن دستش آماس کرد و سیاه شد و کار به جایی رسید که طبیبان گفتند که دستش باید قطع شود و هر کس که او را میدید یقین میکرد که او خواهد مرد. او در خواب مولای ما امیر مؤمنان را دید و به او گفت: ای امیر مؤمنان، دستم را به من برگردان. حضرت فرمود: من کار دیگری دارم، تو خواسته خود را به موسی بن جعفر بگو که او دستت را به تو بر میگرداند. صبح شد و او گفت که کجاوهای بیاورید و مرا با آن به سمت قبرستان قریش ببرید. آن ها نیز پس از آن که او را شستوشو دادند و پاکیزه کردند و لباسهای تمیزی را بر تن او پوشاندند، همین کار را انجام دادند و او را به سمت مقبره مولای ما امام موسیبنجعفر که درود خدا بر او باد بردند. او به امام پناه جست و از خاک او برداشت و از قسمت بازو تا آرنج و ساعد و کف دست خود کشید و آن را بست. فردای آن روز دست خود را باز

کرد و دید که گوشت و پوست دستش به کلی جدا شده است و از دست او فقط استخوان و رگهای به هم پیوسته باقی مانده است و بوی آن قطع شده است این خبر به گوش وزیر رسید و وزیر به دیدار او شتافت و او را دید. او معالجه شد و شفا یافت و به دیوان بازگشت و دوباره همانند قبل مشغول کتابت شد. دیلمی در این باره میگوید:

- وقتی که کاتب به زیارت موسی رفت، موسی دست او را شفا داد.

ایشان که درود خداوند بر آن ها باد، برای کسانی که از آن ها شفا بخواهند بهترین شفا و کارساز ترین دوا هستند. دعایی که در توسل به آن بزرگواران خوانده می شود:

خداوندا بر محمد و بر دختر او و بر دو پسر او درود سلام فرست و با توسل به آنان از تو میخواهم که مرا در امر عبادت و جلب رضای خود یاری کنی و به واسطه آنان بهترین چیزهایی را که به دوستداران خودت دادهای به من نیز بدهی که تو بخشنده و کریم هستی. خداوندا از تو میخواهم که به حق امیرمؤمنان علیبنابیطالب از کسانی که به من ظلم کردهاند و ستم روا داشتهاند و مرا مورد آزار و اذیت قرار دادهاند و بر این کار خود اصرار دارند انتقام مرا بگیری و به واسطه علی علیه السلام شر تمام مردم را از من دور کن. ای مهربانترین مهربانان به حق ولی ات؛ علی بن حسین از تو میخواهم که شر هر شیطان سرکش و حاکم ستمگری که با زور و نیروی خود بر من قدرت یافته است و از سربازان و سپاهیان خود برای مقابله با من یاری میگیرد از من دور سازی. تو بخشنده و بخشایشگر هستی و از تو میخواهم که به حق محمد و پسر او جعفر در راه عبادت و رضای خودت مرا یاری فرمایی و به واسطه آنان مرا به آن چه که رضای تو در آن است برسانی که تو بر انجام هر آن چه که اراده کنی توانایی. خداوندا از تو میخواهم که به حق موسی بن جعفر سلامت را به همه اعضا و جوارح و جوانح ظاهری و باطنی من ببخشی ای که بخشنده و بخشایشگر هستی. خداوندا از تو میخواهم که به حق جانشین خودت علی بن موسی الرضا مرا در هر سفری چه در بیابان و چه در خشکی و در کوه و دشت و درهها و بیشهها که میروم سلامت بداری و مرا از شر همه آن چیزهایی که از آن بیم

ص: 53

دارم و میترسم در امان نگه داری که تو مهربان و رؤوف هستی و خداوندا از تو میخواهم به حق ولی خود محمد بن علی که به واسطه او و از فضل و کرم خود به من ببخشی و از روزی گسترده خود به من عطا کنی و رزق مرا زیاد کنی و مرا از غیر خودت بینیاز سازی و نیاز مرا فقط به درگاه خودت قرار دهی و اجابت آن را نیز خود به عهده بگیری که تو توانایی آن چه را که اراده کنی داری. خداوندا از تو میخواهم که به حق ولی خودت علی بن محمد مرا در انجام واجباتت و نیکی رساندن به برادران مسلمانم یاری رسانی و این کار را بر من آسان گردان و آن را با خیر و برکات قرار بده و با فضل و کرم خود ای مهربان مرا در عبادتت یاری بفرما. خداوندا از تو میخواهم که به حق جانشین خودت حسن بنعلی مرا در امر عبادت و کسب رضایت تو و امور آخرتم، یاری رسانی و با رحمت خود مرا در روز قیامت که به دیدار تو می آیم، مسرور گردانی. خداوندا از تو میخواهم که به حق ولی خود و حجتت صاحبالزمان مرا در همه امور و کارهایم یاری کنی و به واسطه او شر هر آزاردهنده و طغیانکننده و ستمگری را از من دور کنی و یاریگر من باشی که صبر من به سر رسیده است و شر هر دشمنی را از من دور کنی غم و اندوه و قرضم را برطرف سازی و در امور مربوط به فرزندان و خانواده و دوستانم و هر کس که برایم اهمیت دارد و افراد نزدیک به من هستند، مرا یاری کنی. آمین یا رب العالمین.

میگویم: در برخی آثار یارانمان، این خبر را دیدم که به ابوالوفای شیرازی نسبت داده شده بود که او گفت: من به دست ابن الیاس در کرمان اسیر بودم و به غل و زنجیر کشیده شده بودم. به من خبر دادند که او قصد دارد مرا به صلیب بکشد. من هم امام زین العابدین را شفیع خود در نزد خداوند متعال قرار دادم و خواب بر من غلبه کرد و من به خواب رفتم. در خواب رسول خدا را دیدم که میگفت: در اموری که مرتبط با دنیا و مادیات است به من و دخترم و پسرانم توسل مجوی بلکه در امور اخروی و آن چه را که از فضل خداوند امید داری مرا واسطه قرار بده. برادر من ابوالحسن، از هر کسی که به تو ظلمی روا داشته انتقام تو را میگیرد. من گفتم ای رسول خدا مگر این طور نبود که به فاطمه ظلم شد و او صبر کرد؟ و وقتی که حق او و از ارثی که تو برایش قرار داده بودی غصب شد، باز هم صبر کرد؟ پس چگونه می

خواهد انتقام مرا از ظالمان بگیرد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آن پیمانی بود که من با او بسته بودم و دستوری بود که من به او دادهبودم و او چارهای جز انجام آن را نداشت و او در آن مورد حق موضوع را ادا کرد. پس وای بر کسی که به کارهای مولای خود اعتراضی داشته باشد و اما علی بن حسین تو را از دست حاکمان و فساد شیاطین نجات خواهد داد و محمدبنعلی و جعفربنمحمد برای امور اخروی هستند و از موسیبنجعفر سلامتی را بخواه و از علیبنموسی نجات یافتن در سفرهای خشکی و آب و برای وسعت و گشایش در رزق و روزی از محمدبنعلی کمک بخواه و از علیبنمحمد برای به جا آوردن اعمال نیک و مستحب و نیکی کردن به دوستان و آشنایان و از حسنبنعلی برای امور اخروی و از صاحبالزمان برای وقتهایی کمک بخواه که شمشیر در مقابل گلویت قرار می گیرد. سپس با دست خود به گلویش اشاره کرد و فرمود: از او یاری بخواه که او تو را یاریت خواهد کرد و او همچون پناهگاهی است که هرکس از او چیزی بخواهد، خواسته اش بر آورده می شود. پس من گفتم: ای مولای من ای صاحبالزمان، به تو پناه آوردهام و از تو کمک میخواهم. به ناگاه شخصی را دیدم که از آسمان فرود میآید و بر اسبی سوار است و به دست خود حربه آهنینی دارد. پس گفتم که ای مولای من، شر کسانی را که قصد آزار رساندن به مرا دارند، از من دور کن. فرمود: من برای تو کافی هستم. من نیاز تو را از خدا خواستهام و او نیز دعای مرا اجابت کرده است. صبح هنگام ابن الیاس مرا به حضور خود فرا خواند و غل و زنجیر مرا باز کرد و لباسی نو بر تنم پوشانید و از من پرسید که تو به که متوسل شدهای؟ پاسخ دادم به کسی که فریادرس دادخواهان است از او خواستم که نیاز مرا از خدا بخواهد و شکر و سپاس برای پروردگار جهانیان است.

دعوات الراوندی: ابوالوفای شیرازی نقل میکند که اسیر بودم و متوجه شدم آن ها قصد داشتند مرا نابود کنند و در ادامه شبیه قصه بالا را روایت میکند.

23. روایتی را با خط شیخ محمد بن علی جبعی دیدم که در آن چنین آمده بود: ابوالمفضل عبدالله شیبانی روایت میکند که ابوجعفر محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری این روایت را برای او نقل کرده است و اجازه نقل آنرا به او داده است:

که بعد از پرسش های زیادی که مطرح شد، توقیعی از ناحیه مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شد که چنین است: درباره صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد و واسطه قرار دادن آن ها به درگاه الهی:

بسم الله الرحمن الرحیم... شما نه درباره دستورات خداوند تفکر می کنید و نه این که از اولیای خداوند سخنی را می پذیرید. این حکمت رسایی است و بیم و انذار، انسان های بی ایمان را سودی نمی بخشد. سلام و درود بر ما و بر بندگان شایسته خداوند. هرگاه خواستید که به وسیله ما به درگاه خداوند و به پیشگاه ما روی آورید، پس بگویید چنان که خداوند تعالی فرموده است:

سلام بر آل یاسین، که این همان فضل آشکار است و خداوند صاحب همه فضلهاست و هر کس را بخواهد به راه راست هدایت میکند. ای آل یاسین خداوند جانشینی خود را به شما سپرده است و مجاری امر خود را در آن چه که تقدیر و تدبیر کرده و در اموری که آن را مرتب ساخته و آن را در ملکوت خود اراده کرده است به شما آموخته است و او پرده را از پیش چشمان شما کنار زده و شما گنجینههای علم او و گواهان او و امانتدارانش هستید و شمایید که سیاستمداری بندگانش را به عهده دارید و ستون سرزمینهای آنان هستید و شمایید که در میان مردم به حکم خداوند داوری می کنید و درهای ایمان هستید و یکی از اموری که خداوند آن را تقدیر فرموده این است که بخششهای زیادی را به شما عطا کرده است. تقدیر او حتمی است و تنها سبب آن شما هستید راه همه به سوی اوست. این که او شما را به عنوان دوست خود برگزیده یک نعمت است و این که او از دشمنان شما انتقام میگیرد خشم او را نشان میدهد. راه نجات همگان و پناهگاه همه تنها شمایید و نمیتوان از شما بینیاز شد. شما چشمهای بینای خداوندید و در بر دارندگان علم و دانش او هستید و منزل وحدانیت او در زمین و آسمانش هستید و تو ای حجت خداوند، و ای ذخیره ی نعمت تام خداوند و وارث پیامبران او و جانشینانش هستی. و تمام دارائی های ما در زندگی هستی. و تو همان صاحب دوران رجعت هستی که پروردگارمان وعده اش را داده است؛ همان دورانی که دولت حق در آن برپا شده و دوران شادمانی ما و دوران تحقق یاری خداوند و سربلندی ماست.

سلام بر تو ای پرچم برافراشته ودانش ریزان وفریادرس (درماندگان)، و ای رحمت گسترده وآن وعده ای که دروغ نشود. سلام بر تو که همه چیز را میبینی و میشنوی. اطمینان تو از چشم خدا میآید و عهد و پیمانهای تو به دست خداست و قدرت تو از قدرت خدا سرچشمه میگیرد. تو آدم بردباری هستی که هیچگاه تعصب و حمیت سبب نمیشود که کاری را زودتر از موعد آن انجام دهی. و تو آن کریم و بخشندهای هستی که حرص نگاه داشتن مال او را از بخشندگی باز نمیدارد و تو آن دانایی هستی که عصبیت کورکورانه سبب جهل تو نمیگردد و تلاش و مجاهدتی که تو در راه خدا داری، به سبب این است که مشیت خدا آن را میخواهد و انتقام و خشمی که در راه خدا داری، به این دلیل است که میخواهی انتقام حق پایمال شده خداوند را بگیری و صبری که در راه خدا داری مایه تقرب تو به خداست و شکر و حمدی که برای خدا داری، باعث گشایش و افزونی نعمت و رحمت اوست سلام بر تو که که حافظ تو خداوند است و تو نوری هستی که در جلو، پشتسر راست و چپ و بالا و پایین او میتابی. ای کسی که قدرت خداوند یکتا حافظ توست، تو نور چشم و گوش خداوندی سلام بر تو؛ ای وعده خدا که آن را ضمانت نموده . سلام بر تو ای پیمان محکم خداوند از بندگانش گرفته و استوارش کرده است. سلام بر تو؛ ای دعوت کننده الهی و عارف (دانای بزرگ) به آیات او. سلام بر تو؛ ای واسطه خداوند و حاکم و قاضی (داور) دین او. سلام بر تو؛ ای جانشین خدا و یاری کننده حق او. سلام بر تو؛ ای حجّت خدا و راهنمای اراده او. سلام بر تو؛ ای تلاوت گر و مفسر قرآن. سلام بر تو؛ در در تمام لحظه های شبانه ات و سرتاسر (ساعت های) روزت . سلام بر تو؛ ای به جای مانده از طرف خداوند در زمین او. سلام بر تو؛ هنگامی که بپا می ایستی. سلام بر تو؛ هنگامی که می نشینی. سلام بر تو؛ هنگامی که قرائت (قرآن) می کنی و بیان (تفسیر) می کنی. سلام بر تو؛ وقتی به نماز می ایستی و قنوت می خوانی. سلام بر تو هنگامی که رکوع وسجده بجای آوری. سلام بر تو؛ هنگامی که استعاذه (اعوذ بالله من الشیطان الرجیم) و تسبیح می گویی. سلام بر تو آن گاه که الله اکبر و لا اله الا الله می گویی. سلام بر تو؛ هنگامی که خدا را ستایش می کنی و از او آمرزش می خواهی. سلام بر تو؛ هنگامی که خداوند را به بزرگی یاد می کنی و او

را ستایش می کنی. سلام بر تو؛ هنگامی که بامداد کنی و شام کنی. سلام بر تو در شب آن گاه که (تاریکی اش گیتی را) فرو پوشد و در روز آن گاه که روشنایی اش آشکار گردد. و سلام بر تو در آغاز و انجام.

سلام بر شما ای حجت های خداوند و سرپرستان و هدایتگران و دعوتگران و رهبران و امامان و بزرگان و سروران ما. سلام بر شما که نور ما و جاه ما در هنگام نمازهایمان هستید. و ما در دعا و نماز و روزه و استغفار و هرکار دیگرمان، شما را دستاویز خود قرار می دهیم. . سلام بر تو؛ ای امام امین (امان یافته). سلام بر تو؛ ای مقدم (بر همه خلق و) مورد آرزو(ی آنان) . سلام بر تو؛ همه ی سلام های جامع و فراگیر.

تو را گواه می گیرم ای مولا و سرور من به این که شهادت می دهم که معبودی جز خداوند یگانه و بی همتا نیست و این که (حضرت) محمد بنده و فرستاده اوست و محبوبی جز او وخاندانش نیست و گواه می گیرم تو را ای مولای من که علی أمیر المؤمنین حجت خدا است و حسن حجّت اوست و حسین حجّت اوست و علیّ بن الحسین حجّت اوست و محمّد بن علی حجّت اوست و جعفربن محمّد حجّت اوست و موسی بن جعفر حجّت اوست و علیّ بن موسی حجّت اوست و محمّد بن علی حجّت اوست و علی بن محمّدحجّت اوست و حسن بن علی حجّت اوست وشهادت می دهم که تو حجّت خدایی. و گواهی می دهم که پیامبران دعوتگران و هدایتگرانی بودند که مردم را به دین و آیین شما دعوت می کردند. شما آغاز و انجام هستید و سر منزل مقصد هم شمایید.

و مسلما بازگشت شما حق است که شکی در آن نیست، روزی که ایمان آوردن سودی ندارد اگر از قبل ایمان نیاورده باشند یا در حال ایمان خود کار نیک نکرده باشند . و این که مرگ حقّ است و ناکر و نکیر (دو فرشته سؤال قبر) حقّ است، و شهادت می دهم که زنده شدن پس از مرگ و برانگیخته شدن حق است، و (پل) صراط حق است، و مرصاد (کمین گاه، گذر گاه) حق است و ترازوی (سنجش اعمال) حساب رسی کردارها حق است، و بهشت و جهنم حق است، و نوید وهشدار به آن دو حق است. و این که شما اهل بیت مقام شفاعت دارید و شفاعت شما رد

نمی شود، هم حق است. شما هرگز از مشیت خداوند پیشی نمی گیرد و به امر خداوند کار می کنید و رحمت و کلمه والا از آن خداوند است و نیکی و حجت نیک بخت خداوند، نیز در گرو اراده اوست.

او که جنیان و انسان ها را آفریده است تا او را پرستش کنند و از بندگانش هم خواسته است که او را پرستش کنند و پس، مخالف شما تیره بخت است و مطیع شما خوشبخت. بر آن چه که تو را گواه و شاهد گرفتم، شاهد و گواه باش و آن را برایم در نزد خود نگهدار تا بر همان عهد و پیمان بمیرم و برانگیخته شوم و برای حسابرسی در محضر خداوند، بایستم. من دوستدار تو هستم و از دشمنانت بیزار. بیزارم از کسی که شما را خشمگین ساخته و دوستدار کسی که شما را دوست داشته باشد، آن چه مورد رضایت شما باشد، حق است و آن چه موجب خشم و نارضایتی شما باشد، باطل است. معروف همان است که شما امر بدان فرموده اید، و منکر نیز همان است که شما از آن نهی نموده اید، قضای لایتغیر الهی همان است که مشیت شما بر آن تعلق گرفته و محو شده، همان است که سنت شما بر آن تعلق گرفته باشد. پس با تمام وجود به خداوند یکتا و بی همتا ایمان دارم و محمد بنده و رسولش و علی امیرالمؤمنین حجت اوست و حسن حجّت اوست و حسین حجّت اوست و علیّ حجّت اوست و محمّد حجّت اوست و جعفر حجّت اوست و موسی حجّت اوست و علیّ حجّت اوست و محمّد حجّت اوست و علی حجّت اوست و حسن حجّت اوست و تو حجّت خدایی. و شما حجت های خداوند برهان های قاطع الهی هستید. ای مولایم، من به آن بیعتی که خداوند از من گرفته و بر من شرط نموده که در راه او بجنگم و به این وسیله جان های مؤمنان را خریداری کرده است، خوشنود و راضی هستم. ، پس دل من به خداوند یکتا و بی همتا ایمان دارد و به رسول او و به امیرالمؤمنان و به شما ای مولای من از اول تا آخرتان (ایمان دارد) و برای یاری شما آماده هستم و دوستی من فقط برای شماست. و از دشمنان شما که اهل غضب وستیزه جویی هستند، بیزاری جسته و برای خونخواهی شما آماده هستم. من تنهایم و خداوند که خدای برحق است، مرا چنین قرار دهد. آمین آمین.

من در مصایبی که به سراغم می آید، جز تو هیچ کسی را ندارم من به تو متوسل شدهام تا به واسطه نزدیکیام به تو مرا پاس بداری ای کسی که مایه حفظ خدا هستی و پوشش او هستی و خیر و برکت او هستی به فریاد من برس مرا به خود نزدیک کن مرا یاری کن مرا دریاب و مرا به خودت برسان و مرا از خود دور نکن خداوندا من با توسل به ایشان و نزدیک شدن به آنان به تو روی میآورم. خداوندا بر محمد و آل او درود و سلام بفرست و مرا به ایشان برسان و هیچ گاه بین من و حجت خود جدایی میفکن و مرا حفظ کن و و سلام تو بر آل یاسین باد. ای مولای من تو در نزد خداوند آبرو داری. او خدای تو و خدای من است اوست ستوده شده و بزرگوار.

و بعد هم، این دعا را میخوانی: خداوندا از تو میخواهم به اسمی که آن را از کُلّ خود آفریدی و در تو استقرار یافت و از تو به سوی هیچ چیز دیگری خارج نشد، ای پوشیده و مستور، ای متعال بزرگ و ای مقدس پاک ای رحم کننده مهربان رؤوف ای رحیم از تو میخواهم همان طوری که او را تازه آفریدی، بر محمد پیامبر رحمت خود و کلمه نور خود و پدر همه رهبران و راهنمایانت درود و سلام فرستی و قلب مرا سرشار از نور یقین گردانی و سینهام را مالامال از نور ایمان سازی و فکرم را از نور ثبات پر کنی و به عزم و اراده من نور توفیق عطا کنی و به هوش و ذکاوت من نور علم هدیه کنی و به نیروی من نور کار بدهی و به زبانم نور صدق و راستگویی ارزانی داری و به دینم نور بصیرت و به چشمم نور و روشنایی و به گوشم نور آگاهی و حکمت و به مهر و محبتم نور عشق به محمد و آل محمد و به یقینم نور بیزاری از دشمنان محمد و آل محمد تا تو را دیدار کنم و من به عهد و پیمانت عمل کردم پس رحمت واسعه خود را شامل حال من گردان ای خدایی که سرپرست همه آفریدگان و مورد ستایش همه آفریدگانی، و مرا می بینی و صدایم را می شنوی. ای حجت خداوند آن چه را که موجب اجابت دعایم می شود، را برایم هموار ساز. به تو متوسل میشوم و گوش به فرمان تو هستم و به آن چه رضایت داری، راضی هستم.

24. دعوات راوندی از اعمش نقل میکند که برای ادای حج از منزل خارج شدم در بیابان یک بادیهنشین را دیدم که نابینا بود و میگفت: خداوندا از تو

میخواهم که به حق گنبدی که صحن آن گسترده شده است و پایه های آن بلندند و شاخههای آن آویزاناند و میوههای آن شیریناند و شاخههای آن تمام و کامل اند و برگهای انبوه دارد و اصل و ریشه پاکی دارد، بینایی ام را به من بازگردانی. در این لحظه اشکم سرازیر شد و به او نزدیک شدم و گفتم: ای بادیهنشین تو بسیار نیکو دعا و مناجات کردی منظور از گنبدی که صحن وسیعی دارد کیست؟ گفت: محمد است. گفتم: و منظور از پایه های بلند آن گنبد چیست؟ گفت: فاطمه گفتم آن که گفتی شاخههای آویزان دارد گفت علی جانشین رسول خدا. گفتم میوههای شیرین گفت حسن و حسین گفتم شاخه های تمام وکامل اند گفت خداوند آتش را بر فرزندان فاطمه حرام کرده است. گفتم: و مقصود از برگ های انبوه چیست؟ گفت: خداوند به واسطه علی بن ابی طالب به این درخت برگ های زیاد عطا نموده است. من به او دو دینار دادم و راهی حج شدم و آداب و مناسک آن را به جا آوردم و هنگامی که بازگشتم و به بیابان رسیدم، او را دیدم که چشمانش باز شده بود گویا هیچ وقت کور نبوده است. به او گفتم ای اعرابی، حال تو چگونه بود؟ گفت: همان دعایی را که شنیدی خواندم پس هاتفی ندا داد و گفت: اگر از راستگویان هستی و پیامبر خود را دوست میداری و اهل بیت او را دوست داری، دستت را بر چشمانت بگذار من دستم را بر چشمانم گذاشتم و سپس آن را برداشتم و خداوند بینایی مرا به من بازگرداند. چپ و راست خود را نگاه کردم و هیچکسی را ندیدم و فریاد زدم که ای هاتف تو را به خدا سوگند میدهم که بگو کیستی و شنیدم که او گفت: من خضر هستم و دوستدار علی بن ابی طالبم. عشق علی خیر دنیا و آخرت را به همراه دارد.

و امام صادق علیه السلام با گروهی زیر ناودان کعبه نشسته بودند که پیرمردی آمد و سلام گفت. سپس گفت: ای پسر رسول خدا من دوستدار شما اهل بیت هستم و از دشمنان شما بیزارم و گرفتار مصیبت بزرگی شدهام و به این درگاه آمدهام تا از مصیبتی که دارم به شما پناه ببرم. سپس گریه کرد و پیش روی امام صادق علیه السلام به زمین افتاد و سر و پاهای امام را بوسید. امام خم شد و با او ملاطفت کرد و گریست و فرمود: این برادر شماست که به سوی شما آمده و به شما پناه جسته است. پس دستان خود را به آسمان بلند کنید. امام علیه السلام دستان خود را بلند

کرد و ما نیز همین طور. سپس فرمود: خداوندا تو این جان را از خاکی آفریدی که آن را خالص گرداندی و دوستان خود و دوستان دوستانت را نیز از همین خاک آفریدی و اگر بخواهی

آفات را از او دور کنی این کار را خواهی کرد. خداوندا، این بنده به بیت الحرام تو پناه آورده است خانه ای که همگان را ایمن میدارد و او به ما پناه آورده است و من از تو میخواهم ای کسی که با نور خود از خلق پنهان گشتهای، از تو میخواهم که به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین، ای منتهای آرزوی همه اندوهگینان و ستمدیدگان و غمدیدگان و بیچارگان و مبتلایان، از تو میخواهم که به واسطه ما او را از مشکلش رهایی بخشی و هربلایی را که در تقدیرش نوشته ای پاک کنی، و در کار او گشایشی حاصل کنی ای مهربانترین مهربانمان.

وقتی دعای امام علیه السلام تمام شد، آن مرد رفت. و به محض این که به در مسجد رسید، برگشت و با گریه گفت: خداوند داناتر است که رسالت خود را کجا گذارد (و که را این مقام بلند بخشد) و به خدا سوگند همین که به در مسجد رسیدم، هیچ اثری از درد و بیماری در خود نیافتم. و سپس از آن جا رفت.

25. محمد بن علی جبعی روایت نموده که امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس چهل روز صبح، دعای عهد را بخواند از یاران قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود. و اگر بمیرد، خداوند او را از قبرش بر می انگیزد. و خداوند به ازای هر کلمه از این دعا، به خواننده آن، هزار حسنه می دهد و هزار کار بد او را نیز پاک می کند. و دعای عهد این است:

خداوندا، ای پروردگار نور بزرگ، و پروردگار کرسی بلند، و پروردگار دریای جوشان، و نازل کننده تورات و انجیل و زبور، و پروردگار سایه و حرارت آفتاب، و نازل کننده قرآن بزرگ، و پروردگار فرشتگان مقرّب، و پیامبران و رسولان. خدایا به روی کریمت، و به نور وجه نوربخشت، و فرمانروایی دیرینه ات، ای زنده و پا برجای دائم، از تو درخواست می کنم به حق نامت، که به واسطه آن آسمان هاو زمین ها روشن شد، ای زنده پیش از هر زنده ! معبودی جز تو نیست.

خدایا برسان به مولای ما؛ آن امام راهنمای راه یافته،

قیام کننده به فرمان خدا که درودهای خدا بر او و پدران پاکش باد، از جانب همه مردان و زنان مؤمن، در مشرق های زمین و مغرب هایش، هموارى ها و کوه هایش و خشکی ها و دریاهایش، و از طرف من و پدر و مادرم، سلام هایی به گرانی عرش خدا، و به تعداد کلماتش، و هر تعداد که دانش خداوند آن را شمارش می تواند، و کتابش به آن احاطه یافته، به آن امام برسان. خدایا در صبح این روز و همه روزهای زندگی ام، با آن حضرت تجدید عهد و پیمان می کنم عهدی که از آن رو نگردانم، و هیچ گاه دست برندارم. خدایا مرا، از یاران و مددکاران و مدافعان او قرار ده، و از کسانی قرار ده به سویش شتاب می کنند تا خواسته هایش را برآورده سازند، و اوامرش را اجرا نمایند و از آن حضرت دفاع نمایند و در رکاب او به مقام شهادت برسند. خدایا اگر بین من و او مرگی که بر بندگانت حتم و قطعی ساختی حائل شد، مرا با کفن از قبر بیرون آور در حالی که با شمشیر از نیام برکشیده و نیزه برهنه در شهر و روستا، به ندای آن حضرت لبیک گویم. خدایا آن جمال با رشادت، و پیشانی ستوده را به من بنمایان، و با نگاهی از من به او، دیده ام را سرمه بنه. و در گشایش امرش تعجیل (شتاب) فرما، و آمدنش را آسان گردان، و راهش را وسعت بخش، و مرا راهرو راه او قرار بده، و فرمانش را نافذ و پشتش را محکم گردان. خدایا، به دست او کشور هایت را آباد کن، و بندگانت را به وسیله او زنده فرما، به درستی که تو فرمودی و گفته ات حق است که: فساد در خشکی و دریا، در اثر اعمال مردم نمایان شد. خدایا ولیّ ات، و فرزند دختر پیامبرت که همنام پیامبرت است، را برای ما آشکار کن، تا به هر باطلی که سیطره یافت، آن را از بین ببرد و حق را پابرجا و ثابت نماید. خدایا او را پناهگاهی برای بندگان ستم دیده ات قرار بده، و یاور برای کسی که یاری برای خود جز تو نمی یابد، و تجدیدکننده آن چه از احکام کتابت تعطیل شده، و نشانه های دینت و سنت های پیامبرت صلی الله علیه و آله که مندرس گشته، را بوسیله او پابرجا ساز. خداوندا؛ او را از جمله کسانی قرار ده که آنان را از شر تجاوزکاران محفوظ داشته ای. خداوندا، پیامبرت صلی الله علیه و آله و پیروان پیامبرت را به دیدن او شادمانی ببخش. و پس از او به درماندگی ما رحم فرما، خدایا این اندوه را

از این امت به حضور آن حضرت برطرف کن، و در ظهورش برای ما تعجیل فرما، که دیگران ظهورش را دور می بینند، و ما نزدیک می بینیم، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

26. از کتابی کهن از تألیفات قدمای اصحاب: ابو عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام نامهای به جعفر بن محمد بن اشعث نوشت که در آن نامه دعا و درود بر پیامبر آمده بود. جعفر بن محمد بن اشعث این نامه را به پسر خود مهران داد متن درودی که در آن نامه برای پیامبر آمده بود، این بود: خداوندا، همان طوری که محمد را در کتاب خود توصیف کردی و همان طوری که گفتی و گفته تو حق است، که پیامبری به سوی شما میآید که از جنس خودتان است. سختیهای شما بر او گران است او بر مواظبت از شما حریص است و نسبت به مؤمنان رؤوف و رحیم است. گواهی میدهم که او این چنین است وگواهی میدهم که تو به ما دستور ندادهای که بر او درود فرستیم، مگر پس از آن که خود و فرشتگانت بر او درود فرستادی و در قرآن حکیم خود نازل کردی که خداوند و فرشتگانش بر پیامر درود میفرستند. ای کسانی که ایمان آوردهاید، بر او درود فرستید و تسلیم امر او شوید. او پس از آن که تو خود بر او سلام و درود فرستادی، هیچ نیازی به سلام و درود هیچ یک از خلق ندارد و پس از آن که تو او را پاکیزه کردی، نیاز به هیچ گونه پاکیزه گردانیدنی ندارد. بلکه این مردم هستند که همگی به او محتاجند و تو او را به عنوان در خود قرر دادهای، دری که هیچ کس را به خود راه نمیدهد مگر آن که به سمت تو بیاید و سلام و درود بر او را وسیلهای برای نزدیکی به خود قرار دادی و مؤمنان را به وسیله او راهنمایی کردی و به آن ها دستور دادی که بر او درود فرستند تا بدینوسیله کرامت آنان در نزد تو بیشتر شود و فرشتگانی را موکل کردی تا به آنان که بر پیامبر تو درود میفرستند، درود فرستند و درود و سلام آنان را به پیامبر برسانند خداوندا ای پرودگار محمد از تو میخواهم که به حق محمد یاریم کنی به قدری بر او درود و سلام بفرستم آن گونه که دوست داری و راضی گردی و تاکنون هیچ کس نفرستاده باشد و به هیچ کس نیاموخته باشی سپس به واسطه این درودها مرا به او نزدیک کنی و مرا با او به بارگاه قدسی و بهشت برین خود وارد سازی و هیچگاه بین من و او

جدایی نیفکنی. خداوندا من در آغاز برای او گواهی دادم و سپس بر او درود فرستادم و اگر هم که من این صلوات را آن طور که میخواهم ادا نکنم و زبانم نتواند آن چه را که در قلب دارم بیان کند و در گفتن آن کوتاهی کنم، اما برای او گواهی میدهم و شهادت من دعای من است و این حقی است بر من و تکلیفی است که بر من واجب گردانیدهای. که او رسالت تو را رسانده است و در این راه کوتاهی در دستورات تو نکرده است و از آن چه که خواستهای کم نگذاشته است و هیچگاه از آن چه که او را نهی کردهای فراتر نرفته است و در آن چه که رضای تو در آن است سرپیچی نکرده است. او آیات تو را همان طوری که وحی تو بر او نازل شده میخواند و در راه تو جهاد میکند و به سمت دشمنت پیش میرود و هیچگاه پشت نمیکند. او به عهد تو وفا میکند و آن چه را که به او دستور میدهی آشکار و ظاهر میسازد. در کارهایی که برای تو انجام می داد، به ملامت هیچ ملامتگری توجهی نمی کرد. او به خاطر تو از همه نزدیکانش دوری جسته و به کسانی که از او دور بودهاند نزدیک گشته. او همه را به اطاعت تو دعوت کرده و خود نیز آن را انجام داده است و مردم را از معصیت تو نهی کرده است و خود نیز در آشکار و پنهان از آن دوری جسته است. او مردم را به سمت اخلاق نیکو هدایت کرده و خود نیز به آن پایبند است. او مردم مرا از خلق و خوی زشت بازداشته است و خود از آن دوری کرده و با دوستان تو به همان طریقی سخن گفته و برخورد کرده است که رضای تو در آن است. او مردم را با حکمت و موعظه حسنه به راه تو دعوت کرده و تو را خالصانه پرستیده است تا این که اجل او فرا رسید و تو او را که پاک و پاکیزه به سوی خود بردی و دین خود را با او کامل کردی و نعمت خود را تمام. حجتهای خود را با او آشکار و قوانین اسلام را با او وضع کردی و حلال و حرام را با او از هم جدا ساختی و راه راست خود را با او به بندگانت نشان دادی و نشانههایت و ستارههایی که با آن راه مییابند را با او آشکار نمودی و پس از او مردم را در کوری نگذاشتی که به گمراهی بروند و در شبهات سردرگم باشند و اجازه ندادی که خود هرطور که میخواهند در امر دینشان تصمیمگیری کنند و امیال خود را وارد آن کنند و به این وسیله در بدعتهای تاریک و گمراهکننده متفرق و پراکنده شوند و در طبقات تاریکی حیران گردند و راهها را گم

کنند و در آن چه که میدانند و آن چه که نمیدانند سرگردان بمانند و گواهی میدهم که او به دنیا پشت کرد، در حالی که او از تو راضی بود و تو نیز از او. او در نزد فرشتگان مقرب تو و پیامبران فرستاده شده تو و بندگان صالحت ستوده شده است. فرومایگی و زشتی در وجود او نبود. او جادوگر نبود و جادویی نداشت او شاعر نبود و این برای او شایسته نیست که شاعر بوده باشد. او پیشگو نبود و هیچ پیشگویی نداشت. او دیوانه و دروغگو نبود او فرستاده خدا بود و آخرین پیامبر. او از نزد حق آمد و با خود حق را آورد. او پیامبران دیگر را تصدیق کرد.

و گواهی می دهم که کسانی که او را دروغگو میپندارند عذاب دردناکی را خواهندچشید و من گواهی میدهم که او وسیله ثواب و عقاب توست و هر آن چه او از نزد تو برای ما آورده است، حق و حقیقت روشن است و از پروردگار جهانیان است و هیچ شکی در آن نیست.

خداوندا بر محمد بنده و فرستاده و امین و همرازت و نجاتدهنده و برگزیده و راهنمای بندگان خود سلام و درود بفرست کسی که او را برای رسالات خود برگزیدی و برای دینت خالص گردانیدی و بندگانت را به او سپردی و او را امین وحی خود قرار دادی و او را پرچم هدایت کردی و درِ تقوا و حجت عظیم و دستاویز محکم قرار دادی؛ در آن چه که بین تو و بین خلقت قرار دارد. او شاهد و بیننده مردم است و بر آن ها سیطره دارد. خداوندا شریفترین پاکیزهترین مطهرترین نیکوترین و رضایتمندانهترین صلواتی را که بر پیامبران و فرستادگان و برگزیدگان

خودت فرستادی، بر او نیز بفرست و درود و آمرزش و برکات و رضا و شرف و بزرگداشت و درود فرشتگان مقربت و پیامبران فرستاده شدهات و بندگان شایسته ات شهدا و صدیقین (راست گویان) و اوصیاء (جانشینان) که بهترین دوستاناند و همه اهل آسمان هاو زمین و هر آن چه که بین آسمان و زمین و در آسمان و زمین است و آن چه که در بین مشرق و مغرب وجود دارد و آن چه که در هوا و خورشید و ماه و ستارگان و کوهها و درختان و جانداران است و آن چه که در خشکی و دریا و تاریکی و نور در روز و شب و صبح و شام تو را تسبیح میگویند، درود و سلام همه این ها را در حق محمد بن عبدالله که سرور فرستادهشدگان و خاتم پیامبران و

امام پرهیزکاران و مولای مؤمنان و ولی مسلمانان و رهبر و پیشوای نامداری که شاهد و بشارت دهنده و انذار دهنده است و امین توست و به اذن تو همه را به سوی تو میخواند و چراغ پر نور درود فرست.

خداوندا در میان اولین و آخرین بندگانت بر محمد سلام و درود بفرست و در روز قیامت بر محمد درود فرست، روزی که مردم همه از گور برمیخیزند و در پیشگاه پروردگار جهانیان حاضر میشوند. بر محمد درود فرست همان طوری که ما را با او ثابتقدم گردانیدی و بر محمد درود فرست همان طوری که به واسطه او بر ما رحم کردی و بر محمد درود فرست همان طوری که ما را با او صاحب فضل گرداندی و بر محمد درود فرست همان طوری که ما را با او بزرگ داشتی و بر محمد درود فرست همان طوری که ما را با او افزایش دادی و بر محمد درود فرست همان طوری که ما را با او حفظ کردی و بر محمد درود فرست همان طوری که ما را به واسطه او توان دادی و بر محمد درود فرست همان طوری که ما را با او عزت دادی خداوند ا و به محمد بهترین چیزی را که در روز قیامت به فردی از امتش به واسطه دستوراتی که به او دادهای پاداش میدهی عطا کن. خداوندا بهترین فضائلت را نصیب محمد کن و او را به جایگاه بلندمرتبهترین بزرگان و در درجات عالیه در اعلی علیین و در بهشت و میان رودها برسان او را در جایگاه صدق نزد خداوند پادشاه قادر وتوانا بنشان و آنقدر به او نعمت عطا کن تا راضی گردد و حتی بعد از رضایت او نیز نعمتش را فزونی ده و او را نزدیکترین بندگان به خودت و وجیهترین آنان قرار بده و او را از جمله کسانی قرار بده که بیشترین نصیب را از نزد تو میبرند و بیشترین بهره را در هر خیری که تقسیمکننده آن هستی به آنان اختصاص میدهی.

خداوندا از نسل او و از نزدیکانش و همسرانش و امتش افرادی را به او ملحق کن که مایه روشنی چشم او گردند و دیدگان ما را نیز به دیدار او منور گردان و بین ما و او جدایی مینداز. خداوندا در روز قیامت از ابزار و وسایل و از شرف و مکارم به قدری به او عطا کن که فرشتگان مقرب و پیامبران و همه خلق به آن غبطه بخورند.

خداوندا روی او را سفید گردان و شرف و پیروزی را نصیب او گردان و حجت او را ثابت گردان و دعای او را مستجاب و برهان او را آشکار کن و او را به مقام پسندیدهای که وعده دادی برسان و به نزدیکان او کرامت بده و عطایای او را نیکو و شفاعت او را مقبول و خواستههای او را عطا کن. کارها و امور او را شرف ببخش و برهان او را عظیم و نور او را تمام گردان و ما را به حوض او وارد کن و از جام او بنوشان و صلوات امت او را در حقش مقبول بدار و ما را دنبالهرو او قرار ده و به راه او وارد کن و کمک کن عامل به سنتش باشیم و ما را بر دین او بمیران و بر طریقت او محشور گردان و از دوستداران و پیروان و یاران و دوستان و بهترین افراد امتش و پیشاهنگان مردمش و زیر پرچم او قرار ده.

خداوندا ما را متدین به دین او قرار بده و کمک کن تا با او هدایت شویم و به سنتش عمل کنیم و با دوستان او دوست و با دشمنانش دشمن باشیم تا پس از مرگ ما را به او وارد کنی در حالی که روسیاه و پشیمان نیستیم و عهد خود را نشکستهایم و سنت او را تغییری نداده ایم. خداوندا محمد را دو چندان به خود نزدیک کن و قربت مضاعف به او عطا کن و با هر فضیلت فضیلتی (فضایل او را بسیار گردان) و با هر وسیله وسیلهای به او بده با هر شفاعت شفاعتی و با هر کرامت کرامتی و با هر خیر خیری و با هر شرف شرفی و او را شفیع هر کس از افراد امتش و مردم امتهای دیگر که او را شفیع خود قرار میدهد قرار ده تا جایی که هر چیزی که به فرشتگان مقرب و پیامبران و بندگان برگزیدهات در روز قیامت میدهی، از او کمتر باشد. خداوندا بر محمد و آل محمد درود و سلام فرست و به او و خاندانش خیر و برکت عطا کن همان گونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود و سلام فرستادی که تو ستودهشده و بزرگ هستی.

خداوندا بر محمد و آل محمد منت گذار همان گونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم منت نهادی. تو ستودهشده و بزرگ هستی و بر محمد و آل محمد سلام بفرست همان طور که بر نوح در جهانیان فرستادی و بر همسرانش و فرزندانش و اهل بیت پاک و پاکیزه و هدایتکننده وهدایتیافته او که گمراه کننده و گمراه شده

نیستند سلام بفرست. خداوندا بر محمد و آل محمد که رجس و ناپاکی را از آن ها دور کردی و آنان را پاک و مطهر گرداندی درود فرست.

خداوندا در میان اولین و آخرین بندگانت، بر محمد و آل او درود فرست و در جهانیان بر او و آلش درود فرست و در میان پیامبرانی که در اعلی علیین هستند، بر محمد و آل او درود بفرست و تا ابد بر او درود بفرست، درودی که هیچ پایانی و هیچ سرآمدی ندارد. آمین یا رب العالمین.

ص: 69

باب بیست و نهم : فضیلت صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و لعن بر دشمنان آن بزرگواران؛ علاوه بر آن چه در باب پیشین آمد

آیات:

« إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِیما * إنّ الّذینَ یؤذونَ الله و رسولَه لعنهم الله فی الدّنیا و الآخره و أعدّ لهم عذابا مهینا»

{خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستد؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستید و سلام گویید و کاملاً تسلیم(فرمان او) باشید. * آن ها که خدا و پیامبرش را آزار می دهند، خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته، و برای آن ها عذاب خوارکننده ای آماده کرده است}(1)

روایات:

1. ثواب الاعمال(2)و

امالی: امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: هر که ماه رمضان را دریابد و آمرزیده نشود خدایش دور سازد، و هر که پدر و مادرش را دریابد و آمرزیده نشود خدایش دور سازد، و هر که مرا نزدش نام برند و بر من صلوات نفرستد خدایش دور سازد(3).

1- . احزاب: 56 و 57
2- . ثواب الاعمال: 61
3- . امالی صدوق: 35

میگویم: تمام این حدیث در باب فضیلت شهر رمضان بیان شد.

2. عیون اخبار الرضا(1)

و امالی: امام رضا علیه السلام فرمود هر که توانا بر کفاره گناهانش نیست باید بر محمد و آل محمد، بسیار صلوات بفرستد که صلوات، گناهان را ریشه کن می کند. آن حضرت علیه السلام فرمود صلوات بر محمد و آل محمد نزد خداوند عز و جل برابر با تسبیح و تهلیل (لا اله الا الله) و تکبیر (الله اکبر) است (2).

3. امالی: امام علی علیه السلام بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله در خطبه ای فرمود: شما به واسطه شهادتین وارد بهشت می شوید و به واسطه صلوات بر محمد، به رحمت پروردگار دست می یابید، پس بر محمد پیامبرتان صلی الله علیه و آله و خاندان او بسیار درود بفرستید که خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستد؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستید و سلام گویید و کاملاً تسلیم (فرمان او) باشید(3).

4. امالی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس بگوید: «صلی الله علی محمد و آله» خداوند می فرماید: «صلی الله علیک» پس باید این صلوات را زیاد بگوید. و هرکس بگوید: «صلی الله علی محمد» و بر آل محمد درود نفرستد، نسیم بهشت را استشمام نخواهد و نسیم بهشت از فاصله 500 سال قابل استشمام است(4).

در امالی طوسی نیز همانند این حدیث آمده است(5).

5. امالی صدوق: معاویه بن عمار گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام یکی از پیامبران را نام برده و بر او درود فرستادم. حضرت علیه السلام به من فرمود: هرگاه نام یکی از پیامبران برده شد، اول بر محمد درود بفرست بعد بر آن پیامبر. و بگو: صلی الله علی محمد و آله و علی جمیع الانبیاء(6).

1- . عیون اخبار الرضا 1 :294 و 163
2- . امالی صدوق :45

3- . امالی صدوق : 193 ، و نیز در توحید: 54
4- . امالی صدوق : 228
5- . امالی طوسی2: 37
6- . امالی صدوق: 228

در امالی طوسی نیز همانند این حدیث آمده است.(1).

6. امالی صدوق: ابن ابی لیلی گوید کعب بن عجره را دیدم او به من گفت آیا نمی خواهی هدیه ای بتو دهم؟ به راستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد ما بیرون آمد و ما گفتیم: ای رسول خدا، به ما آموختی که چگونه به شما سلام کنیم. اکنون بفرما که چگونه بر شما صلوات بفرستیم؟ فرمود: بگوئید اللهم صل علی محمد کما صلیت علی ابراهیم انک حمید مجید و بارک علی آل محمد کما بارکت علی آل ابراهیم انک حمید مجید(2). خداوندا درود بفرست بر محمد همان گونه که درود بر ابراهیم فرستادی به درستی که تو ستوده وبزرگواری ، و برکت بفرست بر آل محمد، آن گونه که برکت فرستادی بر آل ابراهیم به درستی که تو ستوده وبزرگواری.

در امالی طوسی نیز همانند این حدیث آمده است.(3).

7. امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه یکی از شماها نماز بخواند و در نماز خود نام پیغمبر صلی الله علیه و آله را نبرد، با این نماز به راهی جز راه بهشت میرود، و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس که نامم نزدش برده شود و بر من صلوات نفرستد به دوزخ می رود، پس خدایش (از رحمت خود) دور کند.(4).

در کتاب ثواب الاعمال نیز همانند این حدیث روایت شده است.(5).

8. المحاسن: ابوجمیله همانند حدیث فوق را ذکر نموده و یک عبارت اضافی هم در ادامه حدیث نقل نموده است که چنین است: و هر کس که من نزدش نام برده شوم و صلوات (فرستادن) را بر من فراموش کند از راه بهشت به خطا رفته است.(6).

9. قرب الاسناد: روایت است که یکی از صادقین علیه السلام فرمود: سنگین ترین چیزی که در روز قیامت در ترازوی اعمال گذاشته می شود، صلوات بر محمد و اهل بیت اوست.(7).

1- . امالی طوسی2 : 38

2- . امالی صدوق: 232
3- . امالی طوسی2 : 43
4- . امالی صدوق: 346
5- . ثواب الاعمال : 187
6- . المحاسن :95
7- . قرب الاسناد :12

10. قرب الاسناد: ازدی گوید: یکی از یاران ما در خدمت امام صادق علیه السلام این گونه صلوات فرستاد: اللهم صل علی محمد و آل محمد کما صلیت علی ابراهیم. امام علیه السلام فرمود: نه، بلکه باید بگویی: کأفضل ما صلیت و بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم إنک حمید مجید(1).

11. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: چون شامگاه پنجشنبه و شب جمعه فرا می رسد، فرشتگان از آسمان نازل می شوند در حالی که با خود قلم هایی از طلا و صحیفه هایی از نقره دارند و آن ها شامگاه پنجشنبه و شب جمعه و نیز روز جمعه تا وقت غروب آفتاب، چیزی غیر از صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او را نمی نویسند(2).

12. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: در روز جمعه هیچ عملی با فضیلت تر از صلوات بر محمد و آل او نیست(3).

13. الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله در هر جایی واجب است و نیز در هنگام عطسه و آروغ زدن و غیره(4).

میگویم: در نامه ای که امام رضا علیه السلام برای مأمون نوشت، به جای کلمه «الریاح» یعنی آروغ زدن، کلمه ذبائح به معنای ذبح کردن آمده است(5).

14. خصال الصدوق: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: بر محمد و آل او صلوات بفرستید که خداوند عزوجل، دعایتان را که در آن از محمد یاد می کنید و او را دعا می کنید، قبول می کند(6).

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: سزاوار است که گوش به چهار موضوع مشغول باشد: پیامبر صلی الله علیه و آله و بهشت و دوزخ و حور العین. هرگاه بنده ای از

1- . قرب الاسناد :29

2- . الخصال 2 : 31

3- . الخصال 2 : 32

4- . الخصال2 : 153
5- . عيون اخبار الرضا 2 : 124
6- . الخصال 2 : 157

نمازش فارغ گشت، باید بر پیامبر صلی الله علیه و آله، درود فرستد و از خداوند بهشت را خواسته و به خداوند از آتش دوزخ پناه برد. و از خداوند بخواهد که حوریان چشم درشت را به ازدواج او درآورد. هرکس بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات و درود بفرستد، دعایش بالا می رود. و هرکس از خداوند بهشت را در خواست کند، بهشت می گوید: پروردگارا، به بنده ات هرچه می خواهد، عطا کن. و هرکس از آتش به خداوند پناه برد، آتش میگوید: پروردگارا، بنده ات را از آن چه به تو پناه می برد، پناهش ده. و هرکس از خداوند حور العین را طلب کند، آن ها می گویند: پروردگارا، چیزی را که بنده ات از تو می خواهد، به او عطا نما(1).

15. علل الشرائع(2)

و عیون الاخبار: از جمله مسائلی که خضر از امام حسن علیه السلام پرسید، این بود گفت: به من بگو که چگونه یک انسان چیزی را به یاد می آورد و یا فراموش می کند؟ فرمود: قلب انسان درون حقه ای است که بر روی آن حقه نیز سرپوشی قرار دارد. اگر انسان در آن هنگام، بر محمد و آل محمد صلوات کامل و بی نقص بفرستد، آن سرپوش از روی آن حقه کنار می رود و درون قلب روشن می شود و انسان چیزی را که فراموش کرده بود، مجددا به یاد می آورد. ولی اگر بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات نفرستد و یا این که صلوات ناقص بفرستد، آن سرپوش بر روی آن حقه قرار می گیرد و قلب را تاریک می کند. و این گونه می شود که انسان، چیزی را که یاد داشت، فراموش می کند(3).

1- . همان 2 :166

2- . علل الشرائع1 :91

3- . عیون الاخبار1 :66 و الاحتجاج: 142، المحاسن:332. به احتمال زیاد، در این جا سخن از روی استعاره و تمثیل است. زیرا صلوات بر محمد و آل محمد سبب قرب به مبدأ و آمادگی نفس است تا علوم بر آن افاضه شوند. آن چه از امور دنیوی که فکر انسان را به خود مشغول می دارد، سبب دوری انسان از ذات حق تعالی می شود که در این صورت همچون سرپوشی عمل می کند که روی قلب قرار گرفته باشد. و صلوات بر محمد است که این سرپوش را از روی قلب برداشته و قلب آماده دریافت فیض

حق می شود. که یا آن صورت مجددا به قلب انسان افاضه می شود یا این
که از گنجینه و مخزن فراخوان می گردد. رجوع شود به 61: 38

16. از جمله احتجاج های امام رضا علیه السلام در حضور مأمون بر علمای اهل سنت، در باره فضل و برتری اهل بیت و عترت طاهره، این است که فرمود: و اما آیه هفتم که درباره فضل اهل بیت است: إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِیما(1). معاندان دانستند که چون این آیه نازل شد عرض شد یا رسول اللّه ما سلام بر تو را دانستیم ولی چگونه برتو صلوات بفرستیم فرمود بگویید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی إِبْرَاهِیمَ وَ آلِ إِبْرَاهِیمَ إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِید. آیا میان شما در این باره اختلافی هست؟ گفتند: نه، مامون گفت در این باره اصلا هیچ اختلافی وجود ندارد و مورد اجماع است. ای ابوالحسن، آیا می توانی شاهدی واضح تر از این، از قرآن درباره آل برایمان بیاوری؟ فرمود: آری، به من درباره این آیه بگویید: یس و الْقُرْآنِ الْحَکِیمِ إِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ مقصود از یس کیست؟ علماء گفتند مقصود از آن محمد است و کسی در آن شک ندارد امام رضا علیه السلام فرمود پس خدا به محمد و آل محمد فضیلتی داده که احدی به کنه آن نرسد جز آن که آن مقام را بخوبی فهمیده باشد. و آن این است که خدا بر کسی سلام نداده جز به پیامبران و فرموده است سلام بر نوح در عالمیان و فرمود سلام بر ابراهیم و سلام بر موسی و هرون و نفرموده سلام بر آل نوح و سلام بر آل موسی و بر آل ابراهیم ولی فرمود «سَلَامٌ عَلَی آلِ یس»(2)

یعنی آل محمد علیهم السلام(3).

17. میگویم: در خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد فضیلت ماه رمضان آمده است که فرمود: هرکس در این ماه، برمن زیاد صلوات بفرستد، در روزی که ترازوی اعمال مردم سبک هست، خداوند ترازوی اعمال او را سنگین می کند.

18. علل الشرائع و عیون الاخبار: حسین بن خالد گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: فدایت شوم، چرا مهریه زنان پانصد درهم معادل دوازده و نیم اوقیه

1- . احزاب / 56
2- . صافات/ 130

3- . عیون الاخبار 1: 236 ، و همانند این حدیث در 92 : 384 آورده ایم و توضیحاتی نیز ارائه داده ایم.

مقرر شده است؟ فرمود: خداوند عز و جل بر خود واجب نموده است که هر مؤمنی که صد بار تکبیر و صد بار تسبیح و صد بار حمد و صد بار تهلیل خداوند را بگوید و صد بار بر پیامبر و آل او صلوات فرستد و این دعا را بخواند: «اللهمّ زوّجنی من الحور العین»، خداوند حوریه ای به همسری او در می آورد، و از این رو مهریه زنان پانصد درهم مقرر شده است، و هر مؤمنی که از برادر دینی خود دختری خواستگاری بنماید، و بخواهد مهریه او را پانصد درهم قرار دهد، و او از وی نپذیرد و از دادن دختر به او امتناع ورزد، به راستی که او را آزرده و رنجانده است، و مستحق آن است که خداوند او را از حوریه محروم سازد.

19. امالی طوسی: از زید بن ثابت روایت شده که گفت: جماعتی از یاران پیامبر خدا در جنگی از جنگ ها باتفاق رسول خدا صلی الله علیه و آله (از مدینه طیبه) بیرون رفتیم تا به سر چند راهی رسیدیم، در این هنگام، عرب بیابانی که مهار شتری را در دست داشت ظاهر شد و به سوی ما آمد تا این که در مقابل رسول خدا صلی الله علیه و آله ایستاد و عرض کرد: درود و رحمت و برکات خداوند بر تو باد ای رسول خدا، پس حضرت به او فرمود: و علیک السّلام،

عرب بیابانی عرض کرد: پدر و مادرم فدای تو باد چگونه صبح کردی، ای رسول خدا؟ حضرت باو فرمود: در حمد و ستایش خداوند با تو شریکم، تو چگونه صبح نمودی؟

راوی گوید: در عقب شتری که آن عرب بیابانی مهارش را در دست داشت مردی بود که گفت: ای رسول خدا، این اعرابی شتر را دزدیده است، پس شتر مدتی فریاد زد و نعره کشید و رسول خدا صلی الله علیه و آله سکوت نموده و بصدای او گوش می دادند، سپس رسول خدا رو به آن مرد نموده و فرمود: دست از این اعرابی بردار و او را رها کن، زیرا شتر گواهی می دهد که تو دروغ می گویی، راوی گفت: پس آن مرد به راه خود رفت. و رسول خدا صلی الله علیه و آله رو به آن اعرابی نموده فرمود: موقعی که نزد من می آمدی، چه می گفتی؟ عرض کرد گفتم: « خداوندا، بر محمد و آل محمد آنقدر درود بفرست تا دیگر درودی باقی نماند. خداوندا، به محمد و آل محمد، آنقدر برکت عطا کن که دیگر برکتی باقی نماند. خداوندا، بر محمد و آل محمد آنقدر سلام نثار کن که دیگر سلامی باقی نماند. خداوندا، بر محمد و آل محمد

آنقدر رحمت بفرست که دیگر رحمتی باقی نماند». رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من دراین اندیشه بودم که به چه علت است که این شتر را می بینم که به حیله و مکر آن مرد گواهی می دهد، و فرشتگان را می بینم که افق و کرانه آسمان را پر کرده اند(1).

20. امالی طوسی: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: هرکس فراموش کند که بر من صلوات بفرستد، راه بهشت را گم کرده است(2).

21. امالی طوسی: از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هر گاه یکی از شما اراده دعا نماید، پس باید با صلوات بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شروع کند، زیرا صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله مورد قبول پروردگار است، و خداوند چنین نیست که بخشی از دعا را قبول فرماید و بخشی از آن را رد کند(3).

22. امالی طوسی: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: صلوات شما بر من، موجب اجابت دعایتان و خوشنودی پرودگارتان و زکات اعمالتان است(4).

23. علل الشرایع: امام ابوالحسن عسکری فرمود: از آن جا که ابراهیم بر محمد و اهل بیت او (صلوات الله علیهم اجمعین) بسیار صلوات می فرستاد، خداوند وی را به عنوان دوست خود برگزید(5).

24. علل الشرایع: امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس خداوند را یاد کند، ده حسنه برایش نوشته می شود و هرکس رسول خدا صلی الله علیه و آله را یاد کند، هم ده حسنه برایش نوشته می شود. زیرا خداوند عزوجل رسول خود را هم طراز خود قرار داده است(6).

1- . امالی طوسی1: 127
2- . همان 1: 144
3- . همان1: 175
4- . همان1 : 219
5- . علل الشرایع1 : 23

6- . علل الشرايع 2 : 266

25. معانی الاخبار: امام موسی کاظم (ع) از پدر بزرگوارش روایت نموده که فرمود: هرکس بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات بفرستد، معنایش این است که من، برهمان پیمان و عهدی هستم که خداوند در عالم ذر از من گرفت آن گاه که فرمود: « آیا من پروردگار شما نیستم؟، گفتند: بله».(1)

26. معانی الاخبار: امام سجاد علیه السلام از پدرش از جدش روایت نموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بخیل واقعی کسی است که وقتی، در نزد او نامم برده شود، بر من درود نفرستد.(2)

27. معانی الاخبار: ابو حمزه گوید: از امام صادق علیه السلام درباره این آیه پرسیدم که مقصود چیست: «خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستد؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستید و سلام گویید و کاملاً تسلیم(فرمان او) باشید» حضرت فرمود: صلوات از جانب خداوند رحمت است و از جانب ملائکه تزکیه (پاکیزه گرداندن) است و از جانب مردم دعاست. اما این که خداوند فرمود: « و کاملاً تسلیم(فرمان او) باشید» یعنی در برابر آن چه را که از او نقل شده، تسلیم باشیم (بپذیرید).

پرسیدم: ما چگونه بر محمد و آل او صلوات بفرستیم؟ فرمود: بگویید: َصَلَوَاتُ اللَّهِ وَ صَلَوَاتُ مَلَائِكَتِهِ وَ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جَمِيعِ خَلْقِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. پرسیدم: کسی که این گونه بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات فرستد، چه ثوابی نصیبش می شود؟ فرمود: به خدا قسم، از گناهانش رها می گردد؛ بسان کسی می شود که تازه از مادر متولد شده است.(3)

1- . معانی الاخبار: 116
2- . معانی الاخبار: 246
3- ، معانی الاخبار : 368

28. التوحید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کودکان خود را برای گریستن آن ها نزنید زیرا تا چهار ماه اول، گواهی بر یگانگی خدا است و چهار ماه دوم، صلوات بر پیغمبر و آلش و چهار ماه سوم، دعا برای پدر و مادرش (1).

29. امالی صدوق: امام باقر علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کسی که بر من درود فرستد و بر آل من درود نفرستد، بوی بهشت را که از مسافت پانصد سال راه به مشام می رسد، نمی تواند استشمام کند.(2)

30. امالی صدوق: روزی، رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود آیا می خواهی که به تو مژده ای بدهم؟ عرض کرد: بله، پدر و مادرم به قربانت، تو همیشه مژده خوبی ها را می دهی. فرمود: لحظاتی قبل، جبرئیل خبرٍ شگفت انگیزی را برایم گفت، علی علیه السلام عرض کرد: یا رسول اللّه، جبرئیل چه خبری بشما داده است؟ فرمود: به من خبر داد که هر کدام از امتم بر من صلوات بفرستد و به دنبال آن، بر آل من هم صلوات بفرستد، درهای آسمان به رویش گشوده شود و فرشته ها هفتاد صلوات بر او می فرستند گرچه گنهکار و خطاکار باشد. سپس گناهانش فرو می ریزند چنان چه برگ های درخت بریزد و خدای تبارک و تعالی می فرماید: لبیک ای بنده من، و به فرشتگانش می فرماید ای فرشتگانم شما بر او هفتاد صلوات بفرستید و من هفتصد. ولی اگر کسی بر من صلوات بفرستد و به دنبال

1- . التوحید :242 گفته شده است: سر این مطلب، این است که کودک چهار ماه جز خدا نشناسد که این شناخت خداوند و گواهی به یگانگی او در سرشت کودک نهاده شده است. و گریه اش تنها توسل و پناه جستن به خداست و همان گواهی به یگانگی او است و در چهار ماه دیگر مادرش را می شناسد که تنها وسیله تغذیه او است نه از جهت مادری، و از این رو در این مدت پستان دیگری را هم غالبا می گیرد. پس کودک در این مدت، غیر از خداوند، هیچ کسی جز آن که واسطه روزی میان او و خداوند گشته، نمی شناسد. البته این واسطه طبیعتا مکلف به روزی رساندن به این طفل است. و این معنی رسالت است و گریه اش در حقیقت گواهی به رسالت است در این مدت، و در چهار ماه سوم پدر و مادر را می شناسد و می

فهمد که در روزی بدآن ها نیاز دارد و گریه او در این مدت، در حقیقت دعا برای سلامتی و ماندن آن ها است .
2- . امالی صدوق:120

آن، بر اهل بیتم صلوات نفرستد، میان او و اهل آسمان هفتاد حجاب قرار می گیرد و خدای جل جلاله فرماید: دعایت را اجابت نمی کنم. ای فرشتگانم دعایش را بالا نیاورید تا این که عترت پیامبر را نیز به پیامبر ملحق کند و همیشه در حجاب است تا این که او وقتی به من صلوات بفرستد، اهل بیتم را نیز به من ملحق کند.

همانند این حدیث در ثواب الاعمال نیز آمده است.

همانند این حدیث در جمال الاسبوع نیز آمده است.

31. امام صادق علیه السلام از پدرانش روایت نموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در روز قیامت، من در محلی که اعمال انسان را می سنجند (میزان)، هستم. هرکس کارهای بدش از کارهای نیکش سنگین تر شد، صلواتی را که بر من فرستاده، می آورم تا کارهای نیکش را سنگین تر سازم(1).

32. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام فرمود: چون نام پیغمبر صلی الله علیه و آله برده شد بسیار بر او صلوات بفرستید، زیرا هر کس یک صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله بفرستد خداوند هزار بار در هزار صف از فرشته ها بر او صلوات می فرستد، و چیزی از مخلوقات خدا نماند جز این که بر این بنده صلوات فرستد برای آن که خداوند و فرشتگان برای او صلوات فرستند، و هر کس در این فضیلت رغبت نکند، قطعا نادان و مغرور است، و خدا و رسولش از چنین فردی بیزارند(2).

همین حدیث، با سندی متفاوت در کتاب جمال الاسبوع نیز آمده است.

33. ثواب الاعمال: امیر مؤمنان علی علیه السّلام فرمود: صلوات فرستادن بر پیامبر صلّی اللَّه علیه و آله بهتر از آبی که آتش را از بین برد، گناهان را از بین می برد و سلام کردن بر پیامبر صلّی اللَّه علیه و آله فضیلت مندتر از آزاد کردن بندگان است و دوست داشتن آن حضرت صلّی اللَّه علیه و آله برتر روح جان ها، یا (فرمود): شمشیر زدن در راه خداست(3).

1- . ثواب الاعمال:140
2- . ثواب الاعمال : 139
3- . ثواب الاعمال: 139

34. ثواب الاعمال: عبدالسلام بن نعیم گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: وارد خانه خدا شدم و هیچ دعایی جز صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله به یادم نیامد. فرمودند: هیچ کسی کاری بهتر از کار تو در آن جا انجام نداده است.(1)

35. ثواب الاعمال: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: همه دعاها از صعود به آسمان ممنوع است،

تا آن گاه که بر محمّد و آل محمد صلوات بفرستند.(2)

36. صباح بن سیابه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: آیا می خواهی چیزی به تو بیاموزم که خداوند به واسطه آن صورت تو را از آتش جهنم محافظت کند؟ گفتم: آری. فرمود: بعد از طلوع فجر، صد بار می گویی: اللهم صل علی محمد و آل محمد. خداوند به واسطه این صلوات صورت تو را از آتش جهنم دور نگه می دارد.(3)

37. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام فرمود: در برخی کتاب ها دیدم که: هرکس بر محمد و آل او صلوات بفرستد، صد حسنه برایش نوشته می شود. و هر کس بگوید: صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِه، خداوند هزار حسنه برایش می نویسد.(4)

38. ثواب الاعمال: ابن مغیره گوید که از امام کاظم علیه السّلام شنیدم که فرمود: هر که پس از نماز صبح و مغرب پیش از آن که برخیزد یا با کسی سخن گوید آیه «خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند، ای کسانی که ایمان آورده اید بر او درود فرستید و به فرمانش به خوبی گردن نهید» را تلاوت کند و سپس گوید: «اللّهمّ صلّ علی محمّد النّبیّ و ذرّیّته»، خداوند صد حاجت او را برآورد؛ هفتاد حاجت در دنیا و سی حاجت در آخرت. عرض کردم: معنای درود خدا و درود فرشتگان و درود مؤمنان چیست؟ فرمود: درود خداوند رحمت از سوی اوست و درود فرشتگان ستایش آنان است و درود مؤمنان دعا نمودن برای پیامبر صلّی اللَّه

1- . ثواب الاعمال:140

2- . ثواب الاعمال:140

3- . ثواب الاعمال:140
4- . ثواب الاعمال:141

علیه و آله است. و از اسرار آل محمّد در درود فرستادن بر پیامبر و آل او این صلوات است: «خداوندا در میان اولین و آخرین بندگانت، بر محمد و آل او درود فرست و در جهانیان بر او و آلش درود فرست و در عالم بالا، بر محمد و آل او درود بفرست. و در میان پیامبران به او درود بفرست. خداوندا، به محمد، وسیله و شرف و فضیلت و درجات عالی عطا کن. خداوندا، من بدون این که توفیق دیدار محمد را داشته باشم، به او ایمان آوردم پس در روز قیامت مرا از دیدار او محروم نگردان. همجواری با آن حضرت را نصیب من قرار بده. و مرا بر طریقت و آیین او از دنیا ببر. و از حوض او جرعه ای گوارا به من ده و مرا سیراب گردان که بعد از آن هرگز تشنه نگردم. خداوندا، همان طور که من محمد را ندیده و به او ایمان آوردم، در بهشت دیدار رویش را نصیبم کن. خداوندا، درود و سلام بسیار از جانب من به روح محمد برسان». به راستی، هر که با این صلوات سه بار در سحرگاه و سه بار در شامگاه بر پیامبر صلّی اللّه علیه و آله صلوات فرستد گناهانش از بین رفته و خطاهایش پاک شود و شادی اش پایدار گشته و دعایش برآورده شود و به آرزویش دست یابد و روزی اش افزون، و در برابر دشمنش یاری گردد و اسباب همه خیرها برای او فراهم آید و از همنشینان پیامبرش در بهشت اعلا باشد(1).

39. ثواب الاعمال: عمار گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم مردی گفت: اللّهم صلّ علی محمد و اهل بیت محمد. امام صادق علیه السلام به او فرمودند: ما را در این دعا نیاوردید. آیا نمی دانی که اهل بیت پنج تن آل عبا هستند. آن مرد پرسید چطور بگویم؟ فرمودند: بگو اللّهم صلّ علی محمد و آل محمد، تا ما و شیعیانمان نیز مشمول این صلوات شویم (2).

میگویم: برخی روایات را در باب اعمال شب جمعه و روز جمعه در کتاب نماز، ذکر کردیم(3).

1- . ثواب الاعمال: 141 و 142

2- . ثواب الاعمال :143

3- . برخی از این روایات در مورد ثواب اعمال، در همان صفحه آمده است.

40. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس در روز صد مرتبه بگوید: رب صل علی محمد و اهل بیته، خداوند صد حاجت او را برآورده می سازد که شامل سی حاجت دنیوی و هفتاد حاجت اخروی است(1).

41. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: در صلوات فرستادن، صدای خود را بلند کنید زیرا که این امر، نفاق را از بین می برد(2).

42. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام فرمود: مردی نزد رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم آمد و عرض کرد: یا رسول اللَّه، یک سوّم دعایم را به تو اختصاص دادم. حضرت فرمود: خوب است. عرض کرد: یا رسول اللَّه! نیمی از دعایم را به تو اختصاص دادم. حضرت فرمود: این بهتر است. عرض کرد: یا رسول اللَّه! همه دعاهایم را به تو اختصاص دادم،

حضرت فرمود: در این صورت خداوند تمام امور دنیا و آخرت تو را کفایت می کند. در این هنگام مردی از حضرت امام صادق علیه السّلام پرسید: چگونه دعاهای خود را به پیامبر خدا اختصاص می دهد؟ حضرت علیه السّلام فرمود: از خدا هیچ چیزی مسألت نمی کند مگر آن که اول بر محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و اهل بیت او علیهم السّلام صلوات بفرستد و بعد حاجت خود را از خداوند بخواهد(3).

43. ثواب الاعمال: امام رضا علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: هرکس در روز جمعه بر من صلوات بفرستد، خداوند شصت حاجت او را برآورده می سازد که سی حاجت آن دنیوی و سی حاجت دیگر، اخروی است(4).

1- . ثواب الاعمال: 144

2- . ثواب الاعمال :144

3- . ثواب الاعمال: 142

4- . ثواب الاعمال: 141

44. ثواب الاعمال: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس نام من نزد او برده شود و صلوات بر من، را فراموش کند راه بهشت را به خطا خواهد رفت(1).

45. محاسن: امام صادق علیه السلام درباره این آیه: « إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلیما» فرمود: مقصود این است که او را بستایید و بر او درود بفرستید(2).

46. محاسن: ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم که مقصود این آیه چیست: « إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلیما»، حضرت فرمود: مقصود این است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات بفرستی و در برابر هر آن چه که او آورده است، تسلیم و فرمانبردار باشی(3).

47. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا، بخیل ترین مردم کسی است، که هرکس در نزدش نامی از من برده شود، بر من صلوات نفرستد. بار خدایا، بر محمد و آل محمد صلوات بفرست(4).

48. تفسیر امام حسن عسکری: خداوند متعال فرمود: « وَ إِذْ نَجَّیْناکُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ یَسُومُونَکُمْ سُوءَ الْعَذابِ یُذَبِّحُونَ أَبْناءَکُمْ وَ یَسْتَحْیُونَ نِساءَکُمْ وَ فی ذلِکُمْ بَلاءٌ مِنْ رَبِّکُمْ عَظیم»(5) و ای بنی اسرائیل! به یاد آورید «إِذْ نَجَّیْنَاکُم» پیشینیان شما را نجات دادیم «مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ» و کسانی که به فرعون در خویشاوندی و دین و آیین او نزدیکی می جستند، «یَسُومُونَکُمْ» شما را شکنجه می کردند «سُوَءَ الْعَذَابِ» به شکنجه های سختی که بر شما روا می داشتند؛ از جمله شکنجه های سخت آن ها این بود که: فرعون،

آنان را به ساخت و ساز مجبور کرده بود، و چون می ترسید که از کار کردن بگریزند، فرمان داده بود تا آنان را غل و زنجیر کنند و آنان در چنین حالتی خشت ها را از پله ها به طبقات بالا می بردند و گاه می شد یکی از آن ها

1- . ثواب الاعمال: 187

2- . المحاسن، ص328 و احزاب: 56
3- . ثواب الاعمال :271
4- . ارشاد: 285
5- . بقره/ 49

سقوط کند و جان سپارد، یا زمینگیر شود؛ امّا فرعونیان هیچ به او اعتنا نمی کردند، تا این که خداوند متعال به موسی علیه السلام وحی کرد: به آن ها بگو، هر کاری را با درود فرستادن بر محمّد صلی الله علیه و آله و خاندان پاکش آغاز کنند تا آن کار بر ایشان سبک گردد. آنان چنین کردند و کارها برایشان سبک گشت و فرمان داد تا هر کس درود فرستادن بر محمّد صلی الله علیه و آله و خاندانش را از یاد برد و سقوط کرد و زمین گیر شد، اگر در توانش بود، برای سلامتی خود، بر محمّد صلی الله علیه و آله و خاندانش درود فرستد و اگر یارای این کار را نداشت، دیگران بالای سرش، بر محمّد صلی الله علیه و آله و خاندانش درود فرستند تا برخیزد و از آن حادثه آسیبی نبیند و آنان چنین کردند و سلامت خویش باز یافتند. «يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءكُمْ» چون به فرعون گفتند: در بنی اسرائیل پسری زائیده می شود که مرگ تو و فروپاشی پادشاهی ات به دست اوست، فرمان داد تا پسران نورسیده بنی اسرائیل را سر ببرند. زنی از زنان بنی اسرائیل به قابله ها رشوه داد تا داستان بارداری او را فاش نکنند و بارداریش به پایان رسد.

آن گاه فرزند خود را در صحرایی یا در غاری یا در مکانی مخفی به دنیا آورد، و بالای سر او ده بار گفت: درود بر محمّد صلی الله علیه و آله و خاندان پاکش. پس، خداوند فرشته ای فرستاد تا نوزاد را پرورش دهد و از یک انگشتش شیر برای او جاری ساخت تا بیاشامد و از انگشتی دگر غذایی نرم تا تناول کند. روزها گذشت و در میان قوم بنی اسرائیل کسانی که البته تعدادشان بیشتر از کشته شدگان بود،

جان سالم به در بردند و بزرگ شدند و این گونه بنی اسرائیل رشد یافت. «وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءكُمْ» آن ها را بر جا می گذاشتند و به کنیزی می گرفتند. پس، بنی اسرائیل نزد موسی فریاد شکایت برآورد و گفتند: فرعونیان با دختران و خواهران ما همبستر می شوند. خداوند به آن دختران فرمان داد تا به هنگام ناخشنودی از این کار، بر محمّد صلی الله علیه و آله و خاندان پاک او علیهم السلام درود فرستند؛ و این گونه خداوند آن مردان را به کاری یا دردی یا مرضی مزمن و یا لطفی از لطف های خود مشغول می کرد و آنان را از دختران دور می نمود. پس، دیگر هیچ زنی با آنان، همبستر

نمی شد و خداوند به برکت درود فرستادن بر محمّد صلی الله علیه و آله و خاندان پاک او، شر آن ها را از سر ایشان کم می کرد.

«وَفِی ذَلِکُم» یعنی در این راه نجاتی که خداوند به آن شما را رهایی بخشید «بَلاءٌ» نعمتی «مِّن رَّبِّکُمْ عَظِیمٌ» بزرگ است. خداوند عزّ و جل فرمود: «یَا بَنِی إِسْرَائِیلَ اذْکُرُواْ» [ای فرزندان اسرائیل! به یاد آرید] آن گاه را که بلا از پیشینیان شما دور شد و با درود فرستادن بر محمّد صلی الله علیه و آله و خاندان پاکش بر آنان سبک گشت؛ پس، آیا نمی دانید که اگر شما به هنگام دیدار این خاندان به ایشان ایمان آورید، نعمت برایتان بسی برتر و والاتر و بزرگواری خداوند در حق شما نیک تر و فزون تر خواهد بود(1).

49. تفسیر امام حسن عسکری: بهترین اعمال مؤمنین، در هر مرتبه ای که هستند از زمین تا عرش خدا این است که صلوات بر محمّد و آل پاکش بفرستند و تقاضای رحمت و مغفرت برای شیعیان پرهیزگار آن ها نمایند و بر کسانی که آشکارا، از دشمنان آل محمد، پیروی می کنند و نیز بر منافقین نفرین و لعن کنند(2).

50. تفسیر امام حسن عسکری: آیه: فرمود: وَ الصَّابِرِینَ فِی الْبَأْساءِ(3)

یعنی شکیبایان در پیکار با دشمنان و دشمنی بالاتر از شیطان و پیروان او نیست که پیوسته آن ها را دفع می کند و از خویش دور می نماید با درود و صلوات بر محمّد و آل پاکش علیهم السّلام وَ الضَّرَّاءِ یعنی فقر و تنگدستی. فقری بالاتر از این نیست که مؤمن وادار شود از دشمنان آل محمّد درخواست کمک کند. و بر این گرفتاری صبر کند و عقیده اش این است که هر چه از اموال آن ها استفاده می نماید، غنیمتی است که به کمک آن مال، ایشان را لعنت می کند و بوسیله آن مال، ولایت ائمه طاهرین علیهم السّلام را ترویج می نماید. وَ حِینَ الْبَأْسِ هنگام شدت جنگ خدا را بیاد

1- . تفسیر امام حسن عسکری:116-117
2- . تفسیر امام حسن عسکری: 271
3- . بقره/ 177

می آورد و صلوات بر محمّد و علی ولی خدا می فرستد و او با دل و زبان دوستان خدا را دوست داشته و با دشمنان خدا، دشمن است(1).

51. کشف الغمه: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس بگوید: خداوند، از جانب ما به محمد پاداشی عطا کند که لایق او باشد، نوشتن ثواب آن قدر زیاد است که هفتاد ملک را در هزار صبح، خسته می کند(2).

52. جامع الاخبار: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس یک مرتبه بر من درود بفرستد، خداوند ده مرتبه بر او درود می فرستد. و هرکس ده مرتبه بر من درود فرستد، خداوند صد مرتبه بر او درود می فرستد. و هرکس صد مرتبه بر من درود فرستد، خداوند هزار مرتبه بر او درود می فرستد. و هرکس هزار مرتبه بر من درود بفرستد، خداوند هرگز او را در آتش جهنم عذاب نمی کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس یک مرتبه بر من درود بفرستد، خداوند دری از عافیت را بر روی او می گشاید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در روز قیامت کسی از همه به من نزدیک تر است، که در این دنیا بیشتر از همه، بر من صلوات فرستاده باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در وصیت خود به امام علی علیه السلام فرمود: یا علی، هرکس هر روز یا هر شب، بر من صلوات بفرستد، شفاعت من برایش واجب می شود؛ هرچند که از اهل گناهان کبیره باشد.

امام رضا علیه السلام فرمود: هر کس قدرت بر کاری که گناهان او را بپوشاند، نداشته باشد،

باید بر محمّد و آل او بسیار درود بفرستد، زیرا صلوات، گناهان را بکلی ویران می کند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس نام مرا ذکر کند و بر من صلوات نفرستد، بد بخت می گردد و هرکس ماه رمضان را درک کند و رحمت خداوند شامل

1- . تفسیر امام حسن عسکری:273

2- . کشف الغمه2 :381

حال او نشود، بد بخت می گردد و هرکس پدر و مادرش را درک کند ولی به آن ها خوبی و مهربانی نکند، بد بخت می گردد(1).

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس یک مرتبه بر من صلوات بفرستد، ذره ای از گناهانش باقی نمی ماند.

امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس، هر روز صد مرتبه بر پیامبر و آل او، صلوات بفرستد،

هفتاد فرشته آن صلوات ها را در بر گرفته و برای رساندنش به رسول خدا صلی الله علیه و آله از همدیگر پیشی می گیرند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس بگوید: اللهم صل علی محمد و آل محمد، خداوند پاداش هفتاد و دو شهید را به او عطا نموده و او همچون روزی که از مادر متولد شده، از گناهانش پاک می گردد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس یک مرتبه بر من صلوات فرستد و آن دو ملک هم آن را بشنوند، سه روز گناهان او را نمی نویسند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس در روز جمعه ده مرتبه بر من صلوات فرستد، خداوند گناهان هشتاد ساله اش را می بخشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس یک مرتبه بر من صلوات فرستد، خداوند در روز قیامت، نوری بر بالای سرش و نوری درسمت راستش و نوری در سمت چپش و نوری در سمت بالایش و نوری زیر پایش و نوری در تمام اعضایش می آفریند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس بر من صلوات فرستد، وارد دوزخ نمی گردد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: صلوات بر من، نور صراط است و هرکس در پل صراط نوری داشته باشد، از اهل دوزخ نخواهد بود.

1- . جامع الاخبار : 69

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: هرکس بر تو درود فرستد، هفتاد هزار فرشته بر خود او درود می فرستند و هرکسی که هفتاد هزار فرشته بر او دورد فرستند، از بهشتیان خواهد بود(1).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: صلوات شما بر من، جواز دعایتان و مایه خشنودی پروردگارتان و نیز موجب پاکیزگی اعمالتان است.

روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه کسی دعایی کند، میان او و آسمان مانعی قرار می گیرد تا این که بر محمد و آل محمد، صلوات بفرستد. اگر چنین کرد، آن مانع زدوده شده و دعا به سوی آسمان می رود ولی اگر چنین نکند، دعایش نیز به سوی آسمان بالا نخواهد رفت.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس بر من یک صلوات فرستد، خداوند تعالی ده بار به او درود می فرستد و ده کار بد را از کارنامه اعمالش پاک می کند و ده حسنه در کارنامه اش می نویسد و هر دو فرشته بر انسان گمارده شده اند، شتاب می کنند تا سلام او را به روح من برسانند و در این امر از یکدیگر پیشی می گیرند(2).

و نیز آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: در روز جمعه زیاد بر من صلوات بفرستید. چرا در آن روز اعمال دو برابر حساب می شود. و از خداوند بخواهید که در بهشت درجه وسیله را به من عطا کند. سؤال شد: یا رسول الله، درجه وسیله که در بهشت است، چیست؟ فرمود: بالاترین درجه بهشت است که کسی جز پیامبر به آن نمی رسد و امیدوارم که آن پیامبر، من باشم.

ابن شیبه روایت نموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل به دیدار من آمد و به من بشارت داد و گفت: خداوند عزوجل می فرماید: هرکس به تو درود بفرستد، من نیز به خود او درود می فرستم و هرکس به تو سلام کند من نیز به خود او سلام می کنم. حضرت فرمود: من به خاطر این مژده و بشارت به سجده افتادم.

1- . جامع الاخبار: 70

2- . جامع الاخبار : 71

روایت شده است که امام علی علیه السلام فرمود: کارایی و اثر صلوات بر محمد آل او، در زدودن گناهان بسی بیشتر از اثر آب در خاموش کردن آتش است. سلام و درود فرستادن بر پیامبر آل او، از آزاد کردن چندین برده نیز با فضیلت تر است. و دوستی رسول خدا صلی الله علیه و آله از جان انسان نیز برتر است. یا این که فرمود: از شمشیر زدن در راه خداوند نیز برتر است(1).

امام صادق علیه السلام فرمود: چون نام پیغمبر صلی الله علیه و آله برده شد بسیار بر او صلوات بفرستید، زیرا هر کس یک صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله بفرستد خداوند هزار بار در هزار صف از فرشته ها بر او صلوات می فرستد، و چیزی از مخلوقات خدا نماند جز این که بر این بنده صلوات فرستد برای آن که خداوند و فرشتگان برای او صلوات فرستند، و هر کس در این فضیلت رغبت نکند، قطعا نادان و مغرور است، و خدا و رسولش از چنین فردی بیزارند.

امام صادق علیه السلام از پدربزگوارش روایت نموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در روز قیامت، من در محلی که اعمال انسان را می سنجند، هستم. هرکس کارهای بدش از کارهای نیکش سنگین تر شد، صلواتی را که بر من فرستاده، می آورم تا کارهای نیکش را سنگین تر سازم.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هر دعایی از بالا رفتن به سمت آسمان باز داشته می شود، تا این که بر محمد و آل محمد درود فرستاده شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: آیا می خواهی چیزی به تو بیاموزم که خداوند به واسطه آن صورت تو را از آتش جهنم محافظت کند؟ گفتم: آری. فرمود: بعد از طلوع فجر، صد بار می گویی: اللهم صل علی محمد و آل محمد. خداوند به واسطه این صلوات صورت تو را از آتش جهنم دور نگه می دارد.

امام صادق علیه السلام فرمود: در یکی از کتاب ها دیدم: هرکس بر محمد و اهل بیت او صلوات فرستد، خداوند هزار حسنه برایش می نویسد.

1- . جامع الاخبار :71

امام ابوالحسن علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس در روز جمعه صد مرتبه بر من صلوات فرستد، خداوند شصت حاجت او را برآورده می سازد که سی حاجت آن دنیوی و سی حاجت دیگر مربوط به آخرت است(1).

از امام صادق علیه السلام سؤال شد که بهترین اعمال در روز جمعه چیست؟ حضرت فرمود: این که بعد از نماز عصر، صد مرتبه بر محمد و آل محمد صلوات بفرستی و اگر بیشتر از این شد، چه بهتر(2).

53. کفایه الاثر فی النص علی الائمه الاثنی عشر: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دعای مردم، همچنان در حجاب و مانع است تا این که بر من و بر اهل بیت من، صلوات فرستاده شود(3).

54. جمال الاسبوع: عبدالله بن سنان گفت: با عدهای از یاران در نزد امام صادق علیهالسلام بودیم و حضرت در آغاز سخن به ما گفت: چگونه بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم درود میفرستید؟ گفتیم میگوییم: خداوندا بر محمد و آل او درود بفرست. فرمود: گویا شما با این سخن به خداوند عز و جل امر میکنید که بر آن ها درود بفرستد. گفتم پس چگونه بگوییم؟ فرمود: بگویید: خداوندا، تو که قابض و باسط همه چیز هستی و خالق زمین و آسمان ها هستی، تو با ما عهدی بستی و ما به نبوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم اعتراف کردیم و ولایت علی بن ابی طالب را پذیرفتیم، پس شنیدیم و اطاعت کردیم. و ما را به نماز دستور دادی پس با آن عمل دانستیم که این حق است و از آن پیروی کردیم. خداوندا من به تو و محمد و علی و هشت حامل عرش و چهار فرشته خزانهدار علم تو گواهی میدهم که نمازهای واجب و مستحب و زکات و سخنان و اعمال نیک من به خاطر توست، پس ای خداوند از تو میخواهم که بر محمد و آل محمد درود برسانی و مرا در نزد خود به آنان نزدیک کنی، همان طور که مرا به درود فرستادن بر او امر کردی. و تو را

1- . جامع الاخبار:72
2- . جامع الاخبار : 74
3- . کفایه الاثر:293

گواه میگیرم که من تسلیم امر او و اهل بیت او علیهمالسلام گشتهام و در این راه تکبّر و نخوتی ندارم. پس با درودهای خود و درود فرشتگانت ما را پاکیزه گردان که ما را به آن وعده دادهای: «هُوَ الَّذِی یُصَلِّی عَلَیْکُمْ وَ مَلائِکَتُهُ لِیُخْرِجَکُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَی النُّورِ وَ کانَ بِالْمُؤْمِنِینَ رَحِیماً تَحِیَّتُهُمْ یَوْمَ یَلْقَوْنَهُ سَلامٌ وَ أَعَدَّ لَهُمْ أَجْراً کَرِیماً»(1)

پس با تحیت و سلام خود ما را مقرّب گردان و با اجر کریمی از رحمت خود بر ما منت گذار و ما را از جانب محمد به افضل درودها اختصاص بده و بر ایشان درود فرست که درود تو آرامشی است برای ایشان و با درود او و اهل بیتش ما را پاکیزه گردان و آن چه را که از علم و معرفت آن ها به ما دادهای، در نزد خود ثابت نگاهدار به صورت شفاعت شده نه به ودیعه گذاشته شده، یا ارحم الراحمین.(2)

55. جمال الاسبوع: حریز گفت: به امام صادق علیهالسلام گفتم: فدایت شوم، چگونه باید بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درود فرستاد؟ فرمود: خداوندا بر محمد و اهل بیت او که آلودگی را از آن ها دفع کردی و آن ها را تطهیر کردی، درود فرست. گفت من با خود گفتم: خداوندا بر محمد و اهل بیت او درود فرست. حضرت به من گفت: این گونه نیست. گفتم بگو خداوندا بر محمد و اهل بیت او درود فرست. پس گفتم: خداوندا بر محمد و اهل بیت او درود فرست.(3) پس به من گفت: حریز تو حافظ هستی. پس همان طور که به تو میگویم، بگو: خداوندا بر محمد و اهل بیت او که آلودگی را از آن ها دفع کردی و آن ها را تطهیر کردی درود فرست. پس من هم به همین ترتیب گفتم و حضرت فرمود: بگو خداوندا بر محمد و اهل بیت او که علم خود را به آنان الهام کردی و آن ها را حافظ کتاب خود گرداندی و مسولیت بندگانت را به آن ها سپردی درود فرست. خداوندا بر محمد و اهل بیت او که ما را به طاعت آنان فرمان دادی و عشق به آنان را بر ما واجب گرداندی درود

1- . احزاب/ 43- 44

2- . جمال الاسبوع : 238- 240.

3- . گویا حضرت سخن را آغاز کرد تا درود را تا آخر بگوید، اما او این کار را انجام نداد و تنها آغاز صلوات را تکرار کرد.

فرست. خداوندا بر محمد و اهل بیت او که آن ها را پس از پیامبرانت ولیّ امر خود قرار دادی درود فرست. درود بر او و بر اهل بیت او.(1)

56. جمال الاسبوع: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس بگوید خداوندا بر محمد و اهل بیت او درود فرست، خداوند او را مورد آمرزش قرار میدهد. به اوگفتم: بله همین طور است. و گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم نیز این را گفت.(2)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: درود شما بر من موجب اجابت دعای شما و رضایت پروردگارتان و زکات اعمالتان است.

از اجداد امام صادق علیهالسلام روایت است: هر گاه کسی از شما دعا کند و نام نبی خدا را بر زبان نیاورد، دعا بر بالای سر او میچرخد و هر گاه نام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم را ببرد، دعای او بالا میرود.

امام صادق علیهالسلام فرمود: هر گاه کسی از شما دعا کند دعای خود را با صلوات بر محمد آغاز کند و بگوید فلان حاجت مرا برآورده ساز، و همین طور هرگاه بندهای بگوید: خداوندا بر محمد و اهل بیت او درود فرست، دعای او مستجاب میشود و وقتی گفت فلان حاجت مرا برآورده ساز، خداوند بخشندهتر از آن است که حاجتی را برآورده سازد و دیگری را رها کند.

امام صادق علیهالسلام فرمود: خداوند فرشتهای را بر قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم موکل کرده است که ظهلیل نام دارد. هر گاه کسی از شما بر او درود بفرستد، فرشته به نبی اکرم میگوید: فلان شخص بر تو درود فرستاد و پیامبر درود او را با سلام پاسخ میدهد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: خداوند نام همه مخلوقات و نام پدران آن ها را به یکی از فرشتگان تعلیم داده است و او بر قبر من قائم است. وقتی از دنیا رفتم در روز قیامت هر کس بر من درود بفرستد، فرشته میگوید: ای محمد،

1- . جمال الاسبوع : 240 و 241

2- . جمال الاسبوع : 240 و 241

فلان بن فلان بر تو درود فرستاد و خداوند به من امر کرده است که در ازای هر درود بنده ده سلام به او بگویم.(1)

57. غوالی اللآلی: روایت شده است که به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض شد: ای رسول خدا ! این که خداوند فرمود: خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند، یعنی چه ؟ حضرت فرمود: این از علم غیب است و اگر شما از من نمی پرسیدید، من چیزی به شما نمی گفتم. خداوند تعالی دو فرشته به خاطر من گمارده است. پس هرگاه نزد مسلمانی از من یاد شود و آن دو فرشته به آن مسلمان می گویند: خداوند از گناهانت درگذرد. و خداوند و فرشتگانش هم آمین می گویند. و هر گاه در نزد مسلمانی نامی از من برده شود و او صلوات نفرستد، آن دو فرشته به آن مسلمان می گویند: خداوند تو را نیامرزد و خدا و فرشتگانش هم آمین می گویند.

58. اختصاص: رسول خدا فرمود: ذکر خداوند عزو جل عبادت است و ذکر و یاد کردن از من و علی و نیز امامان که فرزندان علی هستند هم عبادت است. ادامه خبر.(2)

59. ارشاد قلوب: امام موسی بن جعفر از پدران بزرگوارش از امیر مؤمنان روایت نموده که فردی یهودی در باره فضیلت محمد صلی الله علیه و آله بر سایر انبیاء سؤال نمود و گفت: خداوند به فرشتگانش دستور داد که برآدم سجده کنند. امام فرمود: خداوند فضیلتی برتراز این به محمد داد و آن این که ذات الهی بر او درود فرستاد و به فرشتگانش امر نمود که براو درود فرستند. و عبادت همه آفرینندگان تا روز قیامت با صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله همراه است. خداوند فرمود: همانا خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستد پس ای کسانی که ایمان آوردهاید، بر او درود فرستاده و دربرابر فرمان هایش کاملا تسلیم باشید.

پس هرکس در زندگی و بعد از زندگی اش بر او درود فرستد، خداوند ده برابر آن بر خود او درود می فرستد و به ازای هرصلواتی، ده حسنه به او می دهد. و

1- . جمال الاسبوع : 241- 244

2- . اختصاص :224

هرکس به آن حضرت بعد از وفاتش درود بفرستد، پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به این درود فرستادن آگاه گشته و جواب سلام او را می دهد. چرا که خداوند عزوجل دعاها و خواسته ها ی بندگانش را به اجابت نمی رساند تا این که بر پیامبرش درود فرستند و این فضیلت بسی برتر از فضیلتی است که خداوند به آدم داد.

سپس امام علی به مواردی اشاره کرد که خداوند امت محمد صلی الله علیه و آله را بر سایر امم برتری داده از جمله این که: هرکس به پیامبر صلی الله علیه و آله درود بفرستد، خداوند ده حسنه به او داده و ده کار بد را از کارنامه اعمالش پاک می کند. همان گونه که او بر پیامبر درود فرستاده است، خداوند نیز به خود او درود می فرستد (1).

60. نوادر راوندی: امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس صد مرتبه بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد، خداوند صد حاجت او را برآورده می سازد.

61. امام محمد باقر علیه السلام فرمود: فرشته ای از فرشتگان از خداوند خواست تا به او این توانایی را بدهد که سخنان آدمیان را بشنود. خداوند هم خواسته او را اجابت کرد. اکنون آن فرشته تا روز قیامت مأمور است که هر کس بگوید: صلی الله علی محمد و آله، آن فرشته درجوابش می گوید: و علیک السلام. به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض می کند: ای رسول خدا ! فلانی به شما سلام می رساند و رسول خدا هم جواب می دهد: و علیه السلام(2).

62. خالد اقطع گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا صلوات فرستادن بر مومنین هم جایز است ؟ فرمود: آری. به خدا سوگند. صلوات فرستادن بر مومنین هم جایز است. چرا که خداوند بر مومنین صلوات فرستاده آن جا که فرموده است: هموست که بر شما درود می فرستد(3).

1- . ارشاد القلوب: 219، 223

2- . امالی طوسی2 : 290

3- . احزاب/ 43

63. دعوات راوندی: امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس با خلوص نیت از ته دل یک بار بر محمد و آل او صلوات بفرستد، خداوند صد حاجت او را بر آورده می سازد که سی حاجت آن دنیوی و هفتاد حاجت دیگر مربوط به آخرت است و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرکسی که هرروز سه مرتبه و هرشب هم سه مرتبه از روی محبت و اشتیاق برمن صلوات بفرستد بر خداوند است که گناهان آن روز و آن شب او را بیامرزد.

ابن عباس گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: عمویم حمزه بن عبدالمطلب و برادرم جعفربن ابی طالب را درخواب دیدم که طبقی از میوه درخت سدر در کنارشان بود. آن ها مدتی از آن خوردند و سپس آن سدر به انگور تبدیل شد و آن ها مدتی از آن تناول کردند تا این که انگور به رطب تبدیل شد و آن ها مدتی از آن تناول کردند. دراین هنگام من به طرف آن دو رفتم و پرسیدم: پدر و مادرم فدایتان باد، شما چه عملی را با فضیلت تر یافتید ؟ گفتند: پدران و مادران ما به فدایت، با فضیلت ترین اعمال، صلوات بر تو، وآب دادن به تشنگان و دوست داشتن علی بن ابی طالب است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بر من زیاد صلوات بفرستید که صلوات نور قبرتان و نور درپل صراط و نور دربهشت است.

64. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ستم کارترین مردم کسی است که در نزد او نامی از من برده شود ولی او بر من صلوات نفرستد(1).

65. منیه المرید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس در کتابی صلوات بنویسد، تا زمانی که نام من درآن کتاب موجود باشد، فرشتگان همواره برای نویسنده آن استغفار می کنند.

66. جمال اسبوع: عبدالرحمن بن کثیر گوید: از حضرت معصوم علیه السلام درباره این پرسیدم که خداوند میفرماید: همانا خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آوردهاید بر او درود بفرستید و در برابر او کاملا

1- . عده الداعی: 25

تسلیم و فرمانبردار باشید(1)،

حضرت فرمود: در ود خداوند بر او، به معنای این است که خداوند در آسمان هااز او به نیکی و پاکی یاد می کند. پرسیدم: یعنی چه ؟ فرمود: خداوند او را از هر نقص و آفتی که بندگان را دچار می سازد مبرا می داند. پرسیدم: پس درود مومنین بر او به چه معناست ؟ فرمود: مومنین نیز او را از هر نقصی مبرا می دانند و این گونه او را توصیف می کنند که خداوند او را از هرگونه نقص و عیبی که بندگان را دچار می سازد، کاملا مبرا دانسته است. پس هر کس تعریف و توصیفی غیر از این درباره پیامبر داشته باشد، هیچ درودی بر او نفرستاده است. پرسیدم: وقتی بخواهیم بر پیامبر درود بفرستیم چه باید بگوییم ؟ فرمود: بگویید خداوندا. همان طور که دستور داده ای، ما بر محمد پیامبرت و آل محمد درود می فرستیم همان گونه که خودت بر او درود فرستاده ای. پس صلوات و درود ما بر پیامبر صلی الله علیه و آله این گونه است(2).

امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس بگوید صلی الله علی محمد النبی، خداوند تعالی می فرماید: صلی الله علیک. پس هر کس خواست زیاد صلوات بفرستد و هر کس خواست به صلوات اندک اکتفا کند.

مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: فدایت گردم: خداوند در توصیف ملائکه می فرماید: آن ها شب و روز تسبیح خدا را می گویند و هیچ خسته نمی شوند. و در جایی دیگر فرمود: همانا خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود بفرستید و در برابر دستوراتش کاملا تسلیم و فرمانبردار باشید، اکنون به من بفرمایید که فرشتگان که بر پیامبر درود می فرستند چگونه خسته نمی شوند ؟ امام صادق علیه السلام فرمود: آن زمان که خداوند، محمد را آفرید، به فرشتگان دستور داد و فرمود: به مقداری که بر محمد درود می فرستید، از ذکر من کم کنید. پس کسی که در نماز بگوید: صلی الله علی

1- . احزاب/ 60

2- . جمال الاسبوع: 234

محمد،

همانند این است که این اذکار را گفته باشد: سبحان الله و الحمد الله و لا اله الا الله و الله اکبر(1).

67. امام موسی علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت نموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خاک بر بینی کسی که نامی از من برده شود و صلوات نفرستد، و خاک بربینی کسی که در دوران پیری پدر و مادرش را درک کند و پدر و مادرش او را به بهشت نبرند و خاک بربینی کسی که ماه رمضان را آغاز کند و قبل از این که گناهانش آمرزیده شود، ماه رمضان سپری شود.

1- . انبیاء /20

روایات:

1. جمال اسبوع: ابو محمد عبدالله بن محمد عابد گوید: در سال دویست و پنجاه و پنج هجری، در راه سامرا از امام حسن عسگری خواسته که نحوه صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان را برایم بگوید تا من بنویسم و کاغذی هم باخود داشتم. حضرت بدون این که نوشته ای با خود داشته باشد، بصورت شفاهی به من جملات را فرمود تا من بنویسم. فرمود: بنویس :

صلوات بر پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم

خدایا بر محمّد درود فرست، چنان که وحی ات را به دوش جان کشید، و رسالات تو را به مردم رساند. و بر محمّد درود فرست همچنان که حلال کرد حلالت را و حرام نمود حرامت را، و قرآنت را به مردم آموخت، و بر محمّد درود فرست، همچنان که نماز را بپا داشت، و زکات پرداخت، و به دینت دعوت نمود، و بر محمّد درود فرست، چنان که وعده ات را تصدیق کرد، و مردم را از تهدیدات بیم داد، و بر محمّد درود فرست، چنان که به خاطر او گناهان را آمرزیدی، و عیوب را پوشاندی، و گرفتاری ها را برطرف ساختی، و بر محمّد درود فرست، چنان که بدبختی را به او دفع کردی، و غمگینی را به سبب وجود او زدودی، و دعا را اجابت فرمودی، و از بلا نجات دادی، و بر محمّد درود فرست، چنان که بندگان را به خاطر او رحم کردی، و کشورها را به او زنده نمودی، و گردنکشان را به وسیله او درهم شکستی، و فرعون ها را هلاک کردی، و بر محمّد درود فرست، چنان که اموال را به او چند برابر

فرمودی، و از هراس ها پناه دادی، و بت ها را شکستی، و به مردمان رحم نمودی، و بر محمّد درود فرست، چنان که او به بهترین دین ها برانگیختی، و ایمان را به او عزّت دادی، و بت ها را به وسیله او نابود کردی، و خانه کعبه را به او عظمت دادی، و بر محمّد و اهل بیت پاک نیکوکارش درود و سلام فرست سلامی خاص و شایسته.

صلوات بر امیر مؤمنان علیه السّلام

خدایا بر امیر مؤمنان علی بن ابی طالب درود فرست، برادر پیامبرت و ولیّ و برگزیده اش، و وزیر و جایگاه سپردن دانشش، و موضع راز و درگاه حکمتش، و گویای به حجّت، و دعوت کننده به شریعتش و جانشین او در امّتش، و برطرف کننده رنج و اندوه از چهره اش، و درهم شکننده کافران، و به خاک مالنده بینی بدکاران، آن که او را نسبت به پیامبرت به منزله هارون از موسی قرار دادی. خداوندا دوست بدار هر که دوستش دارد، و دشمن بدار هر که دشمنش دارد، و یاری کن هر که یاری اش نماید، و خوار کن هرکه او را واگذارد، و لعنت کن هرکه به دشمنی اش برخاست، از پیشینیان و پسینیان، و بر او درود فرست برترین درودی که بر یکی از جانشینیان پیامبرت فرستادی، ای پروردگار جهانیان.

صلوات بر سرور بانوان فاطمه علیها السّلام

خدایا درود فرست، بر صدّیقه فاطمه زکیّه، محبوبه حبیبت، و پیامبرت، و مادر دوستانت و برگزیدگانت که او را انتخاب نمودی، و برتری دادی و برگزیدی، بر فراز بانوان جهانیان. خدای از کسانی که به او ستم کردند، و حق او را سبک شمردند، انتقامش را بگیر، و خونخواه خون فرزندانش باش. خدایا همچنان که او را مادر امامان هدایت و همسر صاحب پرچم در قیامت، و گرامی در انجمن والاتر قرار دادی، پس بر او و مادرش خدیجه کبری درود فرست، درودی که آبروی محمّد (درود خدا بر او و خاندانش) را به آن گرامی بداری، و دیده فرزندانش را روشن کنی، و برسان به ایشان از جانب من، در این ساعت برترین تحیّت و سلام را.

صلوات بر حسن و حسین علیهما السّلام

خدایا بر حسن و حسین درود فرست، دو بنده ات و دو نماینده ات، دو فرزند رسولت، دو فرزندزاده رحمت و دو سرور جوانان اهل بهشت، برترین درودی که بر

یکی از فرزندان پیامبران و رسولان فرستادی خدایا بر حسن درود فرست، فرزند سرور پیامبران، و جانشین امیر مؤمنان، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند سرور جانشیان، گواهی می دهم ای فرزند امیر مؤمنان، که تو امین خدا و فرزند امین خدایی، مظلومانه زیستی، و شهید از دنیا رفتی، و گواهی می دهم که تویی امام پاکیزه راهنما، راه یافته.خدایا بر او درود فرست، و از جانب من در این ساعت به روح و جسدش بهترین تحیّت و سلام را برسان.

خدایا بر حسین بن علی درود فرست، آن مظلوم شهید، کشته کافران، به خاک افتاده بدکاران، سلام بر تو ای ابا عبد اللّه، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان،

به یقین گواهی می دهم که تو امین خدا، و فرزند امین خدایی، مظلومانه کشته شدی، و شهید از دنیا رفتی، و گواهی می دهم که خدای تعالی خواستار انتقام توست، و وفا کننده به وعده ای که به تو داده، بر یاری ات، و تأیید در نابودی دشمنت، و آشکار ساختن دعوتت. و گواهی می دهم که تو به عهد خدا وفا کردی، و در راه خدا جهاد نمودی، و مخلصانه خدا را عبادت کردی، تا مرگ تو را دررسید، خدا لعنت کند امّتی که تو را کشتند، و خدا لعنت کند امّتی را که دست از یاری ات کشیدند، و خدا لعنت کند امّتی که دیگران را علیه تو ترغیب کردند، به پیشگاه خدا بیزاری می جویم، از کسی که تو را تکذیب کرد، و حق تو را سبک شمرد، و ریختن خونت را حلال دانست، پدر و مادرم به فدایت ای ابا عبد اللّه، خدا لعنت کند قاتلت را، و لعنت کند دریغ کننده از یاری ات را، و خدا لعنت کند کسی را که فریادت را شنید و پاسخت را نداد، و یاری ات نکرد، و خدا لعنت کند کسی را که زنانت را اسیر کرد من به سوی خدا، از اینان بیزارم، و از هرکه دوستشان داشت، و از آنان پیروی نمود و یاری شان داد، و گواهی می دهم که تو و امامان از فرزندانت، کلمه تقوا و درگاه هدایت، و دستاویز محکم، و حجّت بر اهل دنیایید، و گواهی می دهم که من به شما مؤمن، و به مقام شما یقین دارم، و پیرو شمایم با تمام وجودم، و در قوانین دینم، و سرانجام عملم و بازگشتگاهم، در دنیا و آخرتم.

صلوات بر علی بن الحسین علیه السّلام

خدایا بر علی بن الحسین، سرور عبادت کنندگان درود فرست، که او را برای خود برگزیدی، و از نسل او امامان هدایت را قرار دادی، امامانی که به حق هدایت می کنند، و به حق باز می گردند، او را برای خود انتخاب کردی، و از پلیدی پاکش ساختی، و برگزیدی، و او را راهنما و راه یافته قرار دادی.پس بر او درود فرست، بهترین درودی که بر یکی از فرزندان پیامبرانت فرستادی تا او را به مقامی رسانی که دیده اش به آن در دنیا آخرت روشن شود که تو عزیز و حکیمی.

صلوات بر محمّد بن علی علیه السّلام

خدایا درود فرست بر محمّد بن علی، شکافنده دانش، و پیشوای هدایت، و رهبر اهل تقوا، و برگزیده از بندگانت.خدایا چنان که او را قرار دادی برای بندگانت نشانه، و برای کشورهایت مشعل نور، و محلّ سپردن حکمتت و تفسیرگرت وحی ات، و به فرمان بردن از او فرمان دادی، و از نافرمانی اش برحذر داشتی، پس بر او درود فرست، ای پروردگار برترین درودی که بر یکی از فرزندان پیامبرانت و برگزیدگانت، و رسولانت و امینهایت فرستادی، ای پروردگار جهانیان

صلوات بر جعفر بن محمد علیه السّلام

خدایا درود فرست، بر جعفر بن محمد صادق، خزانه دار دانش، دعوت کننده به سوی تو بر پایه حق، آن نور آشکار خدایا چنان که او را قرار دادی معدن کلامت، و وحی ات، و خزانه دار دانشت، و زبان توحیدت و سرپرست فرمانت، و نگهدارنده دینت، پس بر او درود فرست، بهترین درودی که بر یکی از برگزیدگانت، و حجّتهایت فرستادی که تو ستوده و بزرگواری.

صلوات بر موسی بن جعفر علیه السّلام

خدایا درود فرست بر امین مورد اعتماد، موسی بن جعفر، نیکوکار وفادار، پاک و پاکیزه، نور آشکار تلاش کننده، و عمل کننده، برای خدا، شکیبا بر آزار در راه تو.خدایا چنان که از سوی پدرانش، آن چه از امر و نهی تو، به او سپرده شده بود، به مردم رساند، و بندگانت را به راه روشن واداشت، و

از اهل تکبّر و سرسختی، در اموری که از نادانان ملّت خود می دید، متحملّ زحمت و مصیبت شد، پس بر او درود

ص: 102

فرست، برترین و کامل ترین درودی که بر یکی از فرمانبران و خیرخواهان بندگانت فرستادی، به درستی که تو آمرزنده و مهربانی.

صلوات بر علی بن موسی علیه السّلام

خدایا درود فرست بر علی بن موسی، که او پسندیدی، و به وسیله او هرکه را از آفریدگانت خواستی، خشنود ساختی.و همچنان که او را قرار دادی، حجّت بر بندگانت، و قیام کننده به فرمانت، و یاور دینت، و گواه بر بندگانت، و چنان که برای آنان، در نهان و آشکار خیرخواهی نمود، و با حکمت و اندرز پسندیده، به راهت خواند، پس بر او درود فرست، برترین درودی که بر یکی از اولیایت، و برگزیدگان از آفریدگانت فرستادی، که تو بخشنده کریمی.

صلوات بر محمد بن علی علیه السّلام

خدایا درود فرست بر محمّد بن علی بن موسی، نشانه تقوا، و نور هدایت، و معدن وفا، و نژاد پاکان، و جانشین اوصیا، و امین تو بر وحی.خدایا چنان که به وسیله و مردم را از گمراهی به عرصه هدایت آوردی، و از سرگردانی رهایی بخشیدی، و به وجود او راهنمایی کردی هرکه را که هدایت یافت، و تربیت نمودی هرکه را که تربیت شد، پس بر او درود فرست، برترین درودی که بر یکی از اولیایت، و باقیمانده اوصیایت فرستادی، به درستی که تو عزیز حکیمی.

صلوات بر علی بن محمد علیه السّلام

خدایا درود فرست بر علی بن محمد، جانشین اوصیا، و پیشوای پرهیزگاران، و یادگار امامان دین، و حجّت بر همه آفریدگان.خدایا چنان که او را نوری قرار دادی، که مؤمنان به وسیله او روشنی جویند، پس به پاداش شایانت مژده داد، و به کیفر دردناکت بیم داد، و از صولتت برحذر داشت، و آیاتت را به یاد مردم انداخت، و حلالت را حلال و حرامت را حرام کرد، و قوانین و واجباتت را بیان فرمود، و مردم را به بندگی ات ترغیب نمود و به طاعتت فرمان داد، و از نافرمانی ات بازداشت، پس بر او درود فرست، برترین درودی که بر یکی از اولیایت، و نسل پیامبرانت فرستادی، ای معبود جهانیان.

ص: 103

راوی این صلوات، ابو محمد یمنی گفت:چون حضرت عسگری علیه السّلام از ذکر صلوات بر پدرشان فارغ شد، و نوبت به خود آن جناب رسید، ساکت ماند، عرضه داشتم:کیفیت صلوات بر باقی را بفرمایید، فرمود:اگر نه این بود، که ذکر این نکته از نشانه های دین است و خدا ما را امر فرموده که به اهلش برسانیم، هرآینه دوست داشتم ساکت بمانم، ولی چون در بیان دین است پس بنویس.

صلوات بر حسن بن علی علیه السّلام

خدایا درود فرست بر حسن بن علی بن محمّد، نیکوکار، پرهیزگار، صادق، وفادار، نور تابنده، خزانه دار دانشت، به یاد اندازه توحیدت، و ولیّ امرت، و یادگار پیشوایان دین، آن راهنمایان رشد یافته، و حجّت بر اهل دنیا، پس بر او درود فرست، ای پروردگار، برترین درودی که بر یکی از برگزیدگان و حجّت هایت، و اولاد رسولانت فرستادی، ای معبود جهانیان.

صلوات بر ولی الامر المنتظر علیه السّلام

خدایا درود فرست بر نماینده ات و فرزند نمایندگانت، آنان که فرمانبرداری از آن ها را لازم نمودی، و حقّشان را واجب گرداندی، و پلیدی را از آن ها بردی، و پاکشان نمودی، پاک کردنی درخور و شایسته.خدایا یاری اش کن، و به وسیله او برای دینت یاری رسان، و به دست او یاری فرما دوستانت و دوستانش و شیعیان و یاورانش را، و ما را از آنان قرار ده.خدایا به او پناه ده.از شرّ هر متجاوز و سرکش، و از شرّ همه آفریدگانت، و او را حفظ کن، از پیش رویش و از پشت سرش، و از جانب راستش، و از طرف چپش، و نگهبانی اش کن و جلوگیری فرما از این که پیش آمد بدی به او در رسد، و پیامبرت و خاندان پیامبرت را در وجود او حفظ فرما، و عدالت را به او آشکار کن، و وی را با پیروزی تأیید کن، یاورش را یاری ده، و دریغ کننده از یاری اش را خوار گردان، و به دست او گردنکشان کفر را درهم شکن، و کافران و منافقان و تمام بی دینان را به قتل برسان، هر کجا هستند، در مشرق های زمین و مغرب هایش، در خشکی ها و دریاهایش و به وسیله او زمین را از عدالت پر کن، و دین پیامبرت صلی الله علیه و آله را به او نمایان فرما، و قرار ده مرا خدایا از یاران و مددکاران و پیروان و شیعیانش، و درباره خاندان محمّد به من بنمایان، آن

چه را که آرزو دارند، و درباره دشمنانشان آن چه را که بیم دارند، ای معبود حق آمین(1).

2. جمال الاسبوع: محمد بن عامر روایت کرده که: وقتی یعقوب بن یوسف ضرّاب غسانی از اصفهان برمی گشت برای من نقل کرد و گفت: در سال 281 هجری با گروهی از اهل سنت که همشهری ما بودند به حج رفتم. وقتی به مکه معظمه رسیدیم، یکی از همراهان رفت و خانه ای سر راه در بین بازار «سوق اللیل» اجاره کرد. این خانه حضرت خدیجه کبری علیها السلام و معروف به خانه امام رضا علیه السّلام بود. زنی گندم گون در آن خانه بود،

وقتی من فهمیدم آن جا را خانه امام رضا علیه السّلام می گویند، از پیر زن پرسیدم تو با اهل این خانه چه نسبت داری و چرا اینجا را خانه امام رضا می گویند؟ پیر زن گفت: من از دوستان ائمه هستم. این خانه امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام است که امام حسن عسکری علیه السّلام مرا در آن ساکن گردانیده است، زیرا من از جمله خدمتکاران حضرتش بودم. چون این را از پیر زن شنیدم با او انس گرفتم و مطلب را از همراهانم که در مذهب با من مخالف بودند پنهان داشتم.

من وقتی شبها از طواف برمی گشتم با همراهان در رواق خانه می خوابیدم و در خانه را بسته سنگ بزرگی را غلطانده پشت در می گذاشتیم. چند شب پی در پی دیدم نور چراغی شبیه نور مشعل، رواقی را که ما می خوابیدیم روشن کرده است؛ و می دیدم در گشوده می شد، بدون این که کسی از اهل خانه آن را بگشاید. سپس مردی معتدل القامه و گندم گون مایل به زردی را دیدم. صورتش کم گوشت و در پیشانیش علامت سجده نمودار بود. دو پیراهن به تن و سر و گردن خود را با پارچه نازکی پیچیده و کفش بی جوراب به پا کرده بود، و به غرفه ای که محل سکونت پیر زن بود بالا می رفت. قبلا هم پیر زن به ما گفته بود که دختری در آن غرفه سکونت دارد و نمی گذاشت کسی به آن جا برود. نوری را که موقع عبور آن مرد در رواق پرتو افکنده بود، موقع بالا رفتن از پله به طرف غرفه هم می دیدم و سپس در خود

1- . جمال الاسبوع: 483-494

غرفه میدیدم بدون این که چراغی در آن جا ببینم. آن چه من میدیدم، آن ها که با من بودند هم می دیدند. آن ها گمان می کردند این مرد با دختر پیر زن آمد و رفت و سر و سرّی دارد. به همین جهت می گفتند این شیعیان متعه را حلال می دانند ولی به عقیده آن ها (اهل تسنن و همراهان او) حرام بود. ما می دیدیم مرد ناشناس داخل و خارج می شود. می آمدیم پشت در خانه می دیدیم سنگ همان طور است که گذاشته ایم. ما برای حفظ اثاث و لوازم خود، در خانه را می بستیم و کسی را نمی دیدیم که آن را باز کند یا ببندد مگر موقع بیرون رفتن که خودمان آن را کنار می زدیم. وقتی این ماجرا را دیدم غافل بودم و دلم پریشان گشته بود. ناگزیر رفتم نزد پیر زن تا از آن مرد اطلاعی کسب کنم. به پیر زن گفتم: من می خواهم با هم صحبت کنیم و پرسشی از تو بنمایم، ولی وجود رفقا مانع می شود. خواهش دارم وقتی مرا در خانه تنها دیدی، از غرفه پائین بیا تا مطلبی دارم از تو بپرسم. پیر زن فورا گفت: من هم می خواهم رازی را با تو در میان بگذارم ولی همین وجود رفقایت تاکنون مانع بوده است.

پرسیدم: می خواهی چه بگویی؟ گفت: به تو دستور می دهد (پیر زن نام کسی را نبرد) با رفقا و شرکاء خود دشمنی مکن و دعوا نکن که آن ها دشمنان تو می باشند، بلکه با آنان طریق رفق و مدارا پیش گیر! پرسیدم این حرفها را که می گوید؟ گفت: من می گویم. از هیبتی که به دلم راه یافته بود جرات نکردم که مجددا بپرسم این حرف را چه کسی گفته است! ولی پرسیدم: مقصودت کدام رفقای من است؟ زیرا من گمان کردم که مقصود او رفقای حاجی من است که در آن خانه با هم بودیم گفت: مقصود کسانی است که در وطن شریک تو هستند و فعلا در این خانه با تو می باشند اتفاقا در سابق بین من و کسانی که در آن خانه بودند گفتگویی بر سر مذهب در گرفته بود و آن ها در باره من نزد حکومت سخن چینی کردند تا جایی که فراری شده و پنهان گشتم، و از اینجا فهمیدم مقصود پیر زن همان هاست. آن گاه پرسیدم: تو از کجا با امام رضا علیه السلام مربوط هستی؟ گفت: من خادمه امام حسن عسکری علیه السّلام بودم، وقتی یقین کردم پیر زن از دوستان اهل بیت است پیش

خود گفتم: احوال امام غائب را از وی می پرسم، لذا گفتم تو را بخدا قسم ! آیا با چشم خود امام زمان را دیده ای؟.

گفت: ای برادر، نه ! با چشم خود ندیده ام زیرا وقتی من از نزد امام حسن عسکری علیه السّلام بیرون آمدم، خواهرم (مقصود مادر امام زمان است که روی علاقه او را خواهر خوانده است) آبستن بود و امام حسن عسکری علیه السّلام به من مژده داد که در آخر عمر، او را خواهی دید و فرمود: تو برای او چنان هستی که نزد من می باشی.

(یعقوب غسانی) گفت: من مدتی در مصر بودم و علت این که به حج مشرف شدم این بود که امام زمان علیه السّلام نامه و سی دینار مخارج را هم را بوسیله مردی خراسانی که درست عربی نمی دانست برای من فرستاد و امر نموده بود که آن سال را به حج بیت اللّه بروم. من هم به شوق این که حضرتش را ببینم به آن مسافرت مبادرت ورزیدم.

وقتی در آن موقع با پیر زن صحبت می کردم به دلم گذشت که نکند مردی را که شبها می بینم خود امام زمان علیه السلام باشد.

من ده درهم که یک سکه بنام حضرت رضا علیه السّلام نیز در میان آن بود، با خود داشتم و آن را پنهان کرده بودم نذر کرده بودم که در مقام ابراهیم بیندازم، پیش خود گفتم: آن را به پیر زن می دهم که به سادات ذریه حضرت زهرا علیه السلام بدهد، زیرا بهتر از این است که آن را در مقام ابراهیم بیندازم، ثواب آن هم بیشتر است. بدین جهت آن را به پیر زن دادم و گفتم: این ده درهم را به سادات مستحق بده من فکر می کردم آن مرد ناشناس همان امام زمان است؛ و پیر زن هم این وجه را به او خواهد داد. پیر زن درهم را از من گرفت و به طرف غرفه خود بالا رفت و ساعتی ماند و سپس پائین آمد و گفت: می فرماید: ما، در این حقی نداریم، چون نذر است آن را در همان جا که نذر کرده ای بینداز ولی آن چند درهم را که سکه امام رضا علیه السلام دارد به ما بده و عوض آن را بگیر. و بهمان جا که نیت کرده ای بینداز. من هم چنین کردم و پیش خود گفتم کسی که پیر زن این دستورات را از جانب او به من می دهد، مسلما همان مردی است که شب ها او را می بینم.

یک نسخه از توقیع امام زمان علیه السّلام نزد من بود که از ناحیه مقدسه در آذربایجان برای قاسم بن علا بیرون آمده بود. به پیر زن گفتم: این نسخه را به آدمی که توقیعات قائم آل محمد را دیده باشد نشان بده. گفت: بده به من که آن را می شناسم. نسخه را به وی نشان دادم و گمان می کردم می تواند بخواند.

ولی پیرزن گفت: نمی توانم آن را در اینجا بخوانم، پس به غرفه خود رفت و بعد از اندکی آن را آورد و گفت: عبارات آن صحیح است عبارت نسخه این بود: شما را به چیزی که تاکنون مژده نداده ام مژده می دهم و به غیر آن هم مژده خواهم داد.

آنگاه پیر زن گفت: میفرماید: وقتی درود بر پیغمبرت می فرستی، چه می گوئی؟ گفتم: می گویم: اللّهم صلّ علی محمّد و آل محمّد و بارک علی محمّد و آل محمّد کافضل ما صلّیت و بارکت و ترحّمت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید گفت: نه! وقتی خواستی بر آن ها درود بفرستی بر همه آن ها درود بفرست و یک یک را نام ببر. گفتم: بسیار خوب. فردای آن روز نیز پیر زن در حالی که دفتر کوچکی در دست داشت از غرفه به زیر آمد و گفت: می فرماید: وقتی خواستی درود بر پیغمبر صلّی اللّه علیه و آله بفرستی این طور که در این نسخه نوشته است بر آن حضرت و جانشینانش درود بفرست. من دفترچه را گرفتم و از روی آن می خواندم. بعد از آن هم چندین شب، همان مرد را می دیدم که از غرفه پائین آمد و نور چراغ پشت سر او باقی است. من در خانه را باز کرده و از پی آن روشنی می رفتم ولی در آن روشنائی کسی را نمی دیدم تا آن که به مسجد الحرام رفت.

جماعتی از مردم را که از شهرهای متفرقه آمده بودند میدیدم که به در آن خانه می آمدند و بعضی نامه هائی که با خود داشتند به پیر زن میدادند و پیرزن هم نامه را برمی گردانید و به آن ها می داد. آن ها با پیر زن صحبت می کردند و پیرزن هم با آن ها گفتگو می نمود. من آن ها را نمی شناختم، ولی بعضی از آن ها را موقع برگشتن در راه بغداد دیدم. صورت صلواتی که در دفترچه مزبور بود اینست:

بسم الله الرحمن الرحیم. پروردگارا، درود فرست بر محمد سرور فرستادگان و خاتم پیامبران و حجت پروردگار جهانیان، همو که در میثاق

نجیب خوانده شده و برگزیده شده است. از هر آفت و عیبی به دور است. برای نجات بندگان مایه امید

ص: 108

است و شفاعت او آرزوی بندگان است. دین خداوند به او سپرده شده است. خداوندا، بنیان او را گرامی بدار و برهان او را همچنان بزرگ و حجت او را روشنی بخش. و مقام او را بالا ببر و نورش را پر فروغ تر گردان و او را رو سفید نما. و به او فضل و برتری و درجه والا در بهشت عطا نما و او را در جایگاه پسندیده مبعوث گردان تا هم پشینیان و هم مردم آخرالزمان به حال او غبطه بخورند.

و صلّ علی أمیر المؤمنین و وارث المرسلین و قائد الغرّ المحجّلین، و سیّد الوصیّین و حجّه ربّ العالمین و صلّ علی الحسن بن علیّ، امام المؤمنین و وارث المرسلین و حجّه ربّ العالمین و صلّ علی الحسین بن علی امام المؤمنین و وارث المرسلین و حجّه ربّ العالمین و صلّ علی علیّ بن الحسین امام المؤمنین و وارث المرسلین، و حجّه ربّ العالمین و صلّ علی محمّد بن علیّ امام المؤمنین، و وارث المرسلین و حجّه ربّ العالمین و صلّ علی جعفر بن محمّد امام المؤمنین، و وارث المرسلین و حجّه ربّ العالمین، و صلّ علی موسی بن جعفر،

امام المؤمنین و وارث المرسلین و حجّه ربّ العالمین. و صلّ علی علیّ بن موسی امام المؤمنین و وارث المرسلین و حجّه ربّ العالمین.

و صلّ علی محمّد بن علیّ امام المؤمنین و وارث المرسلین، و حجّه ربّ العالمین و صلّ علی علیّ بن محمّد امام المؤمنین و وارث المرسلین و حجّه ربّ العالمین و صلّ علی الحسن بن علیّ امام المؤمنین، و وارث المرسلین و حجّه ربّ العالمین. و صلّ علی الخلف الصّالح الهادی المهدیّ امام المؤمنین و وارث المرسلین و حجّه ربّ العالمین.

خداوندا بر محمد و آل بیت او که امامان هدایت شده و هدایتگر و عالمان صادق و نیکو و پرهیزگار و نیز ستون های دین و ارکان توحید و مفسران کتاب تو و حجت های تو بر بندگانت هستند و نیز جانشینان تو در روی زمین هستند، درود فرست. همان ها که آنان را برای خودت برگزیدهای و آنان را از میان بندگانت گزینش نموده ای و آنان را برای برپایی دینت انتخاب نموده و معرفت خود را به آنان عطا نموده ای. و با بزرگواریات به آنان شکوه و عظمت داده و رحمت خود را بر آنان گسترانده ای. و با نعمت خود آنان را پرورده و با حکمت خود آنان را رشد و

نما داده ای و نور خود را بر تن آنان نموده ای و آنان را تا ملکوت خود بالا برده ای و با فرشتگانت اطراف آنان را احاطه نموده و بوسیله پیامبرت آنان را شریف و بزرگوار قرار داده ای

خداوندا، بر محمد و خاندان او چنان درود بفرست که کسی جز علم تو توان شمارش آن را نداشته و کسی جز خودت نتواند آن درود ها را به شمارش آورد. خداوندا، بر ولی خودت که سنت تو را زنده میگرداند و به امر تو قیام میکند و به سوی تو مردم را فرا خوانده و هدایت میکند و حجت تو بر بندگانت و خلیفه تو بر روی زمین است و شاهد تو بر بندگانت هست، درود بفرست.

خداوندا، یاری او را همراه با پیروزی و اقتدار گردان، عمرش را دراز فرما و زمین را به دراز زیستنش زینت بخش.

خداوندا، از زیاده طلبی حسودان کفایتش کن، از شر کافران پناهش ده، اراده ستمگران را از او بران و از دست گردنکشان رهاییش ده.

خداوندا،

با خود او و ذریه اش و شیعیانش و اطرافیانش و نیز با دشمنان او و با همه اهل دنیا چنان رفتار کن که مایه چشم روشنی او باشد. او را شاد گرداند. و او را به بهترین آرزویش در دنیا و آخرت برسان، چرا که تو بر هر چیزی توانایی.

خداوندا، به وسیله او، آن قسمت از احکامت که به فراموشی سپرده شده را احیا گردان. و آن قسمت از احکام کتابت را که دگرگون گشته، بوسیله او زنده گردان. احکام تو که دچار تغییر شده، بوسیله او بار دیگر آشکار گردان. تا این که دین تو بوسیله او بار دیگر تازه و دست نخورده که هیچ شک و شبهه ای در آن راه ندارد و هیچ بدعت و باطلی در آن نیست، برای مردم باز گردد.

خداوندا، با نور او تمام تاریکی ها را روشن گردان. و بوسیله او تمام بدعت ها را از بین ببر و با عزتی که به او دادی، تمام گمراهی ها را نابود گردان و بوسیله او تمام مستکبرین و را درهم بشکن و تمام آتش های فتنه را بوسیله شمشیر او خاموش گردان و بوسیله عدالت او تمام ستم کاران را نابود کن و حکومت او را بر تمام حاکمان دیگر مسلط گردان و با قدرتی

که به او داده ای، تمام قدرت ها را خوار گردان. خداوندا، دشمنان او را خوار و هلاک گردان و هر کس که نسبت به او

ص: 110

بدی کند، مکرش را به خودش باز گردان. خداوندا، هر کسی که حق او را نادیده گرفته و امر او را کوچک بشمارد، و برای خاموشی نور او و فراموشی یاد او تلاش کند، از بین ببر.

اللّهم صلّ علی محمّد المصطفی و علیّ المرتضی و فاطمه الزّهراء و الحسن الرّضی و الحسین المصفا، و جمیع الأوصیاء؛ مصابیح الدّجی و اعلام الهدی و منار التّقی و العروه الوثقی و الحبل المتین و الصّراط المستقیم و صلّ علی ولیّک و ولاه عهده و الائمّه من ولده و مدّ فی أعمارهم و زد فی آجالهم و بلّغهم أقصی آمالهم دینا و دنیا و آخره انّک علی کلّ شی ء قدیر(1).

عتیق غروی: حسن بن محمد بن عامر اشعری قمی در کاشان در سال 288 زمانی که از اصفهان باز می گشت، گفت: یعقوب بن یوسف صواف اصفهانی، به او گفته است: در سال 281 با عده از اهل سنت به حج مشرف شدم و بعد بقیه حدیثی را که در بالا ذکر کردیم تا آخر بیان می کند.

3. نهج البلاغه: خطبه ای از امام علی علیه السلام که در آن مردم را آموخت که چگونه بر پیامبر درود فرستند:

بار خدایا! ای گستراننده هر گسترده، و ای برافرازنده آسمان های بالا برده، ای آفریننده دلها بر وفق سرشت، بدبخت بود و یا نیکو سرنوشت! بهترین درودها و پربارترین برکت ها را خاصّ بنده و پیامبر خود گردان، که خاتم پیامبران پیشین است، و گشاینده درهای بسته- رحمت بر مردم زمین-. آشکار کننده حقّ با برهان، فرونشاننده طغیان و درهم کوبنده شوکت گمراهان. چنان که او بار رسالت را نیرومندانه برداشت- و حقّ آن را چنان که باید گذاشت-.

در انجام فرمانت برپا، و در طلب خشنودی ات پویا، نه از اقدامی روگردان و نه در عزمی سست و ناتوان. وحی تو را به گوش جان شنوا و عهد تو را نگهبان، و در راه اجرای فرمان تو روان. چندان که چراغ جویندگان حقّ را فروغ بخشید، و بر سر راه گمراهان چون خورشیدی بدرخشید، و دل های فرو رفته در موج های شبهات،

1- . جمال الاسبوع: 494 - 504

به راهنمایی او رخت به کنار کشید. نشانه های روشن را بر پا داشت و احکام نورانیت را برای مردم آشکار ساخت.

او تو را امانتداری است درستکار، و گنجینه علم تو را پاسدار. گواه توست در روز قیامت، و برانگیخته تو به رسالت، و فرستاده تو بر آفریدگان و امّت.

خدایا! سایه- عنایت- خود را بر او بگستران، و به فضل خویش پاداش او را فراوان گردان. بنیاد- شریعتی را- که او بنا نهاد، از دیگر بناها بالاتر قرار بده و جایگاه او را نزد خویش گرامی تر و نور- شریعت- او را- در سراسر گیتی بگستر-، و پاداش پیامبری او را گفتار او را پسندیده قرار ده، و شهادت پذیرفته.

چنان که گفته او- میزان عدل باشد و فرموده او قول فصل.

بار خدایا! ما و او را فراهم آور در زندگانی خوشگوار، و نعمت پایدار و آرزوهای دلنشین، و لذت های با خواهش دل قرین، و زندگانی فراخ و پر نعمت، و اطمینان خاطر و برخورداری از تحفه های کرامت(1).

4. کتاب غارات: ابو سلام کندی گوید: امام علی علیه السلام نحوه صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به ما می آموخت و می فرمود: بگویید:

بار خدایا! ای گستراننده هر گسترده، و ای برافرازنده آسمان های بر افراشته شده، و بقیه عبارت ها همانند عبارت هایی است که در روایت پیشین است تا آن جا که فرمود: و برکت های پر بارت. و رأفت دلسوزی ات بر محمد بنده ات و فرستاده و پیامبرت – باز هم عبارت ها، همانند عبارت های روایت پیشین است تا آن جا که فرمود: و نشانه های آشکارت را روشن ساخت. باز هم عبارت ها، همانند عبارت های روایت پیشین است تا آن جا که فرمود: بنایی را که او بنیان نهاد، بالاتر قرار بده و او را در جایگاهی نزدیک به خودت، جای داده و گرامی اش دار. و نورش را کامل گردان و مزد رسالتش را هم بطور کامل به او عطا کن. باز هم عبارت ها، همانند عبارت های روایت پیشین است اما دعا با این عبارت پایان می یابد: و مزد او را برخورداری از قول فصل، و حجت و برهان عظیم قرار بده. آمین یا رب العالمین.

1- . نهج البلاغه، خطبه 70

امام علی علیه السلام در توصیف پیامبر چنین فرمود: تا آن که شعله ای افروخت که جوینده،

بدان چراغ دانش بیفروزد، و نشان راه را بر پا کرد تا گمراه، دیده بدان دوزد. پس او امین توست و مورد اعتماد، و گواه تو بر امّت در روز معاد، و انگیخته تو و موجب نعمت، و فرستاده بر حقّ تو، و آیت رحمت. خدایا! بهره او ساز نصیبی از عدل خود، و پاداش نیک و فراوان از فضل خود. خدایا! بنای دین او را از آن چه دیگران بر آورده اند، عالی تر ساز، و خوان اکرام او را نزد خود هر چه گرامی تر ساز، و رتبت او را نزد خود بیفزا، و قرب وسیلت، و بلندی قدر و فضیلتش عطا فرما. و ما را با او محشور کن چنان که نه زیانکار باشیم و نه پشیمان، نه دور از راه حق، و نه شکننده پیمان، نه گمراه نه گمراه کننده دیگران، و نه فریفته هوای نفس و شیطان.

5. جنه الامان: امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس بخواهد، با صلوات فرستادن، محمد و آل او را خشنود سازد باید بگوید: پروردگارا، ای بخشنده ترین عطا بخش، و ای بهترین کسی که از او درخواست می شود، و ای مهربان ترین کسی که مهربانی اش امید می رود، خداوندا در میان اولین و آخرین بندگانت، بر محمد و آل او درود فرست و در جهانیان بر او و آلش درود فرست و در عالم بالا، بر محمد و آل او درود بفرست. و در میان پیامبران به او درود بفرست. خداوندا، به محمد، وسیله و شرف و فضیلت و درجات عالی عطا کن. خداوندا، من بدون این که توفیق دیدار محمد را داشته باشم، به او ایمان آوردم پس در روز قیامت مرا از دیدار او محروم نگردان. همجواری با آن حضرت را نصیب من قرار بده. و مرا بر طریقت و آیین او از دنیا ببر. و از حوض او جرعه ای گوارا به من ده و مرا سیراب گردان که بعد از آن هرگز تشنه نگردم. خداوندا، همان طور که من محمد را ندیده و به او ایمان آوردم، در بهشت دیدار رویش را نصیبم کن. خداوندا، درود و سلام بسیار از جانب من به روح محمد برسان.

6. الدرر المنثور سیوطی: طلحه بن عبید الله گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم عرض کردم: چگونه بر شما درود و صلوات بفرستیم؟ فرمود: بگویید:

اللهم صل علی محمد و آل محمد و کما صلیت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید.

طلحه گوید: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده و عرض کرد: شینده ام که خداوند فرموده است: همانا خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند. نحوه درود فرستادن بر تو چگونه است؟ حضرت فرمود: بگو: اللهم صل علی محمد و آل محمد کما صلیت علی ابراهیم إنک حمید مجید. و بارک علی محمد و آل محمد کما بارکت علی ابراهیم و إنک حمید مجید.

ابو سعید خدری گوید: به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردیم: سلام کردن به شما را آموختیم، اکنون بفرما که صلوات فرستادن بر شما چگونه است؟ حضرت فرمود: بگویید: اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک کما صلیت علی ابراهیم و بارک علی محمد و علی آل محمد کما بارکت علی آل ابراهیم.

ابوهریره گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند: چگونه بر شما صلوات بفرستیم؟ فرمود: بگویید: خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، همان گونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم در میان جهانیان درود فرستاده و به آن ها برکت دادی. همانا تو ستوده شده و توانگری. و نحوه سلام کردن را هم می دانید.

بشیر بن سعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسید: یا رسول الله، خداوند به ما دستور داده که بر شما درود بفرستیم، اکنون بفرما که ما چگونه بر شما درود بفرستیم؟ راوی گوید: حضرت مدتی ساکت ماند بگونه ای که ما آرزو کردیم ای کاش این سؤال را نپرسیده بودیم. آن گاه حضرت فرمود: بگویید: خداوندا، بر محمد و آل محمد درود بفرست همان گونه که بر ابراهیم درود فرستادی. و بر محمد و آل محمد برکت عطا کن، همان گونه که در میان جهانیان، به ابراهیم برکت عطا نمودی. همانا که تو ستوده شده و والایی. و نحوه سلام کردن را هم که دانستید.

امام علی علیه السلام فرمود: از رسول خدا پرسیدم: ای رسول خدا، چگونه بر شما صلوات بفرستیم؟ حضرت فرمود: بگویید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی إِبْرَاهِیمَ وَ آلِ إِبْرَاهِیمَ إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِید.

ابوهریره گوید: به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردیم: ای رسول خدا، ما آموختیم که چگونه به شما سلام کنیم اکنون بفرمایید که چگونه بر شما صلوات بفرستیم؟ حضرت فرمود: بگویید: خداوندا، درودها و برکت های خود را بر آل محمد نثار کن همان گونه که برآل ابراهیم نثار نمودی. همانا تو مورد ستایش و والایی.

ابن مسعود گوید: مردی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: ای رسول خدا، ما دانستیم که چگونه به تو سلام کنیم. اکنون بفرما که هرگاه در نمازمان بر شما صلوات فرستادیم چگونه صلوات بفرستیم؟ حضرت اندکی ساکت ماند و بعد فرمود: هرگاه خواستید بر من صلوات بفرستید، بگویید: خداوندا، همان طور که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی، بر محمد پیامبر امی ات و بر آل او نیز دورد بفرست. و همان طور که نعمت هایت را بر ابراهیم و آل ابراهیم مدام قرار دادی، بر محمد که پیامبر امی توست و بر آل محمد نیز مدام قرار بده که تو ستوده شده و والایی.

ابوهریره گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هرکس بگوید: «پروردگارا، بر محمد و آل محمد درود فرست، همچنان که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی و نعمت هایت را بر محمد وآل محمد مدام قرار بده؛ همان طور که بر ابراهیم و آل ابراهیم نعمت هایت را مدام قرار دادی. و بر محمد و آل محمد ترحم نما همان گونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم ترحم نمودی» هر کس این گونه دعا کند، من در روز قیامت برایش گواهی می دهم و شفاعت می کنم.

جابر بن عبدالله گوید: پیامبر صلی الله وقتی بر فراز منبر شد، چون بر پله اول قرار گرفت آمین گفت و در پله دوم هم آمین گفت و در پله سوم هم آمین گفت. اصحاب گفتند: ای رسول خدا، سه مرتبه صدای آمین از شما شنیدیم. فرمود: چون بر پله اول قرار گرفتم، جبرئیل آمد و گفت: نگون بخت باد آن بنده ای که ماه رمضان را درک کند و قبل از این که گناهانش آمرزیده شود، ماه رمضان سپری شود. و من هم آمین گفتم. باز جبرئیل گفت: نگون بخت باد آن بنده ای که پدر و مادر و یا یکی از این دو را درک کند، و پدر و مادرش او را بهشتی نسازند. و من هم آمین

گفتم. باز گفت: تیره بخت باد آن بنده ای که در نزدش نامی از تو برده شود و او بر تو صلوات نفرستد. و من هم آمین گفتم(1).

امام سجاد علیه السلام فرمود: به رسول خدا، عرض کردند: درباره این آیه توضیح دهید که فرمود: «خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستد»، حضرت فرمود: این مطلب از جمله علم غیب است. و اگر شما در این باره چیزی نمی پرسیدید، من هم چیزی به شما نمی گفتم. همانا خداوند دو فرشته بر من گمارده است که هرگاه نامی از من نزد انسان مسلمانی برده شود و او بر من صلوات بفرستد، این دو فرشته در جواب او می گویند: خداوند تو را بیامرزت. و خداوند و فرشتگانش در جواب این دو فرشته آمین می گویند(2).

ابوهریره گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در روز جمعه زیاد بر من صلوات بفرستید، چرا که صلوات های شما در روز جمعه بر من عرضه می گردد.

ابن مسعود گوید: هرگاه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صلوات فرستادید، صلوات کامل بفرستید چرا که شما چه می دانید شاید که صلوات شما بر خود آن حضرت عرضه شود. گفتند: به ما بیاموز که چگونه صلوات بفرستیم؟ گفت: بگویید: خداوندا، صلوات ها و رحمت و برکت های خود را بر سید و سرور فرستادگان و پیشوای پرهیزگاران و خاتم پیامبران محمد بفرست؛ همو که بنده و رسول تو پیشوای و رهبر خیر و پیامبر رحمت توست. خداوندا، او را به مقامی در خور ستایش برانگیز که همه گذشتگان و آیندگان به حال او غبطه بخورند. خداوندا، همان گونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی، بر محمد و آل محمد هم درود بفرست. که تو ستوده و والایی(3).

1- . الدرر المنثور 5 : 217

2- . الدرر المنثور 5 : 218 و ادامه حدیث چنین است: و هر انسان مسلمانی که نامی از من در نزد او برده شود و او بر من صلوات نفرستد، آن دو فرشته به او می گویند: خدایت نیامرزد. و خداوند و فرشتگانش هم در جواب آن دو فرشته آمین می گویند.

3- . الدرر المنثور 5، :219

ابن مسعود گوید: به رسول خدا عرض کردیم: ای رسول خدا، ما دانستیم که چگونه به تو سلام کنیم. اینک به ما بیاموز که چگونه بر تو درود و صلوات بفرستیم؟ حضرت فرمود: بگویید: خداوندا، درودها و رحمت و برکت های خود را بر سید و سرور فرستادگان و پیشوای پرهیزگاران و خاتم پیامبران محمد بفرست؛ همو که بنده و رسول تو پیشوا و رهبر خیر و پیامبر رحمت توست. خداوندا، او را به مقامی در خور ستایش (مقام محمود) برانگیز که همه گذشتگان و آیندگان به حال او غبطه بخورند. و بر محمد درود فرست جایگاه او را در والاترین مرتبه بهشت (درجه وسیله) قرار ده و خداوندا، محبت او را در دل بندگان برگزیده شده ات قراربده. و مودت او را در دل های بندگان مقربت جای ده. و یاد و منزلگاه او را در علیین قرار بده. و سلام و رحمت و برکت های خداوند بر تو باد. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود بفرست همان گونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی. همانا که تو ستوده شده و بزرگوار هستی و برکت ده بر محمد و آل محمد (1).

1- . الدرر المنثور 5: 219

باب سی و یکم : روا بودن خواندن هر دعا و اجازه جمع آوری آن.

1. علی علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: همانا دعا بلایی را که قطعی شده باشد برطرف می کند. وشاء می گوید: به عبدالله بن سنان گفتم: آیا دعای محدودی وجود دارد؟ گفت: من از امام صادق علیه السلام پرسیدم، ایشان فرمودند: بله، دعای شیعیان مستضعف در هر مشکلی دعای موقت است، اما دعای شیعیان مستبصر (هدایت یافتگان) که به بلوغ عقلی و رشد فکری رسیده اند پوشیده نمی ماند(1).

1- . این حدیث در جلد 93 ، ص 365 به نقل از طب الائمه نیز آمده بود.

روایات:

1. امالی صدوق: طاوس یمانی گوید: از کنار حجر الاسود عبور می کردم که دیدم مردی پیوسته رکوع و سجده می کند، قدری درنگ کردم تا این که دیدم ایشان علی بن حسین علیهما السلام است. با خودم گفتم: او مرد درستکاری از اهل بیت پیامبر است، به خدا قسم دعایش را غنیمت می شمارم. سپس مراقب او بودم تا این که از نماز فارغ شد و کف دست ها را به سوی آسمان بلند کرده و می گفت: مولای من، مولای من، این ها دو دست پر از گناه من هستند که به سویت دراز کرده ام و دیدگانم که به امید دوخته شده است. شایسته است کسی را که از خواری پشیمانی تو را خوانده با بخشش پاسخ دهی. مولای من، آیا مرا از بدبختان آفریده ای تا گریه ام را طولانی کنم یا از سعادتمندان مرا آفریده ای تا به امیدم بشارت دهم. مولای من، آیا عضوهای بدن مرا برای ضربه ی گرزها خلق کرده ای یا معده ام را برای نوشیدن آب گداخته ی جهنم آفریده ای. مولای من، اگر ممکن بود بنده ای از مولایش بگریزد، من اولین کسی بودم که می گریختم. اما می دانم که تو را از دست نمی دهم. مولای من اگر عذابم به پادشاهی تو اضافه می کرد، از تو می خواستم مرا بر تحمل آن شکیبا گردانی. اما می دانم فرمانبرداری بندگان فرمانبردار تو چیزی به بزرگی ات نمی افزاید و سرکشی گناه کاران نیز چیزی از آن نمی کاهد. مولایم، من که هستم و چه اهمیتی دارم؟ با فضلت بر من ببخش و مرا با پرده پوشی خود منزه گردان و به بزرگی آبرویت از سرزنشم درگذر. ای پروردگارم و مولایم، به من رحم کن که در بستر افتاده ام و دستان دوستانم مرا می گرداند و جنازه ام را روی مکان غسل انداخته اند و نیکان همسایه ام مرا غسل می دهند و روی دوش هایشان مرا بلند کرده و خویشانم

ص: 119

گوشه های تابوت را گرفته اند. و به وحشت و تنهایی ام در آن خانه ی تاریک رحم کن. طاوس گوید: من گریستم تا این که صدای گریه ام بلند شد. امام متوجه من شدند و گفتند: ای یمانی، چه چیز باعث گریه ات شده؟ آیا این جایگاه گنهکاران نیست؟ گفتم: ای محبوبم، جد شما محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و سزاوار است که خداوند دعایتان را مستجاب کند. گفت: در همین حال بودیم که گروهی از یاران ایشان وارد شدند، ایشان رو به آن ها کرده و فرمودند: ای یارانم، شما را به آخرت توصیه می کنم و نه به دنیا، همانا شما از دنیا توصیه می پذیرید و مشتاق آن هستید و به آن چنگ زده اید. ای یارانم، همانا دنیا محل گذر و آخرت مکان ماندگاری است، پس از محل عبور خود برای مکان پایدار توشه بگیرید و در نزد کسی که رازهایتان بر او پوشیده نیست پرده دری نکنید. دنیا را از دل هایتان بیرون کنید پیش از آن که بدن هایتان را از دنیا بیرون کنند. آیا مردمان پیش از خود و دوره های گذشته را ندیدید و آن چه بر سرشان آمد را نشنیدید؟ آیا ندیدید که چگونه آن چه پوشیده داشتند رسوا شد و با تغییر شادمانی پس از آسایش و رفاه، باران خواری بر آن ها بارید و کشتزار بلاها شدند و نمونه ای برا ی دیگران گشتند؟ این سخن را گفتم و برای شما و خودم از خداوند طلب آمرزش می کنم(1).

2. امالی صدوق: طاوس یمانی گوید: علی بن حسین زین العابدین علیه السلام این دعا را می خواندند: پروردگارا، به عزت و جلال و بزرگی ات قسم، اگر از زمانی که در آغاز روزگار سرشت مرا ایجاد کردی، به تعداد هر مویی و در هر گردش نگاهی به اندازه ی سپاس و ستایش همه مخلوقات تا پایان دوران و جاودانگی ربوبیتت تو را عبادت می کردم، نمی توانستم شکر کوچک ترین نعمتت را ادا کنم و اگر معادن آهن دنیا را با دندان های پیشین خود حفر کنم و با کناره های پلک چشم زمین را شخم بزنم، و به اندازه ی آب دریای آسمان هاو زمین خون و چرک از چشم ببارم، در مقابل حق بزرگی که تو بر من داری اندک است و اگر پس از آن با عذاب همه مخلوقاتت مرا شکنجه کنی و بدنم را هیزم آتش قرار دهی و جهنم و طبقات آن را از

1- . امالی صدوق: 132

اعضای من پر کنی تا جایی که هیچ عذاب شونده ای جز من در آن باقی نماند، درمقابل عدالت تو و گناهان بسیاری که سزاوار مجازات هستند، برای من کم است(1).

3. امالی صدوق: امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند گناهان مرد بادیه نشینی را به خاطر دعای او آمرزید و گناهانش را بخشید. آن دعا چنین بود: پروردگارا اگر مرا عذاب کنی من شایسته ی آن هستم و اگر مرا ببخشی تو شایسته ی آن هستی. خداوند نیز او را بخشید(2).

امالی شیخ طوسی نیز مانند این روایت را آورده است(3).

4. امالی شیخ طوسی: امام باقر علیه السلام فرمودند: از دعاهای امام سجاد علیه السلام این بود: خداوندا، اگر با انجام کاری که مرا از آن نهی کرده بودی تو را نافرمانی کردم، به وسیله ایمان به تو که دوست داشتنی ترین چیزها نزد توست اطاعتت نمودم که تو به واسطه ی آن بر من منت نهادی و از جانب من منتی بر تو نیست. و نافرمانی در ناپسندترین چیزها را که شریک گرفتن برای تو یا فرزند و همتا قراردادن برای توست ترک نمودم. نافرمانی من از روی خود بزرگ بینی یا دشمنی با تو نبود، و به خاطر کوچک شمردن ربوبیت و از روی انکار حق تو نبود، بلکه شیطان مرا گمراه کرد پس از آن که دلیل و سخن تو را دانستم. پس اگر مرا عذاب کنی به خاطر گناهان من است و اگر بر من ببخشی از سر مهربانی و بخشش توست، ای مهربان ترین مهربانان(4).

5. امالی صدوق: امام صادق علیه السلام این دعا را می خواندند: پروردگارا، چگونه بخوانمت در حالی که تو را نافرمانی کرده ام و چگونه تو را نخوانم حال آن که محبتت را در دلم یافته ام، و اگر گنهکارم، دست پر از گناهانم را به سویت دراز کرده ام و چشمانم را به امید دوخته ام. مولای من، تو بزرگ ترین بزرگانی و من گرفتارترین اسیران هستم، من اسیر گناه و گرفتار خطای خود هستم. خدایا، اگر مرا

1- . امالی صدوق: 180
2- . امالی صدوق: 238
3- . امالی طوسی2 :52

4- . امالی طوسی2 :29

به گناهم بخوانی، تو را با بخششت می خوانم و اگر با خطای من حق خود را از من بخواهی، من از بخشش تو درخواست می کنم و اگر مرا وارد آتش جهنم کنی به ساکنان آن خبر خواهم داد که من شهادت به یگانگی خداوند یکتا و پیامبری محمد صلّی الله علیه و آله و سلّم می دادم. پروردگارا، همانا فرمانبرداری تو را خشنود می کند و نافرمانی ضرری به تو نمی رساند، پس آن چه را که خشنودت می کند به من عطا کن و آن چه را که ضرری برایت ندارد بر من ببخش ای مهربان ترین مهربانان(1).

6. خصال: امیرمؤمنان علیه السلام نه جمله را فی البداهه فرمودند که چشم سخنان رسا را درآورد و جواهر حکمت را به یادگار گذاشت، سه تا از آن ها در مناجات است: پروردگارا، این عزت برای من کافی است که بنده ی تو هستم و این فخر برایم بس است که تو پروردگار منی. تو همان گونه ای که من دوست می دارم، پس مرا نیز چنان قرار ده که دوست می داری(2).

کامل این کلمات در باب اندرزها آمده است(3).

7. امالی صدوق: روایت شده که امیرمؤمنان علیه السلام در مناجات خود می گفتند: پروردگارا، هرگاه به بخشش تو می اندیشم خطایم بر من آسان می شود، سپس عظمت مجازات تو را به یاد می آورم و گرفتاری ام بر من بزرگ می شود. سپس گفت: آه اگر گناهی را که آن را فراموش کرده ام و تو حساببش را داری، در نامه ی عملم بخوانم و تو بگویی: او را بگیرید، وای بر او، اسیری است که خاندانش او را نجات نخواهند داد و قبیله اش سودی برایش ندارند. هنگامی که او را در مقابل مردم صدا بزنند، به او رحم خواهند کرد. سپس گفت: آه از آتشی که جگر و کلیه ها را بریان می کند. آه از آتشی که پوست را می کند، آه از شراره های سوزان آن(4).

1- . امالی صدوق ، ص215

2- . خصال ، ج2 ، ص45

3- . رجوع شود به ج 77 ص 400

4- . امالی صدوق، ص 48

گویم: خبر آن طولانی است که در باب عبادت امیرمؤمنان علیه السلام با سند آورده شد.(1)

8. از دست خط شیخ شهید -که خداوند رحمتش کند- نقل شده که گفت: از پشت کتابی در کتابخانه ی حرم امام کاظم علیه السلام دعای مستجاب یوشع بن نون را نوشتم: خدایا، چگونه بخوانمت در حالی که نافرمانی ات کرده ام و چگونه نخوانمت و حال آن که تو را شناخته ام و محبتت در قلب من است. دست پر از گناهم را به سویت دراز کرده و چشمم به امید دوخته شده است. خدایا، تو پادشاه بخشش ها هستی و من اسیر گناهان خود هستم و از بزرگواری های بزرگان، مهربانی با اسیران است. خداوندا، من به خاطر گناه و خطایم اسیر و گرفتارم. خدایا، چه دشوار است راه برای کسی که تو همراهش نباشی. خدایا، اگر به خاطر گناهانم مرا مؤاخذه کنی، من از تو درخواست بخشش دارم و اگر به واسطه ی درونم و رازهای پوشیده ی آن حق خودت را از من بخواهی، من لطف و بخششت را از تو تقاضا می کنم و اگر مرا وارد آتش کنی، به اهل آن می گویم که من شهادت به یگانگی تو و پیامبری محمد صلّی الله علیه وآله و حقانیت علی علیه السلام می دادم. خداوندا، همانا فرمانبرداری تو را خشنود می کند و نافرمانی ضرری برایت ندارد، پس آن چه را که تو را خشنود می کند به من عطا کن و آن چه را برایت ضرری ندارد بر من ببخش، ای مهربان ترین مهربانان.

و نیز در دستخطی از ایشان این دعا از امام صادق علیه السلام روایت شده: پروردگارا، اگر گناهان مانع گشودن دست های ما به دعا شده است و اگر تکرار نافرمانی ها نمی گذارد به درگاهت التماس و زاری کنیم، پس ای بزرگوار، همانا امید ما را به سوی درخواست از تو می کشاند. پس اگر مولا بر بنده اش مهر نورزد، از چه کسی امید بخشش می توان داشت. دست های ملتمس ما را جز با رسیدن به آرزوهایش بازنگردان.

1- . رجوع شود به ج 41:11 و 12

9. دعوات راوندی: امیرمؤمنان علیه السلام هنگامی که اموال بیت المال را می بخشید، دستور می داد آن جا را بروبند و سپس در آن نماز می خواند و دعا می کرد و می گفت: پروردگارا از گناهی که عمل را نابود سازد به تو پناه می برم و از گناهی که بلا را جلو اندازد به تو پناه می برم و از گناهی که مانع استجابت دعا شود به تو پناه می برم و از گناهی که پرده ی عصمت را بدرد به تو پناه می برم و به تو پناه می برم از گناهی که پشیمانی آورد و از گناهی که قسمت ها را نگه دارد. و از مناجات های امیرمؤمنان این بود: پروردگارا، گویی خویشتن را می بینم که در قبر نهاده شده ام و همسایگانم که برای تشییع پیکرم آمده بودند از جنازه ام باز می گردند و برای تنهایی اش بر آن گریه می کنند و همسایگان مهربانش بر او بخشش می کنند و دوستان او را از کناره های قبر صدا می زنند و دشمنانش در دنیا به هنگام افتادنش به آن رحم می کنند و بیچارگی و تنگ دستی اش بر بینندگان و کسانی که او را می بینند مخفی نیست. خاک بالش زیر سرش گردیده و چاره ای برایش نمانده است. پس گفتی: ای فرشتگان من، تنها مانده ای که نزدیکانش از او دور می شوند و دورشده ای که خانواده اش به او ستم کرده اند به من نزدیک شده و غریب و تنها در لحد قرار گرفته است، او در دنیا مرا می خواند و امیدوار بود در چنین روزی به او نگاه بیندازم. پس به نیکی مرا بپذیری و از خانواده و خویشانم بر من مهربان تر شوی.

10. کنز الکراجکی: امام باقر علیه السلام فرمودند: از جمله دعاهای امیرمؤمنان علیه السلام این بود: خدایا، این عزت برای من کافی است که بنده ی تو هستم و این فخر برایم بس است که تو پروردگار منی. تو همان گونه ای که من دوست می دارم، پس مرا نیز موفق کن به آن چه خودت دوست می داری.

11. نهج البلاغه: امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: مؤمن باید سه ساعت داشته باشد، ساعتی برای مناجات با پروردگارش و ساعتی برای اصلاح معیشت خود و ساعتی را نیز برای خود خلوت کند و از لذت ها و زیبایی های حلال بهره مند شود(1).

1- . نهج البلاغه، حکمت 390

12. کتاب عتیق غروی: نوف بکالی گفت: امیرمؤمنان علیه السلام را دیدم که به سرعت دور می شد. پرسیدم: مولای من به کجا می روید؟ فرمود: ای نوف، رهایم کن که آرزوهایم مرا به سوی محبوب می کشاند. گفتم: مولای من، آرزوهایتان چیست؟ فرمود: آن کس که آرزوی من است خود می داند و نیازی ندارم برای غیر او بیان کنم. این ادب برای بنده کافی است که در نعمت ها و حاجاتش برای پروردگار شریکی قرار ندهد. گفتم: ای امیرمؤمنان، من از حرص و چشم دوختن به طمع های دنیوی بر خودم می ترسم. امام به من فرمود: چرا به سراغ پناه ترسیدگان و عارفان نمی روی؟ گفتم:آن را نشانم دهید. فرمود: خداوند بزرگ و بلندمرتبه با بخشش نیکوی خود تو را به آرزویت می رساند و تو با تلاش خودت به آن روی می آوری. از آن چه در قلبت فرود آمده روی بگردان. پس اگر تو را برای آن مهلت داد من یادآوری اش را ضمانت می کنم. و به جز خداوند سبحان از همه کس ناامید شو، چرا که خداوند متعال می فرماید: به عزت و جلالم قسم امید هر کس را که به کسی جز من امید ببندد، ناامید می کنم و در میان مردم لباس خواری به او می پوشانم و او را از خود دور می کنم و او را از رسیدن به خود محروم می کنم و هنگامی که به غیر من توجه می کند، یاد او را بی ارزش می کنم. وای بر او، آیا برای مشکلاتش به کسی جز من امید بسته درحالی که حل مشکلات به دست من است و من زنده و پایدار هستم؟ درهای بسته ی بندگانم را می زند اما به درگاه من که به رویش گشوده است نمی آید. پس کیست که با وجود گناهان بسیارش به من امید بسته و من او را ناامید کرده ام؟ آرزوهای بندگانم را به خود متصل گردانیدم و امیدشان را نزد خود ذخیره کردم. آسمان هایم را از کسانی پر کردم که از تسبیح من خسته نمی شوند و به فرشتگانم دستور دادم درهای بین من و بندگانم را نبندند. آیا آن کس که گرفتاری و بلایی از طرف من به او می رسد نمی داند که تنها با اجازه ی من می توان آن را برطرف کرد؟ پس چرا بنده ام از من روی گردان می شود در حالی که آن چه را که از من درخواست نکرده به او عطا کردم؟ پس از من درخواست نکرده و از غیر من سؤال کرد. آیا می پندارد من که بدون درخواست به بنده ام بخشیده ام، اگر از من سؤال کند پاسخ نمی دهم؟

آیا من بخیلم که بنده ام مرا بخیل می پندارد؟ آیا دنیا و آخرت همه از آن من نیست؟ آیا بخشش و بزرگواری ویژگی من نیست؟ آیا رحمت و بزرگی در اختیار من نیست؟ آیا آرزوها به کسی جز من بازمی گردند؟ پس چه کسی جز من آن ها را قطع می کند؟ امیدواران نباید به کسی جز من امید ببندند که به عزت و جلالم سوگند اگر آرزوهای همه ساکنان آسمان و زمین را جمع کنم و به تک تک آن ها ببخشم، از دارایی من ذره ای کاسته نمی شود. و چگونه از کسی که من به او بخشش کرده ام کاسته می شود؟ تیره بخت کسانی که از رحمت من ناامید هستند، بیچاره کسی که مرا نافرمانی کرده و آن چه من حرام کرده بودم انجام داد و از من پروا نکرده و به من جسارت کرد. سپس امام علیه السلام به من فرمود: ای نوف، این دعا را بخوان: پروردگارا، اگر تو را سپاس گفتم از بخشش های تو بود، و اگر تو را بزرگ دانستم به خواست تو بود، و اگر تو را تقدیس کردم با نیروی تو بود، و اگر لا اله الا الله گفتم با قدرت تو بود، اگر نگاه کردم به رحمت تو و اگر چشیدم نعمت تو بود. خدایا، همانا کسی که تشنه ی یاد تو نشود و قصد سفر به سوی تو را نداشته باشد، زندگی برایش چون مرگ و مرگش باعث حسرت او خواهد بود. خداوندا، دیدگان بینایان با رازهای پنهان در دل ها به سوی تو دوخته شده و گوش های شنوایان نجوای دل ها را برایت می خواند. پس چشم هایشان پاسخی جز آن چه می خواهند نمی بینند. پرده های غفلت را از میان خودت و آن ها برداشته ای، پس در نور تو قرار گرفته اند و با آرامش تو نفس می کشند، دل هایشان کشتزار بزرگی تو و دیده هایشان فرش قدرت تو شده است. جان هایشان را به حریم قدسی خودت نزدیک گرداندی، پس با متانت همنشینی و فروتنی سخن گفتن تو را یاد کردند و مهربانانه به آن ها روی آوردی و مانند همنشین نزدیک به آن ها گوش فرادادی و با آن ها مانند دوستی صمیمی سخن گفتی و پاسخشان را دادی. پس مرا نیز به جایگاهی که آنان بدان رسیدند برسان و از یاد خودم مرا به ذکر خودت برسان و میان من و ملکوت عزتت هیچ در بسته ای و هیچ پرد ه ی غفلتی باقی مگذار تا آن که روحم در میان انوار عرشت قرار گیرد و جایگاهی از نورت برای آن قرار دهی که تو بر هر کار توانایی.

ص: 126

خدایا،

چه وحشتناک است راهی که در آن امید به تو همراهم نباشد، و چه دور و دراز است سفری که راهنمایم در آن امید به تو نباشد. کسی که به ریسمانی جز تو چنگ زند زیان کرده و تکیه گاه کسی که به غیر تو تکیه کند ناتوان است. پس ای کسی که به امیدوارانش یاد می دهد که امید ببندند و نگرانی و اندوه را از آنان دور می کند. مرا از اعمال شایسته محروم نکن، مانند کسی که چاره اش به پایان آمده مرا حفظ کن. چگونه امیدواران تو خواری فقر را می بینند در حالی که تو از ضرر رساندن به گنهکاران بی نیازی. خدایا، هر شیرینی به پایان می رسد اما شیرینی ایمان با رسیدن به تو افزوده می شود. پروردگارا، قلبم امیدش را به سوی تو گسترانیده، پس شادمانی رسیدن به آرزویش را به او بچشان، همانا تو بر انجام هر کار توانایی. خدایا، با معرفت کسی که تو را تا ژرفای معرفتت می شناسد، از تو می خواهم هر خیری که برای مؤمن لازم است به من عطا کنی، و به تو پناه می برم از هر شری که دوستانت را از آن مصون داشته ای. که تو بر هر کاری توانایی.

خداوندا، تو را می خوانم مانند درمانده ای که امیدش حیران شده و پناهگاه و تکیه گاهی نمی بیند که به وسیله آن به تو برسد و او را به سوی تو رهنمون شود، مگر به وسیله تو و تکیه گاه تو و جایگاه هایت که هرگز از جانب تو به تأخیر نمی افتند. پس تو را می خوانم به نامت که برای دوستان خاصت آشکار کردی، پس تو را به یگانگی شناختند و تو را به حقیقتت عبادت نمودند، که خودت را به من بشناسانی تا با حقیقت ایمان به ربوبیتت اقرار کنم و مرا از کسانی قرار نده که تنها به اسم عبادتت می کنند، نه با معنا. و به عنایتی از جانب خود به من توجه کن تا قلبم به نور معرفت تو و دوستانت روشن گردد،

همانا تو بر هر کار توانایی.

13. کتاب عتیق غروی: مناجات مولای ما امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام که مناجات امامان و فرزندان ایشان بوده که در ماه شعبان این دعا را می خواندند، طبق روایت ابن خالویه چنین است: پروردگارا بر محمد و خاندان او درود فرست و فریادم را بشنو هنگامی که تو را می خوانم و دعایم را بشنو وقتی که دعا می کنم و هنگامی که مناجاتت می

کنم به من روی آور، پس همانا به سوی تو گریخته ام و مقابلت ایستاده ام در حالی که تهیدستی ام را به تو عرضه کرده ام و به

ص: 127

درگاهت التماس می کنم و به آن چه نزد توست امید بسته ام، مرا می بینی و آن چه درون من است می دانی و از نیاز من آگاهی و درونم را می شناسی و حال من در دنیا و آخرت و آن چه از درخواست هایم که می خواهم بر زبان بیاورم و در سرانجام خود به آن امید دارم، بر تو پوشیده نیست. و ای مولای من به تحقیق که مقدرات تو بر من جاری شده، از آن چه تا پایان زندگی من بوده و از دورن و برونم و آن چه به من افزوده یا کاسته می شود و سود و زیان من تنها به دست توست نه دیگری. خدایا، اگر تو مرا محروم کنی چه کس به من عطا می کند و اگر تو مرا خوار گردانی چه کس یاری ام می کند؟ خدایا، به تو پناه می برم از خشم و نزول عذاب تو. معبودا، اگر من شایسته ی رحمتت نیستم تو شایسته ای که با فضل گسترده ات به من بخش کنی. خداوندا، گویی در مقابل تو ایستاده ام و حسن اعتماد به تو بر سرم سایه افکنده است. پس آن چه از درگاه تو انتظار می رود فرمودی و مرا سراپا در عفو خود فرو بردی. پروردگارا، اگر مرا ببخشی شایسته ی بخشش هستی و اگر مرگم نزدیک شده و عملم مرا به تو نزدیک نمی گرداند، پس اعتراف به گناهان را وسیله رسیدن به تو قرار دادم. معبودا، من در تدبیر خویشتن به خود ستم کردم، پس وای بر من اگر تو نبخشی ام. خداوندا، نیکی تو در زمان حیاتم همواره به من می رسد، پس بعد از مرگم نیز نیکی هایت را از من قطع نکن که در زندگی جز نیکی از تو ندیده ام. خدایا، آن چنان که خود شایسته ی آنی کار مرا به عهده بگیر و به بخشش خود به گنهکاری که نادانی اش او را فراگرفته نگاهی بینداز. پروردگارا، همانا در دنیا گناهانی را بر من پوشاندی و من در آخرت به پوشیده ماندن آن نیازمندتر هستم. خدایا، با پوشیده نگه داشتن آن بر بندگانت به من نیکی کردی، پس در روز قیامت نیز در برابر همه مردم رسوایم نکن. خداوندا، سخاوت تو امیدم را گسترانده و آمرزشت از کردار من برتر است. خدایا، پس در روزی که میان بندگانت داوری می کنی مرا شاد گردان. معبودا، عذرخواهی من به درگاه تو عذرخواهی کسی است که از پذیرفته شدن عذر خود بی نیاز نیست، ای بزرگوارترین کسی که گنهکاران از درگاهش عذرخواهی می کنند. خداوندا، حاجتم را رد نکن و طمعم را نا امید نساز و امید و آرزویم را از خودت نبر. خدایا، اگر قصد خوار کردن مرا داشتی هدایتم نمی کردی و اگر می خواستی رسوایم

کنی عافیتم نمی دادی. معبود من، گمان نمی کنم حاجتی را که تمام عمرم را به درخواست آن سپری کرده ام رد کنی. خدای من، حمد از آن توست همیشه و همواره و تا ابد، افزون می شود و کم نمی گردد، چنان که دوست می داری و راضی می شوی. خدایا، اگر مرا به خطایم بگیری تو را به گذشتت می گیرم و اگر مرا به گناهم بگیری تو را به آمرزشت می گیرم. و اگر مرا به آتش ببری به ساکنانش خواهم گفت که تو را دوست می دارم. خداوندا، اگر عمل من در فرمانبرداری تو اندک است، امیدم به تو بسیار است. پس چگونه با دست خالی و ناامید از درگاهت برگردم در حالی که به سخاوت تو امیدوار بودم که با مهربانی مرا پیروز گردانی. معبودا، زندگی ام را در بدمنشی فراموشی تو گذرانیدم و جوانی ام را در مستی دوری از تو از دست دادم و در روزگار غفلت و بی خبری از تو و پیروی از خشم و غضب تو بیدار نشدم. پروردگارا، من بنده و فرزند بندگان توام که مقابلت ایستاده ام و به وسیله بخششت به سوی تو توسل جستم. خدایا، من بنده ای هستم که خود را از آن چه در کم شرمی از نگاه تو برابرت ایستادگی کرده بودم به سوی تو کشیدم و از تو تقاضای گذشت دارم که گذشت وصف بزرگواری توست. خدایا، من توانی نداشتم که از نافرمانی تو بازگردم، مگر در زمانی که تو برای محبتت بیدارم نمودی و چنان شدم که تو می خواستی. پس تو را سپاس می گویم که مرا در بخششت درآوردی و قلبم را از آلودگی های غفلت پاک نمودی. معبودا، چونان کسی به من نگاه کن که او را خواندی و اجابتت نمود، و با یاری خود به کارش گماردی و فرمانبرداری ات کرد. ای نزدیکی که از بی توجهان دوری نمی کند و ای بخشنده ای که به امیدواران پاداشش بخل نمی ورزد. پروردگارا، قلبی به من عطا کن که از اشتیاق به تو نزدیک گردد و زبانی به من ببخش که راستی به درگاهت آورد و نگاهی که به اندازه ی خود مرا به تو نزدیک گرداند. خدایا، آن کس که با تو شناخته شود ناشناس نشود و آن کس که به تو پناه آورد خوار نخواهد شد و کسی که تو به او روی آوری اندوهگین نشود. خدایا، آن کس که با کمک تو راه جوید هدایت یافته است و کسی که به آستان تو چنگ زند ایمن است و من به تو پناه آورده ام مولای من، پس گمانم را به رحمتت ناامید مکن و مرا از مهربانی ات نپوشان. معبودا، در میان دوستانت جایگاه کسی را به

من بده که به محبت بیشتر تو امید دارد. پروردگارا، پیاپی شیفتگی یادت را و همتت را برای نشاط کامیابی یادت و جایگاه قدست در دلم قرار ده. خداوندا، به حق خودت تو را سوگند که مرا به جایگاه اهل طاعتت و پایگاه نیکوی خشنودی ات برسانی، چرا که من دفاعی برای خود ندارم و سودی به آن نمی رسانم. خدایا، من بنده ی ناتوان و گنهکار تو و مملوک توبه کار و پناهنده ات هستم، پس مرا از کسانی قرار نده که از آن ها روی گردان شدی و فراموشی اش او را از عفو تو محروم کرد. معبودا، نهایت دل بریدن از غیرت را به من ببخش و دیدگان قلب هایمان را به روشنایی نگاهش به خودت روشن کن، تا آن که دیده ی دل، پرده های نور را پاره کند و به سرچشمه ی عظمت برسد و جان هایمان به عزت قدسی ات بیاویزد. خداوندا، مرا از کسانی قرار ده که صدایشان زدی و پاسخت دادند و به ایشان توجه نمودی و از شدت بزرگی ات نعره کشیدند. در نهان با او مناجات کردی و او برای تو آشکارا عمل کرد. معبودا، ناامیدی و یأس را به خوش گمانی ام مسلط نمی کنم و امید من از بخشش زیبایت قطع نخواهد شد. خداوندا، اگر گناهانم مرا در نزد تو بی اعتبار کرده، پس به خاطر اعتمادم به تو با نیکی از من درگذر. معبودا، اگر گناهانم مرا از بخشش های تو پایین کشیده است، به راستی اعتقاد به سخاوت و مهربانی ات آگاهم نموده است. بارخدایا، اگر غفلت مرا از آمادگی برای ملاقاتت خواب نموده، به راستی که شناخت مهربانی هایت آگاهم کرده، پروردگارا، اگر بزرگی کیفرت مرا به سوی آتش بخواند، پاداش فراوانت نیز مرا به بهشت فرامی خواند. خداوندا، از تو درخواست می کنم و به سوی تو زاری می کنم و رو به سوی تو می آورم و از تو درخواست می کنم بر محمد و خاندانش درود فرستی و مرا از کسانی قرار دهی که پیوسته به یاد تو هستند و پیمانت را نمی شکنند و از شکرگزاری ات غفلت نمی ورزند و در فرمان تو کوتاهی نمی کنند. معبودا، مرا به پرتو فروزان عزتت برسان تا تو را بشناسم و از غیر تو روی گردان شوم و از تو بترسم و به تو توجه داشته باشم، ای صاحب بخشش و بزرگی. درود خداوند بر محمد و خاندان پاک و مطهرش و سلام بر آنان.

14. بلد الأمین: مناجات مولای ما امیرمؤمنان علیه السلام به نقل از امام حسن عسکری و از پدران ایشان علیهم السلام: خداوندا، بر محمد و خاندانش درود فرست

و هنگامی که از دنیا می روم و نامم از میان مردم پاک شده و به فراموش شدگان می پیوندم، به من رحم کن. خدایا، پیر شده ام و پوست بدنم نازک شده و استخوان هایم سائیده و گذر روزگار در من اثر کرده و مرگم نزدیک شده و دورانم به پایان رسیده و آرزوهایم تمام شده و عواقب کارهایم باقی مانده است. معبودا، به من رحم کن آن هنگام که چهره ام دگرگون می شود و محاسنم نابود گردد و بدنم فرسوده شود و بندهایم از هم گسسته شود و اعضای بدنم پراکنده شوند. بارخدایا،

گناهانم مرا خاموش و ساکت گردانده و سخنم را کوتاه کرده، پس هیچ عذر و بهانه ای ندارم و به گناهم اقرار می کنم و بی ادبی ام را گردن می گیرم. من به بند گناهم کشیده شده ام و گرفتار کرده ی خود هستم، در دریای اشتباه خود شناورم و حیران مقصد و به سوی خود بریده ام. پس بر محمد و خاندانش درود فرست و با مهربانی ات به من رحم کن و با آمرزشت از من درگذر. خدایا، اگر عمل من در اطاعت از تو اندک است، امیدم به درگاهت فراوان است. معبودا، چگونه با دست خالی از نزد تو ناامید بازگردم در حالی که گمان من به تو و سخاوتت چنین بود که با مهربانی به من عطا می کنی. خداوندا، یأس ناامیدان را به خوش گمانی ام مسلط نمی کنم، پس درستی امیدم را به خودت در میان امیدواران از بین نبر. خدایا، خطایم بزرگ است چرا که نافرمانی تو بوده و گناهم بزرگ است چرا که تو از آن بازخواست می کنی، مگر این که وقتی بزرگی گناه خود و عظمت آمرزشت را به یاد می آورم در میان آن دو به خشنودی آمرزشت پی می برم. خدایا، اگر ترس از کیفرگناهم مرا به سوی آتش فرامی خواند، امید به پاداش نیک تو مرا به بهشت فرامی خواند. معبودا، اگر اشتباهاتم مرا از خوبی های لطفت بی بهره کرده، مهربانی ات مرا با یقین انس داده است. خدایا، اگر غفلت مرا از آمادگی برای ملاقاتت خواب نموده، به راستی که شناخت مهربانی هایت مرا آگاه کرده ای مولای من. اگر عقل من از آن چه حالم را بهبود می بخشد دور مانده اما اطمینانم از عنایت تو به آن چه برایم سودمند است دور نشده است. خدایا، اگر روزهایم با کوشش در آن چه تو دوست نمی داری سپری شد،

سالیان گذشته ام نیز با ایمان به تو سپری شده است. معبودا، اندوهگین به نزدت آمدم در حالی که لباس پریشانی و تهیدستی به تن دارم و بیچارگی ام به من جایگاه فرومایگان را در

مقابل تو داده است. بارالها، بزرگواری نمودی پس مرا نیز که از درخواست کنندگان تو هستم گرامی دار. و به نیکی عطا کردی پس مرا نیز در زمره کسانی که به آن ها عطا کردی قرار ده. خدایا، چیزی جز بخشش تو پریشانی مرا جبران نمی کند و تنها پاداش توست که آرزویم را برآورده می کند. پروردگارا، بر آستان دری از درهای بخششت برای درخواست آمده ام و از تقاضا از غیر تو روی گردان شده ام. و لطف نیکوی تو چنین نیست که درخواست کننده ی اندوهگین و درمانده ای را که در انتظار نیکی است رد کند. معبودا، بر روی گردنه ی خطرناکی ایستاده ام در حالی که گرفتار اعمال خود هستم. پس اگر بار سنگینم را سبک نکنی و یاری ام نکنی نابود می شوم. مولای من، آیا مرا از بدبختان آفریده ای تا گریه ام را طولانی کنم یا از سعادتمندان مرا آفریده ای تا امیدم را بگسترانم. خدایا، آیا مرا از دیدار محمد صلی الله علیه و آله و سلّم در بهشت محروم می کنی، و مرا از پوشیدن لباس خدمتگزاران ایشان محروم و امیدم را ناامید می گردانی، پس من وعده ی دیگری از تو به خویشتن داده بودم ای صاحب فضل و بخشش. بارخدایا، به عزت و جلالت سوگند اگر در گذر روزها مرا به بند کشی و در میان مردمان مرا از بخشش هایت محروم کنی، و بین من و بزرگواران مانع شوی، امیدم را از تو قطع نخواهم کرد و از چشم دوختن به عفو تو روی گردان نمی شوم. خدایا، اگر تو مرا به اسلام رهنمون نمی شدی من هدایت نمی شدم و اگر ایمان به خودت را روزی ام قرار نمی دادی ایمان نمی آوردم و اگر دعایت را بر زبانم جاری نمی کردی تو را نمی خواندم و اگر شیرینی معرفتت را به من نشان نداده بودی من آن را نمی شناختم و اگر کیفر شدیدت را برایم بیان نمی کردی پناه نمی آوردم. معبودا، طاعتت را دوست می دارم هرچند در انجام آن کوتاهی کرده ام. و نافرمانی ات را ناپسند می دانم اگرچه آن را انجام داده ام. پس بهشت را به من عطا کن هرچند شایسته ی آن نباشم و از آتش رهایم کن اگرچه سزاوار آن باشم. خدایا، اگر گناهانم مرا از همنشینی با نیکان بازداشته، به راستی که اطمینان به تو مرا به جایگاه خوبان امیدوار کرده است. بارالها، قلبی که در دنیا آن را از عشق خودت لبریز کرده ای چگونه آتش سوزان دوزخ را براو چیره می گردانی؟ خداوندا، کسی را که به یاری ایمانت گرامی داشته ای چگونه او را میان طبقات آتش خوار می گردانی؟

پروردگارا، زبانی که آراسته ترین پوشش ها را از ستایش خودت برآن پوشاندی چگونه با زبانه های آتش احاطه می کنی؟ معبودا، هر اندوهگینی به تو پناه آورد و هر غمدیده ای تنها به تو امید بندد. بارخدایا، عبادت کنندگان از پاداش بسیار تو شنیدند و فروتنی کردند و زهدپیشگان از مهربانی گسترده ات شنیدند و خرسند شدند. آنان که از تو روی گردانده بودند از سخاوتت شنیدند و بازگشتند و گنهکاران از آمرزش گسترده ات شنیدند و طمع کردند و مؤمنان بزرگواری و گذشت و بخششت را شنیدند و روی آوردند تا این که مولای من، بندگان نافرمانت به درگاهت ازدحام کردند و فریاد و ناله های دعایشان در سرزمین های تو برخاست و هریک آرزویی دارد که صاحبش را نیازمند به سویت می کشاند و قلبی دارد که ترس ازدست دادن عطایت، آن را سرگشته کرده است. و تو کسی هستی که از او درخواست می کنند و از درگاهش ناامید بازنمی گردند و آسیب دیدگان از درگاهش خوار بیرون نمی روند. خداوندا، اگر راهی را که ارزش من در آن بود اشتباه رفتم در مقابل راه التماس به درگاهت را پیمودم که بهبودی حالم در آن است. خدایا، اگر در آن چه باعث نابودی من می شده سرکشی نمودم، پس به راستی اکنون به واسطه ی دعا خویشتن را برای نجات یاری نمودم. خدایا، اگر کوشش در به دست آوردن سود رهایم کرد، اما نیکی تو به من در رسیدن به آن چه خیر من است رهایم نکرد. معبودا، اگر درباره ی خود دست به کاری زدم که باعث پشیمانی شده، به راستی اکنون مهربانی و رحمتت را به آن شناسانده ام. بارالها، اگر توشه ی اندکم در مسیر رسیدن به تو مانع شد، به راستی که اکنون به پشتوانه ی اعتمادم به تو به آن دست یافتم. پرودگارا، وقتی از رحمت تو یاد می کنم چهره ی وسیله هایم شادمان می شود و هنگامی که به یاد خشم تو می افتم، دیده ی مشکلاتم گریان می شود. بارخدایا، پس با بخششی بسیار بزرگ به بنده ی ناامیدت که تشنگی هلاکش کرده و تیرگی سستی و گریبانش را گرفته عنایت کن. معبودا، تو را می خوانم مانند کسی که در خواندن به غیر تو امیدی ندارد، و به تو امید بسته ام مانند کسی که امیدش به کسی جز تو دوخته نشده، خدایا،

چگونه روی خود را که به بخشندگی ات خیره مانده به جانب دیگر کنم در حالی که در روزی گرفتنم برای این بدن یکی از روزی خوران تو هستم. پروردگارا، چگونه زبان درماندگی ام را

خاموش گردانم در حالی که از سرنوشت نامعلوم خود هیچ نمی دانم. معبودا، از حاجت من آگاهی و از آن چه در زندگی دنیا به من عطا کردی و می دانی که پس از مرگ مرا از بهشت بی نیاز نخواهد کرد. پس ای کسی که در دنیا با لطف خود آن را به من عطا کردی، در روز تنگدستی ام در آخرت مرا از آن محروم نساز. چرا که از دلائل نعمت های بزرگوار، به پایان رساندن نعمت است و از نیکی های بخشنده کامل کردن بخشش است.

خدایا اگر نادانی ام در کارهایم نبود از گناهانم شکایت نمی کردم و اگر زیاده روی ام که آن را بیان کردم نمی بود، اشک هایم را جاری نمی کردم. خدایا، درود فرست بر محمد و خاندان پاکش و آثار گناهانم را با سیلاب اشک هایم ناپدید کن. و گناهان بسیارم را به نیکی های اندکم ببخش. بارالها، اگر تنها به فرمانبردارانت رحم می کنی پس گنهکاران به که زاری کنند؟ و اگر تنها از تلاشگران می پذیری پس آنان که زیاده روی کرده اند به کجا پناه ببرند؟ و اگر تنها نیکوکاران را بزرگ می داری پس بدکاران چه کنند؟ و اگر در روز قیامت تنها پرهیزکاران پیروز می شوند پس گنهکاران به کجا فریاد برند؟ خداوندا، اگر تنها کسانی که عملشان به آنان اجازه دهد از صراط می گذرند پس اجازه ی کسانی که تا پیش از مرگ توبه نکرده اند چه می شود؟ خدایا، اگر بخششت تنها به کسانی است که درونش را با زهد آباد ساخته پس درمانده ای که تلاش او در دو دنیا برایش کفایت نکرد چه کند؟ خدایا، اگر نظر رحمتت را به خاطر گناهان بندگانت از آن ها بپوشانی، خششمت آن ها را با تمام اندوهشان به میان مشرکان می اندازد. خدایا، اگر در روز قیامت دست احسان تو به ما عطا نکند، در زمره ی منکران حق تو قرار خواهیم گرفت. بارالها، عطایای ذخیره شده ات را به سبب اسلام به ما عطا کن و با زلال بخششت تیرگی خطاهای ما را نابود کن. به ما رحم کن آن هنگام که چون غریبان در میان لحد جای گرفته و سقف خانه های آخرتمان را با خشت ببندند و مانند بیچارگان در قبرها خوابانده شویم و در تنگ ترین جایگاه تنها رها شویم و آرزوها ما را در شگفت ترین زمین بیندازند و به خانه ای وارد شویم که اهلش در آن ساکنند و گویی خالی است. خدایا، آن هنگام که نزد تو آییم در حالی که عریان و پابرهنه ایم و غبار گور بر سر و رویمان نشسته و

چهره هایمان از خاک لحد سفید شده و چشم هایمان از وحشت قیامت ترسان است و لب هایمان از شدت تشنگی خشک شده و شکم هایمان در طول ایستادن گرسنه شده و بدی هایمان برای همه آشکار شده پشتمان از سنگینی گناهان خمیده و گرفتاری ها ما را از خانواده و فرزندان مشغول کرده است، پس با روی گرداندن از ما و منع بخششی که به آن امیدوار بودیم، مصیبتمان را دو چندان نکن. خدایا، این چشم ها اشتیاقی به گریه ندارند و بیهوده آب خود را جاری نسازند و ناله ی از دست دادن عزیزان آن را بیدار نگذاشته، بلکه برای خطاها و گناهانی است که در گذشته انجام داده و آن چه عاقبت بلایش او را فرامی خواند و تو ای عزیز، به برطرف کردن اندوهش توانایی. معبودا، اگر ما گنهکاریم پس به درستی که گریه می کنیم به سبب حرمتی که از بین بردیم و اگر محروم شده ایم برای بخششی که از تو خواستیم و آن را از دست دادیم می گرییم. پروردگارا، شیرینی کلامی که رسایی آن زبانم را شیرین نموده، به وسیله خیرخواهی که قلبم به آن راهنمایی شده تازه کن. خدایا، به کار نیک دستور دادی و خود سزاوارتری که به آن عمل کنی و به پذیرش درخواست ها امر کردی و توخود بهترین درخواست شدگانی. معبودا، ناامیدی چگونه ما را از بیان درخواست بازدارد در حالی که امید به تو بهترین جامه ها را بر ما پوشانده است. بارالها، هنگامی که ترس شاخه های وحشت مارا می لرزاند، درخت آن از ریشه کنده می شود و آن گاه که بادهای امید برگ های امیدمان را به حرکت وامی دارد، میوه های بشارت را بارور می کند. خدایا، وقتی از صفات تو به کیفرکننده سخت می رسیم اندوهگین می شویم و هنگامی که به آمرزنده ی مهربان برمی خوریم شادمان می شویم، پس ما بین دو چیز مانده ایم؛ نه از خشمت در امانیم و نه از مهربانی ات نومید هستیم. خدایا، اگر تلاش هایمان از شایستگی عنایت تو بازمانده، پس چه چیز مهرت را از دفع بلای ما نگه داشته است؟ معبودا، همواره با نعمت ها ا را بهره مند ساختی و ما را در میان بندگان بزرگ داشتی و این ویژگی پرمهرت درباره ی گنهکاران در روزگاران گذشته و آینده و شامگاهان سپری شده و باقی مانده است. خدایا، پرتو هدایتی که بر ما تاباندی را وسیله پرواز ما به بهشتی قرار ده که آن را به ما شناساندی. خدایا، چگونه دل هایمان از همنشینی با دنیا شادمان گردد و چگونه در سختی های آن

اندوهگین نشود؟ و چگونه شادمانی اش برای ما خالص شود و چگونه غرورمان ما را به بازی و سرگرمی کشاند درحالی که نزدیکی مرگ ما را به سوی قبرها می خواند. پروردگارا، چگونه خوشحال باشیم در حالی که وارد خانه ای می شویم که حفره هایش ما را به زمین می زند و ریسمان های نیرنگش با دست آرزوها بافته شده و شربت تلخی ها را به اجبار به ما خورانده و خوشی ها را به پایان رسانده، اگر جان ها با خوشی و لذت ها آن را به وجود نیاورده و با زینت گناهان آن را فریب نداده باشند. پس بارخدایا از فریب هایش به تو پناه می برم و در عبور از این گردنه از تو یاری می جویم و به هنگام پیروی از شهوت ها به یاری تو اعضای بدن را بازمی داریم و به وسیله تو پرده های درماندگی را کنار می زنیم و دل ها را از دشواری نادانی ها نیرو می بخشیم. خداوندا، خانه ها چگونه می توانند ساکنان خود را از بلا حفظ کنند در حالی که در تیر آرزوها به هر یک از آن ها برخورد کرده است. خدایا، اگر همنشینی با نیکان در آخرت از وحشت ما بکاهد، دیگر نگران انتقال به آن نخواهیم بود. معبودا، اگر تو ما را به خودت نزدیک گردانی، دوری از برادران و نزدیکان ضرری برایمان نخواهد داشت ای صاحب بخشش ها. خدایا، اگر پرنده ی شوم آبگیر امیال ما را منع نکند،

کاممان از آب امید خشک نمی ماند. پروردگارا، اگر مرا عذاب کنی، بنده تو هستم که او را برای آن چه خواستی آفریده ای و اگر به من رحم کنی بنده ی خطاکاری را نجات داده ای. معبودا، هیچ راهی برای در امان ماندن از گناه نیست مگر این که تو نگهدار باشی، و هیچ راهی برای رسیدن به نیکی ها نیست مگر این که تو چنین بخواهی. پس من چگونه می توانم به چیزی که اراده ی تو به آن تعلق گرفته سودی برسانم و چگونه از گناهی که تو مرا از آن نگاه نداشته ای دوری کنم؟ خداوندا، تو درخواست بهشت را به من یاد دادی پیش از آن که آن را بشناسم، پس بعد از شناختن آن به خواستنش روی آوردم. آیا ابتدا به درخواست کردن راهنمایی می کنی و سپس از بخشش خودداری می کنی؟ حال آن که تو بزرگواری هستی که تمام کارهایت پسندیده است ای صاحب بزرگی و بخشش. خدایا، اگر من شایسته ی رحمتی که امید به آن دارم نیستم، اما تو شایسته ی آنی که با سخاوتت بر من ببخشایی، چرا که شخص کریم تنها به کسانی که شایستگی دارند لطف نمی کند.

معبودا، اگر من شایستگی مهربانی ات را ندارم، تو سزاوار آنی که با مهر گسترده ات به گنهکاران ببخشایی. معبودا، اگر گناهم مرا می ترساند،

همانا خوش گمانی ام به تو پناهم می دهد. بارالها، درخواست من مانند درخواست سؤال کنندگان نیست؛ زیرا سؤال کننده هنگامی که بازداشته می شود، دیگر درخواست نمی کند اما من در هیچ صورت از آن چه از تو خواستم بی نیاز نیستم. خداوندا، از من راضی شو و اگر از من راضی نیستی، پس مرا ببخش، چه بسیار مولایی که از بنده اش درگذرد در حالی که از او راضی نیست. معبود من، چگونه تو را بخوانم حال آن که من این گونه ام و چگونه از تو نومید گردم در حالی که تو آن گونه ای. خداوندا، همانا در مقابل تو ایستاده ام و اعتماد به تو بر سرم سایه افکنده، پس مانند خودت با من رفتار نمودی و عفوت را شامل حالم گرداندی. خدایا، اگر مرگم نزدیک شده و عملم مرا به تو نزدیک نمی کند، پس با اعتراف به گناهان را وسیله ام به سوی تو قرار دادم، اگر مرا ببخشی چه کسی در این کار از تو شایسته تر است و اگر عذابم کنی چه کسی عادل تر از تو در قضاوت است؟ بارالها، در کار نفس خود دلیری کردم و از فرمان تو سرپیچیدم، پس وای بر من اگر از من راضی نشوی. خدایا، در دوران زندگی ام همواره به من نیکی کردی، پس از مرگ نیز نیکی ات را از من قطع نکن. خداوندا، چگونه از لطف تو پس از مرگم نومید باشم در حالی که در زمان حیاتم به جز نیکی از تو ندیده ام. خدایا، به راستی گناهانم مرا به وحشت اندازد و دوستی تو پناهم می دهد، پس آن چنان که خود شایسته ای کارم را به عهده گیر و با فضلت برگنهکاری که در نادانی غرق شده بازگرد، ای آن که هیچ چیز از او پنهان نمی ماند، بر محمد و خاندان پاکش درود فرست و گناهانم را که بر مردم پوشیده است ببخش. معبودا، همانا گناهانم را در دنیا پوشاندی و آن ها را آشکار نساختی و من به پوشاندن آن در روز قیامت نیازمندتر هستم، آن گاه که آن ها را بر نیرومندان مسلمان آشکار نکردی به من نیکی کردی، پس در روز قیامت نیز در مقابل عالمیان رسوایم نکن. خدایا، سخاوتت امیدم را گستراند و سپاس گزاری ات عملم را پذیرفت پس به هنگام مرگ مرا با دیدار خودت شادمان فرما. خداوندا، عذرخواهی ام از درگاهت مانند کسی نیست که از پذیرش عذر خود بی نیاز است، پس عذرم را بپذیر ای بهترین

کسی که بدکاران به درگاهش عذر آورند. خدایا، حاجتی را که تمام عمرم را به درخواست آن بوده ام و آمرزش است رد نکن. بارالها، اگر می خواستی خوارم کنی هدایتم نمی کردی و اگر رسوایی ام را می خواستی مرا نمی پوشاندی، پس مرا از آن چه به آن هدایتم کردی بهره مند ساز و پرده پوشی ات را همیشگی کن. پروردگارا،

آن چه از بلاها که مرا به آن امتحان فرمودی یا نیکی هایی که به من عطا کردی، همگی از لطف تو بود و گذشتت آن را کامل می کند اگر آن را انجام دهی. خداوندا، اگر از گناهان بیزار نبودم، از عذاب دوری نمی کردم و اگر بزرگواری ات را نمی شناختم به پاداشت امید نداشتم، و تو بهترین بزرگواران برای برآورده کردن آرزوی آرزومندان هستی و مهربان ترین در گذشت از خطای گنهکارانی. خدایا، نفسم به من وعده ی آمرزشت را می دهد، پس با برآوردن آرزوی آمرزش، او را بزرگ دار و خوش بینی او را راست گردان و با بخشندگی ات مژده هایی را که به خود دادم و گناهانی که مرتکب شدم را به من ببخش. خدایا، نیکی ها مرا میان بخشش و بزرگواری ات انداخته و گناهان مرا میان گذشت و آمرزشت انداخته و من امید دارم در میان این دو نیکوکار بدکار ضایع نشود. خدایا، وقتی ایمانم به یگانگی ات شهادت می دهد و زبانم تو را ستایش می کند و قرآن مرا به بخشش هایت رهنمون می شود، پس چگونه امیدم به وعده ی نیکویت شادمان نباشد؟ بارالها، تداوم نیکی ات به من مرا به عنایت تو به خودم راهنمایی می کند، پس چگونه فردی که تو به او عنایت داری بدبخت شود؟ خدایا، اگر دیدگان خشمت با نگاه نابودی به من بنگرند، اما دیدگان پرمهرت از نجات من غافل نمانده اند. معبودا، اگر گناهم مرا مقابل کیفر تو قرار داده، پس به راستی امیدم مرا به پاداشت نزدیک کرده، خدایا، اگر از من درگذری از فضل توست و اگر عذابم کنی از عدالتت می باشد. پس ای آن که جز به بخشش امیدی نیست و غیر از عدلش از چیزی ترسی نیست، بر محمد و خاندانش درود فرست و با فضلت بر ما ببخش و با عدلت ما را مجازات نکن. معبودا، برایم بدنی آفریدی و در آن ابزاری برایم قرار دادی که بتوانم به وسیله آن تو را اطاعت یا نافرمانی کنم و تو را خشمگین یا رضایت مند گردانم و در من نیرویی قرار دادی که مرا به سوی شهوت ها فرابخواند و مرا در دنیایی قرار دادی که پر از بلاهاست. سپس به من فرمودی:

بازایست، پس به یاری تو بازمی ایستم و به تو چنگ می زنم و به درگاه تو پناه آورم و مراقب هستم و در جلب رضایتت از تو توفیق می جویم و از تو درخواست می کنم از مولایم، چرا که درخواست من تو را خسته نمی کند. معبودا، هم چون کسی که بسیار اصرار کرده و از خواندن مولایش خسته نمی شود از تو درخواست می کنم و التماست می کنم مانند کسی که در ادعای خود به بهانه اش اعتراف کرده است. خدایا، اگر برای رهایی اعترافی رساتر از این می دانستم آن را انجام می دادم، پس با این اعتراف گناهم را ببخش و مرا نومید و تهیدست باز نگردان. معبودا، به سویت کشیده شده ام تا به من ببخشی و دهان آرزوهایم به نگاهی از جانب تو که شایسته ی آن نیست باز مانده، پس آن چه را درخواست کرده به او ببخش که تو در برآوردن آرزوی آرزومندان بزرگ ترین بزرگوارانی. معبودا، گناهان با من چنان کرده اند که می دانی و بر خود زیاده روی کرده ام چنان که آگاهی، پس مرا بنده ای قرار ده که یا اطاعت کرده و او را بزرگ داشته ای و یا نافرمانی نموده و به او رحم کرده ای. پروردگارا، گویی خویشتن را می بینم که در قبر نهاده شده ام و همسایگانم که برای تشییع پیکرم آمده بودند از جنازه ام باز می گردند و برای تنهایی اش بر آن گریه می کنند و همسایگان مهربانش بر او بخشش می کنند و دوستان و دشمنانش به هنگام افتادنش او را از کناره های قبر صدا می زنند و بیچارگی و تنگ دستی اش بر بینندگان و کسانی که او را می بینند مخفی نیست.. خاک، بالش زیر سرش گردیده و چاره ای برایش نمانده است. پس گفتی: ای فرشتگان من، تنها مانده ای که نزدیکانش از او دور می شوند و دورشده ای که خانواده اش به او ستم کرده اند به من نزدیک شده و غریب و تنها در لحد قرار گرفته است، او در دنیا مرا می خواند و امیدوار بود در چنین روزی به او نگاه بیندازم. پس به نیکی مرا بپذیری و از خانواده و خویشانم بر من مهربان تر شوی. خدایا، اگر گناهانم مابین آسمان هاو زمین را پرکنند و ستارگان را بدرند و به پایین ترین لایه زمین برسند، یأس مرا از انتظار آمرزشت باز نخواهد گرداند و نومیدی از چشم دوختن به بهشت منصرف نخواهد کرد. خدایا، با دعایی که تو به من آموختی خواندمت، پس مرا از پاداشی که به من وعده دادی محروم نساز. پس از جمله ی نعمت ها این است که هدایتم نمودی تا به نیکی بخوانمت و کامل

کردن آن به این است که پاداش پسندیده ات را به من عطا کنی. بارخدایا، به عزت و جلالت سوگند تو را دوست می دارم به عشقی که شیرینی اش در قلبم جای گرفته است. و درون یکتاپرستانت چنین نمی پندارد که تو دوست دارانت را دشمن می داری. خدایا، مانند گنهکاران در انتظار گذشت تو هستم، و از رحمتی که نیکوکاران انتظارش را می کشند نومید نمی شوم. معبودا، بر من خشم نگیر که من توانایی آن را ندارم. بارخدایا آیا مادرم مرا برای آتش پرورش داده که ای کاش مرا بزرگ نمی کرد، و آیا مرا بدبخت زاده پس ای کاش مرا نمی زاد. خدایا وقتی به یاد گناهانم می افتم اشک هایم جاری می شود و چرا جاری نشود در حالی که نمی دانم عاقبتم چگونه خواهد بود و چه چیز انتظارم را می کشد. نفسم را می بینم که مرا فریفته و روزگار حیله کرده، در حالی که بال های مرگ بر سرم سایه افکنده و چشمان گذر زمان به من خیره شده است. پس بهانه ام چیست حال آن که گوش هایم با صداهای بلند پرشده است. خداوندا، از کسیی که درمیان زندگان لباس عافیت بر من پوشانده امید دارم که به بخشش خود در میان مردگان عریانم نگرداند و از آن کس که در زندگی به من نیکی کرده امید دارم آمرزش او در آخرت از من دستگیری کند. ای انیس هر دورافتاده ای، در قبر با من انس بگیر، و ای همنشین هر تنها، به تنهایی ام در قبر رحم کن. و ای دانای پیدا و پنهان و ای برطرف کننده ی اندوه و بلا، در میان زمینیان چگونه به من می نگری و در سرای وحشت چگونه با من رفتار می کنی؟ پس به راستی که در دنیا با من مهربان بودی، ای برترین بخشندگان و بخشنده ترین بزرگان، نعمت هایت بر من افزون شد و از شمارش آن ناتوان شدم و از سپاس گزاری آن بازماندم. پس تو را سپاس برای آن چه عطا کردی و تو را سپاس برای آن چه بدان آزمودی، ای برترین کسی که او را خواندند و بزرگوارترین امیدی که امیدواران بستند، به پیمان اسلام به سویت وسیله می جویم و به حرمت قرآن به تو تکیه می کنم و به حق محمد و خاندان محمد به تو نزدیکی می جویم. پس بر محمد و خاندانش درود فرست و پیمانی را که امید بستم حاجتم را روا کند به من بشناسان به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

ص: 140

سپس امیرمؤمنان علیه السلام به سراغ نفس خود آمدند و آن را سرزنش نموده و گفتند: ای کسی که با هر سخنی با پروردگارش مناجات می کند و از او جایگاهی در بهشت می خواهد و هر سال از پس سال دیگر توبه را به تأخیر می اندازد، تو را در میان مردم به انصاف درمورد خودت نمی شناسم، پس ای غفلت زده، اگر از خوابت بگذری و روزها را روزه بگیری و به چشیدن اندک غذایی اکتفا کنی و شب هایت را با بیداری و شب زنده داری به پا داری، شایسته تر خواهی بود تا به جایگاه والا برسی. ای نفس، روز و شبت را به ذکر خالص کن، باشد که همراه با پرهیزکاران در باغ های بهشت درآیی. خود را شبیه به کسانی کن که بیداری پلک هایشان را آزرده و ناله ی بسیارش در خلوت همیشگی است و شنوندگان از سوز ناله اش به گریه افتادند و زاری اش دل های سخت را نرم نموده. پس آن ها کسانی هستند که زینت های دنیا را فروختند و آخرت را بر دنیا ترجیح دادند. آن ها گروه بزرگوارند در روزی که بدکاران زیان می کنند، و نیک با شادی پرهیزکاران به سوی پروردگارشان برانگیخته می شوند(1).

15. مناجات دیگری از ایشان است: پروردگارا، از تو می خواهم به من امان دهی در روزی که مال و فرزندان سودی نمی رساند، مگر کسی که با قلب پاک نزد پروردگار آید، و از تو درخواست امان دارم در روزی که ستمگر پشت دستان خود را بگزد و گوید: ای کاش راهی به سوی پیامبر داشتم. و از تو امان می خواهم در روزی که گنهکاران را با چهره هایشان می شناسند، پس آن ها را از موی پیشانی و قدم ها می گیرند. و از تو امان می خواهم در روزی که هیچ پدری برای فرزندش جزا (کیفر) نمی کشد و نه هیچ فرزندی برای پدرش جزا نمی دهد، به راستی وعده ی خداوند راست است. و از تو امان می خواهم در روزی که عذرخواهی ستم کاران برای آن ها سودی ندارد و برای آن ها لعنت و جایگاهی ناپسند است. و از تو امان می خواهم در روزی که هیچ کس برای دیگری چیزی ندارد و کار در آن روز به دست خداست. و از تو امان می خواهم در روزی که انسان از برادر خود می گریزد و نیز از مادر و پدر

1- . بلد الامین، ص311-319

خود و از همسر و فرزندانش، در آن روز هرکدام کاری دارد که او را از دیگری بی نیاز می گرداند. و از تو امان می خواهم در روزی که گنهکار دوست می دارد فرزندش و همسر و برادرش را برای نجات از عذاب قربانی کند، و نیز خویشانی که او را پناه داده بودند، و همه ساکنان زمین را تا آن که نجات پیدا کند. مولایم، ای مولای من، تو مولایی و من بنده ام و آیا کسی جز مولا بر بنده رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو مالک هستی و من برده ام، و آیا کسی جز مالک بر برده رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو عزیز هستی و من خوارم، و آیا کسی جز عزیز بر خوار رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو آفریدگاری و من آفریده شده ام، و آیا کسی جز آفریدگار بر آفریده رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو بزرگ هستی و من ناچیزم و آیا جز بزرگ بر ناچیز رحم می آورد؟ مولایم، ای مولای من، تو قدرتمندی و من ناتوان، و آیا کسی جز قدرتمند بر ناتوان رحم می آورد؟ مولایم، ای مولای من، تو بی نیازی و من نیازمند، و آیا کسی جز بی نیاز بر نیازمند رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو بخشنده ای و من سؤال کننده، و آیا کسی جز بخشنده به درخواست کننده رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو زنده ای و من مرده، و آیا کسی جز زنده به مرده رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو جاودانی و من نابود شونده، و آیا کسی جز جاودان بر نابود شونده رحم می آورد؟ مولایم، ای مولای من، تو همواره پایداری و من نیست شونده، و آیا کسی جز پایدار به نیست شونده رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو روزی دهی و من روزی خور، و آیا کسی جز روزی ده به روزی خور رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو سخاوت مندی و من بخیل، و آیا کسی جز سخاوتمند بر بخیل رحم می آورد؟ مولایم، ای مولای من، تو عافیت دهنده ای و من گرفتار، و آیا کسی جز عافیت دهنده به گرفتار رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو بزرگی و من کوچک، و آیا کسی جز بزرگ بر کوچک رحم می آورد؟ مولایم، ای مولای من، تو راهنما هستی و من گمراه، و آیا کسی جز راهنما به گمراه رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو بخشنده ای و من بخشش پذیر، و آیا کسی جز بخشنده به بخشش پذیر رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو پادشاهی و من مورد امتحان، و آیا کسی جز پادشاه به مورد امتحان رحم می

کند؟ مولایم، ای مولای من، تو راهنما هستی و من سرگردان، و آیا کسی جز راهنما به سرگردان رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو آمرزنده ای و من گنهکار و آیا کسی جز آمرزنده به گنهکار رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو پیروزی و من شکست خورده، و آیا جز پیروز کسی به شکست خورده رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو پروردگاری و من پرورش یافته، و آیا کسی جز پروردگار بر پرورش یافته رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو متکبر هستی و من فروتن، و آیا کسی جز متکبر به فروتن رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، با مهربانی ات به من رحم کن و با بخشش و سخاوتت از من خشنود شو ای صاحب بخشش و نیکی و گذشت و لطف، ای مهربان ترین مهربانان، و درود فرست بر محمد و تمامی خاندان پاکش.

16. کتاب عتیق غروی مناجات: خدایا، راه ها سنگلاخ شده و پیمایندگان آن کم هستند، پس در تنهایی ام مونسم باش و در خلوتم همنشینم باش، از تهیدستی و نداری ام به تو شکایت می کنم و بیچارگی ام را به تو عرضه می کنم، چرا که تو اوج آرزوی منی و نهایت رسیدن به خواهشم هستی، پس ای شادمانی دل به وصال رسیدگان و ای مایه حیات جان عارفان و ای نهایت شور عاشقان، تویی که بار مسافران در پیشگاهت افکنده می شود و آرزوها به سوی تو کشیده می شوند و به راستی به تو تکیه می شود، پس ای آن که به کمال یگانه شدی و در زیبایی پوشیده شدی و با شکوه بزرگی نمودی و با سخاوت بخشش کردی، ما را از هدایای خود محروم نکن. خدایا، دل ها به تو پناه آوردند زیرا تو اوج هر دوست داشتنی هستی، و گروه هایی از تباهان به تو پناهنده شدند. و تو کسی هستی که دانست و بردباری نمود و نگریست و مهر ورزید و آگاه شد و پوشاند و خشم گرفت پس آمرزید، پس آیا امیدی جز تو هست که به او امید ببندند؟ و یا پروردگاری به جز تو که از او پروا کنند؟ و یا معبودی غیر از تو که او را بخوانند؟ آیا در سختی ها گامی هست که به سوی کسی جز تو روانه شود؟ پس سوگند به عزتت ای شادمانی جان ها و ای نهایت خوشحالی ها، من چیزی جز خواری و تهیدستی و اعتماد نیکویم به تو در پیشگاهت ندارم، من از تو به سوی تو گریخته ام و از تو چیزی را درخواست می کنم که بر تو پوشیده نیست، پس اگر ببخشی از بزرگواری توست و اگر هم مجازات کنی از روی

عدالت توست و اگر منت نهی از سخاوتت می باشد و اگرگذشت کنی از جاودانگی ات بوده است. خدایا، به شکوه کبریایت قسم خوردم و به جاودانگی ات سوگند یاد کردم، به راستی که من به درگاهت ایستاده ام تا مرا از حمله ی عذابت ایمن گردانی و من به گذشتن از عذابت قانع نمی شوم تا این که با پاداش بسیار روانه شوم. پروردگارا، شگفتا از دل هایی که به دنیا آرام گرفته اند و با یاد آروزها آرامش یافته اند، در حالی که می دانند دارایی آن از بین رفتنی است و نعمت هایش نابود می شود و سایه اش ناپدید می شود و تکیه گاهش کج وخمیده و زیبایی و شادمانی اش پوشیده است و حقیقت آن باطل است، چگونه مشتاق آرام گرفتن در ملکوت آسمان نمی شوند و چگونه به آن دست یابند در حالی که دوستی نابودکننده ها آنان را به خود مشغول کرده و هوس، آن ها را از پیمودن مسیر گمراه نموده است. خدایا، ما را از کسانی قرار ده که خرد هایشان تشنه ی یاد توست و قلب هایشان از میان سینه به سوی تو پرمی کشند، پس آواز عشق تو آن ها را در بر گرفته و او اسیری است که در اختیار توست. بارالها، چگونه تو را ستایش کنم در حالی که ستایش از جانب تو آغاز شده و تو کسی هستی که از ذات او سخنی تعبیر نمی کند و هیچ گوشی او را نشنیده و در هیچ قلبی جای نمی گیرد و هیچ گمانی او را درنمی یابد و هیچ اراده ای همنشین او نگشته و به هیچ ذهنی نرسیده است، پس سپاس گزاری ات را نصیب من گردان و مرا از مکر خود غافل نکن و یادت را از یادم نبر و آن چنان که خود شایسته ی آنی به من بخشش کن ای مهربان ترین مهربانان.

دعاء:

خدایا، گناهانم مرا از تو می ترسانند و سخاوتت مرا امیدوار می کند. پس با ترس خود مرا از گناهان خارج کن و با مهربانی ات مرا به بخشش ها برسان تا در روز قیامت آزاد شده ی گذشت تو باشم، همان گونه که در دنیا پرورده نعمت های تو بودم. پس امیدی که امروز مرا نجات می دهد شگفت نیست که فردا مرا با نجات شادمان کند. معبودا، کدام امیدوار از توانگری تو ناامید شده و کدام درخواست کننده ازدرگاهت بازگشته است؟ و یا چه زمان تو را خوانده اند که پاسخ نگرفته باشند، و یا از تو خواهشی داشته اند که عطا نکرده باشی؟ ای کسی که دستور داد او را بخوانند و

وفاداری را برعهده گرفت، مرا از بهشت محروم نکن و نیکی ات را از من دریغ نکن و از توجهت برای من آرامشی قرار ده، و از دوستی ات برایم دژ و جان پناهی قرار ده تا با وجود آن آسیبی به من نرسد و قلبم از شادمانی و امید خالی نگردد. خدایا، از تو به سوی خودت می گریزم و برای تو به وجودت اقرار می کنم و تو برای من کافی هستی و بهترین بر عهده گیرنده ای و پروردگار من و بهترین راهنما هستی. معبودا، مرا از لغزش بازدار و در خستگی نیرویم ببخش و به میانه ترین راه هدایتم کن و برای برترین کارها مرا موفق گردان تا آن که با لطف تو به نهایت آرزوی خود برسم. خداوندا، تو دعای درماندگان را پاسخ می گویی و راهنمای سرگشتگان در تاریکی های خشکی و دریا هستی. بارالها، پس گشایش قفل دل های ما را آسان کن و پرده های عیبمان را از مقابل دیدگان ما کنار بزن و با تکیه گاه عزتت ما را از دستورات نفس بی نیاز کن و اندیشه هایمان را با دانستن حقیقت مداوا کن تا از سنت های راه تو منحرف نشده و از استواری توفیقت بازنگردد و همنشینی جز تو نجوید و مونسی جز تو برنگزینیم. خداوندا، تو را می خوانم هم چون دعای تهیدست بیچاره و به تو امید بسته ام مانند پناهنده ی نگران، کسی که چاره اش کم گشته و بیچارگی اش بزرگ شده و خطاهایش بسیار است و گناهانش وخیم شده اند. پروردگارا، پس آمرزنده ی گناهان ما باش و پیوند دهنده شکستگی مان باش و از عذاب دوزخ و تباهی پناهمان ده و ما را سلامت دار از گمراهی های فتنه و ضایع کردن سنت ها و ستم حاکمان و نیکو شمردن ظلم و عاقبت سرکشی و گردن نهادن به ظلم، و زبانمان را گویا کن برای شکر و بیان نعمت هایت و نگاه به خودت را برای ما میسر کن و جایگاه ما را در سرای قدس، نزد خودت گرامی دار. ای آن که پیمان خدا را زیر پا نمی گذاری و بخشش خود را قطع نمی کنی. همه خوبی ها به دست توست و تو سرچشمه ی بخشش و جایگاه آن هستی و درود خداوند بر پیامبر ما محمد و پدرمان آدم و مادرمان حواء و پیامبران و فرستادگان و شهیدان وپاکانی که میان آن ها هستند باد.

ص: 145

17. بلد الأمين،

شیخ أبو جعفر محمد بن بابویه روایت کرده و گفت: عبد الله بن رفاعه برای من نقل کرد از ابراهیم بن محمد بن حارث نوفلی از پدرش که خادم علی بن موسی الرضا علیه السلام بود و گفت: هنگامی که مأمون دخترش را به ازدواج محمد بن علی بن موسی علیه السلام درآورد، برای او نوشت که هر زنی از مال همسرش مهریه ای دارد، و خداوند اموال ما را درآخرت قرار داد و به آن جا واگذار کرد، پس ما آن را برای آخرت ذخیره نمودیم، همان گونه که اموال شما را در دنیا قرار داده و آن را برای شما نزدیک گرداند و شما در این جا ذخیره نمودید. مهریه ی دخترت را وسیله هایی به سوی مشکلات قرار دادم و آن مناجاتی است که پدرم و او از پدرش موسی به من داد و او از پدرش جعفر و او از پدرش محمد و او از پدرش علی و او از پدرش حسین بن علی و او از برادرش حسن و او از پدرش علی بن ابی طالب علیهم السلام و او از پیامبر خدا محمد صلی الله علیه و آله و سلّم در نوشته ای گرفته بود و فرمود جبرئیل آن را به من داد و گفت: پروردگارت می گوید: این کلید گنج های دنیا و آخرت است پس آن را وسیله ی رسیدن به خواسته هایت قرار بده تا به خواهشت برسی و آن را برای حاجات دنیایی خود مقدم نکن که از بهره آخرت خود را محروم می کنی. و آن شامل ده سبب برای ده مسئله است که به وسیله آن درهای آرزوها کوبیده شده و گشوده می شود و حاجت ها به واسطه آن درخواست شده و برآورده می گردد. و نسخه آن چنین است:

مناجات برای استخاره:

به نام خداوند بخشنده مهربان، خداوندا، همانا انتخاب تو درآن چه درخواست نموده ام، آرزو را برآورده و بخشش ها را نیکو می گرداند و خواهش ها را ارزانی می کند و بهره ها را پاکیزه می گرداند و به زیباترین مکان راهنمایی نموده و به پسندیده ترین پایان رهنمون می شود و از پیشامدهای نگران کننده برحذر می دارد. پروردگارا، از تو تقاضای خیر می کنم در آن چه اراده ام برآن استوار شده و خردم مرا به سوی آن هدایت نموده است. بارالها، هر چه از آن را که کم گردیده هموار گردان و آن چه دشوار شده را آسان کن و کارهای مهم را برایم به عهده گیر و هر ترسی را از من دور کن و پایان آن را بهره مندی قرار بده و ترسش را به آسایش تبدیل کن و

دوری اش را نزدیک گردان و خشکی اش را حاصلخیز فرما. و خداوندا، پاسخم را بفرست و خواهشم را برآورده ساز و حاجتم را برآور و موانع را از من کوتاه کن و بدی های آن را از من بازدار و مرا با خیر درآن چه از تو طلب خیر کردم، پیروز گردان و درآن چه از تو خواستم بهره ام را فراوان کن و آن چه به تو امید بسته ام به من عطا کن و آن را با پیروزی همراه نما ای پروردگارم، و آن را با نیکی فرود آور و اسباب خیر را در آن به روشنی به من نشان بده و فایده های آن را برایم آشکار کن و گلوگاه های دشواری را تنگ گردان و کالبد کامیابی را نیرومند کن و شبهه های آن را روشن کن و به بندکشیده ی آن را رها کن و پایه هایش را در آن استوار گردان تا خیری باشد که با سود به پیش آید و زیان را با خود ببرد، سودش شتابان باشد و پایدار و بادوام بماند، همانا تو صاحب بخشش بسیاری و آغاز کننده سخاوت هستی.

مناجات درخواست بخشش:

به نام خداوند بخشنده مهربان، خداوندا، امید به مهربانی گسترده ات مرا برای درخواست بخشش از تو به زبان آورده و آرزوی بخشش و بردباری تو مرا برای درخواست امان و گذشت شجاع نموده است. و من گناهانی دارم که با کیفر روبرو شده و اشتباهاتی دارم که دیدگان نابودی به آن نگریسته و به واسطه ی عدل تو سزاوار عذاب دردناکی شده و به خاطر جنایتی که مرتکب شده شایسته ی مجازاتی هلاک کننده گردیده است. می ترسم پاسخم را به تعویق اندازد و مانع برآوردن حاجتم شود و خواهشم را بیهوده سازد و اسباب آرزویم را قطع کند، به خاطر آن چه سنگینی اش پشتم را شکسته و زیر بار آن گرفتار شده ام. پس به سوی بردباری ات با سرکشان و بخششت از خطاکاران و مهربانی ات با گنهکاران روی آوردم، با اعتمادم در حالی که به تو تکیه کرده و خود را به آستانت انداختم و از گرفتاری ام به تو شکایت نمودم و آن چه را سزاوار نیستم از برطرف نمودن غم و اندوه از تو درخواست نمودم، از تو تقاضای بخشش کرده و به تو اطمینان نمودم ای مولای من. خدایا، با گشایش بر من منت گذار و با سلامتی در بیرون رفتن از مشکلات به من لطف کن و با مهرت مرا به سوی مسیر راهنمایی کن و با قدرتت از بیراهه منحرفم کن

ص: 147

و با چشم پوشی ات از زندان اندوه رهایم کن و با مهربانی ات آزادم کن و بهشتت را به من عطا کن و با نیکی ات بر من ببخش و از لغزشم درگذر ای پروردگار، و اندوهم را برطرف کن و به اشک دیده ام رحم کن و دعایم را نپوشان و با چشم پوشی بازویم را نیرومند ساز و کارم را سامان بده و عمرم را طولانی کن و در روز برانگیخته شدن به من رحم کن، به راستی که تو بخشنده سخاوتمند و آمرزنده ی مهربانی. و بر محمد و خاندانش درود فرست.

مناجات برای سفر:

به نام خداوند بخشنده مهربان. پروردگارا، می خواهم به سفر بروم پس آن را برایم خیر قرار بده و راه تصمیم را برایم آشکار ساز و آن را به من بفهمان، اراده ام را با پایداری گشایش بده و مرا در سفرم سلامت دار و بهره و بزرگی فراوان برایم قرار بده و با پوشش و نگهبانت مرا حفظ کن و دشواری های سفر را از من دور گردان و سختی بیابان ها را برایم آسان گردان و دوری راه را برایم کوتاه کن و آب گاه های آن را برایم نزدیک گردان و گام های بارکشان را در راه بلند گردان، تا آن که دوری هایش را نزدیک گردانی و سختی های بیابان را آسان سازی. و در این سفر خوش بینی نگه دارنده را به من تلقین کن و بهره ی عافیت و نگهبان خود کفایی و راهنمای گذشتن از بیم و ترس را در این سفر به من ببخش و انگیزه کفایت بسیار و برخورد با نگهبان دوستی را برایم قرار ده و آن را صلحی بزرگ و بهره ی بسیار قرار بده و شب را پوششی از آسیب ها و روز را بازدارنده ای از نابودی ها بگردان و دست دزدان را با قدرتت از من کوتاه کن و با توانایی ات مرا از حیوانات پاس دار تا آن که سلامتی در آن هم نشینم باشد و عافیت همراهم گردد و برکت جلودارم و آسایش هم آغوشم باشد و دشواری ترکم کند و پیروزی از پس آن آید و قدر برابرم و کار در کنارم باشد، به راستی که تو صاحب لطف و بخشش و توان و جنبش هستی و بر هر کار توانایی.

مناجات برای درخواست روزی:

خداوندا، روزی ات را پیوسته بر من فروریز و ابرهای لطفت را فراوان ببار و ابر کامیابی را به سویم بفرست و نعمت بسیارت را بر من ببار و با سخاوتت مرا نیازمند

خود کن و از خواهش از دیگران بی نیازم گردان با داروی لطفت درد احتیاجم را بهبودی بخش و با بخششت کالبد نیازمندی ام را نیرومند گردان و با عطایت شکستگی ام را پیوند بده و با بخشش فراوانت کمبودم را برطرف کن و با پرده پوشی بزرگوارانه ات عیب هایم را بپوشان. و راه روزی را برایم هموار کن ای پروردگار و پایه هایش را مقابلم استوار گردان و چشمه های مهربانی گسترده ات را برایم بجوشان و رودهای آسایش را با مهربانی ات برایم پرآب گردان و زمین نیازمندی ام را خشک و بی آب و علف کن و بی حاصلی بیچارگی ام را حاصلخیز گردان و موانع روزی ام را برطرف کن و رشته های تنگی را از من ببر و فراخ ترین تیرهای گشایش روزی را به سویم پرتاب کن و با پایدارترین آسایش و راحتی مرا دوست بدار و ای پروردگار من، با پوشش های راحتی و گشایش مرا بپوشان، همانا من چشم به راه بخششت با از بین رفتن تنگ دستی و بریده شدن مانع هستم و با گذشتت منتظر از بین رفتن کوتاهی و پیوستن رشته ام به کرم تو با دارایی هستم. خداوندا، در آسمان روزی ات باران پیوسته ببار و با نعمت هایت مرا از مردم بی نیاز کن و تنگدستی و بیچارگی را از من دور گردان و آن را با شمشیر ناتوانی بزن و با لطف گسترده ات آن را نابود کن و مرا با فراوانی مال یاری کن و از تنگی و اندکی روزی مرا حفظ کن و بدی قحطی را از من بردار و بساط نعمت را برایم بگستران و با پشت گرمی همراهم شو و با آسانی بهره مندم گردان، چرا که تو دارای توانگری فراوان و لطف گسترده هستی و تو سخاوتمند و بزرگوار و پادشاه آمرزنده هستی. بارخدایا، از روزی ات باران بسیار بر من ببار و بخشش گسترده ات را به من بنمایان و به ناگهان ثروت بسیار به من ببخش و با خود کفایی مرا نیرومند گردان.

مناجات پناه بردن:

به نام خداوند بخشنده مهربان. خداوندا، از اندوه بلاهایی که نازل می شود و از وحشت و سختی بیچارگی ها به تو پناه می برم، پس مرا از بیچارگی بلا پناه ده و از بلای ناگهانی مرا نجات ده و از پایان یافتن نعمت ها و لغزش قدم ها مرا حفظ کن، و مرا در پناه عزتت و آستان پناهت قرار ده از گرفتاری های ناگهانی و پیشامدهای ناگوار شتابان، خدایا، پروردگارا، سرزمین بلا را فروریز و عرصه محنت را در هم

بریز و خورشید پیشامدهای بد را تیره گردان و کوه های بدی را از هم بگسلان و گرفتاری های زمانه را برطرف کن و موانع کارها را بازگردان، و مرا به حوض های سلامت وارد کن و بر مرکب های بزرگت سوار کن و با بخشش لغزش ها همراهم شو و مرا با پرده پوشی از زشتی ها فرا گیر و و با مهربانی ات و برطرف کردن بلا و سختی ها بر من ببخش و گروه های (انواع) عذابت را از من بگردان و عذاب دردناکت را از من بگردان و مرا از سختی های روزگار پناه ده و از بد انجامی های کارها نجات بخش و از هر محذوری مرا پاس دار و سنگ های سخت بلا را از کارم خرد کن و دستش را از من شل کن تا زمانی که زنده ام. به راستی که تو پروردگار بزرگوار و آغازگر و بازگرداننده و انجام دهند ه ای به هرآن چه بخواهی.

مناجات درخواست توبه:

به نام خداوند بخشنده مهربان. خداوندا، از روی صدق تو را قصد نمودم با توبه ی حقیقی و نیت پیمانی درست و پابرجا و دعای قلب دردمند و آشکار ساختن سخنی واضح. خدایا ای پروردگارم از من پذیرا باش بازگشتی خالصانه و روی آوردنی شتابان و به خاک افتادن از ترس گناه و توبه ام را با پاداش فراوان و بازگشت کریمانه و گذشت از مجازات و بهره مندی در بازگشت و پوشیده داشتن مواجه کن و آن چه از گناهانم را که پایدار گشته ناپدید کن و با پذیرفتن آن عیب هایم را بشوی و آن را جلادهنده ی زنگار دلم و تقویت کننده ی بصیرت خردم و شوینده ی آلودگی هایم و پاک کننده ی نجاست بدنم و تصحیح کننده ی درونم قرار بده و پایان کارم را شتابنده به سوی آن قرار بده. پروردگارا، توبه ام را بپذیر که از روی راستی و نیت بی ریاست و خالص برای درست کردن بینایی ام و نیکو گرداندن وجدانم وتلاش برای دیدار با راز پوشیده ام و ثابت گرداندن توبه ام و شتافتن به سوی اطاعت از دستور توست. و بارالها، با این توبه تاریکی های مداومت بر گناه را از من پاک کن و گناهانی را که پیش از این انجام داده ام ناپدید کن و مرا با پوشش پرهیزکاری و هدایت بپوشان، چرا که به راستی ریسمان نافرمانی را از خودم کندم و لباس گناهان را از بدنم دور کرده ام و به قدرت تو چنگ زده ام و با عزت تو از خویشتن یاری گرفته ام وتوبه ام را از پیمان شکنی به وفای تو ایمن گردانده ام و از خواری خود را به

نگهداری ات حفظ می کنم و اقرار می کنم که هیچ نیرو و جنبشی مگر به فرمان تو نیست.

مناجات برای درخواست حج:

به نام خداوند بخشنده مهربان. خدایا، حج را روزی من قرار بده که آن را واجب نمودی برای کسانی که بتوانند راهی به سوی آن بیابند. و برایم در آن هدایت و راهنمایی قرار بده و دوری راه را برایم نزدیک گردان و مرا برای انجام مناسک آن یاری کن و با محرم شدنم، بدنم را برآتش حرام کن و توشه و نیرو و طاقتم را در سفر زیاد کن و ایستادن در مقابل خودت و کوچ کردن به سویت را روزی ام گردان و مرا پیروز گردان و سود فراوان و کامیابی به من ببخش، و پروردگارا، مرا از جایگاه حج بزرگ به تقربگاه مشعر برسان و آن را وسیله نزدیکی ام به رحمت تو و راهی به بهشتت قرار بده. مرا در جایگاه مشعر الحرام و ووقوف در احرام بازدار و مرا شایسته ی انجام دستورات حج قرار بده و قربانی کردن شترهای بلندکوهان با خون جوشان و شاهرگ های خون افشان و ریختن خون های روان و کشتن قربانی های فراوان و بریدن رگ های گردنشان طبق فرمان تو و انجام وظیفه آن چنان که تو مقرر فرمودی. و خداوندا مرا در نماز عید حاضر کن در حالی که به وعده ات امیدوار باشم و موی سرم را تراشیده باشم و در فرمان برداری از تو تلاش کنم و برای پرتاب سنگ ها دامن به کمر بسته با هفت سنگریزه از پس هفت تای دیگر از آن سنگ های مقرر، و خداوندا، مرا به آستان خانه ات وارد کن و در جایگاه امنت و کعبه ات و جایگاه مسکینان و درخواست کنندگان از تو و ورود کنندگان بر تو و محتاجانت مرا وارد کن ومرا پاداش فراوان ببخش در بازگشت و کوچ، و مناسک حجّم و گذشتن شیونم را با پذیرش درگاهت و مهرت بر من به پایان برسان، ای آمرزنده و مهربان و ای مهربان ترین مهربانان.

مناجات برای دفع ظلم:

به نام خداوند بخشنده مهربان. خداوندا، همانا ظلم بندگانت در سرزمین های تو پابرجا شد تا آن که عدالت مرده و راه ها بریده شده و حق نابود شده و راستی از بین رفته و نیک رفتاری پنهان شده و بدی آشکار گشته و پرهیزکاری مورد غفلت

واقع شده و هدایت نابود گشته و خیر از میان رفته و شر پابرجاست و فساد رو به فزونی است و دشمنی نیرومند می شود و ستم گسترده شده و تجاوز آشکار شده است. پروردگارا، این ها جز با قدرت تو برطرف نمی شود و پناهی جز لطف تو از آن نیست. بارالها، پس ظلم را از ریشه برکن و کوه های زورگویی را به گردوغبار تبدیل کن و بازار زشتی ها را ببند و هر کس از آن جلوگیری کند را عزیز گردان و ریشه ی ظالمان را از بیخ برکن و پس از آوارگی آن ها را سرگردان کن و شبیخونی بر سر آن ها به شتاب فرود آور و به زندگی زشتی ها پایان بده تا ترسان آسوده شود و بیچاره آرام گیرد و گرسنه سیر گردد و گمشده حفظ گردد و رانده شده پناه گاهی یابد و گریخته بازگردد و فقیر بی نیاز گردد و پناه جوینده پناه گیرد و بزرگ مورد احترام واقع شود و به کوچک رحم شود و ستمدیده عزیز گردد و ستمگر خوار شود و تاریکی برطرف گردد و جنجال آرام شود و اختلاف از بین رود و نزدیکی زنده شود و دانش بلندمرتبه گردد و نیت ها زیبا شود و پراکندگی ها جمع آوری گردد و ایمان قوی گردد و قرآن تلاوت شود، زیرا تویی جزادهنده ی نعمت بخش و مهربان.

مناجات شکر خداوند:

به نام خداوند بخشنده مهربان. خدایا، سپاس از آن توست برای بازگرداندن بلاهای نازل شده و ناگواری های دردناک و به هم پیوستگی نعمت های فراوان، و سپاس از آن توست به خاطر عطای گوارایت و بلای ستوده ات و مهربانی های والایت و سپاس مخصوص توست برای نیکی فراوانت و خیر جوشانت و تکلیف آسانت و دفع سختی ها. و سپاس از آن توست به خاطر به ثمر رساندن شکر اندک و عطاکردن پاداش فراوان از جانب تو و فروگذاشتن بار سنگین گناه و پذیرفتن عذر بی مورد و برزمین گذاشتن تکلیف سنگین و آسان نمودن دشواری و جلوگیری ات از کار وحشت ناک و سپاس از آن توست برای بلایی که بازگردانده شد و خیرات فراوان و جلوگیری از ترس و وحشت، و رام کردن سرکشی ها و سپاس برای توست بر اندک بودن تکلیف و فراوانی تخفیف و نیرومند گرداندن ناتوان و فریادرسی بیچاره و سپاس از آن توست برای گستردگی مهلت تو و ادامه دار بودن نعمتت و جلوگیری از عقوبتت و کارهای ستوده ات و پیاپی بودن عطایت و حمد مخصوص توست برای

تاخیر در فوریت عذاب و ترک عجله در کیفر و آسان نمودن راه های بازگشت و فرستادن باران از ابر رحمت،

زیرا که تویی منت دهنده ی بسیار بخشنده.

مناجات برای درخواست حاجت:

به نام خداوند بخشنده مهربان. خداوندا، سزاوار است آن کس که به او فرمان دعا دادی تو را بخواند و آن کس که وعده اجابتش دادی به تو امید ببندد، و من حاجتی دارم ای پروردگارم که از آن درمانده شده ام و توانم در آن به پایان رسیده و نیرویم از دنبال کردنش سست شده و نفس بدخواه برایم زیبا نشان داده و دشمن فریبنده ام که به وسیله آن آزموده می شوم، تا در آن به موجود ناتوان و دربندی چون خودم روی آورم، تا آن که مهربانی ات مرا بر عهده گرفت و دلسوزی ات با توفیق به سراغم آمد و با بخششت عقلم را به من بازگرداندی و راه رشدم را با لطفت به من الهام نمودی و قلبم را با امید به خودت زنده کردی و فریب دشمنم را از اندیشه ام برطرف نمودی و فکرم را با امید درست کردی و سینه ام را با امید به یاری ات گشایش دادی و برای رسیدن به آن چه امید به آن بسته ام پیروزمندی را تصویر نمودی. پس ای معبود من، در مقابلت ایستاده ام در حالی که از تو درخواست کرده و به تو التماس می کنم و اعتماد و تکیه ام به توست تا حاجتم را برآورده و آرزویم را برآورده و خواهشم را راست گردانی، پس بارالها، حاجتم را به مبارک ترین پیروزی برسان و راه رستگاری را به او بنمایان و با بزرگواری ات و پاسخ گوارایت و بخشش فراوانت از ناامیدی و یأس و تأخیر و عقب کشیدن پناهم ده، به راستی که تو دوست بخشنده ای هستی که بر بندگانت با هدیه های شایان وفا می کنی و تو بر هر کار توانایی و به هر چیز احاطه داری و بر بندگانت آگاه و بینایی.(1).

مهج الدعوات: با سندهای خود از أبی جعفر بن بابویه از ابراهیم بن محمد بن حارث نوفلی روایت کردیم تا پایان دعاها (2).

می گویم: سید در کتاب فتح ابواب دعاء اول را با اختصار چنین روایت کرده: أبو حسین محمد بن هارون تلعکبری از هبه الله بن سلامه مقری از ابراهیم بن أحمد

1- . بلد الأمين: 515 -521
2- . مهج الدعوات : 321 -330

بزوفری از امام رضا از پدرش از جدش امام صادق علیهم السلام روایت کرده، همان گونه که در کتاب نماز گذشت.

18. با دست خط شیخ محمد بن علی جبعی رحمه الله و به نقل از دست خط شهید قدس سره از نوشته ای که منسوب به علی بن إسماعیل میثمی بود دیدم که زین العابدین علیه السلام می گفت: من که هستم تا برای خشمی که بر من قرار می گیرد خواسته مرا در نظر بگیری، پس سوگند به عزتت نیکی های من چیزی از دارایی ات را تغییر نمی دهد و بدی هایم آن را زشت نمی گرداند و بی نیاز گرداندن من از خزائن تو چیزی نمی کاهد و فقرم چیزی به آن نمی افزاید:

هنگامی که بخشش های گذشته ات را به یاد می آورم

با این که گناهان و لغزش ها و خطاهایی داشته ام

نزدیک است از نا امیدی نابود شوم

سپس به یاد می آورم که سرشت تو بزرگواری است

19. کتاب عتیق غروی: مناجات مولای ما زین العابدین صلوات الله علیه. ای رحم کننده بر ناله ی ناتوان و ای آگاه بر آن چه زیر آن پنهان است، مرا از کسانی قرار ده که در قلعه ی امن تو در امان هستند و دشمنان به آن ها نمی رسند و بدی آزار به آن ها نخواهد رسید. چرا که تو پاسخ دهنده کسی هستی که تو را بخواند و رحم کننده بر آن کسی هستی که به تو پناه آورد و شکایت کند، مهربانی ات را می جویم و درخواست مهرت را برای تنگدستی ام دارم، پس به راستی که مشکلات درمانده ام کرده و چگونه چنین نباشد در حالی که من چیزی نبوده ام و تو به وجودم آورده ای و پس از آن مرا به سرای دنیا وارد نمودی و مرا در آن با دستوراتت آزمودی، پاک و منزهی، منزهی، هیچ بهانه ای نمی یابم که به درگاهت آورم و خود را پاک گردانم و نه چیزی به جز تو که از آن یاری بجویم، پس یاریم کن بارالها، همیشه و همواره از تو مهر جویم. خدایا، چگونه تو را بخوانم در حالی که نافرمانی ات نموده ام و چگونه نخوانمت حال آن که تو را شناخته ام، عشقت در قلب من است هرچند نافرمان باشم، دستی را که سرشار گناه است به سویت دراز کرده ام و

دیدگانم را که به امید دوخته شده و اشک هایم را که به آرزوها رسیده است. معبودا، تو پادشاه بخشش ها هستی و من زندانی اشتباهاتم هستم، و از بزرگواری های بزرگان مدارا با اسیران است و من زندانی خطایم، و در گرو کرده ام هستم. خداوندا، اگر مرا با درونم بخوانی، من از تو گذشتت را درخواست می کنم و اگر مرا وارد آتش کنی به ساکنان آن می گویم که دوستت می دارم. بارالها، فرمانبرداری تو را خشنود می کند و نافرمانی ضرری برایت ندارد، پس درود فرست بر محمد و خاندانش و آن چه مایه ی خشنودی توست به من عطا کن و آن چه برایت ضرری ندارد بر من ببخش. خدایا، آیا مرا از اهل تیره بختی آفریده ای تا گریه ام را طولانی گردانم یا از اهل نیک بختی مرا آفریده ای تا امیدم را بیشتر کنم؟ پروردگارا، آیا برای چشیدن زبانه های آتش اعضایم برهم قرار گرفته اند یا درونم را برای نوشیدن آب آلوده آفریده ای؟ پروردگارا، من کسی هستم که امیدم را از تو نمی برم و دعایم را ناامید نمی کنم. خدایا، به کردارم می نگرم و آن را ناتوان می بینم و خویشتن را محاسبه می کنم و می بینم که حتی برای شکر یک نعمت از نعمت های تو پرهیزکاری ندارد، پس چگونه به مناجات تو دل ببندم؟ معبودا، به من رحم کن در آن هنگام که عقلم زایل شود و روح از سینه ام بیرون آید و تنها درون کفن گذاشته شوم و اگر مرگم و بیرون آمدنم به سوی تو نزدیک شده، پس مرا با محمد و خاندان پاکش برانگیخته کن، درود تو بر همگی آنان باد، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

مناجات دیگری از ایشان درود خدا بر ایشان باد:

آقا و مولای من، اگر توفیقت را قطع کنی مرا خوار کرده ای و اگر مرا به نفسم بازگردانی نابودم کرده ای. آقا و مولای من، اگر مرا به درخواست از غیر خودت بازپس دهی فرومایه ام کرده ای. مولای من و آقایم، گناهانم مرا نابود کرده اند و تو سزاوارترین کسی هستی که از من درگذرد، آقا و مولایم، گناهم بزرگ گشته و کسی جز تو گناه بزرگ را نمی بخشد، آقا و مولای من، خوش گمانی ام به تو مرا بر نافرمانی ات جرأت داده است، آقا و مولای من، اگر مرا وارد آتش کنی به راستی میان من و آنان که برای تو دشمن داشته ام جمع کرده ای.

مناجات دیگری از ایشان، درود خداوند بر او باد:

خدایا، چه بسیار است که دیدگانم به خواب رفته درحالی که زمان نماز تو فرارسیده و تو از من آگاهی، با من بردباری کردی تا زمانی نزدیک ای بزرگوار، پس وای بر این دو چشم چگونه بر سوزاندن آتش شکیبایی کند؟ خداوندا، دیر زمانی است که گام هایم برای چیزی جز فرمان تو راه پیموده و تو از من آگاه بوده ای، بردباری نمودی ای بزرگوار تا زمان نزدیک، پس وای بر این گام ها که چگونه بر سوزاندن با آتش صبر کند؟ بارالها، چه بسیار بود که آن چه را تو از آن نهی کردی انجام دادم پس بردباری نمودی ای بزرگوار تا زمانی نزدیک، پس وای بر این جسم ناتوان، چگونه بر آتش سوزان شکیبایی کند؟ خدایا، ای کاش برای تیره بختی بدنم آفریده نشده باشم، معبودا، کاش مادرم مرا نمی زاد. پروردگارا، ای کاش یاد جهنم را و زنجیرها و سنگینی آن ها را نمی شنیدم، بارخدایا،

کاش پرنده ای بودم و از ترس تو به آسمان پرواز می کردم، خدایا، وای بر من، باز هم وای بر من اگر به سوی جهنم برانگیخته شوم، وای برمن و باز هم وای بر من اگر جایگاهم در آتش باشد، وای بر من و باز وای بر من اگر غذایم درآن زقوم باشد، خدایا،

وای بر من و باز هم وای بر من اگر نوشیدنی ام در آن آب جوشان باشد، خدایا، وای بر من و باز هم وای بر من اگر شیطان و کافران همنشینم در آن باشند. معبودا، وای بر من و باز هم وای بر من اگر به سوی تو آیم در حالی که تو از من خشمگین باشی، پس چه کسی تو را از من راضی می کند در حالی که کار نیکی ندارم که در فرمانبرداری تو از پیش فرستاده باشم و به وسیله آن سرم را به سویت بالا آورم یا زبانم گویا شود. امیدی جز از خودت ندارم، به راستی که مهربانی ات از خشمت پیشی گرفته است. بخششت، بخششت،

بخششت، پس همانا تو در کتاب خود که آن را بر پیامبرت -درود تو بر او و خاندانش باد- فروفرستادی فرمودی: به بندگانم خبر بده که من آمرزنده و مهربانم و عذاب من عذابی دردناک است. راست گفتی، راست گفتی، چیزی جز بردباری ات خشمت را برطرف نمی کند و جز گذشت تو از مجازات پناه نمی دهد و جز زاری به درگاهت نجات بخش نیست. به درگاهت زاری می کنم، زاری می کنم مانند گنهکار فرومایه و می خوانمت مانند بیچاره ی تهیدست، و از تو درخواست می کنم مانند نیازمند نابینا، پس درود فرست بر محمد و خاندانش و با بهشت بر من

لطف کن و از آتش مرا سلامت دار. معبودا، با نیکی ات که درآن بی نیازی از دور و نزدیک و دوست و دشمن است، بر من منت گذار و مرا به کسانی ملحق کن که مهربانی گسترده ات آنان را دربرگرفته و آنان را پاکیزگان و نیکوکاران و پرهیزکاران قرار دادی و به پیامبرت محمد که درودت بر او و خاندانش باد ملحق کن و آنان را همسایگانم در آخرت قرار ده و مردان و زنان مؤمن را بیامرز به همراه پدران و مادران و برادران و خواهران. و ما و آن ها را به نیکان ملحق کن و ما و آن ها را از بهشت بهره مند ساز به همراه بزرگان و خوبان. خدایا، درود فرست بر محمد و خاندانش و من و همه برادرانم را مؤمن به خودت قرار بده و در اسلام استوار بدار و ما را انجام دهنده ی واجباتت و برپادارنده ی نماز و دهنده ی زکات قرار بده و باور به خوشنودی هایت و اخلاص و یاد خودت و پیروی از سنت پیامبرت صلوات الله علیه و علی آله و ترس از عذابت و عدالتت و امید به لطفت را به ما عطا کن و ما را از وحشت بزرگ درامان بدار و اندیشه در آفرینش آسمان هاو زمین و بازگشت از گناهان و خطاها و پاک شدن از ریاء و شرک و کفر و ناسازگاری و نفاق و زنگار را به ما ببخش و ما را از روزی ات راضی قرار بده و خواهان بهشت و گریزان از آتش و از حلال و پاک روزی خور و به هنگام شبهه ها ایستاده و بر محمد و خاندانش درود فرستنده و خیرخواه اهل ایمان و آمرزش خواه برای برادران و به هنگام رسیدن مرگ خشنود و در وحشت قبر خوشحال و از دیدار نکیر و منکر خرسند و به هنگام پرسش های آنان پاسخگو و بی اعتنا به دنیا و مشتاق به آخرت و خواهان بهشت و وارثان بهشت برین و پوشانده شده با لباس های سندس و استبرق و تکیه زننده به پشتی ها و تاجدار با تاج های یاقوت نشان با مروارید و زبرجد قرارده و پسران جوان و جاودان را خدمتگزاران ما قرار ده و از لیوان ها و کاسه هایی از آب گوارا به ما بنوشان و زنان سیه چشم را به ازدواج ما درآور و ما را در بهشت پرنعمت جایگاهمان ده و در سرای آخرت جاودان گردان که در آن رنجی به آن ها نمی رسد و از آن خارج نمی شوند. بارالها، ما و برادران و خواهران مؤمن ما را، زندگان و مرده های آنان را بیامرز و میان ما و آن ها نیکی قرار ده، به راستی که تو صاحب اعمال نیک پایدار هستی.

ص: 157

مناجات دیگری از ایشان که به مناجات کوچک تر شناخته شده است درود خدا بر ایشان باد:

پاک و منزهی ای معبود من، چه بردبار و بزرگ و بخشنده ای و چه قدر بلند مرتبه و ازلی و عادل و دانایی، دانش تو گسترده شده و متکبران را می ترساند و نعمت هایت سپاس شکرگزاران را فراگرفته و بخششت از شمارش شمارندگان بیرون شده و گشاده دستی ات از توصیف وصف کنندگان بزرگ تر است، با قدرتت ما را آفریدی در حالی که ما هیچ نبودیم و با نهایت لطفت در تاریکی ها نقش ما را پدید آوردی و ما را با نسیم آرامشت بلند کردی و روزی پاکیزه ات را به ما خوراندی و در گاهواره ی زمینت ما را بهره مند ساختی و ما را به فرمانبرداری ات فراخواندی و ما را با نیکی ات بر نافرمانی ات پیروز نمودی و اگر بردباری ات نبود ما را مهلت نمی دادی چرا که با پوششت ما را پوشاندی و با شناخت خود ما را گرامی داشتی و حجت خودت را بر ما آشکار نمودی و با نعمت هایت ما را فراگرفتی و به یگانگی ات ما را هدایت نمودی و راه نجات را برایمان آسان گرداندی ما را از راه نابودی برحذر داشتی پس پاداش تو این بوده که نیکی تو را با بی ادبی عوض دادیم، با جرأت بر آن چه تو را به خشم آورد و شتابان به سوی دوری از خشنودی ات و شادمان از فریب آرزوهایمان و روی گردان از شدت مرگ، پس ما را بازنداشت تا آن که وعده تو به ما رسید تا توان ما را بگیرد، پس تو را خواندیم در حالی که روزی ات را کم گردانده و بخشش هایت را اندک شمردیم و کردار گنهکاران را انجام دادیم مانند کسانی که با دستاویز نیکان چشم انتظار پاداش تو هستند، آرزوی بلاهای تو را داریم، پس ما از جانب تو هستیم و به سوی تو بازمی گردیم از مصیبتی که بسیار بزرگ که بد کیفری دارد و مجازات آن سایه افکنده و عذابش طولانی است و اگر تو ای پروردگار ما با گذشت خود بر ما لطف نکنی چرا که به وعده ی گذشت تو از خطاهایمان امید بسته ایم، در حالی که آشکارا گناهان بزرگی انجام داده ایم و در آن از کوچک ترین مخلوقاتت شرم داشته ایم و از تو شرم نکردیم در حالی که ما را می دیدی و چنان که شایسته بود حرمتت را حفظ نکردیم، به بخشش تو امیدواریم. بارالها، پس با چه رویی به دیدار عزت تو آییم و با کدام زبان تو را بخوانیم در حالی که پس از محکم

کردن پیمان، آن ها را زیر پا گذاشته و تو را عهده دار خود قرار داده و سپس به هنگام مصیبت تو را خواندیم در حالی که سخت دچار گناه بودیم. پس دعای ما را پاسخ گفتی و اندوه ما را برطرف ساختی و به نیازمندی و بیچارگی ما رحم کردی. پس بدا به حال ما و کرده های ما، با چه حالی بر تو جرأت ورزیدیم و کدام فریب جان ما را فراگرفت و مغرور کرد؟ پروردگارا، هنگام نافرمانی ات خویشتن را سبک گرداندیم نه بزرگی تو را، و نادانی ما فریبمان داد نه بردباری ات، و حق خویش را تباه گرداندیم نه حق بزرگ تو را، و به خویشتن ظلم نمودیم و به مهرت امید بستیم پس به بیچارگی ما و زمین خوردنمان با چهره هایی که از گناه تیره شده رحم کن. از تو درخواست می کنیم بر محمد و خاندانش درود فرستی و ترس ما را به امنیت خودت برسانی و هراس ما را به انس خودت و تنهایی مان را به همنشینی ات و نیستی مان را به جاودانگی ات و خواری ما را به عزتت و ناتوانی مان را به قدرتت برسانی. پس به راستی کسی که تو او را حفظ کنی تباهی ندارد و آن که تو نیرومندش سازی ناتوان نمی شود و آن که تو یاری اش کنی سست نمی شود، ای گستراننده ی برکت ها و ای برآورنده ی حاجت ها و ای پیروز گرداننده خواهش ها، درود فرست بر محمد و خاندانش و به ما اندوه و هراسی بده که از لذت های دنیا و شهوت های آن و هرآن چه مانع انجام فرمان تو می شود ما را بازدارد. به درستی کسی که نعمت هایی مانندآن چه به ما عطا کردی داشته باشد شایسته نیست از سپاس تو غافل شود و به چیزی جز تو مشغول شود. ای آن که برای هرچیزی عوضی است اما به جای او عوضی نیست. پروردگارا پیش از ناتوانی به ما عافیت ببخش و پیش از پایان مهلت، ما را به فرمانبرداری از خودت بگمار و پیش از آن که دعایمان در آن چه درخواست کرده ایم پوشیده شود به ما رحم کن و با نشاط بر ما منت گذار و پناهمان ده از کاهلی و سستی و ناتوانی و بیماری و زیان و درد و ریاء و هواپرستی و شهوت و خودپسندی و تکبر و خرامیدن و خیال پردازی و مجادله و سفاهت و خودبینی و سبک سری و بدخلقی و نیرنگ و سخن زیاده در آن چه دوست نمی داری و مشغول شدن به آن چه سودی برایمان ندارد. و ما را از پیروی از هوس و همنشینی با نادان و نافرمانی از دانشمندان و روی گردانی از قاریان و همنشینی با فرومایگان

ص: 159

پاک گردان و ما را از کسانی قرار ده که با دوستانت همنشینی می کند و ما را از همراهان دشمنانت قرار نده و زندگی ما را هم چون صالحان قرار ده و دل هایی مانند ترسندگان به ما عطا کن و صبری مانند زاهدان و قناعتی چون پرهیزکاران و یقینی مانند صاحبان اندیشه و کرداری چون عابدان و آزمندی عاشقان را روزی ما قرار بده تا به بهشت تو وارد شویم بدون آن که عذاب شویم. پروردگارا، عمل به واجباتت را از تو درخواست می کنم و چنگ زدن به سنتت را و ایستادن به هنگام نهیت و فرمانبرداری از اطاعت کنندگانت و دوری از حرام را از تو درخواست می کنم. بارالها، به ما روزی نیکی بدون آزار و منت ببخش و عزتی از نزد خودت بدون گمراهی و پایداری و یقین و یادآوری و قناعت و پاکدامنی و بی نیازی از خواهش از مردم به ما عطا کن. و آبرویمان را نزد هیچ کس مریز، چرا که هر کس آبرویش نزد مردم ریخته شود برای دیگران فروتن شود و او را از بدی ها باز نمی دارد و نافرمانی اش را ناپسند نمی دارد. بلکه روزی ما را از نزد خودت فراوان کن و اعمال ما را نیک گردان و ما را از روی آوردن به سوی اهل دنیا و آراستگی برای آن ها بازدار. بارالها، آن چه از روشنی گفتار و آشکار کردن دلیل بر زبان ما جاری نمودی، آن را روشنایی قبرهایمان و برانگیخته شدنمان قرار بده و در زندگی و مرگمان عزتی برایمان قرار ده نه خواری ما، و امنیتی از بلای دنیا و آخرت قرار ده ای مهربان ترین مهربانان. خداوندا، درود فرست بر محمد و خاندانش و ما را از کسانی قرار بده که روحشان به عالم بالا شتاب گرفته و اراده شان به عزت آن تعلق گرفته، پس دل هایشان همواره سرگشته و در پرواز است تا آن که در باغ های پرنعمت فرود آید و از میوه های نسیم بچینند و از جام آسایش بنوشد و غرق در بانگ شادی گشته در دریای زندگانی غوطه خورد و در سایه سار بزرگی آرمیده اند. آمین ای پروردگار عالمیان. خداوندا درود فرست بر محمد و خاندانش و ما را از کسانی قرار ده که به دنبال ستمکاران سرزمین ها را جستجو کردند و از همنشینی با افراد نادان وحشت دارند و با نور اخلاص به بزرگی رسیده و در کشتی نجات درآمده اند و بادبان ها را به باد یقین افراشته اند و در ساحل دریای رضایت پهلو گرفته اند، ای مهربان ترین مهربانان. پروردگارا، درود فرست بر محمد و خاندانش و ما را از کسانی قرار ده که در شهوت

را در دل هایشان را قفل کردند و غفلت را در جانشان نابود کرده اند و تلخی های زندگانی را شیرین دانستند و گشایش را نرم دانستند و با ریسمان نجات و دستاویز سلامت و جای گرفتن در سرای بزرگی پیروز شدند. خدایا، درود فرست بر محمد و خاندانش و ما را از کسانی قرار ده که به دستگیره ی دانش چنگ زدند و خویشتن را با فهم ادب کردند و نامه ی بدی هایشان را خواندند و پرونده اشتباهات را گشودند و تلخی اندوه را سرکشیدند تا آن که از زیان ها سلامت یافتند و آسایش را در بازگشت دیدند. خداوندا، بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که درختان اشتباهات را مقابل دیدگان قلب کاشتند و با آب توبه آن را آبیاری کردند تا آن که میوه ی پشیمانی حاصل کرد پس آن ها را با پرده های پنهانی آسمان هارویانده و اندوه و ترس و غصه ها آن را سیراب کرد و در آینه ی فکر نگریستند، پس کالبد ذکاوت را دیدند و لباس خدمت گزاری را پوشیدند. بارالها، بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که جام پاک را نوشیدند و شکیبایی بر بلای طولانی را به دست آوردند، پس دیده هایشان از آن چه یافته بودند روشن گردید تا آن که دل هایشان سرگشته ی ملکوت شد و در میان پرده های حجاب جبروت به پرواز درآمد و روح هایشان به سایه سار خنکای عاشقان پرکشید، در باغ های آسایش و سرچشمه ی عزت و آستان جاودانگی. پروردگارا درود فرست بر محمد وخاندانش و ما را از کسانی قرار بده که در بهار درخشان فهم گردش کردند تا آن که با بزرگی به بلندای علو رسیدند، پس یاد بزرگی ات را در دل هایشان نقش کردند تا آن که زبان پنهان دل ها با استغفار در تنهایی در محراب قدسی پارسائی خاشعان مناجات نمود و تا جایی که دیدگان دل ها به سوی آسمان پناه برد و چشمان نوحه گران در میان صفوف کروبیان و جایگاه روحانیان اشکی بر آنان ریخت که دل ها را به هنگام اندیشه در گردش گاه نیکی در مقابلت آتش می زند و آتش ترس ریشه های شهوت را در دل هایشان از بیخ کنده و میان پوشیدگی های غفلت سینه هایشان آرام گرفت. پس یاد خداوند دل هایشان را از خواب بیدار کرده است. خداوندا، بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از کسانی قرار بده که یاد تو آن ها را از شهوت ها بازداشته و با شناخت آشکار با بلاهای عزت مخالفت می کنند و

پرده های آتش شهوت ها را با آب توبه می برند. و ظرف های نادانی را با زلال آب زندگانی می شویند تا آن که نمناکی زبان ذکرگویان تا مجالس ذکر پراکنده می شود. بارالها، بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که راه اطاعت را با توفیق در منزل گاه پاکان بر آن ها هموار نمودی، پس زنده شدند و نزدیک گشتند و گرامی داشته شدند و به خدمتت آراسته شدند. خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از کسانی قرار بده که پرده های پاکی دوستانت را بر آنان فرستادی و دل هایشان را با زلال پاکیزگی مخصوص گرداندی و آن ها را در جایگاه برگزیدگان با فهم و حیا آراستی و اندوهشان را در ملکوت آسمان هایت پوشیده داشتی تا بر تو وارد شدند. و دیدگان ما را با پرواز در شکوه خودت بهره مند گردان تا ما را از آن چه دل های غافلان را به خواب برده بیدار نگاه دارد و دل هایمان را با زنجیرهای نور بسته نگاه دار و با ریسمان های ذکر آن را از پایه های عرشت بیاویز و با نگریستن به خودت آن را از شر جایگاه خیانت پیشگان بازدار و از بند رهایش کن تا در خدمت تو به همراه پروازکنندگان به پرواز درآید و ما را برای خدمت گزاری خودت خواهان بندگان و برگزیدگانت قرارده و همنشین بندگان خاصت و دوست مریدان و آویختگان درگاهت قرار بده. معبودا، درود فرست بر محمد و خاندانش و ما را از کسانی قرار بده که خویش را شناختند و به جایگاه خود یقین پیدا کردند، پس زندگی هایشان به فرمانبرداری از تو سپری شده و بدن هایشان با اندوه لاغر گشته، اگر نپوسیده باشد، و به یاد تو هدایت یافته اگر به آسایش گاه هدایت نرسیده باشد. پروردگارا، بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از کسانی قرار بده که پرده ی بزرگ پوشاننده بر پلک دیدگان دل هایشان را گشودی تا آن که به تدبیر حکمتت و شواهد دلیل های روشنت نگریستند پس تو را با دستاورد دانایی دل ها شناختند و تو در پرده های پوشیده ی حجاب های دل هستی. تو پاک و منزهی، کدام دیده توانایی قرار گرفتن مقابل نورت را دارد، یا به سوی روشنایی قدسی ات بلند می شود؟ و یا کدام فهم پایین تر از آن را درک می کند؟ به جز دل هایی که حجاب های شب کوری از آن ها برداشته شده پس جان هایشان بر بال های فرشتگان بالا رفته و اهل ملکوت آن ها را زیارت کننده نامیدند و اهل جبروت آن ها را آباد کننده نام

نهادند، پس در جایگاه تسبیح گویان رفت و آمد کردند و به حجاب قدرت آویختند و به هنگام هر شهوتی با پروردگارشان مناجات کردند، پس دل هایشان پرده های نور را درید تا آن که با دیده ی دل به شکوه عزت خدا در بزرگی ملکوت نگریستند، سپس دل ها با نیت شناخت یگانگی ات به سینه بازگشت، پس معبودی جز تو نیست و یگانه ای و شریکی نداری، از آن چه ستمگران می گویند برتر و والاتری. خدایا، در این دنیا اندوه و ناراحتی و نگرانی و بلاهاست و در آخرت حساب و مجازات است، پس آسایش و گشایش کجاست؟ بارالها، مرا بدون خواسته ی من آفریدی و بدون اجازه ی من نیز مرا می میرانی و کسی را که دشمن من است و بر من چیره است بر من گماردی تا با فریب مرا به سوی بلا کشاند و به من فرمودی درآویز، پس چگونه درآویزم اگر تو مرا نگاه نداری. بارالها، بر محمد و خاندانش درود فرست و با گفتار پابرجا در دنیا و آخرت مرا استوار دار و با دست آویز محکمی که گسستگی در آن نیست مرا پایدار کن ای مهربان ترین مهربانان. ای کسی که فرمود: مرا بخوانید که من نزدیکم و دعای کسانی را که مرا می خوانند پاسخ می دهم. و من تو را خواندم چنان که به من دستور دادی، پس همان گونه که وعده نمودی پاسخم ده، پس به راستی تو وعده ات را زیر پا نمی گذاری. بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و من و پدر و مادرم را و فرزندان آن ها را و هرآن که را زادند بیامرز و خانواده ام و فرزندانم و نزدیکانم و برادران دینی ام و همسایگانم از مردان و زنان مؤمن، زنده ها و مردگان را و برادران ما را که در ایمان از ما پیشی گرفتند بیامرز و در دل هایمان نسبت به مؤمنان ناخالصی قرار نده ای پروردگار ما، همانا تو مهربان و بخشنده ای.

مناجات دیگری از ایشان، درود خداوند بر ایشان باد:

خدایا، هر مسئولی مرا از ورود محروم کرد و هر مورد امیدی مرا از آن چه داشت منع نمود و هر آن که با میل به او امید بسته بودم و یا از روی ترس به او پناه گرفته بودم مرا منع کرد، و یقین در آن به شک تبدیل شده و گمان به شناخت مبدل گشته و امید به یأس تغییر پیدا کرده و بیچارگی مرا به سوی تو بازگردانده هنگامی که امیدهایم ناامید شده و وسیله هایم قطع شده و اطمینان پیدا کرده ام که تلاشم پیروز نمی شود و کوششم نتیجه نمی دهد مگر به یاری تو و اراده من به نیکی تنها با اجازه ی

تو مرا به آن می رساند. پس از تو درخواست می کنم بر محمد و خاندانش درود فرستی و مرا با بخشش خود از فرومایگی درخواست شدگان بی نیاز گردانی و با لطف خود از ناامیدکردن کسانی که به آن ها امید بسته ام بی نیاز کنی. و ترسم از مردم را به ترس از خودت تبدیل کنی و بیش ترین ترس مرا از خودت قرار بده و بیش ترین یاد مرا برای خودت قرار ده و بیش ترین نگهبانی ات را برای من قرار بده، در آن هنگام که وحشت ها فرونشیند و سختی ها به پایان برسد و هراس از من روی گردان شود، آن هنگام که فریب خوردگان از مکر تو ایمن شوند و افراد نادان تو را فراموش کنند مرا از کسانی قرار نده که آسایش باعث شادمانی و تکبر او گردد و مصیبت او را به زمین زند و تنها به هنگام سختی روزگار تو را بخواند و تنها وقتی بلا همه گیر شود تو را یاد می کند؛ پس پیشانی اش را به خاک می ساید و و دستانش را برای خواهش از تو بالا می آورد. و مرا از کسانی قرار نده که عبادتش برای تو همیشگی نیست و میان آن وقفه می افتد، یک روز طاعتی را انجام می دهد و فردا از انجام آن خسته می شود. اما درود فرست بر محمد و خاندانش و هر روز از روزهای مرا کامل کننده ی دیروز و کوتاه تر از فردایش قرار بده تا زمانی که مرگ مرا می رسانی در حالی که برای روز بازگشت توشه ی بسیاری آماده کرده ام، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

و ایشان که درود خداوند بر او باد مناجات دیگری نیز دارند:

آقا و مولای من و اوج امیدم، از فراز عرشت بر زمین ها و فرشتگانت و ساکنان آسمان هایت آشکار شدی در حالی که صداها بریده شده و حرکت ها باز ایستاده اند و زنده ها مانند مردگان درون گور هستند، پس بندگانت را در حالت های پراکنده دیدی، در میان آن ها ترسانی است که به تو پناهنده شده و تو به او امان دادی و گنهکاری است که از تو درخواست آمرزش نموده و تو پاسخش دادی، و به پهلو افتاده ای است که خودش را به تو سپرده و تو او را حفظ نمودی، و گمراهی است که از تو راهنمایی خواسته و تو هدایتش کردی، و مسافری که به پناه تو روی آورده و تو پناهش دادی، و نیازمندی که تو را صدا زده و تو پاسخش داده ای و تارک دنیایی که شب را با یاد تو سپری کرده و تو بهره مندش ساختی و با پیروزی

پاداشش دادی، و نادانی که از رشد گمراه شده و به شکیبایی تکیه کرده پس او را رها کردی. بارالها، پس به حق نامی که هنگامی که به آن خوانده شوی پاسخ می دهی و حقی که وقتی به آن سوگند داده شوی واجب می گردانی و به درودهای خاندان هدایت گر و فرشتگان مقرب، درود فرست بر محمد و خاندانش و مرا از کسانی قرار بده که ترسید پس او را ایمن گرداندی و از تو درخواست آمرزش کرد و او را اجابت نمودی و خود را به تو سپرد پس حفظش کردی و از تو درخواست راهنمایی کرد و او را هدایت نمودی و به پناهت روی آورد و به او پناه دادی و برای حاجاتش تو را خواند و پاسخش دادی و شب را با یادت سپری کرد پس او را بهره مند ساختی و با پیروزی پاداشش دادی و مرا از کسانی قرار نده که از هدایت گمراه شد و به پایداری خویش تکیه کرد پس رهایش نمودی. پروردگارا، پادشاهان درهای خویش را بستند و پرده های آن را فروانداختند و درگاه تو برای توسل جویندگان آن باز است، و سخاوتت برای درخواست کنندگان از آن وجود دارد و آمرزشت برای امیدواران آن بخشیده شده است و قدرتت برای کسی که سزاوار است خرد کننده است. معبودا، نفسم با اعمالش مقابلت افتاده و با میل و رغبت خاضعانه مقابلت برخاسته و با بزرگواری ات به سوی تو توسل می جوید، پس به درودهای خاندان هدایت کننده و فرشتگان تسبیح گو بر مولای ما محمد و خاندان پاکش درود بفرست و و حاجاتش را برآورده ساز و از لغزش هایش درگذر و زیاده روی های او را ببخش، پس وای بر او اگر خشم تو به سراغش آید و خوشا به حالش اگر مهربانی ات او را دریابد. پس ای کسی که از عدالتش ترسیده و به لطفش امیدوارند، بر محمد و خاندانش درود فرست و دعایم را با اجابت همراه کن و تسبیحم را به پاداش برسان و شبم را به صبح گاهان بسیاری که از عمرم گذشت با برکت و ایمان همراه کن و خوشبختی و امنیت آن را فراوان کن، به راستی که تو بهترین درخواست شده و بزرگوارترین امید هستی و تو بر هر کار توانایی.

و ایشان که درود خداوند بر او باد، دعایی در سپاس از خدا دارند:

ای کسی که بخشش او از همه بخشندگان بالاتر است، و سپاس گزاری شکرگزاران از ادای شکرش ناتوان شده، و من کسانی جز تو را که کسی جز من به

آن ها امیدی بسته بود آزمودم و دیدم هر توسل جوینده ای به غیر تو، بازگردانده شده و هر راهی جز به سوی تو بسته است. زیرا همه خیر نزد توست و هیچ خیری نزد غیر تو وجود ندارد، ای آن که به وسیله او به او توسل جستم و به وسیله خودش به او راهی جستم و در خوشی و ناخوشی به او اعتماد و تکیه کردم. من بنده ی کسی جز تو نیستم تا مولایی جز تو داشته باشم و روزی ام را از غیر تو نگرفته ام تا از او ادامه ی نیکی بخواهم. و درگاهی جز درگاه تو را قصد نکردم، پس مرا از درگاه نزدیک ترت مران، ای توانایی که خواهش ها نزد او فراوان نمی شوند و ای مولایی که هر آرزمندی آرزویش را دارد. حاجت هایم به سوی تو بازمی گردد و آرزوهایم در برابر تو می ایستد. هرگاه مرا به خیری موفق کردی تا آن را انجام دادم و بر آن توانا شدم، تو مرا به سوی آن رهنمون شدی و راه را نشانم دادی. ای آن که شکیبایی را یاوری در بلاهایش و سپاس گزاری را طولانی کننده ی نعمت هایش قرار داد، نعمت تو از سپاس گزاری من افزون تر شده، پس با اعترافم به ناتوانی بر من لطف کن با گذشتی که تو بر آن تواناتر و بخشنده تر از من هستی. و اگر برای گناهم بهانه ای نزد تو نیست که آن را بپذیری، آن را گناهی قرار بده که بخشیده شده است. و در روایتی است که امام علیه السلام عرض کرد: و درود خداوند بر پیامبرش، جدم محمد و خاندان او باد.

و ایشان که درود خداوند بر او باد، دعایی با این متن دارد:

بارخدایا، همانا درخواست بخشش من از تو با اصرارم بر گناه فرومایگی است و درخواست نکردن از آمرزشت با وجود مهربانی گسترده ات ناتوانی است. خدایا، چه بسیار با نعمت ها با من دوستی نمودی در حالی که از من بی نیازی و من با نافرمانی ها با تو دشمنی کردم حال آن که نیازمند تو هستم. پس ای کسی که وقتی وعده می دهد به آن عمل می کند. و هنگامی که نوید داد، گذشت می کند، بر محمد و خاندانش درود فرست و شایسته ترین کار را با من انجام بده، همانا تو بر انجام هر کار توانایی.

و ایشان دعای دیگری نیز دارند، درود خدا بر او باد:

خدایا، گذشت تو از گناهانم و بخششت از اشتباهاتم و پرده پوشی ات بر کردار زشتم مرا به طمع انداخته تا آن چه را شایسته ی آن نیستم از تو درخواست کنم، به آن چه از مهرت که به من چشاندی و احسانی که به من کردی، پس با امنیت آمدم و تو را خواندم و با انس از تو درخواست کردم نه ترسان و نه نگران، نیکی ات به خودم را دلیل گرفتم و هنگامی که خواسته ام دیر شد با تو تندی کردم و شاید این تأخیر در اجابت دعایم به صلاح من بوده به خاطر آگاهی تو از پایان کارها، پس مولایی بزرگوارتر از تو بر بنده ای پست تر از خودم ندیدم، زیرا تو در میان من و خودت نیکی می کنی و من بدی، تو دوستی می کنی و من با تو اظهار دشمنی می کنم، گویی من بر تو منتی دارم. اما این ها مانع مهربانی و نیکی تو بر من نمی شود و من می دانم که تنها یکی از گناهانم عذاب دردناک تو را برایم واجب می کند و مجازات سخت تو را سزاوار من می گرداند. اما شناخت من از تو و اعتمادم به بخشندگی ات مرا به سوی انجامآن فرامی خواند. سپس هر دعایی که دوست داشتی بخوان.

دعای دیگری از ایشان، درود خداوند بر او باد:

پروردگارا، مرا به سوی نجات فراخواندی و من نافرمانی ات کردم، و دشمنت مرا به سوی نابودی خواند و اجابتش کردم. پس این دشمنی نزد تو کافی است که فرمان برداری من از دشمن تو بیش تر از اطاعتم از توست. پس بدا به حالم که مرا برای عبادت خودت آفریدی و روزی ات را بر من گستراندی و من از آن برای نافرمانی ات کمک گرفتم و آن را در غیر دستور تو خرج کردم، سپس از لطف تو افزایش آن را درخواست نمودم پس کردار من مانع نشد تا بر من بردباری نورزی، پس روزی ات را بر من گستراندی و بیش از آن چه درخواست کردم به من بخشیدی، و بردباری ات و آگاهی ات به من و توانایی ات بر من و گذشتت از من مرا از روی آوردن به خشم تو و ادامه سرکشی ام بازنداشت، گویی آن چه با من کردی را حق واجبی بر تو می دانستم، پس گویی آن چه مرا از آن بازداشته بودی، چیزی بود که مرا به آن دستور داده ای و اگر می خواستی نیکی ات را به من تکرار نمی کردی و با نعمت هایت مرا گرامی نمی داشتی و مجازاتت را از کردار من به تأخیر نمی انداختی، اما تو بسیار شکرگزاری و هرآن چه را بخواهی انجام می دهی، پس ای آن که با مهر

همه چیز را گسترانده، به بنده ات رحم کن که به دشمنی با تو روی آورده و در خشمت داخل شده و به جایگاه تو نادان است و بر تو جرأت ورزیده، با مهری که با آن برترین بندگانت و به کسانی منت می گذاری که فرمانت را به نیکی انجام داده اند، که تو صاحب لطف هستی و بر آن چه بخواهی توانایی. ای کسی که میان انسان و قلبش حائل می شود، میان من و روی آوردن به خشمت حائل شو، و قلبم را متوجه فرمانت کن و سپاس نعمت هایت را نصیبم نما و مرا به بندگان نیکوکارت ملحق کن. بارالها، از بخشندگی ات به من مال بسیار و پاکی عطا کن که مرا به سرکشی وادار نسازد. و تجارت پربرکت و فراوانی که مرا سرگرم نکند، و توانایی در بندگی ات، و شکیبایی در انجام دستورت و گفتار درست و راستی در همه جا و دشمن داشتن فاسقان و مرا یاری کن در تلاش و عبادت برای خودت با خشوع نیکو در تاریکی و التماس به درگاهت در سختی و آسایش، و برپاداشتن نماز و پرداخت زکات و روزه در سختی گرما برای خشنودی تو، و مرا به خودت نزدیک گردان، و به خاطر گناهی که مرتکب شده ام از من روی گردان نشو؛ نه به خاطر کردار زشتی که انجام داده ام و نه برای گناه آشکاری که در آن هستم و امید توبه درباره ی آن دارم، و نه برای اشتباه و عمدی که انجام داده ام یا به آن دستور داده ام،

چه آن را بر من بخشیده ای و یا مجازاتم کرده ای، و چه آن را پوشانده ای یا پرده پوشش آن را پاره کرده ای، چه از آن توبه کرده ام یا هم چنان بر آن باقی هستم، به حقی که برای همه آفریدگانت بر تو واجب است از تو تقاضا می کنم مرا از عیب ها پاک گردانی و با توبه ای از جانب خودت مرا از گناهان عافیت ببخشی و نگاهی بر من بیندازی که با آن از من راضی شوی و دوستی با تو به نعمت و کرامتی که مرا به شرف بهشت برساند و همنشین محمد و اهل بیتش قرار دهد، درود خداوند بر ایشان باد، آمین ای پرودگار عالمیان.

دعای دیگری از ایشان که درود خدا بر او باد:

بارخدایا، من چیزهایی از تو می خواهم که به بسیاری از بندگانت بخشیده ای، از بزرگ و کوچک آن ها و بدون درخواست آن ها از تو، پس اگر بر من نیز ببخشی از لطف توست و اگر چنین نکنی، من با تو در فرمانت شریک نیستم و در مورد آفریدگانت دستور نمی دهم، پس اگر راضی باشی پس سزاوارترین کس برای

برآوردن درخواستش، کسی است که از او خشنودی با وجود خواری آن چه از تو درخواست کرده ام، و اگر خشمگین باشی، پس سزاوارترین کس برای بخشش تویی و گرامی ترین آمرزنده و کسی که لطف را بر بنده اش تکرار نموده و تباهی او را سامان داده و کجی هایش را راست گردانده است. و اگر مرا با کردار زشتم بگیری، پس یکی از خطاهایم عذاب تو را واجب می کند و من در میان آفریدگان تو کیستم ای مولای من و آقایم؟ پس به عزتت سوگند نیکی هایم دارایی ات را زیبا نمی کند و بدی هایم آن را زشت نمی گرداند، بی نیاز گرداندنم از خزائن تو چیزی نمی کاهد و نداری ام به آن چیزی نمی افزاید. صلاح و فسادم جز به سوی تو نیست، پس اگر مرا نیکو گردانی چنین باشم، و اگر مرا فاسد قرار داده ای کسی جز تو بر اصلاح من توانایی ندارد. پس هیچ کار زشتی از من سر نزده مگر آن که دانستم تو مرا می بینی و از من غافل نیستی، به وعده ی تو برای من و امثال من باور داشته، بر گذشت کریمانه و بخشش از روی قدرت تو و مهربانی گسترده ات تکیه کرده ام، پس مهری که از تو چشیدم مرا به نافرمانی ات جرأت داد، و گذشتی که در تو دیدم مرا به حرامت انداخت. و اگر از فرارسیدن خشمت به زودی می ترسیدم از تو پروا می کردم آن چنان که از غیر تو که پایین تر از توست پروا دارم، کسانی که قدرتشان اندک است و من از جانبشان دوری می کنم. توفیقم تنها از جانب توست پس مرا به خودم وامگذار که از آن ناتوانم و نه به غیر خودت که مرا خوار می کند، پس همانا از بخشش تو چیزی درخواست کردم که شایسته ی آن نیستم، چون کار نیکی پیش نفرستاده ام. و به واسطه ی گناه بزرگی که انجام داده ام از آن ناامید نیستم زیرا به تو امید بسته ام و طمع بسیاری به مهری که برخودت واجب کردی دارم. پس فرمان از آن توست، یگانه ای وشریک نداری و مردم روزی خوار تو هستند و همه چیز برای تو فروتن است. دارایی ات فراوان و عدالتت همیشگی است و بخششت بسیار و عرشت گرامی است، ستایشت والا و یادت برتر و همسایگی ات بازدارنده و دستورت نافذ و دانشت همه گیر است و تو آغاز و پایان و آشکار و پنهان و به همه چیز دانا هستی. بندگانت همگی نیازمند تواند و من نیازمندترین آن ها هستم، برای گناهی که آن را ببخشی و نیازی که آن را جبران کنی و عائله ای که بی نیاز گردانی و عیبی که آن را بپوشانی و کاری که آن را

محکم گردانی و گناهی که از آن درگذری و فسادی که آن را نیکو گردانی و کار نیکی که آن را بپذیری و سخن پاکیزه ای که آن را بالا ببری و بدنی که آن را سلامت بداری. بارخدایا، تو مرا مشتاق خودت کردی و به آن چه نزد توست علاقمند ساختی و با من مهر ورزیدی، و بهترین بندگانت را به سویم فرستادی تا بهترین نوشته هایت را بر من بخواند، پس به فرستاده ات ایمان آوردم و از هدایتش پیروی نکردم، کتابت را باور کردم اما بدان عمل ننمودم، به خاطر ناتوانی ام دیدار تو را ناپسند دانستم و برای کردار آلوده ام از دستورت سرپیچی کردم، به خاطر تباهی دینم از سنت های تو روی گرداندم و به خاطر سخت دلی ام به دیدارت پیشی نگرفتم. پروردگارا، بهشت را برای کسانی که تو را اطاعت کردند آفریدی و در آن نعمت هایی را که به هیچ قلبی خطور نمی کند آماده ساختی، سپس آن را با نیکوترین ویژگی ها توصیف کردی و بندگانت را مشتاق آن نمودی و دستور دادی برای آن از هم پیشی بگیرند و از ساکنان آن و آن چه در آن است آگاه کردی، از زنان سیاه چشم که مانند سفیدی های پنهان هستند و پسرانی که همچون مروارید پراکنده اند و میوه ها و نخل خرما و انار و باغ های انگور و رودهایی از نوشیدنی پاکیزه و سندس و استبرق و چشمه سلسبیل و شراب خالص و دست بندهایی از نقره و نوشیدنی پاک و پادشاهی بزرگ. و پس از آن گفتی تو بلندمرتبه و مبارکی، پس هیچ کس نمی داند چه چیز برای روشنی دیدگان آن ها پنهان شده است، پاداشی برای آن چه انجام می دادند. پس به اعمالم نگریستم و آن را ناتوان دیدم مولای من، پس خویشتن را محاسبه کردم و خود را برای سپاس از نعمت هایت توانا ندیدم، گناهانم را شمردم و دیدم از نیکی هایم می کاهد پس چگونه به رسیدن به بهشتت با عملم طمع داشته باشم درحالی که در گرو اشتباهاتم هستم؟ نه، چگونه ای مولای من ممکن است اگر تو با مهربانی ات که در گذشته بر من لطف می کردی و با گرامی داشتنم به پایان می رساندی و نمی توانم آن را بشمارم، مرا در برنگیری. پس خوشا بر آن کس که از او خشنود شوی و وای بر آن که بر او خشم بگیری. پس از من راضی شو و بر من خشم نگیر، ای مولایم. خدایا، آتش را برای سرکشان از فرمانت آفریدی و برای اهل آن انواع عذاب را آماده کردی و آن را توصیف کردی و آب های جوشان آن را گروه گروه گرداندی، از

حمیم و غساق و مهل و ضریع و صدید و غسلین و زقوم و غل ها و زنجیرها و گرزهای آهنی و عذاب غلیظ و عذاب سخت و عذاب خوارکننده و عذاب پابرجا و عذاب سوزان و عذاب سموم و سایه ای از آتش و لباس های قطران و سایبان های آتش و نحاس و زقوم و حطمه و هاویه و لظی و آتش سوزاننده و آتش زبانه کش که بر دل ها شعله می کشد و آتش احاطه کننده دارای ستون های کشیده شده، و سعیر و حمیم و آتشی که خاموش نگردد و آتشی که نزدیک است از شدت خشم مشخص گردد و آتشی که هیزم آن مردمان و سنگ هستند و آتشی که وقتی به آن گفته می شود: آیا پر شدی؟ گوید: آیا بیشتر هم هست؟ و مرتبه پایین تر از آتش. پس به راستی ترسیدم ای مولای من که به خاطر گناه و خطای بزرگم و بدکاری همیشگی ام سزاوار آن شوم، چرا که من نافرمانی تو را کردم و درباره بی نیازی تو از عذاب من و نیاز من به مهربانی تو اندیشیدم، ای مولای من با وجود خواری آن چه بدان طمع کردم نزد تو و دشواری آن در نزد من و آسانی اش برای تو و ارزش بسیار آن برای من و اهمیت آن در نزدم و جایگاهش نسبت به من، با وجود بخشندگی تو در کارهای بزرگ و گذشتت از گناه بزرگ، ای آقای من هیچ گناهی که آن را ببخشی و هیچ اشتباهی که آن را از گردنم برداری برای تو بزرگ نیست و نیز برای کسی که گناهش از من بزرگ تر است، به خاطر بی اهمیتی من در پادشاهی تو با وجود التماسم و اعتمادم به تو و تکیه و امید و طمعم به تو، پس آن میان من و ترسم از ورود به آتش حائل شد. و من که هستم آقای من که در خشمی که برای عذاب من گرفتی قصد نابودی مرا کنی، من در میان آفریدگانت مانند ذره ای در میان دارایی بزرگ تو هستم. پس به سخاوتت بر من ببخش، پس همانا تو از من خطا دیده ای و من از تو ندیده ام و تو از من بی نیازی و من نیستم. تا آن که مرا به آنان ملحق کنی و همراهشان گردانی. همانا تو عزیز و حکیم هستی. پروردگارا، آفرینشم را نیکو کردی و بهبودی ام را فراوان ساختی، روزی ام را بر من گستراندی و همواره مرا از نعمتی به نعمت دیگر و از کرامتی به کرامت دیگر منتقل کردی به سوی بخششی که در شب و روزم تازه می شود و من چیزی جز آن چه در آن هستم نمی دانم، تا آن جا که گمان کرده ام آن بر تو واجب است و لازم است من در جایگاهی غیر از این باشم، چرا که

من نمی دانم بلای بزرگ چیست تا لذت آسایش را بیابم و نیازمندی خوارم نکرده تا برتری امنیت را بدانم. پس شب و روز در غفلت از حال دیگران به سر بردم و کفر ورزیدم و در امتحان تو سپاس گزاری نکردم و شک نداشتم آن چه در آن به سر می برم همیشگی است و از من گرفته نمی شود. با خود از جابجایی عافیت و دگرگونی فقرو ترس و اندوه در دنیای زودگذر و آخرت پاینده سخن نگفتم تا مرا به زاری برابر تو برای پایداری آن بکشاند، با آن که دستور به شکرگزاری داده بودی و وعده ی افزایش نعمت هایت را کرده بودی، پس فراموش کردم و سرگرم شدم و غفلت کردم و ایمن گشتم و شادمان و متکبر شدم و سستی نمودم تا آن که عافیتم با آمدن بلا دگرگون شد و بیچارگی جای سلامتی را گرفت و انواع بیماری ها و آزارها به جای بی نیازی نشست، پس با حالی که برایم پیش آمد، آن چه در آن بودم را شناختم و از تو درخواست نمودم مانند کسی که به خاطر گناه بزرگش شایسته نیست صدایش شنیده شود، و درخواست کسی را داشتم که به دلیل سرگرمی و سستی بسیارش سزاوار برآوردن خواسته اش نیست، وزاری کردم همچون کسی که به خاطر گردن کشی و تکبرش شایسته ی رحمت نیست. پس به آن چه مرا مبتلا نمودی راضی شدم و چرا که بیچارگی به من روی آورده و نیازمندی خوارم کرده بود و بلا بر من نازل شده بود، پس اگر این از خشم تو بوده، از خشمت به بردباری ات پناهنده می شوم و اگر می خواستی مرا امتحان کنی پس همانا به ناتوانی و بیچارگی ام پی بردم، چرا که تو والا و بلندمرتبه ای و فرمودی: همانا انسان بسیار نالان آفریده شده، وقتی بدی به او می رسد شیون کرده و وقتی خیری به او می رسد آن را منع می کند(1). و فرمودی و عزیزترین گوینده ای: پس اما انسان هنگامی که پروردگارش او را می آزماید و گرامی اش داشته و به او نعمت می دهد، می گوید خداوند مرا گرامی داشت، اما وقتی او را آزموده و روزی اش را تنگ می گرداند گوید: خداوند مرا خوار کرد (2). و فرمودی درحالی که بزر گ ترین گوینده ای: به راستی انسان سرکشی می کند

1- . معارج/ 19- 21
2- . فجر/ 15- 16

که می پندارد بی نیاز شده (1). و منزهی، فرمودی: سپس هنگامی که بدی به شما رسید پس به سوی او فریاد می زنید (2). و فرمودی تو که عزیز و باشکوهی : و هنگامی که بدی به انسان می رسد با زاری پروردگارش را می خواند، سپس وقتی نعمتی به او عطا می شود دعای گذشته اش را فراموش می کند (3). و فرمودی: هنگامی که بیچارگی به انسان می رسد به پهلو یا نشسته یا ایستاده ما را می خواند، پس وقتی گرفتاری اش را برطرف نمودیم چنان می گذرد که گویی برای گرفتاری اش ما را نخوانده است(4). و فرمودی: انسان برای بدی مانند دعایش برای خوبی دعا می کند و انسان عجول بوده است(5). راست گفتی، راست گفتی آقای من و مولایم. این ویژگی ها را در خودم می شناسم و علم تو در گذشته آن را می دانست، مولای من، به من وعده ی نیکویی دادی که تو را بخوانم تا اجابتم کنی، پس من تو را می خوانم چنان که دستور دادی و تو نیز آن چنان که وعده نمودی پاسخم بده، و نعمت و عافیت و نگهداری ات و پرده پوشی ات را بر من بیفزا و حالم را بهتر از آن چه در آن هستم قرار بده تا مرا به خشنودی خودت برسانی و آن چه برای دوستان و فرمانبردارانت آماده کردی به من عطا کنی، همراه با پیامبران و فرستادگان و صدیقان و شهداء و نیکوکاران، و چه همراهان نیکویی هستند. پس در سرای خودت و سرای جاودان همسایگی دوستت محمد، زینت قیامت و همه بزرگواری و نعمت پایدار و شادی فراوان را روزی ما گردان. به راستی تو بر هر کار توانایی و درود و سلام بسیار بر محمد پیامبر و خاندانش بفرست و سپاس برای خداوند، پروردگار جهان است.

20. کتاب عتیق غروی: دعاء امام زین العابدین علیه السلام. ای عزیز، به خواری ام رحم کن و ای بی نیاز، به نیازمندی ام رحم کن و ای توانا، به ناتوانی ام رحم آور. بنده به چه کسی جز مولای خود پناه آورد؟ و از چه کس جز آقای خود

1- . علق/ 6
2- . نحل/ 53
3- . زمر/ 8
4- . یونس/ 12
5- . اسراء/ 11

درخواست کند؟ و به چه کسی جز آفریدگار خود زاری نماید و به چه کسی غیر از پروردگار خویش پناهنده شود و به چه کسی جز روزی دهنده ی خود شکایت برد؟ خدایا، هر کار نیکی که انجام دادم از جانب تو بوده و شایسته ی سپاس نیستم، و هر بدی که کردم تو مرا از آن بازداشتی و بهانه ای در آن ندارم. بارالها، تو را می خوانم خواستن انسانی خوار و فروتن، و از تو درخواست می کنم مانند درخواست پناه جوینده عذرخواه، و مانند درخواست کسی که به گناه و اشتباهش اعتراف می کند و کسی را جز تو برای گذشت از گناهش و برطرف کننده ی گرفتاری و اندوهش و از بین برنده ی غصه اش و جلوگیرنده ای از بیچارگی اش و نیرو دهنده ای برای ناتوانی اش نمی یابد، به جز تو ای مهربان ترین مهربانان.

21. عدد قویه: ثمالی گفت ابراهیم بن محمد برایم گفت: از علی بن حسین علیهما السلام شنیدم که شبی در مناجات خود می گفت: پروردگار ما و آقای ما و مولای ما، اگر آن چنان بگرییم که مژه هایمان بریزد و چنان ناله بزنیم که صداهایمان بریده شود و آن قدر بایستیم که گام هایمان خشک شود و رکوع کنیم تا جایی که بندهایمان از هم بگسلد و سجده کنیم تا آن جا که چشمانمان از حدقه درآید، و در تمام زندگی خاک زمین را بخوریم و آن قدر ذکر بگوییم که زبانمان از کار بیفتد، با همه این ها سزاوار بخشش یکی از گناهانمان نیستیم.

می گویم: در برخی کتاب ها این دعا را از امام سجاد علیه السلام دیده ام که در مناجات می گفت: خدایا، از تو می خواهم مرا حفظ کنی تا آن که نافرمانی ات نکنم، پس به راستی که از زیادی گناهانم همراه با نافرمانی و از نیکی های همراه با بزرگواری تو حیرت زده شده ام و بسیاری گناهانم زبانم را بند آورده و آبرویم را برده است. پس با چه رویی به دیدار تو آیم در حالی که گناهان چهره ام را زشت نموده و با کدام زبان تو را بخوانم در حالی که معصیت ها زبانم را بند آورده و چگونه نخوانمت حال آن که تو بزرگواری و چگونه شاد باشم که من نافرمانم و چگونه غمگین باشم حال آن که تو بخشنده ای. چگونه بخوانمت در حالی که من منم و چگونه نخوانمت در حالی که تو تویی. چگونه شادی کنم در حالی که از فرمانت سرپیچی نموده ام و چگونه اندوهگین باشم حال آن که تو را شناخته ام. شرم دارم تو

را بخوانم در حالی که همواره گناهان را تکرار کرده ام و چگونه بنده مولایش را نخواند و به کجا می تواند گریزد و اگر رانده شود پناه گاهش کجاست؟ بارالها، اگر از لغزش هایم گذشت نکنی به چه کس پناه آورم واگر بر من رحم نکنی چه کس به من رحم آورد؟ و اگر تو به فریادم نرسی چه کس از من دست گیری می کند و هنگامی که آرزویم نزد تو تنگ شد به کجا می توانم بگریزم؟ خدایا، میان ترس و امید مانده ام، ترس از تو مرا می میراند و امیدت زنده ام می کند. معبودا، گناهان از ویژگی های ماست و گذشت مخصوص تو است. پروردگارا، موی سفید نوری از نورهای توست، پس غیرممکن است که نور تو با آتشت سوزانده شود، معبودا، بهشت سرای نیکان است اما مسیر آن از آتش می گذرد، پس اگر از بهشت محروم شدم ای کاش وارد آتش نشوم. بارخدایا،

چگونه تو را بخوانم و امید به بهشتت داشته باشم با این که کردار زشتی دارم، و چگونه تو را نخوانم و آرزوی بهشت نداشته باشم با وجود رفتار نیکو و زیبای تو. خدایا، منم آن کسی که با وجود نافرمانی اش تو را می خواند و قلبم یادت را فراموش نمی کند. معبودا، منم آن کسی که با وجود گناهانش به تو امید بسته و امیدم از گذشت فراوان تو قطع نمی شود ای مولای من. بارالها، به راستی گناهانم بزرگ هستند ولی گذشت تو از گناهان من بزرگ تر است. خدایا، با گذشت فراوانت از گناهان بزرگ من بگذر، چرا که گناهان بزرگ را تنها پروردگار بزرگ می بخشد. خداوندا، من آن کسی هستم که با تو پیمان بست و آن را شکست؛ هنگامی که به خواهشش رسید اراده اش را شکست، پس بیهوده و سرگرم شدم و کردارم در شب و روز نوشته می شد. خدایا، گناهان من به تو ضرری نمی رساند و گذشت تو از من چیزی از تو نمی کاهد، پس آن چه را که ضرری برایت ندارد ببخش و آن چه را که از تو نمی کاهد به من عطا کن. معبودا، اگر مرا بسوزانی سودی برایت ندارد و اگر مرا ببخشی ضرری برایت ندارد. پس آن چه برایت ضرری ندارد بر من ببخش و آن چه خشنودت نمی کند بر من روا ندار. بارالها، اگر گذشت از صفات تو نبود، آنان که تو را می شناسند نافرمانی ات نمی کردند. خدایا، اگر گذشت و بخشندگی ات نبود نافرمانی ات نمی کردم و گناهت را تکرار نمیکردم. بارخدایا، اگر گذشت دوست داشتنی ترین چیزها نزد تو نبود دوست داشتنی ترین

مخلوقاتت از فرمانت سرپیچی نمی کرد. پروردگارا، امیدم به آمرزش و گمانم به نیکی توست. از لغزش هایم درگذر ای پروردگارم، چرا که آن چه بوده، بوده است. پس ای کسی که با دشمنش مهربانی می کند، چگونه به آن کس که با او دوستی و مناجات کرده چنین نباشد؟ و ای آن که هرگاه خوانده شده پاسخ داده است، و ای کسی که با شکوه خود ابرهای باران زا را پدید آورده، تو بودی که گفتی کجاست کسی که مرا بخواند و پاسخش ندهم؟ و کیست آن که از من درخواست نموده و به او نبخشیده ام؟ و کجاست آن که به درگاهم ایستاده که او را اجابت نکرده ام؟ و تو بودی که فرمودی: من بخشنده ام و سخاوت از من است و من بزرگوارم و بزرگواری از من است، و از بزرگواری من با گنهکاران این است که آنان را در بسترهایشان حفظ نمودم، گویی نافرمانی ام نکرده اند و نگهداری آن ها را بر عهده گرفته ام گویی گناهی مرتکب نشده اند. معبودا، چه کسی گناه می کند و چه کسی می بخشد؟ من بسیار گناه می کنم و تو بسیار می بخشی. خداوندا، چه بد کردار بوده ام که گناهان و نافرمانی های بسیار داشتم و چه نیکو کردار بوده ای با بزرگواری و نیکی هایت. خداوندا، تو مرا غرق در سخاوت و بزرگی و بخشش های خود نمودی و من خویشتن را غرق در گناه و نادانی و اشتباهات نمودم، تو با نیکی شناخته شده ای و من با نافرمانی شناخته شده ام. معبودا، سینه ام تنگ شده و نمی دانم با چه دارویی گناهم را معلاجه کنم، چه بسیار که از آن توبه کرده ام و آن را تکرار کرده ام. و چه بسیار شب ها و روزهایی که بر آن ناله کرده ام، پس تا کی چنین باشد در حالی که عمرم را درآن نابود کرده ام. معبودا، اندوهم طولانی شده و استخوانم نازک شده و بدنم پوسیده و گناهان بر پشتم باقی مانده است. پس ای آقای من، از فقر و بیچارگی ام و ناتوانی ام به درگاهت شکایت می آورم. بارالها، هر صاحب چشمی می خوابد و به وطنش بازمی گردد و من دل نگرانم و چشمانم در انتظار مهربانی پروردگار خویش هستند. پس تو را می خوانم پروردگارم، مرا اجابت کن و حاجتم را برآورده ساز و در پاسخم شتاب کن. بارخدایا، مانند گنهکاران در انتظار گذشت تو هستم و از مهربانی ات که نیکوکاران انتظار آن را دارند،

ناامید نمی شوم. پروردگارا، آیا صورتم را به آتش می سوزانی در حالی که برای تو نماز می گزارده و قرآن را تلاوت می کرده؟ آیا قلبم را به آتش

می سوزانی در حالی که دوست دار تو بوده است؟ معبودا، آیا بدنم را با آتش می سوزانی حال آن که برایت فروتنی نموده و استخوان هایم را به آتش می سوزانی در حالی که برای تو به رکوع و سجده افتاده است؟ خداوندا، به نیکی دستور دادی و تو سزاوارترین کس برای انجام آن هستی. و دستور به بخشش درخواست ها دادی و تو برترین درخواست شدگان هستی. خدایا، اگر مرا عذاب کنی بنده ی تو هستم که مرا به خواست خود آفریده ای و اگر نجاتم دهی بنده ای هستم که او را بدکار دیده ای و نجاتش داده ای. پروردگارا، من برای حفظ خود از گناه راهی به جز نگهداری تو ندارم، و تنها به خواست تو می توانم راهی به سوی کار نیک بیابم. پس چگونه خود را حفظ کنم در حالی که عصمت تو مرا دربرنگرفته است؟ خدایا، در دنیا گناهانی از من را پوشاندی و آن را آشکار نکردی، پس در روز قیامت نیز در مقابل همگان رسوایم نکن. معبودا، سخاوت تو امیدم را گسترانده و سپاس گزاری ات عملم را پذیرفته است، پس مرا به هنگام مرگ با دیدار خودت خرسند کن. خدایا، هنگامی که ایمانم به یگانگی ات گواهی داده و زبانم به ستایشت گویا شده و قرآن مرا به بخشندگی ات رهنمون شده است، پس چگونه امیدم را از وعده هایت قطع کنم؟ خدایا، من کسی هستم که با شمشیر نافرمانی خود را به قتل رسانده ام تا جایی که سزاوار ناکامی و بریدن از تو شدم. پس امان، امان آیا نزد تو کار نیکویی دارم؟ بارالها، آدم تو را نافرمانی کرد و او را بخشیدی، و بسیار از فرزندان او نیز تو را نافرمانی نمودند. پس ای کسی که گناه پدر را بخشید، از فرزندان سرکش او نیز گذشت کن. خدایا، بهشت را برای فرمان بردارانت آفریدی و آن چه را که به قلب ها خطور نمی کند در آن وعده دادی، به اعمالم نگاه کردم و آن را اندک دیدم مولای من، و خود را محاسبه کردم و چیزی نیافتم که با آن شکر نعمت هایت را به جا آورم. و آتش را برای کسانی که نافرمانی نمودند آفریدی و در آن شکنجه و بندهای آتشین و عذاب دردناک را وعده نمودی، و من می ترسم به خاطر گناه بزرگم و بدی های همیشه ام سزاوار آن شوم. پس گناهی که بر من ببخشی برای تو بزرگ نیست و نه گناهان کسانی که گناهی بزرگ تر از من دارند، به خاطر کم اهمیتی من در پادشاهی تو به همراه اطمینان و تکیه و امیدم به تو. پروردگارا، دشمنی برایم قرار دادی که به قلبم وارد می شود و

در جایگاه نظر و اندیشه ی من جای می گیرد و به کجا می توان گریخت اگر کمکی از جانب تو نباشد؟ خداوندا، به راستی شیطان بدکار و پلید و بسیار حیله گر است و دشمنی کننده و دشمنی اش همیشگی بوده است، چگونه کسی که با او در یک سرا جای گرفته نجات می یابد در حالی که او مورد فریب قرار گرفته است؟ مگر آن که فریب او ناتوان است، پس تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوییم و خود را به تو می سپاریم و هیچ نیرو و جنبشی مگر از جانب تو نیست، ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار.

دعای معروف به خمس عشر از جمله دعاهای امام زین العابدین علیه السلام است. ما این ادعیه را در برخی کتب بزرگان شیعه رضوان الله تعالی علیهم یافته ایم و در این جا نقل می کنیم که به شرح زیر است:

مناجات اوّل: رازونیاز توبه کنندگان (برای روز جمعه)

بسم الله الرحمن الرحیم، خدایا ! گناهان بر من لباس خواری پوشانده، و دوری از تو جامه درماندگی بر تنم پیچیده، و بزرگی جنایتم دلم را میرانده، پس آن را با توبه به درگاهت زنده کن، ای آرزویم و مرادم و خواسته ام و امیدم، به عزّتت سوگند برای گناهانم آمرزنده ای جز تو نمی یابم، و برای دل شکستگی ام جبران کننده ای جز تو نمی بینم، به پیشگاهت با توبه و انابه فروتنی نمودم، و با ذلّت و خواری، به درگاهت تسلیم شدم، اگر مرا از درگاهت برانی به که روی آورم؟و اگر از آستانت بازگردانی به که پناه برم؟در این حال افسوس از شرمندگی و رسوایی ام، و دریغ از زشتی کردار و فراهم آوردن گناهانم، ای آمرزنده گناهان بزرگ، و ای جبران کننده استخوان شکسته، از تو درخواست می کنم که گناهان تباه کننده ام را بر من ببخشایی، و بر من بپوشانی پنهانکاریهای رسواکننده ام را، و مرا در عرصه قیامت از نسیم گذشت و آمرزشت بی بهره مگذاری، و از پوشش زیبای چشم پوشی ات عریان و بی پوشش رها نسازی، خدایا سایه رحمتت را بر گناهانم بینداز، و ابر مهربانی ات را به سوی عیبهایم گسیل کن، خدایا آیا برده فراری جز به جانب مولایش باز می گردد؟یا کسی به او از خشم مولایش جز مولایش پناه می دهد؟خدایا اگر پشیمانی از گناه توبه است، پس

به عزّتت سوگند که من از پشیمانانم، و اگر آمرزش طلبی از خطاکاری سبب فرو ریختن خطاها از پرونده است، من از آمرزش خواهانم، حق رضایت با توست تا راضی شوی، خدایا با قدرتت بر من توبه ام را بپذیر، و با بردباری ات نسبت به من از من درگذر، و با آگاهی ات از حال من با من مدارا فرما.

خدایا تویی که به روی بندگانت دری به سوی بخششت گشودی و آن را توبه نامیدی، و خود فرمودی: «بازگردید به جانب خدا، بازگشتی خالصانه»، پس عذر کسی که از ورود به این در پس از گشوده شدنش غفلت ورزد چه می تواند باشد؟خدایا اگر نافرمانی و گناه از بنده ات زشت بود، پس گذشت از جانب تو زیباست، خدایا نخستین، کسی نیستم که تو را نافرمانی کرده و حضرتت توبه پذیرش شدی، و خود را در معرض احسانت قرار داده و تو مرا مورد احسانش قرار دادی، ای پاسخگوی درماندگان، ای برطرف کننده زیان، ای بزرگ نیکی، ای دانای نهان، ای زیبا پرده پوش، به جود و کرمت به سوی تو شفاعت می جویم، و توسّل می کنم نزد تو به فضل و رحمتت دعایم را اجابت کن، امیدم را به خود ناامید مساز، و توبه ام را بپذیر، و با احسان و مهرت خطاهایم را نادیده گیر، ای مهربان ترین مهربانان

مناجات دوم: راز ونیاز شاکران (برای روز شنبه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا از نفسی که فراوان به بدی فرمان میدهد به تو شکایت می کنم، همان نفسی که شتابنده به سوی خطا، و آزمند به انجام گناهان، و در معرض خشم توست، نفسی که مرا به راه هلاکت می کشاند، و هستی ام را نزد تو از پست ترین تباه شدگان قرار می دهد، بیماریهایش بسیار، آرزویش دراز است، اگر گزندی به او در رسد بی تابی می کند، و اگر خیری به او رسد از انفاقش دریغ می ورزد، به بازی و هوسرانی میل بسیار دارد، از غفلت و اشتباه آکنده است، مرا به تندی به جانب گناه می راند، و با من در توبه و ندامت امروز و فردا می کند، خدایا از دشمنی که گمراهم می کند و از شیطانی که به بی راهه ام می برد به تو شکایت می کنم، شیطانی که سینه ام را از وسوسه انباشته و زمزمه های خطرناکش قلبک را فرا گرفته است، شیطانی که با هوا و هوس

برایم کمک می کند، و عشق به دنیا را در دیدگانم زیور می بخشد، و بین من و بندگی و مقام قرب پرده می افکند،

خدایا از دل همچون سنگی که با وسوسه زیرورو می شود و به آلودگی گناه و سیاسی نافرمانی آلوده شده به تو شکایت می کنم، خدایا از چشمی که از گریه ناشی از هراس تو خشک شده، و در عوض به مناظری که خوش آیند آن است خیره گشته به تو گلایه می کنم، خدایا توان و نیرویی برای من جز به قدرت تو نیست، راه نجاتی از گرفتاریهای دنیا جز نگهداری تو برایم نمی باشد، از تو خواستارم به رسایی حکمتت، و نفوذ اراده ات که مرا جز جودت در معرض چیزی قرار ندهی، و هدف فتنه ها نگردانی، و علیه دشمنانم یاور باشی، و پرده پوش رسوائیها و عیوبم گردی، و از بلا نگهدار، و از گناهان بازدارنده ام باشی به مهر و رحمتت ای مهربان ترین مهربانان

مناجات سوّم:رازونیاز ترسیدگان (برای روز یکشنبه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا آیا چنین می نمایی که پس از ایمانم به تو عذابم نمایی؟یا پس از عشقم به تو از خود دورم سازی، یا با امید به رحمت و چشم پوشی ات محرومم سازی، یا با پناه جویی ام به گذشتت رهایم نمایی، هرگز چنین نیست!از ذات بزرگوارت به دور است که محرومم کنی، ای کاش می دانستم که آیا مادرم مرا برای بدبختی به دنیا آورده، یا برای رنج کشیدن و زحمت پرورانده است، اگر چنین است کاش مرا نزاده و نپرورانده بود، و ای کاش آگاه بودم که آیا مرا از اهل سعادت قرار داده و به قرب و جوارت اختصاص داده ای تا به این سبب چشمم روشن و جانم آرام گیرد؟خدایا آیا چهره هایی که در برابر عظمتت سجده کنان به خاک افتاده سیاه می کنی، یا زبان هایی را که برای بزرگی و شکوهت به ستایش گویا شده ناگویا می نمایی؟یا بر دلهایی که به محبتت پیچیده شده مهر می زنی، یا گوشهایی را که از شنیدن ذکرت در راه رضایت لذّت برده ناشنوا می کنی،

یا دست هایی را که آرزوهای به امید مهرورزی ات به سویت بلند کرده و به زنجیر می بندی، یا بدنهایی را که در طاعتت کوشیده تا جایی که در راه کوشش در

بندگی ات لاغر شده مجازات می کنی، یا پاهایی را که در راه عبادتت پوییده به عذاب دچار می نمایی، خدایا درهای رحمتت را بر یکتاپرستان مبند، و شیفتگانت را از نگاه به زیبایی دیدارت محروم مساز، خدایا جانی را که به توحیدت عزّت بخشیدی، چگونه به خواری هجرانت ذلیل می کنی، و باطنی که بر دوستی ات پیمان بسته، چگونه به سوز آتشت می سوزانی؟ خدایا از دردناکی خشمت و بزرگی ناخشنودیت پناهم ده، ای پرمهر، ای منتّگذار، ای مهربان، ای بخشاینده، ای جبّار، ای چیره، ای آمرزنده، ای پرده پوش، به مهرت مرا از شکنجه آتش و رسوایی ننگ رهایی بخش، آنگاه که نیکان از بدان جدا شوند، و حالت ها دگرگون گردد و هراسنده ها بهراسند، و نیکوکاران به خوشبختی نزدیک شوند، و بدکاران از آن دور گردند، و به هرکسی برابر آن چه انجام داده جزای برازنده داده شود و هرگز به آنان ستم نشود

مناجات چهارم: رازونیاز امیدواران (برای روز دوشنبه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

ای آن که هرگاه بنده ای از او بخواهد عطایش کند، و هرگاه چیزی را که نزد اوست آرزو کند به آرزویش برساند، و زمانی که به او روی آور مقرّب و نزدیکش کند، و گاهی که تظاهر به گناه کند گناهش را پرده پوشی نماید، و آنگاه که بر او توکل نماید او را بس باشد و کفایت کند، خدای من کیست که بر آستانت وارد شده و خواهان مهمان پذیری ات باشد و تو از او پذیرایی نکرده باشی، و کیست که مرکب حاجت را با امید به سخاوتت به درگاهت خوابانده باشد و تو احسانش ننموده باشی آیا خوشایند است که از درگاهت با محرومیت بازگردم، درحالی که جز تو سروری که به احسان متصّف باشد نشناسم، چگونه به غیر تو امید بندم درحالی که هر خوبی به دست توست، و چگونه جز تو را آرزو کنم درحالی که آفرینش و فرمان خاص تو است، آیا امیدم را از تو ببرم درحالی که از روی احسان آن چه که از تو نخواستم به من عطا فرمودی یا آیا به مانند خودم محتاج می کنی درحالی که به رشته محکمت چنگ می زنم، ای آن که قصدکنندگان به رحمتش خوشبخت شدند، و آمرزش خواهان به انتقامش بدبخت نشدند،

ص: 181

چگونه فراموشت کنم که همیشه به یادم بوده ای، و چگونه از تو غافل شوم که تو نگهبانم هستی، خدای من دستم را به دامن کرمت آویختم، و برای رسیدن به عطایت سفره آرزویم را گستردم، مرا به خلوص توحیدت خالص کن، و از بندگان برگزیده ات قرار ده، ای آن که هر گریزانی به او پناه می جوید، و هر جوینده ای به او امید می بندد، ای بهترین امیدبخش، ای کریم ترین خوانده، ای آن که پرسنده اش برگردانده نشود، و آرزومندش محروم نگردد، ای آن که در رحمتش به روی خوانندگان باز است، و پرده درگاهش برای امیدواران گشوده است، از تو می خواهم به بزرگواریت که ببخشی از عطای خود بر من آن چنان که دیده ام به آن روشن شود، و از امید به تو سرشارم سازی به اندازه ای که نهادم آرامش یابد، و از یقین آن چنان بر من منّت نهی که با آن ناگواری های دنیا را برایم آسان نمایی، و با آن از دیدگانم دلم پرده های نابینایی را برگیری به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

مناجات پنجم:رازونیاز دلدادگان (برای روز سهشنبه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا هرچند در آمدن به سویت توشه ام اندک است ولی گمانم بر توکّل به تو همواره نیکو است، و هرچند گناهم مرا از عذاب تو به هراس افکنده، ولی چشم امیدم ایمنی از انتقامت را به من خبر می دهد، و هرچند نافرمانی ام مرا را در معرض عذابت قرار داده ول یح سن اعتمادم مرا به پاداشت آگاهی می دهد، و هرچند بی خبری مرا از آمادگی برای دیدارت به خواب غفلت انداخته ولی آشنایی به کرم و عطاهایت مرا بیدار نموده است، و اگر زیاده روی در گناه و سرکشی، میانه من و تو را تیره ساخته ولی مژده آمرزش و خشنودی ات با من انس گرفته است

از تو می خواهم به درخشش های جلوه ات و به انوار مقدست، و هم به سویت زاری می کنم به عواطف مهرت و لطایف احسانت، که تحقق بخشی گمانم را در آن چه از تو آرزومندم از بزرگی اکرامت و زیبایی انعامت، در راه تقرّب به تو و نزدیکی به درگاهت و بهره مندی از نگاه به سویت، هم اینک متعرّض نسیم های رحمت و توّجه تو، و خواهان باران جود و لطف بی پایان تو می باشم، و از خشمت به سوی خشنودی ات گریزان، و از تو به سوی خودت فراری ام، نیکوترین چیزی را که نزد

توست امید دارم، بر بخشش هایت اعتماد می نمایم، به عنایتت نیازمندم، خدایا آن چه را از فضلت بر من آغاز کردی به انجام رسان، و آن چه را از کرمت به من دادی از من مگیر، و آن چه را با بردباری ات بر من پوشاندی آشکار مکن، و آن چه را از زشتی کردارم دانستی بیامرز، خدایا از تو به تو شفاعت می جویم، و از تو به تو پناهنده می شوم، با امید بسیار به احسانت به سوی تو آمدم، به خوبی هایت که بر من منّت گذاری دل بسته ام، به فراوانی کرمت تشنه ام، ابر فضلت را باران طلبم، خشنودی ات را خواهانم، آهنگ آستانت را دارم، به جویبار عطایت وارد آمدم، برترین خیرات را از پیشگاهت خواهشمندم، به جانب حضرت جمالت روانم، ذاتت را اراده دارم، کوبنده در رحمتت هستم، درمانده ام در برابر شکوه و جلالت، با من از آمرزش و رحمت آن گونه کن که شایسته آنی و نه آن گونه که سزاوار عذاب و انتقامم، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان

مناجات ششم:رازونیاز شاکران (برای روز چهارشنبه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا، پیاپی آمدن کرمت، بر پا داشتن سپاست را از یاد من برد، و فراوانی بخششت مرا از شمارش ستایشت درمانده ساخت، و در پی هم آمدن احسانت مرا از یاد اوصاف نیکت بازداشت، و پشت هم رسیدن نعمت هایت مرا از گسترش خوبی هایت درمانده نمود، این است جایگاه آن که به برازندگی نعمت های تو و در برابر آن به کوتاهی خود اعتراف دارد و به زیان خود به سستی در بندگی و هدر دادن نعمت ها گواهی می دهند و تویی دلجو، مهربان، نیکوکار کریم، که خواهنده اش را محروم نمی کند، و آرزومندش را از درگاهش نمی راند، به آستانت فرود می آید بار امیدواران، و در درگاه رحمت تو می ایستد آرزوهای عطاخواهان، پس آرزوهایمان را با محرومیت و ناامیدی روبرو مساز، و جامه ناامیدی و دوری از رحمت را بر ما بپوشان،

خدایا در برابر بزرگی نعمت هایت سپاسم کوچک می نماید، و در کنار اکرامت بر من ستایش و گزارش از آن خود را پست و ناچیز نشان می دهد، نعمت هایت از انوار ایمان زینت هایی به من پوشاند، و لطایف نیکی ات خیمه هایی از عزت بالای

سرم افراشت، و عطاهایت گردن بندهای زیبنده ای به گردنم افکند که هرگز باز نشود، و طوق هایی بر من آویخت که به هیچ روی گسسته نگردد، عطاهای انبوهت زبانم را از شمردنش ناتوان ساخته، و نعمت های فراوانت فهمم را از دریافتشان کوتاه نموده،

تا چه رسد به بررسی کامل آن ها، سپاسگزاری ات چگونه برای من امکان پذیر است در حالی که سپاسم نسبت به تو خود نیازمند سپاسی دیگر است، پس هر نوبت که گفتم تو را سپاس، بر من واجب شد که به خاطر آن باز بگویم تو را سپاس، خدیا همان گونه که ما را به لطف طعام دادی و با احسانت پروریدی پس نعمت های سرشارت را بر ما به انجام رسان، و ناگواریهای ناخوشایند را از ما دور کن، و از بهره های هر دو جهان بالاتر و برترش را چه اینک و چه در آینده به ما عنایت کن، تو را سپاس بر خوبی آزمونت و بر نعمت های سرشارت، سپاسی که درخور خشنودی ات باشد، و خیر وجودت را به جانب ما جلب کند، ای بزرگ، ای کریم، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان

مناجات هفتم:رازونیاز فرمانبران خدا (برای روز پنجشنبه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدای فرمانبری ات را به ما الهام فرما، و ما را از نافرمانیت دور کن، و راه رسیدن به آن چه از خشنودی ات آرزومندیم آسان کن، و ما را در میان بهشت هایت جای ده، و از برابر دیدگان دلهایمان ابرهای شک و دودلی را بزدای، و از قلوبمان پرده های تردید و کوردلی را کنار زن، و از نهادمان باطل را زایل کن، و حق را در درون ما استوار گردان، زیرا شک ها و گمان ها بارورکننده آشوب ها، تیره کننده عطاها و بخشش های زلال و بی آلایش اند، خدایا ما را بر کشتی های نجاتت بنشان، و از لذّت رازونیازت بهره مند گردان، و به حوض های دوستی ات وارد کن،

و شیرینی محبّت و مقام قربت را به ما بچشان، کوششمان را در راهت و همّتمان را در طاعتت قرار ده، و نیتّ هایمان را در معامله با خود خالص گردان، چرا که ما با تو و از توییم و برای ما وسیله ای جز به سوی تو نیست، خدایا مرا از گزیدگان بندگان خوبت قرار ده، و به شایستگان نیکوکار ملحق کن، هم آنان که به بندگی پیشی گرفتند، و به سوی خیرات شتافتند و برای باقیات صالحات تلاش

کردند، و برای رسیدن به درجات بلند کوشش نمودند همانا تو بر هرچیز توانایی، و به اجابت دعا سزاواری، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان

مناجات هشتم:رازونیاز ارادتمندان (برای روز جمعه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

منزّهی تو، چه تنگ است راه ها بر کسی که تو راهنمایش نباشی، و چه آشکار است حق نزد کسی که راه را نشانش دادی، خدایا ما را به راه های رسیدن به سرایت بکشان، و ما را از نزدیک ترین راه های ورود به بارگاهت ببر، دور را بر ما نزدیک کن، و دشوار و سخت را بر ما آسان گردان، و ما را به آن بندگانت که با چالاکی به سویت می شتابند، و همواره در رحمتت را می کوبند ملحق نما، آنان که در هر شب و روز تو را عبادت می کنند، و از هیبتت در هراسند، بندگانی که آبشخورها برای آنان زلال کردی و به خواسته هایشان با کامیابی رساندی، و آنان را بر جوینده هایشان کامروا نمودی، و از روی فضلت حاجاتشان را برآوردی، و نهادشان را از محبّتت آکنده ساختی، و از زلال چشمه ات سیرابشان نمودی، اینان به وسیله تو به لذّت مناجاتت دست یافتند، و از حسن عنایت تو دورترین مقاصدشان را فراچنگ آوردند، ای کسی که بر روی آورندگان بر خویش روی آورد و با مهرورزی بر ایشان روی آور و بخشنده است، و به غفلت ورزان از یادش دلسوز و مهربان است، و برای جلب آنان به درگاهش با محبّت و عطوف است، از تو می خواهم مرا از کسانی قرار دهی که بهره بیشتری از تو دارند، و برترین جایگاه را نزد تو نصیب خود ساخته اند و از دوستی ات سهم برجسته تری به آنان رسیده، و در معرفتت بهره بیشتری نصیب آنان گشته است، همانا همّتم از همه جا بریده و تنها متوجّه تو گشته است، و رغبتم به جانب تو منصرف شده است، پس تنها تو مراد منی نه غیر تو، و شب زنده داری و بی خوابی ام تنها برای توست نه برای غیر تو، و دیدارت نور دیدگان من است و وصالت آرزوی هستی ام، و تنها به سوی توست اشتیاقم، تنها در مسیر عشق توست شیفتگی ام و در هوای توست دلدادگی ام، و خشنودی ات مقصود من، و دیدارت نیاز من، و جوارت مطلوب من، و قربت نهایت خواسته من است، آسودگی و راحتم در رازونیاز با توست، داروی دردم و درمان بیماری سینه ام، و خنکای آتشم قلبم، و برآمدن اندوهم

تنها پیش توست، پس در هنگام ترس همدمم باش، و لغزشم را نادیده گیر، و گناهم را بیامرز، توبه ام را بپذیر و دعایم را اجابت کن، و سرپرست زمامم و توانگری گاه تهیدستی ام باش، مرا از خود جدا مکن، و از خویشتن دورم مساز، ای نعمت و بهشت من، و ای دنیا و آخرتم، ای مهربان ترین مهربانان

مناجات نهم:رازونیاز شیفتگان (برای روز شنبه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا کیست آن که شیرینی محبتت را چشید پس به جای تو دیگری را برگزید؟و کیست آن که با مقام قرب تو انس یافت پس مایل به روی برتافتن از تو شد؟خدایا، ما را از کسانی قرار ده که برای قرب و ولایتت برگزیدی، و برای دوستی و محبتت خالص نمودی، و برای دیدارت مشتاق کردی، و به قضایت راضی ساختی، و نعمت نگاه به جمالت را عطایش کردی، و به خشنودی ات مخصوص گرداندی، و از غم هجران و دوری ات پناه دادی، و در جوارت در جایگاه راستی جای دادی، و به شناخت خود اختصاص دادی، و برای بندگی ات سزاوار کردی، و به اراده ات دلباخته فرمودی، و برای تماشای جمالت برگزیدی، و رویش را برای خود از غیر پاک کردی، و دلش را برای عشقت فارغ نمودی، و آن را به سوی آن چه نزد توست راغب فرمودی، و یادت را به او الهام کردی، و شکرت را نصیبش نمودی، و به طاعتت مشغول ساختی، و او را از بندگان شایسته ات گرداندی، و برای رازونیازت انتخاب کردی، و جدا کردی از او هرچه که او را از تو جدا می کند، خدایا ما را از کسانی قرار ده که شیوه هاشان آرام گرفتن به درگاه توست در حال زاری و روزگارشان آه و ناله است، و پیشانی شان در پیشگاه عظمتت بر سجده، و دیدگانشان در خدمتت بی خواب گشته است، و اشکشان از خشیت تو روان، و قلوبشان به عشقت آویخته و دلهایشان از هیبتت از جا کنده است، ای آن که انوار قدسش برای دیدگان عاشقانش جلوه گر است و بزرگی های جمالش برای قلوب عارفانش دیدنی است، ای آرمان دل مشتاقان، ای نهایت آروزهای عاشقان، از تو درخواست می کنم دوستی خودت را و دوستی آنان که تو را دوست دارند و دوستی هر کاری که مرا به میدان قرب تو می رساند، و این که خودت را نزد من محبوب تر از دیگران قرار دهی

و عشقم را به وجودت راهبر به سوی خرسندی ات بگردانی و شوقم را به حضرتت بازدارنده از نافرمانی ات سازی، خدایا تماشای زیبایی وجودت را بر من منّت گذار و به من به دیده عشق و عاطفه بنگر، و روی از من متاب، و مرا نزد خود از اهل خوشبختی و بهره مندی قرار ده، از اجابت کننده، ای مهربان ترین مهربانان

مناجات دهم:رازونیاز توسّل جویان (برای روز یکشنبه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا به پیشگاهت وسیله ای جز عواطب مهرت ندارم، و به درگاهت دست آویزی جز آن چه از رحمتت شناخته شده و جز شفاعت پیامبرت پیامبر رحمت رهایی بخش امت از رنج و ناراحتی ندارم، خدایا !این دو وسیله را برای من سبب رسیدن به آمرزشت قرار ده، و آن دو را رابطه ای برای دست یابی به خشنودیت بگردان، همانا امیدم به حریم کرمت فرود آمده، و مرکب طمعم به آستانه جودت بار انداخته است، پس درباره خودت آرزویم را محقّق ساز، و کارم را به خیر پایان ده، و مرا از آن برگزیدگانی قرار ده که در در میان بهشت قرارشان دادی و خانه کرامتت را در اختیارشان گذاردی و دیده آنان را در روز قیامت با نگاه به سوی جمال خویش روشن نمودی، و جایگاه راستی را در جوارت به آنان واگذار نمودی، ای آن که باریافتگان بر کریم تر از او بار نیابند، و قصدکنندگان مهربان تر از او را نیابند، ای بهترین کسی که شخص تنها با او خلوت کند، و ای مهربان ترین کسی که انسان رانده به جانب او روی آورده، به سوی گستردگی عفوت دست گدایی دراز کردم، و به دامن کرمت چنگ آویختم، مرا سزاوار حرمان مکن و به ناامیدی و زیان دچار مساز، ای شنوای دعا، ای مهربان ترین مهربانان.

مناجات یازدهم: رازونیاز نیازمندان (برای روز دوشنبه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا شکستگی ام را جز لطف و محبتت جبران نکنند، و تهیدستی ام را بی نیازی نرساند جز مهر و احسانت، و هراسم را جز امان تو آرام ننماید، و خواری ام را جز توانایی ات به عزّت تبدیل نکند، و مرا جز فضلت به آرزویم نرساند و شکاف فقرم را جز احسان تو پر نکند، و حاجتم را کسی جز تو بر نیاورد، و غمزدگی ام را جز

رحمتت برطرف ننماید و بدحالی ام را جز مهرت نگشاید و سوز سینه ام را جز وصل تو خنک نکند و آتش درونم را جز دیدارت خاموش نگرداند و بر حرارت شوقم به تو جز نگاه به جمالت آب نریزد، و آرامشم بدون نزدیک شدن به حضرتت برقرار نشود و حسرتم را جز نسیم رحمتت برنگرداند، و بیماری ام را جز درمانت شفا ندهند و غمم را جز مقام قربت برطرف نسازد، و زخمم را جز چشم پوشی ات التیام ندهد، و آلودگی دلم را جز گذشت تو نزداید، و وسواس سینه ام را جز فرمانت از میان نبرد، ای نهایت آرزوی آرزومندان، ای غایت خواهش خواهندگان، ای دورترین مطلوب جویندگان، ای والاترین رغبت راغبان، ای سرپرست شایستگان، ای امان ترسیدگان، ای اجابت کننده دعای بیچارگان، ای ذخیره ناداران، ای گنج بینوایان، ای فریادرس دادخواهان، ای برآورنده حاجات تهیدستان و بر خاک نشستگان، ای کریم ترین کریمان، ای مهربان ترین مهربانان، فروتنی و خواهشم به پیشگاه توست، و زاری و ناله ام به سوی تو، از تو می خواهم مرا به نسیم خرسندی ات برسانی، و نعمت های نیکویت را بر من تداوم بخشی، من اینک بر در خانه کرمت ایستاده ام، و در معرض نسیم های نیکی ات قرار دارم، و به رشته محکمت چنگ زده ام و به دست آویز استوارت دست آویختم، خدایا بر بنده خوارت که زبانش گنگ، و عملش اندک است رحم کن، و با احسان پیوسته و برجسته ات بر او منّت گذار، و او را زیر سایه بلندت حمایت فرما، ای گرامی، ای زیبا، ای مهربانترین مهربانان.

مناجات دوازدهم: رازونیاز عارفان (برای روز سه شنبه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا زبآن ها از ادای ثنایت آن چنان که شایسته عظمت توست کوتاه است، و خردها از درک ژرفای جمالت ناتوان است، و دیده ها از تماشای بزرگی های ذاتت درمانده است، برای خلق راهی به سوی شناسایی ات جز ناتوانی از شناخت قرار ندادی، خدایا ما را از کسانی قرار ده که شاخسارهای اشتیاق به سویت در بوستان های سینه هایشان استوار و پابرجا شده است و سوز عشقت در کانون دلهایشان برافروخته، از این روی به آشیانه اندیشه های والا جای گیرند، و در گلستان قرب و مکاشفه ات می گردند، و از حوض های محبّتت با جام ملاطفت می نوشند و در کنار

نهرهای صفا وارد می شوند، درحالی که پرده از دیدگانشان برداشته شده، و تاریکی دودلی از باورها و ضمایرشان زدوده گشته، و خلجان شک از دلها و باطنشان بیرون رفته، و سینه هایشان با تحقّق معرفت گشوده شده، و همّتشان برای پیشی گرفتن در میدان خوشبختی بر اثر زهد بلندی گرفته، و نوشیدنشان در چشمه زلال کردار گوارا شده، و باطنشان در مجلس انس پاکیزه گشته، و راهشان در جای ترسناک ایمنی یافته، و جانشان با رجوع به رب الارباب اطمینان یافته، و ارواحشان به نیکبختی و رستگاری یقین یافته، و دیدگانشان با نظر به محبوبشان روشنی گرفته، و آرامششان با دریافت خواهش و رسیدن به آرزو استقرار یافته، و تجارتشان در فروش دنیا به آخرت سودبخش بوده، خدایا چه لذّت بخش است در دلها خاطرات الهام گرفته از یادت، و چقدر شیرین است پویش به سوی تو با مرکب اندیشه ها در راه های غیب، و طعم عشقت چه خوش، و شربت مقام قربت چقدر گوارا است، پس ما را از راندن و دور کردنت پناه ده، و از خاص ترین عارفانت و شایسته ترین بندگانت و راستگوترین فرمانبرانت و خالص ترین پرستندگانت قرار داده، ای بزرگ، ای باشکوه، ای گرامی، ای بخشنده، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

مناجات سیزدهم: رازونیاز ذاکران (برای روز چهارشنبه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا اگر پذیرش فرمانت بر من واجب نبود هر آینه پاک نگاه می داشتمت از این که ذکر تو گویم، چه ذکر من تو را به اندازه کاستی من است نه برازنده کمال تو، شأن و اندازه من چقدر می تواند بالا رود تا ظرف تقدیس تو قرار گیرم؟از بزرگ ترین نعمت ها بر ما جاری شدن ذکر تو بر زبان ماست، و اجازه ات به ماست که تو را بخوانیم و تنزیه و تسبیح گوییم،

خدایا پس ذکرت را به ما الهام کن در نهان و آشکار و شب و روز، و پیدا و پنهان، و در خوشی و ناخوشی و ما را به ذکر پنهان مأنوس فرما و به عمل پاکیزه و کوشش پسندیده بکار گیر، و به میزان کامل پاداشمان ده، خدایا دلهای عاشق شیفته تواند، و خردهای جدای از هم بر معرفتت گرد آمده اند، بدین خاطر دلها آرام نگیرند جز به یاد تو، و جان ها جز به هنگام مشاهده ات راحتی نیابند، تو تنزیه شده ای، در هرجا، و پرستیده گشته ای در هرگاه و در همواره روزگار

بوده ای، و به هر زبان خوانده شده ای، و در هر دلی بزرگداشت شده ای از هر لذّتی به جز ذکر تو، و از هر آسایشی جز همدمی با تو، و از هر شادمانی به غیر قرب تو، و از هر شغلی جز طاعت تو پوزش می جویم، تو گفتی و گفتارت حق است که:ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را بسیار یاد کنید و در بامداد و شامگاه او را تسبیح گویید و تو گفتی و گفتارت حق است:«مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم«ما را به یاد کردنت فرمان دادی، و وعده فرمودی که تو نیز از روی شرافت و عزّت و کرامت بخشیدن به ما، ما را یاد کنی، اکنون برابر با فرمانت تو را یاد می کنیم، پس تو نیز به وعده ات وفا کن، ای یادآور یادکنندگان، و ای مهربان ترین مهربانان.

مناجات چهاردهم: راز و نیاز پناه جویان (برای روز پنجشنبه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا ای پشتیبان پناه جویان، و ای پناه پناهندگان، و ای رهایی بخش هلاک شدگان، و ای نگهدار بینوایان، و ای مهرورز بی چیزان، و ای اجابت کننده درماندگان و ای گنجینه تهیدستان و ای جبران کننده شکست خوردگان، و ای جایگاه آوارگان، و ای یاور ناتوان شمردگان، و ای پناه دهنده ترسیدگان و ای غمگسار غمزدگان، و ای دژ پناهندگان، اگر به عزّتت پناه نیاورم پس به که پناه برم، و اگر به قدرتت پناهنده نشوم، به که پناهنده شوم؟گناهان وادارم ساخته که به دامان گذشتت چنگ زنم، و خطاها محتاجم کرده که از تو خواهم درهای چشم پوشی ات را بر من بگشایی، و بدیها مرا فراخوانده تا به آستان عزّتت بار اندازم، و هراس از انتقام وادارم کرده که به دستاویز مهرت چنگ زنم، کسی که به ریسمانت چنگ زده سزاوار نیست خوار گردد، و آن که به عزّتت پناهنده شده، شایسته نیست رها گردد یا واگذاشته شود، خدایا ما را از حمایتت محروم مکن، و از پوشش رعایتت برهنه مساز، و از پرتگاه های هلاک دورم کن، زیرا ما در سایه توجه تو و در حمایت تو به سر می بریم و از توییم، از تو می خواهم به حق خاصان از فرشتگانت، و شایستگانت از بندگانت، که برای ما سپری قرار دهی که ما را از هلاکت ها برهاند، و از آفات برکنار دارد، و از بلاهای سخت نگهداری کند، و هم این که آرامش خود را بر ما نازل کنی، و چهره های ما را به انوار

محبتت پرفروغ گردانی، و ما را در پناهگاه محکمت پناه دهی، و در کناره های نگهداری خویش بگنجانی، به حق مهر و رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

مناجات پانزدهم: رازونیاز پارسایان (برای روز جمعه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا، ما را در خانه ای ساکن نموده ای که گودال های فریبش را برای ما آماده ساخته، و در شبکه های خیانتش به دست های مرگ آویخته، از دام های فریبش به تو پناه می آوریم، و چنگ می زنیم از مغرور شدن به زیورهای آراسته اش به عنایت تو، که این دنیا خواهندگانش را هلاک می سازد، و واردینش را نابود می کند، آکنده به آفت هاست، انباشته از نکبت هاست، خدایا ما را به دنیا بی رغبت کن، و به توفیق و عصمتت ما را از آن سلامت بدار و جامه های مخالفت را از هستیمان برکن، و با حسن کفایتت امور ما را سرپرستی فرما، و فزونی سهم ما را از رحمت گسترده ات کامل گردان، و از چشمه سار مواهبت عطای ما را نیکو گردان، و در سرزمین دلهای ما درختان محبتت را بکار، و انوار معرفتت را بر ما کامل کن، و شیرینی گذشت و لذّت آمرزشت را به ما بچشان، و دیدگان ما را در جهان دیگر به دیدارت روشن فرما، و محبّت دنیا را از دل ما بیرون کن، آن گونه که درباره نیکوکاران برگزیده ات و خاصان نیکوکردارت انجام دادی، به حق مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان و ای گرامی ترین گرامیان.

22. مناجات انجیلیه از مناجاتهای امام زین العابدین علیه السلام است. این مناجات را در کتاب انیس العابدین یافتم که یکی از علمای پیشین، از آ ن حضرت علیه السلام روایت نموده اند. و دعا این است:

بسم الله الرحمن الرحیم. خداوندا، با نام تو گفتارم را آغاز می کنم و سپاس تو برآورده شدن خواسته ام را طلب می کنم. و درهمه حالات به تو توکل می کنم. تو امید من هستی پس امیدهایم را به نومیدی بدل نکن. خداوندا، به یاد تو، پناه می برم و به ذکر تو چنگ میزنم و به رکن تو پناه می برم و به تو امید می بندم و به نیروی تو پناه برده و از نیروی تو نصرت و یاری می طلبم. با نور تو هدایت می شوم و بینا می گردم. تنها از تو یاری می خواهم و تنها تو را می پرستم. مقصد و پشتیبان من تویی

به مدد تو من با دشمنان مقابله می کنم و تلاش می کنم و آن چه را که برایش تلاش میکنم از تو میخواهم. پس ای بهترین یاری کنندگان، یاریم کن. وای امید و آرزوی مومنان مرا از هر بدی محفوظ بدار.

سپاس مخصوص خداوندی است که همه زبان ها ذکر او گفته شده و در مقابل همه نیکی ها، از او سپاسگزاری شده است. و در همه مکان ها مورد پرستش قرارگرفته است. او که تدبیرگر امور و تقدیرگرروزگاران است. او که به آن چه که دریا درخود نهان داشته و سینه ها درخود جای داده و تاریکی ها از تیررس دید آدمی مخفی کرده، ونور آشکارش می کند، داناست. همان خداوندی که دانشمندان درعلم او حیرانند و حکیمان دربرابر حکمتش تسلیم و بزرگان درمقابل عزت و اقتدارش سر تعظیم فرود آورده اند. و فضل و بخشش او از هر بخشنده ای افزون است.و با حلم و بردباری که دارد، سرور همه بردباران است. سپاس خداوندی را که هرکس درپناه او قرار گرفت، بی پناه نمی گردد. و کسی که درپناه عظمت او قرار گرفت، هرگز مغلوب نمی شود. و هرکس آشکارا نعمت های او را سپاس گوید، هرگز به تنگدستی و گدایی نمی افتد. و هرکس تحت پوشش رحمت او قرار گرفت، هلاک نمی گردد. آن خدایی که منت های بی شماری برما نهاده که شمارشگران از شمارش آن ناتوانند و نعمت های او آنقدر زیاد است که هر قدربندگان عابد درشکرگزاری او تلاش کنند نمی تواند سپاس نعمت های او را ادا کنند. و صنع و آفریده های او آن قدر گویاست که منکران نیز نمی توانند آن نشانه ها را رد کنند. و دلایل روشن راهنما و روشنی بخش او، همه را به سوی او هدایت می کند. او را سپاس گفته وآشکارا وعلنا ستایش و از نعمت هایش قدردانی می کنم. سپاس و ستایش کسی که توفیق شناخت او را داشته و به عدالت او اطمینان دارد. سپاس بی پایان و اعتقاد حتمی تنها خداوند را سزد.

خداوندا، من خواسته ام را از تو می طلبم و به تو توسل جسته و به تو توکل می کنم. فضل و بخشش تو را غنیمت داشته وبه ریسمانت چنگ زده و به رحمت تو رغبت دارم و از خشم تو ترسانم و از نیروی توکمک گرفته و به عظمت تو پناه می برم.خداوندا، تو سرپرستی هستی که هدایت می کنی و توانگری که بخشش می کنی

ویاری گری هستی که حمایت می کنی.تو رحمت کننده و بخشاینده ای. نجات دهنده و پناه دهنده ای. درهم کوبنده و هلاک گری. آفریننده بردباری و روزی دهنده و بزرگواری. قبل از همه مخلوقات وجود داشتی و وجودت همیشه بوده است. تو آن چه را که بدان علم داشتی، آزمودی. بردباری کردی و پوشاندی. مهربانی کرده و آمرزیدی. عظمت و شکوه داری و برهمه چیز چیره ای. فرمانروایی را درحد اختیار گرفته و آن را تنها از آن خود ساختی. بر همه چیز احاطه داری و اقتدار داری. حکم تو عین عدالت است. نعمت دادن از روی بخشش و لطف توست. همه گیتی را بدون نمونه و به بهترین وجه آفریدی. درآفرینشت هیچ نقصی راه ندارد. بخشش تو توانگری است. یاری تو کفایت می کند. آفرینش تو به بهترین وجه است. توفیق تو هدایت است. غیب را از بندگان نهان داشتی و خود به اسرار نهان آن آگاهی. میان قلب ها و اختیارش حایل گشتی و مردم یقین کردند که تو تدبیرگر آن هایی. اذعان کردند که تو روزی شان را تقدیر می کنی. خدایی جز تو نیست و تو بسی والاتر از آنی که ستمکاران گویند.

خداوندا، من تو را که از هر شاهدی نزدیکتر هستی، شاهد می گیرم و فرشتگان مقرب تو را و بندگان صالح ات از انس و جن، شاهد می گیرم که با نیتی خالص و بصیرتی بدور از تردید، با اخلاص ویقین گواهی می دهم و این شهادت و گواهی به امید آزادی از عذاب و امان ذخیره می کنم و برای تصدیق ربوبیت تو من در نهان گواهی می دهم. و برای این که تو را به یگانگی یاد کرده باشم آشکارا، گواهی می دهم. و از این گواهی خود هرگز روی گردان نشده و به طریقه الحاد آن را تأویل نخواهم کرد. وگواهی من چنین است که تو خداوند و پروردگار من هستی که من هیچ کسی را شریک تو قرار نخواهم داد. و پناهگاهی جز تو نخواهم یافت. خدایی جز خداوند یکتا و بی نیاز نیست. همان خدایی که تعدد نپذیرد و همان یگانه ای که با هیچ کس مقایسه نشود. بسی والاتر از آن است که او را همسان و مساوی با چیزی قرارد داد. او که نه فرزندی و نه همسری دارد. منزه است آن آفریدگار که چه خوب آفریده و آن روزی دهنده ای که بسیار می بخشد و آن خدایی که نزدیک است چقدر والا مرتبه است. آن اجابت کننده بندگان چقدر شنواست و آن توانمند چقدر شکست

ناپذیر است. و برای اوست توصیف برتر در آسمان هاو زمین و اوست توانمند و حکیم.

و گواهی میدهم که محمد پیامبر مرسل او و ولی برتر اوست و شاهدی است به عدالت شهادت میدهد. و با نور روشنا بخش مورد حمایت قرار گرفته و با امر مورد پسند، پشتیبانی شده است. پیامبری که خداوند او را با اوامر شفا بخش نواحی بازدارنده و آیات هدایتگر بر انگیخت. همان آیاتی که برهانش را آشکار و بنیانش تشریح نمود، در کتابی که بر همه کتاب ها برتری دارد و تمام حقایق و درستی را در بر دارد. همان کتابی که اخبار نسل های گذشته و تفصیل مسائل و احکام و فریضه نماز و روزه و تفکیک بین حلال و حرام در آن است، و پیامبر هم مردم را به بهترین راه دعوت نمود و سرگشتگی دلهای آشفته را درمان کرد تا این که حق پیروز و آشکار گشت و باطل از بین رفت و ناتوان شد. درود بی پایان وبیشمار خداوند بر او و آل او باد. درودی که نه در زمانی خاتمه یابد و نه در شماره آید.

خداوندا، مادامی که ستارگان در برج ها حرکت می کنند و دریاها با امواج متلاطم می گردد و ما دامی که شب تیره و تاریک است و مادامی که روز روشن آشکار است، برمحمد و آل محمد درود بفرست و مادامی که روزها از پی هم می آیند و سال ها از پی هم می گذرند و مادامی که در وهم انسان، ایده ها خطور می کند و اندیشه انسان تدبیر می کند و مادامی که انسان ها باقی هستند، برمحمد و آل او درود بفرست.

پروردگارا، بر محمد خاتم پیامبران و خاندان نیکوکار و با تقوایش و نیز برعترت با اصل ونسبش درودی کامل و پربار بفرست چنان درودی که از بین نرود و نه پایان یابد.

خداوندا، ای پروردگار جهانیان و ای والاترین قضاوت کننده، ای مهربان ترین مهربانان، من عادلانهترین شهادت و با نشاطترین عبادت و سادهترین افزونی و غبطه آورترین بزرگواری و محتاطانهترین سلامتی و عادلانهترین کار و موفقترین آرزو و صادقانهترین گفتار و بهترین محل و لطیفترین منزل و جامعترین حمایت و مهربانانهترین سرپرستی و کافیترین نگهداری و شافیترین راحتی و کاملترین نعمت

و بالاترین همت و نورانیترین قسمت و پربارترین روزی و پاکترین اخلاق و راستترین شیوه و ستودهترین عاقبت و درستترین راه و محکمترین تدبیر و نیکبختترین حدود و مجربترین کار و بهترین سود و موفقترین خانواده و کاملترین بهره و گستردهترین برکت و عظیمترین عمل صالح را از تو مسئلت دارم.

خداوندا من از تو قلبی خاشع و پاک و نام نیک و مقام برجسته، روزی فراخ و گوارا و زندگی همراه با آسایش و خوشی میخواهم. خداوندا، من از سختی زندگی و از شر هر تلاشگر و جاسوس و دشمنان و انسان های پست و از هربدی پنهان و آشکار، به تو پناه می برم. خداوندا، از دعایی که بالا نرود و از امید دروغین و از بی حیایی و مناظره شکست پذیر و اندیشه نادرست به تو پناه میبرم.

خداوندا،

همه از تو کمک می خواهند و به تو پناه میبرند. تکیهگاه و پناهگاه تویی. پس از نعمت های لطیفت نصیب من قرار بده که تو خود، لطیفی و مرا به محنت دچار مکن که من ضعیفم. ای خداوند رئوف و مهربانی مرا درپناه مهربانی خود جای بده. ای خداوندی که کسانی را دل از هرچه غیر اوست ببرند و به او رو کنند، پناه می دهی. و کسانی را که به او توکل کنند، توانگر می سازی و از بی نیازی خود بر من فقیر جود و بخشش کن و تکلیفی که افزون بر توانم باشد برمن تحمیل مکن.

خداوندا، مرا از کسانی قرار بده برای رسیدن به تو تلاش کردند و از این تلاش دست بردار نبودند. و به راهی گام نهادند که تو ختم می شود و هرگز از این راه بیراهه نرفتند. و در رسیدن به تو، به خود تو تکیه کردند تا این که رسید ند و تو قلب های آنان را از محبت خود سیراب، و جان هایشان را با معرفت خود مأنوس ساختی. و هیچ چیز موجب گسست آنان از تو نشد و هیچ عاملی نتوانست مانع رسیدن آنان به آن چه درنزد تو امید داشتند، گردد. پس آنان در شرایط دلخواه خود از نعمت های تو برخوردار و جاودانه هستند. وحشت بزرگ آنان را اندوهگین نمی سازد. و فرشتگان به استقبالشان می آیند و می گویند این همان روزی است که به شما وعده داده می شد.

خداوندا، قلب و زبان از آن توست و نجات و امان من نیز با کمک توست. تو به آن چه من دردل دارم و آن چه اظهار می کنم آگاهی پس کینه را در

دل من بمیران

ص: 195

و زبانم را از گفتار زشت باز دار و دل مرا از بند خواهش ها رها ساز. و با امان خود، مرا در مقابل مشکلاتی که مانع راه من است، کفایت نما. خداوندا، تنهایی و پنهانی های مرا با نظارت خودت پیوند ده و کارهای ظاهریام را با اطاعت خود موافق گردان. و جسمی روحانی و قلبی آسمانی و همتی وابسته به خود و یقینی راستین در دوستی ات، به من عطا کن. و ستایش هایت، آن را که بیشتر با آن ستوده می شوی، به من الهام کن. خداوندا مناسب ترین و سازگارترین فایده را نصیب من گردان که تو صاحب ستایش و سپاسی و مجد و بزرگواری در اختیار توست.

ای کسی کسی که سرکشی متمردین از اقتدار حکومتش نمیکاهد و ایمان موحدین چیزی به جبروتش نمی افزاید. کرم و بزرگواری ات را شفیع خود قرار می دهم که نعمت های بزرگی که به من ارزانی داشتهای از من نگیری. و با حسن نظری که بر من داری مرا از ورطه هلاکت ها بازداری و مرا از روی لطف انتخاب نموده و راه های نجات را به من بشناسانی.

ای که رحمت او به نیکوکاران نزدیک است و بخشایش او برای توبه کنندگان واجب. خداوندا، با رحمت خود، نیکی و احسان را نصیب ما کن. با نعمت خود لباس عفو و غفران برما بپوشان. خواهش های ما را همراه با حیا قرار بده تا حیا خواهش های ما را از شهوت ها جدا سازد. قلب ما را از نوری آکنده ساز که آن را از شبهه ها باز دارد. و ترس کسانی را که از سختی روز حساب هراس دارند، برجان ما مسلط کن. به ما امید کسانی را که به ثواب امید و یقین دارند، عطا کن. تا مهلت دادنت ما را نفریبد و درانجام اعمال صالح کوتاهی نکنیم و از تسبیح و ستایش تو در صبحگاهان و شامگاهان خسته نگردیم.

ای کسی که عارفان را با گواری مناجاتت انس دادی و به گنهکاران لباس دوستی پوشاندی کسی که همتش در راهی غیر از تو باشد، کی شادمان گردد ؟ و کسی که عزم و اراده اش در طلب کسی غیر از توباشد، کی راحتی بیند ؟ و کیست آن که با اراده راستین قصد تو نمود و تو او را برای رسیدن به مقصودش یاری ننمودی ؟ و کیست آن که درکارخود به تو توکل نمود و تو او را به خوشبختی نرساندی و کیست آن که از تو راهنمایی خواست و تو او را راه نشان ندادهای ؟

ص: 196

خداوندا، این بنده ضعیف و بی چیز و درمانده و حسرت به دل و بی پناهت خوب می داند که تدبیر امور در دست تو و تقدیر روزی بر اساس اراده توست.و تو با قدسیت خود، حیات همه موجودات را رقم زدی و آن را نجات هر موجود زنده ای قرار داده ای. پس به این بنده ات، از شیرینی مودتت که او را به خشنودی ات می رساند، روزی ده. و به او خشوع و خضوعی عطا کن که در روی آوردن به درگاهت خود را کم بنگرد. به او سلامت درزندگی و مرگ عطا کن و به او آن چه توکل کنندگان را کفایت کند و سرپرستی افراد تحت تکفل او را کافی باشد.عزت و ولایت نمازگزارانی که نمازشان مقبول است به او عطا کن.

ای کسی که از پدر دلسوز نسبت به من مهربانتر هستی و از یار همراه به من نزدیکتری. تو مونس تنهایی من هستی آن زمان که در مکانی تنها بمانم و از دیار و کاشانه ام بیرون رانده شوم و همراهان و همسایگان مرا تنها گذارند و من تنهای تنها درجایی که محدوده آن اندک و سقف آن کوتاه و ضریح آن تنگ، و پوشیده شده با سنگ قرار گیرم. همان جایی که منظر آن ترسناک و خاک آن سنگین و فضای آن آکنده از وحشت و ساخت آن پوشیده شده با ظلمت، نه تخت خوابی در آن است و نه بالشی. نه توشه ای برای آن ذخیره کرده ام و نه زادی. پس ای خداوند، به وسیله رحمتت مرا درآن شرایط دریاب همان رحمتی که اکناف آن هم اشیا را دربر گرفته و اطراف آن همه موجودات زنده را جمع کرده و الطاف آن همه مردم را تحت پوشش قرار داده است. وای خداوند کریم عفو و بخششت را به من بازگردان و مرا به خاطر نادانیهایم مؤاخذه مکن. ای خداوند مهربان.

خداوندا، به کسی که گناهانش او را دربرگرفته، و خطاهایش وی را احاطه نموده و جنایت هایش گرداگرد او را گرفته اند، رحم کن. خداوندا، به عفو خودت قسم، به کسی که هیچ کسی نمی تواند به خاطر کارهایش شفاعتش کند، و هیچ چیز نمی تواند او را از عذاب تو نجات دهد، رحم کن. خداوندا، به عفو خودت قسم، به کسی که هیچ کسی نمی تواند به خاطر کارهایش شفاعتش کند، و هیچ چیز نمی تواند او را از عذاب تو نجات دهد، رحم کن. خداوندا، به این بندهات که از آن چه که بر وی سایه افکنده غافل مانده و فراموش کرده که برای چه منظوری آفریده است، رحم

کن. بر کسی که پیمان شکنی کرد و آن را توجیه کرد و به معصیت تو روی آورد و بر آن اصرار ورزید و درآشکار و نهان نادانی کرد، رحم کن. بر کسی که نقاب حیا را از چهره کنار زده و لباس تقوا کاران را از روی شانه هایش کنار زده و با ارتکاب کارهای ناپسند جسارت نموده و خشم تو را سبب شده است، رحم کن. ای کسی که همراه بخشاینده و آمرزنده ای بر کسی که همواره دچار لغزش و خطا می شود، رحم کن.

خداوندا، گناهان گذشته ام را بیامرز و پایان کارم را چنان قرار بده که رضایت تو درآن است. خداوندا، عزمم را چنان قرار بده که بسویت تو به نمایم، توبه ای ماندگار که مورد قبول تو باشد و به واسطه این توبه لغزش هایم را ببخشی و زشتی هایم را بپوشانی و بر اشک هایم رحم کنی و از انتقام هلاکت بار به خود، پناهم دهی، و با نعمت هایی که به من عطا می کنی مرا شادمان میسازی؟ در روزی که همه خبرها آشکار شده و خطرات هولناک پدید آید و نهانها بر ملا شود و پرده ها فرو افتد و قلب ها و چشم ها از شدت ترس از حرکت باز ایستد. روزی که عذر خواهی ظالمان سودی به حالشان نمی بخشد و لعنت خدا بر آن ها و جایگاه بسیار بدی نیز بر آنان است . تو سرچشمه نعمت ها و بخشش هستی و سختی ها و عذاب را تنها تو از بندگان باز می داری. خدایی جز تو نیست بر تو تکیه می کنم و از تو یاری می جویم و تو را کافی میدانم و کافی است که تو یار و مدافع من باشی.

ای خدایی که خزانه روزی همه آفریده هایت در اختیار توست و تو آفریننده گونه های مختلف مخلوقات هستی. وای کسی که هفت آسمان را که راه فرشتگان است برروی هفت طبقه زمین بنا نهادی و ای خداوندی که در اوج وقار عزت هستی و همیشه هیبت و بزرگواری از آن توست. و در بخشش روزی به بندگانت کریم و بخشنده ای. و هیچ حد و مرزی برای تو قابل تصور نیست و هیچ عددی و هیچ توصیفی نمیتواند حد و اندازه قدرت و بخشش تو را خلاصه کند.

ای مالک خزانه های روزی، ای خالق انواع جانداران، ای آفریننده هفت راه پیموده شده بر فراز هفت زمین، (همان راه هایی) که در برابر آن عالی مقامی که در اوج وقار و عزت و منعت به سر می برد، خوار و ناچیز است. همان که بر رفعت و

هیبت کبریاییاش همیشه پایدار است. همان بخشندهای که بر بندگانش بی حساب می بخشاید، هیچ جوینده ای او را در نمی یابد و کسی توان وصف او را ندارد، حمد و سپاس از آنِ خداوندی است که آفریننده ی گونه های انسان است، همان که نور را به تاریکی وارد می سازد و موجودات را از عدم به وجود می آورد و خودش در وجود بر همگان سبقت گرفته و قدیم است. نسبت به بندگان بخشنده است و بدیشان نعمات ارزانی می دارد و دوباره با فضل و بخشش به سوی آن ها باز می گردد، با فضل و کرمی که هر چقدر هم از آن انفاق کند به پایان نمی رسد. ترس فقر برای او معنایی ندارد و این روزی پراکنی هرگز در کرم و جود او خللی وارد نمی آورد، آدمیان هرگز نتوانند او را با چشم سر ببینند و هرگز به بدی وصف نمی شود. او را به خاطر نعمت های بسیارش ثنا می گویم و از این که یاریش را از من بردارد به او پناه می برم و به نور برهان و راهبریش از او هدایت می طلبم و کاملا به او ایمان دارم و شهادت می دهم که هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست. یگانه است و هیچ شریکی ندارد.همان که بخشش تمام خلق را در بر گرفته و حکم او در باب آن بندگانی که از راه خداوند گمراه شده اند و همین طور آنانی که هدایت یافته اند، قاطع و حتمی است. او نسبت به تمام کسانی که اطاعتش نمایند و یا عصیان و سرکشی کنند، عالم است و با عزتی فراگیر و همیشگی بر ملک و ملکوت حاکم است. همه آسمان ها، زمین و اطراف و حواشی آن ها، کوه ها و راه های کوهستانی، درختان و شاخه هایشان، دریاها و جانداران موجود در آن ها،

ستارگان در جایگاه ظهورشان، باران ها در آن هنگام که می بارند، حیوانات وحشی زمین، رود های نیرومند به همراه امواج آن ها، آبهای گوارا چه تلخ و چه شور، بادهای غبارآلود و هر چیزی که در این خلقت در نام و وصف گنجد یا بتوان حد و مرزی برایش قائل شد، هر چه که به ذهن آید یا بتوان به چیزی او را تمثیل زد، همه آن چیزی که به عرض و جوهر نسبت داده می شوند، چه کوچک باشد و چه بزرگ، حقیر یا عظیم، همگی به عبودیت و خاشعانه به بندگی خویش اعتراف دارند و در وحدانیت او هیچ شکی ندارند، جمله ی اینان مطیع و گوش به فرمان خداوند هستند و در برابر خواست و اراده ی او خاضع و تسلیم هستند، تمام این ملک هستی یکپارچه در دست اوست

همانی که همیشه باقیست و این دوام را پایانی نیست و عدد او را پایانی نیست، شهادت می دهم که محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده ی بخشنده و پیامبر پاک و معصوم اوست که خداوند او را به پیغامبری مبعوث نمود در حالی که مردم آن روزگار در کشاکش گمراهی و غرور جهالت به سر می بردند. نه به صدق سخن می گفتند و نه به حق عمل می کردند، قساوت و سنگدلی آنان را در بر گرفته بود و شقاوت بر روح آنان مسلط گردیده بود البته غیر از کسانی که خداوند خود می خواست تا نجاتشان بخشد و آنان را مورد رحمت خود قرار داده، یاریشان نماید. محمد صلی الله علیه وآله و سلم، (در این چنین فضایی) به پا خواست و پی در پی با عزمی راسخ و حکمی قاطع به انذار این قوم پرداخت و آنان را به سوی انوار الهی رهنمون گردید. تا این که شهاب ایمان تابیدن گرفت و انجمن شیطان پراکنده گردید و خداوند به سربازانش عزت عطا نمود و (آنگاه) تنها خداوند پرستیده می شد، پس از آن خداوند او را برگزید و تا مرتبه شادی بهشت و کرم بی نهایتش بالا برد و در حالی روح او را قبض کرد که پاک، مزکّی، خشنود و پاک بود. کلام صادقانه و عادلانه ی پروردگارت به انتها رسید همان سخنانی که هیچ تغییری در آن ها راه ندارد. خداوند شنوای دانا بر او، خاندان، نزدیکان و خویشاوندان و زیر دستانش درودی باشکوه و پسندیده بفرستد. درودی که پی در پی بر آن افزوده گردد، بلندای او را فرودی و اوج گرفتن او را مانعی نیست. همان درودی که تا جایگاه رفیع ارواح و مقام رستگاری ایشان بالا رفته و خداوند (هر لحظه) بر تحیات این درود بیافزاید و صلوات آن را نزدشان شریف گرداند. و آنان این درودهای پی در پی را در همان مقام عالیشان همراه با سروری الهی دریافت خواهند داشت. و این سرور همواره در ردای طراوت، تازگی و نوری مدام پیچیده شده است. خداوندا همواره کامل ترین و شریف ترین درودها، زیباترین و لطیف ترین تهنیت ها، وسیع ترین و بهتربن برکات و شایسته ترین و والاترین مواهبت را بر محمد صلی الله علیه وآله و سلم فرو فرست، همان که خاتم پیامبران و اشرف امیّان است و همچنین از این عطای باشکوهت بر خاندان مطهر و برگزیده اش، همان عترتی که نجیبند و تو ایشان را برگزیده ای و بر پیروان وفادار و یاران برجسته او از انصار و مهاجر نیز نازل کن. و

ص: 200

او را در روز قیامت شفیع ما قرار ده همراه تمام کسانی که به مانند او در زمره ی یکتا پرستان قرار می گیرند ای بهترینِ کریمان و ای بهترینِ رحم کنندگان! خداوندا تو همان مالکی هستی که هیچ کس بر تو مالکیت ندارد و یگانه ای هستی که شریکی ندارد. ای شنوای اسرار نهانی و ای دفع کننده ی مضرات و بلایا، ای از بین برنده ی سختی و اندوه و ای پذیرنده ی عذر و توبه، ای عیب پوش بندگان! عیوب مرا به لطف و رأفت خویش بپوشان و به بزرگی رسان و از روی رعایت و حفاظت، مرا به مقام بقاء رسان و از روی عنایت و لطف مرتبه ی نهایی ایمان را نصیبم کن. به حکم رحمت و شفقتی که بر بندگان داری مرا از آنانی قرار ده که به عهد و پیمانی که با تو بستند وفادارند و قلبم را همیشه سرشار از مهربانی و شفقت بر نیازمندان کن. ای کسی که همواره رفتارش با من در غایت نیکویی بوده است و هرگز عیب پوشیش را از من دریغ ننموده و در عقوبت من عجله ای نداشته است. فضل و کرمت را بر من تمام کن و مرا به موجب آن چه از من پوشاندی و مخفی نگاه داشتی، مؤاخذه ننمای. ای مولای من! چه بسیار نعماتی که به خاطر بهجت و سرور پنهان در آن ها، پوشیده داشتی. و چندین بار دستم را گرفتی تا هدایتم نمایی و بارها با مهرورزی خود باری بر شانه های من گذاشتی که حمل آن برایم دشوار است و من هرگز نمی توانم این فضل و کرم را به درستی بر زبان آورم و قدرت سپاسگزاری من در برابر این همه نعمت بسیار عاجز و قاصر است. این نعمات از حد شمارش خارجند اما من با تمام این ها در برابر تو سرکشی کردم و فراموش کردم که تو را به خاطر داده ها و احسانت شکر گویم و وای بر من که چه بد حالی خواهم داشت اگر مرا با غفران و بخششت مورد رحمت قرار ندهی و شکرگذاری نعماتت را به من یاد ندهی چرا که اگر توفیقی از جانب تو مرا در نیابد،

نمی توانم حق تو را آن طور که شایسته ی توست ادا کنم. ای مولای من! اگر نور هدایت تو نبود من هر آینه راه را گم می کردم و اگر روشنگری تو نبود من از راه راست منحرف می شدم و اگر آگاهی رسانی تو نبود من هرگز به مقام مورد قبول هدایت نمی شدم و چنآن چه توفیق تو نبود من نمی توانستم به معرفت تاویل دست یابم. ای کسی که مرا به توحید و یگانگی خود گرامی داشت و با ارشاد و هدایت مرا از گمراهی رهانید و مرا مکلف نمود تا حدود

او را رعایت نمایم، آن چه را که از معرفت نصیبم نمودی از من دریغ مدار و مرا به نور یقین زنده گردان همان یقینی که به موجب آن از هر گونه الحاد و شرک نسبت به تو دور باشم. ای بهترین کسی که امیدواران می توانند به او امید داشته باشند و ای مهربان ترین کسی که بندگان می توانند به او پناه آورند و ای بخشنده ترین کسی که نیاز نیازمندان را مرتفع می سازی! خدایا! در آن هنگام که عمرم به پایان آمد و یاد من از خاطره ها رفت و آثارم دیگر محو گردید، آن هنگام که مرا در قبر گذاشته، اسیر اعمال خویش و در قبال هر آن چه که در دنیا از روی لغزش و غفلت انجام داده ام مسئول هستم و به مانند تمام مردگان پیش از من به فراموشی سپرده شده ام، توبه را برایم آسان نما و مرا بدان توانا گردان و آن را به نشانه تواضع و خشیت من در برابر خودت بدان و مرا به سوی آن هدایت کن همانا هر توان و توشه ای همه به کمک توست و ثبات و انتقال نیز در دستان توست. ای کسی که حتی از پدر و مادر نیز نسبت به من مهربان تری و از فرزند بیشتر به من نیکی می کنی و از همسایه دیوار به دیوار به من نزدیک تری! خیر و نیکی را به من نزدیک گردان و هر آن چه را که در قضای الهی بر ای من مقدّر نمودی خیر قرار ده و عاقبتم را به تقوا و احسان ختم کن و مرا از هر مانع یا هر حرف و رفتاری که میان ما فاصله می اندازد حفظ کن و بر من رحم کن چنان که دلم از هر شبهه و بدعتی شفا یابد.

ای مولای من! هرکس به غیر تو امید بست نا امید شد و هر که به تو ابراز نیاز کرد با دست پر بازگشت و هرکه غیر از تو ادعا نمود که می تواند مردم را از غم رهایی بخشد، به گمراهی کشیده شد. تو همانی که در سختی و آسانی می توان به او پناه برد، تو ملجأ بندگان در هنگام رویارویی با سختی ها هستی، همان که در زمان مصائب و گرفتاری ها به او پناهنده می شوند. تنها کافران و عاصیان از رحمت تو ناامید می گردند. فاش می گویم که تو در دنیا و آخرت ولی و صاحب اختیار من هستی. مرا بر اسلام بمیران و با صالحان و نیکان محشورم کن.

ای کسی که زائرانش را از عطایا و بخشش های خود محروم نمی کند و هر که را به او پناه ببرد به حال خود رها نمی سازد. من به جود و کرم تو امید دارم و به درگاه هیچ کس جز تو دست نیاز دراز نمی کنم تو می توانی نیازها را آسان کنی و

اشتیاق ها را فزونی بخشی. از روی فضل و کرمت هر آن چه را که بدان نیازمندم به من عطا کن و چنان چه از بذل و جودت بر می آید از این نیاز بهترینش را به من عنایت نما. ای مولای من ! بدنم نحیف گشته و استخوان هایم پوسیده گردیده، عدد سال های عمرم بالا رفته و روزگار بر من چیره شده و زمانم به سر رسیده،

شعله ی شهوتم خاموش شده و تنها سرانجام راه برایم باقی مانده است، به بردباری خود قلم بر جهلم بکش و با عفو و بخشش بی پایانت از رفتار ناپسندم درگذر و مرا به خاطر هر آن چه که این استخوان ها در گذشته مرتکب شده اند مؤاخذه ننمای.

ای مولای من ! من به گناه خویش معترفم و به خطای خود اقرار می کنم، من زندانی جرم هایی هستم که مرتکب شده ام و مسئول گناهان ریز و درشت، در بدکاری افراط کردم و از راه درست منحرف شدم و عمرم به گمراهی گذشت و تمام دلایلم در توجیه گناهان باطل گردید. به لطف و کرم خویش بر من ببخشای و بر من احسان کن. تو نسبت به آنانی که به تو دست نیاز می آورند با غفران و بخشایش برخورد می کنی اما نسبت به آنانی که به درگاهت عصیان کرده اند بسیار سخت کیفر هستی.

ای مولای من ! اگر طاعت من به درگاه تو کوچک و ناچیز است اما به تو بسیار امیدوارم و این آرزو در کنار امیدی که به تو دارم بسیار بزرگ است. ای مولای من ! چگونه از محضر تو نا‌امید بازگردم و ظن من به تو به گونه ایست که تو به من رحمت می کنی و نجاتم می دهی. هرگز یأس و نامیدی بر این حسن ظن غلبه نمی کند و هیچ گاه امیدم را به تو از دست نمیدهم. ای مولای من ! آن زمانی که در حضور تو آشکارا گناه کردم، جرمم سنگین شد و آن هنگام که گناهم را بی هیچ پرده پوشی در برابرت انجام دادم، بزرگ شد. هیچ امیدی نیست مگر این که تو به عفو و خطا پوشیت معترفین به گناه را ببخشایی و مغفرتت توبه کنندگان را فرابگیرد. ای مولای من ! اگر مرا به سوی جهنم فرابخوانی از عقوبتت می هراسم و اگر مرا به سمت بهشت بخوانی به ثواب و پاداشت امیدوارم. اگر خطایا باعث شود که من از لطف و محبت های تو غافل شوم اما یقینی در من وجود دارد که باعث می شود با خوبی های تو مانوس شوم و اگر غفلت سبب شود تا از دیدار تو محروم گردم،

ص: 203

شناخت نشانه های همیشگی ات مرا بیدار می کند و اگر صلاح و مصلحتم، مرا از تو دور کند، باز در دل یقین دارم که تو مرا می بینی و منفعت مرا می خواهی و اگر روزهای من در غیر آن چیزی که مورد پسند توست، سپری شود، به وسیله ی ایمانی که به تو دارم تمام گذشته را جبران می کنم. ای مولای من! من مشتاقانه به درگاه تو آمده ام و لباس فقر و نیازمندی خویش را بر تن کرده ام و نیازم مرا در برابر تو در مقام ذلت و فرومایگی قرار داده است. ای مولای من! اگر از تو حاجتی طلبیدم کرم نما و بر من کرم نمای و مصاحبت با اهل بخششت را به من عطا کن. خدایا! به این حاجتمندی که هیچ پناهی جز کرم و عطای تو ندارد، فقیری که تنها جود تو او را بی نیاز می سازد، رحم کن. ای مولای من! من بر درگاه تو به گدایی آمده ام و از روی آوردن به غیر تو اجتناب کرده ام و به هیچ وجه برازنده تو نیست که نیازمندی را که بی صبرانه بر درگاهت منتظر تفقّد و فضل توست، ناامید بازگردانی. ای مولای من! اگر در روز قیامت، مرا از دیدار محمد صلی الله علیه و آله و سلم محروم کنی و چنان چه مرا از همراهی با خدمتگزاران و خادمان بازداری و در سرای باقی امید مرا ناامید سازی، نفسم به خاطر تو بر من منت خواهد گذاشت و در برابر من رخ مینماید. ای دادنده ی نعمت های فراوان! ای مولای من! به عزتت سوگند که اگر مرا به غل و زنجیر کشی و از نعماتی که به بندگانت میدهی، محروممم بداری، باز هم امیدم را از تو قطع نمی کنم و همچنان به انتظار می مانم تا مرا مورد عفو قرار دهی. ای مولای من! اگر مرا به سوی اسلام هدایت نکنی، گمراه می شوم و اگر ثباتم نبخشی، می لغزم و اگر ایمان به خودت را به من نچشانی، ایمان نمی آورم و تو را باور نمی کنم و اگر زبانم را به دعا باز نکنی، تو را نمی خوانم و اگر حقیقت معرفتت را بر من آشکار نسازی، تو را نمی شناسم و اگر مرا به ثوابت راهنمایی نکنی، اشتیاقی نخواهم داشت و اگر عذابت را به من نشان ندهی، نمی هراسم. پس از تو توفیق می طلبم تا (بتوانم انجام دهم) هر آن چه را که باعث جذب ثواب تو می شود و از هر آن چه که عقوبت تو را در پی دارد رها شوم. ای مولای من! اگر خطا و گناهی باعث شود تا من از مسابقه با گروه نیکان محروم شوم، باز هم اعتمادی که به رحمت تو دارم مرا در مرتبه ی اخیار و برگزیدگان جای می دهد. ای مولای من!

ص: 204

اگر در نگاه کردن به هر آن چیزی که کرامت نفس را در پی دارد، دچار خطا شدم، به راهی برخورد کردم تا راه فرج و سلامت نفس در آن نهفته بود. ای مولای من! اگر نفس سرکش من، مرا بنده ی امری ساخت که خوشایند او بود، اما اکنون من او را بنده ی امری ساختم که او را نجات می بخشد. ای مولای من! چنان چه توشه ام در راهی که مرا به تو می رساند از بین برود، من آن را به همان ذخایری که به مدد تکیه بر تو به دست آورده ام، متصل می کنم. ای مولای من! هر گاه رحمت تو را به یاد آوردم، چشم تمام مسائل از شادی برق زد و هر گاه عقوبت تو را به یاد آوردم چشم همه ی راه ها و ابزار گریان شدند. ای مولای من! تو آن گونه می خوانم که گویی دیگر کسی وجود ندارد تا او را بخوانم و چنان به تو امید دارم که گویی جز تو کسی مطمع نظر نیست.

چگونه از بخشش تو نظر برگردانم، من در این عالم خلقت یکی از خانواده تو هستم. ای مولای من! چگونه با دلیل و منطق زبان عجز و ناتوانیم را ساکت کنم و اما آن چه که مرا نگران ساخته ابهامی است که بر عاقبتم سایه افکنده است. ای مولای من! تو نیاز جسمم را به اندازه ی روزی قرار دادی که برای من تعیین نمودی و دانستی که تا چه اندازه بعد از مرگ به آن نیازمندم. ای کسی که روزی آینده مرا نیز مهیا نموده ای، آن هنگام که به این روزی نیاز دارم، آن را از من دریغ مکن. نشانه های نعمات خداوند اتمام آن هاست و کمال آن ها، نشان از حسن این نعمات دارد. خداوندا! اگر نسبت به حال خود جاهل نمی شدم، لغزش هایم را نادیده نمی گرفتم و اگر از شدت تفریط و کم کاری به یاد تو نمی افتادم هرگز اشک از دیده نمی باریدم. ای مولای من! این لغزش های پایدار را با این اشک ها محو کن و به خاطر این نیکی های قلیل، زشتی های بسیارم را ببخش. ای مولای من! اگر تنها عبادت کنندگان و فرمانبردان درگاهت را مورد رحمت قرار دهی، پس گنهکاران به چه کسی پناه برند و اگر تنها عبادت تلاشگران را بپذیری پس خطاکاران به چه کسی روی آورند و اگر تنها اهل احسان را تکریم کنی و گرامی بداری پس نابکاران چه کنند و اگر در روز قیامت تنها تقوا پیشگان به فوز و پیروزی رسند پس گنهکاران به درگاه چه کسی استغاثه برند. ای مولای من! اگر تنها کسی اجازه عبور از صراط را داشته

باشد که اعمالش نیک است پس تکلیف آنانی که پیش از رسیدن اجلشان فرصت توبه نیافتند، چه می شود و چنان چه جود و کرم تو تنها از آن کسانی باشد که عمری را به زهد گذراندهاند، پس بر سر آن مضطر و درمانده ای که سعیش او را راضی نمی کند چه می آید. ای مولای من ! اگر نظر خطاپوشت را از اهل توحیدت پنهان کنی، غضب تو با مشرکین تمام اندوه آنان را از بین می برد. ای مولای من ! اگر در روز قیامت احسانت ما را در برنگیرد، در آن روز با منکرین در می آمیزیم پس دل ما را به اسلام روشن کن همان که خزانه بخشش های توست و به روشنی همین صله ها و هدایا کدورت گناهان را از دلم پاک کن. ای مولای من ! من نه سابقه ای نزد تو دارم تا آن را مایه آبرو قرار دهم و نه کار بزرگی انجام داده ام که بخواهم خالصش نمایم اما به رفتارهای کریمانه تو اعتماد دارم همان طور که به بخشش بی کرانه ات امیدوارم. تو مرا به مهربانی ها و الطاف زیبایت عادت داده ای و هیچ کس جز تو شایسته ی به انتها رساندن این امر نیست و از معرفت خالصانه خویش حقیقتی را به من چشاندی که برای آن تنها باید شاکر و سپاسگزار تو بود. ای مولای من ! این چشم ها از فرط گریه خشک نشده است و اشکشان هم به خاطر فیضان آب نبوده همان طور که فغان و فریادِ زنی که فرزندش را از دست داده او را تسکین نمیدهد، بلکه تمام این امور زمانی محقق می شود که انسان به گام ها و کارهایی که در گذشته انجام داده بیاندیشد. ای مولای من ! تو توان این را داری تا به زوایای پنهان نفس آگاه شوی. ای مولای من ! تو امر به معروف کرده ای که خودت در انجام آن نسبت به همه بندگان شایسته تر هستی. تو مشتاق هستی تا به درخواست کنندگان آن چه را که می خواهمد عطا کنی، تو بهترین کسی هستی که می تواند مسئولیتی را به عهده بگیرد. تو بندگان را از اسارت رها می کنی و هبچ آزاد گننده ای بهتر از تو نیست. تو بسیار مایلی تا خطاکاران و گنهکاران را ببخشی و تو گرامی ترین بخشندگان هستی. ای مولای من ! اگر رحمت واسعه تو را از کتاب بخوانیم و دریابیم دیگر توان مخالفت با تو را نداریم و از این همه بذل رحمت و مهربانی خوشحال می شویم و آنگاه که از عقوبتت می خوانیم بار دیگر به اطاعت تو گردن می نهیم و (تلاش می کنیم) که از درد این عذاب کم کنیم. نه رحمت تو ما را ایمن می دارد و نه

عذاب تو ما را ناامید می سازد. ای مولای من! چگونه انسانی که در این دنیا زندگی می کند می تواند از بلایا و مصیبت ها دور باشد و در هر خانه ای سهمی از دشواری ها و سختی ها قرار داده شده است.

ای مولای من! اگر به درگاه تو گناهی انجام دهم، این مرا می ترساند. اما حسن ظنی که به تو دارم مرا در پناه می گیرد و اگر این خوف و ترس مرا نابود کند و حسن نظر تو مرا از این رنج می رهاند. ای مولای من! اگر اجل من نزدیک شده باشد و عملم مرا به تو نزدیک نکرده باشد، به گناهم اعتراف می کنم و این اعتراف را را وجیه ترین روش برای عذر از کرده هایم می دانم. ای مولای من! چنان چه که بنگانت را مورد رحمت قرار دهی،

چه کسی بیشتر از تو شایسته رحمت است و آن هنگام که بندگانت را عذاب می کنی، هیچ کس از تو عادل تر نیست. تو همیشه در طول زندگیم با من به نیکی رفتار کردی و این خیر لطیفت را پس از مرگ نیز از من دریغ مکن. ای مولای من! چگونه از حسن نظر تو بعد از مرگ ناامید شوم. تو همیشه در طول عمرم به نیکی مرا سرپرستی کرده ای. ای مولای من! عفو تو از هر جرم و گناهی بیشتر است و نعمتت هر خطایی را از بین می برد. ای مولای من! چنان چه گناهانم مرا بهراساند، اما محبتی که نسبت به تو در دل دارم مرا ایمن می دارد. مرا چنان اداره کن که خودت می پسندی و اهل آن هستی و به فضل خویش کسی را که در پرده ی جهل پیچیده شده است به راه خود بازگردان. ای کسی که اسرار نزد تو فاش می شوند و هیچ چیزِ پنهان و پوشیده ای برای تو وجود ندارد. هر آن چه را که از من نزد مردم پنهان است بر من ببخش و به رحمت خویش از سنگینی بار گناهانم بکاه.

ای مولای من! تو در این دنیا گناهان مرا پوشاندی و آنان را آشکار نساختی پس از تو می خواهم تا مرا در قیامت نیز رسوا نکنی و همچنان گناهانم را پوشیده بداری، چه کسی از تو بیشتر شایسته ی ستّار بودن است. ای ستار العیوب و ای کسی که از همه نسبت به عفو گناهکاران شایسته تر هستی. ای بخشاینده! خدایا! جود تو سبب شد تا آرزو و خواسته ام وسعت یابد و در هنگام نزدیک شدن مرگم مرا به دیدار تو خشنود ساخت.

ص: 207

ای مولای من! عذر من به درگاه تو مانند عذر خواستن کسی نیست که از قبول عذرش بی نیاز است همان طور که تضرّعم به درگاهت چون کسی نیست که غرورش به او اجازه نمی دهد تا از تو درخواست کند مشکلش را رفع کنی پس ای بهترین کسی که بدکاران می توانند به درگاهش عذر بردند، عذر مرا بپذیر و ای آن که خطاکاران از او طلب بخشش و غفران می کنند. ای مولای من! آن درخواستی که عمرم را در طلبش فنا کردم، به من عنایت کن چرا که جز تو کسی را نمی یابم که بتواند نیاز مرا برآورده سازد. ای مولای من! اگر می خواهی به من توهین کنی، مرا از هدایت محروم بدار و اگر می خواهی مرا رسوا سازی گناهان مرا نپوشان. اما همچنان مرا از آن چه با آن هدایتم نمودی برخوردار ساز، و آن چه را که با آن مرا پوشاندی نابود مساز. ای مولای من! اگر گناهی مرتکب نمی شدم از عقوبتت نمی ترسیدم و اگر میزان کرمت را نمی دانستم هرگز به ثوابت امید نداشتم. تو بهترین کریمان هستی چرا که آرزوهای آرزومندان را برآورده می سازی. پس ای کسی که همواره از او رحم طلب می شود، از گنهکاران بگذر و بر ایشان رحم نما.

ای مولای من! نیکی ها در میانه بخشش و احسان تو و بدیها بین عفو و غفران توست. امیدوارم که این جا و آن جا هیچ گنهکاری که در برابر جرمش مسئول است، و هیچ نیکوکاری که اخلاص و بصیرت دارد، (حقش) ضایع نشود. ایمان به یگانگی تو نزد من شهادت داد و زبانم به حمد و ثنای تو می گردد و قرآن کریم مرا به سمت خوبی های تو دلالت می کند پس چگونه امید من به محقق شدن وعده تو مسرور نباشد و آزوی من به حسن داده های تو خوشحال نشود. ای مولای من! چنان چه ببخشی از فضل توست و اگر عذاب کنی از عدل توست پس ای جر فضل او امیدی نیست و جز عدل او از هیچ چیز نباید ترسید، به فضلت بر من منت گذار و به عدلت مرا بازخواست مکن. ای مولای من! من تو را آن گونه که می خوانم که داعی مصرّی، اربابش را میخواند و این اصرار مولایش را ملول نمی کند و مانند کسی به درگاهت تضرّع می کنم که بر خطای خود اقرار می کند و چنان در برابرت خضوع می کند که گویی برای دنیا و آخرتش تنها به تو امید دارد. امیدم را قطع مکن و تضرّعم را بشنو و دعایم را بپذیر و برهان را بر دعایم ثابت بدار. ای مولای من!

اگر هر نوع عذری را به درگاه تو بشناسم، بی شک ان را به درگاه تو ارائه می دهم، من خودم به تمام آن چه را که مرتکب شده ام و تو همه آن ها را حساب کرده ای، اقرار دارم و با امر تو مخالفت نمودم و از آن تعدّی کردم، با این اعتراف گناه را بر منم ببخش و درخواست مرا رد نکن. ای مولای من ! هر چه از گناهانم را که بدان آگاهی یافتم جبران نمودم و در آن چیزی که دانستم اسراف کردم. مرا عبد خود قرار ده، اگر مطیع بودم که آن را گرامی می داری و اگر گنهکار باشم او را مورد رحمت قرار می دهی. ای مولای من ! گویی من خودم تمام زوایای نفسم را خالی نموده ام و باقی همراهان نفسم از از همسایگی رها شدند و غریبان به دلیل غربت بی حدشان، بر آن گریه می کنند و هر کس که از خاندان او که بر او دلسوز است، اشک می ریزند و علاقه مندان او از درون قبر او را صدا می زنند و دشمن او در زندگی با او از در رحم و رحمت در می آید و شدت فقرش او را از نگاه کنندگان نمی ترسد و همان طور که دیگر از هرکسی که او را ببنید نمی هراسد. عجز خاک در برابرش نمایان گشته. گفتنی: فرشتگان من، او یکی است و تمام نزدیکان دور است و دوری که اهل او از او روی برتافته اند و تنهاست و مال و فرزندان از او جدا گشته اند. به زودی بر من فرود می آید و در قبر جای می گیرد و در این سرای فانی دعوت کننده ای مرا میخواند و به او چشم امید دارم، تو به نیکی در این سرا از من پذیرایی می کنی و از تمام اهل و خانواده ان نسبت به من دلسوز تر هستی.

خدایا ! ای مولای من ! اگر گناهان مرا در بین طبقات آسمان هاو زمین جای دهی و ستارگان را تا به انتها بشکافی هرگز امیدم از غفران و بخشش تو ناامید نمی شود و هیچ گاه یاس و ناامیدی مرا از انتظار بهشت و رضوانت بازنمی دارد. ای مولای من ! من تو با همان ذکری یاد می کنم که خودت آن را به من الهام کردی و تو را به همان یگانگی می شناسم که تو به هم عطا نمودی و تو را با همان دعایی می خوانم که تو به من آموختی پس مرا از به رحمت خود از پاداش محروم مساز همان پاداشی که خودت وعده اش را دادی و این که مرا به حسن دعایت هدایت نمودی، نعمتی از جانب توست و از آن جا که پاداشی پسندیده برای من در نظر گرفته ای، این نشان از آن است که تو نعمت را در حق من تمام کرده ای.

ای مولای من ! همان طور که گنهاران در انتظار رحمت تو به سر می برند من نیز به عفو تو نظر دارم و هرگز از آن رحمتی که تمام نیکوکاران به آن امید دارند ناامید نمی شوم. ای خدا و مولای من ! آن هنگام که خطاها و لغزش های خود را به خاطر می آورم اشک از چشمانم جاری می شود و چرا نباید اشک بریزد و آب از آن جاری گردد چرا که نمی دانم سرانجامم به کجا ختم خواهد شد و در لحظه ی رسیدن راه من به کدام سو می رود. ای انیس غریبان تنها ! در قبر یار و مونس تنهاییم باش و ای نفر دوم هر شخص تنها ! در خاک به تنهایی طولانی مدتم رحم کن.

ای مولای من ! تو در بین ساکنان خاک چگونه به من می نگری و در خانه تنهایی چگونه با من رفتار می کنی، تو در دنیا و در طول عمرم با من به لطافت رفتار کردی. ای بهترین نعمت دهندگان و ای فاضل ترین منعمان ! آفریده های تو فزونی گرفت که از شمارش خارجند و من نمی توام آن طور که شایسته است تو را شکر کنم تو به واسطه ی هر آن چه که به من عنایت نمودی شایسته ی حمد و ثنا هستی. ای بهترین کسی که می توان او را خواند و ای بهترین کسی که می توان به امید داشت، به اسلامی که در دل دارم به تو متوسل می شوم و به حرمت قرآن به تو، محمد و اهل بیتش تکیه می کنم. از آنان طلب شفاعت دارم و به آنان نزدیکی می جویم و ایشان را جلودار نیازهایم به درگاه تو قرار می دهم. خدایا ! بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان پاکش درود فرست و به محبت آنان مرا در روز حشر به خودت آگاه و پاک از کثافات و ناپسندی ها و با توسل بدیشان مرا به خودت نزدیک قرار ده. ای بخشنده ی کریم و ای خزانه ی احسان و نیکی ! از گناهانم بگذر و مراقبتت را بین من و معصیت مانع قرار ده. ای مولای من ! هر آنکس که به تو نزدیک شود از دوستداران تو خواهد بود و هر کس را دوست بداری راضیم به رضای تو و هر کس تو را بشناسد دیگر ناشناخته نیست و هر کس به تو پناه ببرد خوار نمی گردد. ای مولای من ! آیا صورتی را می سوزانی که همیشه در حالت سجده به درگاهت، بر خاک ساییده می شود و آیا دستی را به گردن می آویزی که همیشه به حالت تضرع به درگاهت بلند است و آیا پاهایی را که همیشه در طمع تو

از خانه خارج می شد، به عذاب جهنم دچار میکنی همان پاهایی را که منتی بر تو ندارد اما تو بر آن ها منت داری.

ای مولای من! چه بسیار نعمت که به من عطا نمودی و من در قبال آن چه قدر کم به درگاهت شکرگزاری نمودم. چه بسیار بلایی که تو مرا بدان گرفتار کردی و من در برابر آن صبرم را از دست دادم. ای کسی که شکر من در برابر نعمتش ناچیزست! و تو مرا از آن نعمت محروم نداشتی و آن هنگام که صبرم در زمان بلا کم شد، تو مرا خوار نکردی، فضل زیبایت مرا حیران نمود، بردباریت مرا مغرور کرد. ای مولای من! من به عافیتی که تو بر معصیت و گناه داری قدرت گرفته ام و نعمتت را در راه مخالفتت صرف کردم و عمرم را در راهی جز اطاعت تو به تباه کردم. من جرأت پیدا کردم و به آن چه که تو مرا از آن نهی کردی اقدام کنم و آن چه را که تو مرا از آن برحذر داشتی، انجام دادم اما هیچ کدام از این ها باعث نشد تا تو مرا با صبر مخصوص به خود، نپوشانی و از دید بینندگان محفوظم نداری. آن هنگام که از معصیت تو بازگشتم، به امید کرم تو آمدم. تو به احسان و نیکی عادت کرده ای و من به معصیت و گناه خو کرده ام.

ای مولای من! درحالی به سوی تو آمدم که به کرده ناشایست خود معترفم و خاضعانه به درگاهت آمده ام تا در مقابلت ابراز ذلت و خواری کنم. به خاطر فضل بی مانندی که از خودت به من شناساندی، به تو امید بسته ام همان فضلی که خودت مرا بدان عادت داده ای پس امیدم را ناامید مکن و کاری نکن که فکر کنم این حسن ظنی که به تو داشتم دروغ بوده است.

ای مولای من! آرزوهایی که در باب تو دارم از آرزوی تمام آرزومندان پیشی گرفته است و خواسته ای که من از تو دارم به هیچ وجه شبیه درخواست های دیگر طالبان درگاهت نیست چرا که درخواست کننده اگر خواسته اش رد شود، دیگر مایوس شده و از طلب باز می ایستد اما من همیشه به تو نیاز دارم.

ای مولای من! بردباری که در برابر من از خود نشان می دهی و آن زمان که گناهم را می بخشایی، مرا غرّه ساخته است و به این علم پیدا کردم که تو چنان قدرتی داری که اگر به زمین بگویی مرا در بگیرد بی درنگ چنین می کند و اگر به

آسمان بگویی بر من سنگ بباراند، خواهد بارید و اگر به کسی امر کنی که دیگری را بگیرد، به من فرصت نمی دهد. با عفو و گذشتت بر من منت بگذار و نعمت توبه ی نصوحی را به من عطا کن تا قلبم را تطهیر کند.

ای مولای من! تو در هر تاریکی، نور راهگشای من هستی و در هر گرفتاری پشتوانه ام هستی و در سختی ها چون ستونی محکم تکیه گاه من هستی و در تنهایی مونسم هستی و مرا از این که در سلک ناکامان باشم برهان و از ذلت این که جزء دروغ گویان باشم، نجاتم ده.

ای مولای من! تو برای هر کسی که راهش را گم کرده، دلیل و راهبر هستی و برای هر کسی که آرزویش را از دست داده مظهر امید و آرزو هستی. اگر گناهانم میان دعای من و اجابت تو مانعی ایجاد کرده اما کرم و جودت بین من و مغفرتت فاصله نینداخته است. تو کسی را که هدایت کنی به گمراهی نمی بری و کسی را که سرپرستی کنی به ذلت نمی اندازی و کسی را که بی نیاز سازی، به فقر مبتلایش نمی کنی و کسی را به شقاوت انداختی، سعادت را به او نشان نمی دهی. به عزتت سوگند تو را با چنان محبتی دوست می دارم که شیرینیش در دلم پایدار است و و نفسم با بشارت این عشق انیس گشته است و از عدالت تو به دور است که رحمتت را از کسانی که به محبت تو اعتقاد دارند دریغ داری. اگر توفیق تو نبود سرگشتگان هر آینه گمراه می شوند و اگر پوشاندن تو نبود صاحبان بصیرت نجات نمی یافتند. تو راه را برای آن ها آسان نمودی تا جایی که به تو رسیدند و چنان با تقوا آنان را ثابت قدم نمودی که (ندانسته ها را) دانستند. تو نعمت فراوانی به آن ها دادی و بر آنان منت نهادی. ای مولای من! از تو چنان طلب می کنم که گویی فقیری درمانده ی عاجز از تو مسئلت دارد تا مرا از آنانی قرار دهی که به تو یقین دارند و تو را کامل می شناسند و به تو علم دارند. تو کتاب های آسمانیت را به حق فروفرستادی و پیامبرانت را از روی صدق به سوی مردم فرستادی و هیچ گاه از بندگانت غافل نشدی و آنان را به حال خود وانگذاشته ای و ایشان را بدون هدایت و روشن گری رها ننموده و به جهالت و نابودی ایشان راضی نشده ای بلکه آنان را خلق کردی تا تو را عبادت کنند و به ایشان روزی دادی تا تو را حمد گویند و آنان را به وحدانیت

و یگانگیت راهنما شدی تا کسی را شریک تو قرار ندهند و بیشتر از حد توانشان به آنان امری را تکلیف نکردی و آنان را مخاطب آن چه که نمی دانند قرار ندادی بلکه ایشان به راه و روش تو آگاهند و به دلیل و برهان تو متصلند. امر تو در میان آنان نفوذ دارد و قهر تو، ایشان را به مؤاخذه می گیرد. تو هر که را بخواهی برمی گزینی و دین را به او هدیه می دهی و هر که را که به درگاهت از گناهانش توبه نماید، هدایت می کنی و او را نجات میدهی. تو به هر کسی را که در رحمت واسعه ات وارد میکنی از روی فضل نعمت بسیار سترگی را به او می بخشی. ای بهترین کریمان و ای مهربان ترین رحم کنندگان!

ای مولای من! مرا خلق کردی و سرنوشتم را کامل نمودی، مرا صورتی بخشیدی و در این تصویر گری به نحو احسن عمل نمودی به گونه ای که بعد از عدم نیز به وجود آمدم و بعد از غیبت به شهادت رسیدم و مرا به سبب رأفت بی کرانه ات تمام و متعادل قرار دادی و آنگاه که کودک بودم مرا حفظ نمودی و از غذای سالم و گوارا به من روزی دادی و سپس چون والدین به من رحمت نمودی و قلب مربیان و پرورش دهندگانم را نسبت به من نرم و معطوف کردی و شر جن و انس را از من زدودی و زیادت و نقصان را تسلیم من کردی تا آن جا که توانستم سخن بگویم سپس هر سال مرا پروریدی و لباس نعمت به من پوشاندی و از لطیف ترین و متنوع ترین ارزاقت به من روزی دادی و در تمام مراحل حیاتم مرا تحت لوای عنایت خود قرار دادی و مرا به نهایت آن چه که می خواستم رساندی تا نعمتت را بر من تمام کنی و تو آنقدر به من نعمت داده ای که هیچ کس نمی تواند آن را به شمارش آورد یا از پس شکر آن ها برآید. من با هر آن چه که به تو نزدیکم می گرداند مخالفت کردم و هر آن چیزی را که باعث دوری من از تو می شود، مرتکب شدم و به زیباترین شکل گناهان مرا پوشاندی و با حسن نظر و احسانت، مرا به خود نزدیک کردی و روی آوردن من به گناهت، باعث نشد تا از احسان تو دور شوم بلکه همچنان با نعماتت از من مراقبت نمودی و از روی فضلت به سوی من بازگشتی و اگر مرا بخوانی تو را اجابت می کنم و اگر از تو درخواستی کنم، به من می بخشی و اگر تو را سپاس گویم، روزیم را افزون می کنی و اگر از آوردن طلب به درگاهت امتناع

کنم تو خودت دوباره این مسئلت را آغاز می کنی. به خاطر تمام نعمات پی در پی، حمد و سپاس تنها از آن توست به گونه ای که به نعماتت شبیه باشد و آنان را جبران کند.

ای مولای من ! گناهان مرا در این دنیا پوشاندی چنان که خروج از آن برایم دشوار شد و من به این که در آن دنیا اعمالم را بپوشانی، نیازمندتر هستم. ای کسی که با پوشاندن گناهانم مرا در نگاه بینندگان بزرگ گردانیدی، این پرده ی پوشاننده را در میان مردم،

زائل مکن.

ای مولای من ! تو به من نعمت عطا کردی و به موجب آن سهم و نصیب مرا درخشان نمودی و مرا به نیکوترین شکل حفظ نمودی و تغذیه ام کردی و به من روزی دادی و مرا در پناهت گرفتی و گرامیم داشتی و با احسان و اکرام با من رفتار کردی و فضل و نعمتت را به من اختصاص دادی. به خاطر جود و کرم فراوانت حمد و سپاس از آن توست حمدی که کاملا از شکر نعمات تو سربلند بیرون بیاید و از عذاب سخت تو جلوگیری کند تا هر آن چه را که به من بخشیدی جبران کند.

ای مولای من ! تو مرا عادت دادی هر آن چه را که از تو می خواهم برآورده سازی و هر آن چه را که برای به دست آوردنش تلاش می کنم، برایم آسان نمودی و من در تمام نیازهایی که برایم پیش می آید، به تو تکیه می کنم و هر چیزی را که به ذهنم می رسد با تو در میان میگذارم چرا که به قدرت و بخشش تو مطمئن هستم و به فضل و کرم تو ایمان دارم و من همیشه خیر و احسان را از جایی طلب می کنم که به آن عادت کرده ام و پیروزی را از معدن و چشمه ای که آن را شناخته ام، درخواست می کنم و می دانم که کسانی را که به تو پناه آورده اند به کسی جز خودت واگذار نمی کنی و به فضل و بخششت را از آنانی که به تو پناهنده شده اند، دریغ نمی کنی.

ای مولای من ! نیکی و احسان تو تداوم یافت و بر من واجب شد تا تو را به خاطر آن ها شکر و ثنا بگویم. چیزی وجود ندارد که آن را نسبت به تو منتشر نمودم یا گردآورده ام و یا کلامی نیست که در باب تو پنهان کرده و یا آشکار نمودم مگر این که تو لایق و شایسته ی آن بوده ای و تمام این گفتهها و کارها همگی در کنار احسان تو بسیار کوچک و کم اهمیت است.

ای مولای من! از تو می خواهم که نعماتت را بر من فزونی دهی و این احسان را از روی کرم با سرعت انجامدهی. و از تو می خواهم که مرا در برابر سختی ها و دشواری ها پناه دهی چرا که این شایسته عدل توست. ای مولای من! قدر هر کسی که به انتخاب تو برگزیده شد، بالا رفت و هر آن کس را که از خانه ات برانی، یاری نخواهد شد. ای مولای من! چه قدر قلب آنانی که بر تو توکل می کنند، شاد و مسرور است و سعی آنانی که به هر آن چه نزد توست امید دارند، به پیروزی ختم می شود. تو بودی که اولیائت را از شر شک و تردید رهانیدی و حس و شادی پادشاهان را به آنان القاء کردی و آنان را به زینت وقار و هیبت آراستی و پرده عصمت و توبه را بر آنان پوشاندی و راه آنان را در میان ملکوت آسمان قرار دادی و خاطر آنان را به تحصیل معرفت گرامی داشتی و با بخششهای فراوان آن ها را دربرگرفتی و به واسطه ی محبتی که به بندگانت داری، اراده شان را محکم گردانیدی. آنان در خدمت تو هستند و مطیع امر و نهی تو هستند، با مناجات به درگاه تو مأنوسند و با اراده ای صادقانه همنشین تواند و تمام این ها به دلیل رأفت و مهری است که به آن ها داری و بخشش زیبایی که نسبت به آن ها به خرج می دهی. ای مولای من! با تو به رضای تو رسیدند و به کرمت محبت تو را دریافتند. ای مولای من! مرا جز آنانی قرار ده که از اهل طاعت تو هستند و مرا در جمع معصیت کارانت قرار مده و اعتقاد مرا از شبه فتنه ها پاک و از این که امور اشکار و پنهان مرا نفریبند، سالم بدار. این ذکر را آمیخته با خشیتت در همه زمان ها و نزدیک به طاعتت در ظاهر و باطن قرار ده و داخل در آن چه دین را یاری و حفظ کند و خارج از آن چه دنیا آن را می سازد و از بین می برد و از این که جز تو را طلب کنم پاک باشم و نزد تو در آن روزی که به درگاهت برمی خیزم و ملاقاتت می کنم آبرومند باشم، ایمن از پی آمدهای ریا و پاک از هواهای نفس، صعود کننده به سمت تو با اعمال صالح در شبانه روز بگونه ای بلا انقطاع که اول و آخرش پیدا نباشد و مرا از آنانی قرار ده که نامشان در کتاب های بلند مرتبه در علیین ثبت است و در دیوان پنهانی که نزدیکانت آن را می بینند نگهداری می شود همان کتابی که فقط پاکان ان را لمس می کنند؛ خداوندا تو مولای پاکان و برگزیدگان هستی و خلق و اختیار به دست توست؛ تو مرا در دنیا لباس

عافیت پوشانده ای و در قلب من شناخت صحیحت را به ودیعه نهادی پس مرا در آخرت از مهر و رأفتت دور مکن و مرا از آنانی قرار ده که بخششت شامل حالشان می شود و خشم تو به آنان نمی رسد.

ای کسی که علل حرکات و سکون را می دانی و حتی آن چه از اذهان هنگام ظن می گذرد نیز بر او پوشیده نیست، ما را از آنانی قرار ده که نشانه های هدایت به سمت خودت را بر ایشان آشکار کردی و راه های رسیدن به خودت را بر آنان گشودی پس آنان حکمت را حس کردند و راه های توبه را دریافتند تا آن که در باغ های رحمت خرامان شدند و از اعتراض به عصمت مصون ماندند تو مولای کسی هستی که به نصرتت پناه جوید و جزا دهنده به کسی هستی که به وجوب شکرت اقرار کند؛ از فضل و بخشش دریغ نمی کنی و در کارهای تو کسی چون و جرا نمی کند، ثنایت بلند مرتبه است و عطایت بی پایان و نعمت هایت ظاهر است و اسم هایت پاک است و به مدد توست که کارها به استواری انجام می یابد و به تقدیر توست که تدبیرها صورت می گیرد، پناه می دهی و پناهنده نمی شوی. پاک و منزهی و خدایی جز تو نیست توکلم بر توست و امیدم به توست و اعتمادم به توست و تکیه ام به توست و مرا قدرتی برای دوری از معصیتت نیست مگر به یاری تو و مرا نیرویی برای طاعتت نیست مگر به تایید تو. خدایی جز تو نیست و تو پاک هستی؛ من از ستمکاران بودم ای ارحم الراحمین و بهترین بخشندگان و درود خدا بر محمد خاتم پیامبران و بر خاندان پاکش و اصحاب برگزیده اش باد و الله به تنهایی برای ما بس است و او بهترین یاری کنندگان است ای بهترین کسی که از او درخواست می شود و ای کسی که بهترین بخشندگانی و بهترین امیدگاهی، مرا رزق ده و روزی مرا افزون گردان و همچنین رزقم را مبارک و پاک و حلال گردان و مرا به خاطر آن به رنج میانداز. بی شک تو بر همه چیز توانایی.

ص: 216

روایات:

1. دعوات راوندی:

از پیامبر اکرم روایت شده که فرمود: جیرئیل امین از جانب خداوند بر من نازل شد و این مناجات را که در مورد شکر و سپاس خداست، بر من فرود آورد:

خدایا !حمدو سپاس از آنِ توست که بلا و سختی زندگی را از ما برداشتی و پی در پی بر نعماتت (نسبت به ما) افزودی.

(خدایا !) حمد و سپاس از آنِ توست که بخششهای گوارا، بلایای شیرین و نعمت های فراخ و عظیمت را (از ما) دریغ نداشتی.

(خدایا !) حمد و سپاس از آنِ توست به خاطر احسان فراوان، خیر بی پایان، وظایف آسان و حمایت بی وقفه ای که در حق بندگانت روا داشتی.

(خدایا !) حمد و سپاس از آن تویی است که در ازای شکر اندکی که به درگاه تو می آوریم، ما را اجر و صواب فراوان عطا می کنی و از بار گناهانمان می کاهی.اندک عذرِ تقصیر ما را می پذیری و از کیفرمان درمی گذری.تویی که ناهمواری ها را بر ما هموار کرده ومانع رسواییمان در برابر خلق می شوی.

خداوند ا !حمد و سپاس از آنِ توست که بلا را از ما دور نمودی، بر ما نعمت فراوان عطا کرده، ما را از هر ترس و هراسی ایمن داشتی و ستمگران را خوار کردی.

خداوند ا ! حمدو سپاس از آن تویی است که فرصتمان دادی و با بزرگواری با ما مدارا نمودی.پی در پی بر ما فضل و مواهبت را جاری کرده و غذابت را از بندگانت برداشتی.تویی که به افعال نیک و پسندیده شهره ای و جُود و کرمت را پایانی نیست.

خداوند ا! حمد و سپاس از آن تویی است که مجازات و عقوبت ما را به تاخیر انداختی و عذابت را از ما برداشتی.تویی که راه های بازگشت به سوی خودت را آسان نموده و باران رحمتت را بر ما نازل کردی.

2. کتاب عتیق غروی دعای ستایش :

خداوندا تو بر همه چیز احاطه داری، تویی که عدل را به پاکرده برهمه چیز ناظر هستی. همه چیز در دست با کفایت توست، حساب سراسر خلقتت را داری، مرگ همه چیز در دست توست، تویی که از کرده ی بندگانت آگاهی، خالق آسمان هاو زمین و شکافنده ی آن ها هستی.تو به هر فعلی که بخواهی قادری، نا دیده ها را می دانی و به حق حکم می کنی.تویی که دانه را می شکافی و صبح را برمی آوری. شب را مایه ی آرامش و روز را نگهبان قرار دادی. گناهان را می بخشی و توبه گنهکاران را می پذیری، اما نسبت به گنهکارانی که توبه نمی کنند بسیار سخت کیفری، جایگاه تو در بالاترین درجات است و در حیله و چاره سازی، کسی نمی تواند فراتر از تو باشد، تو اهل تقوا و بخششی و آن آسانی را که به صلاح بندگانت باشد، واقع می سازی. تویی که پیوسته باران رحمت را فرو می فرستی و بر این کار مداومت می ورزی، کِشته ها را میرویانی، تو بهترینِ آفرینندگان، نیکوترینِ رزق دهندگان، والاترینِ بخشندگان، سریع ترینِ حسابگران، بهترینِ رحمتگران و برترینِ حکم کنندگان هستی. تویی که دعا ها را می شنوی و به هر چه که بخواهی توانا هستی. تو صاحب فضل و کرم بی نهایتی و عرش کبریایی در ید قدرت توست. تو از خطاکاران درگاهت انتقام می کشی و بسیار سخت کیفری، دارای معارج و قدرت بسیاری هستی، تو هر که را در قبر باشد بر می انگیزی، زنده می کنی و می میرانی، تو استخوان ها را از نو احیاء می کنی در حالی که از هم پاشیده است. تو دارای جلال و کرم بسیاری، نام های نیکو داری و مُنتهای همه به تو ختم می شود. ابتدا و انتها از آن توست، آشکار و نهان را می دانی تمام عزت متعلق به توست، بهترین منزل و پناهگاه نزد توست و و رجوع و بازگشت همه ما به سوی توست. بخشش و کرم در دست توست و تمام خلقت به فرمان تو هستند. میراث آسمان هاو زمین متعلق به توست. کلامت حق است، ملک و ملکوت برای توست و کلید های عالم غیب نیز به

دست توست. فرمان تو از روی عدالت است و آن کلمه ی بلند مرتبه ات همه چیز را اداره می کند، آیات و نشانه ها را تفصیل می دهی و هر چیزی نزد تو به اندازه است. دعوت تو حق است و خزانه هر چیز نیز نزد تو محفوظ است. ملکوت هرچیز در ید قدرت توست، قلب ها به یاد تو آرام می گیرند و شفاعت تنها متعلق به توست. تو صاحب دینی پایدار و استوار هستی و دین خالص نیز برای توست. مثل والا متعلق به تو و حمد و سپاس در دنیا و آخرت از آن توست. انسان متحول شده به سمت تو می آید و تو به حق بر بندگان ولایت داری. تو مالک دار آخرت هستی. اختلاف شب و روز نیز در دست توست تو (محکم و استوار) بر عرش کبریائیت ایستاده ای و هیچ چیز از نگاه و احاطه ی تو خارج نیست، تو به همه پناه می دهی و از همه حمایت می کنی واز تو کسی حمایت نتواند کرد. کسی از تو پناهنده نشود (کسی را از تو گریزی نیست). پناهگاهی جز تو وجود ندارد. راه همه به تو ختم می شود، تو پروردگار عرش کبریایی هستی، تو خداوندگار سرزمینی هستی که برای آن حرمت قرار دادی. یاد تو بزرگ تر از هر یاد و ذکر دیگری است و فرمان تو در یک چشم بر هم زدن به انجام می رسد و آن زمان که به چیزی گفتی باش، شد. تو ولیّ مومنان هستی، وعده ات حق است و سنت آسمان هاو زمین از آن توست، از روی رحمت و علم همه چیز را گستردی، تو از رگ گردن هم به ما نزدیکتری، تو در کنار هر رازی حضور داری، تویی خداوندِ ستاره شعری، هر کجا که هستیم تو با ما هستی و ثواب بزرگ عمل نیک، نزد توست. تو هر روز به هیئتی هستی، به همه چیز علم داری و عدد و حساب همه چیز برایت به وضوح آشکار است. حساب همه آن ها را به صورت مکتوب داری. هرگز فرزندی نداشتی و هیچ چیز در خلقت مانند تو نیست تو هرگز خلف وعده نمی کنی و فساد را دوست نمی داری.

نمی پسندی که بندگانت ظلم پیشه کنند، تو مالک تمام ملک و ملکوتی و مالکیت آن را به هر کس که بخواهی می دهی. در مقابل، این مالکیت را از هر کس که بخواهی می ستانی. تو هر کس را که بخواهی عزت می بخشی و هر کس را که بخواهی به خاک مذلت می کشانی، خیر و خوبی به دست توست و تو بر هر کاری توانایی شب را در روز و روز را در شب وارد می کنی، زنده را از مرده و مرده را از

زنده خارج می کنی، و به هر کس که بخواهی بی حساب عطا می کنی، هدایت به دست توست تو بندگان را به سمت حق و صراط مستقیم هدایت می کنی، دیده ها تو را در نمی یابند، اما تو دیده ها را درمی یابی، تو آن لطیف آگاهی هستی که مانند آن چیزی نیست. او شنوای بیناست نه گمراه می شود نه فراموش می کند. از جن و انس بی نیازی و هیچ گاه همسر و فرزندی برای خود نگرفته ای، در این ملک و ملکوت هیچ شریکی نداشته ای و هرگز ذلت و خواری تو را در بر نگرفته است. تو کوچک ترین ظلمی درحق بندگانت نمی کنی ولی چنان چه خیری از آنان سر بزند، آن را دو برابر می کنی و از جانب خودت پاداش بزرگ و قابل توجهی (به بندگانت) عطا می کنی. برای حکم تو رد کننده و ناقضی وجود ندارد. تو هدایتگر خلق به سوی هدایت هستی، اما کسی که به تو اهانت ورزد، هرگز گرامی داشته نمی شود. علم روز قیامت تنها نزد توست، تویی که باران از ابر فرو می فرستی و از آن چه در رحم مادران می گذرد، آگاه هستی. تو به هر کس که از تو بخواهد، روزی بی پایان عطا می کنی و بر این امر توانایی داری. فرشتگان را پیام آوران خود قرار دادی، اما نه این که بتواند به رحمت تو آویزد و نه این که پیام آور رحمت تو باشند. کلام نیک به سمت تو می آید و عمل صالح این کلام را بالا برده تا به عرش رساند. تو بندگانت را طعام می دهی اما خود از طعام بی نیاز هستی. عدد نعمات تو در شمارش نمی گنجد، تو به هر کس که بخواهی، چه زن باشد چه مرد، می بخشی. هر که را بخواهی بی ثمر و عقیم می گذاری. تو آسمان هاو زمین و هر آن چه که در میان آن دو هست را در شش روز آفریدی و هرگز افعال بی فایده ای همچون خنده، گریه، مرگ، زنده شدن، بی نیاز شدن و یا فقر در تو راه ندارد. جهان آخرت از آن توست. تو قرآن را برای ذکر و یادآوری بندگانت فرستادی. همه چیز در نظام خلقت تو دارای مکان و سرنوشت خاص خویش است همان طور که برای هر چیزی در این خلقت اندازه و مقداری معیّن کرده ای. در خلقت تو اختلاف و گسستگی و یا اثری از سستی وجود ندارد. تو خالق مرگ و حیات هستی، انسان را از آبی بی ارزش و پست خلق کردی. تو انسان را به قلم، علم آموختی. او را از گرسنگی رهاندی و سیر نمودی و از ترس و هراس ایمنش داشتی. نه زاییده و نه زاده شده ای و هیچ کس با تو هم کفو نیست. تو

پروردگار صبحدم، پروردگار مردم، مالک آنان، خدای انسان ها و مالک روز قیامت هستی. هر که را بخواهی مورد رحمت قرار می دهی، شب را با روز می پوشانی و با شب روز را تیره می سازی. روز را بر شب مسلط می کنی. تو نهان آسمان هاو زمین را می دانی. تو مطمع نظر چشم ها و هر آن چه را که در سینه ها پنهان است، می دانی. امر و خواسته تو همیشه تحقق می یابد چرا که امر تو، محتوم است. تو بندگانت را کفایت می کنی و تنها تو سرپرست، یاور و مراقب آنان هستی. وعده ی تو بی شک محقق می گردد و عذاب و شکنجه ات بسیار شدید است. دستان تو برای بخشش باز است و هرگونه که بخواهی انفاق می کنی. کلام و حکم تو در منتهای صدق و عدالت است. تو همانی که هرگز به سخنش تغییر راه ندارد. هر آن چه که شبانه روز در این عالم هستی ساکن است، از آن توست. تو با کلامت حق را ادا می کنی. میان انسان و قلبش قرار داری و او را به سوی دارالسلام فرا می خوانی. هر که را که بخواهی به راه مستقیم هدایت می کنی. روزی تمام خلایق از انسان و حیوان بر ذمّه ی توست. تو مکان و قرارگاه تمام حیوانات و چهارپایان موجود بر زمین را می دانی و آن ها را حفظ می کنی. هرچه را بخواهی محو می کنی و هرچه را بخواهی به ثبات و اثبات میرسانی. قرآن نزد توست. وعده تو بی شک محقق می گردد. تو پاداش هر نیکی هستی. عاقبت امور به دست توست، تو آنگاه که انسانی مضطر و درمانده به درگاهت دست نیاز برآورد، به او پاسخ می دهی و بدی را برطرف می سازی. تو مخلوقت را در تاریکی خشکی و دریا هدایت می کنی و هر که را در آسمان هاو زمین که بخواهی روزی می دهی، خلق را می آفرینی و سپس او را بازمی گردانی. برق آسمان را برای ترس و خوف بر ما نمایان نمودی. تویی که ابرهای متراکم خلق می نمایی و رعد و برق تو را تسبیح و ثنا می گویند و فرشتگان از ترس تو را تسبیح می کنند. تو صاعقه ها را می فرستی و به هر که بخواهی اصابتش می دهی. تو شروع کردی به خلقت انسان و پس از آن او را به شکل نطفه ای در مکان امنی قرار دادی. سپس نطفه را به شکل خون بسته درآورده و از آن خون بسته نطفه را خلق نموده و از آن نطفه نیز استخوان هایی ساختی که با گوشت پوشانده شده و سپس از این گوشت و استخوان موجودی دیگر خلق نمودی که

آفرین بر خداوند به خاطر این خلقت کامل و نیکویش باد.در حکمت با هیچ کس شریک نیستی. هم دارای مغفرت وسیع هستی و هم عذابی دردناک داری. از حق و حقیقت شرمنده نمی شوی. تو زمین را پس از آن که مرد، دوباره زنده می کنی، همان طور که مردگان را زنده می کنی. تو به هر عملی قادر و توانا هستی. زمین را گستردی و آن را جای قرار و امن قرار دادی. تو زمین را به شکلی هموار خلق کردی، آسمان را آفریدی و آن را سقفی امن و محفوظ قرار دادی. تو مرا خلق نمودی و سپس هدایتم کردی مرا طعام خوراندی و سیرابم کردی. آنگاه که مریض شدم تو مرا شفا دادی. تویی که مرا می میرانی و سپس زنده می کنی. تو همان هستی که چشم دارم در روز قیامت از خطایم درگذری. تو همانی که ما را مانند گیاه از زمین رویاندی سپس به همان جا بازمان می گردانی و ما را از آن خارج می سازی. تو ما را به نیکوترین شکل آفریدی و چنان چه بخواهی قادری تا ما را به هر صورتی درآوری، تو زمین را چون بساطی گستردی و کوه ها را چون میخ های محکمی تا این بساط را نگه دارد و همین زمین را دربرگیرنده ی مردگان و زندگان قرار دادی. تو در کمین هستی و هر آنکس که در آسمان هاو زمین است، تسلیم توست. تو برای حیوانات از دل زمین گیاه رویاندی و آن را مانند چیزی بی ارزش قرار دادی. جز تو هیچ کس صاحب اختیار، شفیع، دوست، مراقب و یاور (بندگان) نیست. از تو هیچ مفر و پناه گاهی نیست. روز مرگ و جدایی را وعده گاه قرار داده و با جهنم در کمین بندگان خطاکار نشستی (جهنم را مأوای طاغوتیان قرار دادی). اما تقواپیشه گان را از آن رهاندی (جهنم را رستگاری متقین قرار دادی). تو مدام بندگان را به سوی بهشت و غفران خویش می خوانی. تو توبه کنندکان و پاکان را دوست داری. تو همیشه همراه صابرین هستی. پیام آورانت را بر هر کس که بخواهی چیره می سازی همان طور که به هر کس اراده کنی یاری می رسانی. تو آنانی را که برتو توکّل دارند دوست داری و هیچ گاه اجر مؤمنی را ضایع نمی کنی. تو رحمت را بر خود واجب نموده ای و این رحمت به نیکوکاران بسیار نزدیک است. عاقبت(نیک) را برای تقواپیشه گان مقرّر کردی. قرآن را (برای هدایت مردم) فروفرستادی. تو بر صالحان و نیکان ولایت داری و هرچه که نزد توست خیر و نیکی ماندگار است.

صراط مستقیم متعلق به توست. حکمت را در دنیا و آخرت ثابت و استوار نگاه می داری (و تغییری در سننت ایجاد نمی کنی) این تو هستی که همه چیز را خلق کردی و سپس هدایتشان نمودی. تو با نیکوکاران هستی هدایت شوندگان را هدایت می کنی و گمراهان را (بیش از پیش) به گمراهی می کشانی. این تو بودی که آرامش را به دلهای مؤمنین هدیه نمودی. تو آتش را بر ابراهیم سرد و سلامت نمودی. تو آهن را برای داوود نرم کردی. تو باد را به تسخیر سلیمان درآوردی. ابراهیم را به دوستی گرفتی و موسی را همراز و هم کلام خود قرار دادی. تو اسماعیل به پیام آوری انتخاب کردی و او را به مقام و مرتبه ای بلند رساندی. تو اسحاق و یعقوب را برای نبوت برگزیدی. عیسی را پیامبر خود کردی و روح القدس را برای تاییدش همراه او فرستادی. محمد (ص) را با پیام هدایت و دین حق به سوی مردم گسیل داشتی تا به واسطه ی پیام او، نور رحمتت را کامل کنی و دین برحقت را بر تمام ادیان دیگر برتری دهی حتی اگر برای مشرکان ناخوشایند باشد. خدایا بر محمد و خاندان پاکش درود فرست.

ص: 223

روایات:

1. قرب الإسناد: ابن صدقه گوید: شهادت امام صادق علیهالسلام این گونه بود: خداوندا، من شهادت میدهم که تو همان گونه هستی که میگویی و بالاتر از آن چه که گویندگان میگویند. و شهادت میدهم که تو همان گونهای که خودت شهادت داده ای و نیز همان گونهای که فرشتگانت و صاحبان دانش شهادت دادهاند به این که برپادارندهی عدل هستی و هیچ خدایی جز تو نیست و همان گونهای که خودت را ستودهای تو پاکی و تو را سپاس میگویيم.(1).

2. توحید: علی بن مهزیار گوید امام محمد تقی علیهالسلام با خط خویش برای مردی دعایی نوشته بود و من آن دعا را خواندم این گونه بود: ای آن که پیش از هر چیز بوده سپس هر چیز را آفرید و او باقی است و هر چیز فانی شود؛ ای آن که به مانند او چیزی نیست ای آن که نه در آسمان های بلند و نه در زمین های پست و نه بالای آن ها و نه در زیر آن ها و نه در میان آن ها معبود به حقی که پرستش شود جز او نیست(2).

3. توحید: امام حسن عسکری علیهالسلام فرمود: ای خدای من خیال های خیال کنندگان حیران و سرگردان شده و نگاه بینندگان کوتاه گشته و توصیف توصیف کنندگان، از هم گسسته و سخنان بیهوده گویان ناچیزند از این که ژرفای شگفتی مرتبه وجودی تو را دریابند یا به سوی بلندایت دست یابند؛ پس تو در جایی هستی که به پایان نمیرسی و چشمها با اشاره و تفسیر بر تو رهنمون نمی شوند و

1- . قرب الاسناد : 4

2- . توحید:22

این امر بسی دور است، بسی دور؛ ای برتر، ای یگانه، ای تک، به عزت بزرگی و بزرگواری بلند گشتی و به جبروت و عظمتِ فخری که داری، از پس هر نشیب و پایانی برآمدی(1).

4. توحید: فضل گوید: شنیدم که امام رضا علیه السلام در دعای خود می فرمود: منزه است خدایی که آفریدگان را با قدرت خود خلق نمود و با حکمت خود، نیک آفرید. و با علم خود هر چیز را در جای خودش قرار داد. و منزه است خداوندی که نسبت به خیانت چشم ها و آن چه که در دل ها نهان است، آگاه است. و او شنوا و بیناست(2).

5. ثواب الأعمال: امام کاظم علیهالسلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم میفرماید: هر کسی بگوید خشنودم به خداوندی خدا، و اینکه دینم را اسلام، پیامبرم را محمد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و زمامدارانم را اهل بیت رسول خدا قرار داد؛ خداوند بر خود لازم می داند که او را در روز قیامت خشنود سازد(3).

6. المحاسن: اما صادق علیه السلام فرمود: هر کس یک بار بگوید: خدایا تو را به شهادت میگیرم و شهادت تو کافی است و هم چنین ملائکه، انبیاء، رسولان و جمیع آفریدگان تو را به شهادت میگیرم که تو خدای یگانه و بی شریک هستی و محمد بنده و رسول توست، خداوند یک چهارم او از آتش آزاد می سازد و اگر دو بار بگوید، نصف و اگر سه بار بگوید، دو سوم را و اگر چهار بار بگوید، همه اش را از عذاب نجات میدهد(4).

7. بصائر الدرجات: پیامبر صلی اله علیه و آله و سلم فرمود: آن شب که پروردگارم مرا به معراج برد، از پشت پرده ای وحی نموده و سخن گفت. از جمله آن سخنان این بود که ای محمد علی اول،

علی آخر و ظاهر و باطن است و او بر هر چیزی داناست، پیامبر فرمود پروردگارا آن چه گفته شد خودت نیستی؟ خداوند فرمود: ای محمد من خدایی هستم که جز من معبودی نیست همان فرمانروای پاک

1- . توحید :31 و 32

2- . توحید :86

3- . ثواب الاعمال: 24
4- . محاسن :33

سلامت [بخش، و] مؤمن [به حقیقت حقّه خود که] نگهبان، عزیز، جبّار [و] متکبّر [است]. پاک است خدا از آن چه [با او] شریک می گردانند؛ من خدایی هستم که جز من معبودی نیست، خدای خالق نوساز صورتگر [که] بهترین نام ها [و صفات] از آنِ من است. آن چه در آسمان هاو زمین ها است تسبیح من می گویند و من عزیز حکیم هستم؛ من خدایی هستم که معبودی جز من نیست من اولی هستم که چیزی قبل از من نیست و آخری هستم که چیزی بعد از من نیست و من ظاهری هستم که چیزی بالای من نیست و باطنی هستم که چیزی در زیر من نیست؛ من خدایی هستم که جز من معبودی نیست، و من بر هر چیزی دانا هستم.

ای محمد! علی اول است اولین کسی است در میان امامان که میثاق (پیمان) مرا گرفت، ای محمّد،

علی آخرین امامی است که قبض روحش مینمایم و او جنبدهای است که با مردم سخن میگوید؛ ای محمد علی ظاهر است و هر آن چه را بر تو وحی نمودم بر وی آشکار شده است؛ نباید چیزی را از وی پنهان داری؛ ای محمد، علی باطن است او را از سر پنهانی که با تو در میان گذاردم آگاه ساختم پس میان من و تو سری که آن را پنهان دارم نیست؛ ای محمد هر حلال و حرامی که خلق کردم علی از آن آگاه است(1).

8. تفسیر عیاشی: امام صادق علیهالسلام فرمود؛ فراوان بگویید: پروردگارا دل های ما را از حق باز مگردان، پس از آن که ما را هدایت نمودی(2)، و از زیغ و انحراف دل ایمن نباشید(3).

9. کتاب العتیق الغروی: امام رضا علیهالسلام فرمود: قدرت تو آشکار شد؛ اما چگونگی تو معلوم نشد و برای تو اندازه تصور کردند و تو را برخلاف آن چه هستی، وصف نمودند و خدایا! من از کسانی که تو را با تشبیه می طلبند، بیزارم. چیزی مثل تو نیست. خدایا! هرگز تو را درک نکردند. نعمت های تو که در میان آن هاست، باعث می شد به طرف تو راهنمایی شوند و تو را بشناسند و این توان در مخلوقات تو وجود دارد که در حقیقت و ذات تو تفکّر کنند، اما تو را با مخلوقاتت برابر دانستند و

1- . بصائر الدرجات : 151

2- . آل عمران: 8
3- . تفسیر عیاشی 1 : 165

به همین دلیل، تو را نشناختند و بعضی از نشانه های تو را (مثل خورشید و ماه و ستاره و...) به عنوان خدا گرفتند وبه آن نشانه ها تو را وصف نمودند. پروردگارا تو از آن چه تشبیه کننده ها وصفش می کنند، برتری، ای شنونده ی صداها، ای آن که هیچ چیز از او فوت نمی شود، ای پوشاننده استخوان های فرسوده بعد از مرگ، بر محمد و آل محمد درود فرست و برای من و تمامی مؤمنان از غم و اندوه گشایش و رهایی قرار بده که تو بر هر چیزی توانایی.

10. اعلام الدین: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس بگوید: خشنودم به خداوندی خدا، که دینم را اسلام، کتابم را قرآن و پیامبرم را محمد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و علی علیه السلام را ولی و امام و فرزندانش از ائمه را پیشوایان، زمامدارانم و راهبرانم قرار داد، خداوند بر خود لازم می داند که او را در روز قیامت خشنود سازد.

11. کتاب العتیق الغروی: علی بن مهزیار گوید موسی بن جعفر علیهاالسلام ای گونه دعا میفرمود: خداوندا گناهان من و بسیاری آن ها روی مرا در پیشگاه تو به غبار خود پوشانده، و مرا از شایستگی رحمتت محروم نموده و مرا از غفران و بخشش تو دور نموده است ، و اگر نبود که به نعمت های تو آویخته ام و به امیدواری به تو چنگ زده ام- به این خاطر که امثال من از اسرافکاران و اشباه من از خطاکاران را به این فرمایش خود وعده فرموده ای: «ای بندگان من که بر خود اسراف روا داشته اید، از رحمت خدا ناامید مشوید، همانا خداوند تمام گناهان را می آمرزد، همانا که او آمرزنده و مهربان است»(1) و ناامیدان از رحمت خود را حذر داده ای و فرموده ای: «و چه کسی از رحمت پروردگارش ناامید می شود جز گمراهان؟»(2)

سپس از روی رحمت خود ما را به سوی دعای خویش فرا خوانده و فرموده ای: «مرا بخوانید تا دعای شما را استجابت کنم، همانا کسانی که از عبادت من استکبار می ورزند بزودی با حالت خواری و زبونی داخل دوزخ می شوند».(3)

1- . زمر/ 53
2- . حجر/ 56

3- . غافر/ 60

خدای من، هر آینه ذلت یأس مرا فرا می گرفت و نومیدی از رحمتت مرا در میپیچید، خداوندا به کسی که به تو حسن ظن داشته باشد وعده ثواب دادی و به بدگمان به خود وعده عقاب دادی، حسن ظن من به تو در این که از آتش دوزخ رهایم سازی، و خطاهایم را (به آمرزش خود) بپوشانی، و از لغزش هایم درگذری، اشکم را جاری ساخته است؛ تو که سخنت حق است و خلف وعده و تغییری در آن نیست فرموده ای که: «روزی را که هر دسته از مردم را به نام امامشان فراخوانیم»(1).

خداوندا من اقرار می کنم و گواهی می دهم و اعتراف می دارم و انکار ندارم و در پنهان و آشکار و ظاهر و باطن گواهم که تویی آن خداوندی که معبودی جز تو نیست، یگانه ای و شریکی نداری، و این که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده توست، و همانا علی که امیرمؤمنان و سید اوصیاء و وارث علم پیامبران و کشنده مشرکان و پیشوای پرهیزکاران و جهادکننده با عهدشکنان و ستمگران و از دین بیرون روندگان است، امام و حجت و راه و رهنما و جاده پهناور من (به سوی تو) است، و کسی است که جز با ولایت او و پیروی از او و اقرار به فضائل او و پذیرش آن ها از حاملان ولایت او و تسلیم در برابر راویان آن ها به هیچ یک از اعمال هر چند پاکیزه باشد اطمینان ندارم، و آن ها را هر چند صالح و درست بوده باشد نجات بخش نمی بینم.

خداوندا به اوصیاء از فرزندان او که همه پیشوایان و حجت ها و رهنمایان و چراغ ها و نشانه ها و مناره ها و سروران نیکو کردارند اقرار می کنم، و به نهان و آشکار و ظاهر و باطن و زنده و مرده و حاضر و غایب آنان دینداری می نمایم، که شک و دو دلی در آن نیست، و بازگشت و دگرگونی ای از آن وجود ندارد خداوندا مرا در روز حشر و هنگام نشرم به امامت آنان فراخوان، و در دسته و گروه ایشان محشورم گردان، و نامم را در زمره اصحابشان بنویس، و ای مولای من به حق ایشان مرا از گرمای آتش دوزخ رهایی بخش که اگر مرا از آتش دوزخ معاف بداری از رستگاران خواهم بود خداوندا من امروز صبح کردم در حالی که هیچ پشتیبان و پناهگاه و ملجئی ندارم جز کسانی که به آنان متوسل شده ام از آل رسولت علی و

1- . اسری/ 71

فاطمه و حسن و حسین و امامان از فرزندان آنها وحجت های پنهان از ذریه آنها وامید امت بعد از آنان وبرگزیده تو- درود تو بر تمامی آنان باد- خداوندا آنان را دژ من از ناخوشایندی ها، و پناهگاهم از چیزهای هراسناک قرار ده، و مرا به حق آنان از هر دشمن سرکش، و هر فاسق ستم کار، و از شر آن چه که می شناسم یا نمی شناسم، و از شر آن چه که بر من پوشیده است و آن چه که می بینم، و از شر هر جنبنده ای که اختیارش به دست پروردگار من است- که همانا پروردگارم بر راه راست است- نجات بخش خداوندا به سبب این که من آنان را وسیله خودم به سوی تو قرار داده و با دوستی ایشان خود را به تو نزدیک ساخته ام درهای رحمت و آمرزش خود را بر من بگشا، و مرا به نزد آفریدگانت محبوب گردان، و دشمنی و کینه آنان را از من دور دار، که تو بر هر چیزی توانایی خداوندا هر توسل پیداکننده ای را پاداشی است، و هر صاحب شفاعتی را حقی، پس به حق آنانی که وسیله خودم به سوی تو قرارشان داده، و آنان را در پیش حاجت و نیاز خویش واداشته ام از تو می خواهم که برکت این روز و این ماه و این سال مرا به من بشناسانی خداوندا اینان تکیه گاه من در هر ناراحتی و آسایش، و سلامتی و گرفتاری، و خواب و بیداری، و سفر و حضر، و سختی و راحتی، و روز و شب، و حرکت و سکون من هستند. خداوندا به حق آنان مرا از نعمت خویش بیرون مبر، و به حق آنان از بخشش خود محروومم مساز، و امیدم را از رحمت خود مبر، و با بستن درهای روزی و مسدود کردن راه ها و بستن روش های آن امتحانم مکن، و از جانب خود گشایشی آسان برایم قرار ده، و برایم از هر سختی و تنگی یی راه خروج، و به سوی هر فراخی یی راهی پهناور قرار ده، به رحمت خودت ای مهربان ترین مهربانان خداوندا شب و روز را به گونه ای قرار ده که با رحمت و سلامتی و عطا و بخشش تو بر من در آمد و شد باشند، و مرا به هیچ یک از خلق خود نیازمند مساز، به رحمت خودت ای مهربان ترین مهربانان، که تو بر هر چیز توانایی، و به همه چیز احاطه داری خدا ما را بس است و نیکو حمایت گری است[(1)].

1- . مهج الدعوات :289- 292

باب سی و پنجم : ادعیه کوتاه و مختص هر امامی با نوع خصوصیت هر یک از ایشان علیهم السلام، افزون بر آن چه پیشتر آمد و نیز در باب های مربوط به ادعیه آن بزرگوران خواهد آمد، هر چند قسمت اعظم این ادعیه بلکه همه آن ها از آن بزرگوران نقل شده است

روایات:

1. عیون الاخبار: امام حسین علیه السلام فرمود: خدمت جدم رسول اللَّه صلی اللَّه علیه و آله رسیدم، در هنگامی که ابیّ بن کعب هم در آن جا بودند، حضرت فرمود: خوش آمدی ای ابو عبد اللَّه و ای زینت آسمان و زمین. ابیّ گفت: یا رسول اللَّه چگونه کسی با وجود تو می تواند زینت آسمان و زمین باشد، حضرت فرمود: سوگند به خداوندی که مرا به پیغمبری برانگیخت، حسین بن علی علیه السلام در آسمان عظمتش از زمین بیشتر است. در طرف راست عرش نوشته اند: «حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است، حسین امامی است که در امامت او هیچ سستی نباشد با عزت، افتخار آفرین، دریای علم وذخیره (ای گرانبها) می باشد،» خداوند در صلب او نطفه ای قرار داده که طیب و با برکت و پاک است. به حسین بن علی دعاهایی تفهیم شده که هیچ مخلوقی با آن ها خدا را نمی خواند، مگر آن که خدای متعال با او محشورش می فرماید و او در آخرت، شفیعش باشد، و خداوند غم های وی را زائل نموده و دینش را اداء می نماید و امورش را آسان می سازد و راهش را روشن می گرداند و بر دشمنانش چیره می کند، و معایب او را فاش نمی سازد.

ابیّ عرض کرد: یا رسول اللَّه این دعاها کدام است؟ حضرت فرمود: هر گاه از نماز فارغ شدی همان طور که نشسته ای بخوان: «اللهم إنی أسئلک بکلماتک و معاقد عرشک و سکان سماواتک، و أنبیائک و رسلک، أن تستجیب لی؛ فقد رهقنی من أمری عسرا، فأسألک أن تصلّی علی محمّد و آل محمّد و أن تجعل لی من عسری یسرا» - یعنی خداوندا! به حقّ کلماتت و به حقّ پیمان گاه های عرشت و به حقّ ساکنین آسمان هایت و به حقّ انبیاء و پیامبرانت از تو می خواهم که دعای مرا مستجاب کنی، زیرا که، در کارهایم سختی بر من روآورده لذا از تو می خواهم بر محمّد و آل محمّد درود فرستی و برای من در امور و کارهایم آسانی و راحتی قرار دهی - خداوند کارهای تو را آسان می کند و به تو شرح صدر عطا می کند و در هنگام مرگ کلمه شهادت « لا اله الا الله» را به تو تلقین میکند.

ابیّ عرض کرد: یا رسول اللَّه این نطفه ای که در صلب حبیب من حسین قرار داده شده چیست؟ فرمود: مثل این نطفه مانند ماه است و این نطفه ی تبیین وبیان است، هر کس از وی پیروی کند به رشد وکمال می رسد، و هر که از وی دوری گزیند به هلاکت می پیوندد. ابیّ عرض کرد: اسم او و دعای او چیست؟. حضرت رسول صلی اللَّه علیه و آله فرمود: نام وی «علی» است و دعایش هم این است «یا دائم یا دیموم، یا حی یا قیوم، یا کاشف الغمّ و یا فارج الهمّ، و یا باعث الرسل و یا صادق الوعد» - ای دائم همیشگی، ای زنده پا برجا، ای که همّ و غمّ را برطرف می کنی، ای مبعوث کننده پیامبران، ای که در وعده هایت همیشه صادق بوده و هستی - هر کس این دعا را بخواند خداوند او را با علی بن الحسین محشور می کند، و به اتفاق وی داخل بهشت می شود.

ابیّ عرض کرد: یا رسول اللَّه آیا وی جانشین و وصیّی هم دارد؟ فرمود: آری ارث های زمین و آسمان به وی تعلق دارد. گفت: ارث زمین و آسمان کدام است؟ حضرت فرمود: به حق داوری کردن، با دینداری فرمانروایی نمودن، و تاویل احکام و بیان آن چه پس از وی ظاهر گردد. گفت: نام او چیست؟ فرمود: «محمد» که ملائکه به وی در آسمان هاانس میگیرند، و او در دعای خود می گوید: «اللهم ان کان لی عندک رضوان و ودّ فاغفر لی و لمن تبعنی من اخوانی و شیعتی و طیّب ما فی صلبی

- خدایا اگر برای من نزد تو خشنودی و دوستی است مرا و کسانی از برادران و شیعهام که از من پیروی میکنند را بیامرز و آن چه در صلب من است پاکیزه گردان» خداوند در صلب او نطفه پاک و مبارکی قرار داد؛ و جبرئیل علیه السلام به من اطلاع داده است که خدای متعال این نطفه را پاک گردانیده و نامش را نزد خود «جعفر» نهاده است و او را هدایت کننده ی هدایت شده وخشنود پسندیده قرار داده است، پروردگارش را می خواند و در دعای خود می گوید: «یا دان غیر متوان، یا ارحم الراحمین،

اجعل لشیعتی من النار وقاء و لهم عندک رضا، و اغفر ذنوبهم، و استر عیوبهم، و یسّر امورهم، و استر عوراتهم، و اقض دیونهم، و هب لی الکبائر التی بینک و بینهم، یا من لا یخاف الضیم، و لا تأخذه سنه و لا نوم اجعل لی من کل غمّ فرجا» - ای که نزدیک هستی و مسامحه نمی کنی، ای أرحم الرّاحمین، به شیعیانم، وسیله ای که با آن از شرّ آتش در امان باشند مرحمت فرما و از آن ها راضی باش و گناهانشان را بیامرز و امورشان را آسان گردان و قرض هایشان را أداء نما و زشتی هایشان را بپوشان و گناهان بزرگشان را که میان تو وآنان است ببخشای. ای آن که بیم ستمش نیست و خواب و خواب آلودگی در او راهی ندارد، برای من از هر سختی و مشکلی فرجی قرار ده - هر کس این دعا را بخواند خداوند او را با چهره نورانی با جعفر بن محمد داخل بهشت می کند. ای ابیّ خداوند به این نطفه، نطفه پاک دیگری آمیخته و رحمت خود را بر وی نازل کرده و نام او را «موسی» نهاده است. ابیّ عرض کرد: یا رسول اللّٰه گویا آنان همانند هم، از نسل هم و میراث بر یکدیگرند وهر یک دیگری را توصیف می کند؛ حضرت رسول صلی اللّٰه علیه و آله فرمود: جبرئیل حالات آن ها را برای من از طرف خداوند وصف کرده است، ابیّ گفت: موسی دعائی هم دارد که غیر از دعای پدرانش باشد؟ فرمود: آری دعای موسی این است: «یا خالق الخلق، و یا باسط الرزق، و یا فالق الحبّ و النوی، و یا بارئ النسم، و محیی الموتی و ممیت الاحیاء، و یا دائم الثبات و مخرج النبات افعل بی ما أنت أهله» - ای آفریننده خلق، ای که رزق و روزی را گسترانده ای، ای که دانه هسته را می شکافی و می رویانی، ای خالق جانداران، و زنده کننده مردگان ! و ای که زنده ها را می میرانی، ای پا بر جای همیشگی، ای خارج کننده گیاه [از زمین] با من آن کن که

شایسته حضرت توست - هر که این دعا را بخواند خداوند حوائج او را برآورد، و روز قیامت او را با موسی بن جعفر محشور می کند، و خداوند در صلب او نطفه مبارک، پاکیزه خشنود وپسندیده قرار داده و او را «علی» نام گذاری کرده است، و خداوند از رفتار و کردار وی رضایت دارد و به وی علم و حکمت مرحمت فرموده و وی را برای شیعیانش حجت قرار داده و در روز قیامت به او استدلال و احتجاج میکنند، و دعای او از این قرار است «اللهم اعطنی الهدی و ثبّتنی علیه و احشرنی علیه آمنا أمن من لا خوف علیه و لا حزن و لا جزع إنک أَهْلُ التَّقْوی وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَهِ» - خدایا به من هدایت عطا کن و مرا بر آن ثابت قدم بدار، و مرا با امن و امان در حالی که بر هدایت هستم محشور کن همچون کسی که هیچ ترس و حزن و بی تابی ندارد، به راستی که تو شایسته تقوا وسزاوار آمرزشی - خداوند متعال در صلب او نطفه مبارک، پاکیزه، نیکو، خشنود وپسندیده قرار داده و او را «محمد بن علی» نام گذاشته است، این محمد شفیع شیعیان خواهد بود و علم جدش را هم به ارث خواهد برد، او دارای علامتی روشن و برهان واضحی است، هنگامی که متولد شود می گوید: «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمّد رسُول الله» و در دعای خود هم می گوید: «یا من لا شبیه له و لا مثال، أنت اللّه لا إله إلا أنت، و لا خالق إلا أنت، تفنی المخلوقین و تبقی أنت حلمت عمّن عصاک و فی المغفره رضاک» - ای که هیچ مثل و مانندی نداری تو همان خدایی هستی که معبودی و خالقی جز تو وجود ندارد، تو آفریده ها را فنا می کنی و خود باقی هستی، تویی که با گنهکاران بردباری می ورزی وبا آمرزش آنان، خشنود می شوی-. هر کس این دعا را بخواند محمد بن علی علیهما السلام در روز قیامت شفیع وی خواهد شد.

خداوند در صلب او هم نطفهای قرار داده که از ظلم و طغیان دور است، و همواره نیکوکار و با برکت و پاکیزه و پاک می باشد، خداوند او را نزد خود «علی بن محمد» نام گذاشته و لباس آرامش و وقار بر او پوشانیده و علوم و اسرار پنهان را در او به ودیعت نهاده است. هر کس او را ملاقات کند و در سینه چیزی مخفی داشته باشد، او را به آن مطلب خبر می دهد و از دشمنش بر حذر می دارد و در دعایش چنین می گوید: : «یا نور یا برهان، یا مبین، یا منیر، یا رب اکفنی شر الشرور، و آفات

الدهور، و أسألک النجاه یوم ینفخ فی الصور» - ای نور و ای برهان، ای نورانی و ای آشکار، ای پروردگار من، مرا از شرّ شرور و آفات روزگار بسنده باش و از تو می خواهم در روزی که صور دمیده می شود مرا از اهل نجات قرار دهی-. هر کس این دعا را بخواند علی بن محمد علیهما السلام شفیع او شده و او را به بهشت خواهد برد. خداوند در صلب او نیز نطفهای آفریده و او را «حسن» نام گذاشته، و او را وسیله روشنائی بلاد خود قرار داده و در زمین جانشین خود کرده است و برای امت جدش عزت و برای شیعیانش چراغ هدایت نصب نموده و او را شفیع آنان در پیشگاه خود معرفی کرده است، او عذابی است برای دشمنان و مخالفین، و برهانی است برای کسی که او را دوست بدارد و برهانی است برای کسی که او را امام بداند. وی در دعای خود می گوید: «یا عزیز العز فی عزه، ما اعزّ عزیز العز فی عزه، یا عزیز اعزّنی بعزک و أیدنی بنصرک و أبعد عنی همزات الشیاطین و ادفع عنی بدفعک و امنع عنی بمنعک و اجعلنی من خیار خلقک، یا واحد، یا احد، یا فرد،

یا صمد». - ای که در عزّت خود عزیزی چقدر عزیز است کسی که در عزّت خود عزیز است ! مرا با عزّت خود عزیز گردان و با یاریت تأیید کن، و با قدرت خویش وسوسه های شیاطین را از من دور گردان، و مرا حفظ کن و از بهترین خلق خود قرار ده، ای یگانه ! ای یکتا ! ای تنها ! ای بی نیاز ! - هر که این دعا را بخواند خداوند او را با وی محشور خواهد کرد و از آتش نجات خواهد داد و لو از اهل آتش باشد.

خداوند در صلب حسن نیز نطفهای مبارک، نیکو، پاکیزه، پاک شده قرار داده هر مؤمنی که خداوند میثاق او را در ولایت گرفته باشد از وی راضی خواهد شد، و لیکن منکران از وی روی میگردانند. وی امام با تقوی، پاک، نیکوکار، پسندیده، هدایت گر و هدایت شده، به عدل حکم می کند و به عدالت دستور می دهد(1).

می گویم: تمام این حدیث در کتاب امامت و در بحث نص بر امامت دوازده امام آمده است.

شهید رحمه الله علیه، به نقل از کتاب استدراک، فقط ادعیه هایی که در حدیث بالا آمده را نقل نموده و آورده است که دعای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

1- . عيون اخبار الرضا 1 : 59- 62

الشریف چنین است: «ای نور نورها، و ای تدبیر کننده امور، و ای کسی که خفتگان در گورها را بر می انگیزی، بر محمد و آل محمد درود و رحمت بفرست و مشکلات من و شیعیانم را هموار فرما. و راه برون رفتی از غصه ها برایمان قرار بده و عرصه را برای ما مهیا فرما. و از جانب خود برای ما روزی عطا فرما و با ما چنان رفتار کن که خودت شایسته آنی، ای کریم و ای بزرگوار.

2. کمال الدین: ابو نعیم محمد بن احمد انصاری نقل می کند که: در مکه معظمه جنب «مستجار» حضور داشتم و عده ای در حدود سی مرد هم بودند، در میان آن ها جز محمد بن قاسم علوی عقیقی با اخلاص نبود. روز ششم ذی الحجه سال 293 در اثنای این که بدین گونه اجتماع داشتیم،

ناگاه دیدیم جوانی که دو لباس احرام پوشیده و نعلین خود را در دست گرفته به نزد ما آمد. وقتی او را دیدیم طوری تحت تأثیر مهابت وی قرار گرفتیم که همه برای او برخاستیم. او به ما سلام کرد و در وسط جمع ما نشست و ما نیز در اطراف وی نشستیم. آن گاه به سمت راست و چپ خود نگریست و سپس گفت: آیا می دانید حضرت ابا عبد اللّه در دعای الحاح چه می گفت؟ گفتیم: چه می فرمود؟ گفت: می فرمود: اللّهم انّی أسئلک باسمک الّذی تقوم به السّماء و به تقوم الأرض و به تفرّق بین الحقّ و الباطل و به تجمع بین المتفرق و تفرق بین المجتمع و به أحصیت عدد الرّمال و زنه الجبال و کیل البحار ان تصلّی علی محمّد و آل محمّد و ان تجعل لی من أمری فرجا و مخرجا.

- خدایا تو را می خوانم، به آن نامت که آسمان و زمین را با آن پایدار می داری و حق و باطل را از هم جدا می کنی، و پراکندگان را گرد می آوری و جمع شدگان را پراکنده میکنی و عدد ریگ های بیابان و وزن کوه ها و پیمانه دریاها را با آن می شماری، بر محمد و آل او درود بفرست و در کارم فرج وگشایشی قرار دهی.-

سپس برخاست و مشغول طواف شد ما هم با وی برخاستیم تا او رفت و ما فراموش کردیم که از او بپرسیم نامش چیست؟ فردا در همان وقت نیز از طواف فراغت یافت و نزد ما آمد و مانند روز گذشته ما به احترامش برخاستیم و او هم در وسط و ما اطراف او را گرفته نشستیم. مجددا به سمت راست و چپ خود نگاه کرد و

گفت: آیا می دانید امیر المؤمنین علیه السّلام بعد از هر نماز واجب چه دعایی را می خواند؟ پرسیدیم چه دعایی را می خواند؟

گفت: میفرمود: خداوندا، صداها به سوی تو بلند شده و دعاها همه به سوی توست. صورت های بندگان بر خاضع و گردن هایشان در مقابل تو خم گشته است. داوری بندگان در دست توست. ای بهترین کسی که مورد پرسش قرار گرفته ای و ای بهترین عطا کننده ای راستگو ای آفریننده و ای کسی که خلف وعده نمی کند و ای کسی که دستور داده ای که دعا کنیم و وعده اجابت هم داده ای و فرموده ای: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. و ای کسی که فرموده ای: ای رسول ما، هرگاه بندگانم از تو درباره من سؤال کردند، پس همانا من به آنان نزدیک هستم و هرکسی را که دعای کند، اجابت می کنم. پس بندگان باید، دستور مرا بپذیرند و به من ایمان آورند باشد که راه یابند. ای خدایی که فرمودی: ای بندگانم و ای کسانی که بر خود اسراف کرده اید، از رحمت خداوند نا امید نشوید چرا که خداوند تمامی گناهان را می آمرزد و خداوند آمرزنده و مهربان است.

سپس نگاهی به راست و چپ خود کرد و گفت: آیا می دانید امیر المؤمنین علیه السّلام در سجده شکر چه می فرمود؟ گفتیم: نه! چه می فرمود؟ گفت: حضرت می فرمود:

ای خدایی که اصرار زیاد بندگانش، جز بر بخشش نمی افزاید. و ای کسی که گنجینه های روزی اش تمام شدنی نیست، ای کسی که خزانه های زمین و آسمان از اوست. و ای کسی که نافرمانی ام، مانع از این نمی شود که او به من روزی دهد. تو ای خدا، از تو می خواهم آن گونه با من رفتار کنی که خود شایسته آن هستی. تو بخشنده و بزرگوار و اهل گذشت هستی. ای پروردگار، با من آن کن که شایسته توست، تو بر عقوبتم توانایی و خودم این عقاب را برای خودم مهیا ساختم و هیچ عذر و بهانه ای به درگاهت ندارم. من به همه گناهان خود اعتراف می کنم. پروردگارا، به من رحم کن و از گناهانم که تو از آن آگاهی درگذر. چرا که تو بزرگوارترین و بخشاینده ترین هستی.

سپس برخاست و مشغول طواف شد. ما نیز به احترام او از جا برخاستیم. فردا در همان وقت برگشت و ما نیز مانند روزهای گذشته به استقبالش شتافتیم. تا این که آمد و در وسط نشست و ما هم در اطراف او نشستیم. آن گاه نظری به سمت راست و چپ خود کرد و گفت: علی بن الحسین علیه السّلام وقتی به این جا می آمد (در این وقت با دست اشاره به سنگ به طرف ناودان کرد) در سجود خود میفرمود:

ای خدا، این بنده توست که به درگاه خانه ات آمده و این بنده بی نوای توست که این جا آمده. این گدای توست که به خانه تو آمده و درخواستی دارد که از هیچ کسی غیر از خودت ساخته نیست.

آن گاه به راست و چپ خود نگریست و در بین ما محمد علوی را مخاطب ساخت و فرمود: «ای محمد بن قاسم؛ تو ان شاء الله بر عقیده ثابت استواری».

سپس برخاست و مشغول طواف شد. همه ما این دعاها را حفظ کردیم ولی هیچ کدام به یاد نیاوردیم که راجع به او با هم صحبت کنیم، جز این که در روز آخر یکی از حضار بنام ابو علی محمودی بما گفت: ای مردم ! آیا این شخص را می شناسید به خدا قسم این شخص صاحب الزمان شماست پرسیدیم: تو چگونه دانستی که او امام زمان است؟.

او توضیح داد که هفت سال تضرع و زاری می کردم و از خداوند می خواستم که حضرت صاحب الزمان علیه السّلام را به من بنمایاند. تا این که وقتی در عصر روز عرفه دیدم، این مرد آمد و همین دعایی را که شنیدیم خواند. من از وی پرسیدم شما کیستید؟ او گفت: از مردم هستم. گفتم: از کدام تیره مردم؟ گفت: از تیره عرب. پرسیدم از کدام تیره عرب؟ گفت از اشراف آن ها. پرسیدم اشراف طایفه کیستند؟ گفت بنی هاشم. گفتم شما از کدام دسته بنی هاشم می باشید؟ گفت از دسته والا و بلند قدر آن ها. گفتم: از اولاد کدام یک از آن ها؟ گفت: از کسی که سرهای گردنکشان را می شکافت و به مردم طعام می داد و بوقتی که مردم در خواب بودند، نماز می گذارد.

من دانستم که او علوی است سپس دیدم ناپدید گشت و نفهمیدم به کجا رفت. پس از مردمی که در اطراف او بودند پرسیدم آیا این مرد را شناختید؟ گفتند: آری،

هر سال پیاده با ما به حج می آید. گفتم: سبحان اللَّه بخدا قسم اثر پیاده روی در وی ندیدم.

سپس من به مزدلفه رفتم در حالی که از فراق او غمگین و افسرده بودم چون آن شب را خوابیدم دیدم پیغمبر صلّی اللَّه علیه و آله به خوابم آمد و فرمود: ای احمد مطلوب خود را دیدی؟ گفتم: آقا! او کیست؟ فرمود: همان کسی که دیروز عصر دیدی امام زمان تو بود.

ابو نعیم محمد بن احمد انصاری راوی این حکایت گفت: وقتی این مطلب را از ابو علی محمودی شنیدیم او را مورد سرزنش قرار دادیم که چرا به موقع بما نگفت. ابو علی گفت: من هم فراموش کردم، تا موقعی که شما در باره او به سخن گفتن پرداختید.(1)

عمار بن حسین با سندی همین حدیث را از سلیم بن ابی نعیم روایت کرده است.

محمد بن محمد بن علی بن حاتم با سندی از ابوجعفر محمد بن علی المنقذی حسنی روایت نموده که گفت: من در مستجار بودم و بعد هم بقیه حدیث را همانند آن چه در بالا آمده ذکر نموده است.(2)

عتیق غروی: ابونعیم محمد انصاری گوید: در مکه و در مستجار در جمعی از مصری ها بودم که محمودی نیز در میان ما بود. و بعد بقیه حدیث را همانند حدیث پیشین نقل می کند.

3. دعای مولای ما حضرت امام حسن بن علی علیهما السّلام:

خداوندا به درستی که تویی باقی مانده ای بعد از همه آفریدگان خود و نیست در آفریدگان تو کسی که باقی ماند بعد از تو. ای خدای من کسی که کار نیکی کرده باشد، پس به سبب رحمت توست و کسی که بدی کرده باشد، پس به جهت گناه خود اوست نه آن کسی که نیکویی نموده بی نیاز است از نعمت تو و از یاری تو و نه آن کسی که بدی کرده از کسی غیر از تو روزی گرفته و از سلطه و قدرت تو بیرون

1- . کمال الدین 2 :144 و نیز رجوع شود به غیبه شیخ طوسی: 67- 70

2- . كمال الدين 2 : 148

گشته است. ای خدای من، به یاری تو شناخته ام تو را و به راهنمایی تو راه یافته ام به سوی فرمان تو و اگر یاری تو نباشد، من تو را نمی شناسم پس ای کسی که چنین صفاتی دارد و هیچ کسی غیر از او چنین صفاتی ندارد، بر محمد و آل محمد درود فرست و اخلاص در عمل و روزی زیاد را نصیب من نما. خداوندا، روزهای آخر عمرم را بهترین دوران زندگی ام قرار بده. پایان کارم را بهترین کارهایم قرار بده. و روزی را که به ملاقات تو بشتابم بهترین روزهایم قرار بده. خداوندا، به برکت منتی که بر من نهادی، من در بهترین چیز تو را اطاعت کردم و آن ایمان به تو و اقرار به پیامبرت می باشد. در مورد بد ترین چیز، هم از تو نافرمانی نکردم و آن شرک ورزیدن به تو و تکذیب پیامبرت هست. پس ای بخشنده ترین بخشندگان و ای بهترین بخشاینده، از دیگر خطاهایم که بین این دو چیز است، در گذر(1).

4. مهج الدعوات: دعایی که آن را حضرت امیر المؤمنین صلوات اللّٰه علیه به فرزند خود حضرت امام حسن علیه السّلام تعلیم نمود: ای سرمایه و پشتیبان من در هنگام گرفتاری. و ای فریادرس من در هنگام دشواری. ای صاحب نعمت من ای کسی که حاجت مرا برآورده می سازد. ای فریاد رس من در هنگام بلا و ای نجات بخش من از هلاکت، ای نگاهدارنده من در تنهاییام، گناهانم را بیامرز و کارهایم را برایم آسان گردان و امور پراکنده ام را مرتب نموده و سامان بده و حاجتم را روا نموده و حالی نیک به من عطا کن. و مرا در مقابل هرچه که مایه اندوه است، محافظت بفرما و برای برون رفت از مشکلات برایم راه چاره ای مهیا نما. و تا زمانی که مرا زنده نگه می داری، و نیز در آخرت هم میان من و عافیت جدایی مینداز. ای رحم کننده ترین رحم کنندگان(2).

5. مهج الدعوات: دعای مولای ما امام حسین علیه السلام:

خداوندا، من از تو می خواهم که به من همان توفیقی را عطا کنی که به هدایت شدگان عطا نموده ای. و اعمال پرهیگاران و نیز خیرخواهی توبه کاران و عزم شکیبایان و احتیاط خائفان و طلب عالمان و زینت پرهیزگاران و احتیاط زاری

1- . مهج الدعوات : 178

2- . مهج الدعوات : 179

کنندگان را به من عطا کنی. تا این که از تو چنان بترسم که این ترس مرا از گناهان باز دارد و چنان در اطاعت و بندگی تو بکوشم که مستحق پاداش و بخشندگی تو گردم و از ترس تو پندهایت در مورد توبه را بپذیرم. و به خاطر عشق به تو در خیرخواهی خالص باشم. و با اطمینانی که به تو دارم در تمام کارها به تو توکل کنم. منزه است آفریدگار نور و منزه است خداوند بزرگ مرتبه و من او را ستایش می کنم.(1)

1- ، مهج الدعوات : 195

باب سی و ششم : تعویذاتی که از ائمه علیهم السلام برای در امان ماندن و فواید دیگر روایت شده است

روایات:

عیون الاخبار: محمّد بن موسی بن متوکل روایت کرد، آنگاه که علی بن موسی الرّضا علیهماالسّلام به قصر حمید بن قحطبه وارد شد، لباس خود را از تن بیرون کرد و به حمید داد، و حمید آن را به کنیز خود داد تا آن را بشوید، طولی نکشید که کنیز با رقعه ای در دست بازگشت و اظهار کرد که این رقعه در جیب لباس ابو الحسن علی بن موسی بوده و آن را به حمید داد. حمید گوید: من به آن حضرت عرض کردم: فدایت گردم! این کنیز این رقعه را آورده و میگوید که در جیب شما یافته است، این چیست؟ فرمود: این رقعه حرز و دعائی است که من هیچ گاه از خود جدا نمی سازم؛ عرض کردم که ای کاش مرا بدان مشرف میساختی، فرمود: این حرزی است که هر کس آن را به همراه داشته باشد، بلاها از او دفع شده و از هر بلیّه در امان خواهد بود، و پناهی است برای او از شرّ شیطان ملعون، سپس آن دعا و حرز را به حمید دیکته کرد و آن چنین بود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ، به نام خدا، پناه میبرم به خداوند رحمان از تو، چه خدا ترس باشی و چه نباشی، چشم و گوش تو را به یاری خداوند شنوا و بینا بستم، و تو هیچ گونه بر من قدرت و توانائی و غلبه نخواهی داشت، نه بر من و نه بر گوشم، و نه بر چشمم، و نه بر مویم و نه بر پوستم و نه بر گوشتم و نه بر خونم، و نه بر مغزم، و نه بر عصبم، و نه بر استخوانم، و نه بر اهل و عیالم، و نه بر مالم، و نه بر آن چه پروردگارم روزیام فرموده، تو بر هیچ یک از این امور من راهی نداری، من میان خود و تو به وسیله حجاب نبوت پرده کشیدم؛ آن ستری که پیامبران الهی خود را به وسیله آن از شرّ

1. فرعون های زمان حفظ کردند، جبرئیل در جانب راست من و میکائیل جانب چپ و اسرافیل در پشت سر، و محمّد- صلی اللّه علیه و آله- در پیش روی من است، و خداوند بر من آگاه است و تو را و شیطان را از من مانع می شود، پروردگارا ! ناآگاهی او بر صبر و شکیب تو غالب نمیشود تا مرا به وحشت اندازد و کوچک و حقیرم شمارد، بار الها ! به تو پناه آوردم،

بار الها ! به تو پناه آوردم، بار الها ! به تو پناه آوردم»(1).

2. قرب الاسناد: از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره حرزهایی که بر کودکان آویخته میشود، سؤال شد، حضرت فرمود: هر حرزی بخواهید آویزان کنید، اگر در آن ذکر خدا باشد(2).

3. مکارم الاخلاق: حرز امیرالمؤمنین علیه السلام برای فرد جادو شده و دیوانه و مصروع و دفع سمّ و خطر سلطان و شیطان و هر چه که انسان از او میترسد: هر که این نامه را به گردن آویزد، از دزد و درّنده و مار و عقرب و هر چیز موذی نترسد، و حرز حضرت این است:

«به نام خداوند رحمان و رحیم؛ ای کنوش ای کنوش ارشش عطنیطنیطح میططرون فریالسنون ما و ما ساما سویا طیطشالوش خیطوش مشفقیش مشاصعوش او طیعینوش لیطفیتکش هذا هذا، {و چون امر را به موسی واگذاشتیم، تو در جانب غربیِ طور حضور نداشتی و از گواهان نبودی(3) }. ای ملعون به قدرت خداوند عالمیان از این جان خارج شو، خارج شو از آن وگرنه از زندانیان میشوی؛ خارج شو. {تو را نرسد که در آن تکبّر نمایی. پس بیرون شو که تو از خوارشدگانی(4) }؛ با حقارت و دوری و ملعونی خارج شو، { همان گونه که اصحاب سبت را لعن کردیم و امر خداوند شدنی است(5) }. ای ذویالمحزون خارج شو، ای سوراسور به اسم مخزون خارج شو، ای میططرون طرحون مراعون. {فرخنده خدایی است که پروردگار

ص: 242

1- . عیون الاخبار 2 : 138
2- . قرب الاسناد : 70 و 71
3- . قصص / 44 3
4- 4. اعراف / 13

5- . نساء / 47[5]

عالمیان است(1) }. یَا هیّاً شَرَاهیّاً حیّاً قَیُّوماً به اسم نوشته شده بر پیشانی اسرافیل دور کن از صاحب این نوشته هر جن و جنیه و شیطان و شیطانه و تابع و تابعه و ساحر و ساحره و و غول و غوله را و هر به بازی گیرنده و بازی کنندهای که فرزندان آدم را به بازی میگیرد و هیچ قدرتی و توانی نیست مگر به دست خداوند بزرگ و بلندمرتبه و درود خداوند بر محمد و آل مطهر و مبارک او».

حرز امام زین العابدین علیه السلام:

بسم الله الرحمن الرحیم، به نام خدا و به یاری خدا دهان جن و انس و شیاطین و سلاطین و هر که را به آن ها پناه می برد می بندم، به یاری خداوند عزیز و اعزّ و کبیر و اکبر، بسم الله الظاهر الباطن المکنون المخزون الذی اقام السماوات و الأرض « ثُمَّ اسْتَوی عَلَی الْعَرْشِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ وَ وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَیْهِمْ بِما ظَلَمُوا فَهُمْ لا یَنْطِقُونَ قالَ اخْسَؤُا فِیها وَ لا تُکَلِّمُونِ وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَیِّ الْقَیُّومِ وَ قَدْ خابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْماً وَ خَشَعَتِ الْأَصْواتُ لِلرَّحْمنِ فَلا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْساً وَ جَعَلْنا عَلی قُلُوبِهِمْ أَکِنَّهً أَنْ یَفْقَهُوهُ وَ فِی آذانِهِمْ وَقْراً وَ إِذا ذَکَرْتَ رَبَّکَ فِی الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلی أَدْبارِهِمْ نُفُوراً وَ إِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنا بَیْنَکَ وَ بَیْنَ الَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ حِجاباً مَسْتُوراً وَ جَعَلْنا مِنْ بَیْنِ أَیْدِیهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَیْناهُمْ فَهُمْ لا یُبْصِرُونَ الْیَوْمَ نَخْتِمُ عَلی أَفْواهِهِمْ وَ تُکَلِّمُنا أَیْدِیهِمْ وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِما کانُوا یَکْسِبُونَ لَوْ أَنْفَقْتَ ما فِی الْأَرْضِ جَمِیعاً ما أَلَّفْتَ بَیْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لکِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَیْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِیزٌ حَکِیم»(2).

حرز امام رضا علیهالسلام که رقعهای برای جیب است:

بسم الله الرحمن الرحیم، اگر متقی باشی، از شرّ تو به خداوند پناه میبرم، ساکت شوید و سخن نگویید، به یاری گوش و چشم خدا گوش و چشم تو را می گیرم، و قدرت و سیطره تو را به قدرت و سیطره خداوند تسخیر میکنم، سیطره خداوندی که میان من و تو مانع است و با آن پیامبران و فرستادگانش را از فراعنه و شرّ ایشان حفظ فرمود. جبرئیل در طرف راست من است و میکائیل در طرف چپ و محمد صلوات الله علیه وآله در پیش روی من، و خداوند بر من احاطه دارد و ترا از من

1- . مؤمنون / 14[1]

2- . مكارم الاخلاق : 277، 278

میراند و به قدرت و توان خود میان من و تو مانع میشود و خداوند برایم کافی است و او بهترین وکیل است، هر چه خداوند بخواهد میشود و هر چه نخواهد نمیشود. و آیه الکرسی را به صورتی که نازل شده است، به همراه لا حول ولا قوه إلا بالله العظیم مینویسد و با خود نگه میدارد.

حرز دیگری از امیرالمؤمنین علیهالسلام:

به نام خدا و به یاری خدا، خداوندا به مدد تو از بلاها می گریزم و بر تو توکل میکنم و کار خود را به دست تو می سپارم. خداوندا ضعف پشتوانه ام را به پشتوانه محکمت پناه آوردهام در حالی که از تو امان میخواهم و از تو یاری میطلبم و از تو استعانت میجویم علیه کسانی که بر من قهر و غلبه میجویند و بر کوبیدن من و ظلم بر من اقدام مینمایند، از تو کمک می خواهم، خداوندا در پناه توام و آن کس که به پناه تو درآید، ظلم نمیبیند. خداوندا به نیروی خود هر که را که قصد کوبیدن مرا دارد، بکوب و به قدرت خود آن کس را که میخواهد مرا خوار سازد، خوار کن، و هر که خواهد مرا درهم شکند او را با بطش خود درهم شکن، خداوندا مرا پناه ده تا محفوظ گردم چرا که پناه برنده به تو در امان است، و خداوندا در همه این مراحل، پوشش خود را بر من قرار ده که هر کس تو را پوشش خود قرار دهد، در امن و حفاظت باشد، و هیچ توان و قدرتی نیست مگر از سوی خداوند بلند مرتبه و بزرگ، خدایی که فرزند اختیار نکرده و در سلطنت خود دارای شریک نیست و از روی ذلت و ضعف و ذلت یاور و همکاری ندارد و او را بسیار بزرگ شمار. و کیست غیر از خدا که از خود نقشه ای و اراده ای و در کارش قوّتی داشته باشد و همه حول و قوّه و اراده من از خداوند واحد بی نیازی است که نزاییده و زاییده نشده و همتایی ندارد، هر مالکی مملوک خداست و هر قدرتمندی اسیر قدرت خداست، و هیچ ستمگری نمیتواند از عدالت خدا فرار کند و هر سلطه جویی مقهور سطوت خداست، و هر چیزی در قبضه قدرت خداست، هر جبّاری در جنب عظمت خدا ذلیل است و هر معاند و دشمنی ذلیل بطش خداست. بر علیه هر دشمنی خدا را پناه میگیرم و به قدرت خدا هر سرکشی را از پا در آورده و دور می کنم و به اذن خدا میان خود و هر خوشگذران مسلط و جبّار گردنکش و هر قدرتمند صاحب ریاست و هر مستکبر صاحب فرصت و حاکم صاحب امارت و حسود کارشکن و بداندیش حیله گر و هر

کسی که با سخنان گمراه کننده یا نیرنگ زیان انگیز یا سخن چینی و بدگویی به ضرر من کار می کند و یا کسی را به ضرر من یاری میرساند و از شرّ هر طاغی متکبّر یا مغرور خودخواه، هر کس و اهل هر مذهبی که باشد، مانع و سپر قرار میدهم و برای خود و فرزندانم حجابی سپر و مانعی می سازم با آن چه که در کتاب خود فرستاده و با وحی خود استحکام بخشیدهای که سورهای مانند آن آورده نمیشود و آن کتاب عادل و عزیز و جلیل است که از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به سویش نمیآید وحی نامهای است از حکیمی ستوده [صفات]، خداوند بر دلهای ایشان و بر شنواییشان مهر نهاده و بر دیدگانشان پردهای است و آنان را عذابی بزرگ است و سلام و صلوات بسیار خداوند بر محمد و آل او(1).

حرزی دیگری است که بر اساس روایت برای رفع تب نوشته میشود:

به نام خداوند رحمان و رحیم، به نام خداوند نور نور، به نام خداوند نور علی نور، به نام خدایی که نور را از نور آفرید و نور را بر طور نازل فرمود، در کتابی نگاشته شده به اندازه مقدر بر پیامبری مکرم. سپاس خدایی را با عزت یاد میشود و به فخر مشهور است و در پنهان و آشکار شکر میشود و درود خداوند بر محمد و آل مطهر او.

و این حرزی است که حضرت فاطمه سلام الله علیها آن را به سلمان آموخت، و سلمان روایت کرده است که آن را به بیش از هزار نفر از مردم مبتلا به تب در مکه و مدینه آموخته و همگی به اذن خدا از بیماری شفا یافتهاند(2).

برای بیماری رهصه (ورم زیر سم چهار پایان)، یک تکه پشم آب ندیده برمیداری و آن را میتابی و هفت گره بر آن میزنی و به هنگام زدن هر گره میگویی: عیسی بن مریم بر روی الاغ سفیدی بیرون آمد که ورم و عارضهای در سُم نداشت، من بر تو تعویض میبندم و خداوند عزوجل شفایت میدهد، پس آن را محکم در موضع رهصه میبندی(3).

1- . مکارم الاخلاق: 479 - 480
2- . مکارم الاخلاق : 480
3- . مکارم الاخلاق: 474، 475

1. از ابن عباس روایت شده که رسول خدا صلوات الله علیه وآله حسن و حسین علیهما السلام را تعویذ میفرمود و میگفت: «اعیذکما بکلمات الله التامه، من کل شیطان و هامه و من کل عین لامّه» - شما را به وسیله کلمات تامه خداوند، تعویذ میکنم از شر تمامی شیاطین و حیوانات سمی و از هر چشم بد. - سپس پیغمبر صلوات الله علیه وآله میفرمود: پدرم ابراهیم این گونه دو فرزندش اسماعیل و اسحاق را در پناه خدا مینهاد.

در کتاب دعوات راوندی عین روایت تا کلمه لامه ذکر شده است.

5. دعوات راوندی: ربیعه بن کعب گوید از رسول خدا صلوات الله علیه وآله شنیدم که می فرمود: هیچ بندهای نیست که این عبارت را روزانه هفت مرتبه بگوید: از خداوند بهشت میخواهم و از آتش جهنم به او پناه میبرم، مگر این که جهنم گوید: خدایا از من به او پناه بده.

6. امیرالمومنین علیه السلام در نهج البلاغه فرمود: کسی از شما نگوید: «الهی، از امتحان به تو پناه می برم» چرا که کسی نیست مگر این که مشمول امتحان است. اما اگر کسی خواست از خدا پناه جوید، باید از فتنه های گمراه کننده پناه جوید، خداوند سبحان می فرماید: بدانید که اموال و فرزندانتان مایه آزمایش شمایند(1). سید رضی رضی الله عنه میگوید: معنی آیه این است که خداوند آنان را به اموال و فرزندان آزمایش می کند تا ناخشنود از رزق او و راضی به نصیب او را معلوم سازد، اگر چه خداوند سبحان از خود آن ها به آن ها آگاهتر است، ولی آزمایش برای این است که کارهایی که سزاوار ثواب و اعمالی که موجب کیفر است آشکار گردد، زیرا بعضی از مردم عاشق فرزند پسر و متنفر از دخترند، و برخی عاشق افزایش مال و ناراحت از نقصان داراییاند. و این از تفسیرهای اعجاب آور است که از حضرت شنیده شده است.(2)

1- . انفال/ 28
2- . نهج البلاغه، حکمت 93

روایات:

می گویم: بسیاری از بخش های کتاب عوذات الایام و دعاهای آن در کتاب نماز بیان شد، پس به آن مراجعه کنید.

1. طب الأئمه علیهم السلام: از امام صادق علیه السلام روایت شده و در ابتدای آن تعویذ روز شنبه آمده است:

تعویذ روز شنبه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ خودم یا فلانی فرزند فلانی را در پناه خدایی قرار میدهم که هیچ خدایی جز او نیست «رَبِّ الْعالَمِینَ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ مالِکِ یَوْمِ الدِّینِ إِلَی قَوْلِهِ وَ لَا الضَّالِّینَ وَ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَ الْوَسْواسِ الْخَنَّاسِ الَّذِی یُوَسْوِسُ فِی صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّهِ وَ النَّاسِ وَ مِنْ شَرِّ غاسِقٍ إِذا وَقَبَ إِلَی إِذا حَسَدَ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ إِلَی کُفُواً أَحَدٌ نُورُ النُّورِ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ کَمِشْکاهٍ فِیها مِصْباحٌ الْمِصْباحُ فِی زُجاجَهٍ الزُّجاجَهُ کَأَنَّها کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ یُوقَدُ مِنْ شَجَرَهٍ مُبارَکَهٍ زَیْتُونَهٍ لا شَرْقِیَّهٍ وَ لا غَرْبِیَّهٍ یَکادُ زَیْتُها یُضِیءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلی نُورٍ یَهْدِی اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ یَشاءُ وَ یَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عَلِیمٌ الَّذِی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِ ... قَوْلُهُ الْحَقُّ وَ لَهُ الْمُلْکُ یَوْمَ یُنْفَخُ فِی الصُّورِ عالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَهِ وَ هُوَ الْحَکِیمُ الْخَبِیرُ اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ سَبْعَ سَماواتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ یَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَیْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ وَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحاطَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عِلْماً وَ أَحْصی کُلَّ شَیْ ءٍ عَدَدا»

از شر هر صاحب شر آشکار یا پنهانی، و از بدی های انسان ها و جنیان و از بدی هر آن چه در شب به پرواز درآید و روز آرام گیرد، و از بدی های حوادث شب

ص: 247

و روز و از بدی هرآن چه در گرمابه ها و نخلستان ها و خرابه ها و بیابان ها جای گرفته است، و آن چه در دشت ها و بیشه زارها و درختان قرار گرفته و آن چه که در رودها جاری است.

و پناه می برم از همه آن ها به خداوند «مالِکَ الْمُلْکِ تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشاءُ إِلَی قَوْلِهِ بِغَیْرِ حِسابٍ لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْ ءٌ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ لَهُ مَقالِیدُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ یَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ یَشاءُ وَ یَقْدِرُ إِنَّهُ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عَلِیمٌ» و پناه میبرم به کسی که «خَلَقَ الْأَرْضَ وَ السَّماواتِ الْعُلی الرَّحْمنُ عَلَی الْعَرْشِ اسْتَوی لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ وَ ما بَیْنَهُما وَ ما تَحْتَ الثَّری وَ إِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ یَعْلَمُ السِّرَّ وَ أَخْفی اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنی أَلا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبارَکَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمِینَ ادْعُوا رَبَّکُمْ تَضَرُّعاً وَ خُفْیَةً إِلَی قَوْلِهِ إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِیبٌ مِنَ الْمُحْسِنِین»(1). و پناه می برم به کسی که تورات و انجیل و زبور و فرقان عظیم را فروفرستاد از شر هر طغیان گر ستم پیشه، و هر شیطان و پادشاه، و هر جادوگر و پیش گو، و هر بیننده و هر کوبنده، و هر جنبنده و هر آرام گرفته و هر خاموش و هر پندارنده و صورت گر و به هر رنگ و هر شکل مختلف درآمده. پروردگار، پاک و منزه است، این حرز تو و یاری رساننده تو و آرامش دهنده توست که از تو پشتیبانی می کند. او را همتایی نیست و کسی را که او خوار کند نمی توان عزیز کرد و کسی را که او عزیز گرداند خوار شدنی نیست، و او یگانه چیره است. خداوند بر محمد و خاندانش درود فرستد (2).

تعویذ روز یک شنبه:

به نام خداوند بخشنده مهربان. خداوند بزرگ تر است، خداوند بزرگ تر است، خداوند بزرگ تر است، پروردگار بر عرش مسلط گشته و آسمان هاو زمین به فرمان او ایستاده اند و ستارگان به دستور او آرام گرفته اند و کوه ها به اجازه او فرورفته اند، هیچ کس در آسمان هاو زمین از نام او درنمی گذرد، او که کوه ها برایش پست گردیده و به فرمانش درآمده اند و اجساد به سویش برانگیخته شده در حالی که

1- . الأعراف/ 56.
2- . طب الأئمه: 41

پوسیده اند، با نیروی خداوند، هر ضرر رساننده و حسودی را از فلانی فرزند فلانی می پوشانم، با نیروی کسی که میان دو دریا حائلی قرار داد و در آسمان برج هایی گماشت و چراغ و ماه تابانی در آن قرار داد.

و پناه می برم به آن کس که آسمان را آراست و آن را از هر شیطان رانده شده ای حفظ نمود. و پناه می برم به آن کس که کو ه ها را محکم و استوار قرار داد، از این که بدی و زشتی و یا گرفتاری به او برسد، حم حم حم عسق، این چنین خداوند عزیز و حکیم بر تو و کسانی که پیش از تو بودند وحی فرستاد. حم حم حم، گفتاری که از جانب بخشنده مهربان فرو فرستاده شده است، و درود خداوند بر محمد و خاندانش باد(1).

تعویذ روز دوشنبه:

به نام خداوند بخشنده مهربان، پناه می برم به خداوند بزرگ من، از شر هر پنهان و آشکار، و از شر هر مرد و زنی، و از شر هر آن چه که خورشید و ماه بر آن تابیده است، پاک و مبارک است، آفریدگار فرشتگان و روح، ای جنیان شما را می خوانم اگر شنوا و فرمان بردار هستید، ای انسان ها شما را به سوی مهربان آگاه فرامی خوانم، و ای گروه جن و انس، شما را به سوی کسی فرامی خوانم که همه مخلوقات برای او خوار گشته اند، با مهر پروردگار عالمیان و مهر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و با مهر سلیمان پیامبر و مهر محمد صلی الله علیه و آله، بزرگ پیامبران و خاندان پاک و پاکیزه ایشان آن را مهر کردم. از فلانی فرزند فلانی هر تابعه (جن یا پری که همزاد انسان باشد.) موجود جان دار سرکش را گرفتم، جن باشد یا عفریت یا جادوگر سرکش یا پادشاه ستمگر یا شیطان رانده شده، به فرمان خداوند مهربان و آگاه، از فلانی فرزند فلانی گرفتم هر آن چه را که دیده می شود و یا از دیده ها پنهان است، هرآن چه چشمان بیدار یا خواب ببینند، راهی به سوی او برای شما وجود ندارد و نمی توانید او را بترسانید. الله الله الله شریکی ندارد و درود خداوند بر محمد و خاندانش باد.

1- . طب الأئمه: 42

تعویذ روز سه شنبه:

به نام خداوند بخشنده مهربان، خود را در پناه خداوند بزرگ قرار میدهم، پروردگار آسمان های برافراشته، آن کس که آن ها را در دو روز آفرید و حکم هر یک را درآن جاری ساخت. او که زمین را در دو روز آفرید و و روزی های آن را در آن تعیین کرد و کوه ها را در آن قرار داد و گردنه ها و راه ها را در آن قرار داد و ابرهای باران زا را پدید آورد و آن را به اختیار درآورد و کشتی را به جریان انداخت و دریا را به اختیار درآورد و در زمین کوه های استوار و رودها را قرار داد، از بدی هرآن چه در روز و شب قرار دارد و در دل ها محکم می شود و دیده ها آن را می بینند، از جنیان و انسان ها. خداوند برای ما کافی است، خداوند برای ما کافی است، خداوند برای ما کافی است، پروردگاری جز الله نیست و محمد فرستاده اوست صلی الله علیه و آله و سلم تسلیما.(1)

تعویذ روز چهارشنبه:

به نام خداوند بخشنده مهربان، ای فلانی فرزند فلانی، تو را پناه می دهم به یگانه بی همتا، از شر هرجادویی و هر گره ای و هر از شر ابلیس و فرزندانش، تو را پناه می دهم به یکتای بلند مرتبه، از شر هر آن چه دیدگان ببینند و هرآن چه دیده نشود، و پناه می دهم تو را به یگانه بزرگ، از شر هر کار دشواری که به دستور پادشاه برایت پیش آید. ای فلانی فرزند فلانی، تو در پناه خداوند عزیز و قدرتمند هستی، پادشاه پاک و چیره، با سلامت و ایمنی و بزرگی، عزیز و آمرزنده، دانای پیدا و پنهان، بزرگ و بلندمرتبه، او خدایی است که شریکی ندارد، محمد که درود خدا براو و خاندانش باد، فرستاده خداست و رحمت و برکت های خداوند بر آن ها باد.

تعویذ روز پنج شنبه:

به نام خداوند بخشنده مهربان، خودم و یا فلانی فرزند فلان زن را را پناه می دهم به خداوند پروردگار مشرق ها و مغرب ها، از شر هر شیطان سرکش، هر ایستاده و نشسته و هر حسد ورزنده و دشمنی کننده ای، و برایتان از آسمان آبی فرو

1- . طب الأئمه : 43

فرستاد تا به وسیله آن شما را پاکیزه گرداند و پلیدی شیطان را از شما پاک کند و دل هایتان را به وسیله آن نیرومند گرداند و گام هایتان را استوار گرداند. پایت را در این چشمه آب سرد بزن که برای شستشو و نوشیدن است. و از آسمان آب پاکیزه ای فرستادیم تا زمین مرده را به وسیله آن زنده کنیم و چارپایانی که آفریدیم و انسان های فراوانی را سیراب گردانیم. اکنون خداوند بر شما آسان گرفت، این رحمت و سبک گرفتن از جانب خداست تا بر شما آسان گرفته شود، پس خداوند برای تو کافی خواهد بود و او شنوا و داناست. هیچ نیرو و توانی به جز از جانب خدا نیست، هیچ پیروزی جز خداوند نیست و خداوند برکار خود چیره است، معبودی جز الله نیست و محمد پیامبر اوست که درود خداوند براو و خاندانش باد.

تعویذ روز جمعه:

به نام خداوند بخشنده مهربان، هیچ نیرو و توانی جز به فرمان خداوند بزرگ و بلند مرتبه نیست، پروردگار فرشتگان و روح و پیامبران و فرستادگان، آن کس که در آسمان هاو زمین چیره است، آفریننده همه چیز و صاحب آن ها، بدی های آنان را بازدار و دیده ها و دل هایشان را نابینا گردان و میان ما و آن ها نگهبانانی و مانع و حجابی قرار ده که ما را حفظ کند به راستی که تو آفریدگار مایی. نیرو و توانی نیست مگر از جانب تو، ما به تو تکیه کردیم و به سویت پناه آوردیم و تو عزیز و حکیم هستی. فلانی فرزند فلان زن را از بدی هر جنبنده ای که جانش در دست توست حفظ کن و از شر هر آن چه در شب و روز قرار گرفته و از هر شر و بدی او را نگاه دار، آمین ای پروردگار عالمیان، درود خداوند بر محمد پیامبر مهربانی و خاندان پاکش باد(1).

2. دعوات راوندی: دعاهای هفته.

تعویذ روز شنبه:

به نام خداوند بخشنده مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست مگر از خدای بزرگ بلند مرتبه، بارالها، ای پروردگار فرشتگان و روح و پیامبران و فرستادگان، و ای

1- . طب الأئمه : 44- 45

چیره بر هرآن چه در آسمان هاو زمین است، مرا از آسیب بدان بازدار و دیده ها و دل هایشان را نابینا گردان و میان من و آن ها حجابی قرار ده، به راستی تو پروردگار ما هستی و نیرویی جز از خداوند نیست، به او تکیه کردم مانند کسی که از بدی هر جنبنده ای که جانش در دست پروردگار است به او پناه برده و از شر هرآن چه در شب و روز آرام گرفته و از شر هر بدی به او پناه می برم. و درود خداوند بر محمد و خاندانش باد.

تعویذ روز یک شنبه:

به نام خداوند بخشنده مهربان، خداوند بزرگ است، خداوند بزرگ است، پروردگار بر عرش جای گرفته و آسمان هاو زمین به دانش او برپاداشته شده اند و دریاها به فرمان او کشیده و ستارگان به دستور او آشکار شده اند و و کوه ها به اجازه ی او افراشته شده اند. هیچ کس در آسمان هاو زمین از نامش نمی گذرد، او که کوه ها برایش پست گردیده و به فرمانش درآمده اند و اجساد به سویش برانگیخته شده در حالی که پوسیده اند، با نیروی خداوند، به وسیله او پناه می گیرم از هر ستمگر و طغیانگر و ضرر رساننده و جبّار و حسود، با نیروی کسی که میان دو دریا حائلی قرار داد و پناه میگیرم به در آسمان برج هایی گماشت و چراغ و ماه تابانی در آن قرار داد. و به آن کس که آسمان را آراست و آن را از هر شیطان رانده شده ای حفظ نمود. و پناه می برم به آن کس که کو ه ها را محکم و استوار قرار داد، از این که بدی و زشتی و یا گرفتاری به او برسد، حم حم حم، گفتاری که از جانب بخشنده مهربان فرو فرستاده شده است، حم حم حم عسق، این چنین خداوند عزیز و حکیم بر تو و کسانی که پیش از تو بودند وحی میفرستد. و درود خداوند بر محمد و خاندانش باد.

تعویذ روز دوشنبه:

به نام خداوند بخشنده مهربان، پناه می برم به پروردگار بزرگترینم، از شر هر پنهان و آشکار، و از شر هر نر و مادهای، و از شر هر آن چه که خورشید و ماه آن را پوشانیده است، پاک و مبارک است، آفریدگار فرشتگان و روح، ای جنیان شما را می خوانم اگر شنوا و فرمان بردار هستید، ای انسان ها شما را به سوی مهربان آگاه

فرامی خوانم، و ای گروه جن و انس، شما را فرامی خوانم به آن چه با مهر پروردگار عالمیان و مهر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و با مهر سلیمان پیامبر و مهر محمد صلی الله علیه و آله و علیهم، بزرگ پیامبران و خاندان پاک و پاکیزه ایشان مهر کردم. از فلانی فرزند فلانی در هر صبح که میرود و هر غروب که بازمیگردد هر جان دار یا عقرب یا جادوگر یا شیطان رانده شده یا پادشاه ستمگر را بازدار، به فرمان خداوند مهربان و آگاه، از او گرفتم هر آن چه را که دیده می شود و یا از دیده ها پنهان است، هرآن چه چشمان بیدار یا خواب ببینند. شما بر خداوند توانایی ندارید، شریکی برای خداوند نیست و درود او بر پیامبرش باد، مولای ما محمد و خاندان پاکش باد.

تعویذ روز سه شنبه:

به نام خداوند بخشنده مهربان، پناه می برم به خداوند بزرگترین، پروردگار آسمان های افراشته بدون ستون، آن کس که آن ها را در دو روز آفرید و حکم هر یک را درآن جاری ساخت. او که زمین را در دو روز آفرید و و روزی های آن را در آن تعیین کرد و کوه ها را در آن قرار داد و گردنه ها و راه ها را در آن قرار داد و ابرهای باران زا را پدید آورد و آن را به اختیار درآورد و کشتی را به جریان انداخت و دریا را به اختیار درآورد و در زمین کوه های استوار و رودها را قرار داد، همگی در چهار روز و برای پرسش کنندگان یکسان قرار داد. از بدی هرآن چه در روز و شب قرار دارد و در دل ها محکم می شود و دیده ها آن را می بینند، از جنیان و انسان ها. خداوند برای ما کافی است، خداوند برای ما کافی است، خداوند برای ما کافی است، پروردگاری جز الله نیست و محمد صلی الله علیه و آله فرستاده اوست صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین.

تعویذ روز چهارشنبه:

به نام خداوند بخشنده مهربان، پناه می برم به یگانه بی همتا، از شر آن کس که در جادوها می دمد و از شر ابلیس و فرزندانش، پناه می برم به یکتای بلند مرتبه، از شر هر آن چه دیدگانم ببینند و هرآن چه ندیدند، و پناه می برم به یگانه یکتا، از شر هر که بخواهد مشکلی برایم پیش آورد. پروردگارا درود فرست بر محمد و خاندانش، و مرا در پناه و همسایگی و دژ محکم خود قرار ده که عزیز و جبار و

پادشاه و پاک و چیره و آرامش آور و امنیت بخش و دارای هیمنه و بخشنده و دانای نهان و آشکار و بزرگ و بلند مرتبه است، او الله است، او الله است، او الله است، شریکی ندارد، محمد که درود خدا بسیار و همواره براو و خاندانش باد، فرستاده اوست.

تعویذ روز پنج شنبه:

به نام خداوند بخشنده مهربان، پناه می برم به خداوند پروردگار مشرق ها و مغرب ها، از شر هر شیطان سرکش، هر ایستاده و نشسته و هر دشمن حسد ورزنده و دشمنی کننده ای، و برایتان از آسمان آبی فرو میفرستد تا به وسیله آن شما را پاکیزه گرداند و پلیدی شیطان را از شما پاک کند و دل هایتان را به وسیله آن نیرومند گرداند و گام هایتان را استوار گرداند. پایت را در این چشمه آب سرد بزن که آبش برای شستشو و نوشیدن است. و از آسمان آب پاکیزه ای فرستادیم تا زمین مرده را به وسیله آن زنده کنیم و چارپایانی که آفریدیم و انسان های فراوانی را سیراب گردانیم. اکنون خداوند بر شما آسان گرفت، این رحمت و سبک گرفتن از جانب خداست تا بر شما آسان گرفته شود، پس خداوند برای تو کافی خواهد بود و او شنوا و داناست. معبودی جز الله نیست، هیچ پیروزی جز خداوند نیست، معبودی جز الله نیست و محمد پیامبر اوست صلی الله علیه و آله و سلم تسلیما.

تعویذ روز جمعه:

به نام خداوند بخشنده مهربان، هیچ نیرو و توانی جز به فرمان خداوند بزرگ و بلند مرتبه نیست، خدایا، ای پروردگار فرشتگان و روح و پیامبران و فرستادگان، ای چیره در آسمان هاو زمین و آفریننده همه چیز و صاحب آن ها، بدی های دشمنان ما را بازدار و هر آن کس از جن و انس که بدی برای ما خواهد، دیده ها و دل هایشان را نابینا گردان و میان ما و آن ها مانع و حجابی قرار ده که ما را حفظ کند به راستی که تو آفریدگار مایی. نیرو و توانی نیست مگر از جانب الله ، ما به تو تکیه کردیم و به سویت پناه آوردیم و تو عزیز و حکیم هستی. خداوندا، از بدی هر بدی و هر جنبنده ای که جانش در دست توست ما را حفظ کن و از شر هرآن چه در شب و روز پنهان گشته و از هر شر و بدی و بدی هر دارای بدی ما را نگاه دار، ای

پروردگار عالمیان، و معبود فرستادگان، و درود فرست بر محمد و خاندان پاکش، که از اولیاء تو بودند و محمد و خاندانش را با کامل ترین آن مخصوص گردان و هیچ نیرو و توانی نیست مگر از خداوند بزرگ و بلندمرتبه.

به نام خداوند، و به یاری او، به خدا ایمان دارم و به او پناه می برم و به ریسمانش چنگ می زنم و به او پناهنده می شوم و به عزت و ایمنی خداوند از شیطان های انس و جن ایمن می شوم، از پیاده و سواره و دونده آن ها و از انحراف و بازگشت و حیله و بدی آن ها و بدی هر آن چه در شب و روز از نزدیک و دور می آورند و از شر غایب و حاضر و ساکن و زیارت کننده و زنده و مرده و بینا و نابینا و از شر عام و خاص آن ها و از شر خودم و گمان های آن و از شر سرگشتگی ها و حواس و لمس کردنی ها و پوشیدنی ها و از چشم جن و انس به او پناه می برم. به نامی که تخت بلقیس با آن لرزید و دینم را و خودم را و همه آن چه را که به من متوجه است پناه می دهم از شر هر نقش و گمان و هر سپیدی و سیاهی، یا مثال یا هم پیمان یا غیر هم پیمان، از آن چه در هوا قرار دارد یا در ابرها و روشنایی و سایه و آفتاب و خشکی و دریا و دشت و ناهمواری و خرابه و آبادی و پشته ها و قلعه ها و آبگیرها و کنیسه ها و مقبره ها و دره ها و مرغزارهاست، از کسانی که بیرون روند و وارد شوند، از هر که در شب آشکار شود و در روز پراکنده گردد و در شامگاهان و سپیده دمان و هنگام غروب یا طلوع، از هرکه بدگمانی آورد و افسانه گوید و فتنه کند و از فرعونیان و ابلیسها و سربازان و همسران و خاندان و قبیله آن ها و از تحریک و عیب جویی و دمیدن و فتنه و افسون و ضربت و بازی و نگاه و حیله گری و رفت و آمد و خوی آن ها، از شر هر صاحب شری از جادوگران و دیوها و ام الصبیان و آنچه زاییدند و آنچه وارد کنند و از شر هر صاحب شری، درون و بیرون، وارد شونده و جلوگیرنده، ساکن و متحرک و تپش رگ ها و صداع و شقیقه و أم ملدم (1) و تب و مثلثه و ربع و غبّ و نافضه و صالبه و داخله و خارجه، و

1- (1) ام ملدم کنیه ی تب است و مثلثه چیزی است که یک روز از سه روز را بگیرد و ربع در مقابل سه، چیزی است که یک روز از چهار روز را بگیرد. گفته شده: تب ربعی تبی است که یک روز را گرفته و دوروز را ترک کند. و آن چیزی است که در سه روز هجده ساعت را بگیرد و آن یک

چهارم ساعات روزهاست، پس به اعتبار ساعت ها نام گذاری شد. و غب چیزی است که یک روز را گرفته و یک روز را رها کند. و نافضه تب و لرز است و صالبه بسیار سوزان و با حرارت زیاد است که همراه با لرز باشد و مخالف رعده است.

از شر هر جنبنده ای که جانش به دست توست و به راستی پروردگارم در راه راست است. درود خداوند بر محمد و خاندانش باد و درود فراوان بر آن ها باد.

و این تعویذ آخر را أبو جعفر محمد بن علی علیه السلام برای فرزندش ابوالحسن علیه السلام که نوزادی در گهواره بود نوشت و به وسیله آن او را محافظت می نمود و عبد العظیم حسنی خداوند از او راضی گردد آن را از ایشان روایت نموده است.

3. دعوات راوندی،

تسبیحات پیامبر و امامان علیهم السلام.

تسبیح محمد صلی الله علیه و آله در روز اول ماه:

پاک و منزه است خداوند به مقدار خوشنودی اش. پاک و منزه است به وسعت آسمان ها، پاک و منزه است خداوند به اندازه ی زمینش، منزه است خداوند مانند آن و سپاسی مانند آن مخصوص خداوند است و پروردگاری جز الله نیست مانند آن و بزرگ تر است خداوند به اندازه آن.

تسبیح علی علیه السلام در روز دوم:

منزه است خدایی که بزرگ است و نام هایش مبارک است. منزه است آن کس که تا بی نهایت جاودان است. منزه است آن کس که آسمان ها از نور حجابش روشن می گردند. منزه است آن کس که آسمان هارا بدون ستون برافراشته است، منزه است آن کس که روشناییاش با کبریاء و نور عظمت یافته است، منزه است آن کس که به وحدانیت یگانه شد، پس معبودی جز او نیست. منزه است کسی که ردایش با بزرگی و فخر پوشیده شده است. منزه است آن کس که با یگانگی اش بر عرش تکیه زده است.

تسبیح فاطمه علیها السلام در روز سوم:

پاک و منزه است کسی که با حول و قوه خود نورانی گردید منزه است کسی که در حجاب هفت آسمان است، و هیچ چشمی او را نمیبینند. منزه است کسی که

بندگان را با مرگ خوار و خود را با حیات عزتمند میکند. منزه است کسی که میماند و هر چیزی جز او نابود میشود. منزه است کسی که حمد را خاص خود قرار داد و آن را پسندید. منزه است خداوند زنده دانا، منزه است خداوند بردبار گرامی، منزه است پادشاه مقدس، منزه است بلند مرتبه بزرگ. منزه است خداوند و او را سپاس میگویم.

تسبیح حسن بن علی علیهالسلام در روز چهارم: منزه است کسی که بر راز دلها آگاه است. منزه است کسی که شمار گناهان در نزد اوست. منزه است کسی که هیچ چیزی در آسمان هاو زمین بر او پوشیده نیست. منزه است خداوند آگاه از نهاد انسان ها و دانای امور پوشیده و منزه است کسی که به اندازه ذرهای در آسمان هاو زمین از او پوشیده نمیماند، منزه است کسی که رازها در نزد او عیان است و باطن در نزد او ظاهر است. منزه است خداوند و او را سپاس میگویم.

تسبیح حسین بن علی در روز پنجم: منزه است خداوند رفیع والاترین، منزه است خداوند بزرگ بزرگترین، منزه است خداوندی که این چنین است و هیچ کس جز او اینگونه نیست و هیچ کس قدرت او را ندارد. منزه است کسی که اول او علم وصف ناپذیر و آخر او علم لایتناهی است. منزه است کسی که با الهیت خود از همه مخلوقات بالاتر است، نه چشمی او را میبیند و نه عقلی او را درک میکند و نه در تصور کسی در میآید و نه هیچ زبانی قدرت توصیف او را دارد هر آن قدر که توصیف کند . منزه است کسی که در آسمان هابالا رفت. منزه است کسی که مرگ را بربندگان حکم فرمود. منزه است پادشاه توانا، منزه است پادشاه مقدس، منزه است ماندنی جاودان.

تسبیح علی بن حسین علیهالسلام در روز ششم: منزه است کسی که نور او هر ظلمتی را روشن کرد منزه است کسی که قدرتش هر قدرتی را خوار کرد منزه است کسی که از بندگان پوشیده است و هیچ چیز او را نمیپوشاند منزه است خداوند و او را سپاس میگویم.

تسبیح محمد بن علی علیهالسلام در روز هفتم: منزه است خالق باری منزه است قادر مقتدر منزه است برانگیزاننده وارث منزه است کسی که همه چیز برای او خاضع

گشت منزه است کسی که رعد به حمد او و فرشتگان جملگی از بیمش تسبیح میگویند، منزه است خداوند عظیم و او را سپاس میگویم.

تسبیح جعفر بن محمد علیهالسلام در روز هشتم: منزه است کسی که عظیم است و نابود نمی شود منزه است کسی که قائم است و به لهو و لعب نمیپردازد، منزه است کسی که حافظ است و فراموش نمیکند، منزه است کسی که داناست است و دچار خطا نمیشود، منزه است کسی که به خلق خود احاطه دارد است و همیشه حاضر است، منزه است کسی که پوشیده است و دیده نمیشود، منزه است کسی که با نور خود پوشیده است و هیچ چیز او را درنمییابد، منزه است کسی که نور و ضیاء، چهره اوست، و بهجت، جمال اوست و جلال، عزت او و عزت،

قدرت او و قدرت، صفت اوست. منزه است خداوند و او را سپاس میگویم.

تسبیح موسی بن جعفر علیهالسلام در روز نهم: منزه است کسی که قدس و پاکی او روزگار را پر کرده است. منزه است کسی که زمان نور او را نمیپوشاند. منزه است کسی که با نور خود هر ظلمتی را روشن کرده است، منزه است کسی که هر دینی به دین اوست، منزه است کسی که با قدرت خود هر چیز را اندازه مخصوصی بخشیده، منزه است کسی که برای خالقیت او حدی و برای قادریت او پایانی وجود ندارد. منزه است خداوند عظیم.

تسبیح علی بن موسی علیهالسلام در روز دهم و یازدهم: منزه است خالق نور منزه است خالق ظلمت منزه است خالق آبها منزه است خالق آسمان هامنزه است خالق زمینها منزه است خالق بادها و گیاهان. منزه است خالق زندگی و مرگ، منزه است خالق خاک و دشتها منزه است خداوند و او را سپاس میگویم.

تسبیح محمد بن علی علیهالسلام در روز دوازدهم و سیزدهم: منزه است کسی که بر اهل مملکت خود ستم نمیکند منزه است کسی که اهل زمین را به انواع عذاب دچار نمیکند منزه است خداوند و او را سپاس میگویم.

تسبیح علی بن محمد علیهالسلام در روز چهاردهم و پانزدهم: منزه است کسی که دائم است و دچار سهلانگاری نمیشود منزه است کسی که قائم است و به لهوو و

لعب نمیپردازد منزه است کسی که غنی است و فقیر نمیشود. منزه است خداوند و او را سپاس میگویم.

تسبیح حسن بن علی علیهالسلام در روز شانزدهم و هفدهم: منزه است کسی که در علوّ و بالایی خود نزدیک است و در دنوّ و نزدیکی خود بلند مرتبه است و در اشراق خود نورانی، و در سلطنت خود قوی است . منزه است خداوند و او را سپاس میگویم.

تسبیح صاحب الزمان علیهالسلام در روز هجدهم تا آخر ماه: منزه است خداوند به تعداد مخلوقات خود، منزه است خداوند به اندازه رضایت خود، منزه است خدوند به اندازه کلمات خود، منزه است خداوند به اندازه عرش خود و سپاس برای خداست مانند آن.

ص: 259

باب سی و هشتم : حرزهای پیامبر صلی الله علیه و آله و همسران گرانقدر آن حضرت و نیز تعویذها و برخی دعاهای آن حضرت

روایات:

میگویم: برخی از حرزهای آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم در باب احتجاجات نیز خواهد آمد.

1. مهج الدعوات: آمنه مادر پیغمبر صلی اللَّه علیه و آله گوید: چون پیغمبر صلوات الله علیه را حامله شدم در خواب دیدم که شخصی آمد و گفت: ای آمنه حامله شده ای به شخصی که بهترین مخلوقات است، پس باید که او را محمد نام گذاری زیرا که نام او در تورات احمد است و بعد از تولدش این دعا را بر او بیاویز. پس چون بیدار شدم در نزد بالینم قصبه ای از فولاد را یافتم که در آن پوستی بود که این دعا و تعویذ بر او نوشته شده بود:

به نام خدای بخشنده مهربان، تو را به کسی می سپارم که پروردگار توست. و تو را از شر حسودان ایستاده و نشسته و موجودات تیز رونده که در راههاست، در تمام طول شب و پایان روزها، به خداوند پناه میدهم که نه در بیداری و نه در خواب و نه در سفر و حضر به تو هیچ زیانی نرسانند. قدرت خدای تعالی بالاتر از قدرتهای ایشان است و محافظت خدای تعالی بالاتر از دشمنی نمودن ایشان است.

2. مهج الدعوات: حرز دیگری از پیغمبر صلّی اللَّه علیه و آله: موسی بن ابراهیم، گفت: حکایت نموده به ما حضرت امام موسی بن جعفر بن محمّد صادق، از

پدران بزرگوارش که حضرت رسول خدا به امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: یا علی هر گاه امری تو را به هول بیندازد که از آن بترسی، یا شدّت و سختی بر تو فرود آمد ، بگو: خداوندا، به حق محمد و آل محمد از تو درخواست می کنم که بر محمد و آل محمد درود و رحمت بفرستی و مرا از این اندوه رها نمایی(1).

حرز دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که در گهواره ایشان پیدا شده و بر روی ابریشم سفید رنگ نوشته شده بود:

پناه می دهم محمد پسر آمنه را به آن خدای یگانه از بدی هر رشک برنده ایستاده یا نشسته یا ساحری که برای فساد نمودن چیزی خواند و دمد و در این راه تلاش کند. و هر مخلوق سرکشی که در کمینگاه است . منع می کنم ایشان را از آن حضرت به مدد خدای تعالی که بلندتر است از همه چیز. و او را به پناه دهنده ای می سپارم که هیچ آزاری به آنجا راه ندارد و فال بد نزنند او را در حضور و بیداری و نه در محل خواب و نه در محل حرکت و نه در ایستادن ، آخر شبها و آخر روزها. نیست معبودی مگر خدا، هلاک می شوند دشمنان خدا و باقی است قدرت و عزّت خدا، هیچ چیزی نمی تواند خداوند را عاجز کند. خدای تعالی قوی تر است از همه چیز. خداوند برای او کفایت می کند. می شنود خدا سخن شخصی را که بخواند.

و پناه می دهم او را به عزت و نور الهی و به بزرگی آنچه از جلال خداوند که عرش آن را حمل میکند. و پناه می دهم به آن اسمی که فرق می گذارد میان روشنی و تاریکی و بوسیله آن اسم، و از دید بندگانش نهان است. شهادت می دهد خدا که نیست معبودی جز او و شهادت می دهند فرشتگان و صاحبان که خداوند تعالی به عدالت حکم می راند. نیست معبودی به غیر از او که مقتدر و حکیم است. به خداوندی پیام می برم که بر همه چیز احاطه دارد و هیچ چیز بر او اشراف و احاطه ندارد. خداوندی جز الله نیست و محمد فرستاده اوست(2).

حرز دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله به روایتی دیگر:

1- . مهج الدعوات: 4
2- . مهج الدعوات: 5

بسم الله الرحمن الرحیم. خداوندا، من از شر هر گزنده سمی و کشنده، به نام تو و به کلمات تامه ات پناه می برم. خداوندا، من از عذاب تو و از شر بندگانت به نام تو و کلمات تامه ات پناه می برم. خداوندا، من از شر شیطان رانده شده، به نام تو و کلمات تامه ات پناه می برم. خداوندا، من به برکت نام تو و کلمات تامه ات، بهترین چیزی را که عطا نمودهای و بهترین چیزی که از تو درخواست شده است را و نیز بهترین چیزی که آشکار ساختهای و بهترین چیزی که نهان داشتهای را درخواست مینمایم. خداوندا، من از هر شری که در شب و روز جریان دارد، به نام تو و به کلمات تامه ات پناه می برم. پروردگار من همان الله است که هیچ خدایی جز او نیست. بر او توکل می کنم و او پروردگار عرش بزرگ است. آنچه خداوند بخواهد، همان خواهد شد. خداوندا، تو پروردگار من هستی و هیچ خدایی جز تو نیست. و من بر تو توکل می کنم که تو پروردگار عرش بزرگ هستی. هیچ حرکت و جنبشی جز با اراده خداوند نیست. و آنچه او خواهد، اتفاق خواهد اتفاد و آنچه که او نخواهد، اتفاق نخواهد افتاد. میدانم که خداوند بر هر چیزی تواناست و علم او بر همه چیز احاطه دارد. و تمام موجودات را به شمارش در آورده است. خداوندا، من از شر نفس خودم و از شر هر جنبده ای که اختیارش در دست توست، به تو پناه می برم چرا که پروردگار من بر راه راست است. و اگر آنها روی برگرداندند، بگو: خداوند برایم کافی است همان خدایی که خدایی جز او نیست بر او توکل می کنم و او پروردگار عرش بزرگ است.

حرز حضرت خدیجه علیها السلام:

بسم الله الرحمن الرحیم. یا الله یا حافظ یا حفیظ یا رقیب.

حرز دیگری از حضرت خدیجه علیها السلام:

بسم الله الرحمن الرحیم. یا حی یا قیوم، از رحمت تو فریاد خواهی می کنم پس به فریاد من برس و مرا به حتی به اندازه چشم بر هم زدن نیز به حال خودم وامگذار. و تمام امورات مرا سامان بده(1).

1- . مهج الدعوات: 6

مهج الدعوات: حرز دیگری از رسول خدا که به روایت دیگری نقل شده است:

بسم الله الرحمن الرحیم. خداوندا، من از شهر هر گزنده سمی و کشنده، به نام تو و به کلمات تامه ات پناه می برم. خداوندا، من از عذاب تو و از شر بندگانت به نام تو و کلمات تامه ات پناه می برم. خداوندا، من از شر شیطان رانده شده، به نام تو و کلمات تامه ات پناه می برم. خداوندا، من به برکت نام تو و کلمات تامه ات، بهترین چیزی را که عطا نموده ای و بهترین چیزی که از تو درخواست شده است را و نیز بهترین چیزی که آشکار ساخته ای و بهترین چیزی که نهان داشته ای را درخواست می نمایم. خداوندا، من از هر شری که در شب و روز جریان دارد، به تو پناه می برم. پروردگار من همان الله است که هیچ خدایی جز او نیست. بر او توکل می کنم و او پروردگار عرش بزرگ است. آنچه خداوند بخواهد، همان خواهد شد. خداوندا، تو پروردگار من هستی و هیچ خدایی جز تو نیست. و من بر تو توکل میکنم که تو پروردگار عرش بزرگ هستی. هیچ حرکت و جنبشی جز با اراده خداوند نیست. و آنچه او خواهد، اتفاق خواهد اتفاد و آنچه که او نخواهد، اتفاق نخواهد افتاد. میدانم که خداوند بر هر چیزی تواناست و علم او بر همه چیز احاطه دارد. و تمام موجودات را به شمارش در آورده است. خداوندا، من از شر نفس خودم و از شر هر جنبده ای که اختیارش در دست توست، پناه می برم چرا که پروردگار من بر راه راست است. و اگر آنها روی برگرداندند، بگو: خداوند برایم کافی است همان خدایی که خدایی جز او نیست بر او توکل می کنم و او پروردگار عرش بزرگ است.

3. عتیق غروی: وقتی که یک فرد یهودی حضرت روسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را چشم نمود، جبرئیل از جانب خداوند این تعویذ را برای آن حضرت آورد: تو را پناه می دهم به کلمات تامه خداوند و به تمامی اسمهای خداوند از شر هر چشم بد و از هر شرّ ابیقتره (کنیه شیطان) و ابیعروه و دنهش و فرزندانشان و از شر پرندگان سرکش و از شر هر کسی که خطا میکند و بر آن اهتمام میورزد و از شر افسونگرانی که در گره ها میدمند و و از شر حسودی که حسادت

میکند و از شر موجوداتی که پنهانی در کمینگاهها نشسته اند همان موجوداتی که انسان دلیر همچون شیر را به ضعف دچار میسازند.

4. مهج الدعوات: دعای پیامبر صلوات الله علیه در جنگ بدر: خداوندا! تو پشتیبان منی در هر غمی، و امید منی در هر شدتی، و در هر امر ناگواری که بر من فرود آید تو پشتیبان و ساز و برگ منی، چه غمها که دل در برابر آنها سست گشته، و چاره جوئی اندک، و کارها گنگ و زبون ساز باشند، و به هنگام هجوم آنها دوستان دور و نزدیک دست از یاری بکشند، و دشمن به گستاخی برخیزد، و من همه را به نزد تو آوردم، و گلایه آنها را بتو نمودم، در حالی که در باره همه آنها از جز تو دلبریده و تنها روی دل سوی تو داشتم، و تو همه را بر طرف ساختی، و از من زدودی، و از آنها کفایتم نمودی پس تو اختیاردار هر نعمت، و صاحب هر حاجت، و منتهای هر میل و آرزو هستی. پس سپاس فراوان از آن توست و منّت افزون از برای توست (1).

5. مهج الدعوات: دعای پیغمبر صلی الله علیه و آله در جنگ احد: امام صادق علیه السلام فرمود: در جنگ احد که مردم از پیغمبر صلی الله علیه و آله متفرّق و پراکنده شدند یعنی همگی گریختند و آن حضرت را تنها گذاردند پس پیامبر این دعا را خواندند: «الهی لک الحمد و إلیک المشتکی و علیک المستعان» - خداوندا از برای توست سپاس و به سوی توست شکوه و مدد از تو طلب می شود .- پس جبرئیل علیه السّلام نازل شده و عرض کرد: ای محمّد! به خدا قسم، همانا دعائی را که ابراهیم علیه السّلام هنگامی که در آتش انداخته شد و نیز یونس علیه السّلام وقتی در شکم ماهی بود، خواندی. سپس حضرت امام صادق علیه السّلام فرمودند که پیغمبر صلی الله علیه و آله در دعای خود میفرمودند: خداوندا، مرا صابر و شکرگزار و در پناه خودت قرار ده(2).

6. مهج الدعوات: حضرت امام محمّد باقر علیه السّلام که فرمودند: پیغمبر صلّی اللَّه علیه و آله در شب احزاب این دعا را می خواندند: ای فریادرس

1- . مهج الدعوات: 87
2- . مهج الدعوات: 87

اندوهناکان و ای برآورنده حاجت بیچارگان، برطرف نمای از من همّ و غمّ مرا و مکروه مرا پس بدرستی که می دانی حال مرا و حالت اصحاب مرا و کفایت نمای مرا از ترس دشمن من. راوی گوید که سپس در حدیث خود این دعا را فرمود: چرا که کسی غیر از تو همّ و اندوه مرا برطرف نمی کند.

7. مهج الدعوات: دعای دیگری از پیغمبر صلی اللَّه علیه و آله در روز احزاب که این دعا، جملات بیشتری دارد: ای فریادرس اندوهناکان و برآورنده حاجت بیچارگان و برطرف کننده اندوه از اندوه گینان، زایل گردان از من اندوه مرا و غم مرا و مکروه مرا پس به تحقیق که می بینی حال مرا و حال اصحاب مرا. خداوندا روزی کن به من نماز و روزه را و حج و عمره را و صله رحم را و فراخ گردان روزی مرا و روزی اهل خانه مرا در سلامتی، بار خدایا توئی خدای پیش از همه چیز و تویی خدای بعد از هر چیز و توئی خدای که باقی می مانی و فانی می شود همه چیز، ای خدای من توئی آن مداراکننده ای که نادانی نمی کند و توئی آن بخشنده ای که بخل نمی کند و توئی آن عدل تمامی که ستم نمی کند و توئی آن دانای به تدبیر که ظلم نمی نماید و توئی آن قوی منیع که سست گردیده نمی شود. و توئی آن غلبه کننده ای که ذلیل و خوار نمی شود و توئی آن بلند مرتبه ای که دیده نمی شود و توئی آن دائمی که فانی نمی گردد و توئی آن که دانش و علمش بر همه چیز احاطه دارد. و تعداد و شمارش تمام موجودات را می دانی، توئی آن آفریدگاری که بدون اینکه الگویی داشته باشی، جهان را خلق نمودی. خالق آنچه که دیده می شود و آفریننده آنچه که دیده نمی شود، بدون اینکه کسی به تو چیزی بیاموزد، تو خود همه چیز را می دانی. تو به هر که بخواهی غلبه میبخشی، پادشاهانی را هلاک میسازی و پادشاهی را به کسان دیگری میدهی، خوبی به دست توست و تو بر همه چیز بسیار توانائی، توئی خداوند ما پس یاری کن ما را بر جماعت کافران و ما را به جهت رحمت خود در جمع بندگان صالح خود داخل گردان و ما را عاقبت به خیر

ص: 265

گردان و از جمله آزاد شدگان از آتش قرار بده. ای پروردگار عالمیان، دعای مرا مستجاب نما(1).

8. دعای دیگری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز احزاب خوانده اند و ما آن را از «کتاب الدعاء» نقل می کنیم: خداوندا من به نور مقدس تو و به بزرگی پاکی تو و به برکت عظمت تو پناه می برم از هر بلیه و آفتی از واردشوندگان در شب و روز مگر وارد شونده ای که وارد شود به خوبی ، بار خدایا توئی فریادرس من پس به تو طلب فریادرسی می کنم و توئی پناهگاه من پس به تو پناه می آورم و توئی ایمن گاه من پس به تو پناه می برم ای کسی که گردنهای متکبران در مقابل او خم گشته و خزانه های همه فراعنه در ستان اوست ، پناه می برم به تو از اینکه مرا رسوا نمایی و پرده ها را از من برداری و به تو پناه می برم از اینکه از یاد تو غافل گردم و از سپاسگزاری تو منصرف گردم. من در پناه توام در شب خود و روز خود و در کوچ و سفر و در خواب و سکوت ، یادآوری تو جامه پایین من است و سپاس تو جامه بالائی من است. خدایی جز تو نیست. به جهت تعظیم ذات تو و به جهت تعظیم نورت، تو را به پاکی یاد می کنم. خداوندا، مرا امان بده از اینکه مرا خوار سازی و پرده از من برداری. و مجازاتم نمایی. پرده های محافظت را بر من بزن. و مرا در حفظ شفقت خود داخل گردان و مرا به نیکویی از جانب خود اکرام نما، ای رحم کنندهترین رحم کنندگان(2).

9. مهج الدعوات: دعای دیگری که پیغمبر صلّی اللّٰه علیه و آله در روز احزاب خواندند. ابن طاوس گوید که نقل نمودم این دعا را از جزء پنجم کتاب عبد اللّٰه بن حماد انصاری که او روایت نموده از ابن سنان، از حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام که فرمودند که: پیغمبر صلّی اللّٰه علیه و آله خدای تعالی را در روز احزاب به این دعا خواندند:

سپاس خداوندی را که یگانه است و شریکی ندارد. سپاس خداوندی را که هرگاه او را می خوانم، اجابت میکند؛ هرچند که هر وقت او مرا میخواند، من

1- . مهج الدعوات، ص 87
2- . مهج الدعوات: 88

کوتاهی میکنم. سپاس خداوندی را که هرگاه از او چیزی بخواهم، به من عطا میکند، هرچند که هرگاه او از من قرض بخواهد، من بخل میورزم. سپاس خداوندی را که هرگاه از او بخشش میطلبم، مرا می بخشد ، هرچند که من به آنچه نهی نموده، پرداختهام. سپاس خداوندی را که هرگاه اراده کنم، در ضمیرم با او خلوت میکنم. و هر چه از امور خود را که خواسته باشم به او میسپارم بدون اینکه کسی را دراین باره شفیع قرار دهم پس خداوند حاجت مرا برآورده میسازد. سپاس خداوندی را که مردم مرا به او سپرده و او هم مرا گرامی داشت و به مردم نسپرد که مرا خوار سازند. هنگامی که مردم به من ظلم و درشت رفتاری نمودند، خداوند مرا با مهربانی خود کفایت نمود و به من لطف و مهربانی کرد. سپاس و شکر فقط برای توست.ای پروردگار، من به مهربانی و تو که مهربان هستی راضی گشتم و به حمایت و پشتیبانیات رضایت دادم.(1)

10. مهج الدعوات: دعای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در روز جنگ حنین:

ای پروردگار من، تو زنده بودهای و زنده خواهی بود و هرگز مرگ در تو راه ندارد. چشمها به خواب میروند و ستارگان بی فروغ میگردند اما تو همچنان زنده و پایداری و نه چرت تو را فرا میگیرد و نه خواب.

دعای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای امان از شرّ جن و انس:

بسم الله الرحمن الرحیم. خدایی جز الله نیست. من بر او توکل نمودم که او پروردگار عرش بزرگ است. آنچه خدا بخواهد اتفاق خواهد افتاد و آنچه که خداوند نخواهد، اتفاق نخواهد افتاد. گواهی میدهم که خداوند بر هر چیزی تواناست و علم او بر هر چیزی احاطه دارد. خداوندا من از شر نفس خودم و از شر هر جنبده ای که اختیارش در دست توست، به تو پناه میبرم. به درستی که پروردگار من بر راه راست است.(2)

1- . مهج الدعوات: 89
2- . مهج الدعوات: 90

11. دعایی که گفته می شود جبرئیل در روز جنگ حنین بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد نازل کرد: خداوندا، من از تو درخواست مینمایم تعجیل در عافیتت و صبر بر بلاهایت و اینکه مرا از دنیا به سوی رحمت خود خارج گردانی(1).

12. این دعایی است که گفته می شود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به یکی از اصحاب خود تعلیم فرمود. و زمانی که حجاج دستور قتل این صحابی را داد، آن صحابی این دعا را خواند و جلاد نتوانست او را بکشد و آن دعا این است:

ای کسی که تمامی صدا ها را میشنوی. و ای کسی که تمام جانها را بعد از مرگ زنده میکنی. ای کسی که عجله و شتاب نمیکند چرا که بیمی از فوت شدن ندارد. ای کسی که همیشه پابرجا هستی و ای کسی که گیاهان را میرویانی. ای کسی که استخوانهای پوسیده را زنده میگردانی. به نام خدا، به خداوند پناه بردم و بر خدایی که زنده است و هیچگاه نمیمیرد، توکل نمودم. و با قدرت لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم، هرچه را که موجب آزار من شود، راندم(2).

13. مهج الدعوات: آمنه مادر پیغمبر صلی اللَّه علیه و آله گوید: چون پیغمبر صلّی الله علیه و آله را حامله شدم در خواب دیدم که شخصی آمد و گفت: ای آمنه حامله شده ای به شخصی که بهترین مخلوقات است، پس باید که نام گذاری او را محمّد زیرا که نام او در تورات احمد است و بعد از تولد او ببند بر او این دعا را. پس چون بیدار شدم در نزد بالینم قصبه ای از فولاد را یافتم که در آن پوستی بود که این دعا و تعویذ بر او نوشته شده بود:

به نام خدای بخشنده مهربان، تو را به کسی می سپارم که پروردگار توست. و تو را از شر حسودان ایستاده و نشسته و موجودات تیز رونده که در راههاست، در تمام طول شب و پایان روزها، به خداوند پناه می دهم که نه در بیداری و نه در خواب و نه در سفر و نه در حضر به تو هیچ زیانی نرسانند. قدرت خدای تعالی

1- . مهج الدعوات: 91

2- . مهج الدعوات :94

بالاتر از قدرتهای ایشان است و محافظت خدای تعالی بالاتر از دشمنی نمودن ایشان است(1).

14. حرز دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که در گهواره ایشان پیدا شده و بر روی ابریشم سفید رنگ نوشته شده بود:

پناه می دهم محمد پسر آمنه را به آن خدای یگانه از بدی هر رشک برنده ایستاده یا نشسته یا ساحری که برای فساد نمودن چیزی خواند و دمد و در این راه تلاش کند. و هر مخلوق سرکشی که شروع نماید بنشستن در راههای عداوت در راه جایهای ورود. منع می کنم ایشان را از آن حضرت به مدد خدای تعالی که بلندمرتبه تر است از همه چیز. و او را به پناه دهنده ای می سپارم که هیچ آزاری به آنجا راه ندارد. و فال بد نزنند او را نه در حضور و بیداری و نه در محل خواب و نه در محل حرکت و نه در ایستادن آخر شبها و آخر روزها. نیست معبودی مگر خدا، هلاک می شوند دشمنان خدا و باقی است قدرت و عزّت خدا، هیچ چیزی نمی تواند خداوند را عاجز کند. خدای تعالی قوی تر است از همه چیز. خداوند برای او کفایت می کند. می شنود خدا سخن شخصی را که بخواند. و پناه می دهم او را به غلبه خدا و روشنی خدا و به بزرگی جلال خداوند که عرش را بر می دارد. و پناه می دهم به آن اسمی که فرق می گذارد میان روشنی و تاریکی و بوسیله آن اسم، از دید بندگانش نهان است. شهادت می دهد خدا که نیست معبودی جز او و شهادت می دهند فرشتگان و صاحبان علم که خداوند تعالی به عدالت حکم می راند. نیست معبودی به غیر از او که مقتدر و حکیم است. به خداوندی پیام می برم که بر همه چیز احاطه دارد و هیچ چیز بر او اشراف و احاطه ندارد. خداوندی جز الله نیست و محمد فرستاده اوست(2).

15. دعای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام دیدن عفریتی از سرکشان جن همراه با شعله ای از آتش، پس شیطان باصورت بر زمین افتاد: از عبد اللّه بن مسعود روایت شده که گفت: در خدمت رسول خدا صلی اللّه علیه و آله بودم و جبرئیل علیه السّلام با ایشان بود. پس حضرت شروع به خواندن دعائی نمودند،

1- . مهج الدعوات: 4

2- . مهج الدعوات: 4

ناگاه دیدم عفریتی از سرکشان جنّ به طرف آن حضرت می آمد و در دست او شعله ای از آتش بود و چون نزدیک آن حضرت رسید جبرئیل علیه السّلام عرض کرد: یا محمد آیا می خواهی که به تو کلماتی تعلیم نمایم که هر گاه آنها بگوئی این عفریت به صورت بیفتد و شعله آتش او خاموش گردد؟ پس آن حضرت فرمودند: بلی ای دوست من. جبرئیل عرض کرد: این دعا را بخوان. پس چون آن حضرت این کلمات را خواندند. عفریت به روی افتاد و شعله آتش او خاموش گردید و دعا این است:

«پناه میبرم به نور وجه خداوند و کلمات تامه او که هیچ نیکوکار و بدکاری از حیطه این کلمات خارج نتوان شد. پناه میبرم از شر آنچه که در زمین خلق شده و از شر آنچه که از زمین بیرون میآید و از شر آنچه که از آسمان فرود میآید و آنچه که با آسمان می رود . و پناه میبرم از شر فتنه های شب و روز و از شر واردشونده در شب و روز مگر واردشونده ای که به خوبی و با برکت وارد گردد ای بسیار بخشنده» و چون پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم این کلمات را خواند، آن شیطان با صورت بر زمین خورد شعله او نیز خاموش گشت(1).

16. دعای پیامبر صلّی اللَّه علیه و آله به هنگام دیدن عفریت جن به روایتی دیگر:

خداوندا، من آغاز نیک و پایان نیک را از تو خواهانم و نیز درجات بلند در بهشت را از تو میخواهم. به خدا پناه می برم و به خدا چنگ می زنم و به خدا دفع می کنم شر چیزها را و به اقتدار خدا و به قدرت خدا و به پادشاهی خدا و به نام بزرگ او پناه می برم از شر شیطان رجیم و از کردار او و پیاده نظام او و سواره نظام او و دام او (یعنی حیله او). و به خدا پناه می برم و به صفات او که تمامند (یعنی عیب و نقص ندارند) آن صفاتی که هیچ نیکوکار و هیچ بدکار از احاطه آنها فراتر نمی رود، به خدا پنام میبرم از ضرر آنچه فرود آید از آسمان و آنچه بالا رود به سوی آسمان. و آنچه داخل شود در زمین و آنچه بیرون آید از آن. و از شر هر صاحب شری و از

1- . مهج الدعوات: 90

شر عام و خاص. به درستی که پروردگار من دعا را میشنود، پناه می برم به خدا از شر هر صاحب چشم بینا و از شر هر صاحب گوش شنوا و از شر هر زبان گویایی و از شر دستهای با قوت و از شر پای های راه رونده و از شر آنچه پنهان نموده ام آن را در نفس خود و ظاهر کرده ام آن را در شب و روز. بار خدایا هرآنچه از مخلوقاتت ؛ که قصد ستم یا هلاک مرا یا عیب جویی از من کند، از جن باشد یا از انس ، کوچک باشد یا بزرگ ، خداوند ا، از تو درخواست می کنم که سینه او را تنگ نمایی و زبان او را گنگ سازی و دست او را کوتاه نمایی و طعن و عیب جویی او را به خود او بازگردانده و جلوی قوت و قدرت او را بگیری. و مکر او را به گردنش بزنی و چشمش را کور ساخته و گردنش را بزنی و او را با خشمش بمیرانی و او را درمانده خودش گردانی. و به قدرت و توانایی ات مرا از شر او کفایت نمایی. که تو خداوند قدرتمند و حکیم هستی.

خداوندا، من از هر دوست بد – چه در حضورم باشد چه در غیابم- به تو پناه میبرم. همان دوستی که قلب و دل او مرا رصد می کند و چشمانش مرا میبیند و گوشهایش مرا میشنود.اگر خوبی از من ببیند، آن را نهان می دارد و اگر کار زشتی از من دید، آن را بر ملا میسازد. خداوندا، من از طمعی که مرا به سوی پستی سوق دهد، و از هوسی که مرا به سوی هلاکت ببرد و از بینیازی ای که مرا به سوی طغیان سوق دهد و از فقری که تو را از یادم ببرد و از خطایی که توبه ای بدنبال آن نباشد و از زشتی در اهل و مالم به تو پناه میبرم(1).

17. مهج الدعوات: تعویذ که پیغمبر صلی الله علیه و آله در روز جنگ وادی القری. این تعویذ برای امور گوناگون مفید است و هر کسی آن را نوشته و به خود بیاویزد در امان خدای متعال، در حفظ خدا، در حجاب او، در غلبه او و حمایت او خواهد بود و فرشتگان او را محافظت می کنند:

بسم الله الرحمن الرحیم. سپاس مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان و بخشنده و مهربان است. صاحب روز جزاست. تنها تو را میپرستیم و تنها از تو

1- . مهج الدعوات : 91

کمک میطلبیم. ما را به راه راست هدایت فرما. راه کسانیکه به آنها نعمت دادهای نه راه کسانی بر آنها خشم گرفتهای و نه راه گمراهان.

هیچ معبودی نیست جز خداوند یگانه زنده، ؛ هیچگاه خواب سبک و سنگینی او را فرانمی گیرد؛ (و لحظه ای از تدبیر جهان هستی، غافل نمی ماند؛) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست؛ کیست که در نزد او، جز به فرمان او شفاعت کند؟! (بنا بر این، شفاعت شفاعت کنندگان، برای آنها که شایسته شفاعتند، از مالکیت مطلقه او نمی کاهد.) آنچه را در پیش روی آنها[بندگان] و پشت سرشان است می داند؛ (و گذشته و آینده، در پیشگاه علم او، یکسان است.) و کسی از علم او آگاه نمی گردد؛ جز به مقداری که او بخواهد. تخت(حکومت) او، آسمانها و زمین را دربرگرفته؛ و نگاهداری آن دو[آسمان و زمین]، او را خسته نمیکند. بلندی مقام و عظمت، مخصوص اوست.

خداوند، گواهی می دهد که معبودی جز او نیست؛ و فرشتگان و صاحبان دانش، (هر کدام به گونه ای بر این مطلب،) گواهی می دهند؛ در حالی که(خداوند در تمام عالم) قیام به عدالت دارد؛ معبودی جز او نیست، که هم توانا و هم حکیم است. او خدایی است که معبودی جز او نیست، دانای آشکار و نهان است، و او رحمان و رحیم است. و خدایی است که معبودی جز او نیست، حاکم و مالک اصلی اوست، از هر عیب منزّه است، به کسی ستم نمی کند، امنیّت بخش است، مراقب همه چیز است، قدرتمندی شکست ناپذیر که با اراده نافذ خود هر امری را اصلاح می کند، و شایسته عظمت است؛ خداوند منزّه است از آنچه شریک برای او قرار می دهند. او خداوندی است خالق، آفریننده ای بی سابقه، و صورتگری(بی نظیر)؛ برای او نامهای نیک است؛ آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح او می گویند؛ و او عزیز و حکیم است. بگو: «بارالها! مالک حکومتها تویی؛ به هر کس بخواهی، حکومت می بخشی؛ و از هر کس بخواهی، حکومت را می گیری؛ هر کس را بخواهی، عزت می دهی؛ و هر که را بخواهی خوار می کنی. تمام خوبیها به دست توست؛ تو بر هر چیزی قادری. شب را در روز داخل می کنی، و روز را در شب؛ و زنده را از مرده بیرون می آوری، و مرده را زنده؛ و به هر کس بخواهی،

بدون حساب، روزی می بخشی. او خداوندی است

که هیچ خدایی جز او نیست و او یکتا و تنها و بیهمتاست که نه همسری و نه فرزندی برای خود انتخاب کرده، و نه شریکی در حکومت دارد، و نه به خاطر ضعف و ذلّت، (حامی و) سرپرستی برای اوست!» و او را بسیار بزرگ بشمار. و او خداوندی است که هیچ همنامی برای او سراغ نداریم و او آرزو و امید و پناهگاه ماست و ما به سو درد دل میکنیم و از او امید فرج و گشایش داریم.

ای خدا به حق این نامها که بزرگ و بلند مرتبه اند در نزد تو و شریف و عزیزند که برگزیده ای آنها را برای خودت و آنها را مخصوص ذکر خود قرار داده ای و منع نموده ای آنها را از همه مخلوقات خود و جدا ساخته ای آنها را از هر چیزی غیر تو و آنها را راهنمای به سوی خودت و وسیله ای به سوی خودت قرا ر داده ای، پس این نامها، بزرگترین نامها و فاخر ترین اقسام و والاترین چیزها و بزرگترین عزائم و محکمترین ستونها هستند. تو کسی را که تو را با این نامها بخواند، هرگز نمیرانی. و کسی را که به تو امید بسته و توسل جسته است، نومید نمیسازی. و کسی که بر تو تکیه نموده و به سوی تو پناه آورده، خوار نمیگردد. و کسی که از تو درخواست نماید، فقیر نمیگردد و کسی که به تو امید بسته، نومید نمیگردد. و عهدش شکسته نمیشود و احترامش زیرپا گذاشته نمیشود.

پس ای کسی که هیچگاه کمک یا ستم بر او نمی شود و مغلوب نمی گردد و منازعه نموده نمی شود و برابری کرده نمی شود، گناهانم را بیامرز و کارهایم را اصلاح کن و امورات دنیوی و اخروی ام را کفایت نما. و در دنیا و آخرت به من عافیت عطا نما و در دنیا و آخرت مرا در پناه خود محفوظ و مستور بدار ، مرا در جوار قرب خودت جای بده که تو خدایی هستی که هیچ خدایی جز تو نیست. به تو توسل جسته و به تو چنگ زده و بر تو اعتماد و دل خوش نمودم و این همان دستگیره محکمی است که هرگز گسستنی نیست. پس عهد و پیمان مرا پایدار بدار و درخواست مرا رد مکن و دعایم را سد مکن و رغبتم را کم مگردان به این خواری و زاری و ناداری و بی چیزی من رحم نما که من امید جز تو ندارم و آرزویی جز تو و نگهداری جز تو ندارم. یا الله، یا الله، یا الله، یا الله، یا الله، یا الله، یا الله، یا الله، یا الله، یا الله، هیچ خدایی جز تو نیست تو بی همتا و بیشریکی. هیچ خدایی جز تو نیست تو

پروردگار همه اربابها هستی. گردنهای بندگان همه دراختیار توست و عقاب و عذاب آنها هم در اختیار توست. تو را به همان ربوبیتی که تنها از آن خود ساختهای سوگند میدهم که با قدرت خود مرا از آتش جهنم آزاد سازی. و با رحمت خود را در بهشت داخل نمایی و مرا از جمله رستگاران و رسیدگان به قرب خودت قرار دهی. خداوندا، مرا در حفظ پردهات محافظت نما. و با عزت و اقتدارت مرا بپوشان و مرا در کنف خود قرار دهی با حرز خودت مرا حفظ نمایی و مرا در مأمن خود محروز بداری. و نگاهدار مرا به محافظت خود و حمایت نمای مرا به غلبه خود و منع کن از من به توانائی خود و قوّت ده مرا به قدرت خود، و به حق بخشش و کرمت، دشمن را بر من مسلّط مساز که تو بر همه چیز توانایی(1)

18. دلائل الامامه: حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، روایت نموده و فرموده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: ای فاطمه، آیا میخواهی دعایی به تو بیاموزم که هرکس آن دعا را بخواند، حاجتش برآورده شده و سم و سحر در او اثر گذار نگردد و شیطان به او آسیبی نرساند و خواسته اش رد نشده بلکه تمام حاجتهای دنیوی و اخروی اش که از خداوند خواسته، برآورده شود؟ گفتم: بله پدرم. به خدا سوگند که این دعا برایم از همه دنیا و آنچه در آن است، عزیز تر است. حضرت فرمود: بخوان:

ای خدا ای گرامی ترین کسی که یاد شده، و دیرینه ترین نام در عزّت و فرمانروایی، ای رحم کننده بر هر که از او طلب رحمت کند، و پناه هر که به او پناهنده شود، ای خدا ای رحم کننده بر هر محزونی که شکوه و شکایت به سوی او برد، ای خدا ای بهترین کسی که از او نیکی طلب شده و به سرعت آن را اجابت فرمود، ای خدا ای کسی که فرشتگان نورانی از او در هراسند! به حقّ نامهایی که حاملان عرشت، و آنان که در اطراف آن قرار دارند، و از هراس عقاب تو تسبیح و تنزیه تو را می گویند، تو را بدان نامها می خوانند، و به حقّ نامهایی که جبرئیل و میکائیل و

1- . مهج الدعوات : 91-94

اسرافیل تو را بدان نامها می خوانند، از تو می خواهم دعایم را اجابت کنی، و مشکلم را برطرف کرده، و گناهانم را بپوشانی.

ای کسی که فرمان می دهد نفخه صور در میان موجودات دمیده شود، تا آنان در اجتماع بزرگ قیامت گرد هم آیند، به حقّ آن نامی که استخوانهای پوسیده را زنده می کنی، از تو می خواهم که قلبم را زنده،

سینه ام را گشاده، و امورم را اصلاح فرمایی. ای کسی که بقا و جاودانگی را ویژه خود قرار داده، و مرگ و زندگی و فنا را برای موجوداتش خلق فرموده، ای کسی که عملش همان گفتارش و گفتارش همان فرمانش است، و فرمانش بر هر چه خواهد جاری می باشد. به حقّ آن نامی که [حضرت ابراهیم] خلیل تو، آنگاه که در آتش انداخته می شد تو را بدان نام خواند، و تو دعایش را اجابت فرمودی، و گفتی: «ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت شو»، و به نامی که موسی که از کنار طور ایمن تو را بدان نام خواند، و تو او را اجابت فرمودی، و به نامی که عیسی را بدون پدر از روح القدس آفریدی. و به نامی که یحیی را به زکریّا بخشیدی، و به نامی که رنج و مشقّت را از ایّوب مرتفع ساختی، و به نامی که توبه داود را پذیرفتی، و بادها را برای سلیمان مسخّر نمودی که به فرمان او به گردش در آیند، همچنین جنّ را برای او مسخّر کردی، و زبان پرندگان را به او آموختی.

و به نامی که عرش را با آن آفریدی، و جهان را به آن خلق فرمودی، و فرشتگان را با آن ایجاد کردی، و به نامی که جنّ و انس را با آن خلق کردی، و به نامی که تمامی مخلوقات را پدید آوردی. و به نامی که آنچه خواستی خلق فرمودی، و به نامی که بر هر چیز قادر شدی، به حقّ این نامها از تو می خواهم که حاجتم را برآوری، و خواسته هایم را اجابت فرمایی، ای بخشنده ... آنگاه حضرت رسول فرمود: ای فاطمه بعد از خواندن این دعا، برایت گفته میشود: ای فاطمه، بله بله.

19. از جمله حرزهای مشهوری که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده، حرز ابی دجانه است که برای دفع جن و سحر مفید است. ابو دجانه گوید: به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردم: یا رسول الله، من در ساعتی از شب از خانه بیرون شدم ناگاه کسی وارد شد و من پوست او را لمس کردم که مثل پوست خارپشت بود. آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم رو به علی علیه السلام

نمود و فرمود: برای ابو دجانه انصاری و دیگر افراد از امت من که از عوارض و توابع می ترسند حرزی بنویس. علی علیه السلام پرسید: ای رسول خدا، چه بنویسم؟ فرمود: بنویس:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ جَعَلَ الظُّلُماتِ وَ النُّورَ ثُمَّ الَّذِینَ کَفَرُوا بِرَبِّهِمْ یَعْدِلُونَ این دست نوشتهای از محمد پیامبر عربی هاشمی مکّی مدنی ابطحی امیّ، صاحب تاج و عصا و شمشیر و ناقه است، صاحب قول لا إلهَ إلا اللّه تا آنجا که میگوید: فقط کسی که صاحب خیر است در را بکوبد. اما بعد، ما و شما گشایشی در حق داریم. پس اگر شبرو شیفته یا داعی باطل کننده سحر یا آزاررسان بود پس حافظان قرآن را رها کنید و به سوی بتپرستان بروید (که اگر این کار را نکنید) یُرْسَلُ عَلَیْکُما شُواظٌ مِنْ نارٍ وَ نُحاسٌ فَلا تَنْتَصِرانِ بسم الله و بالله، همه از آن ِخداییم و به سوی خدا میرویم. و فقط خدا پیروز است و هیچکس جز خدا وجود (استقلالی) ندارد و کسی مثل خدا نیست و کلام خود را با نام خداوند آغاز میکنم و به خدا توکل می کنم ، صاحب این نوشته در حرز الهی است ، هر جا بود و به هر سمتی که رهسپار شد. پس به او نزدیک نشوید و او را نترسانید و در نشستن و ایستادن و خوردن و آشامیدن و شست و شو و در کوهها و نه در روز و شب به او زیانی نرسانید. و هر گاه این سخنان مرا شنیدید، از آن دوری

کنید به لا اله الا الله ، او بر هر چیزی غالب است و از هر چیزی برتر است و از هر چیزی عزیزتر است. وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیهالسلام فرمود: ای ابا الحسن، بنویس: خداوندا هر کس این نوشته مرا با خود به همراه داشت حفظ کن ، به نامی که بر سراپرده عرش نوشته شده است که لا إلهَ إلا اللّه، خداوند غالبی که هیچ چیز بر او غلبه نمیکند و هیچ کس راه فراری از او ندارد و امر او را واگذار میکنم به حیّ قیّومی که نمیمیرد و به چشمی که نمیخوابد و به کرسی ای که فنا نمیپذیرد و به عرشی که مورد ظلم کسی واقع نمیشود. و او را پناه میدهم به نام مکتوب در تورات و انجیل و به اسمی که در زبور نوشته شده و به اسمی که در فرقان نوشته شده و او را در امان میدارم به اسمی که با آن تخت بلقیس به سوی سلیمان بن داوود علیهالسلام حمل شد پیش از آنکه پلک

بزند و به اسمی که جبرییل در روز دوشنبه با آن بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد و با هشت اسم نوشته شده در دل خورشید و به اسمی که ابرهای پر باران با آن به حرکت درمیآیند و به اسمی که رعد با صدایش آن را تسبیح می گوید و ملائکه از آن هراسانند و به اسمی که خداوند عز و جل با آن بر موسی بن عمران تجلی کرد و کوه شکافته شد وَ خَرَّ مُوسی صَعِقاً و به اسمی که بر برگ زیتون نوشته شد و در آتش انداخته شد و نسوخت و به اسمی که خضر علیهالسلام با آن بر روی آب راه رفت و پاهایش خیس نشد و به اسمی که عیسی علیهالسلام با آن در گهواره با کودک سخن گفت و نابینا و مبتلا به برص را شفا داد و به اذن خداوند مردگان را زنده کرد و او را در امان میدارم به اسمی که یوسف علیهالسلام با آن از چاه نجات پیدا کرد و به اسمی که یونس علیهالسلام با آن از تاریکی نجات یافت و به اسمی که دریا با آن برای موسی علیهالسلام و بنی اسراییل شکافته شد و هر قسمت از آن مانند یک کوه بزرگ شد و او را در امان میدارم با نه آیهای که در طور سینا بر موسی علیهالسلام نازل شد و صاحب این نوشته را در پناه میدارم از هر چشم بینا و گوش شنوا و زبان گویا، و پایی که میرود و دلی که غرضورزی دارد و سینهای که کینه دارد و نفسی که کافر است و چشمی که همیشه در خفا و ظاهر به دنبال اوست و او را در امان میدارم از کسی که بدکار و گناهکار است و نسبت به هر زن و مردی که نیت انجام آن را دارد. و او را در امان میدارم از هر شر و هر کینه و مکر و سلاحی و از چشم زخم آنان و حرارت جسمشان و از شر جن و انس و شیاطین و یاران آنها و ساحران، و از شر هر کسی که در کوهها و برکهها و آبادیها و ویرانههاست و از شر ساکن چشمهها دریاها و راهها. و او را در پناه میدارم از شر شیاطین و از شر هر غول و ساحر و ساکن و پیروان آنان و از شر آنها و شر پدران و مادران آنها و پرندگان. و او را در پناه میدارم از شر هر جنبندهای و در پناه میدارم حامل این حرز را از شر ابالیس و شیاطین و پذیرنده و کننده و از شر هر چشم ساحر و گناهکاری و از شر داخل و خارج و از شر هر رونده و بازآینده و فتنهگری و از شر جن و انس و از شر بادها و از شر هر عجم و خوابیده و بیدار، و در امان میدارم صاحب این حرز را از شر ساکنان زمین و از شر ساکنان خانهها و گوشهها ی پنهان

و زباله دانها و از شر هر گناهکاری که شیفته انجام گناهان است و در امانت میدارم او را از شر آنچه که چشمها به آن مینگرد و در دلها مخفی است و بر آن پیمان گرفته شده است و از شر کسی که بستر خود را دوست دارد و از شر کسی که عزم و اراده راسخ را نمیپذیرد و از شر کسی که وقتی خدا را یاد میکنند، مانند آهن و سرب ذوب میشود و صاحب این حرز را در پناه میدارم از شر ابلیس و از شر شیاطین و از شر کسی که جادو میکند و از شر کسی که در هوا و کوهها و دریاها و تاریکیها و نور ساکن است و از شر کسی که در چشمهها ساکن است و از شر کسی که در بازارها راه میرود و کسی که با جانداران و چهارپایان و وحوش است و از شر کسی که در رحم و بیشه است و از شر کسی که در دل مردم وسوسه می اندازد و استراق سمع میکند و دزدانه نگاه میکند: و در امان میدارم صاحب این حرز را از چشم زخم و لمحه و هر اقدام و حمله و نفَس و چشم جن و انس سرکش و گردنده و شبرو و کسی که در تاریکی شب راه میرود و او را در امان میدارم از شر هر جادو و سحری و از هر ترس و وحشت و اندوه و فکر و وسواس و از هر دردی که اولاد آدم و دختران حوّاء به آن مبتلا میشوند، مانند بلغم یا خون یا سودا و حمرا و صفرا، یا هر کم و بیش و از هر دردی که به پوست یا گوشت یا رگ یا عصب یا نطفه یا روح یا گوش و چشم یا مو و صورت و ناخن و ظاهر و باطن میرسد و او را در امان میدارم از آنچه که آدم ابوالبشر و شیث و هابیل و ادریس و نوح و لوط و ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط و عیسی و ایّوب و یوسف و موسی و هارون و داود و سلیمان و زکریا و یحیی و هود و شعیب و الیاس و صالح و یسع و لقمان و ذو الکفل و ذو القرنین و طالوت و عزیر و عزراییل و خضر علیهالسلام و محمد صلوات علیه و آله و آل او و هر فرشته مقرّب و پیامبر فرستاده شدهای از آن پناه جست پس ای گروه جنّیان، از پیرامون هر کس که این حرز مرا به همراه دارد متفرق شوید. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ الجلیل الجمیل المحسن که هر چه بخواهد انجام میدهد و در امان میدارم او را به خداوند و به آنچه که نور خورشید بر آن افتاد و ماه آن را روشن کرد و این حرز بر زیر عرش نوشته شده است لَا إله إلا اللّه محمّد رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله اجمعین فَسَیَکْفِیکَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ

حجت خداوند تمام گشت و قدرت او آشکار شد و دشمنان او متفرق شدند و فقط خداوند باقی ماند و تو ای صاحب این نوشته در پناه خدای تعالی و در امان او و در جوار او هستی. خداوند همسایه تو و ولیّ توست و خداوند تو را از هر چه بخواهد در امان میدارد. هر چه او بخواهد میشود و هر چه نخواهد نمیشود. گواهی میدهم که خداوند بر همه چیز تواناست و علمش بر همه چیز احاطه دارد و تعداد همه چیز را می داند و از همه امور مخلوقات آگاه است إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيماً این نوشته را مهر زدم با مهر خداوند که به وسیله آن سراسر آسمانها و زمین را مهر زد و با مهر بلند مرتبه خداوند و مهر سلیمان بن داود و مهر محمد صلی الله علیه و آله و اجمعین ، همانا که اولیاء الله هیچ ترس و حزنی ندارند و همچنین هر فرشته مقرب یا نبی مرسَل ، لا إِلهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ .

سپس آن را به ابو دجانه انصاری داد و او حرز را در وسط خانه گذاشت ، جن به او گفت: قسم به آن کس که به محمد صلی الله علیه و آله گفت : قم فأنذر ، ما را سوزاندی ، گفت در هنگام صبح ابو دجانه به نزد پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم آمد و این ماجرا را برایش بازگو کرد. پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم به او فرمود: حرز را از آنجا بردار و نگهداری کن و اگر باز هم جن دیدی، آن را در خانه بگذار. ابو دجانه انصاری گفت: به خدا سوگند که از آن روز به بعد ترس خانواده و فرزندان خود را ندیدم و تا هنگام رحلت نبی اکرم دیگر جنی در آن خانه مشاهده نشد.

20. مهج الدعوات حرز خدیجه علیها السلام: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ یا الله یا حافظ یا حفیظ یا رقیب»

حرز دیگری برای خدیجه سلام الله علیها: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ یا حیّ یا قیّوم به رحمت تو از تو یاری میخواهم پس به داد من برس و مرا به خود وامگذار، حتی چشم به هم زدنی و همه امور مرا اصلاح کن.(1)

1- . مهج الدعوات: 6 و در این کتاب حرز دوم به فاطمه زهرا سلام الله علیها نسبت داده شده و پیش از این نیز ذکر شد، و هر مطلبی که در این باب تکرار شد، با نسخه اصلی مطابق بود، یک بار با خط مولف قدس سره و یک بار با خط کتاب او.

روایات:

میگویم: برخی از تعویذات ایشان در باب تعویذهای تب و انواع آن، نقل خواهد شد.

1. اختیار ابن الباقی : دعای حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها: پروردگارا! به علم غیب و قدرتت بر آفریدگان، تا آنجا که زندگی را برایم خیر می دانی، زنده ام بدار و آن هنگام که مرگ برایم بهتر است، مرا بمیران. بار خدایا، از تو کلمه اخلاص و ترس از خودت چه در حال رضا و خوشنودی و چه در حال غضب و خشم را خواستارم و همچنین میانه روی و اعتدال در تهیدستی و بی نیازیم را. و نیز نعمت جاویدان و روشنی چشم همیشگی و پایدار و پیوسته را خواهانم چنان که خوشنودی نسبت به قضای تو را می طلبم. پروردگارا! زندگی خوش بعد از مرگ و دیدار جمال و چهره ات و شوق وصال و لقای تو را بی آنکه در حالت زیان و ضرر و یا فتنه ای ظلمانی و تاریک باشد خواستارم، بار الها! ما را به زینت و زیور ایمان مزیّن فرما و از راهنمایان راه یافته قرارمان ده، ای آفریدگار و خالق جهانیان.

از امام جعفر صادق علیه السلام هم این دعا نقل شده است:

خداوندا، تو سخنانم را میشنوی و جایگاه مرا میبینی و از آشکار و نهان من آگاهی و هیچ یک از کارهای من از تو پوشیده نیست. من بینوا و فقیرم و من فریاد می کنم و از تو پناه میخواهم هراسان و بیمناکم و به گناه خود اعتراف میکنم. همچون یک مسکین از درگاه تو گدایی میکنم وهمچون یک گناهکار ذلیل و

پشیمان به درگاه تو زاری میکنم و همچون یک فرد ضرر کرده و هراسان تو را میخوانم. همچون کسی که گردنش در مقابل تو خم گشته و اشک چشمش جاری گشته و در مقابل تو خوار و ذلیل شده و بینی اش در مقابل تو به خاک مالیده شده است، تو را میخوانم. خداوند ا، به برکت این دعایی که من به درگاه تو دارم، مرا نگون بخت قرار نده و نسبت به من دلسوز و مهربان باش؛ ای بهترین کسی که درخواست بندگان به درگاه او برده میشود و ای بهترین عطا کنندگان و الحمد لله رب العالمین.

و نیز دعایی که از حضرت علی علیه السلام نقل شده است: خداوندا، داد ناتوانی و بی کسی و بی ارج و قرب شدنم در میان مردم را از تو می خواهم. ای بخشاینده ترین بخشایندگان . مرا به که می سپاری، به بیگانه ای که روی ترش کرده به استقبالم آید، یا به دشمنی که خود، او را بر کار من قدرت و توان داده ای؟ اگر تو را بر من خشمی نباشد، چه باک، بلکه عافیت تو برای من [از همه چیز] فراگیرتر است. از آنکه خشم تو بر من فرود یا ناخشنودی ات بر من لازم آید به نور روی تو که تاریکیها بدان روشن گردند و کار دنیا و آخرت به آن راست آید،

پناه می برم. عذرخواهی از تو تا آنگاه که خشنود گردی، ضروری است. و جز از سوی تو طاقت و توانی نیست.

و نیز دعایی که از امام علی علیه السلام روایت شده است: سپاس خدایی را سزاوار، که به بامدادم در آورد، نه مرده و نه بیمار و نه رگهایم به بیماری دچار، و نه به کیفر کردار بدم گرفتار. نه بی فرزند و تبار، و نه از دین برگشته و نه منکر پروردگار. نه از ایمانم نگرانم، و نه خردم آشفته و سرگردان، و نه در عذابی هستم که امّتهای پیش از من گرفتار بودند بدان. بامداد کردم در حالی که بنده ای هستم بی اختیار، بر نفس خود ستمکار. تو راست که بر من حجت آری و مرا چه جای عذر- در خطاکاری-. نتوانم گرفتن جز آنچه تو عطا فرمایی، و نه از گزندی خود را واپایم جز تو که تو مرا واپایی. خدایا به تو پناه می برم از آن که در سایه بی نیازی ات

نادار مانم، یا در روشنی هدایتت به گمراهی دچار، یا در پناه قدرتت به ستمی گرفتار، یا کار به دست تو باشد و من خوار. خدایا جانم را نخستین نعمت گرانبهایی کن که داده ای و می ستانی و نخستین سپرده از سپرده هایت که نزد من است و باز می گردانی. خدایا ما به تو پناه می بریم که از گفته تو به یکسو شویم،

یا از دین تو به دین دیگر رویم، یا خواهشهای پیاپی بر ما روی آرد و به راه هدایتی که از جانب تو آمده است رفتن نگذارد. خداوندا، بر محمد و ال ممحد درود و رحمت بفرست.

2. دلائل الامامه طبری:سلمان فارسی گفت: ده روز بعد از رحلت پیغمبر عزیز اسلام صلی اللّه علیه و آله و سلم از منزل خود خارج و با حضرت علی بن ابی طالب علیه السّلام مواجه شدم و به من فرمود: خوش آمدی ای سلمان بیا در منزل فاطمه زهرا زیرا او به تو لطف دارد، میخواهد از آن تحفه ای که از بهشت برایش آمده به تو عطا کند، سلمان می گوید: من به خانه زهرای اطهر رفتم، پس از ورود دیدم فاطمه نشسته و یک قطعه عباء در بر دارد. به من فرمود: من دیروز در همین مکان نشسته بودم، در خانه بسته بود، من بر غم از دست دادن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، گریه میکردم. ناگاه دیدم در خانه بدون آنکه احدی آن را باز کند باز شد و سه دختر وارد شدند که تا به حال به زیبایی آنان ندیده بودنم. وقتی چشم من به ایشان افتاد بدون اینکه آنان را بشناسم از جای برخاستم و گفتم: شما از کجا آمدید؟، آیا از اهل مکه یا اهل مدینه می باشید!؟ گفتند: ما اهل مکه و مدینه و اهل زمین نیستیم، بلکه از حوریه های بهشت میباشیم که خدای مهربان ما را برای زیارت تو فرستاده، که رحلت پدرت را به تو تسلیت بگوییم. من به یکی از ایشان که گمان میکردم از لحاظ سن بزرگتر بود گفتم: نام تو چیست؟ گفت: نام من ذره است، گفتم: برای چه نام تو ذره است ؟ گفت: بجهت اینکه برای ابوذر که صحابه رسول خدا است آفریده شده ام. به دیگری گفتم نامت چیست؟ گفت: مقداده، گفتم: برای چه باین نام نامیده شدی؟ گفت: برای اینکه من از برای مقداد بن اسود کندی صحابه رسول خدا صلی اللّه علیه و آله آفریده شده ام. به سومی گفتم: نام تو چیست؟ گفت: نامم سلمی می باشد، گفتم: چرا نام تو سلمی نهاده شده؟ گفت: برای اینکه من برای سلمان دوست پیامبر اسلام صلی اللّه علیه و آله و سلم خلق شده ام.

فاطمه اطهر میگوید: سپس آن حوریه ها رطب کبود رنگی که نظیر نان قندی بزرگ و از برف سفیدتر و از مشک خوشبوتر بود به من دادند، سپس زهرای اطهر، آن رطب را نزد من آورد و فرمود: امشب با این رطب افطار کن و فردا هسته آن را نزد من بیاور.

سلمان میگوید: پس از گرفتن آن رطب به هر گروهی از اصحاب پیامبر خدا عبور میکردم به من میگفتند: آیا مشک و عنبر همراه داری !؟ تا اینکه به منزل رسیدم. هنگامی که وقت افطار رسید و من با آن رطب افطار کردم هسته ای در آن نیافتم، روز دوم به حضور دختر پیغمبر خدا رفتم و به وی گفتم: من به وسیله آن تحفه ای که به من عطا کردی افطار نمودم ولی هسته ای در میان آن نیافتم !؟ فرمود: ای سلمان آن رطب هرگز دارای هسته نخواهد بود، زیرا درخت این رطب را خدا در بهشت برای این دعائی که پدرم به من تعلیم داده و من آن را صبح و شام میخوانم در بهشت غرس کرده است.

سلمان گفت: آن دعا را به من یاد بده فاطمه زهرا فرمود: اگر دوست داری که به خضور خداوند برسی در حالی خداوند از تو غضبناک نباشد، به خواندن این دعا مواظبت کن :

بسم الله النور. به نام خداوندی که به هر چیز بگوید، موجود باش، آن چیز موجود میگردد. به نام خداوندی که حرکات مخفیانه چشمها و آنچه را که سینه ها نهان است میداند،

میداند. به نام خداوندی که نور را از نور آفرید. به نام خداوندی که نامش را به نیکی میبرند. به نام خداوندی که نور را بر کوه طور نازل کرد. و وحی خود را به مقدار مقدر شده در کتابی نگاشته شده بر پیامبر نیکویش نازل نمود(1).

1- . این حدیث در اینجا بطور مختصر آمده ولی در مهج الدعوات ص7-9 بطور کامل آمده است. و مؤلف این کتاب علامه مجلسی این حدیث را در مناقب حضرت زهرا سلام الله علیها در جلد 43 ص66-68 آورده است.

باب چهلم : حرزها و برخی دعاها و تعویذهای امیرالمؤمنین علیه السلام که از جمله آنها دعای معروف به دعای صباح و مساء و مطالب متناسب با آن میباشد. در لابلای این ادعیه، دعاهایی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نیز خواهد آمد

روایات:

1. مهج الدعوات : حرز امام علی علیه السلام که این حرز نوشته شده و بر روی بازوی راست بسته میشود.

بسماللهالرحمنالرحیم. ای کنوش ای کنوش اره شش عطیطسفیخ یا مطیطرون قربالسیون ما و ما سا ما سو ما طیسطالوس حنطوس مسفقلس مساصعوس اقرطیعوس لطفیکس؛ تو در جانب غربی نبودی هنگامی که ما فرمان نبوّت را به موسی دادیم؛ و تو از شاهدان نبودی (در آن هنگام که معجزات را در اختیار موسی گذاردیم). ای لعین، به قدرت پروردگار جهانیان از آنجا خارج شو وگرنه از زندانی ها خواهی بود. از آنجا خارج شو که تو اجازه نداری در آن بزرگنمایی کنی ، با ننگ و خواری و مورد نفرین شده، از آنجا خارج شو؛ همچنان که ما مردمی را که در روز شنبه ماهی میگرفتند، لعنت کردیم. و دستور خداوند عملی خواهد شد. خارج شو ای ذا المحزون اخرج یا سورا یا سورا سور بالإسم المخزون یا طظرون طرعون مراعون تبارک اللّه احسن الخالقین یاهیّا یاهیّا شراهیا حیا قیوما. به نامی که بر پیشانی اسرافیل نوشته شده است، از صاحب این حرز، همه جنیان و شیاطین و تابعان و

ساحران و غولهای نر و ماده و هر فسادگری که بنی آدم را به فساد میکشاند، دور کنید. و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم، و صلی الله علی محمد و آله اجمعین(1).

2. عتیق غروی و مهج الدعوات: حرز دیگری از مولا و دستآویز ما علی بن ابی طالب علیه السلام: خدایا به درخشش نور بهاء عرش تو، از دشمنانم خود را بپوشانم و به سطوت جبروت کمال عزتت از هر که نقشه برایم کشید در پرده شوم و به سلطنت بزرگ تو از شر هر سلطان و شیطان سرکشی پناهنده گردم، و نعمتهای ریزان و عطای شایانت را- ای مولای من- جویایم، چگونه بترسم که آرزویم توئی، و چگونه مورد ستم قرار گیرم که اعتمادم بر تو است، خود را به تو سپردم، و کارم را به تو واگذاردم، و در هر حالی به تو توکل دارم.

درود فرست بر محمد و خاندان محمد، و شفایم ده، و کارم را کفایت کن، و مرا بر هر کس که بر من پیروز گشته پیروز گردان، ای پیروزی که هرگز مغلوب نگردد، من هر دیده بانی را که بر من دیده بانی کند، و هر سرکشی را که سرکشی کند، و هر حسودی را که حسودی کند، و هر دشمنی را که دشمنی کند همه را (از خود دور کردم و) بانگ بر آنها زدم به وسیله «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ، قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ،

اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ و لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً أَحَدٌ، کذلک الله ربنا کذلک الله ربنا کذلک الله ربنا، خدا برایمان کافی است و او بهترین کارگزار و او قدرتمندترین یاری گر است(2).

3. نهج البلاغه: دعایی که امیرالمؤمنین علیه السلام می خواند: خدایا بیامرز آنچه (گناهی) را از من که تو به آن داناتری، پس اگر من باز گردم (دوباره مرتکب آن شوم) تو آمرزش را بمن بازگردان، خدایا بیامرز آنچه که من با خود وعده کرده ام (اطاعت و بندگی که انجام آنرا عهده گرفتم) و وفای به آن عهد را از من نیافتی، خدایا بیامرز آنچه که من بآن بسوی تو به زبانم تقرّب می جویم و دلم بر خلاف آنست خدایا بیامرز اشاره های گوشه های چشم را و گفتارهای بیهوده و آرزوهای دل و لغزشهای زبان مرا(3).

1- . مهج الدعوات : 10

2- . مهج الدعوات : 11- 12
3- . نهج البلاغه، خطبه 76

4. دعایی که امیرالمؤمنین علیه السلام بسیار می خواندند:

ستایش خداوندی را سزاست که شبم را به صبح آورد بی آن که مرده یا بیمار باشم، نه دردی بر رگ های تنم باقی گذارد، و نه به کیفر بدترین کردارم گرفتار کرد، نه بی فرزند و خاندان مانده، و نه از دین خدا روی گردانم، نه منکر پروردگار، نه ایمانم دگرگون، و نه عقلم آشفته، و نه به عذاب امّت های گذشته گرفتارم. در حالی صبح کردم که بنده ای بی اختیار و بر نفس خود ستمکارم. خدایا بر تو است که مرا محکوم فرمایی در حالی که عذری ندارم، و توان فراهم آوردن چیزی جز آنچه که تو می بخشایی ندارم، و قدرت حفظ خویش ندارم جز آن که تو مرا حفظ کنی. خدایا به تو پناه می برم از آن که در سایه بی نیازی تو، تهیدست باشم، یا با وجود هدایت تو گمراه گردم، یا در پناه قدرت تو بر من ستم روا دارند، یا خوار و ذلیل باشم در حالی که کار در دست تو باشد! خدایا جانم را نخستین نعمت گرانبهایی قرار ده که می ستانی، و نخستین سپرده ای قرار ده که از من باز پس می گیری! خدایا ما به تو پناه می بریم از آن که از فرموده تو بیرون شویم، یا از دین تو خارج گردیم، یا هواهای نفسانی پیاپی بر ما فرود آید، که از هدایت ارزانی شده از جانب تو سرباز زنیم.

5. یکی دیگر از دعاهای آن حضرت علیه السلام: خدایا آبرویم را با بی نیازی نگهدار، و با تنگدستی شخصیّت مرا لکّه دار مفرما، که از روزی خواران تو روزی خواهم، و از بدکاران عفو و بخشش طلبم! و مبتلا به سپاس کسی شوم که چیزی به من بدهد و دچار بدگویی از کسی بشوم که چیزی را از من منع کرده ، در صورتی که در پشت پرده، اختیار هر بخشش و دریغی در دست تو است و تو بر همه چیز توانایی(1).

6. نهج البلاغه: از دعاهای آن حضرت علیه السلام: خدایا! تو با دوستانت از همه انس گیرنده تری، و بر طرف کننده نیازهای توکّل کنندگانی، بر اسرار پنهانشان آگاه، و به آنچه در دل دارند آشنایی، و از دیدگاه های آنان با خبر، و رازشان نزد تو آشکار، و دل هایشان در حسرت دیدار تو داغدار است، اگر تنهایی و غربت به

1- . نهج البلاغه، خطبه 223

وحشتشان اندازد یاد تو آرامشان می کند، اگر مصیبت ها بر آنان فرود آید، به تو پناه می برند، و روی به درگاه تو دارند، زیرا می دانند که سررشته کارها به دست توست، و همه کارها از خواست تو نشأت می گیرد. خدایا ! اگر برای خواستن درمانده شوم، یا راه پرسیدن را ندانم، تو مرا به اصلاح کارم راهنمایی فرما، و جانم را به آنچه مایه رستگاری من است هدایت کن، که چنین کاری از راهنمایی های تو بدور، و از کفایت های تو ناشناخته نیست.خدایا، مرا با بخشش خود بپذیر، و با عدل خویش، با من رفتار مکن(1) !

7. آن حضرت علیه السلام که فرمود: خدایا به تو پناه می برم که ظاهر من در برابر دیده ها نیکو، و درونم در آنچه که از تو پنهان می دارم، زشت باشد، و بخواهم با اعمال و رفتاری که تو از آن آگاهی، توجّه مردم را به خود جلب نمایم، و چهره ظاهرم را زیبا نشان داده با اعمال نادرستی که درونم را زشت کرده به سوی تو آیم، تا به بندگانت نزدیک، و از خشنودی تو دور گردم.

8. دعای امیرالمؤمنین علیه السلام: ستایش خاص خداوندی است که نخستین ستوده و آخرین پرستیده شده و نزدیکترین موجودات است ،آن پدید آرنده ای که ازلیّت او (و همیشگی بودنش) معلوم نیست (چون شروع و آغاز نداشته) و آغاز او انجام ندارد ،آنکه پیش از بود- بی آنکه آفریده شده باشد- بوده، و در هر جا بی آنکه دیده شود موجود است، آنکه بهر راز در گوشی نزدیک است نه بنزدیکی تن و مکان. هر نادیده ای نزدش عیان و آشکار، و دلها در عظمتش حیران و سرگردان، نه دیده ها پی بعظمتش برند، و نه دلها با اینکه از آنها در حجاب است انکار شناسائیش توانند، در دلها خود را بنماید اما نه بدانسان که پندارها او را محدود ساخته و اندازه گیرند، و نه آنکه خیالها درکش کنند. آنگاه از پیش خود نشانه ای برای برتریش بر هر ضدّ و مانند، و هم شکل و مشابهی قرار داده، پس یگانگیش نشانه ربوبیت او است، و مرگی که گریبانگیر خلق او می شود گزارش دهنده ای از وضع آفرینش و قدرت او است. و همان آفریدنشان از قطره ای نطفه- در صورتی که

1- . همان، خطبه 225

هیچ نبودند- دلیلی است بر آنکه پس از نابودیشان آنها را دوباره بیافریند چنانچه نخستین بار آفرید. و ستایش خاص خدائی است که گردنکشان (نافرمان) با نافرمانی بدو زیانی نزنند، و پرستش کنندگان (فرمانبردار) با فرمانبرداری خویش سودی باو نرسانند، آنکه نسبت به سرکشان پر مدّعا بردبار است، و به آنان که برایش در فرمانروائی شریکانی پندارند فرصت داده و مدارا کند، آنکه سلطنتش همیشه پایدار بوده و انتهائی ندارد، و پس از گذشت هر زمانی در فرمانروائی خویش پا برجا و باقی است، آن یگانه یکتای بی نیاز، فرازمند از همسر و فرزند، بر فرازنده آسمان بی ستون، و روان کننده ابرها بدون زنجیر و وسیله، آن قاهر (و چیره) بر خلق بدون لشکر و عدد، او است خدای یکتای فرد یگانه ای که نزاده و زائیده نشده و هیچ کس همتایش نیست. و ستایش خاص خدائی است که فضل خود را حتی از اصرارورزان در نافرمانیش دریغ ندارد، و پاداش کوچکترین نعمتش را تلاش کنندگان در طاعتش نتوانند بدهند، آن بی نیاز (توانگر) ی که روزی خود را (حتی) از منکرش دریغ ندارد، و روزیهای (بیشمار) خلق (که از آنها بهره مند گردند) از (خزانه) عطایای او (چیزی) نکاهد. آفریدگار آفریدگان و نابودکننده آنان، و بازگرداننده و آغازنده و از پی در آینده آنها، دانای به هر چیزی که نیتهای دل بپوشانندش، و نهادها پنهانش دارند، و زبانها در بیانش اختلاف پیدا کنند، و زمان آنها را از یاد برد، آن زنده ای که نمیرد، و آن پاینده ای که نخوابد، آن جاویدانی که زوال نپذیرد، آن عادل و دادگری که ستم نکند، آنکه بفضل خویش از گناهان بزرگ چشم بپوشد، و هر که را عذاب کند از روی عدل اوست، آنکه اگر (در باره کسی) حلم ورزد نه از باب این است که میترسد (آن شخص) از تحت فرمان و قدرتش بدر رود، و اگر (بکسی) رحم کند نه از آن جهت است که نیازمندیش را به خویش دانسته است، و خود در آیه محکم قرآنش فرموده: «و اگر خدا مردم را بکردار و رفتارشان مؤاخذه میفرمود جانوری بر پشت زمین بجای نمیگذارد». ستایشش کنم ستایشی که (ضمنا بدان وسیله) افزایش نعمتش را خواهم ، در برابر عذابش به خودش پناه می برم ، و تقرب جویم بدرگاه او بوسیله تصدیق پیامبرش، آنکه برای وحی خویش وی را برگزید، و برای رسالت خود اختیارش فرمود، و بشفاعت ویژه اش نمود، آن (پیامبر بزرگواری) که بحق او

قیام فرمود (یعنی حضرت) محمد که درود خدا بر او و بر خاندان و یارانش و بر پیامبران و رسولان دیگر و فرشتگان همگی، و سلامی مخصوص (نیز بر همه آنها باد). معبودا: (خدایا) آرزوها کهنه شده، و احوال دگرگون گشته، و زبانها دروغ گویند، و وعده ها بخلاف گرائیده و تنها وعده تو است که خلف ندارد، و تو نیز وعده آمرزش و فضل داده ای، خدایا پس درود فرست بر محمد و آلش، و از فضل خویش بمن عطا فرما. و از شیطان رانده (درگاهت) مرا پناه ده. منزهی تو و من به ستایشت مشغولم، چه اندازه بزرگ و بردبار و کریمی! بردباریت (حتی) سرپیچی گردنکشان را (نیز) فراگرفته، و نعمتت سپاسگزاران را در خویش فرو برده، و حلم تو از شماره و حساب شمارندگان بیشتر، و عطایت از توصیف اهل توصیف برتر گشته، چسان! که به راستی اگر فضل تو نبود چگونه حلم میورزیدی نسبت بکسی که از نطفه او را آفریدی و پیش از آن هیچ نبود، پس او را به روزی پاک خود پروریدی، و در (میان) نعمتهای پی در پیت نشو و نمایش دادی، و در زمین (چون) بسترت جایش دادی، و وی را بطاعت خویش خواندی، ولی او بوسیله احسان تو بر نافرمانی و عصیانت نیرو گرفت، و تو را انکار کرده و در سایه سلطنت تو دیگری را پرستش کرد؟! چسان! که به راستی اگر حلم و بردباریت نبود چگونه بمن مهلت میدادی با اینکه تو پرده (لطف) خویش بر من پوشاندی، و بوسیله شناساندن خود و معرفتت مرا گرامی داشتی و زبانم را برای سپاسگزاریت باز (و آزاد) گذاری، و مرا براه رسیدن بطاعتت راهنمائی کردی، و طریق وصول بکرامت خویش را برایم هموار ساختی، و وسیله تقرب بدرگاهت را برایم آماده ساختی، ولی در برابر (این همه نیکی و نعمت) پاداش تو از من این بود که احسان تو را ببدی کیفر دادم، و بر آنچه تو را به خشم می آورد حریص و آزمند گشتم، و آنچه را موجب فزونی عذاب و عقوبتت گردد اندک شمردم، و بدان چه مرا از خشنودیت دور کند شتابان گشتم، به آرزوی گول زن شادان گشتم، و از هشداردهندگان (و باز دارندگان) عمر رو گرداندم، حلم و بردباریت نسبت بمن مرا قانع نکرد،

در صورتی که تهدیدت با گرفتن نیروی تنم بمن رسید، تا آنجا که با آلودگی بخطای بزرگ باز هم تو را خواندم و همواره فزونی نعمتت را جویم، و از آن سو برای آن عذاب و عقوبتت که نزدیکش رفته ام خود را آماده نکرده ام، عطای

فراوانت را دیررس دانستم و روزی اندازه ات خشمگینم ساخت، و با کردار مردمان بدکار جایزه های شایانت را خواستار گشتم، همانند آن کسی که با کردار نیکان چشم براه رحمت تو نشسته است! با تلاش، گناهان بزرگ را آرزو کنم چونان که کاملا از خود مطمئن گشته و از کیفر جرائم (و بزهکاریهای خویش) آسوده خاطر شده است. همه از آن خداییم و به سوی خدا بازمی گردیم (پس وای بر این مصیبت!) مصیبتی که ناگواریش سخت و کیفر و عقابش زیاد است، و به راستی اگر آرزوی من همراه با وعده چشم پوشی تو از لغزشم نبود چگونه من امید بازگشت و توجه مجدد تو را داشتم، در صورتی که گناهان بزرگی را که از خردترین بندگانت پنهان میکنم به عیان در حضورت انجام دادم! و با اینکه (همه جا) با من بودی تو را از نظر دور داشتم، و حرمت پرده پوشیت را بر خویشتن مراعات نکردم. راستی که با چه رو تو را دیدار کنم؟ و با چه زبان با تو راز گویم؟ که من هر عهد و پیمان محکمی را که با تو بستم و تو را هم بر آن گواه گرفتم بشکستم، و در همان وقتی که غرق در خطا و گناه بودم تو را خواندم و تو اجابت کردی، ولی تو در حال نیازمندیم به تو مرا خواندی و من اجابتت نکرده (و نپذیرفتم). ای بدا بحال من با این کارهای زشتم! راستی که چه جراتی کردم! و چگونه خود را گول زدم! (ای خدا) منزهی تو و من اینک بوسیله خودت بتو تقرب جویم، و بحق خودت تو را سوگند دهم، و از تو بسوی خودت بگریزم، (خدایا من خود میدانم که) در هنگام گنهکاری و نافرمانیم خودم را زبون و خوار کردم نه آنکه تو را کوچک و خوار بشمارم، و بنادانیم مغرور گشتم نه ببردباری تو، و حق خود را تباه ساختم نه حق بزرگ تو را، و بخود ستم کردم، و اینک امیدوار رحمت توأم، و بتو ایمان آورده و گرویدم، و بر تو توکل کنم و بدرگاه تو بازگشته و زاری کنم، پس ای خدا ترحم فرما به بینوائی و نیازم بدرگاهت، و افتادنم بگونه رویم، و بسرگردانیم در بدی گناهانم، که به راستی توئی مهربانترین مهربانان. ای بهترین کسی که خوانندش، و بهترین مایه امید، و بردبارترین رو اکنند و نزدیکترین فریادرس، تو را در حال فریادرسی خوانم، فریادرسی شخص سرگردان ناامید از فریادرسی خلق و آفریدگانت پس (ای خدا) بلطف خویش بر ناتوانی من عنایت فرما، و با فراخ رحمتت گناهان بزرگم را بیامرز، و سازندگی زودرس خود را

بمن ببخش که بخشش تو فراخترین بخششها است.معبودی جز تو نیست، منزهی تو، و من به راستی از ستمکارانم، ای خدا، ای یگانه، ای خدا، ای بی نیاز، ای که نزاده، و نه زائیده شده و نیست برایش همتائی هیچ کس، خدایا خواسته ها خسته ام کرده، و راهها بر من تنگ گشته (و بسته شده) و آنان که از همه (بمن) دورتر بودند مرا بخود نزدیک کرده، و خویشان مرا ملول و خسته کرده اند، و آنگاه که امیدها قطع شود تنها مایه امید توئی، و هر گاه بلا و گرفتاری بزرگ و سخت شود تنها کمک کارم توئی، و در سختی و خوشی یگانه پناه توئی، پس ای خدا برطرف کن اندوه کسی را که چون ناامیدیش او را بیاد بدیهایش میاندازد یکسره از خویش مأیوس گردد، و از رحمت خویش ناامیدم مکن ای مهربانترین مهربانان(1).

9. مهج الدعوات: دعای امام علی علیه السلام در روز جنگ جمل و قبل از واقعه: خدایا تو را سپاس گویم که تو شایسته سپاس و ستایشی به خاطر رفتار نیکویت نسبت به من و عطوفت و مهرت در باره ام، و برای آنچه از نور خود که بر من عطا فرمودی، و بدان مهرت که از دنبال (خلقتم) به من تفضل کردی، و آن نعمتت که بر من کامل نمودی که به راستی ای آقای من در باره من چنان بزرگی کردی که تمام کوشش و سپاسگزاریم حق تو گشت به خاطر همان گذشت و آزمایش نیکوی دیرینه ات نزد من، و پشت هم رسیدن نعمتهایت، و پی در پی آمدن کرمهایت نزد من ، بدان حد که من به احراز بهره ام و اصلاح نفسم نرسم، ولی تو ای آقای من در ابتداء به احسان خویش آغازم کردی و مرا بدین و آئین خود رهنمونم ساختی، و خود را شناساندی، و همه کارهایم را به کفایت و تثبیت فرمودی و انجام دادی، و در نتیجه سختی بلا را از من گرداندی، و گرفتاری قضا و قدر را از من بازداشتی، و بدین ترتیب من جز نیکی از تو یاد نکنم، و جز زیاده بخشی از تو ندیدم.

خدایا چه بسیار بلا و سختی را که از من گرداندی و در دیگری آنها را به من نمایاندی (و نشانم دادی) و چه بسیار نعمتی که دیده ام را بدان روشن کردی، و چه بسیار کارهای نیکی که (نسبت به من انجام داده و) در پیش من داری. خدایا توئی

1- . مهج الدعوات: 139-142

که در وقت ماندگی دعایم را اجابت می کنی، و توئی که در وقت رسیدن اندوهها گرفتگی و غم را از من برطرف می کنی، و توئی که حق مرا از دشمنان بازستانی من تو را نیافته و نیابم که هنگام دعا از من دور باشی، و نه در وقتی که از تو درخواست کنم نسبت به من خوددار و گرفته باشی، و در وقتی که تو را بخوانم از من روی بگردانی، تو را ای خدای من چنان یافتم که رفتارت با من پسندیده، و نیکو آزمایشت پیش من موجود، و همه کارهایت نسبت به من زیبا است، ستایشت کند زبانم و خرد و اعضایم، و تمامی آنچه را زمین از من بر خود گرفته (و دارا هستم).

ای مولای من از تو خواهم بدان نورت که آن را از بزرگی خود برگرفته ای، و از تو خواهم بدان نامت که برتری گرفته، که بر من منت گذارده چنانم کنی که لازمه سپاسگزاری نعمتت را انجام دهم، پروردگارا چه اندازه حریصم بر آنچه مرا از آن برکنار کرده و بدوری آن وادارم کردی، و اگر تو بپارسائی در دنیا و پرهیزکاری در امور آخرت کمکم ندهی هلاک گردم، پروردگارا انگیزه های دنیا از آمیزش زنان و نیز فرزندان مرا به سوی خود خواند و من بشتاب دعوتش را پذیرفتم و بدلخواه خود بدانها دل بستم ولی انگیزه های آخرت از پارسائی و کوشش مرا (بدان) دعوت کرد و من توجهی بدان نکردم، و چنان شتابی را که نسبت به متاع بی ارزش و پوسیده و خشک دنیا و آن سرابی که بزودی از بین میرود داشتم، آن شتاب را برای آخرت مبذول نداشتم، پروردگارا مرا (از عذاب) ترساندی، و (به پاداش نیک) تشویق کردی و بر من حجت تمام کردی پس من آن طور که باید از تو بیم داشته باشم بیم نکردم، و من ترس آن را دارم که از کوشش در باره تو کوتاهی کرده باشم و نسبت به یکی از حجتهای تو سستی ورزیده باشم.

خدایا (از تو خواهم که) چنان مقرر داری که کوششم در این دنیا خالص برای تو باشد و در راه اطاعت و فرمانبرداری تو باشد، و دلم را سرشار از خوف خود گردان، و کوتاهی کردن و سستی و تقصیر کاری و (بطور کلی) هر آنچه را بر خویشتن میترسم همه را به ترس و بیم از خود و شکیبائی در مورد طاعت و فرمانبرداری و عمل بدان مبدل فرما، ای دارای شوکت و بزرگواری. سپرم را در برابر گناهان محکم، و کارهای نیکم را مضاعف گردان که به راستی تو چنانی که اعمال هر که را

خواهی مضاعف کنی . خدایا رتبه و درجه مرا در بهشت بلند گردان، و به تو پناه برم پروردگارا از (شر) خوراکی و آشامیدنی خوش و به تو پناه برم از شر آنچه میدانم و از شر آنچه نمیدانم، و بتو پناه برم از همه زشتیها چه آشکارش و چه پنهانش، و به تو پناه برم پروردگارا از اینکه نادانی را بدانائی بخرم- چنانچه دیگری جز من این کار را کرده- یا سفاهت و نابخردی را بخردورزی خریداری کنم، یا بیتابی را به بردباری، یا گمراهی را به هدایت، یا کفر را به ایمان. پروردگارا به انجام خواسته هایم بر من منت گذار، که تو مردمان شایسته و صالح را دوست داری، و پاداش نیکوکاران را ضایع نسازی.و الحمد لله رب العالمین.(1)

دعای آن حضرت علیه السلام در جنگ صفین و در آغاز درگیری. از کتاب صفین (عبدالعزیز جلودی رحمه الله) نقل کردیم که آنگاه که پرچم را به حرکت در آوردند، حضرت اینگونه دعا نمود:

به نام خدای بخشاینده مهربان و جنبش و نیروئی نیست جز به خدای والای بزرگ، خدایا تو را می پرستم و از تو کمک گیرم، ای خدا، ای بخشاینده، ای مهربان، ای یکتا، ای بی نیاز، ای خدای محمد! بسوی تو گامها برداشته شود، و دلها روانه شود، و دیدگان بازگردد، و گردنها کشیده شود، و حاجتها خواسته شود، و دستها بالا رود، خدایا برگشا میان ما و قوم ما را بحق که تو بهترین گشایندگانی. آنگاه گفت: لا اله الا الله و سه بار گفت : الله اکبر.

از جمله روایتی از کتاب جلودی: روایت شده است که هرگاه امام علی علیه السلام به سوی جنگ میرفت،

همچنان خدا را یاد میکرد تا اینکه سوار بر مرکب خود میشد، این دعا را میخواند: «پاک و منزّه است کسی که این را مسخّر ما ساخت، و گر نه ما توانایی تسخیر آن را نداشتیم؛ و ما به سوی پروردگارمان رهسپاریم. خدا را به خاطر نعمتهایی که به ما داده و منتی که بر ما گذاشته سپاس میگوییم.

1- . مهج الدعوات: 120-121

آنگاه، سوار بر استر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، رو به قبله مینمود و دستها را بلند نموده و همان دعای پیشین را میخواند. البته در این حدیث یک مقدار عبارات پس و پیش شده است(1).

فصل: در کتابی به خط ابن الباقلانی خوابی یافتم که به خط خود او نبود و آن این بود که : مؤید الدین عبدالملک گفت: او مریض بود و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بصورتی که گویی از آسمان نازل شده، نزد او آمد. او خواست که از حضرتش دعایی بخواهد که از مریضی شفا یابد. اما دعا نخواست و فقط گفت: شفاء بده. امام علی علیه السلام دست مبارک را روی بازوی راست مؤید الدین کشید و فرمود: سه بار این دعا را بخوان تا خداوند تو را حفظ کند. و آن دعا این است:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. آنها کسانی بودند که(بعضی از) مردم، به آنان گفتند: «مردم[لشکر دشمن] برای(حمله به) شما اجتماع کرده اند؛ از آنها بترسید!» اما این سخن، بر ایمانشان افزود؛ و گفتند: «خدا ما را کافی است؛ و او بهترین حامی ماست(2).

پناه می برم به خداوند از شر شیطان رانده شده. ! من کار خود را به خدا واگذارم که خداوند نسبت به بندگانش بیناست(3).

از شر شیطان رانده شده به خداوند پناه میبرم. هر رحمتی را خدا به روی مردم بگشاید،

کسی نمی تواند جلو آن را بگیرد؛ و هر چه را امساک کند، کسی غیر از او قادر به فرستادن آن نیست؛ و او عزیز و حکیم است (4).

آنگاه امام علی علیه السلام فرمود: هرگاه آیه الذین قال لهم الناس... را بخوانی، خداوند در جواب تو میفرماید: به همین جهت،آنها (از این میدان،) با نعمت و فضل پروردگارشان،

بازگشتند؛ در حالی که هیچ ناراحتی به آنان نرسید؛ به همین جهت، آنها (از این میدان،) با نعمت و فضل پروردگارشان، بازگشتند؛ در حالی که هیچ ناراحتی به آنان نرسید. و هرگاه آیه افوض امری... را بخوانی، خداوند میفرماید: خداوند او را از نقشه های سوء آنها نگه داشت، و عذاب شدید بر آل فرعون وارد شد.

ص: 294

1- . مهج الدعوات، ص122
2- . آل عمران/ 173
3- . غافر /44
4- . فاطر/2

و هرگاه آیه ما یفتح الله... را بخوانی، این ایمان کامل است. این تفسیر امام علی علیه السلام است.

میگویم: ادامه تفسیر آیه اخیر موجود نیست(1).

از جمله ادعیه دعای مولا و راهبر ما امیرالمومنین علی علیه السلام در روز هریر در صفین است که ما آن را به اسناد خودمان از کتاب الدعاء سعد بن عبدالله نقل می کنیم :

امام صادق علیه السلام فرمود: در روز هریر وقتی که عرصه بر امام علی علیه السلام و یارانش تنگ شد، حضرت این دعا را خواندند و این دعای کرب نامیده شده است، هر کس دچار گرفتاری و اندوه شده باشد و این دعا را بخواند، خداوند او را از گرفتاری اش نجات میبخشد و دعا این است:

خدایا برای من مپسند آنچه را تو ناخوش داری، و ناپسند مدار برایم آنچه را تو خوش داری، خدایا به تو پناه برم از اینکه به خشم تو راضی باشم یا پسند تو مورد خشم من باشد، یا آنکه قضا و حکم تو را بازگردانم، و یا از گفتارت تجاوز کنم، یا خیر خواهی دشمنان تو را کرده و در نتیجه از فرمان تو در مورد آنها تجاوز نمایم، خدایا هر آن کردار و یا گفتاری که مرا بخشنودی تو نزدیک سازد و از خشم تو دورم گرداند مرا بدان وادار، ای مهربانترین مهربانان. خدایا از تو خواهم: زبانی گویای بذکر، و دلی سپاسگزار، و یقین از روی صدق و درستی، و ایمانی پاک و خالص، و تنی فروتن، و از دوستی خود به من روزی دار، و ترس خود را در دلم درآر. خدایا اگر به من مهرورزی که به همان خوش گمانی که (نسبت) به تو دارم رفتار کرده ای، و اگر عذابم کنی به خاطر همان ستم و تجاوز و جنایتی است که خود من بر خویشتن روا داشته ام، و عذری ندارم که بدان عذر خواهی کنم، و مکافاتی نیست که آن را به حساب تو گذارم. خدایا آنگاه که أجل در رسد، و روزها سپری گردد، و (با تمام شدن عمر) چاره ای جز دیدار تو نباشد منزلگاهی در بهشت برای من مقرر فرما، که مورد غبطه پیشینیان و پسینیان باشد، و پس از آن منزلگاه دیگر

1- . مهج الدعوات: 122

افسوسی در کار نباشد، و همدمی پس از همدمان آنجا (و بهتر از آنها) نباشد، در گرامیترین منزلگاههایش . خدایا جامه خشوع ایمان را با عزت بر من بپوشان پیش از آنکه در آتش دوزخ جامه خواری به من

پوشانده شود. تو را ای پروردگار (بزرگ) به بهترین ثناها ثنا گویم زیرا بلای تو در نزد من بهترین بلاها است. خدایا لذت کمک و یاری و توفیق و عطای خود را به من بچشان، و شوق دیدار خود، و نصرتی را که از یاری تو است روزیم گردان تا شیرینی آن را در دل خویش دریابم، و مرا به راهنماترین کارهایم مصمم فرما که تو (خود) جایگاه من و جایگاه یارانم را (در این روز) می بینی، و چیزی از کار من بر تو پوشیده نیست. خدایا از تو آن نصرتی را خواهانم که پیامبرت را بدان نصرت دادی، و بدان میان حق و باطل را جدا ساختی تا آنجا که دین و آئین خود را بدان پا برجا کرده و دلیل روشن خود را بدان آشکار کردی. ای خدائی که در هر جایگاه یار و یاورم بوده و هستی(1).

سعد بن عبدالله گوید این دعای آن حضرت (در جنگ صفین) است پیش از آنکه قرآنها را بر سر نیزه کنند. سپس سخنی گفت که نقل به معنا چنین است: ابلیس فریادی کشید که برخی از سپاهیان آن فریاد را شنیدند. ابلیس با این فریاد خود به معاویه اشاره کرد که قرآنها را برای حیله و چاره بر سر نیزه کنند. خوارج که در سپاه معاویه بودند شبهه و تلبیس او را اجابت کردند و قرآنها را بالا بردند. پس اصحاب علی علیه السلام اختلاف کردند همچنان که در اطاعت از رسول خدا صلوات الله علیه اختلاف کردند. پس آن حضرت دعا کرد و دعای حضرت این بود:

خدایا از تو خواهم تندرستی از بلای جانفرسا و از شماتت دشمنان، خدایا گناهم بیامرز و کردارم را پاک گردان، و خطا کاریهایم را بشوی که من ناتوانم جز بدان چه توأم نیرو داده ای، و آن چنان بردباری به من بده که بدان درب نادانی را ببندی، و دانشی به من ده که بدان نادانیها را برگشائی، و یقینی که بدان شک و تردید را از من دور سازی، و فهمی که بدان مرا از فتنه های سخت و در هم بیرون آری، و نوری که بدان در میان تاریکی (بهدایت) راه روم. خدایا گوش و چشم و مو و پوست

1- . مهج الدعوات : 123-124

و دلم را برای من شایسته و صالح گردان بدان سان که سایر اعضایم را بدان شایسته و صالح گردانی. من از تو راحتی در وقت مرگ و گذشت در هنگام حساب را خواستارم. خدایا از تو خواهم که هر کرداری را که از همه پیش تو محبوبتر و بدرگاهت نزدیکتر است همیشه مرا بدان واداری، آنگاه شریفترین کارها را در نزد خود به من یاد دهی، و نیرو و راستی و کوشش و تصمیمی از جانب خود و نشاطی برای انجامش به من عطا فرمائی، و چنانم کنی که کردار من تنها به خاطر جلب رضای تو، و زندگیم همان زندگی که به ببندگان شایسته ات داده ای باشد، آنگاه چنانم گردانی که آن را بچیزی نفروشم و آن را بچیز دیگری برابر نخواهم، و آن نعمت را در خوشی و ناخوشی بر من دگرگون مساز، و به کسالت و فراموشی و خودنمائی و شهرت طلبی دچارم مساز تا آنگاه که مرا بر آن بمیرانی، و بهترین کشته شدنهای در راهت را روزی من گردانی یعنی براهی که تو و رسول تو را یاری کنم، و زندگانی جاویدان آن جهان را بزندگانی (عاریت) دنیا خریداری کنم، و مرا به موجبات خوشنودی خود کمک فرما. خدایا از تو خواهم دلی سالم، پا برجا، خوددار، بازگرد، که کار نیک را نیک داند و پیرویش کند، و کار زشت را زشت شمارد و از آن دوری گزیند، نه دلی که بزهکار باشد و نه سخت و نه (آن دلی که) بشک و تردید (گرفتار) باشد، ای که دو دست احسانش برحمت باز است، ای که مهرش بر خشمش پیشی جسته، از تو خواهم که زندگی مرا چنان مقرر فرمائی که فزاینده در هر کار نیکی باشد، و مرگم را رهائی از هر شری برایم مقرر فرما، و کردارم را به (مقام) شهادت (و جانبازی در راه تو) ختم فرما، ای ذخیره ام در سختی، و ای همراه من در هر حاجت، و ای ولی نعمتم، از تو خواهم که روزیم گردانی: سپاسگزاری نعمتت، و شکیبائی در بلا و گرفتاریت، و خوشنودی نسبت بمقدراتت، و تصدیق بوعده ات، و محافظت سفارشاتت، و پارسائی و توکل بر تو، و دست زدن بریسمان محکم تو، و تمسک بکتابت (قرآن) و شناسائی حقت، و نیروئی در عبادت و پرستشت، و نشاطی برای ذکرت، تا هر زمانی که در زمین خود به من عمر می دهی ، و هر گاه بناچار مرگم در رسد پس آن را شهادت و کشته شدن در راه خود قرار ده که به دست بدترین خلق تو انجام شود، و راه مرا در (دوران زندگی و) در

میان زندگان راه آن دسته مردمانی قرار ده که در خانه زندگانی (و سرای ابدی) در پیشگاه تو روزی خورند خدایا در دیده ام نور و روشنائی قرار ده، و در دلم یقین بنه، و ترس و هراست را در خویشتن، و ذکر خود را بر زبانم جاری فرما. خدایا خواسته ام را در آنچه از تو میخواهم آن خواسته و میلی که دوستانت از تو میخواهند قرار ده، و ترسم را از تو در مورد پناه خواهی از عذاب و شکنجه ات همان ترس اولیاء و دوستانت گردان. خدایا مرا در مورد جلب خوشنودیت بکاری وادار که چیزی از موجبات خوشنودی و فرمانبرداری تو را به خاطر ترس و واهمه از یکی از خلق و آفریدگانت وانگذارم. خدایا هر آن خیر و نعمتی که به من عطا فرموده ای بهمراه آن سپاسگزاری و شکری به من بده که بدان وسیله ذکر تازه ای از تو برایم پیدا شود، و ذخیره ام را بدان نیکو گردانی، و هر عطائی را که از من بازداری و مرا از آن بی نیاز سازی پاداشی برای من در آن عطا مقرر فرما و صبر و شکیبائی در محرومیت آن به من عنایت کن.

خدایا فقر و نداری دنیا را بروی من ببند، و مرا از عبادت و پرستش خویش (به چیز دیگری) سرگرم مکن، و ذکر خود را فراموشم مکن، و میل و رغبتم را در آنچه نزد تو است کم مفرما. خدایا به تو پناه برم از غم و اندوه و ناتوانی و بیحالی و بزدلی و بخل و بدخلقی، و انحراف در دین، و غلبه یافتن دیگران و استیلاء دشمنان، و دگرگونی روزگار، و از شر آنچه ستمکاران در زمین انجام دهند، و از آن بلا و گرفتاری که توانائی صبر بر آن را ندارم، و پناه برم به تو از هر چه میان من و تو جدائی افکند یا مرا از تو دور سازد، و یا آنکه روی مرا از درگاه تو بازگرداند، یا از بهره ام در پیش تو بکاهد، و پناه برم به تو از اینکه خطا کاریهایم یا ستم و زیاده رویم بر خود و پیرویم از کارهای دلخواهم و به کار انداختن شهوت و هوای نفسم میان من و مهر و رحمتت و احسان و فضلت و برکتها و وعده هائی که برای من بر خویش مقرر فرموده حائل گردد. خدایا به تو پناه برم از همدم بد در غیاب و حضور، زیرا که دلش متوجه من گردد، و دیدگانش مرا زیر نظر گیرد، و گوشهایش سخنان مرا بشنود، اگر کار نیکی از من بیند پنهانش کند، و اگر کار بدی بیند آشکارش سازد، و به تو پناه برم از طمع و آزی که (مرا) به ننگ و پستی کشاند، و پناه برم به تو از آن

گمراهی که بنابودیم در اندازد، و از فتنه ای که بر من عارض گردد (یا از کار خیر بازم دارد) و از خطا و گناهی که توبه ندارد، و از مناظر ناراحت کننده (و پیش آمدهای ناگوار) در مورد خانواده و مال و فرزند و هنگام خواری مرگ (و سختی جان دادن)، و به تو پناه برم از کفر و تردید، و ستم و تعصب (بیجا) و خشم، و به تو پناه برم از ثروتی که مرا بسرکشی و طغیان وادارد، و از فقر و نداری که مرا بفراموشی اندازد، و از هوا و هوسی که بهلاکت و نابودیم کشاند، و از آن کاری که خوارم سازد، و از رفیق و همدمی که گمراهم کند. خدایا به تو پناه برم از شر آن روزی که آغازش بیم و فزع ، میانه اش رنج و پایانش بیتابی و جزع است، رویها در آن سیاه گردد و جگرها در آن خشک شود، و به تو پناه برم از اینکه بگناهی محوکننده (کارهای نیک) آلوده گردم، گناهی که هرگز آن را نیامرزی، و از گناهی که از خیر و نعمت آخرت جلوگیری کند، و از آرزوئی که بهترین کارها را مانع گردد، و از زندگانی که جلوی بهترین مردنها را بگیرد، و به تو پناه می برم از نادانی و یاوه گوئی و از گفتار و کردار بد، و از بیماری و دردی که بخود مشغولم کند، و از آن تندرستی که به غفلتم دچار گرداند (و بخود سرگرمم سازد) و به تو پناه برم از خستگی و رنج و سختی (یا ماندگی) و تنگی و گمراهی و گرفتاری و خواری و نداری و خودنمائی و شهرت طلبی و پشیمانی، و اندوه، و خواری کردن، و ستمگری، و ترس، و از فتنه ها، و از تمامی آفات و بدیها و بلاهای دنیائی و آخرتی. و به تو پناه برم از کارهای زشت آشکار و نهان، و به تو پناه برم از وساوس نفسانی آنها که مورد رضایت تو نیست چه در گفتار و چه در کردار. خدایا به تو پناه برم از (شر) جنیان و آدمیان، و نیرنگ، و اشتباه کاری، و از شر حوادث کوبنده شب و روز، و فوت و دم جنیان، و چشم زخم آدمیان. خدایا به تو پناه برم از شر نفس خود و از شر زبانم، و از شر گوشم، و از شر دیده ام، و به تو پناه برم از نفسی که سیر نشود، و از دلی که نرم نگردد، و از دعائی که باجابت نرسد، و از نمازی که مورد قبول درگاهت واقع نشود. خدایا مرا به هیچ نوعی از عذاب خود دچار مکن، و در گمراهی بازم مگردان. خدایا به تو پناه برم بسختی و محکمی فرمانروائیت، و شوکت قدرت و نیرویت، و بزرگی سلطنتت از شر همه آفریدگان و مخلوقت.

ص: 299

آنگاه امام صادق علیه السلام فرمود: این دعا برای گشایش کارهای مهم و گرفتاریها مفید است هرکس این دعا را بخواند، و خواسته اش را از خداوند بخواند، ان شاء الله که دعایش رد نمیشود(1).

دعای دیگر آن حضرت علیه السلام در جنگ صفین، این دعا را از کتاب الدعاء و الذکر حسین بن سعید اهوازی نقل کردیم که امام صادق علیه السلام فرمود: از دعاهای امیرالمؤمنین علی علیه السلام در روز صفین این بود :

خدایا ای پروردگار آسمان بلند پوشیده و محفوظی که آن را مرکز اجتماع شب و روز قرار دادی و مجرای خورشید و ماهش ساختی، و منزلگاه ستارگانش کردی، و ساکنانش را گروهی از فرشتگان کردی که از پرستش خسته نشوند. و ای پروردگار این زمینی که آن را قرارگاهی برای مردم و چهارپایان و سایر حشرات و آنچه را ما میدانیم و آنچه را نمیدانم از دیدنیها و نادیدنیهای آفریدگان بزرگت ساختی، و ای پروردگار کوهها که آنها را میخهائی برای زمین و اسبابی برای خلق خود کردی، و ای پروردگار دریای پر میانی که بر جهان احاطه دارد، و ای پروردگار ابرهائی که در میان آسمان و زمین بخدمت اندرند، و ای پروردگار کشتیهائی که در دریا به سود مردم روانند، (از تو خواهم) که ما را بر دشمن پیروز گردانی و از کبر و نخوت بازمان داری، و به راه رشد و هدایت پا بر جا و محکم داری، و اگر آنها را بر ما پیروز داری شهادت را روزی ما گردان و باقیماندگان یاران ما را از فتنه (و گمراهی) نگاه داری.

این آخر دعا بود و شاید عبارت «اظفرتنا و اظفرتهم» در اصل اینگونه باشد: اظهرتنا و اظهرتهم. چرا که بعد از عبارت اظفرتنا حرف جر «علی» آمده است و درست این است که بای حرف جاره بیاید « بأعدائنا»؛ گرچه در برخی موارد حروف جاره به جای همدیگر استعمال میشوند(2).

در آخر کتاب «مجموع» احمد بن حسین بن سلیمان دعایی را دیدم که لفظ آن این است: از دعای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم:

1- . مهج الدعوات : 124-127
2- . مهج الدعوات : 128

خداوند ا، من به تو پناه میبرم از اینکه در غنای تو من فقیر بمانم و از اینکه در هدایت تو، من گمراه بمانم و از اینکه با وجود عزت تو من ذلیل شوم و از اینکه در مملکت تو مورد ستم قرار گیرم و از اینکه تمام کارها به دست تو باشد و به من ستم گردد. خداوندا، من از اینکه گفتاری دروغ بر زبان رانم و یا اینکه کای ناشایست انجام دهم، به تو پناه میبرم و پناه میبرم از اینکه نسبت به تو فریفته گردم (یعنی : رحمت و بخشندگی تو مایه فریفتگی من شود) (1).

از جمله این دعاها دعایی است از حضرت امیر علیه السلام در جنگ صفین، که من آن را در جلد چهارم کتاب دفع الهموم و الاحزان نوشته احمد بن داود نعمان یافتم . در آن آورده است: ابن عباس گوید: در شب صفین به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کردم: آیا نمی بینی که دشمنان دور تا دور ما را فرا گرفته اند؟ حضرت فرمود: آیا ترسیده ای؟ گفتم بله. آنگاه حضرت فرمود: این دعا را بخوان:

خداوندا، از اینکه در حکومت تو به من ستم شود، به تو پناه میبرم. و از اینکه در هدایت تو، من گمراه بمانم، به تو پناه میبرم. خداوندا، من به تو پناه میبرم از اینکه در غنای تو من فقیر بمانم. خداوندا، از اینکه در سلامت و تندرستی که تو عطا میکنی، من ضایع شوم به تو پناه میبرم. خداوندا، من به تو پناه میبرم از اینکه مغلوب گردم در حالی که همه کارها به دست توست(2).

10. عیتق غروی: روایت شده است که امام علی علیه السلام مردی را دید که از روی کتابی یک دعای طولانی را قرائت میکرد. حضرت فرمود: ای فلانی، همان خدایی که این دعای طولانی را میشنود، دعای مختصر را هم اجابت میکند. او پرسید: مولای من، چه کنم؟ حضرت فرمود: این دعا را بخوان: خدا را به خاطر تمام نعمتایش سپاس میگویم. و تمام خوبیها را از او طلب میکنم و از تمام بدی ها به او پناهنده میشوم. و به خاطر تمام گناهانم از او بخشش میطلبم.

11. اختیار ابن الباقی: دعای امیرالمؤمین علیه السلام که معروف است به دعای صباح:

1- . مهج الدعوات : 128
2- . مهج الدعوات: 129

بسم الله الرحمن الرحیم. خدایا، ای آن که زبان صبح را به گویایی تابش و روشنایی اش برآورد، شب تار را با تیرگیهای شدید به هم پیچیده اش به اطراف جهان فرستاد، و ساختمان سپهر گردون را در اندازه های زیبایش محکم نمود، و پرتو خورشید را به روشنایی شعله ورش در همه جا برافروزد، ای آن ذاتش که بر ذاتش دلیل است و از شباهت و هم گونگی با آفریده گانش منزّه است و شأنش از سازگاری با کیفیّات مخلوقاتش برتر است، ای آن که به باورهای گذرا بر دل نزدیک و از چشم انداز دیدگان سر دور است، و آنچه از هستی پیش از آنکه پدید آید می داند، ای آن که در گهواره أمن و امانش خوابانید مرا و به جانب آنچه از نعمتها و احسانش که بی دریغ به من بخشید بیدارم کرد و دستهای حوادث و آفات را با دست لطف و قدرتش از من بازداشت.خدایا، درود فرست به آن راهنمای به سویت در شب تیره و تار جاهلیت و آن چنگ زننده از میان ریسمانهایت به بلندترین رشته شرف و آن دارنده حسب پاک و ناب که برگرده استوارترین روشن شرافت قرار دارد، و آن ثابت قدم در لغزشگاههای دوران پیش از بعثت، و نیز بر خاندان او که بهترین انتخاب شدگان و برگزیدگان و نیکانند.خدیا !درهای روز را با کلیدهای رحمت و رستگاری به روی ما بگشا، و بر من از بهترین لباسهای هدایت و صلاح بپوشان، به عظمتت در آبشخور قلبم چشمه های فروتنی را بجوشان، و در برابر هیبتت از گوشه های دیدگانم رودهای اشک سوزان جاری ساز، و مرا از بی پروایی و نادانی به مهارهای قناعت و ادب فرما.

خدایا اگر رحمت تو با توفیق نیکو از ابتدا شامل حال من نبود چه کسی رهنمای من به سویت در این راه روشن می بود؟و اگر مهلتت مرا تسلیم آمال و آرزوهای باطل کند آنگاه چه کسی لغزشهایم را از فروافتادن در هوای نفس جبران می کند؟و اگر به هنگام جنگ با نفس و شیطان یاریت مرا واگذارد این یاری نکردنت مرا در آغوش رنج و محرومیت اندازد.

خدای من، می بینی که به پیشگاهت نیامدم مگر از جهتی که نسبت به رحمتت اروزها داشتم، یا چنگ نزدم به اطراف رشته استوارت مگر آنگاه که گناهانم مرا از خانه وصال تو دور ساخت، پس چه بد مرکبی است مرکب خواسته های باطل که

نفسم بر آن سوار شده، وای بر این نفس که گمانهای بی مورد و آرزوهای نابجایش با همه زشتی در برابرش زیبا جلوه کرده ! و مرگ بر او که سرور و مولایش جرأت نموده ! خدایا با دست امید در رحمتت را کوبیدم و از کثرت هوسرانی ام به پناهندگی به سویت گریختم و به امتداد رشته استوارت انگشتان محبّتم را آویختم.بار خدایا از آنچه در گذشته مرتکب شدم، از لغزش و خطایم چشم پوشی کن و از درافتادن به جامه تنگ گناه رهایم ساز که به یقین تویی سرور و مولا، و پشتیبان و امید من، و تویی منتهای خواسته و آرزوی من، در دنیا و آخرت، خدای من چسان درمانده ای را که در حال گریز از گناهان خویش به تو پناه جسته از خود می رانی؟یا چگونه رهجویی را که شتابان قصد آستانت نموده ناامید می کنی؟یا چگونه تشنه ای را باز می گردانی که وارد حوضهایت شده؟، البته که چنین نخواهی کرد زیرا حوضهای رحمتت در سخت ترین خشک سالیها لبریز و درگاه لطفت همواره برای درخواست و وارد شدن باز است، تویی منتهای خواسته و نهایت آرزو.خدای من این مهار نفس من است که به پایبند مشیّتت بستم، و این بارهای سنگین گناهان من است که به پیشگاه عفو و رحمتت انداختم، و این هوسهای گمراه کننده من است که به درگاه لطف و مهرت واگذاشتم.بار خدایا ! این صبح مرا آنگونه آغاز کن که با پرتو هدایت و با سلامت دین و دنیا همراه باشد و شبم را سپری ساز از نیرنگ دشمنان و نگاهبانی گردان از هلاکتهای هوای نفس، که به یقین تو به هر چه بخواهی توانایی، فرمانروایی را به هر که بخواهی عنایت می کنی، و از هر که بخواهی باز می ستانی، و هرکه بخواهی عزت می بخشی، و هرکه اراده کنی به ذلت می نشانی، خوبی به دست توست، همانا بر همه چیز توانایی، شب را در روز درمی آوری، و روز را در شب، زنده را از مرده بیرون می آوری، و مرده را از زنده، زنده، و هر که را بخواهی بی حساب روزی می دهی . معبودی جز تو نیست . بار خدایا ! تنها تو را منزّه می دارم و سپاس و ستایش می گویم، کیست که قدر تو را بشناسد و از مقام تو نترسد؟

و کیست که بداند تو کسیتی آنگاه از تو نهراسد ؟ با قدرت خود پراکنده را الفت بخشیدی و با مهربانیت سپیده دم را شکافتی و با کرمت تاریکیهای شب را روشن نمودی، و آبهای شیرین و شور را از دل سنگهای سخت و خارا جاری کردی و از

ابرهای گران بارانی فراوان فرو ریختی و خورشید و ماه را برای مردمان چراغی فروزان قرار دادی، بی آنکه در آنچه آغازگر پیدایشش بودی دچار خستگی و ناتوانی و چاره جویی شوی ای آن که در عزت و بقا یگانه است و بندگانش را به مرگ و فنا مقهور خود ساخته است، درود فرست بر محمّد و خاندان پرهیزگارش و ندای مرا بشنو، و دعایم را اجابت گو، و به فضل خود آرزو و امیدم را محقّق فرما، ای بهترین کسی که برای برطرف ساختن هر بدحالی خوانده و برای هر سختی و آسانی آرزو شدی، نیازم را به پیشگاه تو فرود آوردم، پس از موهبتهای بلندپاینه خود ناامیدانه ردّم مکن ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان، و درود خدا بر بهترین آفریده اش محمّد و همه اهل بیت او.

سپس سجده میکند و میگوید: خدای من، دلم در پرده های ظلمت پوشیده شده و جانم دچار کاستی گشته و عقلم مغلوب هوای نفسم شده و هوای نفسم بر من چیره آمده، طاعتم اندک، و نافرمانیم بسیار، و زبانم اقرارکننده به گناهان است، چاره من چیست ای پرده پوش عیبها، ای دانای نهان ها، ای برطرف کننده غمها، همه گناهان مرا بیامرز، به احترام محمّد و خاندان محمّد، ای آمرزنده، ای آمرزنده، ای آمرزنده به مهربانیت ای مهربان ترین مهربانان.

توضیح: این دعا از دعاهای مشهور است که من در کتاب های معتبر آن را ندیدم، به جز در مصباح سیدبن باقی –رحمت خدا بر او باد- و نسخه ای از آن را نیز دیدم که عالم فاضل مولانا درویش محمد اصفهانی جد مادری پدرم برای علامه مروّج مذهب، نورالدین علی بن عبدالعالی کرکی –رحمت خدا بر او باد- خوانده بود، پس او اجازه آن را داده بود که به این شکل است:

خداوند را سپاس. این دعا و ماقبل آن را دانشمند برجسته و درست کار مولانا کمال الدین درویش محمد اصفهانی-خداوند اورا به بالاترین آرزوها برساند- خواند و تصحیح کرد که علی بن عبدالعالی در سال نهصد و سی و نه با حال حمد و نماز آن را نوشت. و در برخی کتاب ها سند دیگری برای آن دیدم که به این شرح است: شریف یحیی بن قاسم علوی گفت: پوستین درازی یافتم که در آن به خط مولا و جدم امیرمؤمنان و پیشوای سفیدرویان، شیر شجاعان، علی بن ابی طالب -بالاترین

درود خدا بر او باد- چنین نوشته شده بود: به نام خداوند بخشنده مهربان. این دعایی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلّم به من یاد داد و در آغاز هر روز آن را می خواند و این است: پروردگارا، ای کسی که زبان صبح را بیرون آورد... تا پایان دعا. و در پایان آن نوشت: علی بن ابی طالب در پایان روز پنجشنبه یازدهم ماه ذی حجه سال بیست و پنج پس از هجرت آن را نوشت. و شریف گفت: آن را از خط مبارک ایشان بیان کردم که با خط کوفی روی پوست نازکی و در بیست وهفتم ذی قعده سال هفتصد و سی و چهار نوشته شده بود.

توضیح برخی از چیزهایی که ممکن است برای خواننده اشتباه شود، چرا که توضیح کامل آن مناسب حجم این کتاب نیست:

«یا من دلع» یعنی بیرون کرد. گفته می شود: «دلع لسانه فاندلع» یعنی زبانش را بیرون کرد پس بیرون آمد. و «دلع لسانه» یعنی بیرون آمد. هم به صورت فعل لازم گفته می شود و هم متعدی. گفته شده: در اینجا فعلا لازم آورده نشده چرا که ضمیر «من» باید مرجعی داشته باشد. «لسان الصباح» مخالف شب است. و منظور از زبان صبح، خورشید در هنگام طلوع کردن است و نوری که پیش از طلوع آن از افق برمی خیزد. «بنطق تبلجه» نطق یعنی سخن گفتن و گاه برای اعم به کار می رود. پس در این سخن که «هیچ سخن گو و خاموشی نداشت» منظور از سخن گو حیوان است و منظور از خاموش، هرچیزی به جز آن است. و «تبلج» یعنی نورافشانی و روشن شدن، و اضافه کردن «نطق» به آن «بیانیه» است، یعنی با نطقی که نورافشانی آن زبان است. و تشبیه نورافشانی به سخن گفتن، به خاطر دلیل بر کمال آفریننده است. و گفته می شود: «بلج الصبح یبلج» با ضمه، یعنی روشن شد. و «ابتلج و تبلج» نیز مانند آن است. و این فراز دعا با گفته خداوند سازگار است که {هیچ چیز نیست مگر آن که تسبیح پروردگارش را می کند}(1).

پس همانا هرچیز دلیل بر این است که خداوند آراسته به صفات کمال و پیراسته از صفات نقص است. پس گویی که خداوند را ستایش و سپاس می گوید. بزرگان عقیده دارند این سپاس و ستایش، حقیقی است نه

1- . اسری : 44[1]

مجازی و معجزه بودن تسبیح سنگریزه در دست پیامبر تنها برای شنوا کردن کسانی است که نمی شنوند. و سخن خداوند نیز آن را تأیید می کند: {به پوست هایشان گفتند: چرا علیه ما شهادت دادید؟ گفتند: پروردگاری که همه چیز را گویا کرد ما را نیز به زبان آورد }.(1)

و اثبات سخن گفتن صبح نیز با این آیه مناسب است {و صبح هنگامی که نفس می کشد }.(2)

و «یا من سرح» بدون تشدید و با تشدید آورده شده، و اولی از نظر لفظی مناسب تر است چرا که پیش از آن «دلع» آمده است، یعنی فرستاد. گفته می شود: «سرحت فلانا إلی موضع کذا» یعنی او را به آن جا فرستادم. و خداوند متعال فرمود: «یا فرستادن به نیکی». می گویم : ممکن است از تسریح الشعر به معنای شانه زدن موی باشد.« قطع اللیل المظلم» قطع به کسره قاف و فتحه طاء جمع قطعه است. و نور مخالف تاریکی و «ظلم اللیل» با کسره است و «أظلم» به همان معناست. و در برخی نسخه ها به جای «المظلم» گفته شده «المدلهم» که یعنی شب تاریک. «بغیاهب» جمع غیهب است که یعنی تاریکی. و «باء» یا به معنای همراهی است و به «سرح» برمی گردد و یا سببیه است و به «المظلم» بازمی گردد. و یعنی ای کسی که پاره های گوناگون شب تاریک با تاریکی های دیده شده در رفت و آمد آن، یا تیره به سبب این تاریکی ها را از میان برد. «تلجلجه» یعنی رفت و آمد و دگرگونی. و گفته شده: «یلجلج فی فمه مضغه» یعنی آن را برای جویدن در دهانش گرداند. و معنای این که «الحق أبلج و الباطل لجلج» یعنی حق آشکار و باطل همواره جاودان نیست بلکه در آمد و شد است. و «لجه البحر» به گردش امواج دریا گفته می شود، و «لجه اللیل» دگرگونی تاریکی شب است.

«یا من أتقن» یعنی استوار گردانید. «صنع الفلک الدوار» صنع با ضمه انجام دادن است و «فلک» اجسام است به جز عناصر . و «الدوار» یعنی در حال دوران و گردش، «بمقادیر تبرجه» مقادیر جمع مقدور و از قدره است که مخالف ناتوانی است. و «التبرج» آشکار کردن زیور و زیبایی های زنان برای مردان است، خداوند

1- . فصلت / 21[1]

2- . تكوير / 18[2]

متعال فرمود: «و در خانه هایتان بنشینید و مانند آرایش زمان جاهلیت خود را نیاراييد(1)» و منظور از «مقادير تبرج الفلک» مقدار ممکن در آرایش آن است . و این فراز از دعا با فرموده خداوند متعال سازگار است که «آفرینش خدا که هرچیز را استوار گرداند، و آسمان دنیا را با زیورهایی آراستیم(2)».

و «یا من شعشع» گفته می شود «شعشعت التراب» یعنی آن را مخلوط کردم، یعنی نور خورشید را آمیخت «بنور تأججه» با فروغ روشن آن، یعنی با نوری که از فروزش چراغ به وجود می آید، و آن نور خورشید است. یعنی هرچه که هنگام طلوع آن به وسیله نور دیده می شود مانند برگ ها. یا این که بگوییم تشعشع از شعاع گرفته شده، مانند تلجلج که از لجه گرفته شده و آن گوش به فرمان نور است یعنی برای نور خورشید پرتوهایی قرار داد که از خورشید به وجود آمده و به خاطر نوری است که هنگام آشکار شدن و همواره از گذشته و تا پایان دارد. پس ضمیر بر اساس دلیل اول به «ضیاء» بازمی گردد و براساس دلیل دوم به «من» بازمی گردد. و «الأجيج» فروزش آتش است «قد أجت تأج أجيجا» یعنی آتش زبانه کشید و برافروخته شد، و «أججتها فتأججت» یعنی آتش را برافروختم پس زبانه کشید.

«یا من دل علی ذاته بذاته» حرف نداء برای تغییر فاصله آمده یعنی ای کسی که نور وجودش راهنمایی است که درخواست کنندگان را به وجود بلندمرتبه اش می رساند که بالاتر از فهم و درک گمان هاست، و این جایگاه مشاهده بزرگی است که تنها مخصوص کسانی است که به کمال رسیده اند، اما ناقصان باید به وسیله اثری راهنمایی شوند و تفاوت میان این دو گروه مانند تفاوت کسی است که خورشید را به وسیله نور آن می بیند و کسی که از وجود پرتوهای نور پی به وجود خورشید می برد. و گفته می شود: دله علی الطریق یدله دلاله و دلاله و دلاله، با سه حرکت دال است و فتحه بهتر است. و راغب برای تأنیث «ذو ذات» گفته و در تثنیه اش «ذواتا» و برای جمع نیز «ذوات». و اصحاب معانی ذات را استعاره دانسته و عبارتی از خود جسم قرار داده اند، خواه جوهر باشد یا عرض و این در زبان عربی نیست.

1- . احزاب / 33[1]

2- . نمل / 88[2]

و «یا من تنزه» یعنی دور شد. ابن سکیت گفته: یکی از چیزهایی که مردم در غیر جایگاه خود استفاده می کنند این است که می گویند: «تنزهوا» یعنی خارج شدند به سوی باغ ها، درحالی که تنزه به معنای دورشدن از آب ها و مزارع است. و درباره آن گفته شده: «فلان یتنزه عن الأقذار و ینزه نفسه عنها» یعنی خود را از آن دور می کند. «عن مجانسه مخلوقاته» یعنی از این که هم جنس مخلوقاتش باشد،

چون چیزی در ماهیتش شریک و همانند او نیست. و خلق کردن در اصل تدبیر مستقیم است و برای آفرینش چیزها بدون اصل و یا پیروی از کسی نیز به کار می رود. خداوند متعال فرمود: «آسمان ها و زمین را آفرید(1)».

و در به وجود آوردن چیزی از چیز دیگر، مانند «انسان را از نطفه آفرید(2)»

و خلق به معنای به وجود آوردن تنها درمورد خداوند به کار می رود، به همین دلیل فرمود: «آیا آن کس که می آفریند با آن که نمی آفریند برابر است؟(3)» اما خلق به معنای تغییر شکل، کلی است (و مخصوص خداوند نیست). خداوند فرمود: «و هنگامی که با اجازه من از گل صورت پرنده پدید آوردی(4)» و «یا من جل» یعنی بالا رفت «عن ملاءمه کیفیاته» یعنی از این که هماهنگ و سازگار با چگونگی آفریده ها باشد، پس ضمیر به مخلوقی بازمی گردد که در جمله مخلوقات از آن یاد شد، مانند ضمیر «آن» در این آیه: «عدالت داشته باشید که آن به تقوی نزدیک تر است(5)»

که به عدالت یاد شده در «عدالت پیشه کنید» بازمی گردد. و «کیف» برای پرسش از چگونگی است و«الکیفیه» به «کیف» بازمی گردد یعنی حالتی که به چگونگی مربوط است. و تأنیث آن به خاطر حال است، چرا که مؤنث سماعی است. «یا من قرب من خطرات الظنون» یعنی کسی که به گمان هایی که بر قلب می گذرد نزدیک است، و در آن اشاره ای است به این که آگاهی از ذات و صفات او غیرممکن است و نهایت کار در این جایگاه گمان است. و

1- .انعام /1 [1]
2- . نحل /4 [2]
3- . نحل /17 [3]
4- . مائده / 110 [4]
5- . مائده / 8 [5]

«الخطرات» جمع خطره به معنای گمان هاست. و «یا من بعد عن ملاحظه العیون» چنین برداشت می شود که دریافت خداوند با عقل ممکن است اما دیدنش با چشم میسر نیست، هم چنان که معتزله اعتقاد به آن دارند. و فرموده خداوند آن را تأیید می کند: «دیده ها او را درنیابند و او دیده ها را می بیند(1)» اما درست این است که چشم ها نمی توانند در مرتبه ی اطلاق پیرامون حضرتش بگردند، هر چند در مرتبه ی تمثل و تنزل به مراتب آشکار شدن آن بنگرند. و به همین دلیل پیامبر صلی الله علیه و آله وسلّم فرمودند: «شما پروردگارتان را خواهید دید همان طور که ماه را در شب چهاردهم می بینید و چیزی از آن را کم نمی بینید» و سخن گذشته چنین بیان می کند که امام علیه السلام درصدد منزه دانستن بوده، پس شایسته است که دیده شدن را نفی کند. و در این جایگاه میان اشاعره و معتزله اختلافی در مورد دیدار خداوند باقی نمی ماند . و در برخی نسخه ها چنین است: «و کان بلا کیف مکنون» یعنی پوشیده از عقل ها، پس «کیف» برای چگونگی ظاهری است. و «لا کیف» در این جا یک کلمه است و به همین دلیل حرف جر بر سر آن آمده و آن را مجرور کرده است.

«یا من علم بما کان قبل أن یکون» کون که در این جا به کار رفته تام است، یعنی علم او به آن چه در خارج وجود دارد تعلق گرفته پیش از آن که به وجود آید. و این به خاطر آن است که همه چیزها صورتی علمی دارند که از ازل در ذات حق وجود داشته و به این صورت ها اعیان ثابت و شئون الهی گفته می شود، و این همان چیزی است که حکماء آن را ماهیت ها می دانند و به تدریج و بر اساس توانایی های خود از مخزن علم غیب به سوی جایگاه آشکار شدن عینی خارج می شود.

«یا من أرقدنی» یعنی پیش از این صبح مرا به خواب فرو برد، «فی مهاد أمنه و أمانه» مهد، گهواره نوزاد است و مهاد، بستر است و امن، آرامش روح و نبود ترس است و «الأمان و الأمانه» در اصل مصدر هستند و به حالتی گفته می شوند که انسان در آسایش باشد. و «یا من أیقظنی» یعنی مرا بیدار کرد و آگاه کرد از آن چه «منحنی» یعنی به من عطا کرد. گفته می شود: «منحه یمنحه و یمنحه» با فتحه و کسره

1- . انعام / 103[1]

و اسم آن «المنحه» است با کسره، به معنای هدیه است. ضمیر به «ما» بازمی گردد. «من مننه و إحسانه» توضیحی است برای «ما» و «المنن» جمع منه و به معنای نعمت بسیار بزرگ است. و «یا من کف أکف السوء عنی» الأکف با ضمه کاف جمع کف است و «السوء» چیزی است که انسان را اندوهگین سازد و اندوه را دارای دست دانسته هم چنان که برای آرزو چنگ و پنجه آورده می شود. «بیده» یعنی با قدرت چشم گیر خود و «سلطانه» یعنی با سلطنت چیره خود. خداوند فرمود: «و هر کس با ظلم کشته شد، برای ولی او قدرتی قرار می دهیم(1)».

«صل» درود از طرف خداوند یعنی رحمت و از جانب فرشته طلب آمرزش و از طرف انسان دعاست. و «الصلاه» به معنای نوع خاص عبادت، اصل آن دعاست و «صلیت علیه» یعنی برای او دعا کردم. و چنین گفته می شود: «صلیت صلاه» و گفته نمی شود: تصلیه «اللهم» یعنی ای پروردگار و «میم» به جای «یا» آورده شده و به همین دلیل با هم نمی آیند. و نیز گفته شده اصل آن «یا الله أمنا بخیر» بوده که با حذف یاء و وابستگان فعل و همزه آن سبک شده و «الأم» قصد است. و برخی گمان می کنند اللهم در اصل چنین بوده: «یا الله آتنا بالخیر» و رضی –خدا او را رحمت کند- نقض آن را وارد کرده بر این اساس که می گوییم «یا الله لا تأتهم بالخیر» و بعید نیست که بگوییم کلمه اللهم را در غیر از جایگاه طلب رحمت به کار نمی بریم،

بلکه بعید نیست که بگوییم میم کوتاه شده ارحم باشد وتشدید به جای چیزی است که حذف شده است، بیان آن چنین است که «یا الله ارحم» و نتیجه این که این کلمه را در غیر از دعا و طلب رحمت نمی توان به کار برد. و اگر گفته شود: بسیار است آن چه در جایگاه نفرین برای دشمن استفاده شده، می گوییم نفرین دشمن به منزله دعا برای خود فرد است. و گفته شده اگر ریشه اللهم یا الله، یا آتنا بالخیر بوده باشد، رواست که برای ذکر گفته شود «اللهم اللهم اللهم» هم چنان که گفته می شود «یا الله یا الله یا الله».

1- . اسری / 33[1]

«علی الدلیل إلیک» یعنی آن کس که راهنمای ما بوده و منظور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم است. «فی اللیل الألیل» یعنی بسیار تیره و تاریک. و این مانند سخن آن هاست که می گویند: «ظل ظلیل» و «عرب عرباء» و منظور از آن زمان پایان یافتن آگاهی و شناخت است. و «الماسک» به دلیل بازمی گردد. و «إمساک الشی ء» تعلق به آن و نگهداری آن است. «من أسبابک» سبب ریسمان است و هرچیزی که به وسیله آن به چیز دیگری وصل می شوند. «بحبل الشرف» یعنی بزرگی. «الأطول» ویژگی ریسمان است. و منظور آن چیزی است که با ریسمان بلند شرف حفظ می کند. و «الناصع» یعنی هر چیز خالصی. گفته می شود: «أبیض ناصع و أصفر ناصع» و «نصح الأمر» یعنی واضح و آشکار شد. «الحسب» چیزی است که انسان به پدران خود افتخار می کند. و ابن سکیت گفته است: حسب و بزرگواری در انسان وجود دارد هرچند در پدران او نبوده باشد، و شرف و بزرگی تنها از طریق پدران است. «فی ذروه الکاهل» آن چه میان دو کتف است. و «ذری الشی ء» با ضمه بالاترین بخش آن است، مفرد آن ذروه با کسره ی ذال است و با ضمه نیز گفته می شود، و نیز بالاترین نقطه ی کوهان شتر است. و «فلان یذری حسبه» یعنی آن را می ستاید و جایگاه خود را بزرگ می شمارد. و «الأعبل» یعنی ضخیم و درشت، و منظور پیامبر است که نسبش روشن و یا خالص است و در بالاترین مراتب بزرگی و شرافت است.

«الثابت القدم علی زحالیفها» ضمیر برای «قدم» است چرا که آن مؤنث سماعی است. و «الزحلفه» با ضمه زاء اثر لیز خوردن کودکان از روی بلندی به پایین آن است. و این زبان اهل عالیه است، و تمیم آن را با قاف می گویند (الزحلقه). و جمع آن زحالف و زحالیف است و ابن اعرابی گفته است: زحلوفه مکان سراشیب و لیز بوده است، چون از روی آن سر می خورند. و «الزحلفه» مانند «الدحرجه و الدفع» است. گفته می شود: «زحلفته فتزحلف». «فی الزمن» یعنی در زمان های ابتدایی. منظور پیامبر صلی الله علیه و آله است که پیش از پیامبری یا در ابتدای آن گام های خود را در جایگاهی استوار کرد که گمان می رفت لغزشگاه است.

«و علی آله» کسانی است که با خویشاوندی ظاهری یا معنوی به او می رسند. «الأخیار» جمع خیر است مانند «شر و أشرار» و گفته می شود جمع خیر یا خیر بدون تشدید است، مانند «أموات که جمع میت یا میت است. «المصطفین من الناس» گفته می شود: «اصطفیته» یعنی او را برگزیدم. «الأبرار» صاحب کشاف گفته: جمع بر و بار است. پس آن چه جوهری آورده در باره این که جمع فاعل با افعال بسته نمی شود، درست نیست. و از علی علیه السلام آورده شده که هر دعایی پوشیده می ماند تا این که بر محمد و خاندان او درود فرستاده شود. و طبرانی در معجم اوسط آن را آورده است. و أبو سلیمان دارانی گفته: وقتی حاجتی را از خدا درخواست می کنی، ابتدا بر پیامبر و خاندان ایشان درود فرست، سپس هر دعایی که می خواهی بخوان و پس از آن نیز با صلوات بر ایشان به پایان برسان. پس به راستی که خداوند هر دو صلوات را اجابت می کند و او بزرگوارتر است از آن که مابین آن دو را رها کند. و به همین دلیل علی علیه السلام این دعا را با صلوات آغاز نموده و در پایان نیز صلوات فرستاده است.

«افتح اللهم لنا» عطف به صل است. «مصاریع الصباح» جمع مصراع است. و المصراعان دو لنگه در است . و مصراع در شعر هم به آن تشبیه شده است. «بمفاتیح» جمع مفتاح است. «الرحمه» زلال بودن قلب است که باعث نیکی می شود و به واسطه پایانش به آن اضافه می شود. و «الفلاح» همان پیروزی و رسیدن به آرزو است. و در برخی نسخه ها به جای الفلاح، النجاح آورده شده و «النجح و النجاح» رسیدن به حاجت است. و «ألبسنی» از إلباس است، یعنی من را پوشاند با یکی از بهترین «خلع» که جمع خلعه است. «الهدایه» به نمایاندن راه گفته می شود، مانند سخن خداوند که «اما مردم ثمود را هدایت کردیم، و آنان نابینایی را بر هدایت ترجیح دادند(1)»

و نیز به نمایاندن راه و رساندن به مقصد گفته می شود، مانند این سخن خداوند: «تو هر که را دوست بداری هدایت نمی کنی(2)»

و «الصلاح» مخالف فساد است. و «اغرز اللهم» یا با مقدم کردن راء بر زاء است: مانند: «غرزت الجراده بذنبها

1- . فصلت / 17[1]

2- . قصص / 56[2]

فی الأرض تغریزا» و یا «غرزت الشی ء بالإبره أغرزه غرزا» و یا با مقدم داشتن زاء در باب افعال است،

آن گونه که در برخی نسخه ها آورده شده است. و «الغزاره» به معنای فراوانی است. و «قد غزر الشی ء» با ضمه «یغزر فهو غزر» و «غزرت الناقه غزاره» یعنی شیر آن فراوان شد. «بعظمتک» بزرگی چیزی است. و در اصل بزرگی استخوان بوده و سپس برای هر چیز بزرگی به کار گرفته شده و مانند آن گفته شده، خواه از حس شدنی ها باشد یا از اندیشه ها، و عین هرچیز باشد یا معنای آن. «فی شرب» با کسره شین، یعنی بهره از آب. «جنانی» با فتحه قلب است. «ینابیع» جمع ینبوع و به معنای چشمه آب است. از ریشه: نبع الماء. «ینبع و نبع نبوعا» یعنی خارج شدن. «الخشوع» یعنی فروتنی و بیشتر در مورد اعضای و جوارح به کار می رود و «الضراعه» بیشتر درمورد قلب استفاده می شود. و «أجر» از إجراء است. «بهیبتک» برای بزرگی و ترس است. «من آماقی» موق چشم به کناره آن گفته می شود که به سمت بینی و گوش می رود. و «لحاظ» کناره ای است که به سوی گوش می رود. و جمع آن آماق و أمآق است. «زفرات الدموع» جمع دمع است و «الزفره» با کسره مَشک است. و به همین دلیل به کنیزانی که مشک برمی دارند گفته می شود «زوافر».

«أدب اللهم» از تأدیب است. «نزق الخرق منی» نزق همان سبک سری است. «الخرق» مخالف رفق و ملائمت است. و «قد خرق یخرق خرقا» و اسم آن الخرق با ضمه است. و در قاموس آمده: خرق با ضمه و با حرکت مخالف رفق است. پایان. و در نهایه گفت: و در حدیث آمده است: رفق مبارک و خرق شوم است. «الخرق» با ضمه نادانی و حماقت است «بأزمه» جمع زمام و آن نخی است که در بره یا در خشاش است، سپس مقود را به کنار آن می بندند، و به مقود زمام گفته می شود. و خشاش با کسره چیزی است که در بینی شتر می کنند و از چوب خشک است، و بره از برنز و خزامه از موی درست می شود.

«القنوع» با ضمه یعنی سؤال و التماس در درخواست، و امام علیه السلام خرق، یعنی بی باکی ناشی از درشتی طبیعت را به حیوانی تشبیه نموده که نیازمند افسار است.

«اللهم إن لم تبتدئنی الرحمه منک» یعنی اگر مهربانی ات کارم را با توفیق نیک آغاز نکند. یعنی خداوند تدبیر ما را در کارها با تقدیر خود سازگار قرار داد. پس «من» با فتحه برای پرسش است . «السالک» سلوک به معنای راه رفتن استوار است. «بی» مشهور این است که مانند این باء برای تعدیه است، و ممکن است گفته شود منظور این است که: چه کسی در این راه با من است، یعنی مرا همراهی می کند. و پوشیده نیست که آن دورتر از تکلف است. «واضح الطریق» اضافه صفت به موصوف، یعنی راه روشن.

«إن أسلمتنی» یعنی مرا تسلیم کند. «أناتک» یعنی بردباری ات، و گفته می شود: «تأنی فی الأمر» یعنی مهربانی کرد و منتظر ماند. و اسم آن «الأناه» است، مانند «قناه». «لقائد الأمل» یعنی امید، و گفته می شود: «قدت الفرس و غیره، أقوده قودا و مقاوده و قیدوده». و «المنی» با ضمه جمع منیه است و یعنی حالت به وجود آمده در روح از آرزوی رسیدن به چیزی. «فمن المقیل» گفته می شود: «أقلت البیع إقاله» یعنی آن را به هم زدم، «عثراتی» عثره به معنای لغزش است، یعنی پس چه کسی نابود می کند و برهم می زند لغزش های مرا که به وجود آمده از «کبوات» گفته می شود: «کبا بوجهه یکبو» یعنی افتاد. «الهوی» به معنای میل نفس است، و جمع آن أهواء است. «و إن خذلنی نصرک» گفته می شود: «خذله خذلانا» یعنی او را یاری نکرد، «عند محاربه النفس» یعنی هنگامی که با نفس اماره و «شیطان» می جنگم، و آن در نزد صوفیه نفس کلی است که گاهی به شکل جسم درمی آید. و نیز گفته شده قوه خیال پردازی است. «فقد وکلنی» گفته می شود: «وکله إلی نفسه وکلا و وکولا» و «هذا الأمر موکول إلی رأیک» این کار به نظر تو واگذار شده است. «نصرک» و در برخی نسخه ها «خذلانک إلی حیث النصب» یعنی در مکانی که در آن «نصب» است، و آن با فتحه نون و صاد یعنی رنج و سختی. و «الحرمان» یعنی محرومی که به او همانند غیر او مال و روزی داده نشده است.

«إلهی» یعنی ای پروردگار من، از ریشه «أله إلهیه» یعنی پرستیده شد. «أ ترانی» از ریشه الرؤیه است و همزه استفهام در این جا به معنای انکار آورده شده است. «ما أتیتک» از ریشه الإتیان و منظور از آن توجه به سوی خداوند متعال است.

«إلا من حيث الآمال» یعنی توجه من به سوی تو تنها برای رسیدن به آرزوهاست، اما توجه پاک و خالص از اهداف نفسانی در من وجود ندارد. «أم (ترانی) علقت» با کسره لام یعنی آویخته شدم، گفته می شود: «علق به علقا» یعنی خود را آویخت به آن. «بأطراف حبالک» یعنی ریسمان بخشش و بزرگواری ات، «إلا حین باعدتنی» یعنی دورم کرد، و در برخی نسخه ها به جای آن «أبعدتنی» آمده است، «ذنوبی» جمع ذنب و به معنای تیرگی به وجود آمده در آینه دل است که به سبب انجام زشتی هاست. «عن ضربه الوصال» الضربه با کسره خانه های جمع شده در یک مکان است، «فبئس المطیه» مفرد «المطی» است که هم مؤنث و هم مذکر به کار می رود، «التی امتطأت نفسی» یعنی آن را مرکب نفسم قرار دادم، گفته می شود: «امتطأتها» یعنی آن را مرکب خود نمودم، «من هواها» توصیف مطیه است و ضمیر به نفس بازمی گردد، چون مؤنث سماعی است. «فواها لها» کلمه ی تعجب است، پس وقتی از چیزی متعجب شوند، گویند: «واها له».

«لما سولت لها» ما مصدری است و «سولت له نفسه» یعنی گمان های باطل و آرزوهای بی فایده اش آن را زینت داد، و «تبا لها» التباب زیان و نابودی است، گفته می شود:«تبا لفلان» و منصوب مصدر به خاطر پوشیده بودن فعل است، یعنی خدا او را نابود و زیان دیده کند. «لجرأتها» یعنی برای شجاعتش، «علی سیدها» منظور خداوند متعال است، گفته می شود: «ساد قومه یسودهم سیاده و سؤددا و سیدوده فهو سید» و «مولاها» همان آزادکننده است و آزاد شده و پسر عمو و هم پیمان و هم سایه و یاری رسان و سرپرست همه امور، و در این جا منظور یاری رسان یا سرپرست همه امور . پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود: «من کنت مولاه فعلی مولاه» هر کس من مولای او هستم، این علی نیز مولای اوست. و مولی در این حدیث به معنای آخر اختصاص دارد.

«إلهی قرعت» یعنی به شدت کوبیدم «در» بوستان «مهربانی ات را با دست امیدم» ید در اصل «یدی» بوده با سکون دال. و «هربت» یعنی گریختم به سویت.

ص: 315

این مانند فرموده خداوند است که {به سوی خداوند بگریزید(1) }.

«لاجیا» یعنی پناه جوینده، گفته می شود: «لجأت لجأ» با حرکت، و «ملجأ». «من فرط أهوائی» الفرط با سکون راء یعنی از حد گذراندن، و دانستی که «الهوی» با یاء مقصوره یعنی میل نفس و جمع آن الأهواء است. و «علقت» یعنی درآویختم «بأطراف حبالک» یعنی ریسمان بخشندگی ات. «أنامل ولائی» أنامل جمع أنمله و به معنای سرانگشتان است. و گفته می شود: «بینهما ولاء»

با فتحه یعنی خویشاوندی.

«فاصفح اللهم» گفته می شود: «صفحت عن فلان» وقتی که از گناه او چشم پوشی می کنم. «عما أجرمته» الجرم و الجریمه به معنای گناه است، گفته می شود: «جرم و اجترم» هر دو به یک معنی. و در برخی نسخه ها چنین آمده: «عما کان من زللی» گفته می شود: «زللت یا فلان تزل زلیلا» وقتی در گل لغزد یا در سخن گفتن اشتباه کند. و فراء گفته: «زللت بالکسر تزل زللا» و اسم آن الزله است. و «خطائی» الخطاء به صورت مقصور، ضد صواب است، و با حرکت کشیده نیز خوانده می شود و به هر دو صورت نیز خوانده شده مانند آیه «وَ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِناً خَطَأً(2)».

و «أقلنی» از ریشه الإقاله یعنی مرا رها کن. «من صرعه دائی» یعنی از بیماری ام. گفته می شود: «صارعته فصرعته صرعا» با کسره لهجه ی قیس است و صرعا با فتحه برای قبیله تمیم است. و «الصرعه» مانند «الرکبه و الجلسه» و صرع بیماری شناخته شده ای است. «سیدی و مولای» یعنی ای یاری رساننده و برعهده گیرنده کارم، و «معتمدی» یعنی ای جایگاه تکیه من یا ای کسی که به او اعتماد نموده ام. و «رجائی» یعنی ای مورد امیدم، و «غایه منای» یعنی پایان مقصدم. «فی منقلبی» گفته می شود «قلبت الشی ء فانقلبت» یعنی پشت و رو شد، «المنقلب» مصدر و اسم مکان می باشد مانند «منصرف» و در این جا منظور مکان است، خداوند متعال فرمود: {و کسانی که ظلم نمودند به زودی خواهند دانست به چه جایگاهی بازخواهند گشت(3) }.

«مثوای» گفته می شود: «ثوی بالمکان یثوی ثواء و ثویا» یعنی اقامت گزید.

[1] 50 / ذاريات . -1
[2] 92 / نساء . -2
[3] 227 / شعراء . -3

«إلهی کیف تطرد» الطرد یعنی دور ساختن، و الطرد با حرکت، گفته می شود: «طردته فذهب». «مسکینا» گفته شده: او کسی است که چیزی ندارد، و از فقر شدیدتر است. و فرموده خداوند که: {اما کشتی برای تهیدستان بود(1) }.

یعنی مسکین هستند اگر کشتی از دستشان برود ، یا دلیل بکار بردن مسکین برای آنها این باشد که باوجود شدت فقر و مسکنتی که آنان داشتند ، داشتند کشتی چیزی محسوب نمیشد . و فرموده خداوند متعال: {خواری و تهیدستی بر آنان نوشته شد(2) }.

پس بر اساس درست ترین گفته ها میم در آن اضافه است. «التجأ إلیک من الذنوب» باز می گردد به «هاربا» یعنی چیزی که از آن دور شود. «أم کیف تخیب» گفته می شود: «خاب الرجل خیبه» هنگامی که به خواسته خود نرسد. و «خیبته أنا تخییبا». «مسترشدا» یعنی جویای راهنمایی که مخالف گمراهی است. «قصد» القصد یعنی چیزی را آوردن، می گویند: «قصدته و قصدت إلیه» هر دو به یک معنی هستند. «إلی جنابک» جناب با فتحه به معنای پیشگاه خانه، و با کسره یعنی آن چه به محله مردم نزدیک باشد، «صاقبا» گفته می شود: «صقب داره» با کسره یعنی نزدیک، و در برخی نسخه ها ساعیا آورده شده، و گفته می شود: «سعی الرجل یسعی سعیا» هنگامی که کوشش کند، و نیز هنگامی که کاری را انجام داده یا چیزی بنویسد.

«أم کیف ترد» گفته می شود: «رده عن وجهه یرده ردا و مردا» یعنی او را بازگرداند. «ظمآن» یعنی تشنه، گفته می شود: «ظمأ ظمأ» یعنی تشنه شد، «ورد» الورود در اصل به آب خواستن بوده، سپس برای غیر آن نیز استفاده شده است. خداوند متعال فرمود: و هنگامی که به آب مدین وارد شد. «إلی حیاضک» جمع حوض است. «شاربا کلا» یعنی نه دور شدن و نه ناامیدی و نه رانده شدن. «و حیاضک» واو برای حال است، «مترعه» گفته می شود: «حوض تَرَع» با حرکت و نیز «کوز تَرَع» یعنی پرشده. و «قد ترع الإناء» با کسره یعنی پر شد، و «أترعته أنا» آن را پر کردم، و «جفنه مترعه» خوشه پرآب.

1- . کهف / 79[1]

2- . بقره / 61[2]

«فی ضنک المحول» یعنی در زمان تنگنا که نتیجه قحطی است، و المحل یعنی خشکسالی، که عبارت است از نباریدن باران و خشکی زمین، و «بابک مفتوح للطلب» یعنی برای درخواستِ درخواست کنندگان، و «الوغول» یعنی وارد شدن و پنهان گشتن، گفته می شود: «وغل الرجل یغل وغولا» یعنی به درون درخت رفت و در آن پنهان شد، «و أنت غایه المسئول» یعنی بالاترین چیزی که درخواست می شود و پیش از تو از کسی درخواست نمی شود. «سألته الشی ء و سألته عن الشی ء سؤالا و مسأله» و در برخی نسخه ها « السؤل» آمده است، که به معنای چیزی است که انسان درخواست می کند، و «نهایه المأمول» یعنی امید بسته شده و پس از تو به کسی امید بسته نمی شود. «إلهی هذه أزمه نفسی عقلتها» العقل یعنی نگاه داشتن، و ضمیر برای نفس است، «بعقال مشیتک» یعنی اراده ات، و «العقال» با کسره عبارت است از نخی که برای نگاه داشتن شتر به کار می رود، «و هذه أعباء ذنوبی» العباء با کسره یعنی بار، و جمع آن أعباء است، «درأتها» یعنی از خود دور کردم، «بعفوک» گفته می شود: «عفوت عن ذنبه» هنگامی که او را رها کرده و مجازات نکنند، و «رحمتک و هذه أهوائی المضله» یعنی به وجود آورنده گمراهی، و در اصل چنین بوده: آن را ضایع کرد و نابود ساخت. «وکلتها» یعنی آن را سپردم، «إلی جناب لطفک» هدایت کننده هرچیز به سوی آن چه آمادگی آن را دارد، و «رأفتک» بالاترین مرتبه مهربانی است.

«فاجعل اللهم صباحی هذا» که آن صفت برای «صباحی» است، «نازلا علی» النزول یعنی فروآمدن، می گویند: «نزلت نزولا و منزلا».«بضیاء الهدی» یعنی رشد و راهنمایی، هم مذکر و هم مؤنث می آید. و «السلامه» همان دوری از آفت هاست «فی الدین» که همان اطاعت و پاداش است، و به جای شریعت نیز استفاده می شود. خداوند متعال فرمود: {همانا دین در نزد خداوند اسلام است(1) }، و «الدنیا» مؤنث أدنی است که از ریشه الدنو یا الدناءه است، یعنی خانه ای که نسبت به آخرت بسیار به ما نزدیک تر باشد، و یا نسبت به آخرت پایین تر باشد، و دار مؤنث سماعی است.

1- . آل عمران / 19[1]

و «اجعل مسائی» مخالف صباح است، «جنه» با ضمه جیم چیزی از سلاح هاست که با آن خود را می پوشانند. «من کید الأعداء» یعنی حیله آن ها، و الأعداء جمع عدو است که مخالف صدیق می باشد. و «وقایه» یعنی نگه داشتن هر چیز از آن چه به آن آسیب رساند، و نیز به چیزی که آن را حفظ کند نیز گفته می شود و در این جا منظور همین است. «من مردیات الهوی» یعنی چیزهایی از امیال نفسانی که باعث نابودی شود، گفته می شود: «ردی» با کسره یعنی نابود کرد، و «أرداه غیره». «فإنک قادر» القدره مخالف ناتوانی است، «علی ما تشاء» یعنی اراده کنی.

«تُؤْتِی» یعنی عطا کنی، ریشه آن «الإتیان» و به به معنای بخشش است. «الْمُلْکَ» یعنی قدرت دستور دادن و بازداشتن مردم از کارها، و آن مخصوص مدیریت عاقلان است و به همین دلیل گفته می شود: « مَلِکِ النَّاسِ» و نمی گویند: «ملک الأشیاء» «مَنْ تَشاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشاءُ» گفته می شود: « نزعت الشی ء من مکانه أنزعه نزعاً» یعنی بیرون آوردم، «وَ تُعِزُّ مَنْ تَشاءُ» العزه حالتی است که مانع شکست خوردن انسان می شود، مانند این سخن که: «أرض عزاز» یعنی سخت، «وَ تُذِلُّ مَنْ تَشاءُ» الذل با ضمه مخالف عزت است، و با کسره به معنای نرمی است. و «أذله و استذله و ذلله» هر سه یک معنی دارند. «بِیَدِکَ الْخَیْرُ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ» خیر را به تنهایی آورده، چرا که خیر ذاتا قصد و انجام میشود و شر به عرض انجام می شود ، چرا که هیچ شر اندکی وجود ندارد که دربردارنده خیری کلی نباشد. و یا برای رعایت ادب در سخن بوده است. و هم چنین اشاره کرده به این که بدی نیز در اختیار اوست، با این سخن که «تو بر هر چیز... تا پایان آیه»

«تُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهار» یعنی از نیمه شب کاسته و به نیمه روز اضافه می کنی. و «الولوج» یعنی وارد شدن در مکان تنگ، «وَ تُولِجُ النَّهارَ فِی اللَّیْلِ» یعنی از نیمه روز کاسته و به نیمه شب اضافه می کنی. «وَ تُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ» با تشدید یاء و نیز بدون تشدید آن خوانده می شود. و آن به وجود آوردن حیوان از نطفه است. «وَ تُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِّ» و آن با ایجاد حیوان از نطفه است. «وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشاءُ» رزق به بخشش دائم و بهره و چیزی که به درون می رسد و از آن تغذیه می شود گفته می شود. خداوند متعال فرمود: «و انفقوا مما رزقناکم» «و تجعلون رزقکم أنکم» «بغیر

حساب»(1)

به معنای شمارش است، «لا إله» یعنی هیچ معبود راستینی جز تو نیست، و معبود را با راستی مخصوص گرداندیم زیرا هرکس جز خدا پرستیده شود، باطل است، مانند بت ها و ستارگان. و برخی از صوفیه معبود را کلی می دانند و می گویند هرچیزی که پرستیده شود در حقیقت خداست، زیرا موجود حقیقی نور واحد است که در نقش عالم آشکار شده، و نسبت حق به عالم مانند نسبت دریا به امواج است. «سبحانک اللهم» تسبیح یعنی پاک دانستن، و سبحان در اصل مصدر است، مانند غفران و در این جا مفعول مطلق است، یعنی تو را پاک و منزه می دانم پاک دانستنی. و «بحمدک» یعنی این تسبیح با سپاس از تو همراه است، و حمد در نزد صوفیه عبارت است از بیان صفات کمال خداوند.

«من ذا یعرف» ذا در این جا به معنای «الذی» است. و معرفه و عرفان دریافتن چیزی با فکر و اندیشه در آثار است. و آن بالاتر از علم است و مخالف انکار است. «قدرک» قدر هر چیز مقدار آن است، و در برخی نسخه ها «قدرتک» آمده است. «فلا یخافک» خوف مخالف رجاء است. و «من ذا یعلم» علم یعنی دریافت حقیقت هر چیز، و آن بر دو نوع است: دریافت ذات هر چیز و حکم به وجود آن یا نبودن آن. و معنای اول با یک مفعول می آید، مانند این آیه: «لاتَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ یَعْلَمُهُمْ(2)»

آن ها را نمی شناسید، اما خداوند به آن ها آگاه است. و مورد دوم با دو مفعول می آید، مانند این آیه: «فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِناتٍ(3)» پس اگر آن زنان را مؤمن یافتید. «ما أنت» یعنی تو چه چیزی هستی. «فلا یهابک» یعنی از تو نترسد.

«ألفت» امام راغب گفته است: مؤلَّف چیزی است که از اجزاء متفاوت تشکیل شده باشد، و ترتیب در آن رعایت شده باشد، آن چه شایستگی پیشی گرفتن دارد پیشی گرفته و هرکدام که باید دیرتر بیاید، دیرتر آمده باشد. «بمشیتک» یعنی به اراده ازلی تو. «الفرق» یعنی تکه های جدا از هم، و مانند آن است «الفرق» به معنای گروه جدایی از مردم. و «فلقت بقدرتک الفلق» یعنی پاره کردن چیزی و جدا کردن قسمتی

1- . بقره / 254، واقعه / 82، کهف / 19[1]
2- . انفال / 60[2]
3- . ممتحنه /10[3]

از آن از بخش دیگر. «الفلق» همان صبح است، و نیز گفته شده به معنای «انهار» در این آیه است: «أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَراراً وَ جَعَلَ خِلالَها أَنْهاراً(1)».

«أنرت» از ریشه الإناره است، «بکرمک دیاجی الغسق» جوهری گفته است: دیاجیِ شب به معنای حنادس آن است، و حندس با کسره یعنی شب بسیار تاریک. و «الغسق» به ابتدای تاریکی شب گفته می شود. و «أنهرت المیاه» گفته می شود: «أنهرت الدم» یعنی خون را جاری کردم، و در برخی نسخه ها «أهمرت» آمده است، و «الهمر» به معنای فروریختن است. مانند «قد همر الدمع» «و الماء یهمره همرا». «من الصم» گفته می شود: «حجر صم» یعنی سفت و سخت. «الصیاخید» جمع صیخود است، و «صخره صیخود» یعنی سخت. «عذبا» به آب گوارا گفته می شود، و «قد عذب عذوبه». و «أجاجاً» ماء أجاج یعنی آب شور، و «أنزلت مِنَ الْمُعْصِراتِ» به ابرهای باران زا گفته می شود. «ماءً» چیزی است که نوشیده می شود. و همزه در آن به جای هاء آمده است. به دلیل مویه و در اصل موه با حرکت است، چرا که برای آب های اندک و آب زیاد جمع بسته می شود. «ثَجَّاجاً» گفته می شود: «ثجحت الدم و الماء» وقتی آن را روی زمین جاری می کند، «یثجحه» یعنی آن را روان می سازد، و «مطر ثجاج» زمانی گفته می شود که بسیار ریزش داشته باشد.

«جعلت الشمس و القمر للبریه» گفته می شود: یقال «برأ الله الخلق برءا و هو البارئ» و بریه یعنی آفریده ها. و عرب همزه آن را ترک کرده است. و فراء گفته است: اگر بریه از بری به معنای خاک گرفته شده باشد، اصل آن بدون همزه است. «سِراجاً» به معنای درخشان به وسیله شعله یا روغن که به هرچیز درخشان گفته می شود. «وَهَّاجاً» الوهج با سکون مصدر است. گفته می شود: «وهجت النار وهجانا» هنگامی که شعله ور شود. «من غیر أن تمارس» المراس و الممارسه یعنی اقدام به انجام کار، و منظور این است که بدون آن که کاری انجام دهی. «فیما ابتدأت به لغوبا» به معنای خستگی است، و «لا علاجا» گفته می شود: «عالجت الشی ء معالجه و علاجا» هنگامی که آن کار را از پیش ببرد.

ص: 321

1- . نمل/ 61[1]

«فیا من توحد» یعنی یگانه شد، «بالعز و البقاء» به معنای ادامه وجود است، و یگانگی او به عزت از این روست که هر موجودی، وجود و همه ویژگی های خود را از خداوند گرفته است، پس هر یک در حد ذات خود ذلیل است و عزت تنها برای خداست. و یگانگی او به جاودانگی از این جهت است که هرچیزی جز خداوند متعال محکوم به نابودی است، و «قهر» یعنی چیره گشت، «عباده» عبودیت به معنای اظهار خاکساری است و عبادت بالاتر از آن است، زیرا نهایت خاکساری با مرگ است که روح از بدن خارج می شود، و «الفناء» به معنای نابودی پس از وجود است.

«صل علی محمد و آله الأتقیاء» التقی المتقی گفته می شود: «اتقی یتقی» و چنین پنداشتند که تاء از خود کلمه است و گفتند: «تقی یتقی» مانند «قضی یقضی» و این فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مناسب آن است که: «کل تقی آلی» هر انسان پرهیزکار از خاندان من است. و «استمع» گفته می شود: «استمعت له» یعنی به آن گوش فرا دادم. «ندائی» یعنی صدایم، و «استجب دعائی» الإجابه و الاستجابه به یک معنی هستند. و الدعاء مفرد الأدعیه و أصل آن دعاو است، چون از دعوت آمده است، جز این که واو چون پس از الف آمده تبدیل همزه شده است، و «حقق» یعنی پایدار گردان، از ریشه «حق یحق» به معنای استوار کردن. «بفضلک» یعنی نیکی و بخشش. «أملی» در دنیا و «رجائی» در آخرت.

«یا خیر من دعی» گفته می شود: «دعوت فلانا» یعنی او را صدا زدم و او را خواندم، «لدفع الضر» با ضمه به معنای ضعف و بدحالی است، و در برخی نسخه ها چنین آمده: «لکشف الضر» گفته می شود: «کشفت الثوب عن الوجه و کشفت غمه» خداوند متعال فرمود: و اگر خداوند از بدی به تو برساند کسی جز او نمی تواند آن را برطرف کند. «المأمول» یعنی چیزی که بدان امید بسته باشند. «فی کل عسر» منظور برطرف کردن آن است، و عسر مخالف یسر و آسایش است. عیسی بن عمر گفت: هر اسمی که سه حرف باشد که ابتدای آن ضمه داشته و حرف وسط آن ساکن باشد، برخی از اعراب آن را سنگین می خوانند و برخی دیگر آن را سبک می خوانند. مانند عُسر و عُسُر و رُحم و رُحُم و حُکم و حُکُم.

و «فی کل» در هر آسایشی «بک» نه به غیر تو «أنزلت حاجتی» حاجتم را عرضه می کنم. حاجت به هر چیز، یعنی نیاز به آن و همراه با محبت آن، «فلا تردنی» صیغه نهی در دعاء است. «من باب موهبتک» گفته می شود: «وهبت له الشی ء وهبا و وهبا» با حرکت خوانده می شود و «هبه» و اسم آن الموهب و الموهبه با کسره هاء است. «فیهما خائبا» یعنی بدون دستیابی به خواسته ام. «یا کریم یا کریم یا کریم» این خطاب را به نام کریم تکرار کرده تا به بخشش خداوند تکیه کند، «لا حول» یعنی در ظاهر نیرویی نیست، و «لا قوه» یعنی در باطن، «إلا بالله العلی» به ذات او «العظیم» و به صفات او.

و بدان که این دعای شریف را به همراه شرح آن در کتاب نماز و در ابواب دعاهای روز و شب آوردیم و تنها به دلیل فاصله بسیار با آن باب و نیز به خاطر بسیار مناسب بودنش در این جایگاه، آن را دوباره تکرار کردیم.

ص: 323

باب چهل و یکم : حرزهای دو مولای رادمرد ما، حسن و حسین صلوات الله علیهما و بعضی از دعاها و عوذات آن ها

روایات:

1. مهج الدعوات: حرزی از دو امام همام، حسن و حسین علیهما السلام: امام صادق علیه السلام از پدرش از پدرانش نقل کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، حسن و حسین علیهما السلام را به این دعا پناه می دادند و یاران خود را نیز به آن دستور می دادند و آن این دعاست: به نام خداوند بخشنده مهربان. خودم را و دین و مال و خانواده ام و پایان کارم را و هرچه خداوند روزی ام کرده و به من واگذارده را پناه می دهم به عزت خداوند و بزرگی و جبروت و سلطنت و رحمت و مهربانی و عزت و آمرزش و نیرو و توانایی و بخشش ها و ساخته ها و پشتوانه های او و به جمع خداوند عز و جل و به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و قدرت خداوند بر هر چه می خواهد، از شر هر جانور زهرآگین و گزنده و از شر جن و انسان و هرچه در زمین می جنبد و از آن بیرون می رود و از شر هرچه از آسمان فرومی آید و به سوی آن بالا می رود و از شر هر جنبنده ای که جانش به دست پروردگارم است، همانا پروردگارم بر مسیر مستقیم است و او بر هر کار تواناست، و هیچ نیرو و جنبشی مگر از جانب خداوند بزرگ و بلند مرتبه نیست. و درود خداوند بر آقای ما محمد و همه خاندانش باد(1).

2. مهج الدعوات: حرزی از امام حسن علیه السلام. به نام خداوند بخشنده مهربان، پروردگارا، از تو درخواست می کنم به مکانت و جایگاه های عزتت و ساکنان

1- . مهج الدعوات: 13

آسمانت و پیامبران و فرشتگانت، که دعای مرا مستجاب کنی. پس به راستی که سختی کارم مرا ناتوان کرده است. خداوندا، از تو می خواهم بر محمد و خاندانش درود فرستی و سختی کارم را آسان گردانی (1).

3. مهج الدعوات: حرزی از امام حسین علیه السلام. به نام خداوند بخشنده مهربان. ای همیشگی، ای پایدار، ای زنده، ای استوار، ای برطرف کننده ی اندوه، ای گشایش دهنده ی گرفتاری، ای برانگیزاننده ی فرستادگان، ای راست گو در وعده، پروردگارا، اگر نزد تو دوستی و خرسندی دارم مرا بیامرز و پیروان مرا از برادرانم و یارانم بیامرز. و نسلم را پاکیزه گردان، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان. و درود خداوند بر محمد و همه خاندانش باد (2).

1- . مهج الدعوات : 13

2- . مهج الدعوات : 13

روایات:

1. مهج الدعوات حرز امام زین العابدین علیه السلام. به نام خداوند بخشنده مهربان. ای شنواترین شنوایان، ای بیناترین بینایان، ای شتابان ترین حسابرسان، ای عادل ترین حاکمان، ای آفریدگار آفریدگان، ای یاری رسان پیروزمندان، ای مهربان ترین مهربانان، ای رهنمای گمگشتگان، ای پناه پناه جویان، مرا پناه ده ای مالک روز جزا، تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوییم. ای فریادرس گرفتاران، ای پاسخ دهنده ی دعای پریشان حالان، تو الله هستی، پروردگار عالمیان. تو الله هستی، که معبودی جز تو نیست. پادشاه راستین و آشکار، در کبریاء پوشیده شده ای. خداوندا، درود فرست بر محمد مصطفی و بر علی مرتضی و فاطمه زهراء و خدیجه کبری و حسن مجتبی و حسین شهید کربلاء و علی بن حسین زین العابدین و محمد بن علی باقر و جعفر بن محمد صادق و موسی بن جعفر کاظم و علی بن موسی رضا و محمد بن علی تقی و علی بن محمد نقی و حسن بن علی عسکری و حجه قائم مهدی امام منتظر صلوات الله علیهم أجمعین. خداوندا، دوستان آنان را دوست بدار و کسانی را که با ایشان دشمنی کنند دشمن دار. هر کس آن ها را یاری کند یاری کن و آن را که حق ایشان را نادیده بگیرد، خوار گردان. کسانی را که به آن ها ستم کنند لعنت کن و گشایش کار خاندان محمد را نزدیک گردان. پیروان محمد و خاندان محمد را پیروز گردان و دشمنان آن ها را نابود گردان و دیدار قائم آل محمد را روزی من کن و مرا از پیروان و یاران و خشنودان از کار ایشان قرار بده. به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان (1).

1- . مهج الدعوات :19

روایات:

1. مهج الدعوات: حرز امام محمد بن علی باقر صلوات الله علیه. آن را می نویسند و بر بازو می بندند. خودم را به پروردگار بزرگم پناهنده می سازم از آن چه پیدا و آشکار است و از شر هر مؤنث و مذکر، و از شر هر آن چه خورشید و ماه دیده اند. مقدس است، مقدس است، پروردگار فرشتگان و روح. ای جن و انس، شما را به مهربان آگاه می خوانم. و شما را به آن چه با مهرپروردگار عالمیان مهر کردم و با مهر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل، و با نگین انگشتر سلیمان بن داود و نگین انگشتر محمد، آقای پیامبران و فرستادگان صلی الله علیه و علیهم أجمعین، دور شوید در آن و سخن نگویید. دور شوید از فلانی فرزند فلانی، هر جان دار یا عقرب یا جادوگر یا شیطان رانده شده یا پادشاه ستمگر را بازدار، از او گرفتم هر آن چه را که دیده می شود و یا از دیده ها پنهان است، هرآن چه چشمان بیدار یا خواب ببینند، به خداوند توکل کردم که شریکی ندارد. و درود خداوند بر پیامبر و فرستاده درس نخوانده، آقای ما محمد و بر خاندان پاک او باد و سلام فراوان بر او باد. به نام خداوند بخشنده مهربان. و از مردمان موسی گروهی به سوی حق راه یافتند و به وسیله آن عدل پیشه کردند. یا حی یا قیوم یا دیان یا دیان یا اهیا یا شراهیا آذونا اصباؤث آل شدای از تو درخواست می کنم به حق این نام های پاک و پاک شده، که همه بلاها را از صاحب این نوشته دور کنی و حاجت های او را برآورده سازی. همانا تو مهربان ترین مهربانان هستی. و درود خداوند بر محمد و خاندان پاک او باد. پروردگارا، کهکهیج هسط مهجها مسلع دوره مهفتام و به یاری ات که زبان همه پسران

آدم و دختران حوا را از فلانی فرزند فلانی بگیری مگر به نیکی. ای مهربان ترین مهربانان. پس خداوند آن ها را کفایت خواهد نمود و او شنوا و داناست. و درود خداوند بر محمد و خاندان پاک او باد (1).

2. مهج الدعوات: حرز دیگری از امام باقر علیه السلام.

به نام خداوند بخشنده مهربان. ای نزدیکی که سستی نمی کند، ای مهربان ترین مهربانان. برای پیروان من پوششی از آتش قرار بده و از آنان خشنود شو. گناهان آن ها را ببخش و کارهایشان را آسان گردان و قرض هایشان را ادا کن و عیب هایشان را بپوشان و گناهان بزرگی را که میان تو و آن هاست به آن ها ببخش. ای آن که از ستم او نمی ترسند و خواب و سال او را درنمی یابد. از هر غصه و اندوه برایم گشایش و راه نجاتی قرار بده، به درستی که تو بر هر کار توانایی(2).

3. مهج الدعوات: دعاء دیگری از محمد بن علی باقر علیه السلام: جابر از ابو جعفر علیه السلام نقل می کند: جبرئیل گفت: ای پیامبر خدا، بدان که من هیچ یک از پیامبران خدا را به اندازه تو دوست نمی دارم. پس بسیار بگو: پروردگارا، تو می بینی و دیده نمی شوی و تو در جایگاه والا قرار داری، و پایان و بازگشت به سوی توست و دنیا و آخرت و مرگ و زندگی برای توست. پروردگارا، به تو پناه می برم از این که خوار و ناامید شوم (3).

و دعای دیگری از امام باقر علیه السلام که دعای جامع نام دارد: محمد بن یعقوب کلینی با اسناد خود از ابوجعفر محمد بن علی علیه السلام نقل کرده است: به نام خداوند بخشنده مهربان. گواهی می دهم که معبودی جز الله نیست، یگانه است و شریکی ندارد، و گواهی می دهم محمد بنده و فرستاده اوست. به خدا و همه پیامبرانش ایمان آوردم و به همه آن چه پیامبران او آوردند، وعده خداوند راست است و دیدار او راست است. خداوند راست گفت و فرستادگان پیام را رساندند و سپاس مخصوص خداوند پروردگار عالمیان است. خداوند منزه است هرگاه چیزی

1- . مهج الدعوات :20- 22.
2- . مهج الدعوات :22.

3- . مهج الدعوات :213.

تسبیح خداوند را می گوید و همان گونه که او دوست می دارد تسبیحش گفته شود. و سپاس مخصوص خداوند است، هرگاه چیزی خداوند را سپاس می گوید و همان گونه که او دوست می دارد سپاس گزارده شود. معبودی جز خداوند نیست، هرگاه چیزی لااله الا الله می گوید و همان گونه که او دوست می دارد لااله الا الله گویند. و خداوند بزرگ تر است، هرگاه که او را تکبیر میکنند و همان گونه که دوست می دارد بزرگ داشته شود. پروردگارا، از تو کلیدهای خوبی را درخواست می کنم و پایان های آن را، و راه های آن را و گستردگی و فواید و فراوانی اش را و هرچه را که دانش من به آن رسیده ویا از شمارش آن ناتوان شده ام. خداوندا، اسباب شناخت آن را به من بنمایان و درهای آن را برایم بگشا و برکت های رحمتت را بر من بپوشان. بر من منت گذار و مرا از بی دینی نگاه دار، و قلبم را از شک پاک گردان و قلبم را به دنیا مشغول نساز و با زندگی دنیا از پاداش آخرت بازندار، و قلبم را به حفظ آن چه نادانی آن را از من نمی پذیری مشغول کن، زبانم را برای هر خوبی رام گردان و قلبم را از ریا پاک گردان و آن را در بندهایم جاری نساز و عملم را برای خودت خالص گردان. بارالها، از هر بدی و انواع زشتی ها، آشکار و پنهان وفراموشی های آن، و از هر چه شیطان رانده شده و یا حاکم ستم کار برایم می خواهد به تو پناه می برم. هرآن چه از آن آگاهی و در برطرف کردن آن توانایی. خداوندا، به تو پناه می برم از آفت های جن و انس و حرکت ها و زیردستان و سختی ها و فریب های آن ها، و از گواهان فاسق جن و انس، و از لغزش در دینم که آخرتم را نابود گرداند، و یا ضرری که در زندگی دنیا به من وارد کنند یا بلایی که از سوی آنان به من برسد و نیرو و شکیبایی در آن ندارم. پس مرا مبتلا به رنج آن نکن ای پروردگارم که مرا از یاد تو بازدارد و مرا از عبادت تو مشغول کند. تو نگهدارنده و بازدارنده ای، و دور کننده و حفظ کننده از همه آن هستی. از تو آسایش در دنیا می خواهم تا زمانی که مرا زنده می داری، زندگی که در فرمانبرداری از تو نیرومند باشم و با آن به خشنودی تو دست یابم و از آن به سرای جاودانگی درآیم. و روزی ام مرا به سرکشی وادار نسازد و مرا با فقر و تنگ دستی آزمایش نکن. بهره فراوان در آخرت و روزی گسترده و گوارا در دنیا به من ببخش و دنیا را برایم زندان قرار نده و دوری از آن را مایه اندوهم نگردان. مرا از بلاهای آن

در امان بدار و از من راضی باش، عملم را درآن بپذیر و تلاشم را در آن مورد سپاس قرار ده. بارالها، هر که را اراده بدی برایم داشته، با همان اراده بد و هر که برای من حیله ای نموده همان حیله را برایش قرار ده. و تلاش هرآنکه را علیه من کاری کرده باطل کن و با فریب کاران فریب کن، چرا که تو بهترین مکرکنندگانی. دیدگان کافران ستم کار و سرکشان حسود را از من کور گردان. خدایا، از سوی خودت برای من آرامشی قرار بده و زره محکم خودت را بر من بپوشان و با پرده پوشیت مرا حفظ فرما و با عافیت سودمندت مرا گرامی دار. کردار و گفتارم را راست کن و در فرزندان و خانواده و مالم برکت ده، و هرآنچه از من که گذشته و پیش آید، و هر چه آن را فراموش کردم یا به عمد انجام دادم و آن چه در آن سستی نمودم و هر چه نهانی و آشکار داشتم را بر من ببخش، ای مهربان ترین مهربانان (1).

می گویم: این روایت پایانی از سعد بن عبد الله از کتاب فضیلت دعا است که آن را روایت کردیم. محمد بن حسن صفار با اسناد خود از امام باقر علیه السلام روایت می کند که می گفت: بارالها، هر کس از این و آن حاجتی دارد، اما حاجت من از توست، یگانه ای و شریکی نداری (2).

حرز دیگری از مولای ما صادق علیه السلام به روایتی دیگر:

به نام خداوند بخشنده مهربان. ای آفریدگار مردم و ای گستراننده روزی، ای شکافنده بذر و ای پدید آرنده موجودات، و زنده کننده مردگان و میراننده زنده ها، ای همیشگی و بیرون آورنده گیاهان. آن چه را خودت شایسته آنی با من انجام بده و چنان که من شایسته ام با من مکن. و تو شایسته پرهیزکاری و آمرزشی(3). پایان سخن ابن طاوس در مهج.

1- . مهج الدعوات :214
2- . مهج الدعوات :215
3- . مهج الدعوات :28 ، 29

باب چهل و چهارم : حرزهای روایت شده از امام صادق صلوات الله علیه و بعضی از دعاها و عوذات ایشان

روایات:

می گویم: برخی از حرزهای ایشان در باب حرزهای پدرش امام باقر آمده است.

1. مهج الدعوات: یاسر غلام ربیع گفت: شنیدم که ربیع می گفت: هنگامی که منصور به حج رفت و وارد مدینه شد گفت: ای ربیع، هم اکنون با نهایت فروتنی و نرمش روانه شو و اگر می توانی تنها برو تا به ابوعبدالله جعفر بن محمد برسی و بگو: عموزاده ات به تو سلام رسانده و می گوید: هرچند خانه دور و حال دگرگون شده است، اما خویشاوندی بین ما از دست راست به چپ و حلقه کفش بدان چسبیده تر است (1)

و او از تو می خواهد هم اکنون به سویش بروی. پس اگر همراه تو آمد با او فروتن باش، و اگر با بهانه یا بدون آن خودداری کرد کار را به او واگذار کن. پس اگر به تو دستور به رفتن در آرامش داد بر او آسان بگیر و سخت گیری نکن، گذشت را پیش بگیر و در گفتار و رفتار درشتی نکن. ربیع گفت: به در خانه ایشان رفتم و امام را در اتاقشان تنها دیدم، پس بدون اجازه وارد شدم و دیدم ایشان صورت را بر خاک نهاده، با پشت دستان زاری می کند و جای خاک در صورت و پیشانی ایشان نقش بسته است. برایم سخت بود که چیزی بگویم، تا این که نماز و دعایشان به پایان رسید. سپس به من رو کرد و گفتم: سلام بر شما ای اباعبدالله. فرمود: سلام برتو برادر، چه چیز باعث شده به این جا بیایی؟ گفتم: پسر عمویت سلام رسانده و گفت:... تا پایان سخن او.

1- . قبال النعل ، بندی است میان انگشت وسط و انگشت کناری آن .

پس گفت: وای بر تو ای ربیع، آیا زمان آن نرسیده که دل های مؤمنان برای یاد خدا و آن چه از حق نازل کرده فروتن گردد و مانند کسانی نباشد که در گذشته به آنان کتاب آسمانی داده شد، سپس زمانی طولانی بر آنان گذشت و قلب هایشان قساوت پیدا کرد. وای بر تو ای ربیع، آیا مردم آبادی ها ایمنند از این که عذاب ما شبانه و در خواب به سراغشان بیاید؟ آیا اهل آبادی ها ایمنند از این که عذاب ما در روز و در حالی که مشغول بازی هستند به سراغشان آید؟ آیا آن ها خود را از مکر الهی در امان می دانند؟ در حالی که تنها زیان کاران خود را از مکر خداوند ایمن می دانند. سلام و رحمت و برکات خداوند به امیرالمومنین برسان . سپس به نماز برخاست و روی خود را از من برگرداند. پس گفتم: آیا به جز سلام، عتاب یا پاسخی برای او دارید؟ گفت: بله، به او بگو: آیا دیدی آن کس را که روی گردان شد؟ و کمی عطا کرد و از بیشتر خودداری نمود؟ آیا او از غیب آگاه است و می بیند؟ آیا از آن چه در صحف موسی نازل شده باخبر نگردیده است؟ و ابراهیم که وظیفه خود را به طور کامل ادا کرد. که هیچ کسی بار گناه دیگری را به دوش نمی کشد، و برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست، و این که تلاش او دیده می شود. به خدا قسم ای امیرمؤمنان ما از شما ترسیدیم و به خاطر ترس ما زنانی هم که تو به آن ها آگاه تری ترسیدند و ما چاره ای جز توضیح آن نداریم. پس اگر دست برنداری روزی پنج بار به هنگام نماز، نامت را نزد خداوند عز و جل می بریم. و تو خودت از پدرت از جدت روایت کردی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دعای چهار کس از خداوند متعال پوشیده نمی ماند، دعای پدر برای فرزندش، برادر که در نبود برادرش برای او دعا کند، کسی که مورد ستم قرار گرفته و کسی که اخلاص دارد. ربیع گفت: سخنش به پایان نرسیده بود که فرستادگان منصور به دنبالم آمدند و از من خبر می گرفتند. پس بازگشتم و او را از آن چه رخ داده بود آگاه کردم. پس گریست و گفت: به سوی او بازگرد و به او بگو: درباره دیدار با شما و نیامدن نزد ما اختیار با توست، اما زنانی که گفتی، پس سلام بر آنان باد که خداوند ترس و اندوهشان را برطرف کند. گفت: پس به سوی ایشان بازگشتم و سخن منصور را رساندم. پس فرمود: خداوند تو را رحمت کند و خیر ببینی. سپس چشمانش پر از اشک گردید تا

آن که اشک هایش بر زمین ریخت. سپس گفت: ای ربیع، همانا این دنیا هرچه از زیبایی های آن بهره مند گردی و زیورهای آن تو را بفریبد، چیزی نیست جز بهاری که سبزی هایش چشم نواز است اما در پایان زرد و خشک می شود. پس هر کس خیرخواه خویش است و حق و وظیفه خود را می شناسد باید با دیده کسی که پروردگار خود را می شناسد به آن بنگرد و از بازگشت بد خود را دور دارد، پس همانا این دنیا گروهی را فریب داده است که از آن جدا شدند پس از آنکه در آن بسیار شادمان و خوش حال بودند، مرگ هایشان به سراغشان رفت شبانه و درحالی که خواب بودند، یا در روز که سرگرم بازی بودند. پس چگونه از آن بیرون شدند و پس از آن به سوی چه چیزی رفتند؟ رنج ها آنان را دنبال کرد و پشیمانی بر جای گذاشتند. به آن ها تلخ کامی را چشاند و آن ها را با جام جدایی گلوگیر کرد. پس وای بر آن که در دنیا به آن خشنود گردد یا دیده اش را به آن روشن دارد. آیا مرگ پدرانش را و دوستان و دشمنان گذشته اش را ندید؟ ای ربیع، چه حسرت طولانی و چه فراوانی زشتی و چه معامله زیانباری و چه اندوه بزرگی است آن گاه که فریفته آن مرگ خود را ببیند و آرزوهایش قطع گردد. و او چنان بود که گمان می کرد طولانی ترین عمر به او داده شده و به همه آرزوهایش خواهد رسید. آیا پایان کوشش او چیزی جز سالخوردگی و نهایت کارش چیزی جز نابودی است؟ از خدا می خواهیم ما و تو را به کار نیک در فرمانبرداری اش و بازگشت به سوی رحمتش و دوری از نافرمانی اش و شناخت حق خودش موفق کند. پس همانا که این به دست او و برای اوست. پس گفتم: ای ابوعبدالله، از تو می خواهم به همه حقی که میان تو و خداوند بزرگ و والاست، دعایی را که به هنگام زاری به درگاه خداوند می خواندی و آن را مانعی میان خودت و ترس از دشمنت قرار دادی به من بیاموزی. شاید خداوند با داروی تو شکسته ای را بهبود بخشد و نیازمندی را بی نیاز گرداند، به خدا قسم من کسی جز خود را بی نیاز نمی کنم. ربیع گفت: پس دستانش را بلند کرده و به محل سجده خود روی کرد، در حالی که خواندن دعا را بدون حضور قلب و بدون نیت ، ناپسند می دانست، پس گفت: پروردگارا، از تو درخواست می کنم ای دریابنده فراریان، ای پناه دهنده بیمناکان، ای فریادرس فریاد زنان، ای دادرس پناهندگان، ای

ص: 333

هدف نهایی درخواست کنندگان، و ای پاسخ دهنده صدای پریشان حالان، ای مهربان ترین مهربانان، ای راستین، ای آشکار، ای دارای کید پایدار، ای ستاننده حق ستم دیدگان از ستم کاران، ای ایمن گرداننده دوستانش از عذاب خوار کننده، ای آن که نگاه های پنهانی چشم ها را با اشاره گوشه های پلک و نهان قلب ها و آن چه را بوده و خواهد بود می داند. ای پروردگار آسمان ها و زمین ها و فرشتگان مقرب و پیامبران فرستاده و پروردگار همه جن و انس، ای حاضری که پنهان نمی شود، ای پیروزمندی که شکست نمی خورد، ای آن که مراقب همه چیز است و حساب همه چیز را دارد، به هر بنده ای نزدیک است و هر دعایی را پاسخ می دهد، ای معبود گذشتگان و سپری شدگان و اعتراف کنندگان و انکار کنندگان، ای معبود خاموشان و سخن گویان و پروردگار زنده ها و مردگان، ای الله، ای پروردگار، ای عزیز، ای حکیم، ای آمرزنده، ای مهربان، ای ابتدا، ای همیشگی، ای سپاس گزار، ای بردبار، ای شنوا، ای بینا، ای دارای لطف، ای آگاه، ای دانا، ای توانا، ای چیره دست، ای آمرزنده، ای جبار، ای آفریدگار، ای روزی دهنده، ای اصلاح گر، ای شکافنده، ای راست گو، ای یکتا، ای بی نیاز، ای یگانه، ای بزرگ، ای بخشنده، ای تنها، ای منت گذار، ای منزه، ای دلسوز، ای مقدس، ای مهربان، ای نگاهبان، ای ستوده، ای شکوهمند، ای آغازگر، ای بازگرداننده، ای سرپرست، ای والا، ای توانمند، ای توانگر، ای پدیدآور، ای تصویرگر، ای پادشاه، ای قدرتمند، ای برانگیزاننده، ای برجای گذارنده، ای متکبر، ای بزرگ، ای گستراننده، ای بازدارنده، ای سلامتی، ای ایمن دهنده، ای نیکی کننده، ای یگانه، ای عطا بخش، ای منع کننده، ای زیان دهنده، ای سودرسان، ای پراکنده کننده، ای جمع آوری کننده، ای راستین، ای آشکار، ای پاینده، ای دوست دار، ای بازگرداننده، ای خواهنده، ای پیروزمند، ای دریابنده، ای شکوه مند، ای بخشنده، ای بزرگوار، ای سخاوت مند، ای لطف کننده، ای رفع کننده ناراحتی ها، ای برطرف کننده غم و اندوه، ای فرو فرستاننده حق، ای پذیرنده راستی، ای آفریدگار آسمان ها و زمین، ای استوار کننده آسمان ها و زمین، ای نگهدارنده آسمان ها و زمین، ای صاحب آزمون زیبا و بخشش بزرگ، ای دارای سلطنتی که رام نمی شود و عزتی که به آن ستم نمی شود، ای شناخته شده به نیکی، ای وصف شده با نعمت ها، ای آشکار بدون

رویارویی، ای پنهان بدون لمس کردن، ای پیشی گرفته از چیزها، ای آغازین بدون آغاز ، ای پاینده بی پایان، ای برپای بدون برپاداشتن ، ای دانای بدون دریافت کردن، ای دارنده نام های نیکو و صفات بی نظیر و مثال والا، ای آن که زبان های وصف کنندگان از توصیف او ناتوان است و اندیشه های اندیشمندان از او بازمانده و از صفت های ملحدان برتر است و از نقص عیب جویان دور است و از دروغ های دروغ گویان و باطل گویی های باطل کنندگان و گفته های منحرفان برتر است، ای آن که پنهان شد و باز آگاهی یافت، و آشکار شد و توانمند گردید و بخشید و سپاس گزارد و برتری یافت و چیره شد . ای پروردگار چشم و نشانه، و جن و انسان، و زن و مرد، و جستجو و نگریستن، و قطره و باران، و خورشید و ماه. ای بیننده ی هر نجوا، ای برطرف کننده اندوه ها، ای دور کننده ی بلا، ای نهایت هر شکایت، ای بهترین یاری رسان و مولا، ای آن که بر عرش راست گردیده و هر چه در آسمان ها و زمین و میان آن ها و زیر زمین است برای اوست. ای نعمت بخش، ای بخشنده، ای گرد آورنده، ای نیکوکار، ای کفایت کننده، ای شفابخش، ای زنده کننده، ای میراننده، ای آن که می بیند و دیده نمی شود و از روشنایی نور یاری نمی گیرد. ای شمارنده ی تعداد اشیاء، ای دارای جدّیت و سپاه پیروز، ای آن که بر همه چیز قدرت دارد و در همه چیز نیرومند است، ای آن که نه کوچک او را از بزرگ بازمی دارد و نه بی ارزش از مهم و نه آسان از دشوار. ای آن که بدون رویارویی انجام می دهد و بدون آموزش داناست. ای آن که پیش از شایستگی نعمت می بخشد و پیش از پاسخ خواستن برتری می بخشد، ای آن که بر مؤمن و کافر نعمت می بخشد، و نیکوکار و بدکار از او نیکی می خواهند و دشمن و رانده شده از او بازگردانده می شوند، ای آن که پس از دلیل نابود می کند و پس از پایان عذر مؤاخذه می کند ، دلیل را برپاداشت و شبهه را از دل ها بیرون کرد، دلیل را استوار کرد و برای دیدن نشانه رهنمون شد. ای پدید آرنده ی کالبد و گسترش دهنده ی فرزندان و جریان دهنده روزی و پراکنده کننده استخوان ها پس از مرگ، ای فرستاننده باران و شنونده ی صدا و دریابنده گذشته. ای پروردگار نشانه ها و معجزه ها، باران و گیاه و پدران و مادران و پسران و دختران و رونده و آینده و شب تیره و آسمان دارای برج ها و چراغ فروزان، دریای دودآلود و

ستارگان پراکنده و روح های در گردش و آب های خروشان و گهواره های قرار گرفته و پرده برافراشته و بادها و بلای برطرف شده و سخن شنیده شده و رؤیا و درندگان و چارپایان و جنبندگان و شیرها و ابرها و خزندگان و کارهای منظم از زمستان و تابستان و بهار و پاییز. تو، ای پروردگارم تو این ها را آفریدی و نیکو کردی، اندازه گیری نمودی و کامل کردی، راست گرداندی و حکم نمودی، به اندیشیدن آگاه نمودی و نعمت دادی، زندگان را صدا زدی و فهماندی، بنابراین چیزی جز سپاس تو و یادآوری نیکی هایت و گردن نهادن به فرمانت و گوش سپردن به دعوت کننده ات بر من باقی نمانده است. پس اگر نافرمانی ات کنم حجت از آن توست و اگر تو را اطاعت کنم تو بر من منت داری. ای آن که مهلت می دهد و شتاب نمی کند، و می داند و ناآگاه نیست، می بخشد و بخل نمی ورزد. ای سزاوارترین کس به پرستش و سپاس و درخواست و امید و اطمینان، از تو درخواست می کنم به همه نام های مقدس و پاک و نهفته که برای خودت برگزیدی و همه ستایش های والا و ارزشمند و بزرگ که به ستوده شدن با آن خشنود شوی، و به حق همه فرشتگانی که جایگاهی نزدیک به تو دارند و به حق همه پیامبرانی که به سوی بندگانت فرستادی و به حق هر چیزی که تصدیق کننده پیامبرانت قرار دادی و به حق هر کتابی که آن را شرح دادی و بیان کردی و استوار کردی و آشکار کردی و باطل نمودی و به هر دعایی که شنیدی و اجابت کردی و عملی که بالا بردی. و از تو می خواهم به حق هر کس که حقش را بزرگ گرداندی و ارزشش را بالا بردی و پایه اش را شرافت دادی، از همه کسانی که یادش را به ما گوش ما رساندی و او را به ما شناساندی و هر کس که جایگاهش را به ما نشناساندی و شأن او را برای ما آشکار نکردی، از هر کس که او را در آغاز آفرینش آفریدی و تا پایان علمت می آفرینی. و از تو درخواست می کنم به یگانگی ات که عقل ها را با دانستن آن آفریدی و پیمان ها را بر آن گرفتی و پیامبران را برای آن فرستادی و کتاب ها را برای آن نازل کردی و آن را اولین واجباتت و نهایت فرمانت قرار دادی. پس نیکی ها را تنها با آن می پذیری و گناهان را تنها پس از پذیرش آن می آمرزی. و به تو توجه می کنم به سخاوتت و بزرگی ات و بزرگواری ات و عزتت و شکوهت و گذشت و نعمت ها و توانگری ات و به حقی که

بزرگ تر از حقوق آفریدگان توست. و از تو می خواهم ای الله، ای الله، ای الله، ای پروردگارم، ای پروردگارم، ای پروردگارم، ای پروردگارم، و به تو روی می آورم ویژه و عمومی، در آغاز و پایان، و به حق محمد امین فرستاده ات، آقای فرستادگان و پیامبرت، پیشوای پرهیزکاران، و به رسالتی که به انجام رساند و عبادتی که در آن کوشش نمود و رنجی که بر آن شکیبایی کرد و آمرزشی که به سوی آن دعوت کرد، و آیینی که از زمان برانگیخته شدن به آن تشویق کرد، تا آن که او را از دنیا بردی، به حق آن چه بیان کرد از گفتارهای حکیمانه و کارهای بزرگوارانه اش و مقام های شناخته شده اش و ساعت های مشخصش (از نظر تعداد)، تا آن چنان که به او وعده دادی بر او درود فرستی، و برترین پاداشی را که به آن امید بسته به او عطا کنی و جایگاهش را نزد خودت نزدیک گردانی و درجه اش را نزد خودت ارجمند سازی و او را به مقام شایسته برسانی و بر حوض کرامت و بخشش واردش گردانی و برکتی عام و کامل و ویژه و مهم و پاک و بلندمرتبه و عالی به او بدهی، که پایداری اش پایان نیابد و کمالش کم نگردد و چیزی جز قدرت تو بر آن نیفزاید، و پس از آن از آن چه تو به آن آگاه تر و تواناتر و بخشنده تری بیفزایی. و همه آن را ببخشی تا بصیرت را در ایمان به او و پایداری و حجت را در دوستی اش بیفزاید. و بر خاندان پاک و پاکیزه و نیک و برگزیده و نیکوکارش و بر جبرئیل و میکائیل و فرشتگان مقرب و حاملان عرشت، بر همگی و همه پیامبران و فرستادگان و صدیقان و شهیدان و شایستگان، بر او و بر همه آن ها سلام و رحمت و برکات خداوند باد. خدایا، شب را به روز رسانیدم در حالی که هیچ سود و زیانی و مرگ و حیات و برانگیخته شدنی را در اختیار ندارم. مرگم فرارسیده و خواهشم قطع شده و یاری کننده ام خوار گشته و خانواده و فرزندانم مرا واگذار کرده اند ، پس از اقامه دلیل و آشکار شدن نشانه هایت نزد من و روشنی دلیل هایت. پروردگارا، به راستی خواهش بی نتیجه مانده و چاره ها جز از نزد تو ناتوان شده اند. راه ها بسته شده و روش ها جز به سوی تو تنگ گشته است. آرزوها نابود شده و تنها امید به توست که باقی مانده، گمان دروغ شده و همه وعده ها جز وعده تو عملی نشده است. خداوندا، همانا دیدگان امید به فضل تو سرشار اشک است، و درهای دعا برای کسانی که تو را

می خوانند گشوده است و دادرسی برای کسی که فریادش را به سوی تو آورد مجاز است. و تو برای کسی که تو را بخواند در جایگاه پاسخ گویی هستی، و آن کس که فریادش را به سوی تو آورد دارای فریادرسی است. آن کس که تو را قصد کند زود به مقصد می رسد و وعده تو جانشینی بهتر از بخل بخیلان و بی نیازی از اندوخته ای است که در دست گنهکاران و پیوستن به ریسمان سنجش هاست. و آن کس که به سوی تو سفر کند راهش نزدیک است و تو از بندگانت پوشیده نمی مانی مگر این که کارهای بدشان آن ها را از تو پنهان کند. و من خویشتن را از آن بی گناه نمی دانم و خود را برتر از آن نمی پندارم. به راستی من بر خودم بسیار ستمکارم و به مرتبه ی خویش بسیار نادان هستم، مگر این که بر من رحم کنی و با فضل خود به سویم بازگردی و مجازاتت را از من دور کنی و با من مهربان باشی و با دیده ات که با آن مرا از سرگردانی شک و گمراهی و مرگ با نادانی و از پیروزی (یا راه های) گمراه کننده نجات دادی به من نگاه کنی. پروردگارا، دانستم که بهترین توشه ی مسافر به سوی تو اراده قوی و نیت پاک است، پس با اراده محکم و درون پاک و نیت راستم تو را می خوانم. پس این منم، نیازمندت، درمانده ات، اسیرت، فقیرت، درخواست کننده از تو که خود را برابرت افکنده و درگاه امیدت را می کوبد و تو هم نشین دوستانت هستی که با تو انس می گیرند، و بر بی نیاز کردن توکل کننده بر خودت سزاوارتری، و به یاری امیدوار به خودت شایسته تری و به رسیدگی به آن کس که از همه بریده و به تو پیوسته سزاوارتری. راز من برای تو آشکار است و فریادم را به درگاه تو آورده ام، من ناتوانم و تو توانایی، و کوچکم و تو بزرگی، و ضعیفم و تو قوی هستی، نیازمندم و تو توانگری. آن هنگام که تنهایی مرا به وحشت انداخت یاد تو همراهم شد، و آن گاه که کارم سخت شد به تو پناهنده شدم، و هنگامی که سختی ها به هم پیوست و محکم شد به تو امید بستم. و غیر از تو به کجا روم که تو از رگ گردن به من نزدیک تری و از همدستانم مطمئن تری و از مکانم حاضرتری و از آن چه در اندیشه ام می گذرد درست تری، و افسار همه کارها به دست توست، با اختیار تو انجام می شود و برای قدرت تو اظهار فروتنی می کند، به گذشت تو نیازمند است و به اندک مقداری از رحمت تو بسیار نیازمند است. و به راستی که من فقیر

ص: 338

شده ام و پریشانی و نداری به من رسیده و نیازمندی و احتیاج حالتم شده و ذلت نشانه ام ، درماندگی بر من چیره شده و عذاب بر من واجب شده و گناهان مرا در بر گرفته، و این زمانی است که وعده اجابت در آن را به دوستانت داده بودی، پس با آن چه در دست شفابخش توست ما را عافیت ببخش، و با دیده مهربانی ات به من بنگر و مرا در رحمت بی کرانت داخل کن و به من روی آور ای دارای شکوه و بزرگی؛ پس همانا هنگامی که تو بر اسیری روی آوری او را آزاد می کنی و چون به گمشده ای رو کنی او را هدایت می کنی و سرگردان را پناه می دهی، و ناتوان را نیرو می بخشی و بیمناک را ایمن می گردانی. خداوندا، به من نعمت دادی و من سپاست نگفتم، مرا آزمودی و شکیبایی نکردم، پس ناتوانی ام در شکرت باعث نشد بخشش خود را از امیدوارانت دریغ کنی، بلکه ناتوانی ام از شکیبایی در بلاها باعث برطرف کردن آن و بارش رحمتت شد. پس ای آن که به هنگام آزمونش شکیبایی ام اندک بود و او مرا عافیت داد، و در هنگام نعمت هایش شکرم اندک بود و او بر من عطا کرد، از تو می خواهم لطفت را بر من بیفزایی و سپاس گزاری ات را و شمار کردن نعمت هایت را به من ببخشی، در بهترین عافیت و گسترده ترین نعمت، همانا تو بر هر چیز توانایی. بارالها، مرا از دست خودت رها نکن، و در برابر دشمنت و دشمن خودم تنها مگذار، و از لطف های پنهانت و حمایت زیبایت محرومم نساز، اگر از تو دور شدم مرا بازگردان و اگر فساد کردم نیکویم کن. به راستی که تو رانده را باز می گردانی و فاسد را نیکو می گردانی و تو بر هرکار توانایی. خداوندا، این جایگاه کسی است که به تو پناه آورده و به گذشتت پناهنده شده و به عزت شکوهت پناه آورده، نشانه های قدرتت را دیده است، پس آثار مهربانی ات را نیز به او نشان بده، پس به راستی که تو آفرینش را آغاز می کنی و آن را باز می گردانی و آن برایت آسان تر است. و نشانه والاتر در آسمان ها و زمین از آن توست و تو دارای عزت و حکمت هستی. بارخدایا، پس مرا چنان تحت سرپرستی بگیر که از غیر تو بی نیاز شوم، و به من هدیه ای عطا کن که با آن به دیگری نیازمند نگردم،

چرا که این کار از نوآوری های سرپرستی تو نیست و در بخشش هایت ناشناخته نیست و از کفایت تو سزاوارتر نیست. بلا را برطرف ساز و افتاده را جان تازه ببخش، و از لغزش درگذر، توبه را

بپذیر و به درماندگی رحم کن، از نابودی نجات بده و از خطا درگذر، ای نهایت آرزو و فریادرس اندوه و صاحب بلا [نعمت] و همراه من در سختی، و بخشنده دنیا و آخرت. تو بر من بخشنده ای، مرا به که وامی گذاری؟ به بیگانگانی که با من کینه و دشمنی کنند؟ یا دشمنی که کارم را به عهده گیرد؟ و اگر بر من خشمگین نباشی به چیز دیگری توجه ندارم، جز این که گذشتت بر من تنگ نمی گیرد و خشنودی ات به من سود می رساند و حمایتت مرا دربرمی گیرد و دست گسترده ات از من دفاع می کند. پس با دست خودت مرا از نابودی خواری نگاه دار. پس به راستی لغزیده ام، مرا بر راه راست استوار بدار و راه را به من نشان بده که در غیر این صورت گمراه می شوم، ای نمایان کننده راه، ای رها کننده از تنگی، ای معبود راستین من، ای همسایه به من پیوسته، ای پشتوانه محکم من، ای گنج گرانبهای من، سختی را از من بردار و شر آن چه بر آن توانایی دارم و آن چه از آن ناتوانم کفایت کن، ای شایسته پرهیزکاری و آمرزش، و ای صاحب عزت و توانایی و نعمت و بزرگی. ای مهربان ترین مهربانان و بهترین آمرزندگان و بزرگوارترین بینندگان و پروردگار عالمیان، امیدم را از خودت نبر و دعایم را نومید نگردان، آزمونم را دشوار نگردان و سرنوشتم را تباه نکن و آتش را جایگاهم نساز و بهشت را خانه ام گردان و خواهشم را در دنیا به من ببخش و امید و خرسندی ام را در آخرت به من عطا کن. و در دنیا و آخرت به من نیکی عطا کن و به مهربانی ات ما را از عذاب آتش حفظ کن، ای مهربان ترین مهربانان، به راستی که تو بر هر کار توانایی و به همه چیز احاطه داری و بهترین جانشین هستی (1). نویسنده آن گفت: آن را از جمع آوری شده ی دست خط شیخ بزرگوار ابو حسین محمد بن هارون تلعکبری أدام الله تأییده نوشتم و در اصل چنین بود.

و از آن جمله دعای امام صادق علیه السلام است زمانی که منصور پس از بازگشت از مکه به مدینه برای دومین بار ایشان را فراخواند. ابومحمد حسن بن محمد بن نوفلی گفت: ربیع دوست ابوجعفر منصور گفت: به همراه ابوجعفر منصور به حج رفتم، پس هنگامی که بین راه بودیم منصور به من گفت: ای ربیع، وقتی به مدینه

1- . مهج الدعوات :216- 226

رسیدیم جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی را به یاد من بیاور، پس به خدای بزرگ قسم کسی جز من او را نخواهد کشت، بترس از این که او را به من یادآوری نکنی. گفت: پس وقتی به مدینه رسیدیم خداوند عزوجل یادآوری را از یاد من برد. گفت: سپس هنگامی که به مکه رسیدیم به من گفت: ای ربیع، آیا به تو دستور ندادم وقتی وارد مدینه شدیم جعفربن محمد را به من یادآوری کنی؟ گفت: گفتم: ای امیر مؤمنان آن را فراموش کردم، گفت: به من گفت: هنگامی که به مدینه بازگشتیم آن را به من یادآوری کن که چاره ای جز کشتن او ندارم. پس اگر چنین نکنی گردنت را می زنم. پس گفتم: بله ای امیرمؤمنان، سپس به برده ها و یارانم گفتم اگر خدای متعال خواست و وارد مدینه شدیم جعفربن محمد را به من یادآوری کنید. پس برده ها و یارانم پیوسته و در هر منزلی که فرود می آمدیم او را به یاد من می آوردند تا این که به مدینه رسیدیم، پس هنگامی که فرود آمدیم به سوی منصور رفتم و به او گفتم: ای امیرمؤمنان، جعفربن محمد. گفت: پس خندید و به من گفت: بله ای ربیع، برو و او را نزد من بیاور، و باید او را کشان کشان نزد من بیاوری. گفت: پس گفتم: ای امیرمؤمنان، از روی دوستی و بزرگواری و من این کار را برای فرمانبرداری از دستور تو انجام می دهم. گفت: سپس برخاستم در حالی که به خاطر انجام این کار حالم دگرگون بود، گفت: پس نزد امام صادق جعفر بن محمد علیهما السلام رفتم و ایشان در وسط خانه نشسته بودند. پس به ایشان گفتم: فدایت شوم، امیرمؤمنان شما را می خواند که به سویش بروید. پس از دستور اطاعت کرد و برخاست و همراه من به راه افتاد، گفت: پس به ایشان گفتم: ای فرزند پیامبرخدا، او به من دستور داده شما را کشان کشان نزدش ببرم، گفت: پس امام فرمود: ای ربیع، آن چه را به تو دستور داده انجام بده، گفت: پس گوشه آستین ایشان را گرفتم و ایشان را به سویش بردم، وقتی بر او وارد شدم دیدم روی تختش نشسته و گرزی آهنی در دست دارد و می خواهد با آن امام را بکشد، به جعفربن محمد علیهما السلام نگاه کردم و دیدم لب هایش تکان می خورد، شک نداشتم که ایشان را خواهد کشت و نمی فهمیدم امام زیر لب چه می گوید. پس ایستادم و آن دو را تماشا می کردم. ربیع گفت: پس هنگامی که جعفربن محمد علیهماالسلام به او نزدیک شد، منصور به او گفت: ای عموزاده ام نزدیک من

بیا، و چهره اش از خوشحالی روشن شد و او را به خود نزدیک کرد تا همراه خود بر تخت نشانید. سپس گفت: ای غلام، کوزه را بیاور. پس کوزه ای برایش آوردند که درآن ظرف مشکی بود. پس با دست خود ایشان را خوشبو نمود. سپس امام را بر استری سوار کرد و دستور داد به ایشان لباسی گرانبها و کیسه ای درهم و دینار بدهند و دستور به بازگشت داد. گفت: هنگامی که از نزد او برخاست به دنبالش رفتم تا به خانه اش رسید. پس به ایشان گفتم: پدر و مادرم فدایتان باد ای فرزند پیامبر خدا، من شک نداشتم که وقتی بر او وارد شوید شما را خواهد کشت و هنگامی که وارد شدید دیدم لب هایتان تکان می خورد، پس چه گفتید؟ گفت: بله ای ربیع، بدان که من گفتم: پروردگار برای من از پرورده ها بس است، آفریدگار برای من از آفریده ها بس است، آن کس که همواره برایم کافی بوده برایم بس است، خداوندی برایم بس است که معبودی جز او نیست و به او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است. آن کس که همواره برایم کافی بوده برایم بس است، برایم بس است، برایم بس است، برایم بس است، الله برایم بس است و او بهترین جانشین است. بارالها، با چشمت که هرگز به خواب نمی رود نگهبان من باش و با پشتوانه ات که خمیده نمی شود مرا حمایت کن، و با عزت خود مرا حفظ کن، و با قدرتت شر او را از من دور گردان، با یاری ات بر من منت گذار که اگر چنین نکنی نابود می شوم و تو پروردگار منی. خداوندا، تو بزرگ تر و بهتری از آن چه از آن می ترسم و نگرانم. خدایا، با کمک تو او را از خود دور می کنم و از شر او به تو پناه می برم و دربرابر او از تو یاری می جویم و از تو کفایت می طلبم. ای کفایت کننده ی موسی از شر فرعون ، و احزاب از محمد صلی الله علیه و آله، کسانی که مردم به آن ها گفتند: همانا مردم برای جنگ با شما گرد هم آمده اند، پس از ایشان بترسید، و این سخن بر ایمانشان افزود و گفتند: خداوند برای ما بس است و او بهترین جانشین است. آن ها کسانی هستند که خداوند بر دل ها و گوش ها و دیده هایشان مهر زده و آن ها همان غافلان هستند. شکی نیست که در

آخرت آن ها همان زیان کارانند. و از مقابل ایشان مانعی قرار دادیم و از پشت سرشان هم مانعی و آن ها را پوشانیدیم ، بنابراین نمی بینند (1).

و پس از این دعا چیزی به نام عوذه (پناه) مولای ما جعفر صادق علیه السلام دیدم، زمانی که منصور ایشان را فراخواند، به نقل از ربیع: از خداوند گشایش می جویم و از خداوند پیروزی می خواهم و از پیامبرش و امیر مؤمنان صلی الله علیه شافعت می خواهم و از حسن و حسین صلی الله علیهما نزدیکی می خواهم، پروردگارا، دشواری آن را بر من آسان گردان و اندوهش را برایم ساده کن و گوش و چشم و همه اعضای او را با مهربانی و رحمت به من متوجه گردان، و خشمش را از من دور کن و آسیبش را و حیله و سربازان و گروه هایش را از من دور گردان، و مرا بر او پیروز کن به حق هر فرشته ای که در باغ های قدسی ات و فضای نورانی ات در گردش است و از آب جاودانگی ات می نوشد. و با یاری همه گیرت مرا نجات بده. جبرئیل از سمت راستم و میکائیل از سمت چپم و محمد صلی الله علیه و آله در مقابلم و خداوند سرپرست و نگهدارم و یاری رسانم و امانم، پس به راستی که گروه خداوند پیروزمندان هستند. خود را پنهان کردم و پوشاندم و بازداشتم و عزیز گرداندم با کلمه ی یگانگی و ازلی و الهی خداوند که هر که با آن خود را بپوشاند حفظ می شود. به راستی سرپرست من خداوندی است که کتاب آسمانی را فرو فرستاد و او سرپرست شایستگان است. ربیع گفت: پس آن را در کاغذی نوشتم و در حمایل شمشیرم قرار دادم. و به خدا سوگند پس از آن هرگز از منصور نترسیدم.

کتاب عتیق غروی ابو محمد حسین بن محمد نوفلی مانند آن را نقل کرده تا آن جا که: پس از آن هرگز از منصور نترسیدم(2).

2. مهج الدعوات: می گویم در کتاب عتیق وقف مادر خلیفه ناصر که آغاز آن داستان واقعه حره است ، دیدم با اسناد آن به ابوعبد الله علیه السلام گفت: در شب قدر که بر ابو جعفر وارد شدم و او می خواست مرا بکشد، سوره قدر را خواندم. پس خداوند میان من و او مانع شد. (راوی می گوید) هنگامی که آن را خواند (منصور

1- . مهج الدعوات :226- 228

2- . مهج الدعوات :228- 229

) به او نگریست وقتی به سوی او رفت با او مهربانی کرد. پس به ایشان گفته شد: چگونه خود را حفظ کردید؟ فرمود: با خداوند و با خواندن سوره قدر، و سپس هفت بار گفتم: یا الله، همانا من به وسیله محمد صلی الله علیه و آله از تو درخواست شفاعت می کنم که او را از من برگردانی، پس هرکس به مانند آن دچار شد باید مانند کار مرا انجام دهد. و اگر چنین نبود که ما آن را می خواندیم و شیعیانمان را به خواندن آن دستور می دادیم، مردم آنان را می ربودند، اما به خدا سوگند این پناه گاه آن هاست (1).

و از آن جمله دعای امام صادق علیه السلام است هنگامی که منصور برای سومین بار در ربذه ایشان را فراخواند. آن را با اسناد خود از محمد بن حسن صفار با اسناد او از کتاب دعاء از ابراهیم بن جبله عن مکرمه [مخرمه] کندی نقل می کنیم که گفت: هنگامی که ابوجعفر منصور به ربذه رسید و جعفر بن محمد علیهما السلام نیز در آن روز آن جا بود، گفت: چه کسی عذر ابوجعفر را از من می خواهد که یک پایش را پیش گذاشته و دیگری را عقب تر داشته (2)می گوید:

از محمد دوری می کنم. می گویم: یعنی محمد بن عبد الله بن حسن. پس اگر پیروز شود تنها به فرمان من خواهد بود، و اگر طور دیگری شود پس من خود را از او دور داشته ام. به خدا قسم که او را خواهم کشت. سپس به ابراهیم بن جبله ور کرد و گفت: ای ابن جبله، به سوی او برو و لباسش را بر گردنش بپیچ و او را کشان کشان نزد من آور. ابراهیم گفت: بیرون رفتم تا به خانه ایشان رسیدم، اما آن جا نبود. پس در مسجد ابوذر به دنبالشان گشتم و او را مقابل در مسجد دیدم. گفت پس شرم کردم که آن چه را به من دستور داده بود

1- . مهج الدعوات :229

2- . یعنی او با محمد بن عبد الله بن حسن (و او بر منصور قیام کرده بود به این عنوان که او مهدی و نفس زکیه است) در برخی مسائل موافق است و او را تشویق به قیام کرده و در ظاهر از او دوری می کند، یا مردم را از اطراف ما منحرف می کند و با او در قیام موافق نیست. [می گوید] یعنی امام صادق علیه السلام: از محمد بن عبد الله بن حسن بیزاری می جویم؛ پس اگر پیروز شود، به دلیل فراوانی پیروانم حکومت به من می رسد، چون مردم می دانند من از او داناتر و برای حکومت شایسته تر

هستم. اگر هم شکست خورده و کشته شود من خود را از مرگ نجات داده ام. از اوست که خداوند رحمتش کند.

انجام دهم، پس آستین ایشان را گرفتم و گفتم: امیرمؤمنان را پاسخ بده. پس فرمود: همانا ما از آن خداییم و به سوی او بازمی گردیم. رهایم کن تا دو رکعت نماز بخوانم. سپس گریه شدید کرد و من پشت سرش بودم. سپس گفت: پروردگارا، تو در هر اندوهی پشتیبان منی و در هر سختی امیدم هستی. و تو در هر کاری که برایم پیش آید پشتوانه و مورد اطمینان من هستی. پس چه بسیار اندوهی که قلب ها از تحمل آن ناتوانند و چاره ها در آن اندک می شوند و نزدیک را خوار می کند و دشمن را شاد می سازد و کارها را بر من دشوار می کند، آن را بر تو عرضه کردم و از آن به تو شکایت آوردم، در آن به تو توجه کردم و از دیگران نومید شدم، پس آن را برطرف نمودی و گشایش دادی و مرا از آن بی نیاز کردی. پس تو صاحب هر نعمت و پاداشی و نهایت هر حاجتی هستی. سپاس فراوان و منت برتر از آن توست.

می گویم: اضافه این دعا را از مولایمان امام رضا علیه السلام یافتم: پروردگارا، نیکی ها با نعمت تو کامل می شوند، ای آن که با نیکی شناخته شده و با نیکی وصف می شود، از نیکی هایت به من ببخش آن چنان که مرا از نیکی های دیگران بی نیاز گرداند. به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

سپس گفت: آن چه را به تو دستور داده اند انجام بده. پس گفتم: به خدا قسم چنین نمی کنم هر چند مرا به قتل رساند. پس دستش را گرفتم و با او رفتم، به خدا قسم شک نداشتم که او را خواهد کشت. گفت: پس هنگامی که به پرده درگاه رسیدیم، گفت: ای معبود جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و خدای ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و محمد صلی الله علیه و آله، در این روز عافیت مرا بر عهده گیر و هیچ یک از بندگانت را با چیزی که بر آن توانایی ندارم بر من مسلط نساز. سپس ابراهیم گفت: پس هنگامی که او را وارد کردم نشست و همان سخن را تکرار کرد. پس گفت: یک پایت را پیش گذاشتی و پای دیگرت را پس می کشی، به خدا قسم تو را خواهم کشت. پس امام گفت: ای امیرمؤمنان، دست از من بردار و مهربان باش که به خدا سوگند از زمان همراهی من با تو اندک زمانی باقی مانده است. پس ابو جعفر به او گفت: بازگرد. سپس به عیسی بن علی رو کرد و گفت: ای ابوعباس، به دنبالش برو و از او بپرس با مرگ من یا مرگ او؟ گفت: پس او به سرعت بیرون رفت تا به

امام رسید و گفت: امیرمؤمنان می پرسد: آیا با مرگ شما یا مرگ او؟ فرمود: نه، بلکه با مرگ من. پس ابوجعفر گفت: راست گفت. ابراهیم گفت: سپس بیرون رفتم و ایشان را دیدم که ایستاده و از کار من با ایشان از من سپاس گزاری می کنند و خداوند را سپاس می گزارد و می گوید: سپاس خداوندی را سزاست که او را خواندم و پاسخم داد، هرچند هنگامی که او مرا خواند کندی نمودم، و سپاس خداوندی را سزاست که چون از او درخواست کردم به من عطا کرد، هر چند به هنگام قرض گرفتن او از من بخیل بودم، و سپاس مخصوص خداوندی است که سپاس از لطفش بر من واجب شده هرچند سپاس من از او اندک بوده است. و سپاس مخصوص خدایی است که مردم مرا به او واگذاردند و او گرامی ام داشت و مرا به آن ها واگذار نکرد تا خوارم کنند. پس در میان لطف ها به لطف تو و به کفایت تو برای جانشینی راضی شدم. بارالها، ای پروردگارم، آن چه را دوست می داشتم و به من بخشیدی نیرویی برای انجام آن چه تو دوست می داری قرار بده. خداوندا، و آن چه را دوست داشتم و به من نرسید وسیله پایداری در آن چه دوست می داری قرار بده. بارخدایا، آن چه را دوست می دارم به من عطا کن و آن را برایم خیر قرار بده، و آن چه را دوست نمی دارم از من دور گردان و آن را برایم خیر قرار بده. خدایا، هر کاری را که از من پنهان شده پس مرا از حفظ خودت پنهان نگردان و هر چه را از دست دادم پس یاری تو را از دست نمی دهم و آن چه را فراموش کردم پس یادت را فراموش نمی کنم. و آن چه را مالک شدم پس از شکر تو خسته نمی شوم. بر تو توکل نمودم و خداوند برایم کافی است و او بهترین جانشین است (1).

و از آن جمله دعای امام صادق علیه السلام است هنگامی که منصور برای چهارمین بار ایشان را به کوفه فراخواند. ابوربیع پرده دار گفت: منصور ابراهیم بن جبله را به مدینه فرستاد تا جعفر بن محمد را همراه خود بیاورد. پس ابراهیم بعد از آوردن امام صادق علیه السلام به من گفت: هنگامی که بر او وارد شدم و پیغام منصور را به ایشان دادم شنیدم که می گفت: پروردگارا، در هر اندوه تو مورد اطمینان

1- . مهج الدعوات :229- 231

من هستی، و در هر سختی تو امید منی، و در هر بلایی که به من رسد تکیه گاهم تویی، اطمینان و نیروی من به توست. پس چه بسیار اندوهی که نیروها در آن ناتوان می شوند و چاره ها اندک می گردد و نزدیک را خوار می کند و دشمن را به شماتت وادار می کند، آن را به تو عرضه کردم و شکایت آن را به درگاهت آوردم، به تو روی آوردم و از غیر تو بریدم، پس آن را برطرف نمودی و گشایش دادی. تو سرپرست هر نعمت و منتهای هر حاجتی هستی سپاس فراوان و منت برتر برای توست. پس آن گاه که مرکب ایشان را آوردند و برای سوار شدن بیرون رفت، شنیدم که می گفت: بارالها، از تو گشایش و پیروزی می طلبم، و به وسیله محمد صلی الله علیه و آله به تو توجه می کنم. پروردگارا، اندوه آن را و هر اندوهی را برایم رام گردان، و دشواری آن را و هر دشواری را برایم آسان کن و از خیر به من روزی بده بیش تر از آن چه که به آن امیدوارم و بدی ها را از من برطرف کن بیش از آن چه از آن می ترسم، پس به راستی که تو هر چه را بخواهی ناپدید می کنی و پایدار می گردانی و ام الکتاب نزد توست. گفت: پس هنگامی که وارد کوفه شدیم، پیاده شد و دو رکعت نماز خواند، سپس دستش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خداوندا، ای پروردگار آسمان های هفت گانه و آن چه بر آن سایه افکنده و پروردگار زمین های هفت گانه و آن چه بر آن قرار گرفته، و بادها و آن چه پراکنده است، و شیطان ها و آن چه گمراه نموده اند، و فرشتگان و آن چه انجام داده اند. و از تو درخواست می کنم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و خوبی این شهر را و ساکنان آن را و آن چه برای آن پیش داشته ای نصیبم کنی، و شر آن را و آن چه در آن است و هر چه برای آن پیش داشته ای از من برطرف سازی. ربیع گفت: پس هنگامی که به حضور منصور رسید من داخل رفتم و خبر آمدن جعفر بن محمد و ابراهیم را به او دادم، پس مسیب بن زهیر ضبی را فراخواند و شمشیری به او داد و به او گفت: هنگامی که جعفربن محمد وارد شد و با او سخن گفتم و به تو اشاره کردم گردنش را بزن و مشورت نکن. پس به سوی امام بیرون رفتم و با ایشان دوست بودم و هنگامی که به حج می رفتم با ایشان رفت و آمد و ملاقات می کردم. پس گفتم: ای فرزند پیامبر خدا، این ستمگر دستور به کاری درباره شما داده است که من کراهت دارم به شما بگویم . اگر سخنی یا وصیتی دارید

به من بگویید. پس گفت: تو را نترساند، اگر مرا ببیند همه این ها برطرف میشود. سپس پرده ها را گرفت و گفت:

ای خدای جبرئیل و میکائیل و إسرافیل و خدای ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و محمد صلی الله علیه و علیهم، در این روز سرپرست من باش و هیچ یک از بندگانت را با آن چه توانایی ندارم بر من مسلط نگردان. سپس وارد شد و زیر لب چیزی گفت که آن را نفهمیدم. پس به منصور نگریستم و شبیه آتشی بود که آبی بر آن ریخته باشند و خاموش شده است. سپس خشمش فرو نشست تا این که جعفر بن محمد علیه السلام به او و به تخت او نزدیک شد. پس منصور ایستاد و او را بر تخت نشاند و به او گفت: ای ابوعبدالله، خستگی ات برای من سخت است و تو را فراخواندم تا فقط از خاندانت به تو شکایت کنم که خویشاوندی ما را بریده اند و در دین من عیب جویی می کنند و مردم را دچار شک و تردید می کنند. و اگر کسی جز من حکومت را در دست می داشت که در خویشاوندی دورتر از من می بود از او اطاعت می کردند. پس امام گفت: ای امیرمؤمنان، چه چیز باعث شده از پیشینیان شایسته ات منحرف شوی؟ همانا ایوب مبتلا شد و شکیبایی کرد، و به یوسف ستم شد و او بخشید، و به سلیمان عطا شد و او سپاس گزاری کرد. پس منصور گفت: به راستی که شکیبایی کردم و بخشیدم و سپاس گزاردم. سپس گفت: ای ابوعبدالله، حدیثی را برایمان بگو که درباره نزدیکی با خویشان از تو شنیده ام. گفت: بله، پدرم از جدم روایت کرد که فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که دوست می دارد عمرش طولانی گردد و بدنش سالم باشد باید به خویشانش نیکی کند. گفت: آن این نیست. گفت: بله، پدرم از جدم روایت کرد که فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خویشاوندی را دیدم که به عرش آویخته و از کسی که او را بریده به خدا شکایت می کند. پس گفتم: ای جبرئیل، میان آن ها چه مقدار فاصله است؟ گفت: هفت نسل. پس منصور گفت: آن این نیست. امام فرمود : پدرم از جدم روایت کرد که فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مردی نیکوکار که در همسایگی او مرد عاق شده ای بود در بستر مرگ افتاد. خداوند به فرشته مرگ گفت: ای فرشته مرگ، چه قدر تا زمان مرگ مرد عاق شده مانده است؟ گفت: سی سال، فرمود: آن را به

این مرد نیکوکار بده. پس منصور گفت: ای غلام، مشک را برایم بیاور، پس آن را آورد. پس با دستان خود امام را خوشبو نمود و پس از آن چهار هزار درهم به ایشان داد و مرکب خود را خواست و آن را آوردند. پس می گفت: پیش بیا،

پیش بیا، تا آن که آن را نزدیک تخت آوردند. پس جعفر بن محمد علیهما السلام را سوار کرد و من مقابل ایشان می دویدم و شنیدم که می گوید: سپاس خداوندی را سزاست که او را خواندم و پاسخم داد، هرچند هنگامی که او مرا خواند کندی نمودم، و سپاس خداوندی را سزاست که چون از او درخواست کردم به من عطا کرد، هر چند به هنگام قرض گرفتن او از من بخیل بودم، و سپاس مخصوص خداوندی است که سپاس از لطفش بر من واجب شده هرچند سپاس من از او اندک بوده است. و سپاس مخصوص خدایی است که مردم مرا به او واگذاردند و او گرامی ام داشت و مرا به آن ها واگذار نکرد تا خوارم کنند. پروردگارا، در میان لطف ها برای من لطف تو کافی است و کفایت تو در جانشینی من بس است. پس گفتم: ای فرزند پیامبر خدا، این ستمگر برای هر کار کوچکی شمشیر می کشد (1) و مسیب بن زهیر را فراخوانده بود و شمشیری به او داده و به او دستور داده بود گردنت را بزند. و من دیدم هنگامی که وارد شدی، لب هایت تکان می خورد و چیزی می گفتی که من نفهمیدم. پس گفت: این جا جایش نیست. پس شب هنگام به سویش رفتم. گفت: بله،

پدرم از جدم روایت کرده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که یهودیان و فزاره و غطفان به جنگ ایشان رفتند و آن سخن خداست که فرمود: {هنگامی که از بالا و پایین بر شما وارد شدند و چشم ها از شدت وحشت خیره شده و جان ها به لب رسیده بود و گمان های گوناگونی به خدا بردید }(2).

و آن روز سخت ترین روز برای پیامبر خدا بود، پیوسته بیرون رفته و داخل می شدند و به آسمان نگاه می کردند و می گفتند: تنگ شو و گسترده شو. سپس نیمه های شب بیرون رفت و مردی را دید که مشغول نگهبانی و جستجو بود . پس به حذیفه فرمود: برو و ببین او کیست. پس گفت: ای پیامبر خدا، او علی بن ابی طالب است. پس پیامبر فرمود: ای ابوالحسن، آیا نمی ترسی چشمی بر

1- .[1] یعنی او خون ریز است: برای هر کار کوچکی به قتل دستور می دهد، یا در هر زمان اندکی.

2- .[2] احزاب: 10

تو بیفتد؟ گفت: من جان خود را برای خدا و پیامبرش بخشیده ام و امشب برای نگهبانی از مسلمانان بیرون آمده ام. پس سخنشان به پایان نرسیده بود که جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد، همانا خداوند به تو سلام می رساند و می گوید: جایگاه علی بن ابی طالب را در امشب دیدم و کلماتی را از نهان گاه دانشم برای او هدیه کردم که اگر به آن پناه ببرد ، هیچ شیطان سرکش و هیچ حاکم ستمگر ، و نه آتش سوزی و نه غرق شدن و نه خرابی و نه آوار و نه حیوان درنده ونه دزدی نیست مگر این که خداوند او را از آنها ایمن گرداند و دعا این است که بگوید: پروردگارا، با چشمت که هرگز به خواب نرود نگهدار ما باش، و با پشتوانه ات که خمیده نگردد ما را حمایت کن، و با سلطنتت که مورد ستم قرار نمی گیرد ما را عزیز دار، و با قدرتت بر ما رحم نما، و ما را نابود نکن که تو امید ما هستی. پروردگارا ، چه بسیار نعمتی که به من عطا کردی و شکرم در آن کم بود و چه بسیار بلایی که مرا با آن آزمودی و صبرم در آن اندک بود . پس ای آن که شکر من در نعمت هایش کم بود و او مرا محروم نساخت، و به هنگام بلا صبرم اندک بود و او مرا خوار نکرد، ای دارای نیکی همیشگی که هرگز به پایان نمی رسد، و ای صاحب نعمت هایی که تعداد آن به شماره نیاید، از تو درخواست می کنم بر محمد و خاندان پاک او درود فرستی. به وسیله تو دشمنان و ستمگران را از خود را دور می گردانم. خداوندا، به وسیله دنیایم مرا در دینم یاری کن و با پرهیزکاری در آخرت یاری ام کن، و در آن چه از آن غایب هستم مرا حفظ کن و در آن چه نزد خود دارم مرا به خودم وامگذار. ای آن که آمرزش چیزی از او نمی کاهد و نافرمانی به او زیانی نمی رساند. از تو گشایش نزدیک و صبری زیبا و روزی گسترده و عافیت از هر بلا و شکر در عافیت می خواهم، ای مهربان ترین مهربانان. ربیع گفت: به خدا قسم منصور تا کنون سه بار مرا فراخوانده و قصد کشتن مرا داشته و من به این کلمات پناهنده شده ام و خداوند میان او و کشتن من مانع شده است. حسن بن علی گفت: عباس بن عبد العظیم گفت: هر بار که شب هنگام از دکان خود خارج می شدم این کلمات را می خواندم. اما یکی از شب ها فراموش کردم پیش از بازگشت آن را بخوانم، پس نیمه های شب که خوابیده بودم بیدار شدم و به یادم آمد که آن را نخوانده ام. پس برخاستم و دکانم را با آن پناه دادم

در حالی که در بستر خود خوابیده بودم و دستم را گرد آن می چرخاندم. پس وقتی روز شد بیدار شدم و مردی را در دکانم دیدم در حالی که در دکان بسته بود. پس به او گفتم: چه می خواهی و این جا چه می کنی؟ گفت: وارد دکانت شدم تا دزدی کنم، اما هر بار می خواستم بیرون روم حصاری از آهن مانع می شد(1).

و از آن جمله دعای مولای ما امام صادق علیه السلام است هنگامی که منصور برای بار پنجم او را به بغداد فراخواند، پیش از کشته شدن محمد و ابراهیم پسران عبد الله بن حسن علیه السلام، و آن را در پایان کتاب عتیق یافتم: محمد بن ربیع پرده دار گفت: امیرمؤمنان منصور روزی به قصر خود، گنبد سبزرنگ رفت، که پیش از کشته شدن محمد و ابراهیم به آن قصر سرخ رنگ می گفتند، و روزی بود که به آن قصر می رفت و آن روز را روز ذبح می گفتند. و جعفربن محمد علیهما السلام را از مدینه احضار کرده بود. پس تمام روز را در قصر سرخ رنگ خود باقی ماند تا شب فرارسید و بیش تر شب نیز گذشت. سپس ربیع را صدا زد و به او گفت: ای ربیع، تو جایگاه خودت را نزد من می دانی و بسیار رازهایی را برای تو آشکار می کنم که خانواده ام از آن آگاه نیستند. پس گفت: گفتم ای امیرمؤمنان، این از لطف خداوند و امیرمؤمنان بر من است و در خیرخواهی برای حکومت نیز کسی از من بالاتر نیست. گفت: همین طور است. هم اکنون به نزد جعفر بن محمد فرزند فاطمه برو و در هر حالتی که او را یافتی نزد من بیاور و اجازه ی هیچ تغییری به او نده. پس گفتم: همانا ما از خدا هستیم و به سوی او بازمی گردیم. به خدا سوگند این همان نابودی است. اگر با این خشمی که اکنون دارد امام را برایش بیاورم او را خواهد کشت، و اگر او را نیاورم و در کارش سستی کنم مرا و همه فرزندانم را خواهد کشت و اموالم را خواهد گرفت. پس میان دنیا و آخرت مخیر شدم، پس نفسم به دنیا تمایل پیدا کرد. محمد بن ربیع گفت: پدرم مرا صدا زد و من بد خلق ترین فرزندان او و سنگدل ترین آن ها بودم، پس به من گفت: به سوی جعفر بن محمد بن علی روانه شو و از دیوارش بالا برو و دری را بر ایشان نگشا که حالت خود را تغییر خواهد داد، بلکه یکباره براو

1- .[1] مهج الدعوات :233- 235

فرود بیا و در همان حالتی که قرار دارد او را بیاور. گفت: پس رفتم در حالی که بیشتر شب گذشته بود، پس دستور دادم نردبان هایی گذاشتند و از دیوار بالا رفتم، پس وارد خانه شدم و او را دیدم که به نماز ایستاده و پیراهن و دستاری دارد که با آن خود را پوشانده است. پس هنگامی که سلام نماز را گفت، به او گفتم: امیرمؤمنان را پاسخ بده، پس گفت: رهایم کن تا دعا بخوانم و لباسم را بپوشم. گفتم: نه، راهی برای انجام این کار نیست. پس گفت: به حمام بروم و خود را پاک کنم،

گفت: گفتم: برای این کار هم راهی نیست، خود را نشوی که من اجازه هیچ تغییری به تو نمی دهم. گفت: پس او را که بیش از هفتاد سال از عمرش گذشته بود با پای برهنه و پیراهن و دستاری بر سر بیرون آوردم. در میانه راه ضعف بر او چیره شد، پس دلم برایش به رحم آمد و او را بر استر خدمتکار خود سوار کردم سپس به سوی ربیع رفتیم و شنیدم که خلیفه به او می گفت: وای بر تو ای ربیع، مرد دیر کرده و نیامد. پس هنگامی که چشم ربیع به جعفربن محمد علیهما السلام افتاد و ایشان را در آن حالت دید گریست، چرا که او از پیروان امام بود. پس جعفربن محمد علیهما السلام گفت: ای ربیع من میل تو را به خودمان می دانم، پس اجازه بده دو رکعت نماز بخوانم و دعا کنم. ربیع گفت: آن چه می خواهی انجام بده، پس دو رکعت نماز به سرعت خواند و پس از آن دعایی خواند که آن را نفهمیدم جز این که دعایی طولانی بود، و منصور در تمام این مدت به ربیع اصرار می کرد. پس هنگامی که دعای امام به پایان رسید ربیع بازوان ایشان را گرفت و او را بر منصور وارد کرد، پس هنگامی که به آستان ایوان رسید ایستاد و زیر لب چیزی گفت که نفهمیدم چه بود. سپس او را وارد کردم و مقابل او ایستاد، پس هنگامی که به او نگریست گفت: تو ای جعفر، چرا حسادت و دشمنی و فساد درباره اهل این خانه و بنی عباس را ترک نمی کنی؟ و خداوند نتیجه ای جز حسادت و رنج بیشتر از این کار به تو نخواهد داد. پس گفت: ای امیرمؤمنان، به خدا قسم من چنین نکرده ام، و من پیش از این در زمان بنی امیه که دشمن ترین مردم برای ما و شما بودند و هیچ حقی در حکومت نداشتند هرگز دشمنی نکردم و با وجود ستم آن ها به ما هیچ بدی از جانب من به آنان نرسید، پس ای امیرمؤمنان چگونه اکنون چنین کنم در حالی که تو پسر عموی من و نزدیک ترین

مردم در خویشاوندی و بخشنده ترین آنان به من هستی. پس چگونه چنین کنم؟ پس منصور ساعتی ساکت ماند و در آن زمان بر نمدی نشسته بود و بر بالشی جرمقانی(1)

تکیه داده بود و زیر نمدش شمشیری دوسر بود که وقتی به آن قصر می رفت آن را از خود جدا نمی کرد. گفت: دروغ گفتی،سپس دست در زیر تکیه گاه خود کرد و از آن جا نامه های بسیاری بیرون آورد پس آن ها را به سوی او انداخت و گفت: این ها نامه های تو برای مردم خراسان است، آن ها را برای شکستن پیمانشان با من و بیعت با خودت دعوت کردی. پس گفت: ای امیر مؤمنان، به خدا قسم من چنین نکردم و آن را جایز نیز نمی دانم و نه این روش من است. و به راستی من از کسانی هستم که به فرمانبرداری از تو در هر حال اعتقاد دارند. اگر هم چنین کاری را بخواهم اکنون پیر شده ام و از این کار ناتوانم، اگر می خواهی مرا در میان سپاهیان خودت قرار بده تا مرگم فرا رسد، چرا که آن به من نزدیک است. پس گفت: نه، و نه از روی بزرگداشت، و دستش را به شمشیر برد و به اندازه یک شبر آن را از غلاف بیرون آورد، پس گفتم: ما از آنِ خداییم، به خدا قسم او را شهید خواهد کرد، سپس شمشیر را برگرداند و گفت: ای جعفر، آیا با این کهولت سن و این نسب شرم نمی کنی که سخن باطل بگویی و جمع مسلمانان را پراکنده می کنی که خون ها ریخته شود و میان مردم فتنه به پا شود؟ گفت: قسم به خدا نه ای امیر مؤمنان، من چنین نکرده ام و این نامه ها را ننوشته ام و این خط من و مهر من نیست، پس به اندازه ی یک ذراع از شمشیر را بیرون آورد. پس گفتم: ما از آنِ خداییم، به خدا سوگند او را شهید خواهد کرد، و با خود تصمیم گرفتم اگر مرا دستور به کاری داد فرمانش را انجام ندهم، چرا که گمان کردم به من دستور دهد شمشیر را بگیرم و جعفر را با آن بکشم، پس گفتم: اگر به من دستور داد منصور را خواهم کشت، هرچند بلایی سر من و فرزندانم آورد، و از آن چه پیش تر درباره ایشان قصد کرده بودم به درگاه خداوند توبه کردم. پس منصور امام را سرزنش می کرد و ایشان پیوسته عذر می آورد تا این که منصور بیشتر شمشیر را از غلاف بیرون کشیده و تنها کمی از آن در غلاف مانده بود، پس گفتم: ما

1- . الجرمقانی منسوب به جرامقه است: و آن ها مردمی از عجم هستند که در آغاز اسلام به موصل رفتند و آن جا ماندند.

از آنِ خداییم، به خدا قسم او را خواهد کشت. سپس شمشیر را فروبرد و مدتی ساکت بود، سپس سرش را بلند کرد و گفت: گمان می کنم راست بگویی. ای ربیع، از فلان مکان بسته را بیاور، پس آن را برایش آوردم و گفت: دستت را داخل آن ببر، پس درون آن پر از مشک گرانبها بود، و آن را به محاسن ایشان مالید و آن را که سفید بود سیاه گرداند. و به من گفت: او را بر بهترین مرکب من که همواره بر آن سوار می شوم سوار کن و ده هزار درهم به او بده و او را با احترام تا خانه اش همراهی کن و هنگامی که او را به خانه اش رساندی او را مخیر کن بین این که نزد ما بماند و او را گرامی بداریم یا این که به مدینه جدش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برود. پس از نزد او بیرون آمدیم و من برای سلامتی موسی بن جعفر علیهما السلام بسیار خوشحال و شادمان بودم و از آن چه منصور می خواست انجام دهد و آن چه پیش آمد شگفت زده بودم. پس هنگامی که به حیاط رسیدیم به ایشان گفتم: ای فرزند پیامبر خدا، من از آن چه او در ابتدا برای شما اراده کرده بود و آن چه خداوند از کفایت و دفاع خود برایتان پیش آورد شگفت زده ام، و از فرمان خداوند بزرگ و بلندمرتبه جای شگفتی نیست، و من شنیدم که پس از نماز دعایی می خواندی که نفهمیدم چه بود جز این که دعایی طولانی بود و دیدم در همین جا یعنی حیاط، لب هایتان به گفتن چیزی جنبید که نفهمیدم چه بود. پس به من فرمود: اما اولی دعای اندوه و سختی ها بود که پیش از این برای کسی نخوانده بودم و آن را در ازای دعای زیادی قرار دادم که وقتی نمازم به پایان می رسد آن را می خوانم. زیرا من خواندن این دعا را ترک نمی کنم. اما آن چه لب هایم به گفتن آن حرکت کرد دعای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است که در جنگ احزاب خواند. پدرم آن را از جدش از امیرمؤمنان صلوات الله علیه برایم گفته است که در روز احزاب مدینه از سربازان مشرکان مانند ابری پرده مانند شده بود، همان گونه که خداوند متعال فرمود: {آن هنگام که از بالا و پایین شهر بر شما وارد شوند و چشم ها از ترس خیره شود و جان ها به گلوگاه رسد، و شما گمان هایی گوناگون به خداوند بردید. آن جا بود که

مؤمنان آزموده شدند و تکان سختی خوردند }(1). پس پیامبرخدا صلی الله علیه و آله این دعا را خواندند و امیرمؤمنان نیز هر گاه چیزی ایشان را اندوهگین می کرد آن را می خواندند:

خداوندا ، با چشمت که به خواب نمی رود نگهبان من باش و با پشتوانه ات که خمیده نشود حمایتم کن، و با قدرتت مرا بیامرز پروردگارا نابود نشوم حال آن که تو امیدم هستی. پروردگارا، تو عزیزتر و بزرگ تری از آن چه از آن می ترسم و بیم دارم. از خداوند گشایش می طلبم و پیروزی می خواهم و به محمد صلی الله علیه و آله توجه می کنم، ای کفایت کننده ی ابراهیم بر برابر نمرود، و موسی از فرعون، مرا از آن چه درآن هستم کفایت کن . خداوند پروردگار من است و چیزی همراه او نیست. پروردگار برای من از پرورده ها کافی است، آفریدگار برایم از آفریده ها بس است. بازدارنده برایم از بازداشته های کافی است. آن کس برایم بس است که همواره برایم کافی بوده است. خداوندی که معبودی جز او نیست برایم بس است، بر او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است.

سپس گفت: اگر ترس از امیرمؤمنان نبود این مال را به تو می دادم، اما پیش از این زمینی را که در مدینه دارم از من خواستی و ده هزار دینار برای آن به من دادی و من آن را به تو ندادم، اکنون آن را به تو می بخشم. گفتم: ای فرزند پیامبر خدا، من دعای اول را و دوم می خواهم. پس اگر آن ها را به من بدهی نیکی کرده ای و اکنون نیازی به زمین ندارم. پس فرمود: ما اهل بیت کار نیکی را که انجام داده ایم باز پس نمی گیریم، دعا را به تو می آموزم و زمین را نیز به تو می دهم. با من به خانه ام بیا. پس همراه ایشان رفتم همان گونه که نزد منصور آمد. نوشته ای برای مالکیت زمین به من داد و دعای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را و دعایی را که پس دو رکعت نماز خوانده بود برایم املا کرد و من نوشتم.

سپس در این روایت دعایی را که ما در روایت اول بیان کردیم آورده است، و ابتدای آن دعا چنین بود: پروردگارا، از تو درخواست می کنم ای دریابنده نابود

1- . احزاب آیه 10.

شوندگان، ای پناه گاه بیمناکان، و در نسخه قدیمی نزدیک شش ورق کتاب است، تا پایان دعا. سپس گفت: و سخن او که: و تو پروردگار منی و تو برایم بس هستی و بهترین جانشین و یاوری، گفت: گفتم: ای فرزند پیامبر خدا، منصور اصرار زیادی برای آمدن شما داشت و شما با آرامش این دعای طولانی را می خواندی،

گویی از منصور نمی ترسیدی. گفت: پس فرمود: بله، پس از نماز صبح دعایی است که باید آن را بخوانم. اما دو رکعت، نماز صبح بود که آن را کوتاه کردم و آن دعا را پس از آن خواندم. پس گفتم: آیا از ابوجعفر نترسیدی در حالی که او آن چه را در سر داشت برایت آماده کرده بود؟ گفت: ترس از خدا به جای ترس از اوست. و خداوند عز و جل در قلب من بزرگ تر از اوست.

ربیع گفت: خشم و کینه ای که از منصور بر امام صادق علیه السلام در آن ساعت دیده بودم را در هیچ انسانی گمان نمی کردم. پس هنگامی که پنداشتم خلوت کرده و خوش حال است گفتم: ای امیرمؤمنان، از تو کار شگفتی دیدم، تو را در حال خشمی بر جعفربن محمد علیهما السلام دیدم که تا کنون برای هیچ کس چنین خشمی نکرده بودی، نه برای عبد الله بن حسن و نه کس دیگری از مردم. تا آن که می خواستی او را با شمشیر بکشی و حتی به اندازه یک وجب از شمشیر را بیرون آوردی، سپس آن را در غلاف فرو بردی، سپس او را سرزنش کردی و دوباره به اندازه یک ذراع از شمشیر را بیرون آوردی و سپس غلافش کردی، سپس همه آن را مگر مقدرا اندکی بیرون آوردی و من شک نداشتم که او را خواهی کشت، اما به یک باره همه آن برطرف شد و خشنود شدی تا آن که به من دستور دادی محاسن ایشان را مشک اندود کنم، با مشکی که تنها خودت از آن استفاده می کنی و فرزندت مهدی یا ولی عهد تو و دیگر نزدیکانت هم با آن خود را خوشبو نمی کنند. سپس او را پاداش دادی و سوارش نمودی و به من دستور دادی او را با احترام همراهی کنم. گفت: وای بر تو ای ربیع، چیزی نیست که بتوانی از آن سخن بگویی، بلکه باید آن را پوشیده داری تا باعث افتخار و مباهات فرزندان فاطمه سلام الله علیها نشود، آن چه در آن هستیم برای ما کافی است. اما من چیزی را از تو پنهان نمی کنم. ببین کسی در خانه نباشد. پس همه را بیرون کردم. سپس به من گفت: بازگرد و هیچ کس

را نگذار بماند. چنین کردم. پس گفت: غیر از من و تو کسی این جا نیست و به خدا قسم اگر آن چه را نزد تو می گویم بشنوم تو را و همه خانواده و فرزندانت را خواهم کشت و اموالت را نیز می گیرم. گفت: گفتم: ای امیرمؤمنان، پناه می برم به خدا. گفت: ای ربیع، من اصرار داشتم جعفر بن محمد را بکشم و هیچ سخنی را از او نشنوم و هیچ بهانه ای را نپذیرم، وکار او برای من از عبد الله بن حسن سخت تر بود و خشم من بر او بیشتر بود؛ هرچند او بر من شمشیر نکشیده بود. و من درباره ی او و پدرانش در زمان بنی امیه نیز آگاه تر بودم، اما همین که قصد کشتن او را برای بار اول نمودم گویی پیامبر خدا برابرم مجسم شد در حالی که میان من و او مانع شده بود و دست ها را گشوده بود و آستین ها را بالا زده و ترش روی به من می نگریست، پس صورتم را از او برگرداندم، سپس برای بار دوم قصد او را نمودم و شمشیر را بیش از آن چه بار اول بیرون آورده بودم بیرون کشیدم، پس دیدم پیامبر خدا به من نزدیک شده و بسیار خشم گین است، و چنان است که اگر کاری می کردم او نیز مرا می کشت. پس دست نگه داشتم. سپس جسارت کردم و گفتم: این ها از کارهای جن است. سپس برای بار سوم شمشیر را کشیدم، پس پیامبر خدا را دیدم که آستین ها را بالا زده و برافروخته شده و اخم و تندی می کند و نزدیک است دستش به من برسد، پس ترسیدم و به خدا قسم اگر کاری می کردم او نیز می کرد. و با آن چه من از فرزندان فاطمه صلوات الله علیهم دیدم، تنها نادانی که هیچ بهره ای از اسلام نبرده است حق آن ها را نادیده می گیرد. برحذر باش از این که کسی این ها را از تو بشنود. محمد بن ربیع گوید: پدرم آن را برایم نگفت تا زمانی که منصور مرد و من نیز آن را برای کسی نگفتم تا زمانی که مهدی و موسی و هارون مردند و محمد کشته شد(1).

و از آن جمله دعایی است از مولای ما جعفر بن محمد صادق که برترین درودها بر او باد، هنگامی که منصور برای ششمین بار او را فراخواند و دومین بار بود که پس از قتل محمد و ابراهیم، پسران عبدالله بن حسن ایشان را به بغداد دعوت می کرد. آن را به خط حسین بن علی بن هند در کتاب عتیق غروی دیدم که پیش تر

1- . مهج الدعوات :236- 243

نامش را آوردم. گفت: محمد بن جعفر رزاز قرشی از محمد بن عیسی بن عبید بن یقطین از بشیر بن حماد از صفوان بن مهران جمال نقل کرده است که مردی از قریش مدینه، از بنی مخزوم پس از کشته شدن محمد و ابراهیم پسران عبدالله بن حسن به دست ابوجعفر منصور، به او خبر رساند که جعفربن محمد غلام خود معلی بن خنیس را به همراه محمد بن عبدالله برای جمع آوری اموال پیروانش فرستاده است. و منصور از شدت خشم بر امام صادق علیه السلام دست خود را می گزید و نزدیک بود آن را بخورد. به عمویش داود که در آن زمان فرمانروای مدینه بود نوشت که جعفربن محمد را به سویش روانه کند و به او اجازه ی ایستادن و درنگ کردن را ندهد. پس داود نامه ی منصور را برای امام فرستاد و گفت فردا برای حرکت به سوی امیر مؤمنان آماده شو و دیر نکن. صفوان می گوید: آن روز در مدینه بودم که ابوجعفر کسی را به سویم فرستاد و نزد ایشان رفتم. فرمودند: وسایل سفر ما را آماده کن که ما فردا به سوی عراق خواهیم رفت. در آن هنگام برخاستیم و به مسجد پیامبر رفتیم و بین نماز ظهر و عصر بود و ایشان دو رکعت نماز خوانده و دست ها را به سوی آسمان بلند کردند و دعایی خواندند که جملاتی از آن را به خاطر سپردم:

ای کسی که آغاز و پایانی ندارد، ای کسی که حد و کرانه ای ندارد، ای صاحب عرش بزرگ و انتقام سخت، ای کسی که بر هر کار که بخواهد تواناست. ای آن که هیچ سخنی از او پوشیده نیست و صداها بر او مشتبه نمی شوند و ای آن که آسمان ها و زمین با قدرت او برافراشته شده اند، ای نیکو همنشین ، ای آمرزنده و ای بخشنده، بر محمد و خاندانش درود فرست و در سفر و جایگاهم، و در حرکت و جابجایی ام با دیده ات که به خواب نمی رود نگهدار من باش و با پشتوانه ات که مورد ظلم قرار نمی گیرد مرا پشتیبانی کن. بارالها، در این سفر به تو توجه دارم و به کسی جز تو اطمینان ندارم و امیدم تنها به سوی توست که پناهم دهی. و نیرویی برای تکیه دادن و چاره ای برای پناهنده شدن ندارم به جز درخواست بخشش تو و خواهش از عافیت و لطف تو و پاداشی که با بهترین نیکی ات به من بدهی. خداوندا، تو به آن چه در این سفرم بر من گذشت از آن چه دوست داشتم یا ناپسند دانستم آگاه تری، پس هرچه به تقدیر تو بوده، آزمایشت در آن نیکو است و فرمانت خیرخواهانه است و تو آن چه

را بخواهی ناپدید می کنی و آن چه را بخواهی پایدار می گردانی و ام الکتاب در نزد توست. خدایا، هر آسیب و بلایی را از من دور گردان و یاوری از مهربانی خود بر من بگمار و لطفی از گذشت خود و کامل کننده ی نعمت هایت را بر من ببخش تا به بهترین شکلی که مؤمنی را در نبودش نگهداری کرده ای و بدی هایش را پوشانده و او را از آسیب حفظ نموده ای، مرا حفظ کنی و در این سفر به من امنیت و ایمان و بهبودی و آسایش و شکیبایی و سپاس گزاری عطا کن و مرا در سلامت به سالمان بازگردان ای مهربان ترین مهربانان.

صفوان می گوید: از ابوعبدالله صادق علیه السلام درخواست کردم دعا را تکرار کند، پس ایشان چنین کرد و من آن را نوشتم. هنگامی که صبح شد، امام صادق علیه السلام سوار بر شتری شده و به سوی عراق روانه شدند تا به شهر ابوجعفر رسیده و آمدند و اجازه خواستند و او نیز اجازه داد. صفوان گوید: برخی از حاضران به من گفتند: هنگامی که ابوجعفر امام را دید، ایشان را نزدیک خود گرداند و داستانی را که به او رسانده بودند بیان کرد که در آن گفته بود: همانا معلی بن خنیس غلام جعفربن محمد اموالی را برای ایشان جمع آوری می کند و محمد بن عبد الله نیز او را همراهی می کند. پس داستان را به ابوعبدالله داده و امام آن را خواندند. سپس منصور به امام رو کرده و گفت: ای جعفر بن محمد، این اموالی که معلی بن خنیس برایت جمع می کند چیست؟ امام فرمودند: پناه بر خدا از آن ای امیرمؤمنان. او گفت: آیا به بی گناهی ات سوگند یاد میکنی ؟ امام فرمود: بله، به خدا سوگند چیزی نبوده است. ابوجعفر گفت: نه، بلکه باید به طلاق و آزاد کردن برده قسم بخوری. امام فرمود: آیا راضی نمی شوی به سوگند من به خداوندی که معبودی جز او نیست؟ ابوجعفر گفت: مرا آموزش نده. امام صادق علیه السلام فرمود: تو ای امیرمؤمنان، از آگاهی من به کجا فرار می کنی؟ او گفت: این سخنان را رها کن که اکنون مردی را که از تو شکایت کرده با تو روبرو می کنم. پس مرد را آوردند و در محضر امام صادق علیه السلام از او پرسیدند. پس گفت: بله درست است، او جعفربن محمد است و آن چه درباره او گفتم همان گونه است که بیان کردم. امام صادق علیه السلام فرمودند: ای مرد، قسم بخور آن چه گفتی راست است. سپس مرد شروع به سوگند کرده و گفت: سوگند به خدایی

که معبودی جز او نیست و او توانا و درخواست کننده و زنده و پایدار است. امام علیه السلام به او فرمودند: در سوگند خود عجله نکن که من به تو می گویم چگونه سوگند یاد کنی. منصور گفت: در این سوگند چه چیز را ناپسند دیدی؟ امام فرمود: همانا خداوند بزرگوار است و از مجازات بنده ای که او را ستایش کرده شرم دارد، اما ای مرد چنین بگو: از نیرو و جنبش خداوند دوری کرده و به نیرو و جنبش خود تکیه می کنم که در سخن خود راست گو و نیکوکردار هستم. منصور به مرد قریشی گفت: چنان که ابوعبدالله از تو خواسته سوگند یاد کن. پس مرد به همین شکل قسم خورد و سخنش به پایان نرسیده بود که به جذام مبتلا شده و افتاد و مرد. ابوجعفر از این حادثه ترسید و بدنش به لرزه افتاد و گفت: ای ابوعبدالله، اگر می خواهی همین فردا به سوی حرم جدت روانه شو و اگر هم مایلی بمانی ما در نیکی و بزرگداشت تو کوتاهی نمی کنیم و از این پس هیچ سخنی را علیه تو نخواهم پذیرفت(1).

و از آن جمله دعای امام صادق علیه السلام است هنگامی که برای هفتمین بار منصور ایشان را فراخواند و آن را در دعاها از امام صادق علیه السلام آوردیم. اما در این جا چیزی بیشتر از آن می آوریم و ممکن است آن پیش از ماجرای بدگویی مرد قریشی باشد و به روایت محمد بن عبد الله اسکندری است که گفت: من از خدمت گزاران نزدیک به امیرمؤمنان، ابوجعفر منصور بودم و از میان همه رازدار او بودم. روزی بر او وارد شدم و دیدم اندوهگین نشسته و آه سردی می کشد. گفتم: به چه می اندیشی ای امیرمؤمنان؟ پس به من گفت: ای محمد، تا کنون بیش از صد تن از فرزندان فاطمه را کشته ایم و آقا و پیشوای آن ها زنده مانده است. پرسیدم: او کیست؟ گفت:جعفر بن محمد صادق. پس گفتم: ای امیر مؤمنان، او مردی است که عبادت فراوان او را لاغر و نحیف کرده و به جای درخواست حکومت به خدا مشغول شده است. پس گفت: ای محمد، می دانم تو او و امامتش را قبول داری، اما حکومت فرزندی ندارد و من قسم خورده ام امروز را به شب نرسانم مگر این که از دست او خلاص شده باشم. محمد گوید: به خدا قسم گویی زمین با همه وسعتش بر من تنگ

1- مهج الدعوات :243- 247

شد. سپس جلادی را فراخواند و به او گفت: هنگامی که ابوعبدالله صادق را احضار کردم و مشغول سخن گفتن شدیم و کلاهم را از سرم برداشتم، این علامتی میان من و تو باشد و گردنش را بزن. سپس ابوعبدالله-درود خداوند بر او باد- را در آن زمان حاضر کرده و ایشان را در اتاقی قرار داد در حالی که لب های او می جنبید و من نمی دانستم چه می خواند. پس دیدم قصر مانند کشتی در میان امواج خروشان دریا در تلاطم است. سپس ابوجعفر منصور را دیدم که با سر و پای برهنه مقابل ایشان راه می رود و دندان هایش به هم می خورد و بدنش می لرزد، چهره اش گاهی سرخ و گاهی زرد می شود و بازوی امام صادق علیه السلام را گرفته و او را بر تخت خود نشانده و مانند برده ای که مقابل مولای خود زانو زده، مقابل امام بر زمین افتاده بود. سپس گفت: ای فرزند پیامبر خدا، چه چیز باعث شده در این ساعت به این جا بیایید؟ امام فرمود: ای امیر مؤمنان، برای پیروی از خداوند و پیامبرش و امیر مؤمنان که خداوند عزتش را پایدار کند، به این جا آمدم. گفت: من شما را دعوت نکردم و فرستاده اشتباه کرده است. سپس گفت: حاجت خود را بخواه. پس گفت: از تو می خواهم بدون کاری مرا فرانخوانی. گفت: این و غیر از این برای تو باشد. سپس ابوعبدالله به سرعت بازگشت و من بسیار خدا را شکر کردم و ابوجعفر منصور لحافی خواست و خوابید و نیمه های شب برخاست و هنگامی که بیدار شد من بالای سرش بودم و او خوشحال شد و گفت: بیرون نرو تا من نمازم را که قضا شده به جای آورم. پس وقتی نمازش را خواند به من رو کرد و گفت: هنگامی که ابوعبدالله صادق را احضار کردم و آن چه از بدی که در سر داشتم درباره او قصد کردم، اژدهایی را دیدم که تمام خانه و قصرم را با دمش دربرگرفته و لب بالایی اش را در بالاترین مکان گذاشته و لب پایینی اش را در پایین ترین مکان و با زبان عربی فصیح و واضح و آشکار به من می گوید: ای منصور، همانا خداوند بلند مرتبه مرا فرستاده و دستور داده اگر پیشامدی برای ابوعبدالله صادق علیه السلام به وجود آوری تو را و هرچه در خانه توست ببلعم. پس من شگفت زده شدم و بدنم به لرزه افتاد و دندان هایم به هم می خورد. محمدبن عبدالله اسکندری گوید: به او گفتم: ای امیرمؤمنان، این جای شگفتی ندارد، به راستی که ابوعبدالله وارث علم پیامبر و جدش امیرمؤمنان علی بن

ابی طالب است و از اسماء خداوند و دعاهای دیگر چیزهایی دارد که اگر بر شب خوانده شود روشن می شود و اگر بر روز بخوانند تاریک گردد و اگر بر موج های دریا خوانده شود آرام می گیرند. محمد می گوید: چند روز بعد به او گفتم:ای امیرمؤمنان، آیا به من اجازه می دهی به زیارت ابوعبدالله صادق علیه السلام بروم؟ پس پاسخ داد و مانع نشد. سپس نزد ابوعبدالله علیه السلام رفتم و به ایشان سلام کردم و گفتم: ای مولای من، به حق جدت از تو درخواست می کنم دعایی را که هنگام وارد شدن بر ابوجعفر منصور خواندی به من بیاموزی. گفت: آن را به تو می دهم. سپس به من فرمود: ای محمد، این دعاء، حرزی با ارزش و دعایی بزرگ است که از پدران بزرگوارم آن را گرفته ام و حرزی است که از کتاب خداوند عزیز و بلندمرتبه به دست آمده، کتابی که نه از مقابل آن و نه از پشت سر باطلی در آن راه ندارد و سخنی است که از جانب حکیم و پسندیده فروفرستاده شده است. و فرمود: من می خوانم و تو بنویس و آن حرزی باارزش و دعایی بزرگ و بابرکت و مستجاب است، پس هنگامی که ابو مخلد عبد الله بن یحیی از بغداد برای پیغامی به خراسان و نزد امیر ابوحسن نصر بن احمد در بخارا آمد، این حرز در دفتری که کاغذهای آن از نقره بود، با آب طلا نوشته شده بود و از شیخ ابوالفضل محمد بن عبد الله بلعمی آن را گرفته بود و گفت: این از باارزش ترین هدیه هاست و هرکس که خداوند توفیق خواندن آن را هر روز صبح به او بدهد، او را از همه بلاها در امان می دارد و از شر جنیان و انسان های سرکش و شیاطین و حاکم ستم گر و درندگان و از شر بیماری ها و آسیب ها و همه اندوه ها او را حفظ می کند. و این تجربه شده است، مگر این که برای خداوند خالص نشده باشد. و این ابتدای دعا است:

معبودی جز الله نیست به راستی و برای همیشه، معبودی جز الله نیست از روی ایمان و راستی، معبودی جز الله نیست از روی پرستش و بندگی، معبودی جز الله نیست از روی مهربانی و لطف، معبودی جز الله نیست به حقیقت و درستی. معبودی جز الله نیست و محمد فرستاده اوست –درود و سلام خداوند بر او باد- خودم را و مو و پوستم و دین و خانواده و مال و فرزندان و نسلم را به او پناهنده می سازم، از هر آن چه مرا به رنج و سختی اندازد یا آزارم دهد،

خودم را و هرآن چه را پروردگارم به

من بخشیده به او پناه می دهم و هرآن چه را که پشت درهایم قرار گرفته و دیوارهایم آن را در برگرفته اند و هرنعمت و لطفی که از جانب خداوند بزرگ و بلندمرتبه به من می رسد، خود را و همه برادران و خواهران مؤمن خود را به خداوند والا و بزرگ پناه می دهم، و به نام های کامل و درست و بلندمرتبه و بزرگ و با شرافت و شفابخش و بزرگوار و پاکیزه و برتر و بابرکت و پاک و پاک شده و بزرگ و پنهان شده ی خداوند که هیچ نیکوکردار و هیچ سرکشی از آن نمی گذرد، و به ام الکتاب و آغاز و پایان آن و آن چه میان آن هاست از سوره های شریف و آیه های کریمه و استوار آن و شفاء و رحمت و پناه و برکت؛ و به تورات و انجیل و زبور و قرآن بزرگ و به صحف ابراهیم و موسی و به همه کتاب هایی که خداوند بزرگ و والا فروفرستاده است و به همه پیامبرانی که خداوند بزرگ فرستاده است و به همه نشانه هایی که آشکار کرده است و به نعمت های خداوند و عزت او، و قدرت و شکوه و توانایی و بزرگی و سلطه او، و به ارجمندی و منت و بردباری و گذشت و آمرزش خداوند و به فرشتگان و کتاب ها و پیامبران و فرستادگان خداوند و محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرستاده خداوند پناه می دهم.

و به خدا پناه می برم از خشم او و مجازات و ناخشنودی و عقوبت و کینه جویی و روی گردانی و خوار کردن و کفر و نفاق و سرگردانی و شرک و شک در دین خداوند و از بدی روز برانگیخته شدن و برخاستن و جایگاه توقف و حساب و از شر نامه ای که از پیش فرستاده شده و از پایان نعمت و رسیدن بلا و دگرگونی عافیت و اسباب نابودی و جایگاه های خواری و رسوایی در دنیا و آخرت به او پناه می برم. و پناه می برم به خدا از امیال سرکش و همراه بد و حیله گر و همسایه آزار دهنده و دارایی هایی که به نافرمانی کشاند و فقری که به فراموشی وادار کند. و به خدای بزرگ پناه می برم از قلبی که فروتن نشود و نمازی که سودی نداشته باشد. دعایی که شنیده نشود و چشمی که نمی گرید و شکمی که سیر نمی شود و از زحمت و کوششی که باعث عذاب شود و از بازگشت به سوی آتش و ظاهر بد در خویش و خانواده و فرزندان و به هنگام دیدن فرشته مرگ.

و پناه می برم به خداوند بزرگ از شر هر جنبنده ای که جانش به دست اوست و از شر هر صاحب شری و شر هرچه از آن پرهیز دارم و می ترسم و از شر فاسقان عرب و عجم و فاسقان جن وانسان و شیطان ها و از شر ابلیس و سربازانش و پیروان و همراهانش و از شر حاکمان و پیروان آن ها و از شر هر چه از آسمان نازل می شود و به سوی آن بالا می رود و از شر هر چه در زمین فرو می رود و از آن بیرون می آید و از شر هر بیماری و آسیب و غم و اندوه و نداری و نبودی و از شر هر چه در خشکی و دریاست و از شر گنهکاران و ستم گران و ترسندگان و حسودان و بدکاران و دزدان و از شر هر جنبنده ای که جانش در اختیار خداست. همانا پروردگارم در مسیر درست است. خداوندا، من از شر هر آن چه آفریده ای به وسیله تو خود را نگاه می دارم و حفظ می کنم و به خداوند بزرگ پناه می برم از سوختن و غرق شدن و شکاف و فرو ریختن و فرو بردن زمین و تغییر صورت و سنگ و عذاب و زلزله و فتنه ها و چشم زخم و رعد و برق و دیوانگی و جذام و پیسی و بیماری ها و آسیب ها و مصیبت ها و اندوه ها و خورده شدن توسط درندگان و مرگ بد و همه بلاها در دنیا و آخرت. و به خدا پناه می برم از شر هرآن چه فرشتگان مقرب خداوند از آن پناه برده اند و هرچه پیامبران و فرستادگان خداوند از آن به او پناه برده اند و به ویژه از شر هر چه محمد بنده و فرستاده تو از آن به تو پناهنده شده است، از تو درخواست می کنم بهترین چیزهایی را که آن ها از تو درخواست کرده اند به من ببخشی و از شر هر آن چه آن ها از آن پناهنده شده اند مرا پناه دهی و از همه خوبی های دنیا و آخرت، هر آن چه من می دانم و هر چه از آن آگاهی ندارم به من عطا کنی.

به نام خداوند و به یاری او، و سپاس مخصوص خداوند است و من به او متوسل شده ام و به او پناهنده شده ام و توفیقی ندارم مگر از جانب خداوند و آن چه او بخواهد و کارم را به او واگذار می کنم و پیروزی تنها از جانب اوست و شکیبایی ام تنها برای خداوند است و چه نیکو توانایی است چه نیکو مولا و یاری رسانی است و کسی جز او نیکی نمی کند و تنها اوست که بدی ها را برطرف می کند و تنها او به سوی خیر راهنمایی می کند و همه کارها به اراده ی خداست و از خداوند کفایت می خواهم و از او بی نیازی می جویم و از او طلب بخشش کرده و پناه می جویم و

آمرزش می خواهم و درود خداوند بر محمد فرستاده اش و تمامی پیامبران و فرستادگان و فرشتگان او باد و بر بندگان او.

این از جانب سلیمان است و به نام خداوند بخشنده مهربان است که بر من برتری نجویید و با تسلیم به سوی من آیید، خداوند چنین نوشته است که من وفرستادگانم پیروز می شویم، به راستی که خداوند عزیز و توانا است. حیله آنان آسیبی به شما نمی رساند، همانا خداوند به آن چه انجام می دهند احاطه دارد. و از سوی خود برای ما یاوری قرار ده در آن هنگام که گروهی از ایشان خواستند دست هایشان را به سوی شما دراز کنند، پس دست های آن ها را از شما بازداشت و خداوند تو را از مردم حفظ می کند، به درستی که خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند. هرگاه آتشی برای جنگ برافروختند خداوند آن را فرونشاند. گفتیم ای آتش، برای ابراهیم سرد و سلامت باش، ودر آفرینش به شما وسعت و افزونی داد، پس نعمت های خداوند را به یاد آرید باشد که رستگار شوید. او فرشتگانی دسته دسته دارد که شب و روز فرود آیند و به فرمان خدا او را حفظ می کنند.

بارالها، مرا از ورودی درست وارد کن و از خروجی درست خارج گردان و و برای من از سوی خودت نیروی یاری کننده ای قرار ده. و او را نزدیک گردانده و نجات دادیم و به جایگاه بلندی برتری دادیم، خداوند مهربان برای آن ها دوستی و محبتی قرار خواهد داد، و از جانب خود محبتی بر تو افکندم تا در مقابل دیدگان من بزرگ شوی، هنگامی که خواهرت راه می رفت و می گفت: آیا کسی را به شما نشان دهم که سرپرستی او را به عهده بگیرد؟ پس تو را به مادرت بازگرداندیم تا دیدگانش روشن شود و غمگین نباشد، و تو کسی را به قتل رساندی، پس از اندوه نجاتت دادیم و به آزمون هایی تو را آزمایش کردیم. نترس که از گروه ستمگر نجات یافتی، نترس که تو برتری، از پایان هیچ چیز نمی ترسی و هراسان نمی شوی، نترسید که من با شما دو نفر هستم، می بینم و می شنوم، نترس که ما تو را و خانواده ات را نجات می دهیم. و خداوند پیروزی با عزتی به تو می دهد، و هر کس به خداوند توکل کند خدا برایش کافی است، به راستی خداوند فرمانش را اجرا می کند و همانا خداوند برای هر چیز اندازه ای تعیین کرده است. پس خداوند آن ها را از شر آن روز نگه داشت و به آن ها

شادمانی و خوشنودی عطا کرد و شادمان به سوی خانواده اش بازمی گردد. و نام تو را بلندمرتبه گرداندیم، او را دوست می دارند مانند دوستی خداوند، و کسانی که ایمان آورده اند خدا را بیشتر دوست دارند. پروردگارا، بر ما شکیبایی فرو ریز و گام هایمان را استوار گردان و ما را بر گروه کافران پیروز گردان. کسانی که مردم به آن ها گفتند: به راستی مردم علیه شما جمع شده اند پس از آن ها بترسید، پس این سخن ایمانشان را بیش تر کرد و گفتند: خداوند برای ما کافی است. پس با نعمت و بخششی از جانب خداوند باز گشتند و هیچ بدی به آن ها نرسید، پروردگارا، ما به خود ستم روا داشتیم و اگر تو ما را نبخشی و به ما رحم نکنی به یقین از زیان کاران خواهیم بود. بارخدایا، عذاب جهنم را از ما دور گردان که همانا عذاب آن هلاک کننده است، به راستی که آن بد جایگاه و محل قرار گرفتنی است. خداوندا، این ها را بیهوده نیافریدی، تو پاک و منزهی و ما را از عذاب آتش نگاه دار. و بگو سپاس مخصوص خداوندی است که که فرزندی ندارد و در پادشاهی شریکی برای او نیست و کسی او را یاری نمی کند و او را به بزرگی یاد کن. و چرا به خدا تکیه نکنیم در حالی که او ما را به راه هایمان هدایت کرده و ما بر آزارهای شما شکیبایی می کنیم و مؤمنان بایستی بر خدا تکیه کنند. فرمان او تنها این گونه است که وقتی چیزی را بخواهد به آن می گوید: باش، پس می شود. پس منزه است کسی که توانایی همه چیز به دست اوست و به سوی او باز می گردید. و کسی که مرده بوده و او را زنده گردانیدیم و نوری به او بخشیدیم که با آن در میان مردم راه برود. اوست آن کس که با پیروزی خود و مؤمنان تو را یاری کرد و دل های آنان را به هم نزدیک گرداند. اگر همه آن چه را در زمین است بخشش می کردی نمی توانستی دل های آنان را مهربان گردانی اما خداوند دل هایشان را به یکدیگر نزدیک گرداند، به راستی او عزیز و دارای حکمت است. بازوی تو را به وسیله برادرت محکم می کنیم و برای شما نیرویی قرار می دهیم، پس آن ها با نشانه های ما به شما نخواهند رسید و شما و هر که از شما پیروی کند پیروز خواهید بود.

به خدا تکیه کردیم، پرودگارا میان ما و مردمان ما با حق گشایش کن که تو بهترین گشایندگانی. من به خداوند توکل کردم، پروردگار من و شما، هیچ جنبنده ای

ص: 366

نیست مگر این که جانش به دست خداوند است، همانا پروردگارم در راه راست است. پس به یاد خواهید آورد آن چه را به شما می گویم و من کارم را به خداوند واگذار می کنم که همانا او بر بندگانش بینا است. خداوند برای ما کافی است، معبودی جز او نیست، به او توکل نمودم و او پروردگار عرش بزرگ است. همانا مصیبتی به من رسیده است و تو مهربان ترین مهربانانی، معبودی جز تو نیست، منزهی و من از ستم کاران بودم.

به نام خداوند بخشنده مهربان، الف لام میم، معبودی جز خداوند زنده و پایدار نیست. الف لام میم، آن کتابی است که هیچ شکی در آن نیست و هدایتی برای پرهیزکاران است، کسانی که به غیب ایمان دارند و نماز را به پا می دارند. خداوندی که معبودی جز او نیست، زنده و پاینده است و چرت و خواب او را درنمی یابند. آن چه در آسمان ها و زمین است برای اوست، کیست که بدون اجازه ی او شفاعت کند؟ هرچه مقابل آن هاست یا پشت سرشان است را می داند و آن ها به چیزی از دانش او احاطه ندارند مگر آن چه را که او بخواهد. پادشاهی اش آسمان ها و زمین را در برگرفته و کسی جز او آن ها را نگاه نمی دارد و او بزرگ و بلند مرتبه است. اجباری در دین نیست، چرا که فهم از گمراهی آشکار شده است، پس هر که به طاغوت کافر شود و به خداوند ایمان آورد همانا به ریسمان محکمی چنگ زده که جداشدنی نیست و خدا شنوا و داناست. خداوند گواه است که معبودی جز او نیست و فرشتگان و دانشمندانی که با عدالت رفتار می کنند، معبودی جز الله نیست و او دارای عزت و حکمت است. به راستی که دین در نزد خداوند اسلام است.

بگو ای خداوند و مالک حکومت که آن را به هر که بخواهی می بخشی و از هر که بخواهی باز پس می گیری، و هر که را بخواهی بزرگ می گردانی و هر که را بخواهی خوار می کنی، خوبی ها به اراده توست و همانا تو بر هر کار توانایی. شب را در روز وارد می کنی و روز را داخل در شب می گردانی و زنده را از مرده بیرون می آوری و مرده را از زنده خارج می کنی و به هر کس که بخواهی بی حساب روزی می دهی. بارالها، پس از آن که مارا هدایت کردی دل هایمان را به زنگار آلوده نگردان و از سوی خودت رحمتی بر ما فرست، به راستی که تو بسیار بخشنده ای. همانا

پیامبری از خودتان به سوی شما آمد که زحمت شما برایش سخت است و به شما مشتاق است و با مؤمنان مهربان و دلسوز است. پس اگر سرپیچی کردند، پس بگو خداوند برای من کافی است، معبودی جز او نیست و به او تکیه کردم و او پروردگار عرش بزرگ است.

سپاس مخصوص خدایی است که ما را از گروه ستم کار نجات داد. سپاس مخصوص خدایی است که اندوه را از ما برداشت، به راستی که پروردگار ما آمرزنده و سپاس گزار است. آن کس که از بخشش خود ما را در جایگاه امنی قرار داد که در آن به ما سختی نمی رسد و خستگی در آن احساس نمی کنیم. سپاس از آن خدایی است که ما را به این امر هدایت کرد، و اگر او ما را هدایت نمی کرد ما هرگز هدایت نمی شدیم، سپاس مخصوص خدایی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری داد. پس گروه ستم گر را از ریشه کند و حمد مخصوص خداوند پروردگار عالمیان است. پس سپاس برای پروردگار آسمان ها و زمین است و او دارای عزت و حکمت است. خداوند منزه است آن هنگام که شبانگاه بر شما می رسد و هنگامی که صبح می کنید و سپاس از آن اوست در شامگاهان و آن هنگام که پرده ها را برمی دارید. زنده را از مرده بیرون می آورد و زمین را پس از مرگ آن زنده می گرداند و این چنین شما را بیرون می آورد. منزه است خدایی که توانایی همه چیز به دست اوست و به سوی او باز می گردید. همانا پروردگار شما خداوندی است که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید و سپس بر عرش خود قرار گرفت. شب را به روز می پوشاند و شتابان از پی آن می رود و خورشید و ماه و ستارگان تحت فرمان او هستند. همانا آفرینش و دستور ازجانب اوست و مبارک است خداوند، پروردگار عالمیان. پروردگارتان را به التماس و پنهانی بخوانید، به درستی که او تجاوزکاران را دوست ندارد. و پس از آبادانی زمین، در آن فساد نکنید و او را از روی ترس و طمع بخوانید، به درستی که مهربانی اش به نیکوکاران نزدیک است.

همان کس که مرا آفرید و اوست که هدایتم می کندو همان کس که به من خوراک داده و سیرابم می کند و چون بیمار می شوم بهبودی ام می بخشد و آن کس که مرا می میراند سپس زنده ام می کند و همان کس که طمع دارم در روز قیامت گناهان مرا

ببخشد. پروردگارا، به من دانشی عطا کن و مرا به نیکوکاران ملحق گردان و زبان راست گویی با دیگران به من ببخش و مرا از وارثان بهشت پرنعمت قرار ده و پدرم را ببخش که او از گمراهان بوده است. و در آن روز که برانگیخته شوند مرا خوار نکن،روزی که مال و فرزندان سودی ندارد مگر آن کس که با قلب سلیم نزد خداوند آید. به نام خداوند بخشنده مهربان، سپاس مخصوص خدایی است که آسمان ها و زمین را آفرید و روشنایی و تاریکی را قرار داد، سپس کافران از پرورگار خود منحرف شدند.

به نام خداوند بخشنده مهربان، قسم به فرشتگان صف در صف، و قسم به فرشتگان منع کننده باران، و قسم به تلاوت کنندگان قرآن، همانا معبودتان یگانه است، پروردگار آسمان ها و زمین و آن چه میان آن هاست و پروردگار مشرق ها. همانا آسمان را با زیور ستارگان آراستیم و از هر شیطان سرکشی آن را حفظ کردیم. آن ها به عالم بالاتر گوش نمی سپارند و از هر سو به آن ها سنگ پرتاب شده و رانده می شوند و عذابی همیشگی برایشان است. مگر کسی که برباید پس او را با سنگ سوراخ کننده ای دنبال می کنیم. ای گروه جنیان و انسان ها، اگر می توانید در لایه های آسمان ها و زمین نفوذ کنید، چنین کنید. نخواهید توانست مگر به وسیله نیروی خداوند. پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را دروغ می شمارید؟ شعله ای از آتش و دود بر شما می فرستد و کسی یاری تان نمی کند.

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. سپاس مخصوص خداوندی است که آسمان ها و زمین را شکافت و برای فرشتگان دو یا سه و یا چهار بال قرار داد، هر چه بخواهد در آفرینش خود می افزاید، به راستی خداوند بر هرچه بخواهد تواناست. اگر خدا برای مردم رحمتی بفرستد کسی نمی تواند آن را بازگیرد و آن چه را که او مانع شود کسی نمی تواند پس از او بفرستد و او دارای بزرگی و دانش است. لطف و بخشش در اختیار خداست، به هر که بخواهد عطا می کند و او بزرگ و داناست. هر کس را که بخواهد با رحمت خود مخصوص می گرداند و خداوند صاحب بخشش بزرگ است. و در قرآن شفا و رحمتی برای مؤمنان فرو فرستادیم،

و هنگامی که قرآن می خوانی میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند پرده پوشیده ای قرار دادیم و بر دل هایشان پرده هایی قرار دادیم که مانع فهمیدن آن ها شود و گوش هایشان را نیز سنگین کردیم. و هنگامی که پروردگارت را به تنهایی در قرآن یاد می کنی با نفرت روی می گردانند. آیا دیدی آن کس را که میل خود را به عنوان معبود می پرستد و خداوند او را با آگاهی گمراه نموده و بر گوش و قلبش مهر زده و دیده اش را نابینا کرده، پس چه کسی پس از خدا او را هدایت می کند، آیا پند نمی گیرید؟ آن ها کسانی هستند که خدا بر دل ها و گوش و دیده هایشان مهر زده و آن ها غافلان هستند. و در مقابلشان و پشت سرشان مانعی قرار دادیم که آن ها را پوشانده پس آن ها نمی بینند.

توفیقی جز از سوی خداوند ندارم و به او توکل کرده و به درگاه او پناهنده می شوم. بر آن ها اندوهگین نشو و از حیله هایشان دلتنگ نباش، همانا خداوند همراه کسانی است که تقوا دارند و نیکوکارند. و پادشاه گفت: او را نزد من بیاورید تا برای خود خالصش گردانم. پس هنگامی که با او سخن گفت، گفت: امروز تو نزد ما محترم و امین هستی. و صداها برای خداوند مهربان فروتن شده است، پس چیزی به جز نجوایی آهسته نمی شنوی. پس خداوند تو را در برابر آن ها کفایت خواهد کرد و او شنوای بیناست. من به خداوند پروردگار خودم و شما تکیه کرده ام. جنبنده ای نیست مگر این که جانش در دست اوست و همانا پروردگارم در راه راست قرار دارد. معبودتان خداوند یگانه ای است که خدایی جز او نیست و او بخشنده و مهربان است. پروردگار شما چنین است و او آفریدگار همه چیز است، پس او را بپرستید و او هرچیز را بر عهده گرفته است. بگو او پروردگار من است که معبودی جز او نیست و به او تکیه کرده ام و به سوی او باز می گردم. ای مردم، نعمت خدا را بر خودتان به یاد آرید، آیا آفریدگاری جز او هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ معبودی جز او نیست پس چگونه دروغ می بندید؟ پروردگار شما چنان است، پس مبارک است خداوند پروردگار عالمیان. او زنده است معبودی جز او نیست، پس با اخلاص او را بخوانید که دین برای اوست، سپاس مخصوص پروردگار عالمیان، پروردگار مشرق و مغرب است. معبودی جز او نیست، پس کار خود را به او واگذار.

خداوندا، بر ما شکیبایی فروریز و گام هایمان را استوار گردان و بر گروه کافران پیروزمان کن.

اگر این قرآن را بر کوه نازل می کردیم، می دیدی که از فروتنی و ترس از خدا شکاف می خورد، و این ها مثل هایی است که برای مردم می زنیم باشد که اندیشه کنند. اوست خداوندی که معبودی جز او نیست و آگاه بر پیدا و پنهان است، اوست بخشنده مهربان، اوست خدایی که معبودی جز او نیست و حاکم و مالک اصلی اوست، از هر عیب پاک و منزه است، به کسی ستم نمی کند، امنیت بخش است، مراقب همه چیز و قدرتمندی شکست ناپذیر است که با اراده ی نافذ خود همه چیز را اصلاح می کند و شایسته ی عظمت است. خداوند از آن چه برای او شریک قرار می دهند منزه است. او خالق و آفریننده ای بی سابقه است و صورت گری بی مانند که نام های نیک برای اوست، آن چه در آسمان ها و زمین است تسبیح او را می گویند و دارای عزت و حکمت است.

به نام خداوند بخشنده مهربان، بگو اوست خدای یکتا، خدایی که بی نیاز است ، نه زاده و نه زاییده شده و نه همتایی ندارد. به نام خداوند بخشنده مهربان، بگو پناه می برم به خداوند سپیده دم، از شر هرآن چه آفریده است، و از شر هر موجود شرور که شبانه وارد می شود، و از شر افسون گرانی که در گره ها می دمند و از شر حسود هنگامی که حسد می ورزد. به نام خداوند بخشنده مهربان، بگو پناه می برم به پروردگار مردم، پادشاه مردم، معبود مردم، از شر وسوسه گر پنهان کار، که درون سینه های انسان ها وسوسه می کند، از جنیان و انسان ها. خداوندا، هر کس برای من بدی خواسته یا برای خانواده ام بدی و آسیب و زیانی خواسته است، پس سرش را قطع کن و بدی او را از من بازدار و زبانش را درباره من ببند و حیله اش را بگیر و اراده اش را از من برگردان. خداوندا برترین درودهایی را که بر بندگانت فرستاده ای بر محمد و خاندانش فرست، هم چنان که به وسیله او ما را از کفر هدایت کردی. و بر محمد و خاندانش درود فرست چنان که ذکر کنندگان تو را یاد کردند. و ما و پدران و مادران و فرزندان ما را بیامرز و همه مردان و زنان مؤمن و مسلمان را، زندگان و مردگان را بیامرز و میان ما و آن ها نیکی های پی درپی قرار بده. همانا تو برآورده

ص: 371

کننده دعاها و نازل کننده برکت ها و برطرف کننده ی بدی های هستی و تو بر هر کار توانایی. خداوندا، دینم و دنیایم را و خانواده و فرزندان و همسرم و امانت هایم را و همه آن چه را که در دنیا و آخرت به من نعمت داده ای را به تو می سپارم، به راستی که تو کار خود را ضایع نمی کنی و امانت های خود را نابود نمی کنی و کسی مرا از تو پناه نمی دهد. خدایا، بارالها،

در دینا و آخرت به ما نیکی عطا کن و از عذاب آتش ما را نگه دار.

تا این جا، و اضافه بر این از کتاب است: پس من به تو امید بسته ام و به کسی جز تو امیدی ندارم، پس به راستی که تو خداوند آمرزنده و مهربانی. خداوندا، مرا وارد بهشت گردان و با مهربانی ات از آتش نجاتم بده، ای مهربان ترین مهربانان. در نسخه ای که تا این جا را از آن نقل کردیم، آورده شده پایان دعا، و اضافه آن از نسخه کتاب است که از آن نقل شد(1).

میگویم: به خط شیخ محمد علی جبعی رحمه الله به نقل از خط شهید محمد بن مکی رحمه الله دعاهایی از امام صادق دیدم که در آنها دعاهایی از امام کاظم و امام رضا علیهم السلام وجود داشت و این لفظ آن است:

این یکی از دعاهای امام صادق علیه السلام در زمان ورود ایشان بر منصور دوانیقی است که صاحب استدراک بیست و سه مورد از آنها را ذکر کرده است. دراین روایت از تهدید امام به قتل توسط منصور و رویارویی گهگاه وی با حضرت سخن به میان آمده است. وقتی ابراهیم بن جبله از سوی منصور عازم مدینه شد و پیام او را ابلاغ نمود، حضرت این دعا را خواند:

خداوندا ! تو در هر سختی مورد اعتماد منی، تا آخر بر اساس روایت سید.

سپس دعای حضرت را به هنگام خروج و سوار شدن بر مرکب اینگونه نقل کرد: خداوندا ! به یاری تو آغاز میکنم تا آخر دعا؛

سپس گفت: وقتی حضرت داخل کوفه شد و دو رکعت نماز خواند، اینگونه عرضه داشت: خداوندا ! ای پروردگار آسمانهای هفت گانه تا آخر دعا.

1- 1. مهج الدعوات :247 -260

سپس گفت: منصور، مسیب بن زهیر را به کشتن حضرت مأمور کرده بود و حضرت در حالی که پردههای آویخته بر خانه منصور را به دست گرفته بود، اینگونه در لحظه ورود دعا می کند: ای خداوند جبرئیل تا عرض کرد: در این بامداد متولی من باش و او را بر من و بر هیچ یک از بندگانت به چیزی که طاقت آن را ندارم، مسلط نفرما.

سپس گفت: و وقتی نگاهش در منصور افتاد، دعایی خواند که از جدش رسول خدا صلوات الله علیه وآله روایت فرموده بود که جبرئیل در شب جنگ احزاب برای دفع شرّ شیطان و حکام و غرق شدن و سوختن و ماندن زیر آوار و حیوانات وحشی و دزد به امیرالمؤمنین هدیه کرد. و اینگونه مکر منصور از ایشان برگشت و به پوزش و کرنش در مقابل حضرت وادار شد: خداوندا ما را با آن چشمان مراقبت فرما که خواب ندارند تا آخر دعا.

سپس گفت: و وقتی با اکرام از نزد منصور برمیگشت، اینگونه حمد خدا میگفت: شکر خدایی را که آنگاه که می خوانمش، مرا اجابت می کند تا آخر دعا.

سپس گفت: دعایی از ورود دیگر امام به نزد منصور و تکریم امام روایت میکند که عرض کرد: خدایا ای آفریدگار پنج تن و ای پروردگار پنج تن! به حق پنج تن از تو میخواهم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و آزار و بدیهای او را از من دور سازی و نیکی و محبتش را به من روزی کنی.

دعای دیگری مربوط به ورود دیگر امام بر منصور است که فضل بن ربیع آن را روایت کرده و حضرت به او خبر داده که این دعا امان است از غرق شدن و سوختن و شر دشمنان و جبرئل آن را در جنگ احزاب نازل کرد، و من آن را از روایات جمع کردم:

گواهی داد خداوند که خدایی جز او نیست – تا - و او در حسابرسی سریع است.

خداوندا از شر تمامی آفات و آلودگی ها و هر جن و انسی که شبانگاهان جز به خیر بر من وارد شود، به نور قدس تو و عظمت طهارتت و پاکی جلالت پناه میآورم. خداوندا پناه من تویی، پس به تو پناه میآورم و ایمن گاهمن تویی، پس به تو امان

میآورم. ای کسی که گردنکشان در مقابل او سر ذلت فرود آوردند و گردنکشی فرعونها در مقابل او خاضع شد، از رسوا کردن و کنار زدن حجاب و فراموشی یادت و رویگردانی از شکرت به جلال وجهت و کرامت جلالت پناه میآورم. من در شب و روزم و خواب و قرارم و در زمان کارها و آرامشم در سایه حمایت توام. یاد تو لباس زیرین من است و ثنای تو لباس روییمن. گواهی میدهم خدایی جز تو نیست تا وجهت را منزه سازم و تسبیح تو را تکریم نمایم. بر محمد و آل او درود فرست و سایه حمایتت را بر من بگستران و مرا از شر عذابت در امان دار و خیمه های حفظ خود را بر سرم برافراز و به حرمت خودت مرا از ترسها و نگرانیهایم برهان و عنایت خود را برایم باقی دار ای مهربانترین مهربانان. و اضطرابم را به خیر و امان و حجاب و حفظ خود از من دور ساز.

خداوندا تسبیح و سپاس از آن توست به عدد ریگها و سنگریزه ها، تسبیح و حمد از آن توست به عدد قطرات آب دریاها، تسبیح و حمد تو را سزاست به عدد قطرات باران، تسبیح و حمد از آن توست به تعداد شمارش شمارش کنندگان و سخن سخنوران و بیشتر از آن و به مقدار آن تا نهایت قدرتت ای صاحب جلالت و کرم.

دعای حضرت به روایت ربیع در ورود دیگری در مجلس منصور که به تندی با حضرت سخن گفته بود و شمشیرش را کامل از غلاف بیرون کشیده بود، و بر اثر دعا به تکریم حضرت پرداخته بود:

خدایا از تو به واسطه چشمت میخواهم که خواب ندارد و تکیهگاهت که فرو نمیپاشد و به قدرتت بر آفریدههایت و به صفاتی که پیامبرت محمد صلوات الله علیه وآله را بدان مخصوص کرده ای؛ خدایا تویی که از هلاکتها نجات میبخشی. به حرمت محمد صلوات الله علیه وآله به تو نزدیکی میجویم و تو را پیش میاندازم، پس مرا از شر او کفایت کن ای کفایت کننده محمد صلوات الله علیه وآله در جنگ احزاب و ابراهیم در مقابل نمرود. خدا را میخوانم، خدا را میخوانم، خدا را می خوانم، خدایی که پروردگار من است و چیزی را شریک او قرار نمیدهم. خدای روزی دهنده مرا از روزی خوران کافی است، پروردگارم مرا از پرورش یافتگان کافی است، خداوند آفریننده مرا از آفریده شدگان کافی است، کافی است برای من

آن کسی که همیشه کافی است، کافی است و باز کافی است، خدا برایم کافی است و او بهترین وکیل است. خدایی جز او نیست، بر او توکل کردم و او پروردگار عرش عظیم است. خدایا مرا با چشمت که خواب ندارد محافظت فرما، و در رکن شکست ناپذیرت و به قدرتت بر بندگانت حفظ کن،

خدایا امیدم تویی پس هلاک نمیشوم، تو برتر و بزرگتر از چیزی هستی که من از آن بیم و هراس دارم، با یاد خدا آغاز میکنم و از او توفیق میخواهم و به محمد صلوات الله علیه وآله اعتماد میکنم. خداوندا ای پروردگار جبرئیل و میکائیل، تو را برای رفع شرّ او پیشقدم میکنم و از تو بر ضد او مدد میجویم، پس مرا از شر او کفایت کن ای کفایت کننده کننده موسی از فرعون و محمد صلوات الله علیه وآله از احزاب.

دعای حضرت در ورود دیگرش به روایت سید زید علوی عریضی در مصر: ای آن که بر او ستم نمیشود و نابود نمی شود ، ای آن که به دست او ارحام به هم ارتباط پیدا میکنند، از تو میخواهم به حق محمد و آل محمد که حقشان بر تو از فضل حق تو بر ایشان است، ای نگه دارنده دو فرزند برای صلاح پدرشان، مرا برای رسول خدا صلی الله علیه وآله حفظ فرما.

مؤلف گوید: شایسته است فردی که دعا را میخواند، در وقت گفتن مرا برای رسول خدا حفظ کن، اضافه کند و برای اهل بیت پاک او، چرا که راه رسیدن به رسول خدا، فقط از طریق اهل بیت اوست و تنها راه رسیدن به خداوند عز و جل پیامبر اوست و ما جزو اهل بیت پیامبر صلوات الله علیهم نیستیم.

دعای حضرت در ورود دیگرش بر مجلس منصور که در روایت آمده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله این دعا را در خواب به ایشان آموخته است:

خدایا خواستههای ما به سختی افتاد و گریزگاه جز بسوی تو تنگ گشت، آرزوهایمان رنگ کهنگی گرفت و امیدها از غیر تو قطع شد، اطمینان از بین رفت و گمانها جز به تو نادرست گشت و زبانها دروغ گفت و وعده ها جز وعده تو عمل نشد. خداوندا آبراههای درخواستها را بسوی تو روان میبینم و سرچشمههای دعا را برای تو گشوده مییابم، و تو را برای دعاکنندگانت در موضع اجابت و برای کمک طلبان از تو در گذرگاه فریاد رسی میبینم. خداوندا سوز و عطش به بخشش تو و

رضایت به ضمانت تو، جایگزین بخل اهل بخل و گسترده تر از آن چیزی است که در دست خودخواهان و سودجویان وجود دارد. خدایا میدانم که تو از مخلوقات خود در حجاب نیستی و این اعمال آنهاست که میان تو و ایشان فاصله انداخته است. خدایا بهترین توشه مسافر بسوی تو سختی اراده و فروتنی در مددجویی از توست، درونم تو را با اراده قوی و استغاثه خاشعانه نجوا کرده است، خدایا از تو میخواهم به همه دعاهایی که هر امیدواری تو را به آن خوانده و تو او را به آرزویش رساندهای، یا با فریاد از تو کمک خواسته و به فریاد او پاسخ دادهای یا دردمند غمگینی تو را خوانده و او را گشایش دادهای و آن دعاها حقی بر تو و در نزدت جایگاهی دارند، از تو میخواهم که بر محمد و آل او درود فرستی و مرا از هر بدی رهایی بخشی و فلان و فلان حاجتم را برآورده سازی.

دعایی امام در ورود دیگرش بر منصور:

خدایا حمد از آن تو و شکایتها بسوی توست و هیچ توان و قدرتی نیست مگر به دست خداوند بزرگ و بلند مرتبه. خداوندا تو اول ازلی و آخر همیشگی و حکمران روز قیامتی. هر چه را خواهی بدون رقابت انجام میدهی و به هر که بخواهی بدون منت میبخشی، در هر چه خواهی بدون ظلم حکم میکنی و روزها را به نوبت میان مردم میگردانی و مردم از حالی به حال دیگر مینشینند. خدایا و از خیر تو، خیری که امید آن را دارم و ندارم، طلب میکنم و از شر بدیهایی که از آن حذر دارم و ندارم، به تو پناه میآورم. اگر خوارم کنی بعد از اتمام حجت است و اگر حفظم کنی، نعمتت را تمام کردهای. ای یاور محمد صلی الله علیه وآله در جنگ حنین و ای یاور علی علیه السلام در جنگ صفین، ای هلاک کننده ظالمان و ای نگه دارنده پیامبران، از تو به حرمت یس والقرآن الحکیم میخواهم، از تو به حرمت طه والقرآن العظیم میخواهم که بر محمد و آل او درود فرستی و تأییدی بر من روزی کنی که دلم را قوی دارد و ضعفهایم را برطرف سازد و با آن تو را در مقابل دشمنان پیش روی خود قرار دهم. ای کریم! این منم که روبروی تو ایستادهام، با من آنگونه که میخواهی معامله کن که هرگز جز آنچه نوشتهای، بر من نخواهد رسید. تو مرا کفایت میکنی و بهترین وکیل هستی، خدایی جز تو نیست، از هر عیبی منزهی و من از

ظالمان بودم. سرنوشت خود را به خدا وامیگذارم که خداوند به احوال بندگانش بیناست، هر چه خدا بخواهد میشود که قدرتی جز قدرت خدا نیست، او ما را کافی است و او بهترین وکیلان است.

دعای دیگری از حضرت در ورود دیگری بر مجلس منصور که حضرت آن را از جدش صلی الله علیه وآله روایت کرده است که شامل هفت کلمهای است که به همراه سوره حمد بر حضرت نازل گشته است: خداوندا ای کفایت کننده همه اشیاء که چیزی از او کفایت نمیکند، ای پروردگار همه اشیاء ما را از همه چیز کفایت کن تا با وجود اسمت، چیزی ما را زیان نرساند.

دعای حضرت در ورود دیگری بر مجلس منصور که در تعقیب نماز چهار رکعتی سه مرتبه خواند: خداوندا ای کفایت کننده از هر چیزی که چیزی از تو کفایت نمیکند، مرا از شر و خشم فلانی حفظ کن.

دعای حضرت در نجف در تعقیب نماز، زمانی که منصور ایشان را به کوفه فرا خوانده و حکم قتل حضرت را امضا کرده بود: ای یاور مظلومانی که در حقشان ستم شده است، ای حافظ دو فرزند برای پدرشان، امروز مرا برای پدرانم محمد و علی و حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی صلی الله علیهم أجمعین حفظ فرما و مهر ذلت بر صورت و پیشانی او [منصور] بزن. به یاری خدا رفتن را آغاز میکنم و از او توفیق میخواهم و به واسطه محمدصلی الله علیه وآله به خدا روی میکنم. خداوندا تو هر چه را خواهی محو یا اثبات میکنی و اصل کتاب نزد توست.

مؤلف میگوید: کسی که این دعا را میخواند، باید اینگونه بگوید که مرا امروز حفظ کن به حق پدران مولایم امام صادق محمد و علی علیهم السلام تا انتها.

دعای امام صادق در ورود دیگرش بر منصور که دستور داده بود وقتی حضرت سرش را بالا آورد، گردنش را بزنند: خداوندا مراهیچ یک از مخلوقاتت کفایت نمیکند، و تو مرا از همه مخلوقاتت کفایت میکنی، مرا از شر عبدالله بن محمد و آنچه از سلاح بر من آماده کرده، کفایت فرما. عبدالله بن محمد گفت: به خدا قسم تو را ندیدم و میان و من تو مانعی پدید آمد.

دعای حضرت در ورود دیگرش بر منصور: ای خدایی که از همه بندگانش کفایت میکند و کسی از او کفایت نمیکند، مرا از شر عبدالله بن محمد بن علی حفظ کن.

دعایی از حضرت که آن را به برخی از اصحابش برای رفع نگرانی و اندوه آموخت: برای هر پیشامد بزرگ جمله لا اله الا الله را آماده کردم و برای هر غم و اندوهی لا حول و لا قوه إلا بالله را. محمد صلی الله علیه وآله نور اول است و علی علیه السلام نور دوم و ائمه اطهار علیهم السلام ذخیرهای برای روز ملاقات با خدا و حجاب از دشمنان خدایند. همه اشیاء در برابر عظمت خدا ذلیلند و من از خداوند عز و جل کفایت او را میخواهم.

دعایی است که حضرت آن را به حسن عطار آموخت که حاکم وقت داراییاش - زمین زراعتی - را از دستش گرفته بود. بعد از نماز صبح جانب راست صورت بر زمین نهاده میشود و این جمله گفته میشود: یَاحَیُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ تا نفس تمام شود، سپس این جمله انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْکَ تا نفس تمام شود، سپس این جمله یَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ تا نفس قطع شود، سپس این جمله ارْزُقْنِی مِنْ حَیْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَیْثُ لَا أَحْتَسِبُ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ تا نفس قطع شود. حسن عطار می گوید: این کار را سه روز انجام دادم، تا اینکه همه اموالم با صدهزار درهم اضافه به من برگردانیده شد.

دعای حضرت به هنگام ورود بر مجلس منصور بدون نامه از جانب منصور و حضرت آن را از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرده است که ایشان آن را به علی علیه السلام آموخت تا در سختیها بخواند:خدایا تو را برای مقابله با او پیشقدم میکنم و از شر او به تو پناه میبرم واز تو بر ضد او یاری میطلبم ای کفایت کننده، ای شفابخش، ای عافیت بخش، مرا از همه چیز کفایت کن تا با وجود تو از چیزی نترسم.

دعای حضرت در ورود دیگری بر منصور که به قتل امام فرمان داده بود، اما با دیدن حضرت از جای خود برخاست و پیش روی حضرت نشست و دستور داد سی بدره به حضرت بدهند. این دعا را جبرئیل به رسول خدا صلی الله علیه وآله هدیه

کرد: خدایا از تو میخواهم ای فروریزنده نعمتها، ای برطرف کننده سختیها، ای آفریننده انسانها، ای دانای بدون آموزگار، ای آگاه به همه امتها، ای همنشین وحشت زدگان در دل تاریکیها،

همه سختیها و درد را از من دور ساز و از هر عیب و بیماری و از شر هر عرب و عجمی که از تو نمیترسد، رهایم کن. و به زودی خداوند شر آنان را از تو کفایت خواهد کرد، که او شنوای داناست.

دعای مولایمان امام صادق علیه السلام به روایت دیگر و با برخی تغییرات که ابن انجب در تاریخ دوازده امام علیهم السلام ذکر کرده است. منصور به ربیع دستور داد امام علیه السلام را احضار کند و قصد کشتن او را داشت. اما آنگاه که نگاهش به حضرت افتاد، عرض کرد: خیر مقدم به آقای پاک آستان و منزه از حیله و خیانت، برادر و پسر عمویم. سپس امام را بر تخت خود نشانید و از احوال و نیازهای امام جویا شد و با مشک و عنبر حضرت را معطر کرد. ربیع خدمت امام عرض کرد: ای فرزند رسول خدا در حالی شما را آوردم که یقین داشتم منصور شما را به قتل میرساند، اما این حرکات را از او دیدم و شما را هم میدیدم که در لحظه ورود چیزی را زیر لبهایت زمزمه میکردی. آن جملات چه بود؟ حضرت فرمود: اینها را میخواندم که خداوندا مرا با چشمانی که خواب در آنها راه ندارد، حفاظت فرما و مرا در پناه رکن آسیب ناپذیرت محافظت کن و با قدرت خود از من نگهداری کن و مرا هلاک نکن که امیدم تویی. خدایا چه بسیار نعمتی که با آن بر من انعام کردی و شکر من بر آنها اندک شد، و چه بسیار بلایی که مرا بدان مبتلا نمودی و من بر آنها کم صبری نمودم. پس ای خدایی که بر نعمتش کم شکری نمودم اما محرومم نساخت و با وجود ناشکیباییام بر بلاها مرا خوار و ذلیل نساخت، و ای خدایی که مرا در حال گناه دید، اما رسوایم نساخت. ای صاحب نعمتهای بیشمار و ای صاحب نیکیهایی که هرگز قطع نمیشود، با امکانات دنیا مرا بر دینم و با تقوا بر آخرتم یاری کن و از چیزهایی که بر من پوشیده است، حفظ کن. و در اموری که بر آن واقفم به خودم وامگذار. ای کسی که گناهان زیانی به او نمیرساند و آمرزیدن گناهان چیزی از او نمی کاهد، آنچه را که برایت زیانی ندارد بر من ببخش و آنچه را که از تو نمیکاهد

بر من ارزانی دار. ای بسیار بخشنده، از تو گشایشی زود هنگام و صبری زیبا و عافیت از هر بلا و شکر عافیت مسألت مینمایم.

در کتاب دعایی از امام کاظم علیه السلام در زیر ناودان کعبه وارد شده و روایت شده است که در آن اسم اعظم وجود دارد: یا نور یا قدوس سه مرتبه، یَا حی یا قیوم سه مرتبه، یَا حَیُّ لا یَموتُ سه مرتبه، یَا حیُّ حینَ لا حَیّ سه مرتبه، یَاحَیُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سه مرتبه، أَسْأَلُکَ یَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ چهار مرتبه، یَا حَیُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُکَ بِلَاإِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سه مرتبه، أَسْأَلُکَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ دو مرتبه، أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ الْعَزِیزِ الْمُبِینِ سه مرتبه.

دعای حضرت در زندان رشید که موجب آزادی حضرت شد و آن را ابوالحسن رازی مؤذن حرم امام حسین علیه السلام برایم روایت کرد:

ای شنوای همه صداها، ای زنده کننده جانها پس از مرگ، من خدایی جز تو ندارم تا او را بخوانم، و شریکی نداری تا به او امیدوار باشم، بر محمد و آل او درود فرست و مرا از بلایی که در آنم رهایی بخش و از آنچه از آن هراسناک و نگرانم حفظ فرما به توان و قدرتت و به حق محمد و آل محمد، همانگونه که با رحمتت بچه را از تنگی پرده رحم و گوشت رهایی می بخشی، بر محمد و آل او درود فرست و به حق محمد و آل محمد علیهم السلام به مشیت و ارادهات مرا از بلایی که در آنم و از آن هراسناک و نگرانم نجات بده، همانگونه که به قدرت و جلال خود میوه را از میان آب و گِل و شن خارج می کنی. و بر محمد و آل محمد درود فرست و همانگونه که تخم را از شکم پرنده رها میسازی، به توان و قدرتت مرا از بلایی که در آنم واز آن بیمناک و نگرانم رهایی بخش، و بر محمد و آل او درود فرست و به حق محمد و آل محمد علیهم السلام به نعمت و بزرگی ات مرا از بلایم و از آنچه از آن نگران و ترسانم خلاص کن. و بر محمد و آل او درود فرست و و به حق محمد و آل محمد، همانگونه که به عزتت پرنده را از داخل تخم رها می کنی، به قدرتت مرا از این بلا و از آنچه از آن خائف و نگرانم خلاص عطا فرما که تو بر همه چیز توانایی.

دعای حضرت در لحظه ورود بر مهدی عباسی: به قدرت و اراده خدا، اراده و قدرت تو را از خود باز میدارم و به پروردگار سپیدهدم پناه میبرم از شر همه مخلوقاتش و اینگونه میگویم هر چه خدا بخواهد میشود و هیچ توان و نیرویی نیست مگر به دست خداوند بلند مرتبه و عظیم.

دعای حضرت در زندان که در سجده و در حالی که گونه هایش را بر خاک می مالید، می خواند: ای ذلیل کننده هر گردنکش و عزیز کننده هر ذلیل، به حقت قسم، رنج و سختیام به اوج رسیده است، پس بر محمد وآل محمد درود فرست و مرا رهایی ببخش.

دعای آقایمان امام رضا علیه السلام زمانی که مأمون بر ایشان خشم گرفته بود و بر اثر دعا آرام شد: به نام خدا آغاز می کنم و از خدا نجات میخواهم و به وسیله محمد صلی الله علیه وآله رو میکنم. خداوندا تمامی غصههای امورم را بر من راحت ساز و و سختی هایش را بر من آسان ساز که تو هر چه را خواهی محو یا اثبات میکنی و اصل کتاب در نزد توست.

و به سند از علی علیه السلام روایت کرده که فرمود: هیچ امری مرا غمگین نکرد و هیچ تنگنایی در معیشتم پدید نیامد و با هیچ سختی رو به رو نشدم مگر اینکه این دعا را در آن خواندم و خداوند غم و غصهام را برطرف ساخت و مرا بر دشمنانم پیروز کرد. این آخرین مطلبی بود که به خط شیخ محمد بن علی جُبَعی یافتم.

3. العدد القویه. پرده دار منصور روایت می کند، آنگاه که خلافت او مستقر گشت، به ربیع گفت: فردی را دنبال جعفر بن محمد بفرست. سپس بعد از ساعتی گفت: مگر به تو نگفتم دنبال جعفر بن محمد بفرستی؟ به خدا قسم او را نزد من میآوری وگرنه تو را میکشم. من نیز چارهای ندیدم و پیش امام رفتم و گفتم: یا اباعبدالله، دعوت امیرالمومنین را اجابت فرما. حضرت با من به راه افتاد. وقتی نزدیک در رسیدیم، حضرت را دیدم که لبانش را حرکت میداد. سپس امام داخل شد و بر منصور سلام کرد، اما او جواب امام را نداد، حضرت ایستاد اما منصور او را دعوت به نشستن نکرد. سپس سرش را بلند کرد و به امام عرض کرد: ای جعفر! تویی که مدتهاست برضد من سخن میگویی و نیرو جمع می کنی ، پدرم از پدرش از جدش

از پیامبر نقل کرد که : نقل میکند که هر پیمان شکنی در روز قیامت پرچمی دارد که بدان شناخته می شود؟ ! حضرت فرمود: و پدرم از پدرش از جدش روایت کرد که پیامبر فرمود: در روز قیامت یک منادی از دل عرش ندا در میدهد که هر کسی پاداشی بر گردن من دارد، برخیزد؛ و هیچ کسی بر نمیخیزد مگر کسی که برادرش را عفو کند. حضرت سخنانش را ادامه داد تا اینکه خشم منصور فرو نشست و با امام نرم شد و گفت: یا اباعبدالله بنشین، یا اباعبدالله برخیز. سپس روغن عطری خواست و با دست خود بر امام زد، به طوری که روغن از میان انگشتان امیرالمومنین منصور فرو میریخت. سپس به امام عرض کرد: یا اباعبدالله در پناه خدا برگرد. و به من گفت: هدیه امام صادق علیه السلام را به دنبالش ببر و آن را برایش دو برابر کن. ربیع می گوید: به دنبال حضرت رفتم و به او گفتم: یا اباعبدالله از محبتم به خودتان خبر دارید. فرمود: بلی ای ربیع تو از مایی و من از پدرم از پدرش از جدش از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیدم که حضرت فرمود: دوستدار یک قوم از آنهاست، و تو نیز از مایی. عرض کردم: چیزی دیدم که قبلاً ندیده بودیم و چیزی شنیدم که قبلاً نشنیده بودیم. شما در حالی بر منصور وارد شدی که لبانتان به هم میخورد. حضرت فرمود: دعایی را میخواندم. عرض کردم: آیا آن را در هنگام ورود حفظ کردید یا از پدران پاکتان به شما رسیده است؟ فرمود: از خودم نبود، بلکه پدرم از پدرش از جدش از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرد که هرگاه چیزی حضرت را غمگین میساخت، این دعا را میخواند که به آن دعای فرج گفته میشد و دعا این است:

خداوند ا مرا با چشمانی که خواب در آنها راه ندارد، حفاظت فرما و مرا در پناه رکن آسیب ناپذیرت محافظت کن و با قدرت خود بر من رحم کن و مرا هلاک نکن که امیدم تویی. خدایا چه بسیار نعمتی که با آن بر من انعام کردی و شکر من بر آنها اندک شد، و چه بسیار بلایی که مرا بدان مبتلا نمودی که بر آنها کم صبری نمودم. پس ای خدایی که بر نعمتش کم شکری نمودم، اما محرومم نساخت و با وجود ناشکیبایی ام بر بلاها مرا خوار و دلیل نساخت، و ای خدایی که مرا در حال گناه دید ولی رسوایم نساخت. از تو می خواهم که بر محمد وآل محمد درود فرستی، خدایا با

امکانات دنیا مرا بر دینمم و با تقوا بر آخرتمیاری کن و از چیزهایی که بر من پوشیده است، حفظ کن و در اموری که بر آن واقفم به خودم وامگذار. ای کسی که گناهان به او زیانی نمی رساند و آمرزیدن گناهان چیزی از او نمیکاهد، آنچه را که برایت زیانی ندارد بر من ببخش و آنچه را که از تو نمیکاهد بر من ارزانی دار. که تو پروردگار بسیار بخشنده ای، از تو گشایشی زود هنگام و صبری زیبا و روزی فراخ عافیت از هر بلا و شکر عافیت مسألت مینمایم.

و در روایت دیگر و از تو عافیتی کامل و دائمی میخواهم و بینیازی از مردم را از تو مسألت دارم و هیچ توان و اراده ای جز به دست خداوند بلند مرتبه و عظیم نیست.

ربیع گوید: این دعا را از امام صادق علیه السلام در کاغذی نوشتم و الان در جیبم است. موسی بن سهل نیز می گوید: من نیز آن را از روی ربیع نوشتم و الان در جیبم است. محمد بن هارون نیز می گوید: من هم از روی عیسی نوشتم و در جیبم است و علی بن احمد حسابدار نیز می گوید که من هم از روی نسخه محمد بن هارون نوشتم و الان در جیبم دارم. علی بن حسن نیز گفت: من از روی محتسب نوشتم و الان در جیبم دارم. و سُلّمی و ابوصالح و ابومنصور نگهبان نیز مانند این مطلب را گفته اند.

میگویم: این دعا از از ادعیه عظیم الشأن است، اما اختلافات اساسی در الفاظ و فقرات آن در روایات وجود دارد. برخی روایات مطابق نخستین روایتمان از مهج سید بن طاووس رضوان الله علیه است، و برخی از آنها مطابق روایتی است که به خط شیخ محمد بن علی جبعی از دعاهای حضرت یافتیم. و برخی دیگر نیز مطابق روایتمان از کتاب العدد القویه است. البته در برخی کتب نیز دعا اینگونه روایت شده است:

خداوندا ما را با چشمانی که خواب در آنها راه ندارد، حفاظت فرما و در پناه رکن آسیب ناپذیرت محافظت کن و با قدرت خود بر ما رحم کن و ما را هلاک نکن که امید ما تویی. خدایا چه بسیار نعمتی که با آن بر من انعام کردی و شکر من بر آنها اندک شد، و چه بسیار بلایی که مرا بدان مبتلا نمودی و بر آنها کم صبری نمودم. پس

ای خدایی که بر نعمتش کم شکری نمودم اما محرومم نساخت و با وجود ناشکیبایی ام بر بلاها مرا خوار و دلیل نساخت، و ای خدایی که مرا در حال گناه دید ولی رسوایم نساخت. ای اهل نیکیهای دائمی و تمام ناشدنی، و ای صاحب نعماتی که قابل شمارش نیست، بر محمد وآل مطهر او درود فرست، خدایا تو را در مقابله با دشمنان و گردنکشان پیشقدم می کنم. خدایا با امکانات دنیا مرا بر دینم و با تقوا بر آخرتم یاری کن و از چیزهایی که بر من پوشیده است، حفظ کن. و در اموری که بر آن واقفم به خودم وامگذار.ای کسی که بخشش چیزی از او نمیکاهد و گناه زیانی به او نمیرساند، از تو گشایشی زود هنگام و صبری زیبا و روزی فراخ و عافیت از هر بلا و شکر عافیت مسألت مینمایم ای صاحب عافیت. به رحمتت ای مهربانترین مهربانان و درود خداوند بر مولایمان محمد و اهل بیت مطهر او. خداوندا ما را ببخش و بر ما رحم کن.

روایات:

می گویم: برخی از دعاهای ایشان در باب دعاهای پدرشان امام صادق علیه السلام نیز آمده بود که یادآوری می شود. از آن جمله دعای معروف به جوشن صغیر است.

1. مهج الدعوات: محمد بن عبدالله نهشلی از پدر خود روایت می کند که گفت: از امام ابوحسن موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمود: سخن گفتن از نعمت های خداوند شکر است و انجام ندادن این کار کفر است. پس از نعمت های پروردگارتان سپاس گزاری کنید و اموالتان را با زکات بیمه کنید و بلاها را با دعا برطرف سازید، به راستی که دعا سپری نجات بخش است که بلا را برطرف می کند، هرچند سخت و شدید شده باشد. هنگامی که حسین بن علی صاحب فخّ کشته شد، - او حسین بن علی بن حسن بن حسن بود - بر سر چاه فخّ، و مردم از اطرافش

پراکنده شدند، سر او را به همراه یارانش که اسیر شده بودند، نزد موسی بن مهدی بردند. هنگامی که چشمش به آن ها افتاد چنین سرود:

ای عموزادگان ما، پس از این شعری نگویید

چرا که قافیه ها را در دشت غمیم دفن کرده اید

پس ما هم چون کسی نیستیم که آرزوی رسیدن به او را داشته اید

تا ستم را بپذیریم یا کسی را قاضی کنیم

بلکه شمشیر میان ما حکم می کند

و اگر شمشیر راضی شود، ما هم راضی هستیم

جنگی که میان ما در گرفت، برایم ناپسند بود

ای عموزادگان ما، اگر این کار نزدیک شده بود

پس اگر بگویید ما ستم کردیم ما ظلمی نکرده ایم

اما در داوری اشتباه و بدی کردیم

سپس یکی از اسیران را آورده و او را توبیخ کرد و کشت، و همین کار را با گروهی از فرزندان امیرمؤمنان علیه السلام انجام داد و به سراغ طالبیین رفت و آن ها را دشنام می داد. پس وقتی نام موسی بن جعفر علیه السلام را برد او را نیز دشنام داد.

سپس گفت: به خدا سوگند حسین - صاحب فخ - تنها به فرمان او قیام کرد و فقط از دوستی ایشان پیروی کرده است، چرا که او صاحب وصیت - جانشینی پیامبر- در این خاندان است و خدا مرا بکشد اگر او را زنده بگذارم. پس ابویوسف یعقوب بن ابراهیم قاضی که با جرأت و جسارت بود پرسید: ای امیرمؤمنان، آیا بگویم یا ساکت شوم؟ گفت: خدا مرا بکشد اگر موسی بن جعفر را ببخشم، اما اگر نبود چیزی که از مهدی منصور شنیدم درباره برتری آشکاری که جعفر -علیه السلام- در خاندان خود در دین و دانش و بزرگی دارد، و آن چه سفاح در ستایش و برتری او گفته است، قبر او را می شکافتم و او را به شدت با آتش می سوزاندم. پس ابویوسف گفت: زنان او همگی مطلقه باشند و جمیع کنیزان و غلامان او آزاد باشند و همه اموال او در راه خدا صدقه باشد و تمام چهار پایان او در راه خدا وقف باشد و بر او حج خانه پیاده لازم باشد که اگر شیوه عمل موسی بن جعفر علیه السلام یا کسی از فرزندان او خروج نمودن بر تو باشد. و سزاوار نیست آنکه این خیال در خاطر ایشان گذرد. سپس زیدیه و عقیده آنان را یادکرد و گفت: از زیدیه کسی باقی نمانده به جز همین گروهی که به همراه حسین قیام کرده بودند و امیرمؤمنان بر آن ها پیروز شده است، و پیوسته با او مهربانی نمود تا خشم او آرام گرفت.

راوی گوید: علی بن یقطین همه این حکایت و صورت واقعه را نوشته، به خدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرستاد. پس چون کتابت به

خدمت آن حضرت رسید و صبح گردید، آن حضرت اهل بیت و شیعیان خود را حاضر نمودند و

ص: 386

همگی را از مضمون کتابت مطلع گردانیده، فرمودند که چه مصلحت می دانید و رأی شما در این باب چیست؟ پس همگی گفتند که: خدای تعالی حال ترا و ما را اصلاح کند، چنین صلاح می دانیم که باید بدن خود را از این جبار لعین دور سازی و پنهان نمایی. زیرا از شرّ او و دشمنی او و خشم او ایمن نمی توان بود. خصوصا آنکه ترا و ما را تهدید نموده است. پس موسی بن جعفر علیهما السلام لبخندی زده و این شعر را از کعب بن مالک از قبیله بنی سلمه(1)

خواندند:

سخینه

پنداشت بر آفریننده خود پیروز می شود

پس باید

بر ستیزه جویی بسیار چیره دست پیروز گردد

سپس به کسانی از خاندان و پیروان ایشان که حاضر بودند رو کرده و فرمودند: نباید بترسید چرا که اولین نامه ای که از عراق برسد، خبر مرگ و نابودی موسی بن مهدی را خواهد آورد. گفتند: خداوند کار تو را نیکو گرداند، چگونه چنین است؟ پس فرمود: سوگند به حرمت این قبر که او همین امروز مرده است و به خدا سوگند این خبر مانند سخن گفتن شما راست است، به شما خواهم گفت که من در نمازخانه خود نشسته بودم و از ذکر فارغ شده بودم که چشمانم را خواب فراگرفت و جدم پیامبر خدا را در خواب دیدم، پس به ایشان از موسی بن مهدی شکایت کردم و آن چه درباره خاندان او انجام داده گفتم و از ظلم و ستم او بیمناک بودم، پس به من فرمودند: شادمان باش ای موسی، چرا که خداوند راهی به سوی تو برایش نخواهد گذاشت. و ایشان در حال سخن گفتن با من بودند تا این که دستم را گرفته و فرمودند: همانا خداوند دشمنت را نابود کرده است پس باید به شایستگی از او سپاس گزاری نمایی. گفت: سپس ابوحسن رو به قبله کرد و دستانش را به سوی آسمان بلند کرده و دعا کرد.

ابو وضاح از پدرش روایت کرده که گفت: گروهی از نزدیکان ابوالحسن علیه السلام از پیروان و خانواده ایشان در مجلس او حاضر بودند و در آستین های

1- . او از شاعران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بوده که آزارها را از ایشان بازمی داشته است، و سخن او: «زعمت سخینه» یعنی قریش، و السخینه غذایی است که از آرد درست می شود، غلظت آن از حلوا کمتر و از شوربا بیشتر است. قریش را به خاطر خوردن آن به این نام میخوانند.

خود ورق های نازک آبنوس و قلم هایی داشتند و هنگامی که ابوالحسن سخنی می گفت یا درمورد مسئلهای فتوا می داد، مردم آن چه را شنیده بودند می نوشتند. گفت: و شنیدیم که در دعای خود می گفت: سپاس از آن خداست که بزرگی اش شکوهمند است:

دعاء: پروردگارا، چه بسیار دشمنانی که شمشیر دشمنی خود بر من کشیده و سرنیزه و شمشیرش را برای من تیز نموده و کناره های آن را صیقل داده و زهری کشنده برایم حل کرده و تیرهایی که به خطا نمی رود به سویم روانه کرده و چشم دیده بانی اش از من به خواب نمی رود و اندیشه بدترین آزارها را برایم دارد و جام سختی های کشنده را به من می نوشاند. پس ناتوانی ام را در تحمل ناگواری ها و پیروزی بر کسی که قصد جنگ با مرا دارد و تنهایی ام را در برابر تعداد زیاد آن ها دیدم و کمین هایی برایم گذاشته اند که اندیشه ام به آن نمی رسد، اما تو با نیروی خود یاری ام کردی و بازویم را با کمکی از جانب خودت نیرومند ساختی و تیزی شمشیرش را کند کردی و پس از جمع آوری نفرات بسیار، او را خوار نمودی و مرا بر آنان برتری بخشیدی و حیله هایی را که برای من اندیشیده بود به خودش بازگرداندی، جوش و خروش او آرام نگرفت و شعله های خشمش فروکش نکرد و از شدت خشم سرانگشت را به دندان می گزید و در حالی که سپاهیانش شکست خورده بودند بازگشت.

پس سپاس برای توست پروردگارم، توانمندی هستی که هرگز شکست نمی خورد و بردباری هستی که هرگز تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت های خود و یادکننده بخشش هایت قرار ده. بارالها، چه بسیار ستمکاری که با حیله هایش به من ستم کرده و دام های خود را برای من گسترانده و پیوسته در جستجوی من است و مانند درنده ای که خود را برای شکار پنهان می کند در انتظار فرصت است، در حالی که با چاپلوسی تظاهر به خوشرویی می کند و به دروغ گشاده رویی می نماید. پس هنگامی که تبهکاری درونش را دیدی و زشتی هایی را که برای شریک خود پنهان داشته و در ستم کاری خود بر من پرخاش و تندی کرد، او را با سر واژگون کردی و از اساس او را ریشه کن نمودی، پس او را

در گودالی که خودش برای شکار کنده بود بر زمین زدی و در حفره خودش او را هلاک کردی و گونه اش را ظرف خاک کف پایش قرار دادی و او را با بدن و روزی اش مشغول کردی و او را با سنگ خودش زدی و با ریسمان خودش گریبانش را گرفتی و با تیرهای او گلویش را بریدی و او را به روی بینی اش افکندی و حیله اش را به مقابل خودش بازگرداندی و پشیمانی اش را بر او ثابت نمودی و با حسرتش او را نابود کردی، و بعد از خودبینی و غرور احساس خواری و ناتوانی و حقارت کرد و پس از تکبر با ذلت و خواری با ریسمانی که در روز چیرگی امیدوار بود مرا با آن ببیند، درهم شکسته شد و تو با او حیله کردی ای پروردگارم، اگر مهربانی تو نبود آن چه بر سر او آمد اکنون برای من رخ داده بود. پس سپاس مخصوص توست، ای نیرومندی که شکست نمی خورد و ای بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و یادکننده نیکی هایت قرار ده.

پروردگارا، چه بسیار حسودی که با حسادت خود به من روی کرده و با خشم خود اختلاف افکند و با زبان تند خود مرا آزرد و با گوشه چشمش مرا اندوهگین کرد و آبرویم را هدف مقاصد خود قرار داده و غلاف شمشیری را که پیوسته با آن بود بر گردنم آویخت، پس تو را خواندم ای پروردگارم در حالی که به تو پناهنده شده بودم و به پاسخ سریع تو اطمینان داشتم و به دفاع نیکویی که از تو می شناختم توکل کرده بودم و می دانستم آن کس که به سایه حمایت تو پناه آورد ستمدیده نخواهد شد، و بلاها به کسی که خود را در پناهگاه یاری تو پناه دهد روی نمی کند. پس با قدرت خودت مرا از آسیب او نگاه داشتی. پس سپاس مخصوص توست، ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده.

بارالها، چه بسیار ابرهای بلایی که آن را دور کردی و آسمان نعمتی که آن را به بارش واداشتی و ستون های بزرگواری که آنها را جاری ساختی و چشم های گورستان هایی که آن را کور کردی و ابرهای رحمتی که آن را گستراندی و لباس عافیتی که آن را پوشاندی و ویرانی های اندوهی که آن را برطرف نمودی و کارهای

پیوسته ای که وقتی آن را درخواست نمودم از آن ناتوان نبودی و چون آن را خواستم برایت غیرممکن نبود. پس سپاس مخصوص توست، ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و یادکننده نیکی هایت قرار ده. خداوندا، چه بسیار گمان نیکی که آن را راست گرداندی و بدون تنگ دستی توانگر کردی و چه بسیار بلای سختی که آن را دگرگون ساختی و چه بسیار زمین خورده ای که او را زنده گرداندی و سختی هایی که برطرف نمودی. آقای من، از کرده تو سؤال نمی شود و آن ها مورد سؤال قرار می گیرند. نیکی های تو چیزی از تو نمی کاهد، چرا که از تو درخواست شده و تو بخشیدی و آن جا که درخواستی از تو نشد نیز آغاز کننده بخشش بودی، آستان بخششت مورد خواهش بوده و هرگاه چیزی درخواست کردم جز نیکی و منت و بخشش نکردی ای پروردگارم، و من کاری جز نادیده گرفتن حرمت های تو و نافرمانی ات و دست اندازی به حدود و فراموشی وعده ات و فرمانبرداری از دشمن تو و دشمن خودم نکردم، ای معبود و ای یاری کننده ام، سستی من در سپاس تو مانع کامل کردن نیکی هایت نشد و نیکی های تو نیز مرا از انجام کارهایی که تو را به خشم وامی دارد بازنداشت. بارالها، پس این جایگاه بنده خواری است که به یگانگی ات اعتراف کرده و به کوتاهی خویش در ادا کردن حق تو اقرار می کند و به نعمت های فراوان و به رفتار نیک تو با خودش و نیکی های تو به او گواهی می دهد. پس ای پروردگار و معبود و آقای من، از فضل خودت آن چه را خواسته ام به سوی مهربانی ات به من ببخش تا آن را پله ای سازم که به سوی خشنودی ات بالا روم و از خشمت ایمن گردم، به عزت و بخشندگی ات و به حق پیامبرت محمد و امامان صلوات الله علیه و علیهم. پس سپاس مخصوص توست، ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده.

خداوندا، چه بسیار بنده ای که صبح و شام می کند در اندوه مرگ و رفت و آمد روح در گلو و نگریستن به آن چه لرزه بر اندام می اندازد و دل ها را می ترساند و من از همه آن ها در امان هستم. پس سپاس مخصوص توست، ای توانایی که شکست

نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده.

پروردگارا، چه بسیار بنده ای که صبح و شب را در بیماری و ناراحتی و با ناله و زاری سپری می کند، در غم و اندوه خود پهلو به پهلو می شود و هیچ گریزی ندارد و هیچ غذایی از گلویش پایین نمی رود و هیچ نوشیدنی برایش شیرین نیست، نه بر سودی توانایی دارد و نه می تواند زیانی را برطرف سازد و پیوسته در حسرت و پشیمانی است. و من در سلامتی جسم و آسودگی از همه آن ها هستم و این ها همه از جانب توست. پس سپاس مخصوص توست، ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده.

معبودا، چه بسیار بنده ای که صبح و شب در ترس و وحشت و بیم بیداری می کشد و نگران و تنها و هراسان و رانده شده و گریزان است، در تنگنایی گرفتار شده و یا در پناه گاهی پنهان شده است. زمین با همه وسعتش برای او تنگ گردیده و هیچ چاره و راه نجات و جان پناه و گریز گاهی نمی یابد. و من از همه آن ها در امان و آرامش و عافیت هستم و همگی از سوی توست. پس سپاس مخصوص توست، ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده.

پروردگارم و آقای من، چه بسیار بنده ای که پیوسته در غل و زنجیرهای آهنین در اختیار دشمنانی است که به او رحم نمی کنند، از خانواده و فرزندانش دور افتاده و از برادران و سرزمینش جدا شده، همواره در انتظار است که چگونه کشته می شود و چگونه او را قطعه قطعه می کنند . و من از همه آن در عافیت هستم. پس سپاس مخصوص توست، ای توانایی که شکست نمیخورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده. بارخدایا، ای مولای من، چه بسیار بنده ای که به تنهایی و از نزدیک جنگ و درگیری را تحمل می کند در حالی که دشمنان از هر طرف او را در بر گرفته اند و شمشیرها و نیزه ها و ابزار جنگی با همه توان خود در یکدیگر می پیچند و او هیچ

چاره ای ندارد و راه فراری نمی یابد، زخم ها او را سنگین کرده و یا در خون خود می غلطد و زیر سم چارپایان و پای سواران افتاده است، آرزوی جرعه ای آب دارد یا این که خانواده و فرزندان خود را ببیند اما نمی تواند. و من از همه آن در امان هستم و این از جانب توست. پس سپاس مخصوص توست، ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده.

بارخدایا، چه بسیار بنده ای که روز و شب را در تاریکی های دریاها و برابر تندبادها و امواج و بلاها سپری می کند. در انتظار غرق شدن و نابودی است و بر هیچ چاره ای توانایی ندارد. یا دچار صاعقه یا خرابی یا غرق شدن یا سوختگی و یا شکافتگی یا فرورفتن زمین یا تغییر صورت و یا سنگ شده است و من از همه آن ها در عافیت هستم و این از جانب توست. پس سپاس مخصوص توست، ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده.

خدایا، چه بسیار بنده ای که صبح و شام در حال سفر و دور از خانواده و سرزمین و فرزندان خود به سر می برد، در صحراهای سوزان سرگردان است و یکه و تنها با حیوانات وحشی و چارپایان و شیران بیشه راه می سپارد و نه چاره ای دارد و نه راهی را می شناسد. یا به وسیله سرما یا گرما، گرسنگی و یا برهنگی و سختی های دیگر آزار می بیند که من از آن در امان و عافیت هستم و همه آن از جانب توست. پس سپاس مخصوص توست، ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده.

پروردگارا، چه بسیار بنده ای که پیوسته فقیرو نیازمند و بدهکار و تهیدست و پریشان و هراسان و گرسنه و تشنه است و در انتظار کسی است که به او نیکی کند. و یا بنده ای آبرومندتر از من نزد تو که عبادات بیش تری از من دارد اما در بند و شکست خورده است، از رنج عبادت طولانی یا شدت بندگی و یا خسارت فراوان، پشتش سنگین شده است. یا این که دچار بلای سختی شده که جز به لطف تو

نمی تواند بر آن طاقت بیاورد. ومن خدمت گزارده دارای نعمت و بزرگ داشته شده در عافیت از همه آن ها هستم، پس سپاس مخصوص توست، ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده.

بارخدایا، ای آقا و مولای من، چه بسیار بنده ای که پیوسته رانده شده و فراری و سرگشته و حیران و گرسنه و بیمناک و زیان دیده در صحرا و خشکی هاست. گرما و سرما او را سوزانده و زندگی سخت و دشوار و جایگاه فرومایه ای دارد. با دیده حسرت به خویش می نگرد و بر سود و زیان خود توانایی ندارد. و من با لطف و بخشش تو از آن در امان هستم. پس معبودی جز تو نیست، منزهی و سپاس مخصوص توست، ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده و با مهربانی ات بر من رحم کن ای مهربان ترین مهربانان.

مولا و آقای من، چه بسیار بنده ای که ناتوان و بیمار و ناخوش در بستر بیماری افتاده و پیوسته پهلو به پهلو می شود. از لذت خوراک و نوشیدنی ها چیزی درک نمی کند و با دیده حسرت به خود می نگرد و قادر به هیچ سود و زیانی برای خویش نیست. و من با لطف و بخشش تو از همه آن در عافیت هستم. پس نیست معبودی جز تو، منزهی ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده و با مهرت خود بر من رحم فرما ای پادشاه همه مهربانان.

ای مولا و آقای من، چه بسیار بنده ای که روز و شب بر او می گذرد در حالی که روز مرگش نزدیک شده و فرشته ی مرگ در میان یارانش به او چشم دوخته، با سختی های مرگ روبرو شده و چشمانش به راست و چپ می گردند، به دوستان و یارانش نگاه نمی کند. قادر به سخن گفتن نیست و با دیده ی حسرت به خود می نگرد و قادر به هیچ سود و زیانی برای خویش نیست. و من با لطف و بخشش تو از همه آن در عافیت هستم. پس نیست معبودی جز تو، منزهی ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا عبادت

کننده ات و سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده و با مهر خود بر من رحم فرما ای پادشاه همه مهربانان.

مولا و آقای من، چه بسیار بنده ای که در تنگنای زندان ها و بندها و با اندوه و خواری و پاره های آهن سپری می کند. شعله هاو زندانبانان او را میان خود می گردانند و نمی داند با او چه می کنند و چه مجازاتی در انتظار اوست. او در پریشانی و زندگی بسیار سختی است. با دیده حسرت به خود می نگرد و قادر به هیچ سود و زیانی برای خویش نیست. و من با لطف و بخشش تو از همه آن در عافیت هستم. پس نیست معبودی جز تو، منزهی ای توانایی که شکست نمیخورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا عبادت کننده ات و سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده و با مهربانی خود بر من رحم فرما ای پادشاه همه مهربانان.

مولا و آقای من، چه بسیار بنده ای که صبح و شام را سپری می کند در حالی که قضا و بلا او را دربرگرفته و دوستان و یارانش از او جدا شده اند. خوار و کوچک و اسیر دست کافران شده و پیوسته او را به راست و چپ می گردانند. در سیاه چال ها افکنده شده و آهن ها بر او سنگینی می کند. روشنایی و آرامش دنیا را نمی بیند و با دیده حسرت به خود می نگرد و قادر به هیچ سود و زیانی برای خویش نیست. و من با لطف و بخشش تو از همه آن در عافیت هستم. پس نیست معبودی جز تو، منزهی ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا عبادت کننده ات و سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده و با مهر خود بر من رحم فرما ای پادشاه همه مهربانان.

مولا و آقای من، چه بسیار بنده ای که صبح و شام را می گذراند در حالی که مشتاق و آرزومند دنیاست تا جایی که خودش و اموالش را از روی حرص به آن به خطر انداخته و سوار بر کشتی شده و آن را شکسته است و اکنون روی کناره های دریاها و تاریکی های آن است. با دیده حسرت به خود می نگرد و قادر به هیچ سود و زیانی برای خویش نیست. و من با لطف و بخشش تو از همه آن در عافیت هستم. پس نیست معبودی جز تو، منزهی ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا عبادت کننده ات و سپاس گزار

نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده و با مهرت بر من رحم فرما ای پادشاه همه مهربانان.

مولا و آقای من، چه بسیار بنده ای که صبح و شام را سپری می کند درحالی که قضا بر او تداوم یافته و بلا و کافران و دشمنان به او چشم دوخته اند. نیزه ها و شمشیرها و تیرها او را گرفته اند و بر زمین افتاده و زمین از خونش نوشیده و درندگان و پرندگان گوشتش را خورده اند و من با لطف و بخشش تو از همه آن در عافیت هستم نه با شایستگی خویش. ای آن که معبودی جز تو نیست، منزهی ای توانایی که شکست نمیخورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده و با مهر خود بر من رحم فرما ای پادشاه همه مهربانان.

قسم به عزتت ای بخشنده، آن چه را نزد توست درخواست می کنم و به تو اصرار می ورزم و به تو پناهنده می شوم و دستانم را با همه گناهکاری اش به سویت دراز می کنم. پس به چه کس پناهنده شوم و به که پناه ببرم من که جز تو کسی را ندارم. آیا مرا رد می کنی در حالی که تکیه گاه من تویی؟ از تو درخواست می کنم به نامت که آن را بر آسمان قرار دادی و آرام گرفت، و بر کوهها پس ثابت شدند و بر زمین پس اسقرار یافت و بر شب نهادی پس تاریک شد، و بر روز گذاشتی و نورانی گردید، تا بر محمد و خاندانش درود فرستی و همه حاجت هایم را برآورده سازی و همه گناهانم را از بزرگ و کوچک ببخشی و روزی ام را چنان گسترده سازی که با آن مرا به بزرگی دنیا و آخرت برسانی. ای مهربان ترین مهربانان.

مولای من، از تو یاری خواستم، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و یاری ام کن. و به تو پناه آوردم، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و پناهم بده و با فرمانبرداری از خودت مرا از فرمانبرداری بندگانت بی نیاز گردان، و با درخواست از خودت مرا از درخواست از آفریدگانت بی نیاز کن و از خواری فقر مرا به عزت بی نیازی و از فرومایگی گناهان به عزت اطاعتت منتقل فرما. پس به راستی که از روی بخشش و لطف و نه از روی شایستگی ام مرا بر بسیاری از آفریدگانت برتری دادی. پس سپاس برای همه آن ها مخصوص توست. بر محمد و خاندانش درود

فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده و با مهرت بر من رحم کن ای مهربان ترین مهربانان.

گفت: پس از آن مولای ما ابوالحسن علیه السلام به ما رو کرد. سپس گفت: شنیدم از ابوجعفر بن محمد که از پدرش علی بن حسین نقل می کرد از پدرش از جدش أمیرمؤمنان علیه و علیهم السلام که از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله شنید که فرمود: به نعمت خداوند پروردگارتان اعتراف کنید و از همه گناهانتان به سوی او بازگردید و توبه کنید، پس به راستی که خداوند بندگان سپاس گزار خود را دوست می دارد.

گفت: سپس برای نماز برخاستیم و مردم پراکنده شدند و گرد هم نیامدند تا این که نامه مرگ موسی بن مهدی و بیعت برای هارون الرشید رسید(1).

کتاب عتیق غروی: ابومفضل شیبانی با اسناد یاد شده مانند آن را آورده است.

می گویم: در نسخه های مهج پس از پایان شرح جوشن مطلبی را با این لفظ دیدم: و از جمله، شرح معروف برای دعای جوشن است. نویسنده آن که نیازمند به درگاه خداوند متعال است، أبو طالب بن رجب می گوید: دعای جوشن را و داستان و فضیلت آن را در یکی از کتاب های جد رستگارم تقی الدین حسن بن داود با روایتی جز این دیدم، و دوست داشتم آن را در این جا به ثبت برسانم (2). سپس حدیثی را که ما در شرح دعاء جوشن صغیر(3)

آورده ایم بیان می کند. و این از سخنان سید بن طاوس نیست و فقط فرزند شیخ رجب آن را آورده و شاید در هر دوی آن ها آمده باشد، هرچند به نظر می رسد شیخ در مورد آن به اشتباه افتاده است.

3. مهج الدعوات: حرز مولای ما حضرت کاظم صلوات الله علیه هنگامی که ایشان را در گودال درندگان افکندند:

به نام خداوند بخشنده مهربان، معبودی جز الله نیست، یکتا و یگانه است، وعده خود را به انجام رسانده و بنده اش را یاری نموده و سپاه خود را ارجمند کرده و

1- . مهج الدعوات :268- 281
2- . مهج الدعوات :281
3- . در شرح دعای جوشن کبیر خواهد آمد.

گروه ها را به تنهایی شکست داد . و سپاس برای خداوند پروردگار عالمیان است. روز و شب را سپری کردم در پناه خداوند که آسیبی در آن راه ندارد و پرده او که بادها آن را نمی درند و نیزه ها آن را نمی شکافند و پناه خداوند که هرگز شکسته نمی شود و عزتش که خواری در آن نیست و شکست نمی خورد و در حزب او که کسی بر آن پیروز نمی شود و سپاه او که پراکنده نمی گردد. از خداوند گشایش می طلبم و از او پیروزی می جویم و بزرگی و پیروزی و نیرومندی می طلبم و پناهنده می شوم و از خداوند یاری می جویم و به نیروی خدا دشمنان خود را می زنم و با جنبشی از سوی خداوند بر آن ها پیروز می گردم و از خداوند در برابر آنان یاری می طلبم و کارم را به او وامی گزارم، خداوند برای من کافی است و او بهترین برعهده گیرنده است. آن ها را می بینی که به تو می نگرند و چیزی نمی بینند. چهره های دشمنانم سیاه شد و آن ها چیزی نمی بینند. آن ها کر و گنگ و کورند و به همین دلیل بازنمی گردند.

با کلمه خدا بر دشمنان پیروز شدم، حجت خداوند بر دشمنان بدکار و همه سربازان ابلیس پیروز شد. به شما آزاری نمی رسانند جز اندکی، و اگر با شما بجنگند به شما پشت کرده و می گریزند و کسی آن ها را یاری نخواهد کرد. هر جا یافت شوند مهر خواری بر آنان خورده است، آن ها را می گیرند و به قتل می رسانند. آن ها هرگز با همه شما نمی جنگند مگر در دژهای مستحکم یا از پشت دیوارها، پیکار آن ها در میان خودشان شدید است، آن ها را متحد می پنداری در حالی که دل هایشان پراکنده است، این به خاطر آن است که آنان قومی نادان هستند. از شر آن ها در پناه مستحکمی پناه گرفتم، پس قادر نبودند از آن بالاروند و نمی توانستند در آن سوراخی ایجاد کنند. پس به تکیه گاه محکمی پناهنده شدم و به غار بلند و نگهدارنده ای پناه بردم و به ریسمان استواری چنگ زدم و هیبت امیرمؤمنان را بر خود پوشاندم و به پناه سلیمان بن داود پناهنده شدم و با انگشتر او خود را نگاه می دارم. پس هر کجا که باشم در امنیت و آرامش هستم و دشمنم در وحشت ها سرگردان است و با خواری و پستی پوشیده شده و به دست کو چک ها نابود شده است.

پرده های قدرت را بر خود انداختم و کالبد هیبت را به خود آویختم و تاج کرامت را بر سر گذاشتم و شمشیر عزت را که هرگز کند نمی شود حمایل کردم، و از گمان ها پنهان شدم و از دیده ها خود را پوشاندم و روحم را ایمن گرداندم و از دشمنانم در سلامت ماندم، در حالی که آنان از من می ترسند و برایم فروتنی می کنند و می گریزند. گویی گورخرانی رمیده اند که از مقابل شیران می گریزند. دستانشان از رسیدن به من کوتاه مانده و گوش هایشان از شنیدن سخنم ناتوان است و دیده هایشان از دیدن من نابینا شده و زبان هایشان از یاد من لال گشته و خردهایشان از شناختن من غافل شده و دل هایشان هراسان است و بندهایشان از ترس من به خود می لرزد، تیزی هایشان کند شده و شکوهشان در هم شکسته و سرهایشان به زیر افکنده و اراده هایشان سست شده و اجتماعشان پراکنده شده و سخنانشان متفاوت گردیده و کارهایشان پراکنده شده و سپاهشان ناتوان گشته است، پشت کرده و می گریزند، به زودی جمعشان شکست خورده و پا به فرار می گذارند، رستاخیز موعد آن هاست، و مجازات قیامت تلخ تر و دردناک تر است.

به برتری محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله و سلم و با برتری خداوند که با آن بر صاحبان جنگ ها برتری یافته بر آنان برتری یافتم، سر فروافکننده اسبان و نابودکننده تیرها و شمشیرها. با نام های نیکوی خدا و کلمات والای او بر آن ها عزت می جویم و با نیروی خداوند خود را دربرابر دشمنانم آماده می کنم، آسیبی سخت و فرمانی آماده. آنان را خوار کردم و سرهایشان را جمع نمودم و گردن هایشان را پایمال کردم، پس با فروتنی گردن ها را برایم خم نمودند.

هر کس اندیشه بدی درباره من کرد ناامید شد و هر که با من دشمنی نمود نابود شد. من تأیید شده و شادمان و پیروزمند یاری شده هستم. کلمه تقوی مرا گرامی داشت و به ریسمان محکم چنگ زدم، پس تا همیشه نه ستم ستمگران به من آسیبی می رساند و نه فریب فریب کاران و نه حسادت حسودان. هیچ کسی به من دسترسی نخواهد داشت و هیچ کسی ضرری برایم نداشته و کسی بر من توانایی نمی یابد. بلکه من پروردگارم را می خوانم و برای او هیچ کس را شریک قرار نمی دهم.

ای بخشنده، با امنیت و سلامت از دشمنان بر من لطف کن و میان من و آن ها فرشتگان سخت گیر و تندخو را حائل قرار بده و و با سربازان انبوه و ارواح فرمانبردار مرا یاری کن تا آن ها را با دلایل رسا برانند (سنگسار کنند) و سنگ های خردکننده به سویشان پرتاب کنند و با شمشیر بران آن ها را بزنند و با شهاب سوراخ کننده و آتش سوزان و شعله های گدازان و دود نافذ آن ها را برانند. از هر سو رانده می شوند و عذاب دائمی و همیشگی برای آن هاست.

آن ها را خوار گرداندم و شکنجه دادم و بر آنان برتری یافتم با بسم الله الرحمن الرحیم، با طه و یس و ذاریات و طواسین و تنزیل و حوامیم و کهیعص و حم عسق و ق و قرآن بزرگ و تبارک و ن و قلم و آن چه با آن می نویسند و با جایگاه های ستارگان و با طور و کتاب نوشته شده در سطرها در صفحه ای گسترده و بیت المعمور و سقف برافراشته و دریای مملو برافروخته،

که عذاب پروردگارت واقع می شود و چیزی از آن مانع نخواهد بود. پس پشت کرده و می گریزند و عقب نشینی می کنند و در خانه هایشان با سینه می افتند. پس حق آشکار شده و آن چه ساخته بودند باطل شد. پس آن جا بود که همگی شکست خورده و خوار شدند و ساحران به سجده افتادند. پس خداوند بدی های نیرنگ آنان را از او بازداشت و آن چه را مسخره می کردند بر آن ها فرود آورد. عذاب سخت بر خاندان فرعون فرود آمد. و حیله کردند و خداوند نیز حیله کرد و او بهترین مکرکنندگان است.

کسانی که مردم به آن ها گفتند: «به راستی مردم علیه شما جمع شده اند، پس از ایشان بترسید» و ایمانشان از شنیدن این سخن بیشتر شد و گفتند: خدا برای ما کافی است و او بهترین برعهده گیرندگان است. سپس با نعمتی از جانب خداوند بازگشتند و هیچ بدی به آن ها نرسید و خشنودی خدا را دنبال کردند و خداوند دارای بخشش بی کران است.

خداوند ا، از بدی های آن ها به تو پناه می آوردم و به وسیله تو آنان را دفع می کنم و بهترین هایی را که نزد توست از تو درخواست می کنم. و خداوند شر آن ها را بازخواهد داشت و او شنوا و داناست. جبرئیل از جانب راست من و میکائیل از جانب چپم و اسرافیل از پشت سرم و محمد صلی الله علیه و آله شفیع من در مقابلم

باشد و خداوند بر من اشراف دارد. ای آن که میان دو دریا مانعی قرار دادی، میان من و دشمنانم مانعی بگذار تا هرگز با هیچ بدی به من نرسند. میان من و آن ها پوشش خداوند است که با آن پیامبران را از فرعون ها پوشاند و هر کس در پوشش خدا درآید حفظ می شود.

خداوند برای من کافی است، او که مرا کفایت می کند از آن چه هیچ کس از خلقش مرا کفایت نمی کند. و هنگامی که قرآن می خوانی میان تو و آنان که به آخرت ایمان ندارند حجابی پوشیده قرار می دهیم. در گردن هایشان زنجیرهایی افکنده ایم که تا چانه ها ادامه دارد، پس سرهایشان به بالا نگاه داشته شده است. و در مقابل و پشت سر آنان مانعی قرار دادیم و آنان را پوشانیدیم و آنان چیزی نمی بینند .

خداوند ا، پرده های نگهبانی ات را که بادها آن را نمی درد و نیزه ها آن را نمی شکافد بر من بیفکن، و روحم را با روح قدسی خودت نگاه دار که هر که را با آن نگاه داشتی در دیده ها و در قلب های همه مردم بزرگ گشته است. و با نام های نیکو و نقش های والایت مرا در خیر همه آن چه در دنیا و آخرت به آن امید دارم موفق گردان. دیده های بینندگان را از من بازدار و قلب هایشان را از بدی هایی که درباره من پنهان می دارند برگردان به سوی آن چه کسی جز تو مالک آن نیست.

خداوند ا، پناه من تویی و به تو پناه آورم، و تو پناه گاه من هستی و به تو پناهنده می شوم. پروردگارا، همانا ترس من شب و روز را سپری می کند در حالی که به چهره پایدار تو که هرگز نابود نمی شود پناهنده شده، ای مهربان ترین مهربانان. منزه است خدایی که با قدرت خود دریاها را به تلاطم واداشت و با سخن خود آتش را بر ابراهیم خاموش کرد و با بزرگی اش بر عرش راست گردیده، و به موسی گفت: پیش بیا و نترس که تو از ایمن شدگان هستی. به راستی فرستادگان نزد من نمی ترسند. نترس که از گروه ستمگران نجات یافته ای. تو از پایان و عاقبت هیچ چیز نمی ترسی و هراسان نمی شوی. نترس که همانا تو برتری. و توفیق من تنها از جانب خداست، به او توکل کردم و به درگاه او زاری می کنم. و هر کس از خدا پروا کند برایش راه نجاتی قرار می دهد و او را از جایی که گمان نمی کند روزی می دهد. و هر کس بر خدا توکل کند، خداوند برایش کافی است، همانا خداوند فرمان خود را می رساند و به

راستی که او برای هر چیز اندازه ای قرار داده است. آیا خداوند برای بنده اش کافی نیست؟ و هیچ نیرو و جنبشی مگر از سوی خدای بزرگ و بلند مرتبه نیست و هر چه او بخواهد می شود(1).

4. مهج الدعوات: و از آن جمله دعایی است که پیامبر صلی الله علیه و آله در زندان به موسی بن جعفر علیهما السلام آموختند. با سند صحیح از عبدالله بن مالک روایت شده است که گفت: هارون الرشید مرا فراخواند و گفت: ای ابوعبدالله، تو در رازداری چگونه هستی؟ پس گفتم: ای امیرمؤمنان، من تنها بنده ای از بندگان تو هستم. پس گفت: به سوی آن اتاق برو و کسی را که آن جاست بگیر و از او نگه داری کن تا از تو درباره او سؤال کنم. گفت: وارد شدم و موسی بن جعفر علیهما السلام را در آن دیدم، پس هنگامی که مرا دید به ایشان سلام کردم و او را بر مرکب خودم سوار کرده و به خانه ام بردم و او را در سرای خود قرار دادم و در را بر او قفل نمودم و پیوسته به خدمت گزاری ایشان مشغول بودم. روزها گذشت و روزی متوجه شدم فرستاده هارون الرشید آمده و می گوید: پاسخ امیر مؤمنان را بده. پس برخاستم و بر او وارد شدم و دیدم نشسته و در سمت راست و چپش بستری گسترده است. پس به او سلام کردم، تنها پاسخی که داد این بود که گفت: با امانت چه کردی؟ گویی من سخنش را نفهمیدم، پس گفت: همراهت چه کرد؟ گفتم: او نیکوکار است. گفت: به سویش برو و سه هزار درهم به او بده و او را به منزل و خانواده اش بازگردان. بلند شدم و خواستم بازگردم که گفت: می دانی دلیل این کار چیست؟ گفتم: نه ای امیرمؤمنان، گفت: در بستر سمت راست خود خوابیده بودم که در خواب دیدم کسی به من می گوید: ای هارون، موسی بن جعفر را آزاد کن. بیدار شدم و گفتم شاید به خاطر اندیشه ای است که درون خویش داشته ام. پس به بستر دیگرم رفتم و باز همان شخص را دیدم که می گوید: ای هارون به تو دستور دادم موسی بن جعفر را آزاد کنی اما چنین نکردی. پس بیدار شدم و از شیطان به خدا پناه بردم. سپس روی این بستری که اکنون هستم قرار گرفتم و باز همان شخص را دیدم که خنجری در دست

1- . مهج الدعوات :300- 304

دارد که یک سر آن در مشرق و سر دیگر آن در مغرب است و به من اشاره می کند و می گوید: ای هارون به خدا سوگند اگر موسی بن جعفر را آزاد نکنی این خنجر را در سینه ات فرو می کنم و از پشتت بیرون می آورم. پس به سوی تو فرستادم. بنابراین آن چه را به تو فرمان دادم انجام بده و آن را برای کسی آشکار نکن که تو را می کشم، پس به خودت رحم کن. گفت: پس به خانه ام بازگشتم و اتاق را گشودم و بر موسی بن جعفر وارد شدم و دیدم در سجده اش به خواب رفته است. پس کنارش نشستم تا بیدار شد و سرش را بلند کرد و گفت: ای ابوعبدالله، آن چه به تو دستور داده اند انجام بده. پس به ایشان گفت: ای مولای من، شما را به خدا و به حق جدتان قسم، آیا امروز خداوند بلندمرتبه را برای گشایش خواندید؟ گفت: بلی، نماز واجبم را خواندم و سجده کردم، در سجده به خواب رفتم و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که به من گفت: ای موسی آیا دوست داری آزاد شوی؟ گفتم: بله ای پیامبر خدا، درود خداوند بر شما باد. پس فرمود: این دعا را بخوان:

ای فرستنده نعمت ها، ای برطرف کننده بلاها، ای پدیدآورنده جانها، ای از بین برنده اندوه، ای دربرگیرنده تاریکی، ای برطرف کننده بیچارگی و بیماری، ای صاحب سخاوت و بخشش، ای شنوا بر هر صدا و ای دریابنده هر گذشته و ای زنده گرداننده استخوان های پوسیده و برانگیزاننده آن ها پس از مرگ، بر محمد و خاندانش درود فرست و در کار من گشایش و راه نجاتی قرار بده، ای صاحب شکوه و بزرگی. پس به راستی من این دعا را خواندم و پیامبر خدا آن را بر زبانم قرار داد تا این که صدای تو را شنیدم. گفتم: به راستی که خداوند آن را برایت مستجاب کرد. سپس دستور هارون الرشید را به ایشان گفتم و درهم ها را با ایشان دادم(1).

5. مهج الدعوات: حرزی از مولای ما موسی بن جعفر علیه السلام. شیخ علی بن عبد الصمد رحمه الله گفت: در کتاب های یاران ما به روایت از بزرگان رحمهم الله دیدم که: هنگامی که هارون الرشید تصمیم به قتل موسی بن جعفر علیهماالسلام گرفت، فضل بن ربیع را فراخواند و به او گفت: حاجتی از تو برایم پیش آمده و از

1- . مهج الدعوات :305- 306

تو می خواهم آن را برآورده کنی و صدهزار درهم به تو می دهم. گفت: پس در این هنگام فضل به سجده افتاد و پرسید: این درخواست است یا دستور؟ گفت: درخواست است. سپس گفت: دستور می دهم هم اکنون صدهزار درهم به خانه ات ببرند و از تو می خواهم به خانه موسی بن جعفر رفته و سر او را برایم بیاوری. فضل گفت: به آن خانه رفتم و موسی بن جعفر را آن جا دیدم که به نماز ایستاده بود. پس نشستم تا این که نمازش تمام شد و به من رو کرده و لبخند زد. و گفت: می دانم برای چه آمده ای. به من فرصت بده دو رکعت نماز بخوانم. پس به او فرصت دادم، برخاست و وضو گرفت و وضو را تمام کرد و دو رکعت خواند و نماز را با رکوع و سجده نیکو به پایان رساند و پس از نماز این دعا را خواند. پس در جایی که بود فرو رفت و ناپدید شد و من ندانستم آیا زمین او را بلعید یا آسمان پنهانش کرد. پس به سوی هارون بازگشتم و داستان را برایش بازگو کردم. گفت: پس هارون گریه شدیدی کرد، سپس گفت: همانا خداوند او را از من پناه داد.

و از ایشان روایت شده که هر کس در هر روز با نیت خالص و درونی راستین آن را بخواند، خداوند او را از هر بلا و آسیبی مصون می دارد و اگر اندوهی داشته باشد خداوند او را از آن اندوه رها می سازد و شر آن را کفایت می کند. و هر کس خواندن بلد نیست باید برای تبرک آن را همراه خود داشته باشد تا خداوند به او سود برساند و به وسیله آن سختی ها و وحشت ها را از او دور گرداند، به راستی که او صاحب آن است و بر این کار تواناست. دعا چنین است:

به نام خداوند بخشنده مهربان. خداوند بزرگ است، خداوند بزرگ است، خداوند بزرگ و والاتر و باشکوه تر است از هر چه از آن می ترسم و بیمناکم، و به خدا پناه می برم –آن را سه بار بگوید- پناه خداوند قدرتمند است و ستایش او ارجمند است و معبودی جز او نیست،

یگانه است و شریکی ندارد. و درود خداوند بر محمد و خاندان او باد. پروردگارا، با دیده ات که به خواب نمی رود مرا حفظ کن و با پشتوانه ات که خمیده نمی شود مرا حمایت کن و با قدرت خود مرا ببخش که تو امید من هستی. بارالها، چه بسیار نعمتی که به من بخشیدی و سپاس گزاری من برایت اندک بوده و چه بسیار بلاهایی که مرا به آن آزمودی و شکیبایی ام در آن کم

بوده است. پس ای آن که در نعمت هایش شکر کمی گزاردم و مرا محروم نساخت، و ای آن که در بلاهایش کم شکیبا بودم و خوارم نکرد، و ای کسی که مرا در حال گناه دید و رسوایم ننمود. ای صاحب نیکی هایی که هرگز به پایان نمی رسد، ای دارنده نعمت هایی که به شمارش درنمی آید، بر محمد و خاندانش درود فرست. پروردگارا، در مواجهه با او به وسیله تو از خود دفاع می کنم و از شر او به تو پناه می برم.

خداوند ا، با دنیا مرا در دینم یاری کن و با پرهیزکاری در آخرت کمکم کن و درپیشامدها مرا به خودم وامگذار. ای کسی که گناهان ضرری برایت ندارد و آمرزش از تو نمی کاهد، آن چه را برایت ضرری ندارد بر من ببخش و آن چه را از تو نمی کاهد به من عطا کن که تو بسیار بخشنده ای. از تو گشایشی نزدیک و راه نجاتی فراخ و روزی گسترده و شکیبایی زیبا و بهبودی از همه بلاها درخواست می کنم، به راستی که تو بر هر کار توانایی.

پروردگارا، از تو درخواست گذشت و عافیت و امنیت و سلامت و شکیبایی و پایداری عافیت و سپاس گزاری در عافیت دارم و از تو می خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و مرا با عافیت در دینم و خودم و خانواده ام و مالم بپوشانی و نیز درباره برادران و خواهران مؤمنم و همه نعمت هایی که به من بخشیده ای، و ای پروردگار، همه آن ها را نزد تو به امانت می نهم و از تو درخواست می کنم مرا در پناه خودت و در نزدیکی خودت و نگهداری و پناه خودت قرار دهی. پناهت نیرومند و ستایشت ارجمند است و معبودی جز تو نیست.

بارخدایا قلبم را برای محبت و یاد خودت فارغ کن و در همه روزهای زندگی ام با ترس از خودت آن را زنده کن و توشه ام را از دنیا، پرهیزکاری قرار ده و نیرویی به من ببخش که به همه دستوراتت گردن نهم و همه موجبات خشنودی تو را فراهم آورم و فرارم را به سوی خودت قرار ده و میلم را به آن چه نزد توست قرار ده، و وحشت از مخلوقات پلیدت را و انس با دوستان و فرمانبردارانت را به قلبم بپوشان و برای هیچ کافر و ستم گری بر من منتی قرار نده و تسلطی برای آن ها بر من نگذار و مرا نیازمند آن ها نگردان.

ص: 404

معبودا، همانا جایگاه مرا می بینی و سخنم را می شنوی و پنهان و آشکارم را می دانی و هیچ چیز از کارهای من بر تو پوشیده نیست. ای کسی که توصیف وصف کنندگان او را به وصف نمی آورد و امید امیدواران از او نمی گذرد. ای کسی که پاداش نیکوکاران نزد او نادیده گرفته نمی شود، ای کسی که پیروزی اش برای ستم دیدگان نزدیک است. ای کسی که یاری اش از ستم گران دور است. بلایی را که از فلانی به من رسیده می دانی و پرده دری آن چه بازداشته بودم از روی طغیان او در نعمت هایت و فریفته شدن به پرده پوشی ات، پروردگارا، او را با توانایی ات از ستم بر من بازدار و شمشیرش را بر من کند گردان، و او را از کاری که می خواهد مشغول گردان و در آن چه نیت کرده ناتوانش کن. خداوندا اجازه ظلم بر من را به او مده و یاری ات را به من دربرابر او نیکو ساز و مرا از کارهای او نگاه دار و حالم را هم چون او قرار نده، ای مهربان ترین مهربانان.

بارالها، به تو پناهنده شدم و به تو تکیه کردم و کارم را به تو واگذاردم و تو را تکیه گاه خویش قرار دادم و ناتوانی پشتوانه ام به نیرومندی تو پناه آورده، به کسی که بر من بزرگی و توانایی دارد، پس من در پناه تو هستم و پناهنده تو مورد ظلم قرار نمی گیرد. پروردگارا، با قدرت خود بر کسی که بر من غلبه یافته چیره شو و با عزت خود آن کس را که مرا خوار کرده خوار گردان، و با عدالتت آن کس را که بر من ستم روا داشته بگیر و حق مرا از او بازستان.

پروردگارم، مرا در پناه خودت پناه ده، و با پناه خود پناهنده ات را حفظ کن و مرا در همسایگی خودت قرار ده، که همسایگی تو ارجمند و ستایشت شکوهمند است و معبودی جز تو نیست و پرده ات را که هرکس به آن پوشیده شود در امان است، بر من بیفکن و مرا در حمایت خود گیر که هر کس را تو در پناه خود گیری حفظ شده و در امان است. نیرو و جنبش و مکری مگر به فرمان خدا نیست، او که همسر و فرزندی ندارد و در پادشاهی شریکی برایش نیست و کسی او را کمک و یاری نمی رساند و او را به بزرگی یاد کن.

چه کسی جز خدا می تواند درباره خویش چاره ای اندیشد یا نیرویی در کارهایش به کار گیرد؟ پس همانا نیرو و جنبش و چاره من همگی از جانب خدای

یگانه و بی نیاز و یکتاست که نه زاده و نه زاییده شده و هیچ کس همتای او نمی باشد. هر دارنده ای خود جزو دارایی خداست و هر توانایی در برابر نیروی او ناتوان است و هر نیرومندی در مقابل خداوند، شکستپذیر است و همه چیز در اختیار خداست. هر قدرتمندی به هنگام جلوه خداوند خوار می گردد و هر بزرگی در برابر بزرگی او کوچک می شود و هر چیره ای در مقابل سلطنت او فروتن گردد و من با یاری خداوند بر هر دشمنی پیروزی و سلطه یافتم و دشمنی هر ستمگری را به وسیله خداوند دفع نمودم.

به فرمان خدا میان خود و هر ستمکار دارای قدرت و هر سخت دل متکبری و هر توانمند دارای قدرتی و فرمانروای صاحب حکمی و هر قدرتمند بزرگ و دشمن کینه توز و حیله گری و هر صیاد حیله گر (1) و هر حسود قدرتمند و فریب کار نیرنگ بازی و هر کس که با گفتار فریبنده و بدخواهی خشمگین کننده (2) یا تزویر آزاردهنده و مصیبت سرکشی علیه من کاری کرده و یا هر گردن کش دارای جاه و هر خودبین متکبری، با هر مذهب و هر وسیله ای، پس برای خود و مالم حجابی از آن چه در کتابت نازل کردی و فرمانی را که با وحی فرو فرستادی دربرابر آن قرار دادم، که هیچ سوره ای مانند آن نیامده و آن فرمان عادلانه و کتابی است که باطلی در آن راه ندارد، نه از مقابل آن و نه از پشت سرش و از جانب حکیم ستوده ای فرو فرستاده شده است.

پروردگارا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و سپاس و ستایش مرا برای خودت قرار ده همواره و پیوسته، در عافیت و بلا و سختی و آسایش، که پایان نیابد و از بین نرود. توکل می کنم به زنده پاینده ای که هرگز نمی میرد. بارالها، به تو پناه آورم و به تو متوسل می شوم و تنها تو را می پرستم و تنها از تو یاری جویم و به تو توکل می کنم و دشمنانم را دفع می کنم و در برابر آن ها از تو یاری می جویم و از تو کفایت می جویم، پس شر آن ها را از من بازدار با هرچه می خواهی و هر گونه که

1- . یعنی بازدارنده ی فریبنده. 2. مسلبه خ چنان که در اصل آمده، و در برخی دعاها از مکارم اخلاق آمده « مثلبه».
-2

می خواهی و از هرچه می خواهی. به یاری و نیروی تو، که تو بر هر کار توانایی. پس خداوند آن ها را کفایت خواهد کرد و او شنوا و داناست.

گفت ما بازویت را به وسیله برادرت نیرومند ساختیم و برای شما دو نفر نیرویی قرار خواهیم داد، پس با نشانه های ما به شما نمی رسند. شما و هر که از شما پیروی نماید پیروز هستید، نترسید که من با شما هستم، می بینم و می شنوم. گفت: دور شوید و با من سخن نگویید. شنوایی بدخواهان مرا با شنوایی خداوند و بینایی و توانایی اش را به نیروی خداوند و ریسمان محکم او گرفتم، پس هیچ راهی و نیرویی بر او ندارند. و از مقابل آن ها و از پشتشان مانعی قرار دادیم و آنها را پوشانیدیم پس چیزی نمی بینند.

بارخدایا، دست تو بالای دست هر نیرومندی است و توانایی ات ارجمندتراز هر نیرویی است و سلطنت تو بالاتر از همه سلطنت هاست. پس بر محمد و خاندانش درود فرست و در آن چه پناه و دادرسی جز تو نمی یابم، همراه من باش. به راستی که من می دانم عدالت تو از ستم ستم گران گسترده تر است و انصاف تو فراتر از ظلم ظالمان است. بر محمد و همه خاندانش درود فرست و مرا پناه ده ای مهربان ترین مهربانان. خودم را و دینم و خانواده ام و مالم و فرزندانم و هر کس را که توجه من به او می رسد و همه نعمت های خدا را که در اختیار من است پناه می دهم به نام خداوند که گردن ها در برابرش فروتن شوند، به نام خداوند که دل ها از آن هراسان است و روح ها از آن بیمناک است و به نامی که با آن اندوه داود را برطرف ساخت، و به نام خداوند که به آتش گفت: برای ابراهیم سرد و سلامت باش، و برای او حیله ای کردند پس آن ها را زیان کارترین قرار دادیم. و به اراده خداوند که در شمار نیاید و به نیروی مسلط او بر همه آفریدگانش، از شر فلانی و از شر همه آن چه خداوند مهربان آفریده است و از شر حیله و فریب و جنبش و نیرو و حیله های آنان، به راستی که تو بر هر کار توانایی.

خداوند ا، از تو یاری می جویم و به تو پناه آورم و به تو توکل می کنم و تو پروردگار عرش بزرگ هستی. پروردگارا، بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا از هر مصیبتی که در این روز و در این شب بر من فرود آمده آزاد گردان و در تمامی

روزها و شب ها از آسمان تا زمین، به راستی که تو بر هر کار توانایی. و برای من سهمی از هر نیکی در امروز و امشب و در همه روزها و شب ها از آسمان تا زمین قرار ده، به راستی که تو بر هر کار توانایی،

بارخدایا، از تو گشایش و پیروزی می طلبم و به وسیله محمد صلی الله علیه و آله به سوی تو روی می آورم و به کتابت توسل می جویم تا با لطف پنهان خود بر من مهر بورزی، به راستی که تو بر هر کار توانایی. جبرئیل از جانب راست من و میکائیل از جانب چپم و اسرافیل از مقابلم می باشد، و هیچ نیرو و جنبشی مگر از خداوند بزرگ و بلندمرتبه نیست، از پشت سر و از مقابلم، معبودی جز تو نیست، منزهی و همانا من از ستمکاران بوده ام، و درود خداوند بر محمد و خاندان پاکش باد و سلام فراوان همراه با تسلیم بر او باد(1).

6. مهج الدعوات: حرز دیگری در معنای آن از ایشان آمده است: علی بن یقطین گفته است: خبر تصمیم موسی بن مهدی را به ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام رساندم و گروهی از خاندان او نزدش بودند. پس به اهل بیتش فرمود: نظرتان چیست؟ گفتند: به نظر ما از او دوری کن و خودت را از او پنهان کن، چرا که از شر او در امان نخواهی بود. پس ابوالحسن لبخندی زد و گفت:

سخینه

پنداشت بر آفریننده خود پیروز می شود

پس باید

بر ستیزه جویی بسیار چیره دست پیروز گردد

سپس دست به آسمان گشود و گفت:

پروردگارا، چه بسیار دشمنانی که شمشیر دشمنی خود بر من کشیده و سرنیزه و شمشیرش را برای من تیز نموده و کناره های آن را صیقل داده و زهری کشنده برایم حل کرده و چشم دیده بانی اش از من به خواب نمی رود پس هنگامی که ناتوانی ام را در برابر تحمل بلاها دیدی با نیرو و جنبش خودت آن را از من دور گرداندی، نه با نیرو و جنبش من. پس او را در گودالی که برای من کنده بود انداختی، از آن چه

1- . مهج الدعوات :29- 34

آرزویش را در دنیا داشت نا‌امیدش نمودی و از آن چه در آخرت به آن امید بسته بود دورش ساختی. پس سپاسی شایسته تو مخصوص توست برای آن ای آقای من،

پروردگارا، او را با عزت خودت بگیر و با توانایی ات شمشیرش را بر من کند گردان و او را از آن چه می خواهد انجام دهد مشغول کن و در نیتش او را ناتوان گردان. پروردگارا، مرا با شکایت آماده ای پناه ده که خشمم را آرام گرداند و کینه ام را به وفاداری تبدیل کند؛ و دعایم را ای خدا به اجابت برسان، و شکایتم را با تغییر سامان بده و او را بزودی از آنچه که به ستمکاران وعده دادی آگاه کن و مرا به آن چه به پاسخ بیچارگان وعده دادی آگاه گردان، همانا تو دارای بخشش فراوان و منت بزرگوارانه هستی.

گفت: سپس مردم پراکنده شدند و پس از آن فقط برای خواندن نامه مرگ موسی بن مهدی گرد هم آمدند (1).

و با همین اسناد از علی بن یقطین گوید: من بالای سر هارون الرشید ایستاده بودم هنگامی که موسی بن جعفر را فراخوانده بود و به شدت از ایشان خشمگین بود. پس هنگامی که وارد شد لب هایش به گفتن چیزی جنبید، پس هارون به ایشان رو کرده و با امام مهربانی نموده و به ایشان نیکی کرد و به ایشان اجازه بازگشت داد. پس گفتم: فدایت شوم ای فرزند پیامبر خدا، در حالی بر هارون وارد شدی که از شما خشمگین بود و من شک نداشتم که دستور قتل شما را خواهد داد، اما خداوند شما را از او ایمن کرد، پس چیزی که زیر لب گفتی چه بود؟

امام علیه السلام فرمود: من دو دعا خواندم که یکی از آن ها خاص و دیگری عمومی بود، پس خداوند شر او را از من بازداشت. پس گفتم آن دو چه بودند؟ فرمود: اما دعای خاص این بود: پروردگارا، تو دو فرزند را برای نیکی پدر و مادرشان نگه داشتی، پس مرا نیز برای نیکی پدرانم حفظ کن. اما دعای عام چنین بود: خداوندا، تو از همه کس کفایت می کنی و کسی نیست که از تو کفایت کند، پس

1- . مهج الدعوات: 34- 35

مرا با آن چه می خواهی و آن چنان که می خواهی و هرجا که می خواهی کفایت کن. پس خداوند شر او را از من کفایت کرد (1).

7. مهج الدعوات: امام صادق علیه السلام آیه هایی از قرآن را انتخاب کرده و آن را حرزی برای فرزندش موسی کاظم علیه السلام قرار داد و پیوسته آن را می خواند و خود را به آن پناهنده می کرد، و آن ها این است:

به نام خداوند بخشنده مهربان، به تحقیق معبودی جز الله نیست، از روی ایمان و راستی معبودی جز خداوند نیست، پروردگاری جز الله نیست از روی بندگی و عبودیت، پروردگاری جز الله نیست در لطف و مهربانی، معبودی جز خداوند نیست. به نام خدا و سپاس از آن خداست و به او پناه برده ام و به او تکیه زده ام. هر چه خداوند بخواهد، نیرویی جز از سوی خدا نیست و توفیق تنها از جانب اوست و یاری تنها از اوست، شکیبایی ام تنها برای اوست و کارم را به او واگذار می کنم و چه نیکو توانایی است خداوند و چه نیکو مولا و یاوری است و نیکی ها تنها از جانب خداوند می آید و بدی ها را تنها او برطرف می کند و هر نعمتی به ما می رسد از سوی خداوند است و کارها تنها به دستور خداوند است.

از او کفایت می خواهم و از او یاری می جویم و از او بخشش می طلبم و آمرزش می خواهم و به او پناه می برم. و درود خداوند بر محمد پیامبر خدا و خاندان ایشان و بر پیامبران و فرشتگان خدا و بندگان شایسته ی او باد، این از جانب سلیمان است و به نام خداوند بخشنده ی مهربان است که بر من برتری نجویید و با تسلیم به سوی من آیید، خداوند چنین نوشته است که من وفرستادگانم پیروز می شویم، به راستی که خداوند توانا و شکست ناپذیر است. حیله آنان آسیبی به شما نمی رساند، همانا خداوند به آن چه انجام می دهید احاطه دارد. و از سوی خود برای ما یاوری مسلط قرار ده در آن هنگام که گروهی از ایشان خواستند دست هایشان را به سوی شما دراز کنند، پس دست های آن ها را از شما بازداشت و از خدا پروا کنید و خداوند تو را از مردم حفظ می کند، به درستی که خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند.

1- . مهج الدعوات :36

هرگاه آتشی برای جنگ برافروختند خداوند آن را فرونشاند و در زمین فساد نمودند، گفتیم ای آتش، برای ابراهیم سرد و سلامت باش، ودر آفرینش به شما وسعت و افزونی داد، پس نعمت های خداوند را به یاد آرید باشد که رستگار شوید.

او فرشتگانی دسته دسته دارد که شب و روز فرود آیند از مقابل و از پشت سر و به فرمان خدا او را حفظ می کنند. بارالها، مرا از ورودی درستی وارد کن و از خروجی درست خارج گردان و و برای من از سوی خودت نیروی یاری کننده ای قرار ده. و او را نزدیک گردانده و نجات دادیم و به جایگاه بلندی برتری دادیم، خداوند مهربان برای آن ها دوستی و محبتی قرار خواهد داد، و از جانب خود محبتی بر تو افکندم تا در مقابل دیدگان من بزرگ شوی، هنگامی که خواهرت راه می رفت و می گفت: آیا کسی را به شما نشان دهم که سرپرستی او را به عهده بگیرد؟ پس تو را به مادرت بازگرداندیم تا دیدگانش روشن شود و غمگین نباشد، و تو کسی را به قتل رساندی، پس از اندوه نجاتت دادیم و به آزمون هایی تو را آزمایش کردیم. نترس که تو در امان هستی ، نترس که تو برتری، از پایان هیچ چیز نمی ترسی و هراسان نمی شوی، نترس که از گروه ستمکاران نجات یافتی ، نترس که که خوت و خانواده ات را نجات خواهیم داد ، نترسید که من با شما دو نفر هستم، می بینم و می شنوم.

و خداوند پیروزی با عزتی به تو می دهد، و هر کس به خداوند توکل کند خدا برایش کافی است، به راستی خداوند فرمانش را اجرا می کند و همانا خداوند برای هر چیز اندازه ای تعیین کرده است. پس خداوند آن ها را از شر آن روز نگه داشت و به آن ها شادمانی و خوشنودی عطا کرد و شادمان به سوی خانواده اش بازمی گردد. و نام تو را بلندمرتبه گرداندیم، او را دوست می دارند مانند دوستی خداوند، و کسانی که ایمان آورده اند خدا را بیشتر دوست دارند. پروردگارا، بر ما شکیبایی فرو ریز و گام هایمان را استوار گردان و ما را بر گروه کافران پیروز گردان.

کسانی که مردم به آن ها گفتند: به راستی مردم علیه شما جمع شده اند پس از آن ها بترسید، پس این سخن ایمانشان را بیش تر کرد و گفتند: خداوند برای ما کافی است. پس با نعمت و بخششی از جانب خداوند باز گشتند و هیچ بدی به آن ها

ص: 411

نرسید، و به دنبال خشنودی خداوند بودند . و کسی که مرده بوده و او را زنده گردانیدیم و نوری به او بخشیدیم که با آن در میان مردم راه برود. اوست آن کس که با پیروزی خود و مؤمنان تو را یاری کرد و دل های آنان را به هم نزدیک گرداند. اگر همه آن چه را در زمین است بخشش می کردی نمی توانستی دل های آنان را مهربان گردانی اما خداوند دل هایشان را به یکدیگر نزدیک گرداند، به راستی او عزیز و دارای حکمت است.

بازوی تو را به وسیله برادرت محکم می کنیم و برای شما نیرویی قرار می دهیم، پس آن ها با نشانه های ما به شما نخواهند رسید و شما و هر که از شما پیروی کند پیروز خواهید بود. به خدا تکیه کردیم، پرودگارا میان ما و مردمان ما با حق گشایش کن که تو بهترین گشایندگانی. من به خداوند توکل کردم، پروردگار من و شما، هیچ جنبنده ای نیست مگر این که جانش به دست خداوند است، همانا پروردگارم در راه راست است. پس به یاد خواهید آورد آن چه را به شما می گویم و من کارم را به خداوند واگذار می کنم که همانا او بر بندگانش بینا است. خداوند برای ما کافی است، معبودی جز او نیست، به او توکل نمودم و او پروردگار عرش بزرگ است.

همانا مصیبتی به من رسیده است و تو مهربان ترین مهربانانی، معبودی جز تو نیست، منزهی و من از ستم کاران بودم. الف لام میم، آن کتابی است که هیچ شکی در آن نیست و هدایتی برای پرهیزکاران است، کسانی که به غیب ایمان دارند. خداوندی که معبودی جز او نیست و او پروردگار عرش عظیم است ، خداوندی که معبودی جز او نیست و او زنده و پاینده است و چرت و خواب او را درنمی یابند. آن چه در آسمان ها و زمین است برای اوست، کیست که بدون اجازه او شفاعت کند؟ هرچه را مقابل آن ها یا پشت سرشان است می داند و آن ها به چیزی از دانش او احاطه ندارند مگر آن چه را که او بخواهد. پادشاهی اش آسمان ها و زمین را در برگرفته و کسی جز او آن ها را نگاه نمی دارد و او بزرگ و بلند مرتبه است. چهره ها برای زنده ی پاینده فروتن شده است و هر که ستمی روا دارد نومید گشته است. پس بلند مرتبه است پادشاه راستینی که معبودی جز او نیست و پروردگار عرش بزرگ است. پس سپاس از آن پروردگار آسمان هاست، پروردگار زمین و پروردگار عالمیان، و اوست دارای

دانش و بزرگی. و هنگامی که قرآن می خوانی میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند پرده ی پوشیده ای قرار دادیم و بر دل هایشان پرده هایی قرار دادیم که مانع فهمیدن آن ها شود و گوش هایشان را نیز سنگین کردیم. و هنگامی که پروردگارت را به تنهایی در قرآن یاد می کنی با نفرت روی می گردانند.

آیا دیدی آن کس را که میل خود را به عنوان معبود می پرستد و خداوند او را با آگاهی گمراه نموده و بر گوش و قلبش مهر زده و دیده اش را نابینا کرده، و در مقابلشان و پشت سرشان مانعی قرار دادیم که آن ها را پوشانده پس آن ها نمی بینند. و توفیقی جز از سوی خداوند ندارم و به او توکل کرده و به درگاه او پناهنده می شوم. همانا خداوند همراه کسانی است که تقوا دارند و نیکوکارند. و پادشاه گفت: او را نزد من بیاورید تا برای خود خالصش گردانم. پس هنگامی که با او سخن گفت، گفت: امروز تو نزد ما محترم و امین هستی. و صداها برای خداوند مهربان فروتن شده است، پس چیزی به جز نجوایی آهسته نمی شنوی. پس خداوند تو را از آن ها کفایت خواهد کرد و او شنوای بیناست.

اگر این قرآن را بر کوه نازل می کردیم، می دیدی که از فروتنی و ترس از خدا شکاف می خورد، و این ها مثل هایی است که برای مردم می زنیم باشد که اندیشه کنند. اوست خداوندی که معبودی جز او نیست و آگاه بر پیدا و پنهان است، اوست بخشنده مهربان، اوست خدایی که معبودی جز او نیست و حاکم و مالک اصلی اوست، از هر عیب پاک و منزه است، به کسی ستم نمی کند، امنیت بخش است، مراقب همه چیز و قدرتمندی شکست ناپذیر است که با اراده نافذ خود همه چیز را اصلاح می کند و شایسته عظمت است. خداوند از آن چه برای او شریک قرار می دهند منزه است. او خالق و آفریننده ای بی سابقه است و صورت گری بی مانند که نام های نیک برای اوست، آن چه در آسمان ها و زمین است تسبیح او را می گویند و دارای عزت و حکمت است.

پروردگارا، ما به خود ستم روا داشتیم و اگر تو ما را نبخشی و به ما رحم نکنی به یقین از زیان کاران خواهیم بود. بارخدایا، عذاب جهنم را از ما دور گردان که همانا عذاب آن هلاک کننده است، به راستی که آن بد جایگاه و محل قرار گرفتنی

ص: 413

است. خداوندا، این ها را بیهوده نیافریدی، تو پاک و منزهی و ما را از عذاب آتش نگاه دار. و بگو سپاس مخصوص خداوندی است که که فرزندی ندارد و در پادشاهی شریکی برای او نیست و کسی او را یاری نمی کند و او را به بزرگی یاد کن. و چرا به خدا تکیه نکنیم در حالی که او ما را به راه هایمان هدایت کرده و ما بر آزارهای شما شکیبایی می کنیم و مؤمنان بایستی بر خدا تکیه کنند. فرمان او تنها این گونه است که وقتی چیزی را بخواهد به آن می گوید: باش، پس می شود. پس منزه است کسی که توانایی همه چیز به دست اوست و به سوی او باز می گردید.

خداوند ا، هر کس برای من و خانواده ام و فرزندانم و اهل عنایتم بدی یا آسیب و زیانی خواسته است، پس سرش را قطع کن و بدی او را از من بازدار و زبانش را ببند و دهانش را لگام بزن و بین من و او مانع شو به هر نحو که خواهی و به هر جایی که خواهی و ما را از شرّ او و از شر هر جنبنده ای که جانش به دست توست - و به راستی پروردگارم در راه راست است -. داخل در پردهای بگردان که زایل نمی شود و پادشاهی خودت که ظلم کرده نمی شود، پس همانا حجاب تو بسیار منع کننده است و پناه آورنده به سوی تو عزیز است و فرمان تو غالب است و پادشاهی تو چیره است و تو بر هر چیزی بسیار توانائی.

خداوند ا برترین درودهایی را که بر بندگانت فرستاده ای بر محمد و خاندانش فرست، و بر محمد و خاندانش درود فرست هم چنان که به وسیله او ما را از گمراهی هدایت کردی. و ما و پدران و مادران و فرزندان ما را بیامرز و همه مردان و زنان مؤمن و مسلمان را، زندگان و مردگان را بیامرز و میان ما و آن ها نیکی های پی درپی قرار بده. همانا تو برآورده کننده دعاها و نازل کننده برکت ها و برطرف کننده بدی های هستی و تو بر هر کار توانایی.

خداوند ا، دینم و دنیایم را و خانواده و فرزندان و همسرم و امانت هایم را و همه آن چه را که در دنیا و آخرت به من نعمت داده ای را به تو می سپارم، به راستی کار تو ضایع نمی شود و امانت های تو نابود نمی گردد و کسی مرا از تو پناه نمی دهد و

پناهی جز او نمی یابم. خدایا، بارالها، در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا کن و از عذاب آتش ما را نگه دار و بر محمد و همه خاندانش درود فرست (1).

8. حرز امام کاظم علیه السلام:

به نام خداوند بخشنده مهربان، خداوندا، به من هدایت عطا کن و مرا بر آن استوار بدار و مرا در پناه آن برانگیخته فرما با امنیتی که هیچ ترس و اندوه و نگرانی با آن نباشد. به راستی که تو شایسته آمرزش و پرهیزکاری هستی(2).

1- . مهج الدعوات :36- 40

2- . مهج الدعوات :41

روایات:

میگویم: برخی از ادعیه حضرت، در لابلای دعاهای رسیده از جدشان حضرت صادق علیه السلام ذکر گردید.

1. مهج الدعوات: حرز رقعه الجیب از امام رضا علیه السلام: از یاسر خادم روایت است زمانی که امام رضا علیه السّلام وارد قصر حمید بن قحطبه شد، لباس خودشان را درآورده و به حمید دادند و حمید آن را برای شستن به کنیز خود داد. طولی نکشید که کنیز با رقعهای در دست بازگشت. کنیز رقعه را به حمید داد و اظهار کرد این رقعه در جیب لباس حضرت بوده است. حمید میگوید: به آن حضرت عرض کردم: فدایت شوم! کنیز این رقعه را آورده و میگوید در جیب پیراهن شما یافته است. حضرت فرمود: این رقعه، حرزی است که ما از خود جدا نمی کنیم. عرض کردم: ای کاش مرا به تعلیم آن مفتخر میفرمودید! حضرت فرمود: این حرزی است که هر کس آن را به همراه داشته باشد، بلاها از او دفع میشود و این حرز پناهی است برای او از شرّ شیطان رانده شده. سپس حضرت آن دعا و حرز را اینگونه به حمید املاء فرمود :

بسم الله الرحمن الرحیم، بنام خدا پناه میبرم به خداوند رحمان از تو، چه خداترس باشی و چه نباشی، چشم و گوش تو را به یاری خداوند شنوا و بینا بستم، و تو هیچ قدرت و غلبهای بر من نخواهی داشت، نه بر من و نه بر گوشم، و نه بر چشمم، و نه بر مویم و نه بر پوستم و نه بر گوشتم و نه بر خونم، و نه بر مغزم، و نه

بر عصبم، و نه بر استخوانم، و نه بر مالم، و نه بر آنچه پروردگارم روزیم فرموده. من میان خود و تو را با ستر انبیای الهی پرده کشیدم، همان ستری که پیامبران الهی خود را به آن از شر فرعونهای زمان حفظ کردند، جبرائیل از جانب راستم مانع من از توست و میکائیل از جانب چپ و اسرافیل از پشت سر و محمّد صلی اللّٰه علیه و آله از پیش رویم، و خداوند بر من آگاه است و ترا و شیطان را از من مانع می شود. پروردگارا ! ناآگاهی او بر صبر و شکیب تو غالب نگردد و موجب نشود که مرا از جای برکند و به وحشت اندازد و کوچک و حقیرم شمارد. خداوندا ! به تو پناهنده میشوم، خداوندا ! به تو پناهنده میشوم، خداوند ا ! به تو پناهنده میشوم.

گفتم: این حرز حکایت شیرین و عجیبی دارد. اباصلت هروی اینگونه روایت می کند که روزی در منزل حضرت نشسته بودم که فرستاده هارون الرشید بر ایشان وارد شد و عرض کرد: دعوت امیرالمومنین را اجابت کن. حضرت برخاست و به من فرمود: هارون این ساعت مرا جز برای شرّ دعوت نمیکند، اما به خدا قسم، به خاطر کلماتی که از جدم رسول خدا صلی الله علیه وآله به من رسیده، نخواهد توانست بلایی بر سر من بیاورد. اباصلت میگوید: با حضرت حرکت کردم تا به نزد هارون داخل شدیم. وقتی نگاه حضرت بر هارون افتاد این حرز را تا انتها خواند. وقتی حضرت مقابل وی ایستاد، هارون نگاهی بر ایشان انداخت و عرض کرد: ای ابالحسن، دستور دادیم صدهزار درهم به تو بدهند، شما نیز نیازهای اهل و عیالت را بنویس. وقتی حضرت از نزد او برگشت، هارون از پشت سر نگاهی به حضرت انداخت و گفت: چیزی را من اراده

نمودم و چیزی را خداوند اراده فرمود و اراده خدا بهتر است(1).

2. مهج الدعوات: بزنطی از امام رضا علیه السلام روایت می کند که حضرت فرمود: رقعه جیبی نگاهدارنده از هر چیزی است و آن این است:

بسم الله الرحمن الرحیم، به نام خدا دور شوید و در جهنم باشید و با من سخن نگوئید. همانا پناه می برم به خدای بخشنده از تو اگر پرهیزگار باشی. به سبب شنیدن

1- . مهج الدعوات: 41-42[1]

و دیدن خدا گوشها و چشمهای شما را بستم و به توانائی خدا بر قوّت شما غالب شدم، هیچ قدرتی برای شما بر فلانی پسر فلان زن و بر اولاد و عیال و اهل خانه او نیست. میان او و شما مانع قرار دادم به ستر انبیاء که پوشانیدند خود را به آن از حمله گردنکشان متکبر و ظالمان زورگو. جبرئیل در سمت راست شماست و میکائیل در سمت چپ و حضرت محمّد صلی الله علیه وآله پیش روی شماست و خداوند بر شما مشرف است، همانگونه که پیغمبر و اولاد او را از شر شما و شیاطین حفظ فرمود. آنچه خداوند آن را اراده فرموده، شدنی است و هیچ حرکت و توانائی جز به دست خداوند بلند مرتبه و بزرگ نیست. خداوندا ! نادانی او به حلم تو نمی رسد و بر آن کارساز نیست و او را به هدفش نمیرساند، بر تو اعتماد نموده ام و تو مولا و یاریرسان نیکویی هستی. ای فلانی پسر فلان زن ! خداوند، ترا و اولاد ترا از هر مخلوقی که از آن میترسی، محافظت فرماید و رحمت خداوند بر محمّد و آل او.

سپس در ادامه حرز، آیت الکرسی آنگونه که نازل شده، نوشته میشود و پس از آن این جملات نوشته میشود: هیچ قدرت و حرکتی جز به دست خداوند بلندمرتبه و بزرگ نیست، راه گریزی از خداوند جز به سوی او وجود ندارد، خداوند برایم کافی است و او وکیل نیکویی است «أسلم فی رأس الشهباء فیها طالسلسبیلا» و در پایان جمله و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین نوشته میشود(1).

حرز دیگری از امام رضا علیه السلام با روایت دیگر: بسم الله الرحمن الرحیم، ای کسی که شبیه و مانندی ندارد، تو خدایی و خداوندی جز تو وجود ندارد و آفریننده ای جز تو نیست. همه آفریده هایت را فانی می سازی و خود باقی میمانی، در مقابل کسی که بر تو نافرمانی کرده شکیبایی میورزی و رضایتت در بخشش است(2).

حرز دیگری هم از امام رضا علیه السلام هست که با این متفاوت است : بنام خداوند بخشنده مهربان ای کسی که نه مشابهی دارد و نه مانندی تو خدایی هستی که هیچ معبود و هیچ خالقی جز تو نیست ، خلق شدگان جملگی نابود می شوند و فقط تو

1- . مهج الدعوات: 42-43[1]

2- . مهج الدعوات: 44[2]

باقی می مانی ، بردباری کردی در برابر کسی که نافرمانی ات کرد و رضایتت در بخشش است . (1)

3. مهج الدعوات: حرزی است که در میان لباس امام رضا علیه السلام یافت شد : وقتی حضرت رحلت نمودند، تعویذی یافته شد که بر آن حضرت بسته بود و در آخر آن تعویذی بود که گفته شده که پدران حضرت می فرمودند که جد ایشان حضرت علی علیه السلام به برکت این دعا از شر دشمنان پناه می جستند و دائما این تعویذ را در بند شمشیر خود آویخته بودند و در آخر این دعا نامهای خدا عزّ و جلّ است و آن حضرت بر اولاد و اهل خود شرط نمودند آنکه این دعا را بر هلاکت و ضرر مؤمنی نخوانند، پس همانا هر کس این دعا را بخواند دعای او نزد خدا عزّ و جلّ برنمی گردد. و دعا این است:

خداوند ا به وسیله تو طلب فتح و نصرت می نمایم و از تو پیروزی و رستگاری می جویم و به وسیله حضرت محمّد صلی الله علیه وآله به تو روی می کنم. خداوندا، دشواری و ناهمواری دشمن و هر امر دشواری را بر من آسان گردان و سختی و سرکشی او و هر امر سخت و دشوار را رام و نرم فرما و مرا از سلطه او و هر سلطه و تحمیل دیگری کفایت کن و احسان و دوستی او را بر من روزی گردان و زیان و ضرر و بدی و ایذاء او را از من برگردان، بدرستی که تو آنچه را که خواهی برطرف می کنی

و آنچه را که خواهی ثابت می داری و اصل کتاب در نزد توست. آگاه باشید که ترسی بر دوستان خدا نیست و اندوهی بر ایشان نمی رسد، بدرستی که ما فرستادگان پروردگار توایم، دشمنان به تو دست نمی یابند. طه حم ، آنها تو را نمی بینند. ما در گردنهای آنان، تا چانه هایشان غلهایی نهاده ایم، به طوری که سرهایشان را بالا نگاه داشته و دیده فرو هشته اند. و ما از پیش روی ایشان حاجب و مانعی و از پشت سرشان مانع دیگری نهادیم و چشمانشان را پوشانیدیم، پس ایشان نمی بینند. کافران آن جماعتی هستند که خداوند بر دلها و گوشها و چشمهای ایشان مهر نهاده است و ایشان از عذاب خدا غافلانند. حق است کلام خدا که او به همه مکرهای

1- - مهج الدعوات : 44

پنهانشان و دشمنی آشکارشان آگاه است، پس خداوند بزودی تو را از شر ایشان کفایت میکند و او شنوای بسیار دانا است. و ایشان را می بینی که بسوی تو نگاه می کنند اما تو را نمی بینند، آنها در حقیقت کر و گنگ و کورند و اهل تعقل و اندیشه نیستند. طسم اینها آیات کتاب روشن است. مگر میخواهی خود را به سبب عدم ایمان ایشان هلاک سازی، اگر بخواهیم آیه و نشانهای از آسمان بر ایشان فرو می فرستیم تا گردنهای ایشان در مقابل آن خاضع و خم گردد.

ناماها: خداوندا، من از تو به حق آن چشمی می خواهم که به خواب نمی رود و به آن عزّت و غلبه ای که زائل نمی شود و به حق آن پادشاهی که مورد ستم قرار نمی گیرد و به حق آن روشنایی که خاموشی ندارد و به آن ذات دائمی که کهنگی در آن راه ندارد و به حق آن زندگی ای که نمی میرد و به آن بی نیازی ای که مغلوب نمی گردد و به آن ذات همیشگی که فناپذیر نیست و به حرمت آن نامی که برگردانیده نمی شود و به حق ربوبیتی که ذلیل نمی شود. از تو می خواهم که بر محمّد و بر آل محمّد درود فرستی و این امور را در حق من انجام دهی. پس حاجت خود را ذکر می کنی که ان شاء الله تعالی برآورده می شود.(1)

4. مهج الدعوات: و از آن جمله دعائی است از امام رضا علیه السلام که یافتیم آن را در کتاب اصل از مصنّفات یونس بن بکیر است. یونس گفته که از مولای خود حضرت امام رضا علیه السلام خواستم دعائی را به من تعلیم نماید که آن را در سختیها بخوانم. حضرت به من فرمودند آنچه را که برای تو می نویسم محافظت کن و آن را در هر سختی بخوان که حاجتت برآورده می شود و آنچه را که آرزو نمایی، به دست می آوری. سپس این دعا را برای من نوشتند:

بسم الله الرحمن الرحيم، خداوندا! گناهان من و بسیاری آنها رویم را نزد تو بی طراوت نموده و مانع اهلیت من از رحمت تو شده و مرا از استحقاق آمرزش تو دور نموده است، و اگر تعلق من به نعمتهای تو و دستاویزم به دعا نبود، و اگر نبود آنچه که وعده نموده ای به امثال من از ستمکاران و خطاپیشگان، و به ناامیدان از

1- . مهج الدعوات: 307- 308[1]

رحمتت با این کلامت وعده فرموده ای که ای بندگان من که بر خویشتن زیاده روی روا داشته اند، از رحمت خدا ناامید نشوید که در حقیقت، خدا همه گناهان را می آمرزد که او خود آمرزنده مهربان است. و مأیوسان از رحمتت را برحذر داشته و فرمودهای: کیست که از رحمت پروردگار خود ناامید گردد مگر جماعت گمراهان؟ پس با شفقت و مهربانی ات ما را به دعایت فراخوانده و فرموده ای: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. در حقیقت کسانی که از پرستش من کبر می ورزند به زودی خوار در دوزخ درمی آیند.

خداوند ا اگر اینها نبود، ناامیدی بر من مسلط میشد و یأس از رحمتت مرا در بر میگرفت. خداوندا به کسی که گمان نیک به تو دارد، وعده ثواب و به بدگمانان به تو وعده عذاب دادهای. خداوندا خوش گمانیام به رهاییام از آتش و بخشش لغزشها و گناهانم، حیاتم را نگاه داشته است. خداوندا! گفته تو راست و حق است و خلاف و تغییری در آن نیست که فرمودی: روزی که هر قومی را با امامش فرا میخوانیم و آن روز قیامت است، وقتی که در صور دمیده شود و همه آنچه در قبرهاست، برانگیخته شوند.

خداوند ا، پس من به عهد خود وفا می کنم و گواهی می دهم و اقرار می کنم و امتناع نمی ورزم و انکار نمی کنم و در پنهان و آشکار و نهان اعتراف میکنم که تو خدایی هستی که خدائی جز تو نیست، یگانهای و شریکی نداری و محمد صلوات الله علیه وآله بنده و فرستاده توست و علی بن ابی طالب امیرالمومنین سرور جانشینان پیامبر و وارث علم انبیا، و نشانه و پرچم دین و نابود کننده مشرکان و تمییز دهنده منافقان و جهادکننده با جماعت خارجان از دین، امام و دلیل و دستاویز من است و او همان کسی است که من اعتماد ندارم به کردارهای خود و اگر چه پاکیزه باشند و آنها را نجاتبخش خود نمیدانم هر چند که نیکو باشند، مگر به ولایت و پیروی از او و اقرار به فضیلتهای او و قبول آن از راویان و حاملان این اخبار. و اقرار می کنم که جانشینان او از فرزندانش، امام و حجت و دلیل و چراغ هدایت و پرچم و نشانه و بزرگ و نیکوکارند و من به پنهان و آشکار و ظاهر و باطن و غائب

و حاضر و زنده و مرده ایشان ایمان دارم و هیچ شک و تغییری و برگشتی در این اعتقاد وجود ندارد.

پس ای خدای من! در روز حشر و نشر مرا با امامت ایشان فرا بخوان و ای مولای من به حق ایشان مرا از حرارت آتش رهایی ببخش هرچند آرامش بهشت را نصیبم نسازی، چرا که اگر مرا از آتش جهنم آزاد سازی، از پیروزمندان خواهم بود. خداوندا! امروز در حالی صبح کردم که امید و اعتماد و پناه و گریزگاه و محل نجاتی ندارم، جز کسانی که به وسیله ایشان به تو متوسّل شده و نزدیکی جسته ام، بسوی فرستاده ات حضرت محمّد صلی الله علیه وآله، سپس به امیرالمومنین علی علیه السلام و سرور زنان عالم حضرت زهرا سلام الله علیها و حضرت امام حسن و امام حسین و علیّ بن الحسین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق و امام موسی کاظم و امام رضا و امام محمّد تقی و امام علیّ نقی و امام حسن عسکری و فرزند او که بعد از ایشان دین را تا به حجت و دلیل روز قیامت برپا میدارد و بعد از او امید امت است.

خداوند ا! ایشان را در امروز و روزهای دیگر حصار من از ناخوشیها و پناهم از ترسها قرار بده و به واسطه ایشان مرا از هر دشمن و سرکش و متجاوز و فاسق و از شر هر آنچه میشناسم و نمیشناسم و میبینم و نمیبینم و از شر هر جنبده‌های که مهار هستیاش را در دست داری، در امان دار که تو بر راه راستی.

خداوند ا! پس به حرمت توسلم به ایشان به سوی تو و نزدیکی جستن من به وسیله دوستی ایشان و متحصن شدن من به اقرار به امامت ایشان، در این روز درهای روزیات را بر من بگشای و رحمتت را بر من بگستران و مرا در نزد مخلوقاتت محبوب گردان و کینه و عداوتشان را از من دور بدار که تو بر همه چیز توانائی. خداوندا! هر متوسلی ثوابی دارد و هر صاحب شفاعتی حقی دارد، پس به حق کسی که او را وسیله قرار دادم و او را در مقابل حاجاتم پیش داشتهام، از تو میخواهم که برکت امروز و این ماه و این سالم را به من بشناسانی. خداوندا! و ایشان در سختی و خوشی و در عافیت و بلا و در خواب و بیداری و در سفر و حضر و در دشواری و آسانی و در صبحگاهان و شامگاهان و دربازگشت و قرار و در پنهان و پیدایم

پناهگاه و محل یاری من هستند. خداوند ا پس به برکت ایشان مرا از بخشش خود ناامید نگردان و امیدم را از رحمتت قطع نفرما و مرا از روح و مرحمتت مأیوس مکن و با بستن درهای روزی و بندآوردن راههای آن، مرا امتحان نکن. و از نزد خود گشایش آسانی بر من بگشای و از هر تنگی برایم راه خروجی قرار بده و راهی برای گشایش برایم قرار بده که تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی و رحمت و دورد خدا بر محمّد و بر آل پاک و مطهر او آمین یا رب العالمین.(1).

5. مهج الدعوات: از آن جمله حرزی از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام است که حضرت در وقتی که در محوطهای انداخته شدند که در آن محوطه جانوران درنده بسته شده بود، به آن پناه جستند.

فضل بن ربیع روایت کرده که روزی هارون الرّشید صبح شراب خورده و مست شده بود، سپس دربان خود را طلبید و به او گفت: به نزد علی بن موسی علوی برو و او را از زندان خارج کن و او را در محوطه حیوانات درنده بینداز. هر چه من التماس و ملایمت نمودم تا خشمش را فرو نشانم، غضب او سخت تر و زیاده تر گردید و گفت: به خدا قسم اگر او را به پیش درندگان نیندازی، من ترا به عوض او می اندازم.

راوی میگوید: من به نزد حضرت علیّ بن موسی الرّضا علیه السلام رفتم و چون داخل شدم گفتم: امیر المؤمنین مرا به من چنین و چنین امر فرموده است. حضرت فرمودند: آنچه را که بدان مامور شده ای، انجام بده که من از خداوند متعال طلب یاری میکنم. و با خواندن این دعا به راه افتاد و با من آمد تا آنکه به محوطه درندگان رسیدیم. من در را گشودم و حضرت را در حالی که چهل حیوان درنده در آن بود، وارد محوطه نمودم و غم و نگرانی وجودم را فراگرفت که چرا قتل چنین شخصی به دست من واقع شد، و به جای خود برگشتم. چون نصف شب فرا رسید، یکی از ملازمان هارون آمد و گفت: امیرالمؤمنین ترا می طلبد. وقتی نزد او رفتم، گفت: ظاهراً من امشب مرتکب خطا یا کار قبیحی شدهام که خواب هولناکی دیدم که مرا به هراس انداخته است، و خواب این است که جماعتی از مردان را دیدم که در

1- . مهج الدعوات: 315- 317[1]

حالی که سلاح در دست داشتند و در وسط ایشان مردی بود که در جمال همچون ماه بود و از او هیبتی عظیم در دل من افتاد. کسی گفت که این امیرالمؤمنین علیّ بن ابی طالب صلوات اللّٰه علیه و اولاد او هستند. من پیش رفتم تا قدمهایش را ببوسم، اما حضرت روی از من گردانید و این آیه را خواند: آیا امید بستید که چون سرپرست مردم شدید، در روی زمین فساد کنید و خویشاوندیهای خود را از هم بگسلید؟ و دوباره روی از من گردانید و از دری بیرون رفت. و من با اضطراب و ترس از خواب بیدار شدم.

راوی میگوید: عرض کردم یا امیرالمؤمنین شما به من امر کردید تا علیّ بن موسی الرّضا را نزد جانوران درّنده بیندازم. هارون گفت: وای بر تو! حضرت را در محوطه انداختی؟! گفتم: بلی بخدا قسم. هارون گفت: برو و ببین در چه حالی است. من شمعی در دست گرفتم و به آن محوطه رفتم. ناگهان حضرت را دیدم که به نماز ایستاده و جانوران درّنده گردش را گرفتهاند. برگشتم و ماجرا را به هارون خبر دادم. هارون حرفم را باور نکرد و برخاست و خود به به مشاهده اوضاع رفت و امام را در همان حال دید و گفت: پسر عمو السّلام علیک. حضرت جواب او را نداد تا وقتی که از نماز فارغ شد و گفت: و علیک السّلام پسرعمو، من از تو انتظار نداشتم که در چنین موضعی بر من سلام کنی. هارون گفت: از تقصیر و گناه من درگذر که از شما معذرت میخواهم. حضرت فرمود: خدای متعال به لطف خود مرا نجات داد، شکر و سپاس از آن اوست.

هارون امر کرد حضرت را بیرون آورند. وقتی حضرت را بیرون آوردند، به خدا قسم هیچ درنده ای او را دنبال نکرد. وقتی حضرت نزد هارون رسید، هارون دست در گردن آن حضرت کرد و او را بر بالای تخت خود نشانید و گفت: پسرعمو اگر میخواهی در پیش ما اقامت کنی، اقامتت همراه با رفاه و آرامش خواهد بود و دستور دادم تا به تو و خانواده ات مال و لباس بدهند. حضرت فرمود: من نیازی به مال و لباس ندارم اما در میان قریش گروهی هستند که این اموال در بین ایشان توزیع شود، سپس نشانی ایشان را فرمود و هارون دستور داد تا به ایشان صله و لباس بدهند. سپس امر کرد که آن حضرت را بر استری خوش راه سوار کنند و به هر

جا که ایشان دوست دارد، ببرند. حضرت با این حرف موافقت فرمود. فضل میگوید: هارون به من گفت حضرت را مشایعت کن.

من ایشان را در مقداری از راه مشایعت کردم و به ایشان عرض کردم: لطف کنید و آن تعویذ را به من بیاموزید. حضرت فرمود: ما منع شدهایم از اینکه تعویذ و تسبیح خود را به هر کسی بیاموزیم اما تو بر من حق خدمت و رفاقت داری، پس از آن مراقبت کن. فضل میگوید: من آن را در کاغذی نوشتم و در پارچه ای محکم بسته در آستین خود جای دادم و پس از آن هرگز نزد هارون نرفتم مگر آنکه او را نسبت به خودم خندان یافتم و حوائجم را برایم برآورده کرد و به سفری نرفتم مگر اینکه برایم از هر ترسی حرز و امان بود و در هیچ شدّت و بلائی نیفتادم مگر اینکه این دعا را خواندم و سختی از من برطرف شد.

علیّ بن طاوس رحمه اللَّه مصنف این کتاب میگوید: چه بسا این روایت منسوب به حضرت امام موسی کاظم علیه السلام باشد، زیرا که آن حضرت در زندان هارون الرّشید بودند. اما من همانگونه که دیدم نقل کردم و دعا این است:

بسم الله الرحمن الرحیم، خدایی جز الله وجود ندارد، او یگانه است و شریکی ندارد، وعده خود را بجای آورده و بنده خود را یاری فرمود، و سپاه احزاب را به تنهایی شکست داد. ملک و حمد از آن اوست. همه سپاسها از آن پروردگار عالمیان است. در حمایت خداوند داخل در صبح و شام شدم که این حرمت شکستنی نیست و در ذمه اویم که زائل و خوار شدنی نیست و در عزّت خدایم که ذلیل و مقهور نمی شود و در حزب او داخل می شوم که مغلوب شدنی نیست و جزو سپاه اویم که شکست نمی پذیرد و در حریم اویم که برای تجاوز مباح نمیشود، بخدا پناه برده و به یاری خدا داخل در صبح شده ام و از خدا طلب رستگاری و عزت و نصرت و قدرت نموده ام و به عزت خدا بر دشمنانم قدرت یافتم و به عظمت خدا و بزرگواری او بر ایشان غالب شدم و به قدرت خدا و توانائی او مقهورشان ساختم، از خداوند بر ضد ایشان مدد جستم و کار خود را به خدا وا گذاشتم که خداوند برایم کافی است و او وکیل نیکویی است. آنان را می بینی که در تو مینگرند اما تو را نمیبینند. امر خدا فرا رسید، حجت خداوند ظفر یافته و کلمه او بر دشمنان فاسق خداوند و تمامی

سربازان شیطان غالب شده است. جز آزاری اندک هرگز به شما زیانی نخواهند رساند؛ و اگر با شما بجنگند، به شما پشت نمایند، سپس یاری نیابند. ذلت و خواری بر آنها نوشته شده و هر کجا یافته شوند گرفته و سخت کشته خواهند شد. آنان، به صورت دسته جمعی، جز در قریه هایی که دارای استحکاماتند، یا از پشت دیوارها، با شما نخواهند جنگید. جنگشان میان خودشان سخت است. آنان را متّحد می پنداری ولی دلهایشان پراکنده است، زیرا آنان مردمانی اند که نمی اندیشند.

قلعه خود قرار دادم از شرّ ایشان نگاه داشتن تو را که محفوظ است برای پناه آورندگان، نه توانستند که از آن بالا روند و نه توانستند سوراخی در آن ایجاد کنند. در حصن محکمی جای گرفتم و به پناهگاه بلندی پناه آوردم و به ریسمان محکم چنگ زدم و زره محکم الهی را تن پوش خود کردم و سپر امیرالمومنین را سپر خود قرار دادم، به حرز سلیمان بن داود پناه بردم و انگشتری او را بر دست کردم. پس من به هر کجا که روم آرام و ایمن هستم و دشمنانم در هول و هراس حیرانند، در ذلت فرو رفته اند و لباس ذلت بر تن و کلاهخود حقارت بر سر دارند. بر جان خود سراپرده محافظت را برافراشتم و زره حفظ بر تن نمودم و مجسمه هیبت را بر خود آویختم و تاج کرامت بر سر نهادم و شمشیر خلل ناپذیر عزت بر میان بستم و از دیدگان ظالمان و متجاوزان پنهان گشتم، از گمانهای بد مخفی شدم و بر نفس خود ایمن گشتم و به بزرگواری خدا از شر دشمنانم ایمن گشتم و آنها در برابر من خاضعند و از من گریزانند، آنان همانند گوره خرهای رم کننده ای هستند که از شیران می گریزند، دستهایشان از رسیدن به من کوتاه و چشمانشان برای دیدنم کور است، عقلهایشان از شناختن من غافل است و دلهایشان ترسان، نفسها و پهلوهایشان از ترس من لرزان و مضطرب است؛ به برکت خدائی که نیست خدائی جز او.

ای خدایی که خدایی جز او نیست! تندی حمله سربازانشان را کند کن و شأن و شوکت ایشان را بشکن و سرهایشان را افکنده ساز و چشمانشان را کور نما. گردنهایشان در مقابل من خاضع شد و سپاهشان به عقب گریخت. بزودی جمع کافران شکست میخورند و به عقب فرار می کنند، بلکه روز قیامت وعده گاه عذاب

ایشان است و عذاب قیامت سخت تر و تلخ تر است و فرمان قیام قیامت فقط مانند یک چشم برهم زدن است.

به برکت بلندی خدا بر بلندیشان فائق آمدم، همان بلندی که علی بن ابی طالب صاحب جنگهای عظیم و سرنگون کننده بیرق کافران و هلاک کننده سرکرده های دشمنان با آن بر دشمن فائق می آمد و پناه بردم به نامهای نیکوی خدا و به کلمات بلند او، و با عقوبت شدید و امر صحیح بر دشمنانم چیره شدم و آنان را ذلیل ساختم و سرهایشان را کوبیدم و گردنهایشان در مقابل من خاضع گشت، هر که قصد مرا نمود، ناامید باد و هرکه با من دشمنی ورزید هلاک شود. من تأیید و یاری شدهام و پیروز تاجدار نعمت داده شده هستم. همنشین کلمه تقوا شدم و به دستاویز محکم چنگ زدم و از ریسمان متین آویزان گشتم، پس مکر ماکران و حسد حاسدان تا ابد و آخر روزگار آسیبی به من نمی رساند. هرگز کسی مرا نخواهد دید و نخواهد ترسانید.

بگو خدا را می خوانم و کسی را شریک او قرار نمیدهم. ای اهل فضل بسیار از تو می خواهم تا امن و ایمان را بر جانم و سلامت از دشمنان را بر روحم ارزانی کنی و میان من و شرّ آنها توسط ملائکه تندخو و سختگیرنده مانع شوی، ملائکه ای که نافرمانی خدا نمی کنند و هر چه را بدان فرمان داده شوند، انجام میدهند. و مرا با سپاهیان پرتعداد و ارواح عظیم فرمانبردار یاری فرما، تا آنکه ایشان دشمنان را با برهان قاطع پاسخ گویند و با سنگهای به دماغ رسیده ایشان را سنگباران کنند و با شمشیرهای بران ایشان را ضربه بزنند و با شهابهای سوزان و آتش شعله ور و زبانه های آتشین آنها را هدف قرار دهند، و دشمنان از هر سو با تیرهای شهاب رانده می شوند و عذابی دائمی در انتظار ایشان است.

ایشان را راندم و تیرباران کردم به فضل بسم الله الرحمن الرحیم و به حق طه و یس و به حق بادهای پراکنده سازنده ابرها و به حق طسم ها و بحق نازل شده که قرآن بزرگ است و به حق حم ها و به حق کهیعص و به حرف کاف کفایت شدم و به حرف هاء هدایت یافتم و به حرف یا امور بر من آسان گشت وبه حرف عین برتری یافتم و به حرف صاد اقرار نمودم من به اینکه خدایی جز او نیست.

و به حق نون و قلم و به حق آنچه فرشتگان می نویسند و به جایگاه ستارگان و به حقّ کوه طور و به حقّ کتاب نوشته شده در صحیفه ای گشوده و به حقّ بیت المعمور و به حقّ سقف برافراشته و به حقّ دریای مملوّ. همانا که عذاب پروردگارت حتمی است و هیچ مانعی در برابر آن نیست پس آنان پشت کرده و فرار کردند و عقب بازگشتند و در شهرهای خود هم ترسانند ، پس حقیقت آشکار گردید و کارهایی که می کردند باطل شد و در آنجا مغلوب و خوار گردیدند و ساحران به سجده درافتادند. پس خدا او را از عواقب سوء آنچه نیرنگ می کردند حمایت فرمود و فرعونیان را عذاب سخت فروگرفت. و دشمنان مکر ورزیدند، و خدا در پاسخشان مکر در میان آورد و خداوند بهترین مکرانگیزان است.

آن کسانی که برخی از مردم به ایشان گفتند: مردمان برای جنگ با شما گرد آمده اند؛ پس از آن بترسید، ولی این سخن بر ایمانشان افزود و گفتند: خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است. پس با نعمت و بخششی از جانب خدا، از میدان نبرد بازگشتند، در حالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود، و همچنان خشنودی خدا را پیروی کردند، و خداوند دارای بخششی عظیم است.

پروردگارا، از وسوسه های شیطانها به تو پناه می برم. و پروردگارا، از اینکه آنها به پیش من حاضر شوند، به تو پناه می برم. خداوندا ! از شر آنچه از آن می ترسم و در حذرم، به تو پناه می برم و از تو بهترین هایی را که در نزد توست طلب می کنم. پس زود باشد که خداوند ترا از شرّ ایشان نگاه دارد و اوست شنوای دانا، هیچ حرکت و قدرتی جز به دست خداوند بلندمرتبه و بزرگ نیست، جبرئیل در سمت راست من است و میکائیل در سمت چپ من و حضرت محمّد صلی الله علیه وآله در پیش روی من است و خدای عز و جل بر من مشرف و مطلع است و مرا از شر شما و شیطان رانده شده حفاظت میکند. ای آنکه میان دو دریا حائلی ایجاد کرده است، میان من و دشمنانم حائل شو تا آسیبی به من نرسانند. میان خود و ایشان پرده و حجاب خدا را قرار دادم، آن چنان پرده ای که پیامبران به سبب آن از خشم و حملات فرعونها خود را حفظ کرده اند و هر که در پس پرده حمایت خدا باشد از همه بلاها در امان است.

ص: 428

کفایت میکند مرا خدایی که کسی جز او کفایت نمیکند. و ما از پیش رویشان و از پشت سرشان پرده زدیم و ایشان را پوشاندیم، پس ایشان نمیبینند.

خداوند ا خیمههای مراقبتت را که بادها آنها را از هم نمیدرند و نیزهها آن را سوراخ نمیسازند، بر سر من بگستران. و به روح قدست مرا از شر آنچه از آن می ترسم کفایت کن که هر کسی را که توجه روحت را بر او بیفکنی از دیدگان بینندگان پنهان خواهد بود و در دل تمامی خلائق بزرگ خواهد بود. و مرا به حق نامهای نیکویت و کلمات بلند مرتبهات به صلاح همه آنچه که از خیر دنیا و آخرت آرزومندم موفق دار و شر دورنشان و شر همه آنچه را که پنهان میکنند به سوی خیری که مالک آن جز تو نیست برگردان.

خداوند ا! تو مولا و پناه منی، به تو پناه میبرم که پناهگاه من تویی و امیدگاه من تویی و به تو امید میآورم، ای خدایی که گردنهای گردنکشان در مقابل او ذلیل است و طاغوتها در مقابل او فروتنی می کنند، خداوند ا مرا از خوار نمودن خودت و برداشتن پردهات و فراموشی یادت و رویگردانی از شکر نعمتت در امان دار. من شب و روز و در خواب و آرام و توجه و مشغولیتم در پناه محافظت توام. یاد تو جامه پایینی من است و ثنایت جامه بالایی من.

خداوند ا! ترسم مرا در حالی وارد صبح و شام می کند که از ترست و بدی عقوبتت به تو و به امانت پناه آوردهام. بر سر من سراپرده های حفظت را بگستران و حفظ در سایه عنایتت را روزی من ساز به رحمتت ای رحم کنندهترین رحم کنندگان، مستجاب گردان مستجاب گردان ای پروردگار عالمیان(1).

1- . مهج الدعوات: 308-315[1]

روایات:

1. مهج الدعوات حرز محمد بن علی جواد علیه السلام: حکیمه دختر محمد بن علی بن موسی علیهم السلام هنگامی که محمد بن علی رضا علیه السلام از دنیا رفت گفت به نزد همسر او ام عیسی دختر مأمون رفتم و به او تسلیت گفتم و دیدم که بسیار غمگین است و جزع و فزع میکند و نزدیک است که از شدت گریه و شیون خودش را بکشد. من ترسیدم زهرهاش بترکد. پس در همان حال که ما مشغول صحبت کردن بودیم و اخلاق نیک و کرم او را و آنچه را که خداوند از شرف و اخلاص به او داده است و آنچه که از عزت و کرامت به او داده است توصیف میکردیم، ام عیسی گفت : آیا میخواهی به تو از چیز بزرگ و عجیبی خبر دهم که ماورای توصیف و اندازه است؟ من پرسیدم که آن چیز چیست؟ او گفت که من نسبت به او بسیار غیرت داشتم و بسیار مراقب او بودم و گاهی چیزی می شنیدم و من از این موضوع به پدرم شکایت میبردم و او به من گفت که ای دخترم تحمل کن که او تکه ای از جان رسول الله است. روزی نشسته بودم که کنیزی به نزد من آمد و به من سلام کرد من گفتم تو کیستی؟ گفت من کنیزی از فرزندان عماربن یاسر هستم و همسر ابو جعفر محمد بن علی رضا، شوهر تو

هستم. در اینجا حس غیرت و حسادت به من دست داد که قادر به تحمل آن نبودم. قصد کردم که از آنجا بیرون روم و در شهرها سرگردان شوم و شیطان هم مرا وسوسه میکرد که به آن زن آسیبی برسانم. اما خشم خود را فرو بردم و به او نیکی کردم و بر تن او لباسی پوشاندم.

وقتی آن زن از نزد من رفت، برخاستم و به نزد پدرم رفتم و این خبر را به او رساندم در حالیکه او مست بود و عقل خود را به کلی از دست داده بود. او به من گفت ای غلام شمشیری میخواهم شمشیر را برای او آوردند و او سوار بر مرکب خود شد و گفت به خدا سوگند که او را خواهم کشت. من وقتی این موضوع را دیدم گفتم: همه از آن خداییم و به سوی او باز میگردیم. من با خودم و همسرم چه کردم؟ و شروع به سیلی زدن به صورت خود کردم. پدرم به نزد او رفت و همچنان داشت با شمشیر ضربه میزد تا اینکه او را قطعه قطعه کرد و بعد از نزد او رفت و من هم از پشت سر او گریختم. و آن شب را تا صبح نخوابیدم. وقتی ظهر شد به نزد پدرم رفتم و به او گفتم آیا میدانی که دیشب چه کردی؟ گفت چه کردم؟ گفتم ابن رضا را کشتی. چشمانش برقی زد و بیهوش شد و پس از مدتی هوشیاری او بازگشت و گفت وای بر تو چه میگویی؟ گفتم بله به خدا سوگند ای پدر که به نزد او رفتم و آنقدر او را باشمشیر زدی که او را کشتی او از این گفته من مضطرب شد و گفت یاسر خادم را به نزد من بیاورید. یاسر آمد و مأمون به او نگاهی انداخت گفت وای بر تو اینها چیست که دختر من میگوید؟ خادم گفت که دختر شما راست میگوید. او با دست خود به سینه و گونه اش اش زد و گفت: همه ما از آن خداییم و به سوی خدا باز میگردیم. به خدا سوگند که هلاک گشتیم و نابود شدیم و تا روز قیامت رسوا شدیم. وای بر تو ای یاسر ببین که ماجرا از چه قرار است و خیلی زود خبر آن را برایم بیاور که نزدیک است همین الان جانم از تن به در رود.

یاسر بیرون رفت و من به صورت خود ضربه میزدم و خیلی زود بازگشت و گفت مژده ای امیر مومنان! گفتم بشارت بر تو باد جریان چیست؟ یاسر گفت که به نزد او رفتم درحالیکه او نشسته بود و پیراهنی به تن داشت و بر روی آن کمربندی بسته شده بود. اومسواک میکرد و من به او سلام کردم و گفتم ای فرزند رسول خدا دوست دارم که این پیراهن را به من ببخشی تا با آن نماز بخوانم و به آن تبرک بجویم و منظور من از آن کار این بود که ببینم آیا اثری از زخم شمشیر بر بدن او هست یا نه. به خدا سوگند که بدن او همچون عاج سفیدی بود که کمی زردی به آن رسیده بود و هیچ اثر و ردی بر آن نبود.

مامون بسیار گریه کرد و گفت: پس دراین صورت دیگر حرفی برای گفتن باقی نمی ماند. این عبرتی است برای اولین و آخرین. و گفت ای یاسر من همین قدر به یاد می آورم که شمشیر را برداشته و بر او وارد شدم و بعد هم از نزد او بیرون شدم. و چیزی غیر از آن یادم نیست. و اینکه به مجلس خود بازگشته و از چگونگی رفتنم به سوی او چیزی به یاد ندارم. لعنت بسیار خداوند بر این دختر باد. پس به نزد آن دختر برو و به او بگو که پدرت گفت به خدا سوگند که از این روز به بعد اگر بار دیگربه نزد من آیی و از او شکایت کنی و یا بدون اجازه او به جایی بروی، انتقام او را از تو خواهم گرفت. سپس به نزد ابن رضا برو و سلام مرا به او برسان و بیست هزار دینار برای او ببر و مرکبی را که شب گذشته بر آن سوار بودم به او ببخش. سپس بعد از آن به هاشمیها دستور داد که به نزد او بروند و به او سلام گویند.

یاسر گفت که من این دستور را به آنها دادم و خود نیز به همراه آنان رفتم و به او سلام کردم و سلام بقیه را نیز رساندم و مالی را که به همراه داشتتم به او دادم و مرکب را نیز به او بخشیدم. او دقایقی به آن نگاه کرد و لبخند زد و گفت: ای یاسر پیمان بین ما و بین پدرم و او همین بود تا وقتی که با شمشیر به من حمله کرد آیا نمی دانست که من یاورانی دارم و کسانی دارم که از من در برابر او دفاع کنند؟ گفتم ای سرور من، ای فرزند رسول خدا، ماجرا را فراموش کن به خدا سوگند و به حق جد تو رسول الله که او از کار خود آگاه نبود و نمیدانست که کجاست. او برای خدا نذر راستینی کرد و سوگند یاد کرد که از آن زمان به بعد دیگر هیچگاه مست نشود که این یکی از دامهای شیطان است. پس ای رسول الله وقتی تو به سوی او رفتی، چیزی را به یاد او نیاور و او را به خاطر کارهایش سرزنش نکن. اوگفت که من خود نیز همین تصمیم را داشتم.

سپس دستور داد که لباسهایش را برای او بیاورند. و برخاست و همه مردم هم با او برخاستند. سپس به نزد مأمون آمد و مامون وقتی او را دید، به سوی او رفت و او را به سینه اش چسباند و به او خوشامد گفت و به هیچکس اجازه ورود نداد و همچنان با او صحبت میکرد.

وقتی از صحبت فارغ شد، ابو جعفر محمد بن علی رضا به او گفت ای امیر مومنان! پاسخ داد بله گفت: نصیحتی به تو میکنم و تو آن را بپذیر. مأمون گفت با کمال میل. ای فرزند رسول خدا آن نصیحت چیست؟ گفت دوست ندارم که شب به جایی بروی چون از این مردم پیمان شکن احساس خطر میکنم و من دعایی بلدم که به واسطه آن خود را در امان میداری و از شرها و بلایا و مکرها و آفات و مصایب ایمنی. همانطور که خداوند در شب گذشته مرا نجات داد و اگر با این دعا به جنگ سپاه روم و ترک و همه اهل زمین بروی به اذن خداوند قاهر باز هم شکست نخواهی خورد و اگر دوست داشته باشی آن حرز را برایت میفرستم تا از همه چیزهایی که گفتم در امان بمانی. گفت بله آن ذکر را با خط خودت بنویس و برایم بفرست. او هم قبول کرد.

یاسر گفت که وقتی صبح شد ابو جعفر فردی را به نزد من فرستاد و و مرا به نزد خود خواند. وقتی به نزد او رفتم و در مقابلش نشستم، پوست آهویی از سرزمین تهامه طلب کرد و سپس با خط خود این حرز را بر رویش نوشت. و گفت ای یاسر این ذکر را به نزد امیر مومنان ببر و بگو که این ذکر را برایش بر روی قطعه ای از نقره حکاکی کند. و اگر خواست آن را به بازویش ببندد، باید آن ذکر را به بازوی راستش ببندد و وضو بسازد و چهار رکعت نماز گزارد و در هر رکعت یک بار سوره حمد و هفت بار آیه الکرسی را بخواند و هفت بار آیه شهد الله و هفت بار سوره شمس و هفت بار و اللیل إذا یغشی و هفت بار قل هو الله أحد را بخواند و وقتی این اذکار به پایان رسید، در هنگام بلایا و سختیها آن را به بازوی راست خود ببندد تابه حول و قوت خدا از هر آنچه که میترسد در امان بماند و شایسته است که در آن هنگام قمر در عقرب نباشد و در این هنگام حتی اگر به جنگ سپاه روم هم بروی، به اذن خدا و برکت این حرز بر آنها غلبه خواهی کرد.

روایت شده است که وقتی مأمون ماجرای این حرز و خواصش را از ابو جعفر شنید، به جنگ سپاه روم رفت و خداوند او را بر آنها پیروز گردانید و غنایم بسیاری را به آنها داد. و مأمون همیشه در هر جنگی این حرز را به همراه داشت و خداوند به

فضل خود او را یاری میکرد و به اراده خود او را پیروز میگردانید. همه اینها با حول و قوه خداوند صورت میگیرد. متن حرز از این قرار است:

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر. شکر و سپاس برای پروردگار جهانیان است تا پایان سوره. آیا ندیدی که خداوند هر آنچه را که در زمین است مسخر شما نمود؟ و کشتی به امر او در دریا شناور است و اوست که حافظ آسمانهاست تا بر روی زمین نیفتد مگر به اذن او. خداوند نسبت به مومنان رؤوف و رحیم است. خداوندا تو یکتایی و پادشاهی و صاحب روز قیامت هستی و هر چه بخواهی انجام میدهی و هیچکس بر تو غلبه نمیکند و به هر کس بخواهی بدون منت میدهی و هر چه بخواهی میکنی و هر حکمی بخواهی میدهی و روزها را بر مردم میگذرانی و نسل به نسل آنها را بر روی زمین می آوری.

از تو میخواهم که به حق نام ثبت شده خود بر سراپرده مجد و بزرگی و اسم ثبت شده تو بر سراپرده اسرار که پیروز زیبا و نیکو و شاداب است، ای پروردگار هشت فرشته و عرشی که حرکت نمیکند و از تو میخواهم به حق چشمی که نمیخوابد و عمری که تمام نمیشود و به نور روی تو که خاموشی ندارد و به اسم بزرگ بزرگ بزرگ و اسم اعظم اعظم اعظمی که بر ملکوت آسمان و زمین احاطه دارد و به اسمی که خورشید به واسطه آن تابندگی یافت و ماه نورانی گشت و دریاها ژرف گردید و کوهها منصوب گشت و به اسمی که عرش و کرسی به آن قوام یافت و به اسم تو که بر سراپرده عرش نوشته شده است و اسم تو که بر سراپرده عزت و عظمت بهاء و قدرت نوشته شده است و به اسم عزیز تو و به اسم های مقدس و صاحب کرامت تو که در گنجینه علم غیبت مخزون گشته اند.

از خیر تو بهترین آنچه را که امید دارم میخواهم و از شر آنچه که از آن ترس و واهمه دارم و آنچه که نمیترسم به تو پناه میبرم ای یاور محمد صلی الله علیه و آله در روز حنین و ای یاور علی علیه السلام در روز صفین ای پروردگار که در هم شکننده ستمگران و در هم کوبنده متکبران، از تو میخواهم به حق طه و یس و القرآن الحکیم و الفرقان الحکیم بر محمد و آل محمد درود بفرستی و به واسطه او صاحب این حرز را نیرومند گردانی و از تو میخواهم که به قدرت خود گردن هر ستمگر و جباری و

هر شیطان رانده شده‌ای و دشمن سرسخت و زیرپاگذارنده اخلاقیات را در برار من پایین بیاوری و او را از کسانی قرار ده که خود را در برابر تو تسلیم کرده‌اند و امر خود را به تو واگذارهاند و به تو پناه آورده‌اند. خداوندا به حق این اسم هایی که ذکر کردم و آن را خواندم و تو حق آن را بهتر از من میدانی از تو میخواهم ای صاحب منّتهای فراوان و بخشندگی بسیار و برآورنده دعاها و صاحب کلمات تامه و اسمهای نافذ، از تو میخواهم ای روشنایی روز و ای نور شب و ای نور آسمان و زمین و ای نور النور و ای نوری که همه چیز به واسطه آن روشنایی می یابد ای دانای غیبهای دریا و خشکی و زمین و آسمان و کوهها.

و از تو میخواهم ای کسی که پایان نمیپذیرد و نابود نمیگردد و از بین نمیرود و هیچ صفتی ندارد و هیچ اندازه و حدی ندارد و هیچ معبودی جز او نیست و هیچ شریکی در خدایی ندارد و عزت فقط خاص اوست و او همواره عالم به علوم است و به همه امور آگاه است و نظم دهنده کارها و عالم هستی است و مدبر امور است و بینای خلق است و نسبت به همه چیز داناست.

تو همان کسی هستی که صداها در برابر تو پایین میآید و وهمها عظمت تو را درک نمیکنند و راهها به سوی تو بسته است و نور تو همه چیز را پر کرده است و همه چیز در برابر تو خاشع و خاضع است و همه به سوی تو میگریزند و همه به تو توکل دارند و تو درجلال و جبروت خود بلند مرتبه هستی و در زیبایی خود گرانی و در قدرت خود عظیمی و هیچ کس تو را درک نمیکند و تو بزرگ و عظیم هستی و اجابت کننده دعاهایی و برآورنده حاجاتی و گشاینده سختی هایی و از بین برنده بلایایی.

ای کسی که در عین بزرگی متواضعی و در عین تواضع بزرگی و بسیار نورانی هستی و در سلطنت خود قوی هستی و عزت داری. بر محمد و آل او درود فرست و صاحب این حرز و این نامه را نگه دار با چشمت که هرگز نمیخوابد و او را نگه دار با ستون خود که نابود نمی شود . با قدرت خود به او رحم کن که او روزی خوار توست.

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر به نام خدا و به خدایی که هیچ همسر و فرزندی ندارد به نام خداوند قدرتمند عظیم صاحب شان، خداوند ی که صاحب براهین قوی و سلطنت محکم است. هر آنچه که خدا بخواهد به تحقق میرسد و هر چه که نخواهد اتفاق نمی افتد. گواهی میدهم که نوح پیامبر خداست و ابراهیم خلیل الله است و موسی کلیم الله است و عیسی پسر مریم روح الله و کلمه خداوند است. صلوات و درود خدا بر او و بر همه آنها و محمد خاتم پیامبران است و هیچ پیامبری پس از او نیست.

و از تو میخواهم به حق ساعتی که در روز قیامت ابلیس لعین آورده میشود و آن لعین در آن روز میگوید که به خدا سوگند که من فریب دهنده بندگان نبوده ام. خدا نور آسمانها و زمین است و او قاهر و غالب است و قدرت همیشگی دارد و او حکیم و آگاه است. خداوندا از تو میخواهم که به حق این نامها و صفات آن و تصویر آن که چنین است:

منزه است خداوندی که عرش و کرسی را آفرید و بر آن استوار شد از تو میخواهم که از صاحب این نامه هر بدی و ترسی را دور کنی او بنده توست و پسر بنده توست و فرزند امت توست. و تو مولای او هستی پس او را نگهدار.

ای پروردگار، بدیها را از او دور کن و چشم ستمگران را از او برگردان و زبان دشمنان را از او قطع کن و کسانی که برای او بد میخواهند و هر ترس و هراسی را از او دور کن و شر هر مرد و زن و هر پادشاه ستمگر و شیطان و جن و غول ی که قصد ظلم به صاحب این نامه را داشته باشد و قصد ضرر رساندن یا حیله و فریب یا سخن چینی و بدخواهی یا فساد یا غرق کردن یا غارت یا شکست دادن یا نیرنگ یا افشای راز یا آفت و بلا و قتل و سوزاندن و انتقام و قطع و جادو و سحر و بیماری و پیسی و برص و جذام و فقر و تنگدستی و تشنگی و وسوسه و نقص در دین و معیشت و او را با هر آنچه که خواستی کفایت کن و هرگونه که خواستی و هر کجا که خواستی. تو بر هر چیز توانایی و سلام و درود خدا بر سید ما محمد و آل او و هیچ نیرویی جز قدرت خداوند نیست. و سپاس برای پروردگار عالمیان است.

و اما آنچه که بر روی این قطعه از نقره خالص نوشته شده است:

ای کسی درآسمانها و زمین شناخته شدهای. ای کسی که در دنیا و آخرت همه تو را میشناسند. ستمگران و پادشاهان همواره سعی داشتند که نور تو را خاموش کنند و ذکر و یاد و را از خاطر ببرند. پس خداوند نور تو را تمام گردانید و نام تو را بر همه زبانها انداخت، حتی اگر مشرکان با آن مخالف باشند.

و در نسخه ای دیگر دیدم که چنین نوشته شده بود: و او اراده کرد که نور تو را تمام گرداند.

میگویم: و اما قول او که گفت «خداوند خواست که نور تو را تمام گرداند» شاید - منظور از تو این باشد : - ای اسم اعظم نوشته شده در این حرزکه به صورت طلسم است.

و در جزء سوم یک کتاب یافتم که مراد از این قول این است که ای کسی که در آسمانها مشهور هستی... تا پایان ذکر، او مولای ما امیر مومنان علی بن ابی طالب علیه السلام است.

حرز دیگری که متعلق به امام نهم است با روایتی دیگر: ای نور، ای برهان، ای روشنگر، ای نورانی ، ای پروردگار! مرا از شرور باز دار و از آفات روزگار در امان بدار. از تو نجات و پیروزی میخواهم در روزی که در صور دمیده میشود(1).

1- . مهج الدعوات: 44052[1]

روایات:

1. مهج الدعوات: حرز مولای ما امام علی بن محمد تقی علیه السلام: از عبد العظیم بن عبدالله الحسنی نقل است که ابو جعفر محمد بن علی الرضا علیه السلام این حرز را برای پسرش ابو الحسن علی بن محمد علیه السلام که کودکی در گهواره بود نوشت و به وسیله این حرز فرزند خود را از بلایا در امان نگه میداشت و به یاران خود نیز دستور میداد که از آن استفاده کنند. متن این حرز این بود:

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر. هیچ نیرو و توانی جز به خداوند بزرگ متعال نیست. خداوندا، ای پروردگار فرشتگان و روح و پیامبران و فرستاده شدگان و ای چیره و پیروز بر هر کسی که در آسمانها و زمین است و ای آفریننده هر چیز و مالک همه چیز، ای پروردگار یکتا دشمنی دشمنان و بدخواهان انس و جن را از ما دور نگه دار و چشمها و دلهای آنان را کور بگردان و بین ما و آنان حجابی قرار ده و شر آنان را از ما دور بگردان. تو پروردگار ما هستی و هیچ نیرو و توانی جز در نزد خداوند نیست. بر او توکل میکنیم و به سوی او باز میگردیم و سرنوشت همه به سوی اوست. ای پروردگار ما، ما را مایه آزمایش کافران قرار مده و ما را ببخش و بیامرز که تو عزیز و حکیم هستی. پروردگارا ما را از هر بدی و از شر هر جانداری که اختیار آن در دست توست در امان نگه دار ، و نیز از شر آنانکه در شب زندگی می کنند و آنان که در روز ، و نیز از شر هر دارای شری .

ای پروردگار جهانیان و ای خداوند پیامبران، بر محمد و آل او و دیگر اولیاءت درود فرست و پیامبر اکرم و آل او را به کاملترین درود و سلام اختصاص بده و هیچ نیرو و توانی جز خداوندمتعال نیست.

به نام خدا و پناه میبرم به خدا و از او امان میخواهم و به عزت و بزرگی خدا از خود دور میکنم شر شیاطین انس و جن و سپاهیان پیاده و سواره آنها و حمله بردنشان و بازگشتشان و مکرشان و شر آنها و شر هر کاری را که در شب و روز انجام میدهند از نزدیک و دور، از شر حاضر و غایب و آنکه هست و آنکه در سفر است و زنده ومرده و کور و بینا و عام و خاص و از شر نفس و وسوسه آن و از شر جنهاو تماس با آنان و مشتبه شدن امر بر من در رابطه با آنان و از چشم انس و جن و به اسمی که عرش بلقیس با آن لرزید؛

دینم و خودم و جمیع چیزهایی را که پیرامونم هست، از شر هرگونه خیال یا تصور یا سفید و سیاهی و هر هیبتی، یا هم پیمان و غیر هم پیمان و از هر آنکس که در هوا و ابر و تاریکی و نور و سایه و آفتاب و خشکی و دریا و دشت و تپه و خرابه و آبادی و بیشه و جنگل و برکه و کلیسا و گورستان و دشتها و بیابانها زندگی میکند و از شر هر کسی که میآید و هر کسی که میرود و هرکسی که در شب خود را نمایان میکند و در روز خود را پنهان میکند. در هنگام غروب و صبح، هنگام شامگاه و صبحگاه ما را در امان نگه دار از شر ترسانندگان و جادوگران و شیطانها و فرعونها و ابلیسها و از سپاهیان آنها و همسرانشان و قوم و قبیله آنان و از آسیب رساندن و لطمه زدن آنان و جادوی آنها و کوباندن آنها و گرفتن وسحرشان و زدنشان و نابود کردنشان و تهدیدشان و حیله گریشان و رفت و آمدشان و ازشر هر شر رسانی از جادوگران و غولها و ام صبیان و همه فرزندانشان و هرجا که وارد شدند. و از شر هر شر رسانی که داخل و یا خارج است، عارض و متعرض و ساکن و متحرک است و از هر درد و مرضی و تپیدن رگ (تپش شدید قلب) و سردرد و درد نیمه سر و صورت و انواع تب از جمله تب سخت و شدید و تبی که در روز سوم و یا چهارم بیماری به سراغ انسان میآید و تب نوبه و تب سرد و تب گرم (تب و لرز) و درون و بیرون و از شر هر جانداری که تو اختیارش را در

دست داری. تو بر راه راست هستی و درود و سلام خداوند بر پیامبرش محمد و بر آل طیب و طاهر او(1).

2. مهج الدعوات حرز علی بن محمد نقی علیه السلام:

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر. ای کسی که در عزت خود بسیار عزیز هستی ، عجب عزتی دارد عزت بخشنده ی عزت در عزت خود، ای عزیز ، مرا به عزت خود عزیز گردان و به نصر و ظفر خود پیروز گردان و وسوسههای شیاطین را از امن دور گردان و خودت شر آنان را از من دور کن و با خواست و اراده خود، شر آنها را از من دور بگردان و مرا ازبندگان خوبت قرار بده، ای یکتای بی همتا ای تنهای بینیاز(2).

ص: 440

1- . مهج الدعوات: 53[1]
2- . مهج الدعوات: 55[2]

روایات:

1. مهج الدعوات: حرزامام حسن عسکری علیه السلام:

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر به حجاب و پوشش خداوند پوشاندم خود را، همان نوری که به وسیله آن از چشمها پوشیده گشت و خود و خانواده و فرزندانم و هر آنچه را که تحت تصرف من است، به وسیله بسم الله الرحمن الرحیم در امان نگه میدارم و خود و همه اینها را از هر آنچه که میترسم و از آن بیم دارم به خدا پناه دادم خدایی که جز او خدایی نیست و او زنده و پاینده است و هیچ چرت و خوابی او را در بر نمیگیرد و هر آنچه که در آسمانها و زمین است از آن اوست. هیچکس جز به اذن او اجازه شفاعت کردن برای بندگان را ندارد. او هر آنچه را که در آشکار و نهان مردم است می داند و مردم جز بر آنچه از علمش که اوبخواهد دست نمییابند. قلمرو سلطه او زمین و آسمانها را در بر گرفته و حفظ آن برای او هیچ سختی و مشقتی ندارد. اوست بزرگ و متعال.

و کیست ظالمتر از آنکه آیات خداوند را شنید و از آن روی گردانید؟ و آنچه را که از اعمالش پیش فرستاده بود فراموش کرد، ما بر دلهای آنان مهر زدیم که هیچ چیز را نفهمند و گوشهایشان را سنگین گرداندیم و هر چقدر که آنها را به سوی هدایت بخوانی، آنها هیچگاه هدایت نخواهند شد. آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خود قرار داد و خداوند با علم و آگاهی او را گمراه کرد و بر گوش و قلب او مهر زد و بر چشمانش پردهای کشید و پس از خدا هیچکس نمیتواند او را

هدایت کند. آیا متذکر نمیشوید؟ آنها کسانی هستند که خداوند بر دلهای آنان و گوش و چشمشان مهر زده است آنها از یاد خدا غافلند و هنگامی که قرآن میخوانی، بین تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند، حجابی قرار میدهیم و بر دلهای آنان مهر میزنیم تا سخن آن را نفهمند و گوشهای آنان را سنگین میگردانیم و هنگامی که خداوندت را در قرآن کریم به صفت یکتایی و احدیت می خوانی، آنها رو به فرار گذاشتند و سلام و صلوات خداوند بر محمد و خاندان پاک او.(1)

2. مهج الدعوات: حرز دیگری از امام حسن عسکری علیه السلام:

به نام خداوند بخشنده مهربان. ای توشه من و ای قدرت من در سختیها، ای فریادرس من در هنگام شدائد و بلایا، ای همدم من در حال تنهایی، مرا با چشم خود که هیچگاه نمیخوابد حفظ کن و مرا با ستون خود که هیچگاه فرو نمیریزد حفظ کن.(2)

1- 1. مهج الدعوات :55
2- 2. مهج الدعوات :56

صلوات الله علیه

روایات:

1. مهج الدعوات، حرز مولای ما حضرت قائم علیه السلام.

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر، ای صاحب جانها و ای در هم کوبنده لشکرها، ای گشاینده درها ای سببساز همه کارها، اسباب کارهایی را که ما قادر به طلب کردن آن نیستم، برای ما فراهم کن، به حق کلمه شهادتین که میگوید خدایی جز خدای یگانه نیست و محمد نبی و فرستاده اوست و درود و سلام خدا بر پیامبر و آل پاکش باد.(1)

2. العدد القویه: امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود که گویا می بینم حضرت قائم علیه السلام را وقتی که از وادی السلام به سمت مسیل سهله بر روی اسبی نشسته که پاها و پیشانی سفید دارد و میدرخشد او دعا می کند و گوید:

حقیقتا حقیقتا هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست، خدایی جز خدای یگانه نیست به او ایمان داریم و او را تصدیق مینماییم خدایی جز خدای یگانه نیست او را میپرستیم و بنده اوییم. خداوندا تو تنها عزت دهنده همه مومنانی و خوار کننده همه زورگویان و ستمگرانی و پناه من هستی، وقتی مکتبها و مذهبهای گوناگون مرا خسته میکنند و زمین با همه گستردگیاش بر من تنگ میآید. خداوندا تو مرا آفریدی در حالیکه از آفرینش من بینیاز بودی واگر یار و یاوری تو نبود، من از خاسرین و زیانکاران بودم. ای کسی که رحم و بخشش را از موضع خود پراکنده

1- . مهج الدعوات: 56[1]

میکنی و برکتها و خیرات را از معادنش استخراج میکنی و ای کسی که خودش را به رفعت و بلندی و دوستان ، خود را به عزت و سربلندی اختصاص داده است. ای کسی که پادشاهان یوغ بردگی او را بر گردن خود انداختهاند و از سلطه او در هراسند. از تو میخواهم به حق اسم خود که همه بندگانت را به واسطه آن آفریدی و همه به آن اذعان دارند، از تو میخواهم که بر محمد و آل او درود فرستی و امر مرا محتوم گردانی و فرج مرا نزدیک گردانی و مرا کفایت کنی و به من سلامتی و عافیت عطا کنی و نیازها و حوائج مرا برآورده سازی در همین ساعت در همین ساعت و در همین شب در همین شب که تو برهمه چیز توانایی.

روایات:

میگویم: حرز یمانی و حرزهای دیگر در باب دعاهای فرج و... میآید

1. به نقل از خط شهید رحمه الله علیه مطلبی به خط شیخ محمد بن علی جباعی یافتم. حرزی بود برای در امان ماندن از هر غم و اندوهی.

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر، حقیقتا حقیقتا خدایی جز خدای یگانه نیست خدایی جز خدای یگانه نیست او را میپرستم و بنده اویم خدایی جز خدای یگانه نیست و من در قول خود درستی این حقیقت را تصدیق میکنم. خدایی جز خدای یگانه نیست او ذخیرهای است که باقی میماند. خدایی جز خدای یگانه نیست به سوی او اشتیاق دارم. به نام خداوند و به حق او و شکر و سپاس برای خداست از خدا امان میخواهم و به او پناه میبرم و به او تکیه میدهم و فقط خداست که مرا توفیق عنایت میکند. بهترین توانا فقط خداست و بهترین یاور تنها اوست و فقط اوست که خیر و برکت میبخشد و هر آنچه که از نعمتها داریم، از جانب خداست و اختیار همه امور به دست اوست . خدا را پشیبان خود قرار میدهم و از او یاری میخواهم و از او طلب مغفرت میکنم و سلام ودرود بر رسول خدا و بر فرشتگانش و بر بندگان صالحش. این از جانب سلیمان نبی است و آن این است: به نام خداوند بخشنده بخشایشگر در نزد من کبر نورزید و در برابر من سر تسلیم فرود آورید خداوند اینگونه مقررکرده که من و فرستادگانم پیروز گردیم. همانا خداوند صاحب

قدرت و عزت است و نقشه های آنان هیچ زیانی به شما نمیرساند و خداوند به تمام آنچه که انجام می دهند احاطه دارد .

آن گاه که دست خود را به سوی شما دراز کردند پس او دست آنها را از شما کوتاه کرد و خداوند تو را از شر مردم در امان نگه میدارد. خداوند کافران را هدایت نخواهد کرد و هر چقدر که آتش جنگ بیفروزند، خداوند آن را خاموش خواهد کرد. ما به آتش گفتیم که ای آتش سرد و سلامت باش بر ابراهیم و آنها خواستند که در مورد او حیله و مکری به کار برند پس آنها را از جمله زیانکاران قرار دادیم. خداوند تعداد شما را زیاد کرد تا قلمرو فرمانروایی خود را گسترش دهد، اوهمواره نگهبانانی در روبرو و پشت سر خود دارد که به دستور خدا از او مراقبت میکنند. پروردگارا مرا در جایگاه صدق وارد کن و خروج مرا نیز ازجایگاه صدق قرار بده و از نزد خود به من قدرت و یاری عطا کن و ما او را به خود نزدیک کردیم و نجاتش دادیم و به او جایگاه ومکانت بلند مرتبهای بخشیدیم. خداوند برای آنها مهری قرار میدهد ومحبتی را از جانب خود برای توقرار دادم، نهراس که تو برتری، از هیچ نابودی نترس که تو درامانی و خداوند به تو یاری و عزت خواهد داد و هرکس که به خدا توکل کند خداوند برای او بس است. خداوند امر خود را به انجام میرساند و او برای هر چیزی سرنوشتی قرار داده است. خداوند آنها را از شر آن روز در امان نگه داشت و به آنها سرور و شادابی بخشید و به پاداش صبر و تحمل آنان، به آنان بهشت و حریر بخشید. ما نام تو را بلند گرداندیم و با هر سختی آسانی است، محبت آنها نسبت به آن همچون محبتشان نسبت به خداوند است و کسانی که ایمان آورند محبت بیشتری به خداوند دارند. خداوندا به ما صبر و شکیبایی عنایت کن و ما را ثابت قدم گردان، ما را برکافران پیروزگردان . آن کسانی که مردم به آنها گفتند گروه زیادی برای جنگ با شما آماده شدهاند، از ایشان بترسید و خداوند بر ایمان آنان افزود و گفتند خدا برای ما کافی است و او بهترین حافظ است، پس به برکت فضل و نعمتی از خداوند رهسپار شدند و هیچ شری به آنان نرسید . همان خدایی که با یاری خود و مومنان تو را پیروز گردانید و بین دلهای آنان انس و الفت ایجاد کرد الفتی که اگر هر آنچه در زمین بود را میدادی نمیتوانستی آن را ایجاد کنی اما خداوند این کار را

انجام داد که او صاحب عزت و داناست. ما تو را به وسیله برادرت قدرتمند میگردانیم و برای شما نیرو و سلطهای قرار میدهیم و آنها به خاطر نشانههایی که میفرستیم، به شما نمیرسند و شما و هر کس از شما پیروی کند پیروز است. خداوندا به تو توکل کردیم و به سوی بازگشتیم وسرنوشت همه به سوی توست خداوندا در کار ما و قوم ما گشایشی حاصل کن که تو بهترین گشایشدهندگان هستی من به پروردگار خودم و شما توکل کردم، هیچ جانوری در روی زمین نیست مگر اینکه تحت تصرف و قدرت اوست پروردگار من بر راه راست است. به زودی آنچه را که به شما میگویم به خاطر خواهید آورد و همه کارهایم را به خدا واگذار میکنم که خداوند به بندگانش بیناست اگر به تو پشت کردند ، پس بگو که خدا برای من بس است هیچ خدایی جز او نیست به او توکل کردم و او پروردگار بزرگ عرش است، خداوندا من دچار ضرر و زیان شدهام و تو مهربانترین مهربانانی هیچ خدایی جز تو نیست و تو پاک و منزهی، من از ستمگران بودم. «الم»، آن کتاب هدایتی است برای متقین و شکی در آن نیست ، همانانی که ایمان به بع غیب اند و نماز را به پا می دارند و از آنچه با آنان داده ایم انفاق می کنند ، همانانی که به تمام آنچه که بر تو و پیامبران پیش از تو نازل شد ایمان دارند و به قیامت یقین دارند آنان بر هدایت الهی هستند و همانان رستگارانند . خداست که معبودی جز او نیست؛ زنده و پاینده است؛ نه خوابی سبک او را فرو می گیرد و نه خوابی گران؛ آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست. کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشان است می داند. و به چیزی از علم او، جز به آنچه بخواهد، احاطه نمی یابند. کرسی او آسمانها و زمین را در بر گرفته، و نگهداری آنها بر او دشوار نیست، و اوست والای بزرگ ، و چهره ها برای آن [خدای] زنده پاینده خضوع می کنند، و آن کس که ظلمی بر دوش دارد نومید می ماند پس والاست خدا، فرمانروای برحق، خدایی جز او نیست. [اوست] پروردگار عرش گرانمایه. پس سپاس از آن خداست: پروردگار آسمانها و پروردگار زمین، پروردگار جهانیان. و در آسمانها و زمین، بزرگی از آن اوست، و اوست شکست ناپذیر سنجیده کار.

و چون قرآن بخوانی، میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند پرده ای پوشیده قرار می دهیم. و بر دلهایشان پوششها می نهیم تا آن را نفهمند و در گوشهایشان سنگینی [قرار می دهیم] و چون در قرآن پروردگار خود را به یگانگی یاد کنی با نفرت پشت می کنند پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مُهر زده و بر دیده اش پرده نهاده است؟ آنها همان کسانی هستند که خداوند بر دلها و گوشها و چشمهایشان مهر زد و آنها همان غافلان هستند و [ما] فراروی آنها سدی و پشت سرشان سدی نهاده و پرده ای بر [چشمان] آنان فرو گسترده ایم، در نتیجه نمی توانند ببینند .و هیچکس جز خدا توفیق دهنده من نیست بر او توکل کردم و به سوی او توبه میکنم و بر آنان اندوهگین مشو و از آنچه نیرنگ می کنند دل تنگ مدار در حقیقت، خدا با کسانی است که پروا داشته اند و [با] کسانی [است] که آنها نیکوکارند. صداها در مقابل [خدای] رحمان خاشع می گردد، و جز صدایی آهسته نمی شنوی. پس خداوند برای آنها کافی است تو را و اوست شنوای دانا.

خداوند ا هر کس برای من بدی خواست، سر او را قطع گردان و زبانش را بیرون کش و بر دهانش مهر بزن و مکر و حیله او را به خودش بازگردان و بین من و او هرچه خواستی و هرکجا خواستی قرار بده و هرگونه خواستی بین ما حکم کن و من را از او و از هر جنبندهای را که تحت تصرف توست، تحت حمایت خود قرار بده چرا که هر آنکس در حمایت توست عزت دارد و همسایه تو بلند رتبه است و سلطه تو پیروز است و دستور تو غالب و چیره است و تو بر هر چیز توانایی.

خداوند ا بر محمد و آل او درود فرست همانگونه که ما را بوسیله او از گمراهی نجات دادی ، بهترین سلامی را که بر مخلوقاتت فرستادی و بر محمد و آل او درود فرست همانگونه که ما را بوسیله او از نادانی نجات بخشیدی و ما و پدران ما و مادران ما و فرزاندانمان را و جمیع مردان و زنان مومن را ببخش و بیامرز به رحمت خود ای مهربانترین مهربانان و سپاس و ستایش برای خداست به تنهایی و سلام و درود خدا بر محمد و خاندان پاک او.

حرزی که به خط برخی از فضلا یافت شد:

پناه میبرم به پادشاه زندهای که نمیرد و چنگ میزنم به دستاویزی که صاحب قدرت و عزت و جبروت است و یاری میخواهم از او که صاحب نعمتها و بزرگی و ملکوت است و توکل میکنم بر زندهای که نمیمیرد شکر و سپاس برای خدایی است که هیچ فرزندی اختیار نکرد و هیچ شریکی در پادشاهی ندارد و هیچ شریکی از روی نیاز و ذلت ندارد و او را بزرگ بدار و به بزرگی یاد کن . ای کسی که هیچکس همانند تو نیست ای کسی که هیچکس شبیه تو نیست ای کفایت کننده همه کس مرا از همه چیز کفایت کن که تو بر هر چیز توانایی ای کسی که لطف پنهان داری مرا مورد لطف پنهان خودت قراربده ای تنها کس بی کسان ، امید از همه قطع شد جز تو. ای مهربانترین مهربانان ای صاحب کارهای نیک که هیچگاه قطع نمیشود و هیچکس جز او نمیتواند آن را به شماره در آورد.

حرزی که سید داماد آن را از استادان و پیشینیان خود رضوان الله تعالی علیهم نقل کرد. متن حرز چنین است:

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر و تمسک میجویم به بزرگ عظیم و درود وسلام او بر سید ما و پیامبر کریم و خاندان پاک او.

حرزی بسیار مؤثر که آن را به شیوه خودم و با اسناد خودم از استادانم و پیشینیانم رضوان الله تعالی علیهم که خداوند ضریح آنان را نورانی گرداند روایت کردم:

من خود و خانواده و مالم را و فرزندانم و هر کس و هر چیز را که با من بود به چیزی سپردم که محمد سقف آن است و علی درب آن است و فاطمه و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و احسن و قائم منتظر دیوارهای آن هستند و فرشتگان پاسبانان آنند و خداوند آن را در احاطه خود و تحت حفاظت خود دارد و از پشت سر آنها حافظ همه آنهاست، که آن همان قرآن مجید در لوح محفوظ است.

حرز دیگری که به حرز اول شبیه است و همان سید آن را ذکر کرده است و من با طریق دیگری آن را از سید مطمئنی که مورد اعتماد است و در فقه به او تکیه میشود در حدیث مورد اطمینان است از نظر قرائت و سماع و اجازه نقل کردم و او علی

بن ابی الحسن عاملی رحمه الله است در سال 988 از هجرت مبارک نبوی که در مشهد سید و مولای خود امام رضا صلوات الله و تسلیماته علیه در سناباد طوس بودیم، از زینت اصحاب متأخر، زین الدین احمد بن علی بن احمد بن محمد بن علی بن جمال الدین بن تقی الدین صالح بن شرف عاملی که خداوند مقام و رتبه او را در والاترین مقامات شهدا و صالحین و صدیقین قرار دهد شنیدیم که چنین است:

خود و خانواده و مالم و فرزندانم را به سرزمینی سپردم که خداوند سقف آن است و محمد دیوارهای آن است و علی درب آن است و حسن و حسین و امامان معصوم و فرشتگان پاسبانان آنند و خداوند بر آن احاطه دارد و خداوند از هر سو بر ایشان محیط است، آری آن قرآنی ارجمند است که در لوحی محفوط است.

حرز دیگری نیز در دست است از آنچه که سید داماد نقل کرده و آن را از استادان خود روایت کرده است. او آن را در خواب دیده و بر امیر مومنان نیز عرضه داشته است. از نکات ظریفی که من آن را از بین فیوضات ربانی و منتهای خداوند که فیض بسیار دارد و سبحان و منزه است و فضل و منت عظیم دارد و مجد و بزرگی او بیشمار است و سلطان او عزیز است برچیدم، وقتی که در شهر ایمان و در حرم اهل بیت رسول خداوند صلی الله علیه و آله در شهر قم که از مصیبتهای روزگار و بلایای دوران در امان بماند، در یکی از روزهای ماه اعظم خدا در سال 1011 هجرت مبارک نبوی. در روزی از این روزها بعد از ظهر که نشسته بودم و تعقیب نماز عصر را میخواندم، حالی شبیه به خواب سبک به من دست داد و من رو به قبله نشسته بودم. در خواب دیدم که نور پرتوناکی بر یک هیبت نورانی که شبیه به جسم انسان بود میدرخشد، انسانی که گویا بر سمت راست خود دراز کشیده بود و یک شخص دیگر را نیز دیدم که هیکل بزرگی دارد و نور بسیار تابان و درخشانی از او ساطع است، او پشت سر شخصی که دراز کشیده بود نشسته بود گویا من از پیش خود فهمیدم یا اینکه کسی به من فهماند که آن شخصی که خوابیده امیر مومنان صلوات الله علیه است و آن کسی که پشت سر او نشسته است، سید و شفیع ما رسول الله صلوات الله علیه است. من در مقابل آن شخص زانو زدم و روبروی سینهاش بودم و او دراز کشیده بود. پس امام صلوات الله علیه را دیدم در حالیکه بشاش و خنده رو

بود و به من لبخند میزد و دست مبارک خود را برپیشانی و گونهها و محاسنم کشید، گویا برای من بشارتی داشت از اندوه نجات می یافتم. گویا او قلب شکسته مرا بند میزد و با این کار غم واندوه را از جان من میزدود و غصه را از خاطرم میبرد. در این هنگام من آن حرز را همانگونه که شنیده بودم و در یادم مانده بود برای او بیان کردم و او به من گفت که به این صورت بخوان یا بخوان به این صورت:

محمد نبی خدا که صلوات خدا بر او باد روبروی من و فاطمه دختر او که صلوات خدا بر او باد بالای سر من و امیر مومنان علی بن ابیطالب که صلوات خدا بر او باد وصی رسول خدا در سمت راستم و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و قائم منتظر امامان من که درود و سلام خداوند بر آنان باد، روبروی من و ابوذر و سلمان و مقداد و حذیفه و عمار و یاران رسول خدا که خداوند ازآنان راضی باد پشت سر من و فرشتگان پیرامون من هستند و خداوند پروردگار من که شان و منزلت عظیم دارد و نامهای او پاکیزه و طیب است گرداگرد من و او حافظ من و نگاهدار من است؛ و خداوند از هر سو بر ایشان محیط است، آری آن قرآنی ارجمند است که در لوحی محفوط است، خدا بهترین حافظ است و او مهربان ترین مهربانان است.

وقتی صحبت من تمام شد، ایشان فرمود: تکرار کن ومن مانند خود او برایش خواندم. سپس فرمود: بس است و خود او آن را برایم تکرار کرد و بدین ترتیب من دعا را برایش میخواندم و هر وقت که سخنم به پایان میرسید، او آن را تا آنجا که حفظ کرده بودم برایم تکرار میکرد تا اینکه کامل حفظ کردم. پس از خواب خود بیدار شدم و آه و ناله سر دادم و تا روز قیامت بسیار به آن شخصی که در خواب دیده بودم مشتاق بودم، این بیداری بیداری حقیقی بود و بیداری مردم عادی دربرابر آن خوابی بیش نبود و زندگی فقط همین بود و زندگی دیگران درمقابل آن مرگی بیش نبود. حروف را به حکایت از خود، با دست راست فقیر و ناتوانش نوشت که حقیرترین بندگان و محتاج ترین آنان به رحم پروردگار حمید و غنی خود است، محمد بن محمد است که باقر الداماد حسینی خوانده میشود، خداوند هم در دنیا و هم در آخرت برای او خیر بخواهد و در بازگشت او به سوی خود او را از جام

مقربان سیراب کند همانان که به او نزدیکند، و بهترین روزهای او را فرادایش قراردهد و او را ازچنگ زدن به ریسمان فضل خود ناتوان نکند و در حالی که شکرگزار، نمازگزار، مسلمان و توبه کننده است و شکر و سپاس برای خداست و حق، تنها اوست.

ص: 452

باب پنجاه و دوم : حجاب های روایت شده از پیامبر و امامان صلوات الله و سلامه علیه و علیهم أجمعین و آن چه از دعاهای معروف و حرزهای مشهور که مناسب آن هاست، و بیانی از دعای جوشن کبیرو صغیر و نظایر آنها

روایات:

1. مهج الدعوات: بیان آن چه که از حجاب های روایت شده از پیامبر و امامان علیهم السلام انتخاب کردیم که با آن از کسانی که به آنان بدی می کردند پنهان می شدند.

حجاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم:

و بر دل هایشان پرده هایی قرار دادیم تا نفهمند و گوش هایشان را سنگین کردیم تا نشنوند. و هنگامی که یگانگی خداوند را در قرآن یاد می کنی از تو روی برمی گردانند و به تو پشت می کنند. پروردگارا، به آن شوکت و زیبابیت که پرده ها آن را پوشانده اند سوگند و به آن چه از بزرگی کمالت که عرش تو پیرامون آن در گردش است و به جایگاه های عزت تو در عرشت و به آن چه قدرت و سلطنت تو بر آن احاطه یافته، ای آن که فرمانش بازداشته نمی شود و دستورش نقض نمی شود. میان من و دشمنانم پرده ای بیانداز که نه بادهای تند و نه شمشیرهای برنده آن را نشکافد و سنان نیزه ها نیز به آن راهی نیابد. ای دریابنده ی شدید، میان من و هرکس با حیله و مکر و یا آسیبی به من می رساند حائل شو. و همه غم و اندوهم را برطرف کن، ای آن که اندوه یعقوب را برطرف کرد اندوهم را بر طرف کن، ای آن که پریشانی را از ایوب برداشت، پریشانی ام را درمان کن و بر کسانی که بر من پیروز شده اند غلبه کن،

ای پیروزمند شکست ناپذیر. و خداوند کافران را با خشمشان بازگرداند در حالی که به هیچ خیری نمی رسند ، و خداوند مؤمنان را از جنگ بی نیاز کرد و خداوند نیرومند شکست ناپذیر است. پس کسانی را که ایمان آورده بودند در برابر دشمنانشان یاری کردیم و سرانجام پیروز شدند.

حجاب أمیر المؤمنین علی بن أبی طالب صلوات الله علیه:

به نام خداوند بخشنده مهربان. بگو خداوندا، ای مالک حکومت ها، حکومت را به هر کس بخواهی می بخشی و آن را از هر کس بخواهی باز پس می گیری، هر که را بخواهی عزیز می گردانی و هر که را بخواهی خوار می کنی، تمام خوبی ها به دست توست، تو بر هر چیز توانایی. شب را در روز داخل می کنی و روز را در شب، زنده را از مرده بیرون می آوری و مرده را از زنده، و به هر کس بخواهی بدون حساب روزی می دهی. خدا بزرگ است، خدا بزرگ است، خدا بزرگ است، آفریدگان همگی برای بزرگی شکوهش فروتن شده اند و عزت هر متکبری در برابر عظمتش خوار شده است و کسی از آن ها به من نخواهد رسید، بلکه خداوند آن ها را رانده و پراکنده می کند و در سختی گردن کشی شان آن ها را نابود می سازد. به وسیله « بگو پناه می برم به خدای مردم، پادشاه مردم، معبود مردم، از شر وسوسه گر پنهان، که در سینه های مردم وسوسه می کند، از انسان ها و جنیان» درهای کسانی از شما که عقب تر آمدند بسته شده و گمراه و رانده و سرگردان می شوند. با فرشتگان صف در صف، با بادهای به حرکت درآورنده، با فرشتگانی که پیوسته فرومی آیند، با فرشتگان برکشنده ی جان ها، شما را از حرکت باز می دارم. خاکستر شوید و دست از من بردارید. امروز بر دهان هایشان مهر می زنیم و دست هایشان با ما به سخن می آیند و پاهایشان بر آن چه به دست آورده اند گواهی می دهند. این روزی است که سخنی نمی گویند و به آن ها اجازه داده نمی شود تا عذرخواهی کنند. چشم ها خشک شده و زبان ها لال شده و گردن ها برای پادشاه آفریننده فرود آمده است،

خدایا به عین و میم و فاء و دو حاء، به نور سایه ها و درخشندگی روشنایی سپیده دم، و به تقدیر تو برای من ای توانا. در صبح و شام مرا از شر هر خزنده و رونده و ستمکار و سرکش نجات بده. خداوند، خداوند پیروز که هیچ گریزانی از او

پناهی ندارد. یاری و پیروزی نزدیک از خداوند است، هنگامی که یاری خداوند و پیروزی فرا رسد. اگر خداوند شما را یاری کند کسی بر شما غلبه نمی کند، خداوند چنین نوشته که من و فرستادگانم پیروزیم، به راستی که خداوند پیروزمند شکست ناپذیر است. آن کس که به خدا پناهنده شد در امان است. نیرو و جنبشی مگر از جانب خداوند بزرگ و بلندمرتبه نیست.

حجاب حسن بن علی علیهما السلام:

پروردگارا، ای کسی که میان دو دریا مانع و حائلی قرار داد، ای دارای نیرو و سلطنت، ای دارای جایگاه بلند، چگونه بترسم در حالی که تو امید منی و چگونه مورد ستم واقع شوم با این که تکیه گاهم تویی. پس مرا با پوشش خودت از دشمنان بپوشان و شکیبایی خودت را بر من فرو ریز و با فرمان خودت مرا بر دشمنانم پیروز کن و با یاری ات مرا تأیید کن. پناه به سوی توست و توسل به تو میشود. پس برای من راه نجات و گشایشی در کارم قرار ده، ای کفایت کننده ی ساکنان حرم از فیل سواران، و ای فرستاننده پرندگان ابابیل به سوی آن ها، که سنگ های سجیل را به سوی آن ها پرتاب کردند، هر کس را که با من دشمنی نماید خوار گردان. خدایا، از تو درمانی برای هر بیماری و پیروزی بر دشمنان و موفقیت به آن چه تو دوست می داری و خشنود می شوی درخواست می کنم. ای معبود هر که در آسمان ها و زمین است و هرچه میان آن هاست و هرچه در زیر زمین است، از تو بهبودی می طلبم و از تو بخشش می خواهم و به تو توکل می کنم. پس خداوند تو را از آنها کفایت خواهد کرد و او شنوا و داناست.

حجاب حسین بن علی علیهما السلام:

ای کسی که کفایت کردن مقام اوست و رسیدگی کردن سراپرده اوست و او آغاز و پایان است. ای برطرف کننده بدی و پریشانی و بلاها، آزارهای همه عالمیان را از جنیان و انسان ها از من برطرف کن، با سایه های نورانی و با نام های سریانی و قلم های یونانی و کلمات عبرانی و به آن چه از ایمان روشن در لوح ها فرو فرستادی. خداوندا مرا در پناه خودت قرار ده و در حزب خودت و در پناه گاه و پوشش و حمایت خودت از هر شیطان سرکش و دشمن در کمین و فرومایه دشمنی کننده و

مخالف نافرمان و از شر هر حسودی نگاه دار. به نام خداوند بهبودی می طلبم و به نام خداوند درخواست بی نیازی می کنم و به خداوند توکل کرده ام و از او یاری می جویم در برابر هر ظالمی که ظلم کند و هر ستمگری که ستم روا دارد و هر کوبنده ای که ضربه زند و هر آزاردهنده ای که سرزنش کند. پس خداوند بهترین نگهبان است و او مهربان ترین مهربانان است.

حجاب علی بن حسین علیهما السلام:

به نام خداوند یاری می جویم و به نام خداوند پناهنده می شوم و به او چنگ زدم و توفیقی جز از سوی او ندارم، به او توکل نمودم. بارخدایا، مرا از هر کوبنده ای که در شب تیره و یا صبح روشن ضربه زند نجات ده و از حیله ی هر فریب کار یا مخالف یا حسودی که حسد ورزد، آن ها را دور ساختم به وسیله «بگو او خدای یکتاست، خداوند بی نیاز است، نزاییده و زاده نشده و هیچ کس همتای او نیست.» و به نام پنهانی که میان کاف و نون قرار گرفته و به نام راز آلودی که همه وجود از آن پدید آمده پیش از آن که وجود داشته باشد، سپر میسازم از آن در برابر همه آن چه دیده ها بینند و گمان ها به آن راه یابند. و از مقابل آن ها مانعی قرار دادیم و از پشت سرشان، پس آن ها را پوشاندیم و به همین خاطر نمی بینند. و خداوند برای گواه و یاوری کافی است.

حجاب محمد بن علی باقر علیهما السلام:

خداوند روشنایی همه آسمان ها و زمین است. هر متکبری برای روشنایی او فروتن شده و ساکنان همه سرزمین ها برای بزرگی اش خاموش شده اند و پلیدان همگی نابود و پراکنده شده اند و با نام های پروردگار عالمیان خاضع و رانده شده اند، برای قدرتمندان هوا و آنان که دزدانه به صداهای آسمان گوش می دهند و ساکنان خانه ها و منازل و آنان که هنگام سحر پنهان می شوند و در میانه روز آشکار می گردند. شما را می پوشانم و دور می سازم ای گروه جنیان و انسان ها با نام های خداوند پادشاه نیرومند که هر چیز را به اندازه آفریده است. دیده ها او را درنمی یابند و او دیده ها را دریابد و او مهربان و آگاه است هیچ راه نجاتی برای شما نیست و آن کس از شما که وارد شود پناهی ندارد و هیچ یک از سرکشان شما از صاعقه های

قرآن آشکار و نام های بزرگ پروردگار عالمیان نجات نمی یابند، فراریان شما از پلیدی یأس و اختلاف فرود آمدن و پلیدی های بیراهه ها راهی نمی یابد، پس بازمانده ی شما گرفتار شده و ستاره ی سرنوشت شما شوم است، پرچم برافراشته تان سرنگون است، پس گاه و بیگاه واژگون می شوند و گروه گروه و پراکنده می شوند و با نام های خداوند مانند مردگان بر زمین می افتند. خداوند پیروز شده و او قدرتمند است و همه چیز به سوی او باز می گردد و او دانای آگاه است.

حجاب جعفر بن محمد علیهما السلام:

ای کسی که هرگاه به او پناهنده شدم پناهم داد و به هنگام سختی ها به او تضرع نمودم و پاسخم داد و در بلاها فریاد خود به درگاه او بردم و مرا اجابت کرد و در برابر دشمنم از او یاری جستم و یاری ام کرد. دادخواهی به سوی توست و تو مورد اطمینان هستی، پس هر کس را اراده ی بدی برای من دارد نابود گردان و هر کس که برایم حیله ای اندیشد شکست بده. ای آن که فرمود: اگر خداوند شما را یاری کند کسی بر شما پیروز نمی شود، ای آن که نوح را از مردم ستمگر و لوط را از گروه گنهکار نجات داد، ای آن که هود را از مردمانی که با او دشمنی می کردند نجات داد ای آن که محمد صلی الله علیه و آله را از گروه کافران نجات داد، مرا از دشمنانم و دشمنان خودت نجات ده، به حق نام هایت ای بخشنده، ای مهربان، آن ها به سوی کسی که به قرآن پناه آورد و به بخشنده مهربان زاری کند، راهی ندارند، خداوند بخشنده بر عرش راست گردیده، همانا انتقام پروردگارت سخت شدید است، به راستی که او آغاز کننده و بازگرداننده است و او آمرزنده و مهربان است، هر چه را بخواهد انجام می دهد. پس اگر روی گردان شدند بگو خداوند برای من کافی است، معبودی جز الله نیست و به او توکل می کنم و او پروردگار عرش بزرگ است.

حجاب موسی بن جعفر علیهما السلام:

به زنده ای که هرگز نمی میرد توکل نمودم و به دارنده عزت و جبروت پناهنده شدم، و از صاحب کبریاء و ملکوت یاری جستم. مولای من، خود را به تو تسلیم نمودم پس مرا فروگذار نکن، و به تو توکل نمودم، پس خوارم نگردان. به سایه گسترده تو پناهنده شدم، پس مرا از خود مران، تو مورد خواهش هستی و گریز به

سوی توست. آن چه را آشکار و نهان داشته ام می دانی و اشارات پنهانی دید ه ها را و آن چه را در دل ها پنهان شده می دانی، پس دستان همه ستمگاران جن و انسان را از من بازدار و مرا بهبودی و عافیت ببخش، ای مهربان ترین مهربانان.

حجاب علی بن موسی علیهما السلام:

خود را به تو تسلیم نمودم و فرمانبردار تو شدم و در همه کارهایم به تو توکل نمودم، من بنده تو و فرزند دو بنده تو (پدرو مادرم) هستم. مرا از آفریدگان شَرورت در پرده خودت پنهان کن و از هر آزار و بدی با منت خودت مرا نگاه دار و با قدرت خود شر هر شروری را از من بازدار. پروردگارا، هر کس اندیشه و اراده ی بدی برای من داشته باشد، به وسیله تو او را از خود دور می سازم و با جنبش و نیروی تو از او به تو پناه می آورم، چون تو یاور من بودی دستان ستمکاران از من ناتوان شد. معبودی جز تو نیست ای مهربان ترین مهربانان و معبود عالمیان، از تو درخواست می کنم آزارها را از من کفایت کنی و عافیت و بهبودی و پیروزی بر دشمنان و موفقیت در انجام آن چه تو را خشنود می کند و دوست می داری به من ببخشی، ای معبود عالمیان، ای فرمان روای آسمان ها و زمین ها، ای پروردگار محمد و خاندان پاک و پاکیزه اش، درود تو بر همه آنان باد.

حجاب محمد بن علی علیهما السلام.:

آفریننده از آفریدگانش بزرگ تر است، و روزی دهنده از روزی خوران بخشنده تر است و آتش خداوند فروبسته شده، و در ستون هایی کشیده شده است، دل های سرکشان را فریب می دهد و حیله ی حسودان را بازمی گرداند. با قسم ها، با دستورها، با لوح نگه داشته شده و حجاب افکنده، با عرش بزرگ پنهان شدم و خود را مخفی نمودم و پناه بردم و چنگ زدم و سنگر بندی کردم، با الف لام میم و با کهیعص و با طه و با طسم و با حم و با حم عسق و ن و با طس و با ق و سوگند به قرآن مجید، که اگر می دانستید این سوگندی بزرگ است. خداوند یاور من است و او بهترین یاور و برعهده گیرنده است.

حجاب علی بن محمد علیهما السلام:

و هنگامی که قرآن را خواندی میان تو وکسانی که به آخرت ایمان ندارند حجابی پوشیده افکندیم، و بر دل هایشان پرده هایی انداختیم تا نفهمند، و گوش هایشان را سنگین کردیم. پس هنگامی که قرآن می خوانی از شر شیطان رانده شده به خداوند پناه ببر، همانا او بر کسانی که ایمان آورده و به پروردگارشان توکل کردند، سلطه ندارد. مولای من، به تو توکل می کنم و تو برایم کافی هستی و امید من تویی. هر کس به خداوند توکل کند پس او برایش کافی است. مبارک است معبود ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب، پروردگار اربابان، مالک پادشاهان، جبار متکبران و پادشاه دنیا و آخرت. پروردگارا، رحمتی از جانب خودت بر من فرست ای مهربان، عافیت از سوی خودت بر من بپوشان و روشنایی ات را در قلب من برویان و مرا از دشمنت پنهان کن و در شب و روزم با دیده ات مرا حفظ فرما. ای مونس هر هراسان و ای معبود عالمیان. بگو چه کس در شب و روز شما را از خداوند بخشنده نگاه می دارد، بلکه آنان از یاد پروردگارشان روی گردانند. خداوند برای کفایت و یاری رسانی و عافیت بخشی من کافی است. پس اگر روی گردان شدند بگو خداوند برای من کافی است،

معبودی جز او نیست به او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است.

حجاب حسن بن علی عسکری علیهما السلام:

پروردگارا، گواهی می دهم با حقیقت ایمانم و تصمیم محکم و متیقنم و توحید روشن و خالصم و رازهای نهانی و پوشیده ام و مو و پوست و گوشت و خونم و صمیم قلبم و اعضای بدنم و اندیشه ام، که تو خداوندی، معبودی جز تو نیست، پادشاه پادشاهی ها و جبار متکبران و پادشاه دنیا و آخرت هستی. هر کس را بخواهی عزیز گردانی و هر که را بخواهی خوار می سازی. همه نیکی به دست توست و بر هر کار توانایی. پس مرا با عزت خودت عزیز دار و با قدرت خودت هرکس اراده ی مرا کرده نابود کن، و مرا با پوشش خودت دشمنانم پنهان دار. گنگ و لال و نابینا هستند و به همین دلیل بازنمی گردند. و از مقابلشان و پشت سرشان سدی قرار دادیم، و چشمانشان را پوشاندیم بنابراین نمی بینند. به عزت خداوند پناهنده شدیم و با نام های خدا شما را از خود دور کردیم، بر او توکل نمودیم و او برای ما کافی است

ص: 459

و بهترین نماینده است. نیرو و جنبشی مگر از سوی خداوند بزرگ و بلند مرتبه نیست. و درود خداوند بر آقای ما محمد و خاندان نیک و پاکش باد. و خداوند برای ما کافی و او بهترین جانشین و یاری کننده است. چرا به خداوند توکل نکنیم در حالی که او ما را به راه هایمان هدایت نموده، و یقینا بر آزارهای شما شکیبایی می کنیم و توکل کنندگان باید فقط بر خدا توکل کنند. و هر کس به خدا توکل کند او برایش کافی است. به راستی که خداوند فرمانش را به انجام می رساند و همانا او برای هر چیز اندازه ای قرار داده است.

حجاب مولای ما صاحب الزمان علیه السلام.:

خداوند ا، مرا از چشمان دشمنانم پنهان کن و میان من و دوستانت جمع کن، و آن چه را به من وعده دادی محقق گردان، و مرا در غیبتم حفظ کن تا آن که به من اجازه ی آشکار شدن دهی. و به وسیله من واجبات و سنت هایت را که از بین رفتند زنده گردان، گشایشم را نزدیک کن و راه نجاتم را آسان گردان و از سوی خودت برایم نیروی یاری کننده ای قرار بده، و پیروزی آشکاری برایم بگشا و مرا به راه مستقیم هدایت فرما و مرا از همه ستمگرانی که از آن ها می ترسم نگاه دار و مرا از دیدگان کینه توزان و دشمنان اهل بیت پیامبرت پنهان کن، تا بدی هیچ یک از آن ها به من نرسد . و هنگامی که به من اجازه آشکار شدن دادی مرا با سپاه خودت تأیید کن و پیروانم را برای یاری دینت مؤید بدار و آن ها در راه خودت تلاش گر قرار ده و بر کسانی که اراده ی بدی برای ما و آنان کرده اند پیروز گردان و مرا برای برپاداشتن حدودت موفق بدار و دربرابر کسانی که به حدود تو تجاوز نموده اند یاریم کن و حق را یاری فرما و باطل را نابود گردان. به راستی که باطل نابود شده است. و شیعیان و یارانم و کسانی را که دیده گان را روشن می گردانند و نیرو می بخشند بر من وارد گردان و آنان را در پناه و امن خودت نگاه دار. به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

و این حجاب ها از جمله چیزهایی است که خواندن آن را بیان کردیم در روزی که آب ها از همه طرف احاطه کنند و خطر غرق شدن باشد و از فراوانی آب مشکلات ایجاد شود و مکان ها از بین روند، و جایگاه اجابت دعاها و برطرف شدن

بلا و ایمنی از این حوادث به وجود آید و سپاس مخصوص خداوند است [(1)]
این پایان حجاب هایی است که در کتاب مهج به آن ها اشاره شده است.

2. حجاب روایت شده از برخی کتاب ها:

با نور همیشگی و کامل وجه خداوند خود را پنهان نمودم، و در پناه مستحکم و گسترده خداوند پناه گرفتم و کسانی را که بر من ستم روا داشتند با تیر خداوند و شمشیر نابود کننده ی او زدم. خداوندا، ای آن که در کار خود پیروز است و بر آفریدگانش پایدار است، و میان انسان و قلبش حائل می شود، میان من و شیطان و وسوسه هایش و هر یک از بندگانت که بر او توانایی ندارم مانع شو، زبان هایشان را از من کفایت کن و دست ها و پاهایشان را از من بازدار و میان من و آن ها مانعی از نور بزرگی ات و حجابی از قدرتت و سپاهی از توانایی ات قرار بده، که تو زنده و توانمند هستی. بارالها، چشمان بینندگان را از من بپوشان تا این که راه ها وارد شوم. و دیدگان روشنایی و تاریکی را از من بپوشان تا از دیدگان آن ها هراسی نداشته باشم. نزدیک است درخشندگی برق آن دیدگان را نابینا کند. خداوند شب و روز را جابجا می کند، همانا در آن عبرتی است برای صاحبان بصیرت. به نام خداوند بخشنده مهربان. کاف یاء هاء عین صاد. به نام خداوند بخشنده مهربان. حاء میم عین سین قاف، مانند آبی که از آسمان فرو فرستادیم، پس گیاهان زمین با آن درهم فرومی رود؛ اما پس از مدتی می خشکد و بادها آن را به هرسو پراکنده می کند. اوست خداوندی که معبودی جز او نیست، دانای پیدا و پنهان، او بخشنده و مهربان است، روز نزدیک، هنگامی که جان ها از وحشت به گلوگاه برسد، ستمگران نه حامی ای دارند و نه شفاعت کننده ای که شفاعتش پذیرفته شود. هر کس می داند چه چیزی را آماده کرده است، پس سوگند به ستارگانی که بازمی گردند، حرکت کرده و از دیده ها پنهان می شوند، و به شب هنگامی که پایان یافته و پنهان می شود، و قسم به صبح آن گاه که تنفس می کند. صاد، سوگند به قرآنی که دارای ذکر است، اما کافران گرفتار غرور و اختلاف هستند. چهره ها زشت شدند، چهره ها زشت شدند، و دیده ها نابینا

1- . مهج الدعوات :368- 377

گشته و زبان ها بند آمدند. بارخدایا، خیر آن ها را مقابل دیدگانشان و شرشان را زیر پاهایشان و نگین انگشتر سلیمان را میان شانه هایشان قرار بده، پس خداوند آن ها را از تو کفایت خواهد کرد و او شنوا وداناست. و درود خداوند بر محمد و همه خاندان او باد.

3. مهج الدعوات: از کتاب خصائص تالیف محمد بن علی اصفهانی از قیس بن ربیع از پدرش نقل می کند که گفت: روزی منصور مرا فراخواند و گفت: آیا می بینی از این حبشی چه خبری به من رسیده است؟ گفتم: او کیست مولای من؟ گفت: جعفر بن محمد. و به خدا قسم او را ریشه کن خواهم کرد. سپس یکی از فرماندهانش را فراخواند و گفت: با هزار مرد به سوی مدینه برو و به جعفر بن محمد حمله کرده و سر خودش و فرزندش موسی بن جعفر را برایم بیاور. پس فرمانده همان ساعت به سوی مدینه حرکت کرد تا به آن جا رسید. به جعفر بن محمد خبر داده شد، پس دستور داد دو شتر را آورده و آنها را جلوی در خانه اش بست و فرزندانش موسی و إسماعیل و محمد و عبد الله را فراخوانده و آن ها را جمع کرد. سپس در محراب نشست و شروع کرد به زمزمه کردن. ابونصر گفت: آقایم موسی بن جعفر به من گفت که فرمانده به او هجوم برد، پس پدرم را دیدم که دعا را زمزمه میکرد. پس فرمانده و هرکس با او بود نزدیک آمدند. گفت: سرهای این دو نفر را که ایستاده اند از تن جدا کنید، پس سرهای آن ها را بریدند و به سوی منصور بردند.

هنگامی که بر او وارد شدند منصور توبره ای را که سرها در آن بود گشود و دید سر دو شتر در آن است. منصور گفت: این دیگر چیست؟ گفت: مولای من، وقتی وارد خانه ای شدم که جعفر بن محمد در آن بود، چیزی طول نکشید که سرم گیج رفت و مقابلم را ندیدم، پس دو نفر را دیدم که مقابل من ایستاده اند، گمان کردم آن ها جعفر و فرزندش موسی هستند. پس سرشان را جدا کردم. منصور گفت: این حادثه را مخفی نگه دار. پس با کسی در این مورد سخن نگفتم تا زمانی که او مرد. ربیع گفت: از موسی بن جعفر علیهما السلام در مورد دعا پرسیدم. فرمود: از پدرم درباره دعا پرسیدم و ایشان فرمود: این دعای حجاب است:

ص: 462

به نام خداوند بخشنده مهربان. و هنگامی که قرآن می خوانی میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند حجابی پوشیده قرار می دهیم و بر دل هایشان پرده هایی می اندازیم تا نفهمند و گوش هایشان را سنگین می کنیم. و هنگامی که خداوند را به یگانگی در قرآن یاد می کنی پشت کرده و با نفرت باز می گردند. پروردگارا، از تو درخواست می کنم به نامی که با آن زنده می گردانی و می میرانی و روزی می دهی و می بخشی و منع می کنی، ای صاحب شکوه و بزرگواری. خداوندا، هر کس از آفریدگانت که اراده بدی برای ما داشت، دیده او را از ما نابینا گردان و گوشش را از ما ناشنوا قرار بده و قلبش را از ما مشغول کن و دستش را از ما بازدار و حیله اش را از ما بازگیر و او را از مقابل و پشت سرش و از سمت راست و چپش و از زیر پایش و بالای سرش بگیر، ای صاحب شکوه و بزرگی.

موسی علیه السلام فرمود: پدرم فرمود: این دعای حجابِ از همه دشمنان است(1).

و از آن جمله دعای تضرع است که ابوعبدالله علیه السلام در سختی ها آن را می خواندند و ساق دست ها را برهنه کرده و صدایشان را بلند می نمودند و گریه بلند و شدیدی می کردند: خداوندا و اگر نه آن می بود که انداخته می شدم من بدست خود در هلاکت و خود یاری می نمودم بر ضرر رسانیدن نفس خود و مخالفت می کردم قرآن ترا به سبب ترک نمودن دعا ، و حال آنکه تو گفتی: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم، پس به راستی که من نزدیک هستم و ندای کسی را که مرا بخواند پاسخ می گویم، قلبم و زبانم برای خواندن و درخواست کردن از تو گشاده نمی شد، حال آن که آن چه را میان من و توست می دانم. خداوندا، چه کسی از من گناهکارتر است و من گناهی را که مرا از آن بازداشتی انجام دادم و گناهان بزرگی را مرتکب شدم که تو آتش را برای هریک از بندگانت که آن را انجام دهند قرار دادی، و همه این گناهان را مرتکب شدم و خویش را نابود و خوار نمودم. پروردگارا، پس مرا دریاب

1- . مهج الدعوات :264

با مهربانی ات که با آن همه نیکی ها را برای دوستانت جمع می کنی و بدی ها را از عزیزانت دور می کنی.

پروردگارا، از تو توبه ی حقیقی می خواهم، پس مرا اجابت کن و به اشک دیده ام رحم نما و از لغزش هایم درگذر.

بارالها، اگر امیدم به گذشت تو نبود دعا نمی کردم، اما معبود من، تو در هر حال نهایت آرزوی درخواست کنندگان و پایان شوق مشتاقان و پناه پناهندگان هستی. خداوندا، از خشم تو و شدت مجازات و بلایت و از شر خودم و هر دارای شری به تو پناه می آورم. و از همه گناهان از تو آمرزش می طلبم و از تو درخواست بهره مندی در ادامه ی زندگی ام دارم، همراه با عافیت تا زمانی که زنده ام می داری و از تو درخواست رستگاری با بهشت و رحمت به هنگام مرگم دارم، پس همانا تو مهربانی و بر آن توانایی. خداوندا، از هر حاجتی که هیچ کس جز تو مرا از آن پناه نمی دهد به تو شکایت می کنم. ای آن که در هر سختی و آسایش ذخیره من است، ای آن که آزمایشش نزد من نیکوست، ای آن که گذشتش از من همیشگی است، به راستی من به کسی جز تو امید ندارم و اگر تو پاسخم ندهی غیر تو را نمی خوانم. پروردگارا، پس مرا به خاطر سپاس اندکم محروم نساز و به خاطر گناهان بسیارم مرا ناامید نکن. به راستی که تو شایسته ی پرهیزکاری و آمرزش هستی.

خدایا، من آنم که می دانی بدترین بنده هستم و بهترین سرپرست و مولا تویی. پس ای آن که انتقامش هراس انگیز و مجازاتش وحشت ناک است. ای آن که به نیکی شناخته شده، من از چیزی جز عدل تو نمی ترسم و تنها به گذشت و بخشش تو امید بسته ام. و من بنده تو هستم و هیچ بنده دیگری سزاوارتر از من به عقوبت به خاطر گناهانش نیست. اما گذشت و بردباری تو مرا در بر گرفته و مرا تا امروز مهلت داده است.

پس ای کاش می دانستم آیا برای افزایش گناهانم مرا مهلت داده ای یا برای آن که امیدم را به تو کامل کنم و گمان نیکم به توراست گردد؟ پس اما با عملم تو را آگاه کرده ام که من با گناهانم سزاوار همه مجازاتت هستم، جز این که تو مهربان ترین مهربانان هستی و تو از من به من آگاه تری و امید به رحمت نزد مهربان ترین مهربانان

است. پس ای مهربان ترین مهربانان، چهره ام را با آتش زشت نگردان و رگ هایم را با آتش قطع نکن ای الله، و کاسه ی سرم را با آتش نشکاف ای بخشنده، و بندهایم را با آتش از هم جدا نکن ای بزرگوار، و استخوان هایم را با آتش خرد نکن ای باگذشت، و هیچ یک از اعضایم را به آتش نرسان ای مهربان. گذشت تو، گذشت تو، باز هم گذشت تو، گذشت تو. پس به راستی که کسی جز تو بر آن توانایی ندارد و تو بر هر کار توانایی.

ای آن که به ملکوت آسمان ها و زمین احاطه دارد و کارهای آن دو را از آغاز تا پایان تدبیر می کند، دنیا و آخرتم را نیکو گردان و جان و مال و هرچه به من بخشیده ای را نیکو گردان. ای الله مرا از اشتباهاتم رها کن. ای الله، با ترک اشتباهات بر من منت گذار. ای مهربان با لطف خود بر من مهر بورز. ای درگذرنده، با گذشتت بر من ببخش. ای دلسوز، با عافیت گسترده ات به من عطا کن. ای بخشنده، با رهایی از آتش بر من منت گذار. ای صاحب شکوه و بزرگواری، بهشتی را که رحمت تو پیرامون آن را فراگرفته و فرشتگانت در آن ساکن هستند بر من واجب گردان. ای صاحب بزرگی و شکوه، مرا گرامی دار و تا زمانی که مرا زنده می داری برای هیچ یک از آفریدگانت راهی به سوی من قرار نده. به راستی که نیرو و جنبشی جز از سوی تو نیست و تو بر هر چیز توانایی. منزهی و معبودی جز تو نیست و تو پروردگار عرش بزرگ هستی. نام های نیکو برای توست و تو به درون سینه ها آگاهی. سپس حاجتت را یاد کن(1).

می گویم: و از دعاهای معروف، دعای جوشن کبیر است و آن دعایی است که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده و گروهی از اصحاب متأخر ما رضوان الله علیهم آن را روایت کرده اند. کفعمی و دیگران گفتند: خلاصه شرع دعای جوشن این است:

این دعا والا، دارای جایگاهی بلندمرتبه و بسیار ارزشمند است. از حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که جبرئیل آن را بر ایشان فروآورد و

1- . مهج الدعوات :265- 267

ایشان در یکی از جنگ ها بود و کار بسیار سخت شده بود، و زرهی سنگین بر تن داشت که ایشان را خسته کرده بود. پس خداوند متعال را خواند و جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد، پروردگارت به تو سلام می رساند و می گوید: این زره را از تن بیرون آور و این دعا را بخوان که برای تو و امت تو امان است. پس هر کس که به هنگام خارج شدن از خانه اش آن را بخواند یا آن را همراه خود دارد، خداوند او را حفظ کرده و بهشت را برایش واجب می کند و او را به کارهای شایسته موفق می گرداند. و او مانند کسی خواهد بود که کتاب های آسمانی چهارگانه را خوانده است و در ازای هر حرف، به او در بهشت دو همسر و دو خانه از خانه های بهشتی داده می شود. و مانند پاداش ابراهیم و موسی و عیسی به او داده می شود، و پاداش همه آفریدگان خداوند در زمین سفید پشت مغرب به او داده می شود که خدا را می پرستند و حتی چشم بر هم زدنی او را نافرمانی نمی کنند؛ پوست هایشان از شدت گریه از ترس خدا تکه تکه شده و کسی جز خداوند تعداد آن ها را نمی داند. مسیر خورشید در سرزمین های آن ها چهل روز است.

ای محمد، همانا بیت المعمور در آسمان هفتم است که در هر روز هفتاد هزار فرشته وارد آن می شوند و از آن بیرون می روند و تا روز قیامت به سوی آن باز نمی گردند. و به راستی خداوند متعال به هرکس که این دعا را بخواند پاداش آن فرشتگان را می دهد و پاداش همه مردان و زنان مؤمن را تا روز قیامت به او می دهد. و هرکه آن را بنویسد و در خانه بگذارد از دزد و آتش سوزی در امان است.

هر کس آن را بر پوست آهو یا کاغذ بنویسد و با خود داشته باشد از همه چیز در امان است. هر کس این دعا را بخواند و بمیرد، مانند شهید مرده است و پاداش نهصد هزار شهید از شهیدان بدر برایش نوشته می شود و خداوند به او نگاه می کند و هر چه درخواست کرده به او می بخشد. و هر کس آن را هفتاد بار با نیت خالص بخواند، هر بیماری داشته برطرف می شود، خواه دیوانگی باشد یا جذام یا پیسی.

هر کس آن را با کافور یا مشک در کاسه ای بنویسد، سپس آن را بشوید و بر کفن مرده بپاشد، خداوند متعال هزار نور بر او فرو می فرستد و از وحشت نکیر و منکر او را در امان می دارد و هفتاد هزار فرشته را به قبرش می فرستد تا به او مژده ی

بهشت دهند و با او انس گیرند. و دری به سوی بهشت برایش می گشاید و قبرش را تاجایی که چشمش کار می کند فراخ می گرداند. و هر کس آن را بر کفنش بنویسد خداوند از مجازات او با آتش شرم می کند. و به راستی که خداوند پنجاه هزار سال پیش از آفرینش دنیا این دعا را بر پایه های عرش نوشت. و هر کس در ابتدای ماه رمضان آن را با نیت درست بخواند، خداوند متعال پاداش شب قدر را به او می دهد و هفتاد هزار فرشته برای او می آفریند که پیوسته خدا را سپاس و ستایش می کنند و پاداش آن ها را برای او قرار می دهد.

ای محمد، هر کس این دعا را بخواند میان او و خداوند حجابی باقی نمی ماند و هر درخواستی از خداوند داشته باشد آن را به او می بخشد و هنگام بیرون آمدنش از قبر، خداوند هفتاد هزار فرشته را به سویش روانه می کند که در دست هر یک افسار مرکبی از نور است، شکم آن از مروارید و پشتش از زبرجد و پاهایش یاقوت است و بر پشت هر یک از آن ها گنبدی از نور است که چهارصد در دارد و بر هر یک پرده ای از سندس و استبرق آویخته است. در هر گنبد ندیمه ای است که بر سر هر یک تاجی از طلای سرخ قرار دارد و رایحه مشک تیزبوی از آن ها به مشام می رسد. پس همه آن را به او می بخشد. سپس خداوند هفتاد هزار فرشته را به سوی او می فرستد که همراه هر یک از آن ها کاسه ای از مروارید سفید است و در آن نوشیدنی های بهشتی است. بر روی هر کاسه نوشته شده: معبودی جز الله نیست، یگانه است و شریکی ندارد. هدیه ای از خداوند بزرگ و شکوهمند برای فلانی فرزند فلانی است. و خداوند متعال ندا می دهد: ای بنده ام، بدون حساب وارد بهشت شو.

ای محمد، و هر کس در ماه رمضان سه بار یا یک بار آن را بخواند خداوند بدنش را بر آتش حرام می کند و بهشت را بر او واجب می گرداند. و خداوند دو فرشته را مأمور می کند تا او را از گناهان بازدارند و در تمام مدت زندگی و پس از مرگ در امان خداوند خواهد بود.

ای محمد، آن را جز به مؤمنان پرهیزکار یاد نده و آن را به مشرکان یاد نده که با آن درخواست می کنند و اجابت می شود.

امام حسین علیه السلام می فرماید: پدرم به من سفارش کرد آن را حفظ کنم و گرامی بدارم و بر کفنش بنویسم. و آن را به خانواده ام بیاموزم و آنان را به خواندنش تشویق کنم. و آن هزار و یک اسم است.

دعای جوشن کبیر از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است و صد بند دارد که هر بند شامل ده نام است و ابتدای هر بند بسم الله گفته می شود و در پایان آن گفته می شود: منزهی ای آن که معبودی جز تو نیست، به فریادم برس، به فریادم برس، و ما را از آتش نجات بده ای پروردگار، ای صاحب بزرگی و شکوه، ای مهربان ترین مهربانان.

الف - خدایا از تو خواستارم به نامت، ای خدا، ای بخشنده، ای مهربان، ای گرامی، ای پایدار، ای بزرگ، ای دیرینه ای دانا، ای شکیبا، ای دارای حکمت .

ب - ای سرور سروران، ای برآورنده دعاها، ای بلندی بخش جایگاهها، ای سرچشمه نیکیها، ای درگذرنده از خطاها، ای عطابخش خواسته ها، ای پذیرنده توبه ها، ای شنونده نداها، ای دانای رازها، ای دور کننده بلاها .

ج - ای بهترین آمرزندگان، ای بهترین گشایشگران ای بهترین یاوران، ای بهترین داوران، ای بهترین روزی دهان، ای بهترین وارثان، ای بهترین ستایشگران ای بهترین یادآوران، ای بهترین عطابخشان، ای بهترین نیکوکاران،

د - ای آن که شکوه و زیبایی تنها از آن اوست ای آن که توانایی و برازندگی تنها از آن اوست، ای آن که فرمانروایی و شوکت تنها از آن اوست، ای آنکه اوست بزرگ و برتر، ای پدیدآورنده ابرهای پرباران، ای آن که نیرومند، و پرتوان است، ای آن که حسابرسی چالاک است، ای آن که کیفرش سخت و شدید است، ای آن که پاداش نیک تنها نزد اوست، ای آن که ام الکتاب پیش روی اوست .

ه - خدایا !از تو خواستارم به نامت ای پرمهر، ای بخشایشگر، ای جزادهنده، ای روشنی خرد، ای فرمانروا، ای خشنودی، ای آمرزش، ای پاک، ای پشتوانه، ای صاحب نعمت و بیان .

و - ای آن که همه در برابر عظمتش فروتن، ای آن که همه در برابر قدرتش تسلیم، ای آن که همه در برابر عزّتش خوار، ای آن که همه در

برابر هیبتش هراسان،

ص: 468

ای آن که همه از ترسش فرمانبردار، ای آن که کوهها از بیمش شکافته، ای آن که آسمانها به امرش بر پا، ای آن که زمینها به اجازه اش بر جا، ای آن که رعد به ستایشش تسبیح گو است، ای آن که بر اهل مملکتش ستم نمی کند .

ز – ای بخشنده خطاها، ای برطرف کننده بلاها، ای اوج امیدواریها، ای بسیاردهنده عطاها، ای بخشنده هدایا، ای روزی رسان آفریده ها، ای برآورنده آرزوها، ای شنوای گلایه ها، ای برانگیزنده بندگان، ای بندگشای دربندان .

ح - ای صاحب سپاس و ستایش، ای صاحب فخر و ارزش، ای صاحب بزرگواری و والایی، ای صاحب پیمان و وفا، ای صاحب گذشت و رضا، ای صاحب بخشش و عطاء، ای صاحب دادرسی و داوری، ای صاحب عزّت و بقا، ای صاحب کرم و بخشش، ای صاحب عطاها و نعمتها .

ط - خدایا از تو خواستارم به نامت ای بازدارنده، ای دور کننده، ای بردارنده، ای سازنده، ای سودبخش، ای شنوا، ای گرد آوردنده، ای شفاعت کننده، ای مهرگستر، ای وسعت بخش .

ی - ای سازنده هر ساخته، ای آفریننده هر آفریده، ای روزی بخش هر روزی خوار، ای دارای هر دارایی، ای غمگسار هر غمزده، ای فرج بخش هر اندوهگین، ای مهرورز بر هر مهرجو ای یاور هر بی یاور، ای پرده پوش هر کاستی، ای پناه هر رانده.

یا - ای توشه ام در سختی، ای امیدم در ناگواری، ای همدم در وحشت، ای همرهم در غربت ای سرپرستم در نعمت، ای فریادرسم در گرفتاری، ای رهنمایم در سرگردانی، ای توانگری ام در تنگدستی ای پناهم در دماندگی، ای مددرسانم در پریشانی .

یب - ای دانای نهانها، ای آمرزنده گناهان، ای پرده پوش عیبها، ای غمگسار غمها، ای دگرگون ساز دلها، ای پزشک قلبها، ای روشنی بخش دلها، ای همدم جانها، ای گره گشای اندوهها، ای گشایشگر دلتنگیها .

یج - خدایا !از تو درخواست می کنم به نامت ای والا، ای زیبا، ای وکیل ، ای سرپرست، ای راهنما، ای پذیرا، ای گرداننده، ای عطابخش، ای درگذرنده، ای حال گردان .

ید - ای رهنمای گمگشتگان، ای مددرس مددجویان، ای فریادرس فریادکنان، ای پناه پناهندگان، ای ایمنی بخش هراسندگان، ای یاور مؤمنان، ای مهرورز بر خاک نشستگان، ای پناه عصیانگران، ای آمرزنده گنهگاران، ای اجابت کننده دعای بیچارگان.

یه - ای صاحب جود و نیکی، ای صاحب بخش و عطا، ای صاحب امن و امان، ای صاحب قدس و پاکی، ای صاحب حکمت و بیان، ای صاحب رحمت و رضوان ای صاحب حجّت و برهان، ای صاحب عظمت و سلطان، ای صاحب مهر و ای پشتیبان، ای صاحب گذشت و غفران .

یو - ای آن که پروردگار همه اوست، ای آن که معبود همه، اوست، ای آن که آفریننده همه، اوست ای آن که سازنده همه، اوست، ای آن که پیش از همه بود، ای آن که بعد از همه هست، ای آن که از هر چیز برتر است، ای آن که به همه چیز داناست، ای آن که بر هر چیز توانا است، ای آن که او همیشگی است و همه چیز رفتنی است.

یز - خدایا !از تو می خواهم به نامت ای ایمنی بخش، ای چیره بر همه، ای هستی آفرین، ای الهام کننده، ای روشن کننده ، ای سادگی بخش، ای توان ده، ای زینت بخش، ای نمایانگر، ای تقسیم کننده.

یح - ای آن که در فرمانروایی اش پابرجاست ای آن که در پادشاهی اش دیرینه است، ای آن که در شکوهش بزرگ است، ای آن که بر بندگانش مهربان است، ای ای آن که به هرچیز داناست، ای آن که بر نافرمانان بردبار است، ای آن که بر امیدواران اکرام ورزد، ای آن که در آفرینش حکمت نماید، ای آن که در حکمتش مهر ورزد، ای آن که در مهرش دیرینه است.

یط - ای آن که جز به فضلش امید نیست، ای آن که جز عفوش خواهش نشود، ای آن که جز به نیکی اش چشم ندوزند، ای آن که جز از عدلش نهراسند، ای آن که پایدار نماند جز فرمانروایی اش، ای آن که جز سلطنتش چیزی با دوام نیست، ای آن که

رحمتش همه را فرا گرفته، ای آن که رحمتش بر خشمش پیشی گرفته، ای آن که دانشش همه را فرو گرفته، ای آن که هیچکس همانندش نیست.

ک - ای گشاینده اندوه، ای برطرف کننده غم، ای آمرزنده گناه، ای پذیرنده توبه، ای آفریننده آفریدگان، ای راست وعده، ای وفادار به پیمان، ای دانای راز نهان، ای شکافنده دانه، ای روزی دهنده بندگان.

کا - خدایا !از تو خواستارم به نامت ای والا، ای وفادار، ای توانگر، ای امان ده، ای پرمهر، ای خشنود، ای پاک، ای نمایان، ای پرتوان، ای سرپرست.

کب - ای آن که زیبایی را پدیدار نمودی، ای آن که زشتی را پوشاندی ای آن که بر گناه سرزنش نکردی، ای آن که پرده دری ننمودی،ای که گذشتت بزرگ، ای که نیکو درگذری، ای آمرزگانیت فراگیر، ای دستت به مهر گشوده، ای شنوای هر نجوی، ای سرانجام هر گلایه.

کج - ای دارای نعمت فراوان، ای دارای رحمت فراگیر، ای دارای بخشش آغازین، ای دارای حکمت رسا، ای دارای نیروی کامل ، ای دارای برهان قطعی، ای دارای کرامت هویدا، ای دارای عزّت پایدار، ای دارای توان استوار، ای دارای عظمت بلندپایه.

کد - ای پدیدآورنده آسمانها ای برنهنده تاریکیها، ای رحم کننده اشکهای ریزان، ای درگذرنده از لغزشها، ای پوشنده زشتیها، ای زندگی بخش مردگان، ای فرودآور آیات، ای دوچندان کننده خوبیها، ای ناپدید کننده بدیها، ای سخت شکنجه.

که - خدایا !از تو درخواست می کنم به نامت ای صورتگر، ای سنجیده کار، ای گرداننده، ای پاک کننده، ای روشنی بخش، ای ساده ساز، ای مژده ده، ای بیم ده، ای پیش آورنده ، ای پس اندازنده.

کو - ای پروردگار خانه محترم، ای پرودگار ماه محترم، ای پرودگار شهر محترم، ای پروردگار رکن و مقام، ای پروردگار مشعر الحرام، ای پروردگار مسجد الحرام، ای پروردگار حلال و حرام، ای پروردگار روشنی و تاریکی، ای پروردگار تحیّت و سلام، ای پرورنده نیرو در مردمان.

کز - ای داورترین داوران، ای دادگرترین دادگران، ای راستگوترین راستگویان، ای پاکترین پاکان، ای بهترین آفرینندگان، ای چابکترین حسابگران، ای شنواترین شنوندگان، ای بیناترین بینندگان، ای برترین شفاعت کنندگان، ای گرامی ترین گرامیان.

کح - ای تکیه گاه آن که تکیه گاه ندارد، ای پشتیبان آن که پشتیبانی ندارد، ای اندوخته آن که اندوخته ای ندارد ای پناه آن که پناهی ندارد، ای فریادرس آن که فریادرسی ندارد، ای افتخار آن که افتخاری ندارد، ای عزّت آن که عزّتی ندارد ای مددرسان آن که مددی ندارد، ای همدم آن که همدمی ندارد، ای ایمنی بخش آن که ایمنی ندارد .

کط - خدایا !از تو می خواهم به نامت ای نگهدار، ای پایدار، ای پاینده، ای مهرورز، ای سلامتی بخش، ای داور، ای دانا، ای تقسیم کن، ای بازگیر، ای فراخی بخش.

ل - ای نگهدار آن که از او نگهداری جوید، ای مهربان بر آن که از او مهر جوید، ای آمرزنده آن که از او آمرزش خواهد ای یاور آن که از او یاری طلبد، ای حافظ آن که از او حفاظت خواهد، ای اکرام کننده آن که از او اکرام خواهد، ای راهنمای آن که از او راهنمایی جوید، ای دادرس آن که از او دادرسی خواهد، ای مددیار آن که از او مدد جوید، ای فریادرس آن که از او فریادرسی خواهد

لا - ای عزیزی که خوار نگردد، ای لطیفی که دست اندازی نشود، ای پایداری که خواب او را درنیابد، ای پاینده ای که فنا نپذیرد، ای زنده ای که نمی میرد، ای پادشاهی که از بین نمی رود، ای همیشگی ای که فانی نمی شود، ای دانایی که نادانی ندارد، ای بی نیازی که خوراک نخواهد، ای توانایی که ناتوان نمی گردد

لب - خدایا !از تو درخواست می کنم به نامت ای یکتا، ای یگانه، ای گواه، ای بزرگوار، ای ستایش پذیر، ای راهنما ای برانگیزنده، ای میراث برنده، ای زیان رسان، ای سودبخش

لج - ای بزرگ تر از هر بزرگ، ای کریم تر از هر کریم، ای

مهربان تر از هر مهربان، ای داناتر از هر دانا، ای حکیم تر از هر حکیم، ای دیرینه تر از هر دیرینه،

ای بزرگ تر از هر بزرگ، ای لطیف تر از هر لطیف، ای باشکوه تر از هر باشکوه، ای عزیزتر از هر عزیز.

لد - ای گذشتت کریمانه، ای نعمتت بزرگ، ای خیرت بسیار، ای فضلت دیرینه، ای لطفت همیشگی، ای صنعت چشم نواز، ای گره گشای گرفتاری، ای بردارنده زیان، ای پادشاه هستی، ای داور بر حق.

له - ای آن که در پیمانش وفادار است، ای آن که در وفاداری اش پایدار است، ای آن که در پایداری اش والاست، ای آن که در والایی اش نزدیک است، ای آن که در نزدیکی اش با نرمی است، ای آن که در نرمی اش شریف است، ای آن که در شرفش با عزّت است، ای آن که در عزّتش بزرگ است، ای آن که در بزرگی اش شکوهمند است، ای آن که در شکوهش ستوده است.

لو - خدایا !از تو درخواست می کنم به نامت ای بسنده، ای درمان بخش، ای تمام، ای تندرستی ده ای راهنما، ای به نیکی خوان، ای داور، ای خشنود، ای بلندمرتبه، ای ماندگار.

لز - ای آن که هرچیز برایش فروتن است، ای آن که هر چیز از او هراسان است، ای آن که هستی هرچیز از او است، ای آن که هرچیز به او پدیدار است، ای آن که هرچیز به سوی او بازگشت کند، ای آن که هرچیز از او ترسان است، ای آن که هرچیز به او بر پاست، ای آن که هر چیز به سوی او دگرگون می شود، ای آن که هر چیز به ستایش او تسبیه گو است، ای آن که هرچیز جز جلوه اش نابود است .

لح - ای آن که گریزگاهی نیست جز به بارگاهش، ای آن که پناهی جز به درگاهش نیست، ای آن که مقصدی جز به سوی او نیست، ای آن که از او نجاتی نیست جز به سوی خودش، ای آن که جز به سوی او میلی نیست، ای آن که جنبش و نیرویی نیست جز به او، ای آن که جز از او مدد نجویند، ای آن که جز بر او توکلّ نشود، ای آن که جز به او امیدی نیست، ای آن که جز او پرستیده نشود.

لط - ای بهترین هراس انگیزان، ای بهترین خواسته شده ها، ای بهترین جویاشدگان، ای بهترین درخواست شده از او ، ای بهترین قصد شدگان ای بهترین

یادشدگان، ای بهترین ستودگان، ای بهترین دلبران، ای بهترین خواندگان، ای بهترین همدمان.

م - خدایا !از تو خواستارم به نامت ای آمرزنده، ای پرده پوش، ای توانا، ای چیره، ای آفریننده ای شکننده، ای جبران کننده، ای یادآور، ای بینا، ای یاور.

ما - ای آن که آفرید پس متناسب نمود، ای آن که اندازه نهاد پس رهنمون شد ای آن که بلا را برگیرد، ای آن که زمزمه نهان را بشنود، ای آن که غرق شدگان را برهاند، ای آن که از نابودی رهایی بخشد، ای آن که بیماران را شفا دهد. ای آن که خنداند و گریاند، ای آن که میراند و زنده کند، ای آن که دوگونه مرد و زن آفرید.

مب - ای آن که در خشکی و دریا راه اوست، ای آن که در کرانه های هستی نشانه های اوست، ای آن که در نشانه هایش برهان روشن اوست، ای آن که در مرگ آفریدگان قدرت نمایی اوست، ای آن که در قبرها پندآموزی اوست، ای آن که در رستاخیز فرمانروایی بی حدّ اوست، ای آن که در حسابرسی اعمال شکوه اوست، ای آن که در سنجش کردارها داوری اوست، ای آن که در بهشت پاداش اوست، ای آن که در دوزخ کیفر اوست .

مج - ای آن که هراسندگان به درگاه او گریزند، ای آن که گنهکاران به سوی او پناه برند، ای آن که پشیمانان آهنگ او کنند، ای آن که پارسایان به او میل نمایند، ای آن که سرگشتگان به او پناه برند، ای آن که ارادتمندان به او انس گیرند، ای آن که شیفتگان به او افتخار کنند، ای آن که خطاکاران در عفوش طمع ورزند، ای آن که یقین یافتگان به سوی او آرام گیرند، ای آن که توکّل کنندگان بر او توکّل کنند.

مد - خدایا !از تو درخواست می کنم به نامت ای دوست داشتنی، ای شفابخش، ای نزدیک، ای دیده بان، ای حسابرس، ای هراس انگیز، ای پاداش ده، ای اجابت کننده، ای آگاه ای بینا.

مه - ای نزدیک تر از هر نزدیک، ای محبوب تر از هر محبوب، ای بیناتر از هر بینا، ای آگاه تر از هر آگاه، ای شریف تر از هر شریف، ای برتر از هر بلند، ای تواناتر از هر توانا، ای توانگرتر از هر توانگر، ای بخشنده تر از هر بخشنده، ای مهربان تر از هر مهربان .

مو - ای چیره شکست ناپذیر، ای سازنده ناساخته، ای آفریننه ناآفریده، ای مالک غیر مملوک، ای چیره چیره گی ناپذیر، ای بلندی بخش بلندی ناپذیر، ای نگهدار بی نگهدار، ای یاری کننده یاری نشده، ای شاهد بدون غیبت ، ای نزدیک دوری ناپذیر .

مز - ای روشنایی نور، ای روشنی بخش نور ای آفریننده نور، ای گرداننده نور، ای به اندازه ساز نور، ای روشنی هر نور، ای روشنایی پیش از هر نور، ای روشنایی پس از هر نور، ای روشنایی بر فراز هر نور، ای نوری که همانندش نوری نیست .

مح - ای آن که عطایش چشمگیر است، ای آن که کارش نوازشگر است، ای آن که نوازشش پایدار است، ای آن که نیکی اش دیرینه است، ای آن که سخنش حق است ای آن که وعده اش راست است، ای آن که گذشتش فضیلت است، ای آن که کیفرش عدل است، ای آن که یادش شیرین است، ای آن که عطایش همگانی است.

مط - خدایا !از تو درخواست می کنم به نامت ای آسان ساز، ای جدایی بخش، ای دگرگون ساز، ای هموار کن، ای فرودآور، ای عطابخش، ای فزون ده، ای بسیاربخش، ای امان ده، ای زیبایی آفرین .

ن - ای آن که بیند و دیده نشود، ای آن که بیافریننده و آفریده نشود، ای آن که راهنمایی کند و راهنمایی نشود، ای آن که زنده کند و زنده اش نکنند، ای آن که پرسد و پرسیده نشود، ای آن که خوراند و خورانده نشو د، ای آن که پناهد دهد و پناه نجوید، ای آن که داوری کند و بر او داوری نشود، ای آن که فرمان دهد و فرمانش ندهند، ای آن که نزاده، و زاده نشده، و برای او همتایی نبوده است.

نا - ای بهترین حسابگر، ای که بهترین طبیب، ای بهترین مراقب ، ای بهترین نزدیک، ای بهترین پاسخ دهنده ، ای بهترین محبوب ، ای بهترین ضامن ، ای بهترین کارگشا، ای بهترین مولا، ای بهترین یاور .

نب - ای شادی عارفان، ای آرزوی شیفتگان، ای همدم مریدان، ای دوست توبه کاران، ای روزی دهنده بی چیزان، ای امید گنهکاران، ای نور چشم عبادت کنندگان، ای گشاینده اندوه دلگیران، ای غمگسار غمزدگان، ای معبود گذشتگان و آیندگان.

نج - خدایا !من از تو درخواست می کنم به نامت ای پروردگار ما، ای معبود ما، ای سرور ما ای مولای ما، ای یاور ما، ای نگهدار ما، ای راهنمای ما، ای مددرسان ما، ای محبوب ما، ای طبیب ما،

ند - ای پروردگار پیامبران و نیکان، ای پروردگار صدّیقان و خوبان، ای پروردگار بهشت و دوزخ، ای پروردگار خردسالان و بزرگسالان، ای پروردگار دانه ها و میوه ها، ای پروردگار نهرها و درختان، ای پروردگار دشتها و بیشه ها، ای پروردگار خشیکیها و دریاها، ای پروردگار شب و روز، ای پروردگار آشکارها و نهانها .

نه - ای آن که فرمانش در هرچیز نفوذ یافته، ای آن که دانشش به هر چیز رسیده، ای آن که قدرتش هر چیز را دربر گرفته، ای آن که بندگان از شمردن نعمتهایش ناتوانند، ای آن که آفریدگان به سپاسش نرسند، ای آن که فهمها بزرگی اش را درنیابند، ای آن که پندارها به ژرفای هستی اش نرسند، ای آن که بزرگی و بزرگ منشی پوشش اوست، ای که بندگان توان برگرداندن حکمش را ندارند، ای آن که فرمانروایی جز فرمانروایی او نیست، ای آن که عطایی جز عطای او نیست .

نو - ای آن که نمونه اعلی از آن اوست، ای آن که صفات برتر برای اوست، ای آن که سرانجام و سرآغاز از آن اوست، ای آن که بهشت پناهگاه از آن اوست، ای آن که نشانه های بزرگ از آن اوست، ای آن که نامهای نیکوتر از آن اوست، ای آن که فرمان و داوری از آن اوست، ای آن هوا و فضا از آن اوست، ای آن که عرش و فرش از آن اوست، ای آن که آسمانهای برافراشته از آن اوست.

نز - خدایا !از تو می خواهم به نامت ای درگذرنده، ای آمرزنده، ای شکیبا، ای ستایش پذیر، ای مهربان، ای مهرورز، ای خواسته شده ، ای دوستدار، ای پاک، ای منزّه.

نح - ای آن که بزرگی اش در آسمان است، ای آن که نشانه هایش در زمین است، ای آن که دلایلش در هرچیز است، ای آن که شگفتیهایش در دریاست، ای آن که گنیجنه هایش در کوههاست، ای آن که آفرینش را آغاز کند سپس بازش گرداند، ای آن که همه امور به به سوی او بازگردد، ای آن که لطفش را در هر چیز نمایان ساخته،

ای آن که آفرینش هر چیز را نیکو پرداخته، ای آن که توانش در آفریدگان کارگر افتاده است.

نط - ای دوست آن که دوستی ندارد، ای درمانگر آن که درمانگری ندارد، ای پاسخگوی آن که پاسخگویی ندارد، ای مهربان آن که مهربانی ندارد، ای همراه بی همرهان، ای فریادرس آن که فریادرسی ندارد، ای رهنمای آن که رهنمایی ندارد، ای همدم آن که همدمی ندارد، ای رحم کننده آن که رحم کننده ای ندارد ای همنشینی آن که همنشینی ندارد .

س - ای کفایت کننده هرکه از او کفایت خواهد، ای راهنمای هرکه از او راهنمایی جوید، ای نگاهبان هرکه از او نگاهبانی خواهد، ای رعایت کننده هرکه از او رعایت خواهد، ای شفادهنده هرکه از او شفا طلبد، ای داور هرکه از او داوری خواهد، ای بی نیاز کننده هرکه از او بی نیازی جوید، ای وفادار به هر که از او وفا جوید، ای نیروبخش هرکه از او نیرو خواهد، ای سرپرست هرکه از او سرپرستی خواهد.

سا - خدایا !از تو می خواهم به نامت ای آفریننده، ای روزی دهنده، ای گویا، ای راستگو ای شکافنده، ای جدا کننده، ای گشاینده، ای پیونددهنده، ای پیشی گیرنده، ای بلند جایگاه.

سب - ای آن که شب و روز را دگرگون سازد، ای آن که تاریکیها و روشنایی ها را قرار داد، ای آن که سایه خنک و گرما را آفرید، ای آن که خورشید و ماه را مسّخر ساخت، ای آن که خیر و شر را مقدّر نمود، ای آن که مرگ و زندگی را آفرید، ای آن که خلق و امر از آن اوست، ای آن که فرزندی نگرفت، ای آن که در فرمانروای یشریکی برایش نیست، ای آن که از روی خواری سرپرستی نخواهد.

سج - ای آن که خواهش خواهشمندان را می داند، ای آن که از نهاد خاموشان آگاه است، ای آن که ناله درماندگان را می شنود، ای آن که گریه هراسیدگان را می بیند، ای آن که نیازهای نیازمندان به دست اوست، ای آن بهانه توبه کاران را می پذیرد، ای آن که عمل تبهکاران را صلاح نبخشد، ای آن که پاداش نیکوکاران را تباه نکند، ای آن که از دل عارفان دور نباشد ای بخشنده ترین بخشندگان.

سد - ای همیشه ماندگار، ای شنونده دعا، ای گسترده عطا، ای آمرزنده خطا، ای پدید آورنده آسمان، ای نیک آزمون، ای نیکو ستایش، ای دیرینه بر فراز، ای بسیار وفادار، ای شریف پاداش.

سه - خدایا !از تو می خواهم به نامت ای پرده پوش ای آمرزگار، ای چیره، ای جاهمند، ای بس شکیبا، ای نیک بخش، ای برگزیننده، ای گشاینده، ای روح بخش، ای راحتی بخش .

سو - ای آن که مرا آفرید و بیاراست، ای آن که مرا روزی داد و پرورید، ای آن که به من خورانید و نوشانید، ای آن که مرا نزدیک نمود و به کنار خویش برد، ای آن که مرا نگاه داشت و کفایت نمود، ای آن که مرا حفظ کرد و حمایت نمود، ای آن که به من عزّت بخشید و بی نیازم ساخت، ای آن که توفیقم داد و راهنمایی کرد، ای آن که همدمم شد و جایم داد، ای آن که مرا بمیراند و زنده کند.

سز - ای آن که حق را با کلماتش استوار و برجا کند، ای آن که توبه را از بندگانش بپذیرد، ای آن که میان انسان و دلش قرار گیرد، ای آن که شفاعت جز با اجازه اش سود نبخشد، ای آن که به گمراه شدگان راهش داناتر است، ای آن که حکمش دگرگونی نپذیرد، ای آن که رأیش را بازگرداننده ای نیست، ای آن که هرچیز فرمانش را گردن نهد، ای آن که آسمانها به دست قدرتش پیچیده گشته، ای آن که از روی رحمتش بادها را مژده دهنده فرستد.

سح - ای آن که زمین را بستر زندگی قرار داد، ای آن که کوهها را میخهای زمین نهاد، ای آن که خورشدی را چراغ جهانش کرد، ای آن که ماه را تابان ساخت، ای آن که شب را جامه آرامش گرداند، ای آن که روز را مایه روزی قرار داد، ای آن که خواب را وسیله آرامش ساخت، ای آن که آسمان را بنا نهاد، ای آن که همه اشیاء را جفت قرار داد، ای آن که آتش را کمینگاه قرار داد.

سط - خدایا !از تو می خواهم به نامت ای شنوا، ای همیار، ای بلندپایه، ای فرازمند، ای شتابنده، ای نوآفرین، ای بزرگ، ای توانا، ای آگاه، ای پناه ده .

ع - ای زنده پیش از هر زنده، ای زنده پس از هر زنده، ای زنده ای که مانند او زنده ای نیست، ای زنده ای که هیچ زنده ای شریک او نیست، ای زنده ای که به زنده ای

نیاز ندارد، ای زنده ای که همه زندگان را می میراند، ای زنده ای که به زنده ها روزی می دهد، ای زنده ای که زندگی را از زنده ای دیگر به ارث نبرده، ای زنده ای که مردگان را زنده می کند، ای زنده ای به خود پاینده ای که او را چرت و خواب درنگیرد.

عا - ای آن که یادی دارد فراموش نشدنی، ای آن که نوری دارد خاموش نشدنی، ای آن که نعمتهایی بخشیده ناشمردنی، ای آن که فرمانروایی اش بی زوال است، ای آن که ستایشش بی شمار است، ای آن که شکوهش چگونگی نپذیرد، ای آن که کمالی دارد درک ناشدنی، ای آن که داوری اش رد نشدنی است، ای آن که صفاتی دارد دگرگون ناپذیر ای آن که خصوصیاتی دارد غیر قابل تغییر.

عب - ای پروردگار جهانیان، ای مالک روز جزا، ای مقصود جویندگان ای پشت و پناه پناهندگان، ای دریابنده فراریان، ای آن که شکیبایان را دوست دارد، ای آن که توبه کنندگان را دوست دارد ای آن که پاکیزگان را دوست دارد، ای آن که نیکوکاران را دوست دارد، ای آن که اوست داناتر به راه یافتگان.

عج - خدایا !از تو خواستارم به نامت ای مهربان، ای همراه، ای نگهدار، ای فراگیر، ای روزی بخش، ای فریادرس، ای عزّت بخش، ای خوارکن، ای آغازگر، ای برگرداننده.

عد - ای آن که یکتاست و ضدّ ندارد، ای آن که یگانه است و بی مانند، ای آن که بی نیاز و کاستی است، ای آن که بی همتای بدون چگونگی است، ای آن که داوری بی ستم است، ای آن که پروردگاری بی وزیر است، ای آن که عزّتمندی بی خواری است، ای آن که توانگری بی نیاز است، ای آن که پادشاهی عزل ناپذیر است، ای آن که اوصافش بی مانند است.

عه - ای آن که ذکرش برای ذاکران شرف است، ای آن که شکرش برای شاکران رستگاری است، ای آن که ستایشش برای ستایشگران عزّت است، ای آن که طاعتش برای مطعیان مایه نجات است، ای آن که درگاهش گشوده است به روی جویندگان، ای آن که راهش برای توبه کاران هموار است، ای آن که نشانه هایش برای بینندگان دلیل قاطع است، ای آن که کتابش برای پرواپیشگان مایه پند و یادآوری است، ای

آن که روزی اش همه مطیعان و گنهکاران را فراگیرد، ای آن که رحمتش به نیکوکاران نزدیک است.

عو - ای آن که نامش خجسته است، ای آن که عنایتش بس بلند است، ای آن که معبودی جز او نیست، ای آن که ستایشش والا است، ای آن که نامهایش مقدس است، ای آن که هستی اش پایدار است، ای آن که بزرگی جلوه ارزش اوست، ای آن که بزرگمنشی پوشش اوست، ای آن که بخششهایش در شمار نیاید، ای آن که نعمتهایش شمرده نشود.

عز - خدایا ! از تو می خواهم به نامت ای مددرسان، ای امین، ای آشکار ای استوار، ای ارجمند، ای راهنما، ای ستوده، ای بزرگوار، ای سختگیر(گنهکاران)، ای گواه.

عح - ای صاحب عرش پرشکوه، ای صاحب سخن استوار، ای صاحب کردار برازنده، ای صاحب کوبش سخت، ای صاحب نوید و و تهدید، ای آن که سرپرست ستوده است، ای آن که به نیکی انجام دهد آنچه را خواهد، ای آن که نزدیک دوری ناپذیر است، ای آن که بر هر چیز گواه است، ای آن که بر بندگان ستمکار نیست.

عط - ای آن که شریک و وزیری ندارد، ای آن که مثل و مانندی ندارد، ای آفریننده خورشید و ماه تابان، ای بی نیاز کننده درمانده تهیدست، ای روزی دهنده کودک خردسال، ای مهرورز بر پیر بزرگسال، ای پیونددهنده استخوان شکسته، ای پناه ترسان پناه جو، ای آن که بر بندگانش آگاه و بیناست، ای آن که بر هر چیز تواناست.

ف - ای صاحب جود و بخشش ای صاحب فضل و کرم، ای آفریننده لوح و قلم، ای پدیدآورنده موران و مردمان، ای صاحب عذاب و انتقام ای الهام بخش عرب و عجم، ای بردارنده زیان و درد، ای دانای رازها و قصدها، ای پروردگار کعبه و حرم، ای آفریننده هرچیز از نیستی.

فا - خدایا !از تو خواستارم به نامت ای کردگار، ای هستی بخش، ای پذیرنده، ای برازنده، ای جدا، ای پیونددهنده، ای دادگر، ای چیره، ای جویا، ای بخشنده،

ص: 480

فب - ای آن که به کرمش بخشید، ای آن که به جودش گرامی داشت، ای آن که به لطفش کرم ورزید، ای آن که به نیرویش عزّت داد، ای آن که به حکمتش سامان داد، ای آن که به تدبیر خود حکم کرد، ای آنکه با علم خود تدبیر کرد، ای آن که با بردباری اش درگذرد، ای آن که در عین برتری اش نزدیک است، ای آن که در عین نزدیکی اش برتر است.

فج - ای آن که هرچه خواهد آفریند، ای آن که هرچه بخواهد بکند، ای آن که هرکه را بخواهد راهنمایی کند، ای آن که هرکه را بخواهد گمراه سازد، ای آن که هرکه را بخواهد عذاب کند، ای آن که هرکه را بخواهد بیامرزد، ای آن که هرکه را بخواهد عزّت بخشد، ای آن که هرکه را بخواهد خوار گرداند، ای آن که در رحم مادران هرچه خواهد صورت بخشد، ای آن که هرکه را بخواهد به رحمتش مخصوص گرداند.

فد - ای آن که همسر و فرزندی نگرفت، ای آن که برای هرچیز اندازه نهاد، ای آن که در حکمش کسی را شریک نساخت، ای آن که فرشتگان را فرستادگان خویش قرار داد، ای آن که در آسمانها برجهایی گذارد، ای آن که زمین را زیستگاه شایسته نمود، ای آن که آدمی را از آب آفرید، ای آن که برای هرچیز سرانجامی قرار داد، ای آن که با علم خویش هرچیز را دربر گرفته است، ای آن که تعداد هرچیز را شماره نموده است.

فه - خدایا !از تو درخواست می کنم به نامت ای آغاز، ای انجام، ای آشکار، ای نهان، ای نیکوکار، ای حق، ای یگانه، ای یکتا، ای بی نیاز، ای همیشگی.

فو - ای بهترین شناخته شده ای که شناخته شده، ای برترین معبودی که عبادت شده، ای والاترین ثناپذیری که سپاس شده، ای عزیزترین یاد شده ای که یاد شده ای برترین ستوده ای که ستایش شده، ای دیرینه ترین موجودی که خواسته شده، ای بلندترین وصف شده ای که به وصف آمده، ای بزرگترین مقصودی که قصد شده، ای گرامی ترین پرسیده شده ای که از او خواهش شده، ای شریف ترین محبوبی که دانسته شده.

فز - ای محبوب مسکینان، ای سرور توکّل کنندگان، ای راهنمای گمراهان، ای سرپرست مؤمنان، ای همدم ذاکران، ای پناه جان سوختگان ای رهایی بخش راستگویان، ای تواناترین توانایان، ای داناترین دانایان، ای پرستیده همه آفریدگان.

فح - ای آن که بالاست و چیره گشت، ای آن که داراست و توان یافت، ای آن که نهان شد و آگاهی یافت، ای آن که پرستش شد و ارج نهاد، ای آن که نافرمانی شد و آمرزید، ای آنکه اندیشه ها او را فرا نگیرد، ای آن که دیده ای او را در نیابد، ای آن که اثری بر او پوشیده نماند، ای روزی دهنده آدمیان، ای اندازه دهنده هر انداه.

فط - خدایا !از تو درخواست می کنم به نامت ای نگهدار، ای آفریننده، ای پدید آورنده، ای بسیار بخشنده، ای گشایشگر، ای فراخی بخش، ای کشف کننده، ای ضمانت کننده، ای فرمان ده، ای بازدارنده.

ص - ای آن که جز او غیب نداند، ای آن که برنگرداند بدی را جز او، ای آن که آفریدگان را جز او نیافریند، ای آن که گناه را جز او نیامرزد، ای آن که نعمت را جز او کامل نکند، ای آن که دلها را جز او دگرگون نکند، ای آن که کارها را جز او تدبیر ننماید، ای آن که باران را جز او فرو نبارد، ای آن که روزی را جز او نگستراند، ای آن که مردگان را جز او زنده نسازد.

صا - ای یاور ضعیفان، ای همراه غریبان، ای یار دوستان، ای چیره بر دشمنان ای بالا برنده آسمان، ای مونس برگزیدگان، ای محبوب پروا پیشگان، ای گنجینه تهیدستان، ای معبود توانگران ای کریم ترین کریمان.

صب - ای کفایت کننده از هرچیز، ای پاینده بر هرچیز، ای آن که چیزی مانند او نیست، ای آن که چیزی بر فرمانروایی اش نیفزاید، ای آن که چیزی بر او پوشیده نیست، ای آن که چیزی از خزانه هایش نکاهد، ای آن که مانندش کسی نیست، ای آن که چیزی از علمش پنهان نماند، ای آن که به همه چیز آگاه است، ای آن که همه رحمتش همه چیز را فرا گرفته است.

صج - خدایا !از تو درخواست می کنم به نامت ای اکرام کننده، ای روزی بخش ای نعمت دهنده، ای عطابخش، ای بی نیازکننده، ای ذخیره گذار، ای نابودکننده، ای زنده ساز، ای خشنودکننده، ای رهایی بخش.

صد - ای آغاز و انجام هرچیز، ای پرستیده و دارنده هرچیز، ای پروردگار و سازنده هرچیز، ای آفریننده و برآورنده هرچیز، ای گیرنده و گشاینده هرچیز، ای آغاز کننده هرچیز و بازگرداننده آن، ای پدیدآورنده و اندازه بخش هرچیز، ای هستی بخش و جنباننده هرچیز، ای زنده کننده و میراننده هرچیز، ای آفریننده و وارث بر هرچیز

صه - ای بهترین یادکننده و یادشده، ای بهترین ثناپذیر و ثناشده، ای بهترین ستاینده و ستوده، ای بهترین گواه و گواه پذیر، ای بهترین خواهنده و خوانده شده، ای بهترین پاسخ دهنده و پاسخ داده شده، ای بهترین یار و همدم، ای بهترین همراه و همنشین، ای بهترین هدف و خواسته، ای بهترین دوستدار و دوستی پذیر.

صو - ای آن که به خواهنده اش پاسخ گوید، ای آن که برای فرمانبرش دوست است، ای آن که به دوستدارش نزدیک است، ای آن که برای کسی که از او نگهداری طلبد دیده بان است، ای آن که به هرکه به او امید بندد کریم است، ای آن که هرکه از او نافرمانی کند بردبار است، ای ان که در بزرگی اش مهربان است، ای آن که در فرزانگی بزرگ است، ای آن که در نیکی اش دیرینه است، ای آن که به هر که او را خواهد دانا است.

صز - خدایا !از تو درخواست می کنم به نامت ای سبب ساز، ای شوق آفرین، ای برگرداننده، ای پیگیر، ای سامان بخش، ای هراس آور، ای برحذردار، ای یادآور، ای تسخیرگر، ای دگرگون ساز

صح - ای آن که علمش پیش است، ای آن که وعده اش راست است، ای آن که لطفش آشکار است، ای آن که فرمانش چیره است، ای آن که کتابش استوار است. ای آن که حکمش شدنی است، ای آن که قرآنش باشکوه است، ای آن که فرمانروایی اش دیرین است، ای آن که بخشش فراگیر است، ای آن که پایگاهش بس بزرگ است.

صط - ای آن که شنیدنی از شنیدن دیگر بازش ندارد، ای آن که کاری از کار دیگر منعش نکند، ای آن که گفتاری از گفتار دیگر سرگرمش نکند، ای آن که درخواستی از درخواست دیگر او را بازندارد، ای آن که چیزی از چیز دیگر پرده اش نشود، ای آن که اصرار اصرارکنندگان او را به ستوه نیاورد، ای آن که آرمان واپسین

جویندگان است، ای آن که نهایت همّت عارفان است، ای آن که پایان جستجوی جویندگان است، ای آن که ذره ای در سراسر هستی بر او پوشیده نیست

یکصد - ای بردباری که شتاب نکند، ای بخشنده ای که بخل نورزد، ای راستگویی که تخلّف نکند، ای عطاکننده ای که خستگی نپذیرد، ای چیره ای که شکست ناپذیر است، ای بزرگی که به وصف در نیاید، ای دادگری که ستم ننماید، ای توانگری که نیازمند نشود، ای بزرگی که کوچک نگردد، ای نگهداری که غفلت ننماید.منزّهی تو ای که معبودی جز تو نیست، فریادرس، فریادرس، ما را از آتش رهایی بخش پروردگار. یا ذالجلال و الاکرام یا ارحم الراحمین(1).

4. مهج الدعوات: از جمله دعاها، شرح معروف به دعای جوشن است. کاتب نیازمند به در گاه الهی، ابوطالب بن رجب میگوید: دعای جوشن و خبر و فضیلت آن را در یکی از کتابهای جد نیکبختم تقی الدین حسن بن داود رحمه الله علیه یافتم که با مهج الدعوات و سایر منابع متفاوت بود و این روایت بر دعای مذکور مقدم است، فلذا خواستم آن را در اینجا بیاورم تا فضیلت دعای مذکور روشن گردد. در اینجا آنچه را یافتم عینا نقل میکنم:

خبر دعای جوشن و فضیلت آن و ثواب خواننده و حامل آن با حذف سند از امام کاظم علیه السلام به واسطه پدران بزرگوارش از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است. فرمود: پدرم امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: آیا دوست داری سرّی از اسرار خداوند عزوجل را که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله به من آموخته و کسی دیگری از آن باخبر نیست، به تو بیاموزم؟ عرض کردم: بلی ای پدر جانم به فدایت. فرمود: جبرئیل در جنگ احد بر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نازل شد. جنگ احد روزی هولناک و بسیار گرم بود و پیامبر زرهی بر تن داشت که از شدت گرمای هوا و حرارت زره، تحمل آن برای حضرت غیرممکن بود.

پیامبر فرمود: سرم را به سوی آسمان برداشتم و دعا کردم. درهای آسمان را دیدم که باز شد و جبرئیل غرق در نور بر من نازل شد و عرض کرد: سلام بر تو ای

1- . بلد الامين :402-411

پیامبر خدا. پاسخ دادم: علیک السلام ای برادرم جبرئیل. عرض کرد: خداوند بزرگ و والا مرتبه بر تو سلام میفرستد و تو را به زنده باد و گرامیباد مخصوص میدارد و میفرماید: ای زره را از تن دربیاور و این دعا را بخوان، که اگر آن را بخوانی و همراه داشته باشی، همانند زرهی بر تن تو خواهدبود.

گفتم: ای برادرم جبرئیل، آیا این دعا مخصوص من است یا برای خودم و امتم است؟ عرض کرد: این هدیهای است از جانب خداوند متعال برای شما و امت شما. پرسیدم: ای برادرم جبرئیل، ثواب این دعا چیست؟ عرض کرد: هر کس این دعا را صبحگاهان یا شامگاهان قرائت کند، خداوند متعال او را به اعمال نیکو ملحق میسازد و این دعا در تورات و انجیل و زبور و فرقان و صحف ابراهیم مذکور است.

پس گفتم: ای برادرم جبرئیل، آیا خداوند این ثواب را برای همه خوانندگان آن عطا میکند؟ عرض کرد: بلی و علاوه بر آن خداوند برای هر حرف آن یک جفت حورالعین میبخشد و وقتی خواننده دعا از خواندن آن فارغ شود، خداوند خانهای در بهشت برایش بنا میکند و به تعداد حروف تورات و انجیل و زبور و فرقان عظیم به او ثواب میبخشد. گفتم: آیا همه این پاداشها برای کسی است که این دعا را بخواند؟ ! عرض کرد: بلی یا رسول الله، قسم به آنکه تو را به حقیقت پیامبر و فرستاده خود مبعوث فرمود، خداوند متعال به او مثل ثواب ابراهیم خلیل و موسای کلیم و عیسای روح الامین و محمد حبیب را عطا میفرماید. گفتم: آیا این همه پاداش برای دارنده اهل این دعاست؟ ! عرض کرد: بلی یا رسول الله هر که این دعا را قرائت کند و آن را با خود نگه دارد، اجری بیشتر از آنچه ذکر نمودم دارد، و قسم به آنکه تو را به حقیقت به پیامبری مبعوث فرمود، در پشت مغرب، سرزمین سفیدی وجود دارد و در آن آفریدههایی از خداوند هستند که او را می پرستند و از او سرپیچی نمیکنند و گوشت تن و چهرهایشان از شدت گریه از هم دریده شده است. خداوند به ایشان وحی فرمود: چرا گریه میکنید و به اندازه یک چشم برهم زدنی هم نافرمانی مرا نمیکنید؟ عرض کردند: می ترسیم خداوند بر ما خشم گیرد و با آتش عذابمان کند.

علی علیهالسلام میفرماید: عرض کردم یا رسول الله، آیا آنجا هیچ شیطانی یا فردی از بنی آدم وجود ندارد؟ پیامبر فرمود: قسم به کسی که مرا به حق به پیامبری

مبعوث فرمود، آنها خبر ندارند که خداوند آدم و نیز ابلیس را آفریده است و تعداد آنها را جز خداوند کسی نمیداند، و مدت حرکت خورشید در سرزمین ایشان چهل روز است، نه چیزی میخورند و نه میآشامند. و خداوند متعال برای این دعا، ثوابی به تعداد آنها و مقدار عبادتشان عطا میفرماید. پیامبر فرمود: آیا خداوند همه این ثواب را می بخشد؟! جبرئیل عرض کرد: قسم به کسی که تو را به حق به پیامبری مبعوث فرمود، خداوند در آسمان چهارم خانهای بنا نموده که به آن بیت المعمور گفته میشود، هر روز هفتاد هزار ملک به آن وارد و از آن خارج میشوند و تا روز قیامت به آن برنمیگردند و خداوند عزو جل ثواب این ملائکه و ثوابی به تعداد همه مؤمنین و مؤمنات از انس و جن از اولین روز خلقتشان تا زمان دمیده شدن در صور اسرافیل، به خواننده دعا عطا میفرماید. و ادامه داد: قسم به کسی که تو را به حق به پیامبری مبعوث فرمود، هرکس این دعا را با آب باران و زعفران در ظرف تمیزی بنویسد، سپس آن را بشوید و به آن مقدار که بتواند از آن بیاشامد، خداوند متعال او را از هر دردی در جسمش رهایی میبخشد و از هر درد و مرضی شفا میبخشد.

گفتم: ای برادرم جبرئیل، آیا همه این فضیلتها برای این دعاست و همه این ثوابها را خداوند به اهل این دعا عطا می فرماید؟! عرض کرد: قسم به کسی که تو را به حق به پیامبری مبعوث فرمود، هر کسی آن را بخواند به مرگ شهدا بمیرد. پرسیدم: مرگ شهدای دریا یا شهدای صحرا؟ عرض کرد: قسم به کسی که تو را به حق به پیامبری مبعوث فرمود، خداوند متعال اجر هفتصد هزار شهید از شهدای صحرا را برای او می نویسد.

گفتم: ای برادرم جبرئیل، آیا خداوند همه این اجر را برای او می نویسد؟! قسم به کسی که تو را به حق به پیامبری مبعوث فرمود، در شبی که انسان این دعا را میخواند خداوند به او روی میکند و بر او نظر میافکند و همه آنچه از حوائج دنیا و آخرت را که بخواهد به او عطا میکند.

گفتم: ای برادرم جبرئیل بیشتر بگو. عرض کرد: در شبی که انسان این دعا را میخواند خداوند شر و مکر شیاطین را از او دفع میسازد و همه اعمالش را میپذیرد و داراییاش را تطهیر میکند و همه اعمال مؤمنین و مؤمنات را نیز میپذیرد.

گفتم: ای برادرم جبرئیل بیشتر بگو. عرض کرد: یا رسول الله، اسرافیل به من گفت که خداوند فرمود: به عزتم قسم، هرکسی به من ایمان آورد و این دعا را تصدیق نماید به او مُلکی میبخشم و به درستی که خداوند منم و خزانه هایم کم نمیشود و عطایایم نابود نمیشود و اگر همه بهشت را به بندهای از بندگانم مخصوص کنم، نه کم و نه زیادی از خزانههایم نمیکاهد. ای محمد من هستم آن کسی که هرگاه چیزی را اراده کنم، به او میگویم باش و هر چه خواستهام موجود میشود. من به حقیقت هرگاه به بندهای عطا کنم، عطایی به اندازه عظمت و سلطنت و قدرتم به او می بخشم، ای محمد، هر بندهای از بندگانم این دعا را هفتاد مرتبه با نیتی خالص و یقینی صادق بر بالای سر همه مبتلایان به پیسی و خوره و دیوانگی دنیا بخواند، البته آنها را از این بلاها رهایی میبخشم وبیماریها را از بدنشان خارج میسازم.

خوشا به کسی که به خداوند ایمان آورد و پیامبرش را تصدیق کند و به این دعا و ثواب آن باور داشته باشد و وای و صد وای بر کسی که آن را انکار و نفی کند و به آن ایمان نیاورد. ای پیامبر خدا، اگر انسان این دعا را با کافور و مشک در ظرفی بنویسد و آن را بر کفن مرده ای بپاشد، خداوند صدهزار نور بر قبرش نازل مینماید و هول نکیر و منکر را از او دفع میفرماید و از عذاب قبر ایمن میشود و خداوند هفتادهزار ملک بر قبرش فرو میفرستد و با هر ملک طبقی از نور است که بر او پخش میکنند و او را به بهشت حمل میکنند و به او میگویند: خداوند تبارک و تعالی ما را به این کار امر فرموده و ما تا روز قیامت همنشین تو خواهیم بود. خداوند قبرش را به اندازهای که چشم کار کند، برایش فراخ میگرداند و برای او دری بسوی بهشت قرار میدهد و ملائکه به حرمت و عظمت این دعا او را مانند عروسی در حجله میخوابانند و خداوند متعال میفرماید: من حقیقتاً از بندهای که این دعا در کفنش باشد، حیا میکنم.

جبرئیل عرض کرد: ای محمد صلی الله علیه وآله، شنیدم که خداوند آفریننده فرمود: این دعا پنج هزار سال قبل از آنکه دنیا را بیافرینم بر سراپرده عرش نوشته شده بود و هر بندهای این دعا را با نیت پاک و درست و عاری از تردید در اول ماه رمضان بخواند، خداوند ثواب شب قدر به او عطا میفرماید و در هر آسمان

هفتادهزار ملک و در بیت المقدس هفتادهزار ملک و در مشرق هفتادهزار ملک و در مغرب هفتادهزار ملک می آفریند که هر ملکی بیست هزار سر دارد و در هر سر بیست هزار دهان و در هر دهانی بیست هزار زبان است که خداوند را به زبانهای مختلف تسبیح می کنند و ثواب تسبیحشان را به کسانی می دهند که این دعا را بخواند.

ای پیامبر خدا، هیچ پیامبری نبوده مگر اینکه این دعا را خوانده است و هیچ بنده ای این دعا را نخوانده مگر اینکه میان دعاکننده و میان خداوند جز یک حجاب باقی نمانده است و چیزی از خداوند نخواسته مگر اینکه به او عطا فرموده است و هر کسی این دعا را بخواند خداوند متعال در لحظه خروجش از قبر هفتادهزار ملک به سوی او میفرستد که در دست هر ملکی علَمی از نور است و هفتاد هزار غلام که در دست هر کدام افسار مرکبی است که شکمش از مروارید و پشتش از زبرجد سبز و دست و پایش از یاقوت سرخ است، و در پشت هر شتری قبّهای است و بر روی هر قبه چهارصد فرش از پرنیانِ نازک و دیبای ستبر است و بر روی هر فرش چهارصد حوری و چهارصد کنیزک است و هر حوری و کنیزکی چهارصد گیسو از مشک خالص دارند و بر سر هر گیسو تاجی از طلای سرخ وجود دارد که خداوند را تقدیس و تسبیح میکنند و ثواب آن را به خواننده این دعا هدیه میکنند. و پس از آن هفتادهزار ملک نزد او می آیند که با هر کدام کاسهای از مروارید سفید است که در آن چهار نوع نوشیدنی و آب زلال و شیر تغییر نیافته و شراب لذتبخش و عسل صاف شده وجود دارد. بر سر هر ملک طبقی است که بر روی آن دستمالی انداخته شده که بر آن لا إله إلا الله لا شریک له نوشته شده است. و در زیر این جمله، نوشته شده است: این هدیهای است از طرف خداوند متعال به فلانی پسر فلانی به خاطر مواظبت بر این دعا. این شخص با این هیبت در حالی در صحنه قیامت حاضر میشود که همه خلائق او را تماشا میکنند و میپرسند: این کیست که غلامان و کنیزکان سوار بر شتران و ملائکه در پیش رو و پشت سر، گردش گرفته و او را به زیر عرش میبرند؟ در اینحال ندادهندهای از سوی خداوند رحمان ندا در میدهد که ای بنده من بدون حساب وارد بهشت شو.

ص: 488

یا رسولالله، هر بندهای این دعا را بخواند، ملائکه در نوشتن حسنات او و پاک نمودن گناهانش به رنج و سختی میافتند.

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: هیچ بندهای از امت من نیست که این دعا را در ماه رمضان سه مرتبه یا یکبار در سه جزء بخواند مگر اینکه خداوند پیکرش را بر آتش حرام و بهشت را بر او واجب میگرداند و چنین شخصی ارزشش نزد خداوند بزرگ و منزلتش باشکوه است، و هرکه این دعا را بخواند خدای عزوجل ملائکهای بر او موکل می فرمایدتا او را از گناه بازدارند و تسبیح و تقدیس خدا گویند و او را از همه بلایا محافظت نمایند و درهای بهشت را بر رویش گشوده و درهای جهنم را بر او ببندند. و تا زمانی که زنده است و در لحظه وفاتش در امان خداست، و خداوند همه آنچه را که برایت وصف نمودم، برای او آماده ساخته است.

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: ای برادرم جبرئیل مرا درباره این دعا به شوق انداختی! جبرئیل عرض کرد: یا محمد صلی الله علیه وآله، ای دعا را تنها به مؤمنی بیاموز که شایسته آن است و در حفظ آن سستی نمی کند و آن را مسخره نمیپندارد و هر گاه آن را میخواند با نیت پاک و خالص بخواند و اگر آن را بر خود بست با وضو بر خود ببندد، چرا که جز اهل طهارت آن را لمس نمیکنند.

حسین بن علی علیهما السلام فرمود: پدرم امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، سفارش بسیاری درباره این دعا و حفظ آن به من فرمود و گفت: این دعا را بر کفنم بنویس. و فرمود: من نیز آنگونه که پدرم امر فرموده بود، انجام دادم.

و آن دعایی است سریع الاجابه که خداوند بندگان مقربش را بدان مخصوص گردانده و از اولیا و برگزیدگان منع نفرموده است و گنجی است از گنجهای الهی که به دعای جوشن معروف است.

ای نگهدارنده و حافظ این دعا و آگاه بر آن، تو را به خداوند قسم میدهم این دعا را جز در اختیار مؤمن دوستدار اهل بیت که شایسته حق من باشد، نگذاری و اگر به فرد ناشایستی که حق آن را نشناخته و آن را به تمسخر بگیرد، گذاشتی، از خداوند عظیم میخواهم تا او را از اجر آن محروم سازد و نفع دعا را به ضرر تبدیل

سازد، و این وصیت من به تو درباره این حرز و دعای معروف به حرز جوشن است که خداوند آن را برای خوانندگان آن حرز و امان از آفات دنیا و آخرت قرار دهد.

و پیامبر اکرم به علی بن ابی طالب صلوات الله علیهما وآلهما فرمود: این دعا را به اهل بیت خود و فرزندانت بیاموز و آنها را به خواندن آن و توسل به خدای متعال و اعتراف به نعمتهای او ترغیب کن و بر ایشان حرام کردم که این دعا را به مشرکی بیاموزند، چرا که هر کس حاجتی از خدا بخواهد به او عطا میکند و او را کفایت و نگاهداری میفرماید. و ایشان به امیرالمؤمنین فرمودند: یا علی! جبرئیل آن اندازه مرا با فضیلت این دعا آشنا کرده که قدرت بیان و شمارش آن را ندارم و اینکار تنها از خداوند عزیز و متعال ساخته است والحمدلله رب العالمین.(1)

5. مهج الدعوات: فراء از محمد بن علی بن ابی طالب از پیامبر صلوات الله علیهما وآلهما روایت میکند که فرمود: هر کس با این نامها دعا کند، خداوند عزوجل دعایش را مستجاب میفرماید و فرمود: اگر این دعا بر صفحات آهن خوانده شود، آهن به اذن خداوند ذوب میشود و فرمود: قسم به آنکه مرا به حق به پیامبری برانگیخت، اگر تشنگی و گرسنگی بر کسی غلبه کند و او این دعا را بخواند، گرسنگی و تشنگیاش برطرف میشود وقسم به آنکه مرا به حق به پیامبری برانگیخت، اگر کسی این دعا را بر کوهی که میان او و مقصدش مانع است، بخواند آنگونه که میخواهد در کوه نابود میشود تا از آن عبور کند. و قسم به آنکه مرا به حق به پیامبری برانگیخت، اگر این دعا را در نزد دیوانهای بخوانند از دیوانگی رهایی مییابد و اگر این دنیا نزد زنی خوانده شود که زایمانش سخت گردیده، خداوند آن را برایش آسان گرداند.

و حضرت صلی الله علیه وآله فرمود: اگر کسی این دنیا را در شهری بخواند که در حال سوختن است و منزل او در وسط شهر است، منزلش از آتش نجات مییابد و دچار حریق نمیشود. و اگر کسی این دعا را در چهل شب جمعه بخواند، خداوند متعال تمامی گناهان میان او و خداوند را میبخشد، و اگر با مادر خود نیز مرتکب

1- . مهج الدعوات :281- 288

حرام شده باشد، خداوند متعال گناهش را بر او میبخشد. و قسم به آنکه مرا به حق به پیامبری برانگیخت، هیچ غمزدهای این دعا را نمیخواند مگر اینکه خداوند بزرگوار به رحمت خود غم او را در دنیا و آخرت برطرف میسازد. و قسم به آنکه مرا به حق به پیامبری برانگیخت، هیچ کسی این دعا را نزد سلطان ظالمی قبل از ورود به نزد سلطان و نگاه بر وی نمیخواند مگر اینکه خداوند آن سلطان را فرمانبردار او ساخته و از شرش در امان میدارد إن شاء الله تعالی. و آن نامها این است، میگویی:

خداوند ا از تو مسألت می نمایم ای کسی که در پرتو نورش از دیدگان آفریدگانش پنهان شده است؛ ای کسی که لباس جلال و عظمت بر تن کرده و به جبروت در تنزهش مشهور است، ای کسی که بلند مرتبه است به سبب جلالت و بزرگواری در تنهایی شرف خود، ای کسی که تمامی امور بر فرمانش از سر اطاعت سرنهاده است، ای کسی که آسمانها و زمین ها برپا خاستهاند در حالی که دعوتش را اجابت کردهاند، ای کسی که آسمانها را با ستارگان درخشان زینت داده و آنها را مایه راهنمایی آفریدههایش قرار داده است، ای کسی که به لطف خود ماه درخشان را در سیاهی شبهای تاریک روشن کرده ، ای کسی که خورشید نورانی را نور داده و آن را مایه کسب معاش بندگانش قرار داده و به عظمت خودش آن را موجب اختلاف میان شب و روز قرار داده است، ای کسی که به سبب گستراندن ابرهای نعمتش سزاوار شکر است، از تو به حق جایگاههای عزت در عرشت و نهایت رحمتت در کتابت و به حق هر نامی که از آن توست و خود را بدان نامیدهای یا آن را در علم غیب نزد خود برگزیدهای، و به حق هر نامی که از آن توست و آن را در کتابت نازل یا در دلهای ملائکه صف بسته بر گرد عرشت ثابت فرمودهای، و دلها از بیان اخلاص در یگانگیات و تحقیق در فردانیتت، با اقرار به بندگی به سینه ها برگشتهاند، تو به حقیقت خدا هستی، تو خدا هستی، تو خدا هستی که خدایی جز تو نیست .

و از تو به حق آن اسامی میخواهم که با آنها در کوه عظیم برای موسی تجلی کردی، و آنگاه که پرتو نورهای پشت پرده از روشنایی عظمتت پدیدار گشت، کوهها از عظمت و شکوه و هیبتت با از هم پاشیدگی به کرنش و از ترست به لرزش افتادند،

خدایی جز تو نیست، خدایی جز تو نیست، خدایی جز تو نیست، از تو به حق آن اسمی میخواهم که چسبیدگی بزرگ کاسه چشمان ناظران را شکاف دادی، همان اسمی که تدبیر حکمتت و شواهد حجتهای پیامبرانت به آن است و تو را با زیرکی دلهایشان می شناسند و تو در پنهان ترین پنهانهای عالم غیبی، از تو به عزت آن اسم مسألت میکنم که بر محمد وآل محمد درود فرستی و از من و خویشانم و همه مؤمنین و مؤمنات، تمامی آفات و عیوب و ناراحتی ها و بیماریها و خطاها و گناهان و تردید و شرک و کفر و دودستگی و دو رویی و خشم و نادانی و بغض و گمراهی و سختی و تنگی و فساد درون و وارد آمدن عقوبت و شماتت دشمنان و غلبه دشمنان دور فرمایی که تو شنونده دعایی و در هر چه اراده کنی لطیفی و هیچ حرکت و قدرتی جز به دست خداوند بلندمرتبه و بزرگ نیست.

روایت است که سلمان فارسی رحمت الله علیه خدمت پیامبر صلوات الله علیه وآله عرض کرد: یا رسول الله پدر و مادرم به فدایت، آیا این دعا را به مردم نیاموزم؟ فرمود: نه ای اباعبدالله، چرا که مردم نماز را ترک میکنند و بر مرکب کردارهای زشت سوار میشوند و هرگاه با این نامها دعا کنند، گناهان خودشان و اهل بیتشان و همسایگان و اهل مسجدشان و اهل شهرشان آمرزیده میشود.

میگویم: خواندن این دعا در روز سهشنبه در هنگام ابتلای شدید به بلاها به من الهام شد، و حاجتم برآورده شد و به مقصود خود رسیده و با رسیدن به مطلب خود از شر اهل حسد در امان شدیم بامید خداوند متعال.(1)

6. دعوات راوندی از امام زین العابدین علیهالسلام روایت است که فرمود: کلماتی است که هرگاه آنها را ذکر کردم از هیچ شیطانی و پادشاهی و جانور درندهای و دزد شبانهای نترسیدم و آن کلمات اینها است: آیت الکرسی، آیه سُخره (دو آیه آخر حم سجده)، آیه إن ربکم الله الذی خلق السموات والأرض از سوره اعراف و ده آیه نخست صافات و سه آیه از سوره الرحمن از آیه یا معشر الجن و الإنس و آخر

1- . مهج الدعوات :95- 97

سوره حشر و آیه سُبْحانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمَّا یَصِفُونَ وَ سَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِین.

و از دعاهای حضرت صادق علیه السلام است که: پناه می برم به زره در امان و نابود نشدنی تو که مرگ مرا در حالت غمناک و یا در حالتی که از جایی پرت شده، و یا دیواری روی من بریزد، و یا غرق شوم، و یا بسوزم قرار مده، و یا در حالت تشنگی و یا در حالتی که به زور نگاهم دارند و بکشند، و یا در حالتی که به من آسیب برسانند و کشته شوم و یا خوراک درندگان گردم، یا در خاک غریب یا مرگ بد قرار مده. و در رختخوابم در حالت عافیت یا در ردیف کسانی که آنان را در کتاب خود ستوده و فرموده ای: «به گونه ای در ایمان محکم و استوارند که گویی ساختمانی از سرب هستند» بمیران، در حالتی که در طاعت تو و پیروی رسولت صلّی اللَّه علیه و آله باشم.

7. اختیار ابن باقی: از دعاهای حضرت صادق علیه السلام است که روایت فرمود: جبرئیل در شب جنگ احزاب آن را برای دفع شر شیطان و پادشاهان و حفظ از غرق شدن و سوختن و نابودی و درندگان و راهزنان به امیرالمؤمنین هدیه آورد و شرح بلندی دارد که از خوف اطاله کلام ذکر نکردیم. این دعا منافع بسیاری دارد و حرزی است از هر آفت و شدت و ترس، و دعا این است:

بسم الله الرحمن الرحیم، خداوندا ما را با چشمانی محافظت فرما که خواب در آنها راه ندارد و در رکن خود حفظ کن که سستی نمیپذیرد و با سلطانت عزیزمان گردان که مورد ظلم واقع نمی شود، و با قدرتت بر ما رحم کن و ما را هلاک نفرما که تویی امید ما. پروردگارا چه بسیار نعمتی که تو به من ارزانی داشتی و شکر من از تو برای آنها کم شد و چه بسیار بلایی که تو مرا بدان مبتلا ساختی و من در مقابل آن کم صبری نمودم. پس ای خداوندی که با کم شکریام در مقابل نعماتش، مرا از آنها محروم نساخت، و ای کسی که در بلایایش کم صبری نمودم اما تنهایم نگذاشت. ای صاحب نیکیهای دائمی که هرگز از بین نمی روند و ای صاحب نعمتهایی که قابل شمارش نیستند، از تو میخواهم که بر محمد وآل مطهر او درود فرستی و تو را در رویارویی با دشمنان و گردنکشان در مقابل خود قرار میدهم.

خداوند ا با دنیایم مرا در دینم یاری کن و با تقوایم در امر آخرتم و در چیزهایی که بر من پوشیده است، مرا حفظ کن و در چیزهایی که در آن حاضرم مرا به خود وامگذار، ای کسی که مغفرتش چیزی از او نمیکاهد و گناهان بندگانش ضرری به او نمیرساند، از تو فرجی زودهنگام و صبری زیبا و روزی فراخ و عافیت از همه بلایا و شکر بر عافیت میخواهم ای رحم کنندهترین رحم کنندگان.

و برای شخص مستحب است که این دعا را در حالی بر چیزی که خواهان حفظ و مراقبت آن است، بخواند که دستش را به قصد تعویذ بر آن می گرداند چه در نزد او باشد و چه نباشد.

8. امالی شیخ طوسی: از زریق خلقانی روایت است که خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم دعایی به من بیاموز که هرگاه چیزی را نگهداری کردم، ترسی از گم شدن آن نداشته باشم. فرمود: اینگونه میگویی: ای نگهدارنده دو پسر برای صلاح پدرشان، مرا حفظ کن و دین و امانت و مالم را برایم نگهداری کن که هیچ نگهدارنده ای برای حفظ چیزهای گمشده بهتر از تو برای حفظ مالم نیست که تو نگهدارنده نگاهبان هستی. با گوش و چشم و قَدَر خداوند، هر کسی را که قصد مرا و مال مرا دارد، بستم که هیچ حرکت و توانی جز به دست خداوند بلند مرتبه و بزرگ نیست.(1)

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

1- . أمالی طوسی 2 : 311

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109